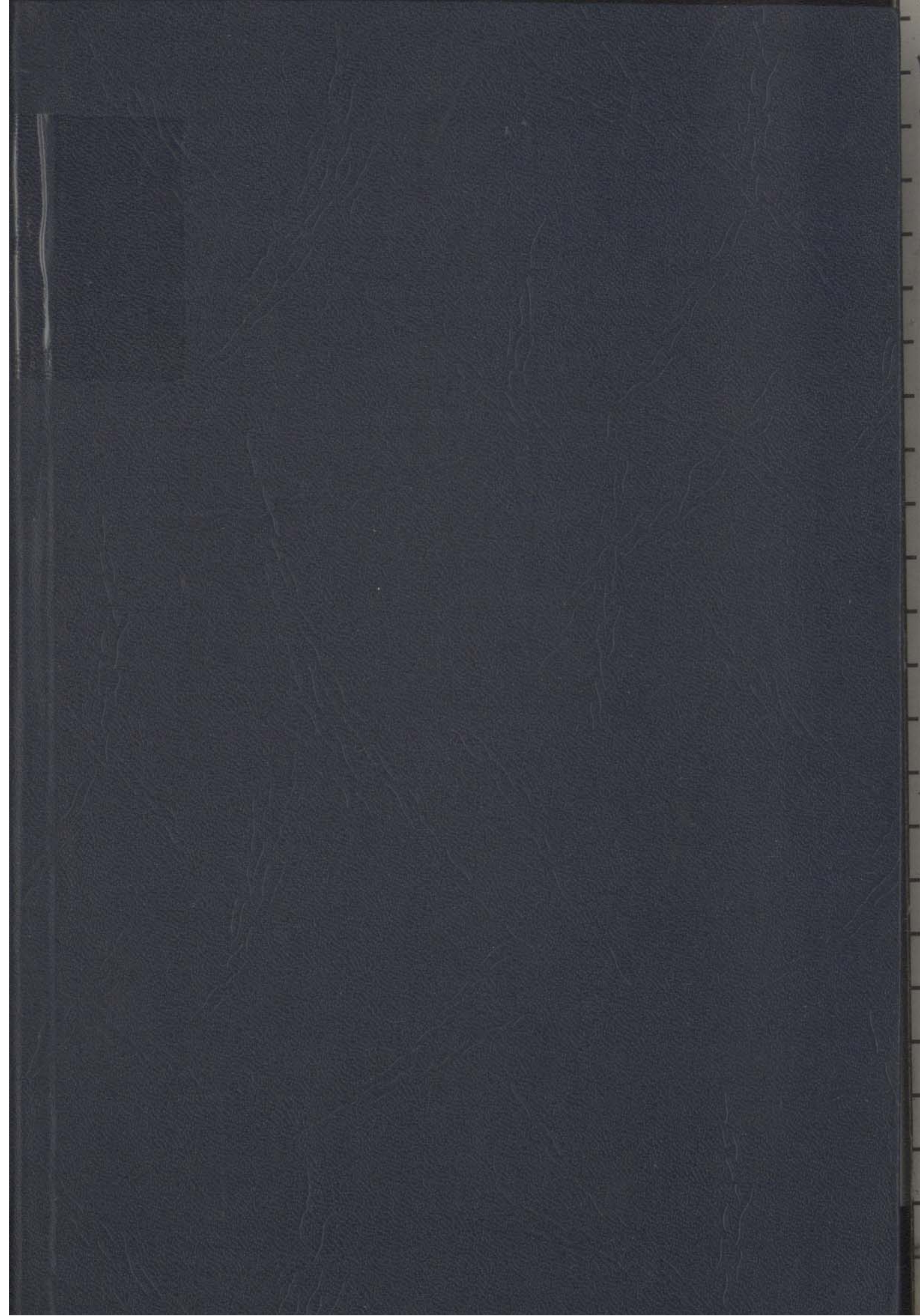
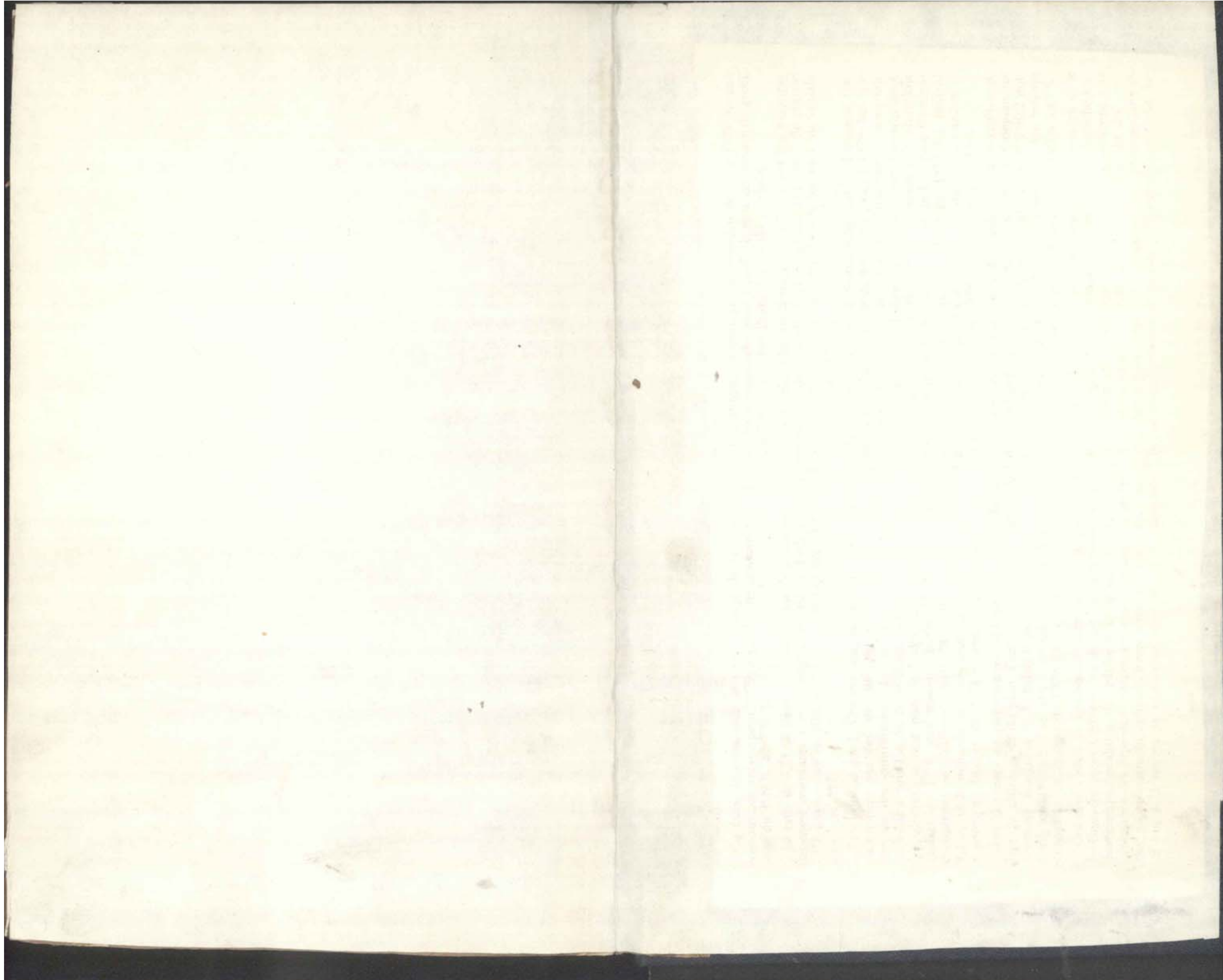




عجالۂ نافعہ

اسم بامسمیٰ از تصنیفات حکیم نامی و نامور حکیم محمد شریف خان دہلوی

صاحب تصنیف علاج الامراض وغیرہ

متضمن

بر اوصاف تاثیرات ادویہ مرکبات وتراکیب وتدابیر ومعالجہ

اقسام و انواع امراض کہ بتحقیق وتجربہ تمام نوشتہ اند

حسب تحریک مشفقی راو امر سنگھ صاحب رئیس بدہانہ

ضلع مظفرنگر

منقول وتصحیح لائقہ از مطبوعہ کہنہ باحسن ازمنہ مقام لکھنو

۱۸۷۳ء

در مطبع نامی منشی نول کشور بحسن زیبا پیش حلیہ طبع در بر کشید



اشتہار

ذیل سطور مین مطبع کے ذخیرہ کتب فن طب سے اسلیے درج کیے جاتے ہین کہ ہمارے قدر دان ایک کتاب کی خریداری سے اور اور کتب بھی جو اس فن کی کتب خانہ مطبع مین فروخت کے لیے موجود ہین اوس سے آگاہ ہو کر توجہ فرماوینگے ۔۲۔ عام قیمت مجوزہ کارخانہ کتاب کے مقابل مین لکھی گئی ہے خریداجرانہ اور کن کن شرائط سے تخفیف قیمت مقررہ مین مطبع سے ہو سکتی ہے مطبع کے نام خط کتابت فرمانے سے قدردانون کو فہرست مطول جسمین ہر قسم کی کتابین موجود ہین بغور ورود درخواست و ارسال ٹکٹ ار محصول فہرست مطول ارسال ہو سکتی ہے و شرائط تخفیف قیمت مین اوس فہرست سے معلوم ہونگے۔

فہرست کتب طب اردو فارسی و عربی

طب اردو			
		تحفة الاطبا ...	۲ر
زبدة الحکمت	۱۲ر	قرابادین شفائی ...	۸ر
مفید الاجسام مع فوائد عجیبہ	سہر	قرابادین ذکائی ...	عہ
طب احسانی ...	سیلہ	مجربات اکبری اردو	۱۶ر
علاج الغربا	۱۰ر	طب نبوی ...	۲ر
مخزن الادویہ اردو در دو جلد	صہر	طب اکبر اردو ...	[illegible]
زینت الخیل علاج اسپان ...	۱۲ر	رموز الحکمت ...	۲ر
ایضاً مع رنگ	عہ	معالجات احسانی علاج بہائم و انسان	۵ر
فرسنامہ رنگین ..	ار	ترجمہ علاج الامراض ...	عہ
قانون عترت علاج تپ دق ...	۸ر	مرکبات احسانی ...	۶ر

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی لطفعنی و یمین و اذا مرضت فهو یشفین و الصلوة والسلام علی سید المرسلین و خاتم النبیین
و آله الطیبین الطاهرین و خلفاء الراشدین الی ابد الآبدین اما بعد می گوید معترف بجهل و نادانی خود محمد شریف خان ابن
حاذق الملک حکیم محمد اکمل خان ابن محمد واصل خان غفر الله له ولهما پیش ازان که کتاب علاج الامراض
بتصحیح و مقابله در آمده اکثر مردم نقل آن گرفتند و آنرا مشهور ساختند می خواستم که هنگام فرصت و فراغت
همه مواد را جمع نموده صحیح گردانم و دیگر از نسخ و فوائد بسیار با آن ضم سازم تا آنکه چند سال در سفر منقضی گردید
و فراغت و آرام حکم عنقا بهم رسانید ناچار بسرعت تمام در سفر انتخاب علاج الامراض نمودم و به عجالۀ نافعه
موسوم گردانیدم و تصحیح و مقابله کتاب مذکور را بر فراغت وقت موقوف داشتم هو المیسر لکل عسیر

باب الف اول اطریفل

معرب از تری پهل است که عبارت از هلیله و بلیله و آمله بود

اطریفل کشنیزی درد سر و چشم و گوش که از بخار عارض شود به برد و تقویت معده کند و بواسیر را
سود مند بود اجزای آن پوست هلیله زرد و پوست بلیله کابلی هلیله سیاه آمله مقشر پوست بلیله
کشنیز خشک مقشر مساوی کوفته و بیخته بروغن بادام یا گاو چرب ساخته با چندان عسل مرتب سازند
بعضی کشنیز را برابر مجموع ادویه گیرند اگر کشنیز داخل نکنند اطریفل صغیر خواهد بود و شربت از دو مثقال

تا شش و اولی آنکه بعد از دو ماه استعمال کنند و اکثر بطریق سفوف همراه نبات یا نمک و شیر بدون تحنین
چیزی در آب تر کرده صباح صاف نموده با شربت مناسب استعمال نموده شده در فصل و مزاج حار از
اول نافع تر آمده و عسلی گرم تر از شکری ست و مقدار شربتی اگر دو چند خواهد بود در نفع اکمل و در ساعت
اگر نخواهد بود استعمال اطریفلات علی الدوام باعث ضعف معده است **اطریفل سنائی** معمول
و مجرب حضرت قبله گاهی صاحب برای صداع و شقیقه و دیگر امراض دماغی و معدی مفید صفت
آن هلیله کابلی بلیله آمله برگ سنا مساوی بروغن بادام یا گاو و هموزن ادویه شهد سه وزن بدستور
مرتب سازند **اطریفل کشنیزی** بجهت تقویت دماغ و معده و قوت باه و بواسیر مجرب ست نسخه معمول
راقم صفت آن هلیله سیاه بلیله هلیله کابلی آمله مقشر فلفل دار فلفل هر یک پنج درم و نیم زنجبیل بسباسه
بوزیدان شیطرج هندی شقاقل مصری تودری سرخ و زرد لسان العصافیر مغز حب القلقل کنجد مقشر
خشخاش سفید هر یک دو و نیم درم همنین پنج درم کوفته و بیخته بروغن بادام یا گاو چرب نموده با تخم کشنیز
خراسانی هشت دام عسل سفید سه پاو بقوام آورند شربت از دو درم تا چار درم **اطریفل ثانی** تالیف
صاحب تحفه و مسمی باسم پدر خود ساخته و گفته که جهت اقسام مالیخولیا خصوص مراقی و خفقان و
صداع و منع صعود بخار نافع و بمداومت او جهت قطع نزله مجرب و قوت او تا دو سال باقی ماند و قدر
شربتش در استعمال از چهار مثقال تا شش و عند المداومت از یک مثقال تا دو مثقال و بجمیع امزجه موافق بود
ص پوست هلیله زرد پوست بلیله کابلی هلیله سیاه گل بنفشه محموده مشوی هر یک ده مثقال
تربد سفید موصوف کشنیز خشک هر یک بیست مثقال پوست آمله پوست هلیله مقشر گل سرخ طباشیر
سفید گل نیلوفر هر یک پنج مثقال صندل سفید کثیرا هر یک سی مثقال روغن بادام شیرین سی مثقال
ادویه کوفته و بیخته بروغن چرب سازند و عناب صد عدد و سپستان صد عدد گل بنفشه ده مثقال جوشانده
صاف نموده یکنیم وزن شیره بلیله و یک وزن عسل کف گرفته بقوام آورده بسرشند **اطریفل**
افتیمون جذام و بیماری های سوداوی را منفعت عظیم دارد و سیاهی موی نیز نگاه دارد
پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله از هر یک ده درم سنائی تربد سفید افتیمون از هر یک پنج درم

شیطرج هندی سه درم بسفایج فستقی یکدرم انیسون نمک هندی از هر یکدو درم کوفته و بیخته بعسل ... شربتی یکمثقال تا چهار درم **اطریفل افتیمون** که شیخ در علاج مالیخولیا بدرجه تعریف کرده و مجرب ... صفت آن اطریفل سه درم افتیمون یکدرم ایارج نصف درم مخلوط نموده استعمال نمایند **اطریفل اسطوخودوس** بیماریهای بلغمی و سوداوی را سود دارد و دماغ و معده را از اخلاط غلیظ پاک کند صرع و مالیخولیا و بهق و برص را نافع بود و مداومت آن مانع سفید شدن موی باشد و رطوبت دفع نماید ص پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه آمله منقی ... تربد سفید بسفایج فستقی اسطوخودوس مصطکی رومی افتیمون مویز از هر یک پنج مثقال کوفته و بیخته بروغن بادام شیرین لبست و پنج مثقال چرب نموده بعسل مصفی البسه برابر وزن ادویه سرشته معجون سازند و بعد از چهل روز استعمال نمایند شربتی چهار مثقال **اطریفل مقل** جهت بواسیر نفع عظیم دارد صفت آن پوست هلیله زرد پوست بلیله آمله منقی از هر یک ده درم مقل سی درم مقل را در آب کنند تا بگذازند و شصت مثقال عسل اضافه کنند و بجوشانند تا بقوام آید داروها را کوفته و بیخته با آن سرشند **اطریفل مقل** منقول از قرابادین عم مرحوم ص هلیله زرد کابلی و سیاه آمله مقشر بلیله از هر یک دو درم مویز منقی هشت درم مقل شش درم آب گندنا یک پاو عسل سفید سه برابر ادویه روغن بادام شیرین هشت درم بعد از چهل روز استعمال نمایند هر چند کهنه شود در حبس خون بواسیر مجرب است **اطریفل مقل ملین** طبع را نرم گرداند و بواسیر را نافع بود پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله هلیله سیاه افتیمون اسطوخودوس از هر یک ده درم مقل فلوس خیار شنبر از هر یک سی و مقل و فلوس را در آب گندنا حل کنند و با عسل مصفی بقوام آورند و داروها کوفته بیخته با روغن بادام چرب ... ن سرشند شربت از یکمثقال تا چهار درم و اگر تربد موصوف با سنا مکی بیفزایند در عمل خود اقوی خواهد بود **اطریفل دیدان** کرمهای ... را بکشد و حب القرع را زائل کند ص برنگ کابلی ده درم تربد موصوف حب النیل قسط تلخ از هر یک پنجدرم قنبیل ترمس افسنتین رومی درمنه ترکی افتیمون نمک نفطی خردل حنظل سعد ...

از هر یک سه درم کوفته بیخته با سه وزن ادویه عسل لبسرشند شربتی دو مثقال تا چهار مثقال بحسب مزاج **اطریفل خبث الحدید کبیر** منقول از قرابادین قانون نافع ست از برای سوء هضم و ... معده و استرخاء مثانه و سرعت انزال و زیاده می کند قوت باه را ص پوست هلیله سیاه پوست بلیله آمله منقی تخم کرفس کوهی شیطرج هندی نانخواه صعتر فارسی از هر یک یک اوقیه هلیل بوا جا ما سنبل الطیب وج ترکی از هر یک سه درم دار چینی چهار درم فلفل سیاه فلفل سفید دار مشک نمک هندی از هر یک نیم اوقیه خبث الحدید مدبر ... اوقیه خردل یک اوقیه و نیم نوشادر نیم درم کوفته و بیخته بروغن بادام شیرین چرب نموده بعسل کف گرفته سه وزن ادویه لبسرشند و در ظرف چینی نگاهداشته بعد از شش ماه استعمال نمایند **اطریفل هامان** منقول از قرابادین نجیب الدین سمرقندی بهق و برص را نافع بود و سیاهی مو نگاهدارد و امراض بلغمی زائل کند خاصه که بعد از تنقیه مستعمل میشود ص پوست هلیله کابلی بیست درم پوست آمله منقی افتیمون برنگ مقشر هر یک ده درم تربد سفید پانزده درم اسطوخودوس بسفایج هر یک هفت درم غاریقون نیم درم کندر سعد قسط زنجبیل زوفا هر یک دو درم فلفل دار فلفل بابونه نارمشک هر یک چهار درم کوفته و بیخته بعسل لبسرشند شربتی سه درم اگر بر سبیل دوام خورند جهت اسهال حسب مزاج زیاده توان داد **اطریفل** که صاحب عرق مدنی را نفع دارد مسهل و قامع این علت ست و هر که در هر سالی این را بخورد سالم بماند و ماده این مرض پاک شود ص پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله تربد موصوف زنجبیل قنبیل حاجه دوا برابر کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کرده بعسل لبسرشند شربتی سه درم و در ... گفته با هم چند همه فانیذ و قند تدهین بروغن بادام نکرده لبسرشند **اطریفل شاهتره** جهت حکه و جرب و سعفه نافع ست و آبله فرنگی را زائل کند ص پوست هلیله زرد چهل درم پوست هلیله کابلی سی درم پوست بلیله آمله منقی هر یک بیست درم سنا مکی ده درم گل سرخ شش درم شاهتره پنجاه درم کوفته و بیخته با مویز مدقوق لبسرشند و بعضی این نسخه را چنین نوشته اند هلیله زرد چهل درم هلیله کابلی شاهتره هر یک سی درم هلیله سیاه آمله هر یک ده درم ریوند چینی چوب گذر ...

کهوره هر یک دو درم کوفته و بیخته با روغن بادام چرب کرده با کشمش مدقوق بسرشند شربت از
دو درم تا چهار درم مع طبیخ عناب اطریفل غددی بجهت خنازیر نافع است هلیله سیاه
پانزده درم بلیله آمله تربد هر یک هفت درم افتیمون ده درم بسفایج اسطوخودوس غدد خشک
که در گلوی گوسپند میباشد هر یک پنج درم سنائی چار درم غاریقون زرنباد شیطرج نوسادر هر یک
سه درم انیسون قرفه سنبل الطیب قرنفل بحری جوز بوا خیربوا مصطکی هر یک دو درم کوفته
و بیخته بعسل مصفی بسرشند شربت پنج درم و در نسخه دیگر هلیله و آمله و تربد هر یک پنج درم بسفایج
و اسطوخودوس و سنائی هر یک هفت درم و قرفه و شیطرج و دیگر همه مثل سابق است اطریفل
که بهق و برص را نافع است هلیله کابلی بلیله آمله برگ حنا هر یک ده درم وج دو درم دوقو مثبت
درم مصطکی سه درم افسنتین پنج درم مویز منقی سی درم عسل قدر کفایت اطریفل کشمشی
جهت سرعت انزال و کشادگی مجری بول و منی مجرب ست ص پوست هلیله زرد هلیله سیاه
پوست بلیله آمله منقی هر یک دو درم کشنیز خشک چهار درم کوفته بیخته بروغن بادام چرب کرده
با کشمش دوازده درم نبات بیست و چهار درم بقوام آرند شربت سه درم ایارج بکسر همزه
و قیل بفتح تا تفسیر آن دوای الهی است و نسبت بآنه بسبب قوت عمل او نموده اند و بعضی گفته اند
هر دوای که اسهال بخواص و قوی کند که حق تعالی دران نهاده است آنرا دوای الهی گویند
و در بعضی کتب تفسیر ایارج بدوای مسهل مصلح ست جهت آنکه درین ترکیب ادویه مسهله با مصلحات
است و بعضی بدوای شریف تعبیر نموده لشرافتها و این اول مسهل است که حکمای متقدمین ترتیب
داده اند اینست ایارج فیقرا معناه النافع و شحم گویند وقتی که داخل کرده شود شحم حنظل فائده
می کند اکثر اقسام صداع را و معده را از اخلاط غلیظ پاک کند و اکثر با طریفل کوچک یا کشنیز
یا گلقند ممزوج نموده استعمال فرموده منافع بسیار مشاهده گردیده ص سنبل الطیب دارچینی
عود بلسان حب بلسان سلیخه مصطکی اسارون زعفران از هر یک جزوی صبر سقوطری دو وزن
ادویه شربت دو درم بعسل و آبگرم و بعضی صبر هموزن ادویه می کنند ایارج لوغاذیا نام حکیمی است

صداع دوار و شقیقه و سهم و فالج و لقوه و رعشه و بهق و برص و جذام و قوبا و سعفه و داء الثعلب و
مالیخولیا و درد گوش و بیضه و خوره و غیره امراض باردی و بادی را نافع بود ص سنبل تخم حنظل
پنج درم پیاز عنصل مشوی غاریقون سقمونیا خربق سیاه اشق اسقولوقندریون از هر یک چهار درم
و نیم افتیمون کمادریوس مقل صبر از هر یک سه درم خاشا غاریقون امیسون چهار درم ساذج
هندی فراسیون جعده سلیخه فلفل سفید مر جاوشیر جندبیدستر سنبل فطراسالیون زراوند طویل
عصاره افسنتین فرفیون حماما زنجبیل از هر یکدو درم جنطیانا اسطوخودوس از هر یک یکدرم و نیکو
بیخته بعسل بسرشند شربت چهار درم بآب گرم و عسل و بعد از شش ماه استعمال نمایند ایارج
شیخ بوعلی اخراج مواد سوداوی کند و مالیخولیا را انفع نماید و حکیم مذکور مجرب نوشته ص گل سرخ
خربق از هر یک یکدرم ملح هندی یکدرم و ثلث و حجر ارمنی نصف مثقال شحم حنظل فلفل سفید
هر یک یکمثقال تخم ریحان و تخم فرنجمشک پودینه خشک تخم بادرنجبویه تخم اترج هر یکدو درم
افتیمون دو درم و نیم درم غاریقون زنجبیل هر یک دو مثقال وج حماما اسارون حب بلسان
حاشا صعتر تخم کرفس دوقو تخم گزر بستانی هر واحد سه درم صبر پنج مثقال گاوزبان گیلانی دو
درم کوفته بیخته بدو چند عسل آمیخته شش ماه بگذرانند بعد ازان بعمل آرند ایارج ارکاغانیس جهت
جرب و قوبا مع طبیخ شاهتره دادن و برای درد معده و شکم و رحم با طبیخ سداب مع سه قیراط جندبیدستر
و جهت درد پشت اندر طبیخ کرفس و برای عرق النسا در میان طبیخ قنطوریون خاصه اگر چهار قیراط
عصاره قثاء الحمار با وی ترکیب کند و جهت عض سگ دیوانه مع یکدرم سرطان نهری سوده
دارد و همه بیماریهای بلغمی و سوداوی و ابتدای نزول ماء و تنگی نفس و گرفتگی آواز را مفید ست
ص شحم حنظل ده درم فراسیون اسطوخودوس خربق سیاه کمادریوس فلفل سیاه هر یک
بیست درم بصل الفار فرفیون صبر زعفران جنطیانا فطراسالیون جاوشیر هر یک پانزده درم
جعده دارچینی سکبینج مر سنبل اذخر پودینه جبلی زراوند مدحرج هر یکدو درم سقمونیا ده درم کوفته و
بیخته در سه چندان عسل کف گرفته بسرشند شربت چهار مثقال الفرذیا فالج و لقوه و صرع و

نسیان و جمیع امراض بلغمی را نافع باشد و هاضمه را قوت دهد و باه زیاده کند ص عاقرقرحا شونیز قسط
فلفل دار فلفل وج از هریک ده درم سداب خطبیا نا زراوند مدحرج حلتیت حب الغار خبه بلسان
شیطرج خردل از هریک پنجدرم عسل بلادر چهار درم و نیم داروها را کوفته و بیخته بروغن گردگان
چرب کنند با عسل بلادر و سه وزن ادویه عسل صاف سرشته کنند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربت
یک مثقال انقردیا صغیر منافع آن قریب بمنافع کبیر ست ص هلیله سیاه پوست بلیله
آمله مقشر از هریک ده درم سعد کوفی سنبل الطیب کندر وج فلفل زنجبیل عسل بلادر را از هریک
پنجدرم داروها را کوفته بیخته بروغن گردگان چرب کنند و با عسل بلادر و سه وزن ادویه عسل صاف
سرشته کنند و بعد از شش ماه استعمال نمایند اسود سلیم و اصفر سلیم منسوب بسوی سلیم است
که وکیل عبد الله بن ابی بکر بود و صاحب تذکره اسود سلیم را منسوب بعبد الله ابی برکات کرده
و چون لون این سیاه ست مسمی باسود گشته و اسود سلیم نافع است جهت فالج و لقوه و خدر
و صداع مزمن و دیگر امراض بارده و عادت خوردن افیون قطع می نماید و قدر شربت یکدرم
و گرم در اول و دوم و خشک در آخر سوم ص سنبل الطیب مصطکی زرنباد درونج هریک بیست
درم زعفران سه درم افیون فرفیون پنجدرم فلفل سفید کندش ملح هندی ملح نفطی بیخ بنج
بیخ لفاح عاقرقرحا لسان شیطرج هریک بیست درم وج سکبینج اشق زراوند طویل مدحرج خردل
مقل ازرق خربق جند بیدستر حنظل کبریت اصفر بزر جرجیر فنجنگشت سداب جبلی هریک چهل درم
شونیز بارزد قثای بری از هریک شصت درم جاوشیر هشتاد درم بزر جرجیل یکصد بیست درم
صمغها را در قطران ابیض حل کنند و دیگر داروها را کوفته باهم آمیخته بعسل سفید تسقیه نموده دو ماه
مدفون دارند و بعمل آرند اغبر لولوی منقول از شفائی جهت جرب و سبل و شقاق و ضعف باصره
مفید ست ص توتیای کرمانی شسته شبح محرق شسته از هریک ده درم مروارید ناسفته شش درم
نبات پنجدرم صلایه کرده استعمال نمایند و وجه تسمیه در اکثر کتب بنظر نیامده بخاطر می گذرد که چون آنرا
مثل غبار میسازند یا آنکه رنگش هم مانا برنگ غبار ست لهذا باین اسم مسمی شده اغبر بمعنی

وی شافی و نزد بعضی نافع و نزد بعضی نقاد و نزد اکثری اصل کار ست زیرا که اکثر در اصطلاح اهل کیمیا
اصل کار را گویند اکثیرین که قرحه و مورسرج را نافع ست منقول از شفائی ص سفیداب
ارزیز هشت درم اقلیمیائی نقره صمغ عربی از هریک چهار درم روی سوخته یک درم نشاسته
افیون از هریک دو درم صلایه کرده استعمال نمایند اکثیرین منقول از یحیی نزدیک خوف نمود
حفظا مورسرج استعمال کرده میشود ص صبر یک درم اقاقیا سه درم کچله شادنج عدسی هریک ده درم
بدستور معمول سحق کرده در چشم فرو کنند و برفاده بسته بر قفا بخوابند و حرکت نکنند اقوا طیقون
نافع اورام و مواد حاره چشم ص انزروت مربی در شیر خرده درم شیاف مامیثا پنجدرم صبر دو درم
افیون زعفران درم اگر ضعیف باشد مامیران نیم درم و اگر سفیداب ارزیز نیم درم اضافه نمایند و نبات
باریک نموده بکار برند انکباب گرانی گوش که از عقب مسهل پیدا شده باشد و سبب آن
بخار بود زائل گرداند ص بابونه اکلیل الملک قیصوم هریکده درم نمام مرزنجوش اذخر پوست
بیخ بادیان پوست بیخ کرفس گل سرخ هریک پنجدرم در ده آثار آب بجوشانند تا لبه آثار آید سر و
گوش را به بخار آن بدارند و تنطیل حوالی گوش بنحوی که آب در سماخ نرود نمایند انکباب نقصان
و بطلان سمع را که سببش خلط غلیظ خام باشد سود دهد بعد تنقیه دماغ ص سداب سعتر افسنتین
بابر که و زیت و آب بپزند و در آفتابه اندازند و شمعی بر سر آفتابه نصب ساخته یک سر شمع بقدر برد
گوش نهند تا بخار اندرون گوش رود انکباب معمول جهت درد گوش و سر جار ص گل بنفشه گل نیلوفر
برگ بید گل خطمی گل سرخ عنب الثعلب از هریک دو توله کوکنار نیم توله در آب بجوشانند و سر به بخار آن
دارند و هرگاه تحلیل زیاده مطلوب باشد بابونه اکلیل الملک بیامیزند و هرگاه تسکین وجع و تبرید
مطلوب بود تخم کاهو و بزر البنج بیفزایند انکباب جهت درد گوش که بسبب ریاح بارده غلیظ باشد
سود دارد ص شبت بابونه اکلیل الملک ورق غار مرزنجوش نمام قیصوم جمله را بجوشانند و استعمال
نمایند انکباب که معمول است ص آن افسنتین اکلیل الملک گل خطمی هریک یکتوله در [illegible]
که یک رطل باشد بجوشانند و استعمال نمایند انکباب که طنین و دوی را سود دهد بعد از تنقیه دماغ

ص خستتین مرزنجوش سعتر بجوشانند و انکباب نمایند انکباب مجرب حکیم علی اکبر خان مرحوم بجهت
درگوش ص مرزنجوش پوست خشخاش گل بنفشه کشنیز خشک چوب چینی جوشانیده بخور نمایند بعد
ازان دسته شفتاله با شعله شمع مومی بریان نموده سائیده بلبته ممزوج نموده در گوش بگذارند این
چیز برا گویند که در بن دندان ریزند و هم نام مرکبی است که دمیده میشود در حلق اثیر الملک
نافع است بورم حلق و سقوط لهات و القلاع و بثره و بخرهٔ دهان ص کافور دو دانگ قاقله زعفران
هر یک یکدرم طباشیر سفید عفص سماق هر یکی دو درم زرور دسه درم شکر طبرزد عدس مقشر تخم خرفه
هر یک چهار درم حاشا پنجدرم کوفته در حلق بدمند اثیر صغیر منقول از قلانسی نافع است از برای
استرخاء لهات ص سعتر فارسی و سعتر نبطی عاقرقرحا حاشا از هر یک جزوی کشنیز خشک و خرد
اصل السوس نیم جزو کوفته و بیخته در حلق وقت حاجت نفوخ نمایند ارسطون معنی این عاقل
است یا جلیل القدر گویند تالیف ارسطو است ارسطون صغیر نافع است لسبل و برود رشیم
و وجع شکم و حمی مختلفه و ربع و قولنج و وجع رحم ص سلیخه یکدرم عاقرقرحا زعفران فرفیون هر یک سه درم
اقاقیا فلفل کربت اصفر سنبل هر یک یک اوقیه افیون یک اوقیه حماما دو اوقیه کوفته بیخته
بعسل معجون سازند شربت کامله یک مثقال اثاناماسیا لفظ یونانی است معنی وی مفید است
و بعضی گفته اند که معنی وی آیم و بهتر کنم است و چون که درین دوا اکبد ذیب و شاخ ماعز داخل
میشود مسمی بدواء الزیب و الماعز نیز شده بعضی دیگر گفته اند که اثاناماسیا بیونانی جگر گرگ است لهذا
باین اسم نامیده شده او جاع کبد و طحال و معده و اسهال بلغمی و سعال
مزمن و حمی یوم و خدر و وجع کلیه و مثانه و ربو و لبواسیر را نافع بود و بادها بشکند و دردها ساکن
سازد ص مر افیون زعفران جند بید ستر بزر البنج قسط قردمانا غافت خشخاش شاخ
بز کوهی سوخته جگر گرگ خشک کرده مجموع مساوی انچه کوفتنی است بکوبند و انچه گداختنی است
بگدازند در شراب و عسل صاف معجون سازند بعد از شش ماه استعمال نمایند شربت نیم مثقال
تا یکدرم اثاناماسیا صغیری منافع آن بکبری است ص آن میعه سائله زعفران قسط سنبل الطیب

افیون سلیخه از هر یک چهار درم عصاره غافث هشت درم اصل السوس دوازده درم کوفته
بیخته بعسل معجون سازند شربت مقدار فندقی در نسخه دیگر عود بلبسان و مر از هر یک چهار درم اضافه
نموده اند اهروسیا لغت یونانی است بمعنی جالس المواد است و از تالیف بقراط است
جهت بادشاهی که شکایت می کرد از ضعف معده گرم است در ثانیه و یابس در ثالثه جگر و سپرز و معده
و کلیه را قوت دهد و سده بکشاید و در ابتدای استسقاء نافع باشد و علل بارده را دفع نماید و بول براند و سنگ
از گرده و مثانه بریزاند و بدن را قوة دهد و انچه بر وی شش ماه بگذرد بهتر بود و قوت آن یک و نیم سال
و گویند تا سه سال باقی ماند ص قسط تلخ فلفل سفید دار فلفل هر همه یک نیم درم زیره کرمانی دو درم عود
بلسان سلیخه فو وماناقفاج اذخر تخم کرفس هر یک یکدرم وج زعفران هر یک دو درم مر صاف سه درم
حب لغار ده عدد کوفته بیخته بعسل کف گرفته سرشند و در بعضی کتب عسل سه چند نوشته شربت
یک بندقه بآب گرم یا بار الاصول انوشدارو لغت فارسی است معنی آندارو هاضم است
و بغیر همزه نیز گویند و بعضی گویند که معنی عطیة الله بعد این توجیه بر ارباب دانش مخفی نیست و بعضی دیگر
گفته اند که نوش لفظی است موضوع برای هلیله بلیله آمله و خبث الحدید و عسل لهذا مرکب که ازین
پنج جزو باشد آنرا پنج نوش گویند و چون درین معجون عمده ترین اجزا آمله است لهذا مسمی با آن
گشته و اکثری از اطبا نوشدارو را جوارش کندی گویند یا برای آنکه مروج این نسخه هندی است
یا آنکه بعضی تصرفات از او درین نسخه واقع شده است و اولی آنکه بعد از چهل روز استعمال نمایند تا حسب
تحفه آنرا که آمله درو برابر همه اجزا است جوارش کندی خوانده و غیر آن را نوش دارو و قوت این
معجون تا دو سال باقی می ماند شربت از یک مثقال تا سه مثقال پیش از طعام و بعد می توان خورد
و این معجون در تقویت معده و باه و اعضاء رئیسه نفع تمام دارد و بوی دهن و بوی بغل نیکو گرداند
و خفقان و تصرع را نافع می آید انوشدارو بنسخه حکیم شفائی و موافق همین نسخه اکثر باستعمال
در آمده ص آن گل سرخ مشتم سعد کوفی پنجدرم قرنفل و مصطکی اسارون سنبل الطیب
از هر یک سه درم قاقله صغار و کبار زرنب لسباسه جوز بوا فوفه زعفران از هر یک دو درم آمله مقشر

یکرطل قند و عسل بالمناصفه صد و هشتاد مثقال آمله را در شیر خیسانیده یک شبانروز تر کرده
پس بشویند و در سه رطل آب بجوشانند تا مهرا شود و از پشت غربال بیرون کنند و با قند و عسل
صاف بقوام آورند و ادویه را کوفته و بیخته بآن بسرشند انوشدارو لولوی ص آن مروارید
ناسفته لسبد یشب سعد کوفی اذخر زعفران از هر یکدو مثقال عود خام ابریشم مقرض طباشیر سفید
سافج هندی سنبل الطیب گل ارمنی از هر یک سه مثقال عنبر اشهب نیم مثقال شیر آمله سی مثقال
عسل و قند بالمناصفه سه وزن ادویه بدستور مرتب سازند انوشدارو لولوی دیگر
حکیم جمال المنقول از بیاض جد امجد ص کهربا مروارید ناسفته از هر یک یک مثقال مرجان
سه مثقال یشب سبز شش مثقال عنبر اشهب ورق طلا ورق نقره از هر یک شش توله سنبل الطیب
نه مثقال عود هندی طباشیر سفید زعفران اذخر گل سرخ از هر یک نه مثقال قرنفل هیل
سعد کوفی سافج از هر یک شش مثقال مشک چهار مثقال آمله یک سیر اکبری عسل و قند
بالمناصفه سه برابر ادویه بدستور بقوام آرند آبکامه معده را قوت دهد و بلغم دفع کند و اشتهای
طعام آورد و تشرب او با قدری لک چند روز جهت لاغر کردن بدن از مجربات است و قطور آن
در چشم مانع بروز آبله بود و اگر بروز کرده باشد در ازاله آن مجرب است ص نان تازه گرم را در کوزه
آب نادیده بگذارند تا سرد شود بعد ازان در سرکه خمیر کنند و در آفتاب نهند و ده روز سرکه بر سر آن
ریزند و روز دیگر بدوشاب خمیر آن تازه کنند و ده روز دیگر بشیره انگور خمیر آن تازه کنند بعد ازان
ادویه گرم کوفته و بیخته بر سر آن ریزند و چون خواهند که آبکامه رقیق گیرند ازین خمیر مقدار یکمن بگیرند
و سه من سرکه کهن بر سر آن ریزند و کیسه از داروهای گرم نیمکوفته در ان اندازند و چهل روز در
آفتاب گذارند بعد ازان استعمال نمایند آبزن که زحیر بلغمی را مفید است ص شبت تخم کتان
حلبه خطمی بجوشانند و در طبیخ وی که نیمگرم باشد بنشینند آبزن دیگر که زحیر ورمی را نافع بود حلبه بنفشه
تخم کتان بیخ خطمی ترید و روغن گل و زرده تخم مرغ آمیخته نیمگرم آبزن نمایند آبزن که در قولنج
ریحی که باد غلیظ در طبقات روده لسبته شده باشد نافع بود ص آن انیسون زیره سیاه شبت

صعتر مرزنگوش خنبد بیدستر بنفشه بابونه بجوشانند و علیل را در آن بنشانند و اگر ازین ادویه در مثانه گاو
گذارند و بر ناف علیل نهند و بر شکم و ناف روغن شبت و سداب بمالند نفع تمام دهد فائده
استعمال آبزن در قولنج لبساست که ضرری نماید زیرا که موجب کرب و غشی می گردد و نیز اگر ماده
در انصباب بود لسبب ارخاء باعث ازدیاد انصباب میشود و اگر قولنج لسبب ریح غلیظ بود و
لسبب غلظ تحلیل نیابد پس از آبزن مستعد تحلیل شده منبسط گردد و موجب افزونی وجع میشود
اما وقت انحلال پس آبزن شدید النفع است آبزن که در آخر ورم حار مثانه بکار آید ص حلبه
تخم کتان بابونه اذخر سعد سنبل حماما قردمانا جوشانیده استعمال نمایند آبزن که بول لسبته بکشاید
ص آن سداب پودینه برنجاسف سنبل الطیب حماما مرزنجوش اسپست خطمی ورق ترب ورق کلم ورق
شلغم شیح بابونه شبت همه را بپزند و در ان نشینند آبزن نافع برای ورم مثانه مستعمل در انحطاط
باید که مریض مدام در ان نشینند حتی آنکه هرگاه احتیاج بول شود صواب آن است که بول در ان
کند ص دارشیشعان فرومانا سعد کوفی سنبل الطیب حماما اذخر حلبه بزرکتان تخم شلغم خشک کلم
در آب جوشانیده در طشتی کرده علیل در ان نشیند آبزن که حصاة و رمل از گرده و مثانه باک
کند ص آن بابونه تخم شبت خارخسک نیمکوفته اکلیل الملک تخم کرفس مرزنجوش حلبه قرطم
پرسیاوشان بنفشه خطمی همه را بجوشانند و بیمار را در ان بنشانند آبزن دیگر که از گرده سنگ بیرون آرد بیخ بادیان
تخم تربوزه نیمکوفته خطمی هر یک هفت درم خارخسک شش درم بنفشه چهار درم اشنان سه درم
همه را در ده من آب بجوشانند تا پنج من بماند در طشتی کرده در ان نشینند آبزن که سنگ گرده
و مثانه را نافع است ص ورق کلم برنجاسف اسپست پودینه سرگین کبوتر سعتر خسک دانه جو بیابانی
آبزن نمایند و ادویه که سنگ ریزاند بنوشانند آبزن که سنگ گرده و مثانه را پاره پاره کند
و بیرون آورد و بول براند ص بابونه گل سرخ خطمی اکلیل الملک از هر یکده درم پوست خربزه
خشک کرده پرسیاوشان حب القلت نیمکوفته از هر یک هفت درم اشنان پوست بیخ رازیانه
اصل السوس از هر یک پنجدرم کاکنج حلبه از هر یک چار درم برنجاسف گل بنفشه از هر یک پنج درم

دو قوله گل نیلوفر اصل السوس از هر یک دو مثقال در ده من آب بجوشانند تا بنصف رسد در حمام
طشتی پر کرده علیل را دران بنشانند و چون از حمام بر آید روغن عقرب در احلیل بچکانند
آبزن برای بول الدم کلوی ص برگ آس عفص گلنار جوز السرو پوست انار گل سرخ
در آب جوشانیده مریض را دران بنشانند آبزن برای حبس بول و عسر آن که حادث از
احتباس مده در مجاری بود ص آن گل بابونه گل بنفشه اکلیل الملک خارخسک آردجو
گل سرخ از هر یک دو توله برگ بید برگ خرفه برگ پالک برگ ساگ سرخ از هر یک یکدسته
کدو ریزه ریزه کرده مایحه هر دو عدد در ده آثار آب بجوشانند و در طشتی کلان پر کرده علیل را
دران نشانند آبزن هرگاه خصیه بزبار و مراق بر آمده باشد مفید بود ص آن بابونه مرزنجوش
حاشا تمام زوفای خشک عنب الثعلب برگ زیتون اکلیل الملک تخم کتان جوشانیده
و روغن ناردین داخل کرده در طشتی کنند و مریض دران نشسته مگر آن آب را در آفتابه کرده از
بولهٔ آن بر پشت زهار بریزد و ملائم دست بمالد از اعلی بسوی اسفل تا خصیه بجای خود آید
آبزن در سرعت انزال هرگاه بسبب حدت منی باشد بکار آید ص عوسج برگ مورد گلنار
گل سرخ سماق لحیة التیس ثمرة الطرفا پوست انار جوشانیده بکار برند آبزن بجهت زنان
حامله که حیض بینند سودمند بود ص عدس پوست انار گلنار مازو بلوط جفت بلوط در آب پخته
دران نشینند آبزن قابض گفته اند که اگر در شبی ده من خون رفته باشد آنرا بند نماید اول
قرص کهربا و رب مورد بخورند بعد ازان بگیرند ثمرة الطرفا جوز السرو پوست انار نیم کوفته گلنار
هر یک پنج درم گل سرخ برگ مورد هر یک ده درم در ده من آب بجوشانند تا پنج من بماند در طشتی
ریزند و دران نشینند و بر پشت و زهار بریزند و همین آب را چند مرتبه تکرار کنند و حجامت بی شرط
زیر پستان بکار برند که جذب ماده بدان جانب کند آبزن که فرزند را در شکم مادرش نگاهدارد
تا پیش از ولادت بیرون نیاید ص آن صندل سفید نیم کوفته برگ نیلوفر تخم مورد اقاقیا
هر یک سی درم گلنار چهار درم گل سرخ ده درم در پنج من آب بجوشانند تا دو من بماند

درم سانکو و چهل درم آب کاسنی پنجاه درم آب سم کیاه آمیخته بیمار را دران بنشانند آبزن که
ادرار طمث کند ص آن سلیخه مرزنجوش اذخر پودینه قسط اکلیل الملک شونیز کرنب سداب
فودنج کرفس حاشا برنجاسف قردمانا از هر یک جزوی بپزند و دران نشینند آبزن که بچه مرده را
بیرون آرد ص مشکطرامشیع برنجاسف وج ترکی قسط سلیخه نانخواه فودنج مرزنجوش تخم السوس حلبه
فراسیون جعده عود بلسان اسارون هر یک جزوی بجوشانند و دران بنشانند آبزن از کار
الصنائع جهت نقرس و وجع مفاصل مزمن هرگاه بدن لاغر شده باشد و علاج فائده نکند بکار آید
ص بگیرند گفتار زنده و محکم بربندند و در دیگ کنند و آب شیرین آنقدر که بجوشانند بران ریزند
و گوشت خروسی بمقدار صالح و نخود سیاه و سفید هر یک مشتی بزرگ و جرجیر و گندرو شلغم و سداب
و لبلاب و رازیانه و برگ کرفس و کراث نبطی هر یک پنج درم کرنب نبطی هفتاد درم زرنب کابلی
یک رطل پیاز صد درم بیفزایند و بپزند تا به ثلث رسد پس صاف کنند و در نیمگرم بنشینند تا بکیسا ساعت
و سه روز متواتر استعمال کنند و هر روز گرم کنند و بعد هر سه روز تازه سازند آبزن که در حمی دق
بکار آید و فائده عظیم از ترطیب و تبرید نماید ص گل نیلوفر گل بنفشه پوست خشخاش سعتر نقش تخم
خطمی تخم کاهو برگ آن برگ بید برگ خبازی برگ خرفه برگ اسفاناخ تراشهٔ کدو و تراشهٔ خیار
جمله یا هر چه میسر آید در آب بسیاری بجوشانند و علیل را دران نشانند لیکن باید که سر بیمار بیرون از آب
باشد و آب فاتر بود و بعد خروج تدهین بادهان چون روغن کدو و خشخاش و جز آن مفید تر است
و کذالک تقطیر در گوش و الف باب الباء بادمهرج معرب از بادمهره برودت معده و جگر
و رحم و احتباس طمث را نافع بود و ریاح غلیظ را دفع کند و سده جگر و سپرز را بگشاید منقول از شفائی
ص زرنباد درونج عقربی افیون جند بیدستر عاقرقرحا فلفل دارفلفل سلیخه هوم المجوس بزر البنج
قسط البنی جاوشیر زعفران از هر یک شش درم حلبه هشت درم بادرنجبویه از هر یک دوازده درم
مروارید ناسفته ده درم عسل دو وزن ادویه بطریق متعارف معجون سازند بخور راز برای صداع
حار بادی مستعمل بعد تنقیه ص گل بنفشه برگ خطمی خو منقش نیم کوفته گل نیلوفر بابونه جدا جدا کدو

در آب بجنبه در طشتی کرده روغن بنفشه و روغن گل سرخ دران داخل کرده علیل چادر بر کشیده سر را به بخار آن دارد و آب را حرکت داده باشند تا بخار آن به دماغ رسد و روزی دو سه بار این عمل کنند و اطراف را از پاشویه تشویه نمایند بخور منقول از قلانسی نافع بصداع بارد و معه ماده بعد تنقیه ص مرزنجوش فودنه بابونه اکلیل الملک قیصوم قسبت شیح تمام خارا دویه بجنبه بدستور بعمل آرند و تطلیل این آب بر سر نافع است بخور دیگر برای تنقیه ص اسپرج را بر روی کاغذ خشک بمالند بنحوی که کاغذ سرخ شود و آن را فتیله کرده سر او را آتش زنند و دود آن در بینی کشند بطرفی که درد است اگر درد در تمام سر باشد در هر دو سوراخ بینی کشند مجرب است بخور که لغیر غس راسود دهد باید که روز سوم تبخیر کنند ص حاشا فودنج هر دو برابر و سر که بپزند و نزدیک بینی دارند بخور منقول از بیاض عم مرحوم جهت فالج و تشنج مفید ص شیر خام یکدام بخته برگ بکاین یا و آثار برگ سنبهالو یا و آثار سیر و زنجبیل را جوکوب نموده در ده آثار آب بجوشانند مادامیکه نصف آب بماند در جای محفوظ زیر لحاف بخار آن را بگیرند و باحتیاط دود آن را ببوشند بخور که سعال بلغمی را نافع ست ص مرقسط زعفران برابر کوفته و شراب سرشته اقراص سازند ببوزند دود بگیرند بخور که جهت سعال عجیب است ص بگیرند اتنج حرمارہ ارنب زرنیخ سرخ و شخم همه را بر آتش بگذارند و قرصها سازند قرص نصف مثقال و یقمع هر روز سه بار بخار بگیرند بخور جهت شوصه و ربو و نفث الدم ص قسط میعه صمغ البطم مصطکی از هر یک یک اوقیه آمیخته کوفته تبخیر نمایند بحیثیتی که دود آن بحلق و دهن برسد بخور نافع برای ربو و سعال مزمن و نفث نتن و ضیق النفس را در ساعت دور کند و بقرص اتنج مسمی است ص زرا و ند مر میعه سایله قنه مساوی اتنج برابر همه ادویه را در روغن گاو خمیر نموده حب بالبته از قمع دود آن علی الریق بگیرند بخور منقول از بقائی جهت تسکین وجع بواسیر عمیا بحد غائره و برای پژمرده کردن دانه ها ظاهر مجرب است ص سلیخ الحیه جرک گوش فیل مقل ازرق پوست بیخ کبر پوست تخم مرغ پوست انار کلاه باد نجان فرفیون شاخ گوزن شاخ کرگدن شاخ گاو که از کله گاو بوسیده گرفته باشند مشک دانه دار خراطین خشک موی سر آدمی خار خسک بیخ آن

همه را برابر مجموع جوکوب نموده بقدر یکدام بر آتش انگشت گذاشته دود آن بگیرند و از هوا محافظت کنند و بیش از تبخیر اگر دانه ها ظاهر باشند بیست و یک زلو بگذارند تا از راه بیش ماده تسریح شود و بخور که حبس خون بواسیر کند ص انزروت اتنج پوست خرتوب پوست مار همه اجزا را برابر اقراص کنند و بر آتش که از انگشت بود دود نمایند بخور جهت ساقط کردن دانه های بواسیر مجرب است ص گوگرد بلادر اصل السوس بیخ کبر برگ مورد مکر باستعمال آرند بخور که ادرار حیض کند ص جاوشیر اظفار الطیب عود الصلیب میعه یا لبنه مکرر تبخیر نمایند بخور که در اسقاط حمل و تسهیل ولادت عجیب است ص مقل ازرق مر ابهل بالسویه گرفته بقدر فندق قرص سازند و استعمال نمایند بخور که مشیمه و بچه مرده بیرون آرد و جهت اختناق و عسر ولادت بسیار نافع بود ص مر مازو جاوشیر گوگرد مساوی کوفته بجنبه بزهره گاو بسرشند و اقراص سازند و تبخیر نمایند و در بعضی کتب تخم حنظل نیز مرقوم است و تبخیر بر واحد درهم اسپ و موی آدمی و مر و جاوشیر و سرگین باز و سرگین کبوتر و پوست مار بچه آورده اما پوست مار بچه بکشد بخور که برای یاری دهد و مجرب است ص زرنیخ احمر مر جوز السرو میعه سایله حب الغار مازو بالسویه کوفته بجنبه بعسل بسرشند و بعد از پاک شدن سه روز متواتر هر روز بقدر یکدرم تبخیر کنند و بعد از آن مباشرت نمایند بخور که تحجر مفاصل مر اکمه را نافع است ص جربل کوفته سدس جزو در سرکه یک جزو حل کنند و سنگی گرم کرده در سرکه سر دکنند و بخار آن بگیرند بخور برای اقسام آتشک از شاه احمد رسیده از مجربات ایشان است ص شنگرف مازو عاقرقرحا اسکند ناگوری موصلی سفید خشک هر یک دو مثقال همه را نیمکوفته چهار ده حصه نمایند و حقر کرده آتش از چوب کنار باغی افروزند تا آنکه دود آن بالکل زائل گردد و مریض عریان شده چادر بر خود پوشیده بالای آتش مذکور بر سر دو پای نشینند و یک حصه دوا بر آتش اندازد و دود آن در تمام بدن بگیرد و دهن را گشاده دارد تا بخار اندرون دهن نیز برسد هر صبح و شام تا هفت روز بهمین دستور استعمال نمایند و از ترشی پرهیز نمایند بلکه گفته اند که سوا از غذا شیرین چیزی دیگر نخورند و هر گاه دهن جوش نماید برگ درخت جنبیلی جوشانیده

غرغره نمایند لیمون الی تسغا خواید شد **بلیشی** جهت امراض سوداوی خاصه جذام نفع دارد ص هلیلهٔ سیاه شیطرج هندی هر یکده درم فلفل پنجدرم سبیش سفید دو درم و نیم کوفته و بیخته بروغن گاو چرب کرده بعسل سه‌شند شربت این معجون وبزرجلی یک مثقال نوشته اند لیکن باید که بعد از هفته استعمال کنند فی شفاء الاسقام قال الاستاد قد ترک فی زماننا فصد الود ابدا حین استعمال البیشی والبزرجلی انتهی احوط آنکه بیشی وجز آن هر دوائی که بیش وامثال آن از ادویه سمیه داشته باشد بشرط ضرورت بسیار از بسیار بقدر قلیل استعمال نمایند بعد از آنکه از طرف مضرت او اطمینان حاصل شود ومزاج خوگر گردد بمقدار شربت که در کتب مذکور است برسانند ونیز همراه این ادویه از ادویه تریاقیه مثل دوار المسک وامثال آن استعمال نمایند **بزرجلی** بمنافع بیشی مقرون است ص هلیله آمله شیطرج هر یک چهار درم جوز بوا خیری افشور کندر سوقوا فلفل دار فلفل نار مشک کندش عصاره اسقیل سادج هر یک هشت مثقال ابیس سفید چهار مثقال کوفته بیخته معجون سازند شربت یک مثقال **باسلیقون کبیر** معنی وی کحل روشنائی است و گویند نام بادشاهی بود که بجهت او ساخته اند بمعنی جالب السعادت نیز بیان کرده اند و واضع او بقراط است تاریکی چشم وابتدای آب و دمعه و جرب و سبل و ظفره و شرناق و سطبری پلک را نافع باشد ص کف دریا اقلیمیای نقره از هر یکده درم نمک اندرانی سادج هندی سفید آب ارزیز فلفل دار فلفل سنبل الطیب سرمهٔ اصفهانی از هر یک دو درم نمک هندی قرنفل دوالا از هر یک یکدرم صبر سقوطری عصارهٔ مامیثا مس سوخته از هر یک پنجدرم مامیران مر نوسادر زردچوب از هر یک سه درم پوست هلیله زرد چهار درم کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند **باسلیقون** پوست هلیله این قریب بمنافع کبیر است ص اقلیمیای نقره پنجدرم روی سوخته دو درم و نیم سفید آب ارزیز نمک اندرانی نوسادر جعده فلفل دار فلفل از هر یک نیمدرم کوفته بحریر بیخته استعمال نمایند **بنفشجی** تاریکی چشم و دمعه و جرب و حکه را نافع باشد ص شادنج مغسول دو درم دم الاخوین دانگی روی سوخته دار فلفل از هر یک نیمدرم سادج هندی دو دانگ قاقله مشک از هر یک

دانگی کافور دانگ کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند وچون لون این مشابه بلون بنفشه است بدین نام مشهور گشته **برد لوبار** مدر را دور نماید و ضربان شدید نشاند و ورم و ماده کند و چشم را در یک روز باصلاح آورد ص شیاف مامیثا انزروت از هر یک هشت درم کتیرا یکدرم زعفران دو درم افیون نیم درم کوفته بیخته بآب بادیان یا آب باران بسرشند و در وقت حاجت بسفیدهٔ خایهٔ مرغ حل نمایند و باستعمال آورند **برود** بالفتح سلیانوس تالیف کرده و چونکه در ابتدا از مبردات ترتیب یافته باین اسم مسمی گشته و بعد از آن در غیر مبردات استعمال این لفظ شائع شده **برود حصرم** جرب و بیاض و دمعه و شلاق و سبل و ظفره را نافع باشد ص توتیای کرمانی مغسول ده درم پوست هلیله زرد زنجبیل زردچوب از هر یک پنجدرم دار فلفل مامیران چینی از هر یک سه درم نمک هندی یکدرم کوفته بیخته چند روز در آب غوره بپرورند و در سایه خشک کنند دیگر بار کوفته بحریر بیخته استعمال نمایند **برود دمعه** منقول از شفای مجرب معمول قبله گاهی ص استخوان هلیلهٔ کابلی سوخته سه درم نمک اندرانی مازو هر یک یکدرم و نیم کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند **برود مارسی** قوه باصره را بیفزاید و محافظت چشم نماید ص توتیا مرقشیثا اقلیمیای نقره از هر یک پنجدرم سنبل سادج زعفران از هر یک یکدرم مروارید ناسفته دو درم کافور دو دانگ مشک دانگی صلایه کرده استعمال نمایند **برود احمر** چشم را خشک گرداند و از سوزش بازدارد ص شادنج مغسول ده درم روی سوخته پنجدرم مروارید ناسفته یک مثقال و دو دانگ نبات یکدرم صلایه کرده بکار برند **برود اسود** دمعه را بازدارد و بیاض ببرد ص سرمه توتیای مغسول از هر یک دوازده درم مروارید ناسفته سادج هندی یکدرم زعفران نیمدرم مارقشیثا هشت درم مشک و کافور از هر یک دانگی صلایه کرده استعمال نمایند **برود دریان** که به برود نفاشیس مشتهر است و مجرب است جهت تقویت چشم و ازالهٔ ضعف بصر ص انار شیرین و ترش بگیرند و تخم و شحم او بکوبند و بفشرند و آب صاف بستانند و در یک من آب صد درم عسل مصفی بیامیزند و در دیگ سنگین بر آتش

نرم بیزند و رغوه بر مید آرند تا بقوام برسد در ظرف نقره یا آبگینه بدارند و استعمال عند الحاجت
نمایند خواه تنها یا بگلاب برود که بغایت مقوی و حافظ چشم و قاطع دمعه و قاطع بیاض و حکه
و جرب مزمن و محلل اورام است و جالینوس مصنف اوست ص صبر فلفل دار فلفل
شادنج مغسول مقناطیس سوخته مغسول هر یک نصف جزو توتیای کرمانی سافج هندی
مس سوخته هر یک یک جزو مامیثا مازوی سبز چشمیزج انزروت زبد البحر یک ربع جزو
باریک ساخته باب انارین پنج مرتبه بپرورند در هر مرتبه در آفتاب گذارند برود خیار بالنگ
ص بیارند خیار بالنگ خورد و مجوف کنند و توتیا دران پر کرده در خمیر گرفته در تنور گرم
گذارند که خمیر پخته شود بعد ازان توتیا برآرند و صلایه بلیغ نموده باستعمال آرند و اگر آن توتیا را
در آب کدوی تازه بسایند بهتر خواهد بود و نیز توتیا را بغیر پختن در آب کدو یا خیار تازه خوب سائیده
بکار برند همین منفعت دارد و اگر توتیا را چند مرتبه گرم نموده در گلاب تطفیه کرده صلایه کرده استعمال
نمایند در تسکین حرارت چشم و تقویت آن نفع عظیم دارد برود از شاگرد حکیم علی تقویت بصر
میکند و نزول را نافع است ص آب بادیان تربیت مثقال عسل صاف ده مثقال زیره
کیک مثقال مجموع را در شیشه کنند و در آفتاب نهند تا غلیظ شود برشعثا یعنی وی برای ساعت
است جهت زکام و نزله و ظلمت چشم و دوار و طنین و لقوه و فالج و صرع و رعشه و سبات سهر
و نسیان و مالیخولیا و غیره امراض سوداوی و سهر مفرط و ضعف اعصاب و استرخا لثه و
ملاذه دهن و بخر فم و سیلان لعاب و نزف الدم و قولنج مزمن و درد معده و کبد و سده و ضعف
کبد و استسقا و سرعت انزال مفید و ادمان او بعد انزال امن دهنده از مضار و در قلع
حمیات ضعیفه و سعال نافع و پادزهر جمیع سموم ص فلفل سیاه فلفل سفید بزر البنج سپید
هر یک بیست مثقال افیون مصری ده مثقال زعفران پنج مثقال سنبل الطیب عاقرقرحا
فرفیون هر یک یک مثقال ادویه جدا جدا بکوبند بعده وزن نموده همراه عسل صاف که
سه وزن ادویه باشد بسرشند و سه ماه در جو دارند پس استعمال نمایند و مقدار شربت آن تا

نصف مثقال است و افلش دانگی و قوتش تا پنج سال باقی است برشعثا دیگر از محمود صادق
برای نزله و زکام نافع بود و ممسک و مقوی باه است ص مروارید ناسفته ساییده کهربای شمعی
بسد احمر سنبل الطیب عاقرقرحا خولنجان زنجبیل سلیخه بهمن سفید بهمن سرخ سافج هندی آمله منقی
نقره از هر یک شش درم گل سرخ چهار درم قرنفل جوزبوا دارچینی عود بلسان و دوالسعد کوفی زعفران
هر واحد چار ماشه بزر البنج نانخواه هر یک دو درم مشک خالص ماشه افیون یا و آثار عسل خالص واثار
مغز پسته مغز بادام مغز نارجیل مغز گردگان از هر یک یکدام فلفل دار فلفل چهار ماشه کوفته بیخته بدستور
معمول معجون سازند پاشویه استعمال پاشویه در عین شدت حمی مفرط الحرارة روا نیست چراکه
آب گرمی حمی بیفزاید و اگر ضرورت مثل خوف حدوث سرسام و جز آن داعی باشد از آب نیمگرم
مائل بسردی نمایند و در وقت استعمال پاشویه ردای مابین طرف آب و وجه مریض دارند تا بخار بدماغ
نرسد و اصل پاشویه آب گرم است و برای تبرید و تقویت وارخا جلد دیگر ادویه اضافه می نمایند و بعد
پاشویه پاها را خشک کرده و ردا را پوشیده دارند خصوص در هوا سرد فکر اعمل بحسب حاجت است
و در حمی محرقه اگر در روز چارم بحران بر حاف میشود اگر ممکن باشد تا چهارم پاشویه ننمایند مگر آنجا که بسبب
شدت عوارض در استعمال پاشویه مجبور باشند و در روز چارم هرگاه معلوم نمایند که رعاف خواهد شد
احتیاط ضرور آنهم الا عند کمال الضرورة و هرگاه شد رجلین جهت جذب مواد کرده باشند چون بکشایند
پاها را در آب گرم گذارند تا ابخره صعود ننمایند و حل و فتح نکنند و ابتدا از طرف قدم باید کرد بخلاف شد
و هرگاه پاشویه و محجمه هر دو نمایند و اول محجمه بی شرط بکار برند بعده پاشویه نمایند تا ابخره که بسبب محجمه باسفل
منجذب شده اند از پاشویه تحلیل شوند و باز صعود ننمایند و پاشویه بسبب تفتیح مسام و تکمیل عرق در تسکین
حرارت نظائر حمی هم نفع میرساند پاشویه نافع برای صداع شدید الحرارة و قرانیطس و سهر و اشتعال
آن ص برگ بید نیم پاو برگ کنار گل بنفشه گل نیلوفر هر یک دو درم گل خطمی عنب الثعلب هر یک سه درم
آرد جو چهار دام در ده آثار آب جوشانیده صاف نموده پاشویه نمایند و در اثنای آن پاهای از اعلی
باسفل مالیده باشند و اگر تبرید زیاده مطلوب شود برگ خرفه برگ اسفاناخ گل سرخ برگ کوکنار

اضافه نمایند پاشویه جهت صداع بارد ص گل بابونه اکلیل الملک گل خطمی عنب الثعلب
زوفا حاشا خردل نمک طعام سبوس گندم تمام بدستور متعارف پاشویه نمایند و اگر چوب چینی یا عنبر
حسب حاجت اضافه نمایند اقوی خواهد بود بنادق کندری ذرب و اسهال معدی و معوی را
نافع بود ص مازو سبز یکدرم کندر کزمازج هر یک پنجدرم افیون چار درم حب الآس ده درم کوفته
بیخته بنادق سازند هر یک دو دانگ بنادق دیگر زحیر و اسهال را نافع بود ص مردار سنج دانگی
و نیم کافور یکدانگ بروغن زنبق بندق سازند و بدهند فوراً انشاء الله تعالی حبس می کند و این
شربت مرد کلان راست و طفلان را کمتر باید داد و زیاده بر آنچه مرقوم است ندهند که خوف حدوث
قولنج خواهد بود بنادق جهت عسر بول که سببش جمود دم باریم در مثانه و نشان وی حدوث عسر است
عقب بول الدم و مده ص قردمانا مر فوه ابهل اشق بالسویه اشق را در سرکه حل کنند و دیگر اجزا
کوفته بیخته بآن لبرشند و بنادق سازند و بطبیخ بزور یا طبیخ اصول بالای آن بنوشند بنادق
بزور حرقت بول و قروح کلیه و مثانه و عسر البول را نافع بود ص مغز تخم خیار پنجدرم مغز تخم خربوزه
ده درم مغز تخم کدو بزر البنج خرفه تخم خطمی مغز بادام مقشر کثیرا نشاسته رب السوس خشخاش سفید
گل ارمنی تخم کرفس از هر یک یکدرم بکوبند و بنادق سازند و شربت سه درم بشراب خشخاش بنادق
بجهت جمود دم در مثانه منقول از معالجات قانون ص ابهل حلتیت اشق فوه اجزا مساوی
کوفته و بیخته بنادق سازند شربت چار بندقه بماء الاصول باب التاء تریاق الاربعه تریاق
صغیر نیز گویند حار یابس است در آخر درجه دوم محلل ریاح غلیظ و مصلح کبد و طحال است باصلاح
عظیم و مفتح سده بود و نافع باشد از برای سم مار و عقرب و عنکبوت و جمیع جانوران گزنده و زنبور
و ادرار فضلات که محتبس بسبب برودت بود می نماید و اخراج جنین میت و تسهیل ولادت کند
و نافع است از برای صرع و خفقان و قولنج بگشاید و جمیع امراض بارده را مفید بود لیکن مورث
صداع و دمعه است و مصلح آن شیره خرفه مقشر گویند تالیف اندروماخس قدیم است
و اول ترکیب ادویه فادزهریه اطبا است ص حب الغار و جنطیانا و مرصاف و زراوند طویل

اجزا مساوی کوفته بعسل مصفی سه وزن ادویه معجون سازند شربت از آن چهار دانگ یا یک مثقال
بآب گرم و قوت این تریاق تا دو سال باقی می ماند بعد از چهل روز استعمال میتوان کرد و بدلش
نصف وزن شرودیطوس است و گفته شد که بعضی اطبا بعوض مرصافی قسط تلخ داخل کرده اند
و حکایت کرد صبار رجت که یافتم در نسخه که یک جزو زعفران بر این اجزا اربعه این تریاق زیاده
کرده شد و شیخ رئیس گفته که بعضی اطبا بعوض زراوند طویل زراوند مدحرج داخل می کنند و این معجون
است تریاق ثمانیه بعد تریاق اربعه تالیف شده نافع است از برای گزیدن حشرات و دافع همه
زهرهاست و بادها بشکند و قولنج بگشاید و تفتیح سده ها کند از برای صلابت طحال و سده های آن نافع
بود و فالج و رعشه و صرع را سود دارد ص مرمکی حب الغار جنطیانا قسط تلخ از هر یک شش مثقال
فلفل سفید سلیخه سیاه از هر یک چهار مثقال زعفران دار چینی هر یک یکمثقال اجزا کوفته بیخته بعسل
مصفی سه وزن ادویه لبرشند شربت از یک مثقال تا سه مثقال بعد از اندرباجس اول حکیم
بلبیدس هر چهار جزو تریاق صغیر افزوده به تریاق ثمانیه نامیده تریاق صغیر از رئیس در دفع سمیت
جانوران سمی اقوی از تریاق اربعه است ص زراوند طویل حب الغار جنطیانا پوست بیخ کبر افسنتین
زرد چوب بیخ حنظل بابستر اجزا مساوی کوفته بیخته بعسل مصفی معجون سازند تریاق که عقرب
گزیده را بغایت مفید بود و خداوند قولنج و درد احشاء و سده رودها را بغایت نافع است و تسهیل
ولادت کند ص مرصاف حب الغار قسط تلخ بودنج سداب بری جند بیدستر عاقرقرحا زنجبیل
فلفل شونیز حلتیت اجزا مساوی کوفته بیخته بآن سه وزن تمام ادویه عسل مصفی بقوام آورده
معجون سازند شربت دو درم بآب نیمگرم تریاق بلیغ النفع که جماعتی از اطبا آزاد در لدغ افاعی
تریاق کبیر یافته ص زراوند مدحرج جند بیدستر هر واحد یکدرم و نیم فلفل سه درم انیسون ده درم
کوفته بیخته بعسل لبرشند شربت یک جوزه تریاق الطین جهت سموم نافع و خاصه اوست
که چون سمومی بخورد تا از سم پاک نشود قی نایستد و اگر قی نیارد دلیل آن باشد که سم نخورده ص
گل مختوم حب الغار ایرسا بالسویه کوفته بروغن گاو چرب کنند و بعسل لبرشند شربت یک فندق

قبل از غذا و بعد آن توان خورد تریاق سرطان که دواء السرطان نیز گویند گزیدن کلب را
نافع بود صفت خطیانا کند رهریک پنجدرم سرطان محرق ده درم بعسل سرشند شربت یکمثقال
تریاق دیگر از معاجین کبار است از مفرحات شمرده اند صفت یاقوت رمانی مروارید ناسفته
دارفلفل جوزبوا قاقله کبار تبسطرج هندی دارچینی لسان العصافیر ساذج هندی غنچه گل سرخ منزوع
الاقماع قرنفل زنجبیل فوفل سنبل هندی هیل بوا درونج عقربی بادرنجبویه لسان الثور
مصطکی خولنجان قرنجشک صندل سفید زراوند مدحرج سیلیخه سیاه از هریک
دو درم بسباسه شش درم پوست اترج سه درم زعفران پوست بلیله جدوار خطائی از هریک
یکدرم بهمن سرخ نیم درم عنبر اشهب مشک تبتی از هریک نیم دانگ اجزا کوفته بیخته با عسل مصفی
دو وزن ادویه معجون سازند شربت یکدرم تا یکمثقال و این ترکیب سی و دو جزء است وزن
اجزا شصت درم چهار دانگ و مزاجش گرم و خشک در درجه دوم تریاق که خواجه بوعلی سینا
ساخته و گفته که من این تریاق را ساختم و آزموده ام از و منفعت های بسیار یافتم دل را قوت
دهد و باه را زیاده کند صفت پوست ترنج خطیانا م حب بلسان برگ بادرنجبویه تخم فلنجمشک زرنباد
درونج از هریک چهار درم سنگ مشک تبتی عنبر از هریک یک مثقال عود هندی ده مثقال کاوزبان
ریواجی پنج مثقال قسط دارچینی ورق زعفران ازین فستقین از هریک سه درم سنگ فوفطراسالیون از هریک دو درم و نیم بزر الجرجیر
تخم شلغم گندنا لسان العصافیر حب الفلفل از هریک دو درم سنگ افیون سه درم سنگ
بکوبند با انگبین بسرشند چنانچه رسم است شربت یک مثقال بعد از شش ماه تریاق المثلثه
تالیف ابوماهر جهت قروح گرده و مثانه و مجاری بول و احتباس و حرقت بول مزمن بغایت
مجرب است و جهت امراض رحم بسیار نافع و مدر حیض و مسکن دردها اعضای تناسل و
نافع صعود ابخره بدماغ و مقوی اعضا است قدر شربت در اول یکمثقال تا سه اوقیه بشیر الاغ
و هفت درم ماء العسل و در مزاج بسیار حار با شراب و آب غوره و در وسط علته دو مثقال
تا هفت درم آب بارتنگ مطبوخ و پنجدرم ماء العسل و در آخر علته که چرک شده باشد بجوشان

باب آید یک مثقال و ربع با شربت مورد با آب غوره و امثال آن و جهت ادرار حیض با آب
نخود منقوع و مانند آن از ادویه مدره حیض صفت دوغ سوخته شاخ گاو کوهی سوخته بسد مروارید
هریک یکمثقال و نیم افیون رب السوس هریک دو مثقال سماق منقی غوره خشک طین فارسی
که گل شیرازی است ریوند رایک طلق مجلوب خشخاش سفید و سیاه بزر البنج هریک سه مثقال
عصاره لحیه التیس فطراسالیون زوفای خشک صعتر تخم کرفس انیسون هریک چهار مثقال گل مختوم
تخم خطمی تخم خبازی تخم خرفه مغز تخم خیارین مغز تخم کدو مغز تخم خربوزه دم الاخوین هریک پنج مثقال
صمغ اکو نشاسته کثیرا حب القلت حب صنوبر خرنوب نبطی مغز بادام کوهی شیرین مقشر هریک
هفت مثقال گل ارمنی مغسول گل قبرسی پانزده مثقال حب کاکنج جهل عدد و عسل کف گرفته
سه وزن ادویه که پانصد و هفتاد مثقال است تریاق الذرب جهت ذرب و تباهی معده
و ضعف امعا و قبض شکم و تقویت اعضا رئیس بی عدیل است صفت مروارید ناسفته مرجان
کهربا عقیق یشب عاج طباشیر سفید طراثیت کشنیز خشک بریان صندل سفید بهمنین قوفل زیره کرمانی
مد بر مصطکی کردمانا مازو سنبر گل ارمنی شادنج عدسی صمغ ارد کنار سنجد حب الاس عذبه دانه عناب
بریان کرده پوست بیرون زبیب منزوع العجم سه درم ورق نقره یکدرم تخم خرفه بریان
کرده دانه انگور خشخاش سفید زاک هریک دو درم رب به شیرین رب مورد بالسویه ده چند
یا سه چند همه ادویه کوفته بیخته بسرشند تریاق الدیدان تالیف بعضی اوائل خوردن آن و
حقنه کردن بآن دفع دیدان کند صفت اسفیداب سفید زنجبیل هریک یکدرم تخم حسک ابو
بیخ توت برنگ کابلی اظفار الطیب سوخته بیخ سوسن آسمان گون هریک دو درم شونیز قنبیل هر
ترمس بصل الفار مشوی دقیق کرسنه هریک پنجدرم کوفته بیخته بعسل سرشته نگاه دارند هرگاه خواهند
حقنه کنند تا دو مثقال ازین گرفته در زیت با شیر تازه یا آب گرم حل کرده استعمال نمایند و اگر خواهند
که بخورد سه روز پیش ازین دوا ناشتا شیر و شکر بخورند و در چهارم این دوا را در شیر محلی شکر حل نموده
بخورند تریاق الکبد در جمیع امراض حاره و بارده کبد را مفید منقول از شرح حکیم علی صفت

راسن خشک فلفل زیره کرمانی سنبل الطیب بیخ سوسن هریک یکدرم شحم حنظل تخم فنجنکشت
بیخ هلیون تخم هلیون پوست بیخ غاریقون پوست بیخ غافث مغز بادام شیرین مقشر بادام تلخ
بیخ لوف جعده غاریقون بابونه حب البان زعفران هریک یکدرم ونیم پوست بیخ شیرین
خشک کرده ناردین موقو هریک یکدرم ودو ثلث درم بوره ارمنی ملح اندرانی زوفا خشک
فوتنج جبلی ساذج هندی مصطگی تخم حلبه تخم مرو رب السوس هریک دو درم نرجس ورق شبت
هریکدو درم ونیم تخم کرفس انیسون افسنتین رومی ورق حی العالم قنطوریون باریک مرصاف
کهربا میعه یابسه میعه سائله هریک سه درم اسارون قطر اسالیون قفاح اذخر بیخ اذخر تخم
انجره لفاف کرم افتیمون هریک شش درم کبد ذیب خشک کرده حب الاس زبیب
طائفی ورق طرخشقوق حب کاکنج هریک ده درم عبدان الملک ریوند چینی تخم خیار تخم
بادرنگ تخم خربوزه هریک پانزده درم عصارهٔ زرشک بلیله زرد هریک بیست درم همه را سوای
زبیب ورق طرخشقوق وحب کاکنج کوفته بیخته باین سه جزو بیامیزند و ترکیب دهند باید
این ادویه خوب امتزاج نخواهد یافت عسل سرشتن مناسب می نماید ابوالحسن طبری نوشته
کر استعمال کرده میشود این را در امراض بارده رطبه جگر با بار الاصول وسکنجبین بزوری و
در امراض حاره یابسه بآب کاسنی آب طرخشقوق وآب عنب الثعلب و در سده جگر با سکنجبین
بزوری والو ماهر گفته که اهل خراسان جهت حرارت کبد همیشه استعمال میکردند با بار الشعیر والبوماد
ضماد میکرد بر جگر جهت اورام بارده صلبه **تریاق الاسنان** که جهت درد اسنان که بسبب
سردی باشد نهایت مجرب است ص فلفل گرد عاقرقرحا انگوزه کچور نمک لاهوری برابر کوفته
بیخته با عسل غلوله سازند و در سایه خشک کنند و یک غلوله زیر دندان بدارند **تریاق
الاسنان** دیگر که جهت درد که بسبب سردی بود مجرب نوشته اند ص جند بیدستر حلتیت
مر فلفل زراوند مدحرج زنجبیل میعه افیون بزر البنج مساوی کوفته بیخته بعسل سرشته وپنبه را
بدان آلوده بر دندان نهند یا حب ساخته در دهن گیرند راقم گوید که در بعضی امزجه مر را مضر اسنان

یافته شده اگر مر را در این تریاق داخل نکنند احوط خواهد بود **تریاق نزله** نام لعوقی است که در منع
ریختن مواد نزله و نزله سرفه مجرب است ص اسطوخودوس پنجدرم گل گاوزبان تخم مورد کشنیز
خشک هریکده درم تخم کاهو بیست درم بزرالبنج کوکنار هریک سی درم تخم خشخاش سفید چهل درم
در آب بخیسانند بجوشانند وقند سفید شصت درم اضافه نموده بقوام آرند وگل سرخ وکشنیز ورب السوس
نشاسته صمغ عربی کتیرا مرصاف هریک پنجدرم نرم سائیده در آن ریزند شربت سه مثقال نوشته اند
اما موقوف بر رای طبیب وحال مریض است **تدبیر** حکیم صدرالدین نقل کرده که مرا ورم خصیه بود
اطبا از علاجش عاجز آمده بودند شخصی مرا گفت که قریب به بند دست از طرف ابهام از جانب که ورم
در آن جانب است داغ نمایند که رفع ورم والم آن میشود چنین کردم بعد دو سه روز بالکلیه رفع آن
و ورم شده باز بعد از مدتی عود کرد باز چنان کردم باز رفع گردید و دیگر عود نکرد **تدبیر** دیگر از برای
ورم خصیتین صاحب کتاب عین الحیواة ذکر کرده که رگی بر پشت ابهام بکشاید از دست مخالف
و گوش را از جانب مخالف ورم نیز سوراخ کند یعنی اگر ورم در خصیهٔ راست باشد رگ پشت ابهام
دست چپ را بکشاید و گوش چپ را سوراخ کند سوراخی فراخ واگر در خصیه چپ بود رگ ابهام
دست راست بکشایند و گوش راست را سوراخ کنند واگر در هر دو طرف بود رگ هر دو طرف
باید کشود و گوش هر دو طرف را سوراخ باید کرد **تیزاب فاروقی** گوشت فاسد بخورد و جراحت
با صلاح آرد ص شوره قلمی پهٹکری نوشادر از هریک یک سیر در قرع و انبیق کنند بحیثیتی که ده حصه
قرع خالی باشد اول آب سفید خواهد برآمد هرگاه تیزاب آمدن شروع کند قابله وصل کرده هر قدر که خواسته
باشند بگیرند **باب الثاء المثلثة ثنادریطوس** مسمی باسم ملکی است که حکما بیشتر از جالینوس
جهت او ساخته اند صداع مزمن و فالج و رعشه ولقوه وصرع واوجاع معده وکبد وطحال و درعین
و تاریکی چشم وجمیع امراض بارده رطبه را نافع است و مدر بول وحیض و سنگ گرده و مثانه بریزاند
و اسهال بی مشقت نماید ص صبر سقوطری پانزده درم غاریقون هشت درم زعفران دارچینی
وج مصطگی روغن بلسان از هریک سه درم ریوند چینی یکدرم ونیم عود بلسان تفاح اذخر حماما

از هر یک یکدرم کمادریوس قسط افتیمون از هر یک چهار درم و نیم ادویه کوفته بیخته بروغن بلسان چرب کنند و باسه چندان عسل لبرشند شربت چهار مثقال و قوت آن تا چهار سال باقی است

باب الجیم جلاب بالضم والتشدید هو العسل المطبوخ فی ماء الورد حیث یتقوم و قد یتخذ من السکر و قد یطلق و یراد به المنضج ص قند سفید یکمن بالکمین گلاب بجوشانند و کف بردارند و بقوام آورند و اگر گاوزبان گیلانی گل گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ اضافه کنند در تقویت دل و دماغ و معده قوی خواهد بود جلاب بجهت تقویت قلب ص آب سیب یک جزو آب انار مثل آن عرق گاوزبان چهار جزو عرق بید مشک گلاب از هر یک دو جزو عرق گل سی و پنج جزو نبات سفید بهموزن همه بدستور مرتب تخم فرنجمشک بقدر مناسب اضافه نموده بکار برند جلاب نافع از برای نقصان باه و قتیکه سبب آن استفراغ کثیر باشد ص نبات سفید ده درم عرق گاوزبان تودری سرخ و سفید هر یک سه درم نبات را در عرق حل کرده بقوام رقیق آورده تودریین بران پاشند هر صبح و شام بنوشند و غذا نخود آب گوشت بزو دراج و کبک و هریسه معمول از گوشت اینها و زرده تخم مرغ جلاب که قبیله ریحی و مائی و فتقی را که سبب آن رطوبات مزلقه باشد نافع است ص تخم کرفس انیسون نانخواه رازیانه کرویا هر یک سه درم بجوشانند و صاف نموده کلنگبین عسلی دوازده درم داخل کرده صبح ناشتا بنوشند تا چند روز غذا لطیف و سبک بخورند جلنجبین معرب گل انگبین است قوتش تا چهار سال باقی است و شکری او را که گلقند و گلشکر بپارسی گویند قوتش تا دو سال و اول و در آخر دوم گرم و خشک و دوم در اول دوم گرم و در یبوست معتدل مقوی معده و دماغ و مجفف رطوبات غریبه معده و بعد از غذا مانع صعود بخار بدماغ و عسلی جهت ترددی فضول بارده او فق و جهت مفاصل و نقرس و فالج و تفتت سنگ گرده و مثانه و عسر بول و ربع او زیره جهت تحلیل ریاح غلیظ و درد کمر و هضم طعام نافع و چون او را با ربع بزند و تخم کرفس بجوشانند و صاف نمایند و مکرر بنوشند جهت تقویت معده و ازالهٔ القوه و استرخاء و ابتدای مفاصل مجرب دانسته اند و شکری او جهت ابتدا رو سواس و جنون نافع و چون گلقند را با مثل آن

اسطوخودوس و نصف آن مربای بنفشه ممزوج کرده مداومت نمایند جهت ازالهٔ زکام کهنه و بخار و ضعف باصره و درد سر و شقیقه و اخلاط سوخته و رفع سدد مجرب میدانند و چون با تمر هندی و عناب بجوشانند جهت ازالهٔ امراض مذکور نهایت مفید نوشته اند و چون هر دو قسم گلقند را بجوشانند و صاف نمایند نائب مناب شربت ورد مکرر دانسته اند و گویند مضر جگر و محدث تشنگی است و مصلح آن خشخاش و قند زرشک و در مطبوخ با چهار ده مثقال و از جرش چهار مثقال نوشته اند و در مطبوخ چند باید که تا هر گاه بثلث برسد استعمال نمایند ضرر او بجگر خلاف قیاس و تجربه است صاحب شفاء الاسقام در بحث تپ دق نوشته که اگر شکم از تناول شیر نرم شود گلقند دهند تا قبض شود و شیخ رئیس فرموده که مدقوق را گلقند طبری بسیار دهند تا آنکه نانخورش هم چنین باشد نفع عظیم خواهد نمود و حکایت هم درین باب نقل کرده که عورتی مبتلا بهمین مرض بود و نزدیک بمرگ رسیده گلقند بسیاری خورد که اگر بیان شود شایعش محمول بر کذب خواهند کرد و شافی حقیقی آن زن را بسبب استعمال جلنجبین شکری شفا داد طریق ساختن آن گل سرخ را از اقماع و تخم پاک کرده از چند دست بفشارند که خوب درهم شود و باقند مسحوق یا شکر بیامیزند که خوب آمیخته گردد تا سه روز صبح و شام برهم مالند پس چهل روز در آفتاب گذارند و هر گاه شکری کنند دیگر آمیزند و شکر سه چند یا چهار چند گل سرخ باید و ظرف را مملو نگردانند که جای غلیان باقی ماند و بعضی بعد دو سه روز تحریک و اختلاط لازم میدانند و عسلی را باید بوزن مذکور عسل کف گرفته اضافه نموده در آفتاب گذارند و بعضی یک جزو برگ گل و بچندان قند یا شکر می آمیزند تا نیک مخلوط گردد پس عسل کف گرفته بقوام آورده هم وزن جمله اضافه می نمایند و می مالند تا نیک آمیخته شود و هر گاه که گل تازه بهم نرسد خشک آن در گلاب تر کرده نرم ساخته بدستور مرتب سازند و گلقند تازه قلیل الحرارت از نسبت کهنه بود جلنجبین گاوزبانی جهت تقویت دماغ و دفع مادهٔ سودا و تفریح دل مجرب است ص گل گاوزبان تازه یک من قند سفید دو من بطریق معروف باهم لبرشند و اگر تازه نباشد خشک آنرا بگلاب تر کرده توان ساخت و گلقند که از گل به و تفاح و گل سیوتی بیسازند

مقوی معده ودل ودماغ است وشدید التفریح وترتیب همین است که بیان شد جوارش
معرب گوارش بمعنی هاضم وتشیخ داود در تذکره نوشته که جوارش در زبان عربی سخن تلطف است
وبعضی نوشته اند که معنی آن تقطیع اخلاط است راقم گوید که استفادهٔ این هر دو معنی از لفظ جوارش
بعید می نمایند جوارش عنبر خفقان وبرودت معده وبدی هضم واوجاع رحم را بالغایت نافع
وبرای پیران بسیار مفید است از بقائی ص قاقله کبار وصغار بسباسه دارچینی از هریک چار درم
زنجبیل دارفلفل از هریکده درم دوالمسک مصطگی عنبر قرفه قرنفل زعفران از هریک دو درم جوزبوا
پنجدرم مشک یکدرم کوفته بیخته بعسل آب سرشته سرشند شربت یک مثقال جوارش جالینوس
این جوارش را خاصیت بسیار است وهمه اعضا را قوة دهد وبوی دهن خوش کند وبادها
بشکنند وبسیاری بول که از سردی بود باز دارد وباه را زیاده قوت دهد ودیوانگی ببرد وصداع
وسعال بلغمی وبواسیر وقوباء ونقرس وبهق وحصاة وکلیه ومثانه را نافع بود وسیاهی موی انگاند
وگفته اند که هر که بیست روز بدین جوارش مداومت نماید از جمیع امراض مذکوره ایمن گردد
ص سنبل الطیب سلیخه دارچینی خولنجان قرنفل سعد زنجبیل فلفل سیاه دارفلفل قسط بحری
عود بلسان اسارون تخم مورد قصب الذریره زعفران از هریک دو درم مصطگی پنجدرم قند سفید
بوزن ادویه تمام اجزا را کوفته بیخته با دو چندان عسل سرشند شربت دو مثقال تا سه مثقال پیش از
طعام وبعد از طعام نیز توان خورد جوارش شهریاران برودت جگر ومعده وقولنج وعسر البول
را نافع بود ص قرنفل قرفه دارچینی سلیخه سنبل الطیب جوزبوا اهیل مصطگی قاقله حب بلسان
زعفران از هریک چار درم سقمونیا تربد سفید مجوف حب النیل هریک هشت درم قند سفید هموزن
ادویه کوفته بیخته بعسل سرشند شربت چهار مثقال تا هفت مثقال با آب گرم جوارش اترج
معده را قوت دهد واشتهاء طعام آورد وبوی دهن خوش کند ص پوست اترج خشک
سی درم قرنفل جوزبوا دارفلفل قرفه قاقله خولنجان زنجبیل از هریک یکدرم مشک دو دانگ کوفته
بیخته بعسل سرشند جوارش عود معدهٔ بارد را گرم کند واشتهاء طعام آورد وهاضمه را قوت دهد

ص آن قرنفل دو درم سنبل الطیب یکدرم عود پنجدرم نبات سفید یکمن نبات را در گلاب بگدازند
وبقوام آرند وفرو گیرند وبکفچه بزنند واجزا را کوفته بیخته برآن پاشند وبر روی سنگ ریزند
جوارش مشک خفقان وبواسیر را نافع بود وبادهای معده را بشکند ص جوزبوا قاقله
زنجبیل دارفلفل از هریک ده درم مشک خالص نیم مثقال قند سفید شصت درم کوفته
بیخته بعسل سرشند جوارش خوزی منسوب بسوی اطباء خوزستان طعام را هضم کند و
اسهال باز دارد وسپرز را بگدازد واستسقاء را نافع بود وادرار بول کند ص قرفه قسط سنبل الطیب
حب بلسان سلیخه از هریک ده درم جوزبوا پنج عدد قاقله کبار وصغار قرنفل انیسون
اکلیل الملک شیطرج نار مشک از هریک چهار درم بسباسه درونج عقربی از هریک سه درم
ریوند چینی زراوند مدحرج اشنه هریک پنجدرم هلیله سیاه پوست هلیله کابلی بروغن تربیت یافته
کرده از هریک هشت درم بلیله ده عدد تخم مورد بوزن همه ادویه نبات دو وزن ادویه در گلاب
بگدازند وبقوام آورده دارو ها را کوفته بیخته بدان سرشند وبعد از دو ماه استعمال نمایند جوارش
بسباسه بواسیر وبرودت معده وسوء هضم را نافع بود وبادهای غلیظ دفع کند ص بسباسه
قرفه قاقله صغار زنجبیل دارفلفل دارچینی اسارون از هریک یک درم قاقله کبار پنجدرم
فلفل دو درم قرنفل یکدرم ونیم قند سفید بیست درم کوفته بیخته بعسل سرشند شربت یک مثقال
جوارش دارچینی ضعف معده وگرده ومثانه را نافع بود وبادهای غلیظ بشکند واخلاط غلیظ
دفع کند ص دارچینی عود هندی راسن از هریک شش درم قرنفل فلفل سیاه دارفلفل
سنبل الطیب اسارون از هریک پنجدرم زنجبیل ده درم پودینه هشت درم جوزبوا دو درم
مصطگی انیسون بادیان سلیخه از هریک سه درم کوفته بیخته بعسل سرشند جوارش زنجبیل ضعف معده وهاضمه
را نافع بود وطعام هضم کند وبادها بشکند واسهال باز دارد ص زنجبیل بیست درم صمغ عربی
خیر بوا از هریک ده درم قرنفل دارچینی از هریک پنجدرم جوزبوا یک عدد زعفران یکدرم نشاسته
چهل درم ودر بعضی نسخه عوض نشاسته بسباسه است ونزد راقم همین اولی است وشکر طبرزد

نود مثقال جوارش سوکل منسوب لسلیمو است جهت تقویت معده و سوء هضم مجرب
است ص سنبل قرنفل دارچینی جوز بوا قاقله نارمشک هر یک یکمثقال فلفل سفید زنجبیل
جند بیدستر هر یک دو مثقال لبان ذکر ابیض چار مثقال قند سفید برابر همه ادویه کوفته
بیخته بعسل صاف لبسرشند شربت یکمثقال جوارش کافور جهت ضعف معده و جگر نافع است
و اعانت میدهد هضم را و دفع میسازد ریاح را ص کافور زعفران عود قاقلین کبابه کاشم
قرفه قرنفل اشنه سنبل الطیب بسباسه صندل سفید فلفل دار فلفل دارچینی شیطرج نارمشک
شقاقل خولنجان جوز بوا زنجبیل سعد فلفلموبه جمله برابر شکر سفید هم چند همه جوارش آمله
معده و دل و جگر را قوت دهد و اشتها آرد و غذا را هضم نماید و این جوارش معمول استاد بود
ص آمله مقشر پنجدرم مصطگی عود از هر یک سه درم عنبر نیم مثقال قند سفید نیم من آب سماق
آب لیمو هر یکده درم بدستور مرتب سازند جوارش عود شیرین منقول از خط والد ماجد
ص عود هندی دارچینی جوز بوا قرفه قاقله صغار قرنفل خولنجان از هر یک پنجدرم اسارون
زعفران از هر یک دو درم نبات سفید نصف رطل مشک تبتی نیم مثقال عسل مصفی سه وزن
ادویه چنانچه رسم است مرتب سازند جوارش عود شیرین بنسخه دیگر از جمع الجوامع ص
عود هندی پنجدرم پوست اترج ده درم مصطگی یک مثقال نبات سفید یک من و نیم بدستور
مرتب سازند جوارش عود بنسخه دیگر منقول از کتاب مذکور ص عود پنجدرم قرنفل سه درم
قاقله صغار و کبار سنبل الطیب از هر یکدو درم زعفران یکدرم کوفته بیخته با عسل مصفی یا قوام نبات مرتب سازند جوارش
اترج ایضاً از کتاب مذکور ص پوست اترج سی درم قرنفل جوز بوا دار فلفل قاقله صغار خولنجان
زنجبیل از هر یک یکدرم مشک تبتی دو دانگ عسل سه وزن ادویه جوارش عود ترش
یاربوب ص رب سیب ترش ده مثقال رب به ترش رب زرشک آب انارین از هر یک
ده مثقال آب تراشه ترنج و آب لیموی کاغذی از هر یک بیست مثقال نبات سفید دو صد
مثقال عسل مصفی بیست مثقال مروارید ناسفته سوده پوست بیرون پسته مصطگی طباشیر سفید

کهربای شمعی ساذج هندی پوست زرد اترج بادرنجبویه دارچینی دانه هیل از هر یک چهار مثقال
زعفران یک مثقال چنانچه رسم است مرتب سازند جوارش انارین معمول حکیم ارشد مرحوم
جهت تقویت معده و جگر غریب و برای بهم رسانیدن اشتها عجیب ص آب انار شیرین آب انار ترش قند
سفید هر یک یک سیر نعناع سبز و گلاب هر یک هفت درم سنبل الطیب مصطگی هر یکدو درم دانه الایچی
کلان پوست اترج از هر یک چهار ماشه پوست بیرون پسته یکدرم دانه الایچی خورد سه ماشه بدستور
مرتب سازند جوارش انارین قابض معمول حکیم مذکور ص قند سفید پاؤ آثار آب لیمو هشت درم
شربت حب الآس هفت دام آب انار شیرین و ترش هفت دام شربت لیمو آب پودینه سبز
شیره مربای هر یک چهار درم گلاب دو دام مصطگی دانه هیل زهر مهره خطائی هر یک سه ماشه گل سرخ
زرورد وج ترکی جوز بوا طباشیر هر یک دو ماشه بدستور مرتب سازند جوارش حب الآس هضم
و اسهال معدی را نافع بود وقتی که از بلغم و رطوبت بود باز دارد ص ساذج هندی جماما از هر یک
چهار درم جوز بوا تخم کرفس نانخواه هر یک پنجدرم مصطگی قردمانا انیسون زیره کرمانی سنبل الطیب سلیخه قاقله
قسط هر یک شش درم فلفل دار فلفل زنجبیل هر یک ده درم هلیله سیاه پوست بلیله آمله منقی طالیسفر
هر یک هشت درم حب الآس نود مثقال کوفته بیخته بعسل بسرشند شربت یکدرم جوارش خولنجان برای
هضم طعام و طرد ریاح و سردی جگر مفید ص تخم کرفس انیسون زیره کرمانی طالیسفر کرویا از هر یک
یکدرم خولنجان قرنفل فلفل سعد هر یکدو درم هیل دارچینی نارمشک هر یک سه درم دار فلفل
شش درم زنجبیل هشت درم فانیذ شکر سه چند شربت دو درم جوارش از مجموعه ص مشک
دو دانگ سعد کوفی پنجدرم فلفل دار فلفل زنجبیل هر یک یکدرم نارمشک یکدرم و نیم قرفه قرنفل مصطگی
سنبل الطیب دارچینی قاقله صغار بسباسه زعفران جوز بوا هر یکدو درم عود غرقی پوست اترج هر یک
پنجدرم عسل قند سفید هر یک نیم من جوارش ایضاً از مجموعه ص عنبر اشهب مشک خالص هر یک یک ماشه مصطگی
عود غرقی پوست بیرون پسته هر یکدو درم آب لیموی کاغذی هفت عدد نبات سفید نیم سیر بطریق معهود مرتب
سازند جوارش که اسهال صفراوی منقطع کند ص سقمونیا نیمدرم عود خام مصطگی هر یکی درم تربد سفید

چهار درم بعسل لبرشند شربت پنج درم باب گرم جوارش کسری صاحب ذخیره گوید که من در شهر
بلخ شخصی را دیدم که او را درد معده بود بسیار علاج کردند هیچ دارو شفا نیافت اما این جوارش
گویند که بهر کسری اول مرتب ساخته شده جهت خفقان و بیماریهای رحم مفید و بمشایخ بسیار
نافع ص عنبر اشهب یک مثقال روغن بلسان دو درم انیسون نارمشک تخم کرفس [illegible]
افیون بزر البنج سفید برگ بادرنجبویه مرزنجوش زعفران هر یک سه درم قرنفل کبابه قاقله صغار
و کبار هر یک پنج درم عنبر اشهب در روغن البلسان بگدازند و افیون را در شراب حل کنند و
بعسل کف گرفته لبرشند و دو ماه بگذارند و گروهی شش ماه می نهند شربت دو درم جوارش
آمله لولوی معده را قوت دهد و اشتها آورد ص شیر آمله دوازده مثقال طباشیر سفید صندل سفید
سماق منقی زرشک گل سرخ بادرنجبویه پوست بیرون پسته از هر یک یک مثقال کشنیز خشک
مقشر تخم خرفه از هر یک دو مثقال مروارید ناسفته چهار دانگ عنبر اشهب ورق طلا ورق نقره
از هر یک دو دانگ نبات آب به شیرین از هر یک دو وزن ادویه بدستور مرتب سازند جوارش
آمله لولوی دیگر ص شیر آمله منقی زرشک بیدانه و آب خالص و گلاب و عرق گاوزبان و آب انار
شیرین و آب انار ترش و عرق بیدمشک بادرنجبویه بخته از پارچه بپالایند پس شیره و نبات سفید داخل
کرده بقوام آرند بعد از آن مروارید یاقوت رمانی کهربای شمعی دارچینی مصطگی از هر یک شش ماشه دا[illegible]
هیل طباشیر سفید ابریشم مقرض صندل سفید گل گاوزبان کشنیز خشک مقشر از هر یک توله ورق
طلا ورق نقره از هر یک سه ماشه پوست زرد اترج نه ماشه عنبر اشهب سه ماشه بدستور با آن لبرشند
شربت شش ماشه جوارش انجدان از کامل الصناعه نافع برای نفخ البطن و معده و قراقر و مفیم
طعام و برودت معده و گرده ص کاشم سیزده درم فلفل تخم کرفس از هر یک دوازده درم فطراسالیون
نعناع خشک سیسالیوس از هر یک سه درم ادویه را کوفته بیخته بعسل کف گرفته لبرشند و در ظرف
چینی نگاهدارند و وقت حاجت بکار برند جوارش عسل بلادری مسمی بجوارش حبة الخضرا
نافع از برای استرخای و استطلاق البطن و برودة معده و از برای بواسیر و اشتهار طعام آورد و بدن

فربه کند و حفظ بیفزاید اجزای آن نسخه شیخ رئیس که در قرابادین قانون ذکر کرده عسل بلادر حبة الخضرا
کنجد مقشر هر یک شش استار شکر طبرزد بیست و چهار استار پوست هلیله کابلی پوست هلیله آمله منقی زنجبیل
دارفلفل اترج کابلی ساذج هندی شیطرج هندی از هر یک چهار درم کوفته بیخته اول مرتبه ادویه را بعسل
بلادر سرشته بروغن گردگان چرب نموده بعسل قدر کفایت لبرشند و نگاهدارند شربت ازین جوارش
دو درم با مخیص گاو و طعام درین مدتی که این جوارش خورده میشود باید که شیر و برنج باشد و گوشت
نخورد بلکه هر دوائی که بلادر و عسل بلادر داشته باشد هر گاه خورده شود باید که گوشت را موقوف نماید
و گفته اند که این جوارش گرم است در وسط درجه سوم و خشک در آخر درجه سوم جوارش خبث الحدید
مطبوخ نسخه شیخ رئیس صالح است از برای ضعف معده و حرارت مزاج ص خبث الحدید مدبر بصری
پوست هلیله زرد هلیله سیاه پوست بلیله آمله منقی گل سرخ گلنار فارسی اذخر مکی اجزای مساوی
همه را در شراب ریحانی بجوشانند تا غلیظ شود پس بپالایند و نگاهدارند و هر روز از آن مقدار سه اوقیه
تناول نمایند جوارش خبث الحدید ممسک سرعت انزال هر دو نافع است از برای ریاح بواسیر
و ریاح حادثه از خلط خام و نزف دم بواسیر ص هلیله کابلی هلیله سیاه شیطرج تخم کرفس از هر یک
شش درم پوست بلیله آمله منقی نانخواه نودری سرخ و زرد دارفلفل کنجد مقشر از هر یک چهار درم
قرفه سنبل الطیب جوزبوا فلفلمویه از هر یک شش درم هیل بوا اقسط سلیخه قرنفل بسباسه خولنجان
ناگهشنک از هر یک شش درم سعد کوفی چهار درم مشک تبتی دو مثقال عنبر اشهب یک مثقال
خبث الحدید مدبر بوزن مجموع ادویه و روغن گاو ده استار ادویه را کوفته بیخته بروغن گاو چرب
کرده بعسل کف گرفته لبرشند شربت دو درم با شیر گاو و یا دوغ گاو که مسکه آن را گرفته باشند و [illegible]
دو هفته متوالی بخورند جوارش خبث الحدید قوت باه را زیاده کند و ضعف معده را سود دارد
و کونر را صاف نماید و بواسیر را مفید بود ص آمله منقی دارفلفل زنجبیل زیره کرمانی تخم [illegible]
پوست هلیله تخم کرفس تخم گندنا تخم جرجیر تخم شلغم تخم گزر سلیخه سعد کوفی دارچینی قرنفل جوزبوا از [illegible]
بسباسه هیل غنچه گل سرخ قاقله کبار مشک عود هندی هر یک دو درم تخم سپندان سفید سه اوقیه

خبث الحدید مدبر مساوی وزن تمام ادویه دواها را کوفته بیخته با عسل کف گرفته سه وزن ادویه
لبرشند جوارش کندری بنسخه شیخ بوعلی سینا که بجهت جمیع انواع فتق و قیله قوة دهد ص
کندر شصت درم فلفل دارفلفل از هر یک ده درم نبات سفید شصت درم
زنجبیل خولنجان از هر یک پنج درم مشک خالص نیم درم
کوفته بیخته با سه وزن مجموع ادویه عسل کف گرفته لبرشند شربت دو درم جوارش تفاح جهت
تقویت معده و قلب و احشاء و دماغ نافع است و هاضمه را قوی گرداند ص بگیرند یک رطل
سیب اصفهانی رسیده کهنه پوست و تخم آن دور کرده باشند و با شراب ریحانی بجوشانند تا مهرا
شود و بپالایند و نیم رطل قند سفید و نیم رطل عسل مصفی بقوام آورند پس فلفل دارفلفل قرنفل از
هر یک دو مثقال زنجبیل چهار مثقال زعفران نیم مثقال عود هندی پنج مثقال کوفته بیخته با آن
لبرشند در ظرف نگاهدارند جوارش طباشیر که مقوی معده است و نافع صعود ابخره صفراویه از
معده بدماغ است و برای سدر و دوار که حادث شود بسبب سوء مزاج صفراوی معده ص
گل سرخ منزوع الاقماع صندل سفید آمله منقی طباشیر سفید کشنیز خشک از هر یکده درم حب الآس
پوست اترج سماق منقی مصطگی از هر یک پنجدرم کافور قیصوری یک مثقال مجموع را در سه وزن دو
آب به شیرین و یک وزن قند سفید با گلاب بقوام آورده لبرشند شربت دو مثقال جوارش
قندافیقون این جوارش از رومیان است نافع از برای ضعف معده که تولید ریاح در آن بسیار
باشد و از برای ضعف کبد بارد و استسقاء طبلی و از برای درد پشت و درد گرده و معده ص آن
بنسخه شیخ رئیس زنجبیل سنبل الطیب از هر یک شش درم مصطگی رومی نانخواه چهار درم کرفس
نعناع خشک از هر یک پنجدرم سلیخه زیره کرمانی حب بلسان عاقرقرحا از هر یک دو درم ساذج
هندی یکدرم کوفته بیخته بعسل مصفی لبرشند و در سبوی خضرا و نگاهدارند و در وقت حاجت بکار
برند و مزاجش گرم است در اول درجه سوم و خشک است در آخر درجه سوم حکیم میر معصوم در
قرابادین خود گفته که شربت این جوارش چهار مثقال است و در نسخه او چهار درم انیسون

استسقاء طبلی و درد پشت و گرده و معده

داخل است جوارش کمونی بنسخه شفائی نافع است از برای برودت معده و احشاء حامض و
برودت انثیین و فتق و قیله ص زیره کرمانی مدبر پنجاه درم فلفل سیاه پانزده درم برگ سداب
در سایه خشک کرده زنجبیل از هر یک بیست درم بوره ارمنی پنجدرم عسل مصفی سه وزن ادویه بدستور
مقرر مرتب سازند جوارش کمونی بنقبه و تقویت معده کند از برای امراض بارده لطلان فوق
و کثرت سیلان ریق که بسبب رطوبت معده بود ص کمون کرمانی مدبر بریان سی درم فلفل زنجبیل
دارفلفل از هر یک پنجدرم تربد سفید پانزده درم فودنج سداب صعتر بوره ارمنی از هر یک دو درم و نیم افتیمون
ده درم عسل مصفی سه وزن ادویه بدستور مرتب سازند شربت از دو مثقال تا چهار مثقال جوارش مصطگی
مقوی معده و جگر را نافع بود و بلغم دفع کند و آب رفتن از دهن باز دارد ص مصطگی سه مثقال کوفته
بیخته در یک من قند سفید و سی درم گلاب بقوام آورند و بر روی سنگ که بروغن بادام چرب
کرده باشند بریزند و را قم قدر قند نصف بکار می برد جوارش لولوئی مقوی معده و اعضای رئیسه
و مصلح حال جنین از اسقاط مجرب است ص مروارید ناسفته یکدرم عاقرقرحا درم زنجبیل
مصطگی از هر یک چهار درم زرنباد درونج عقربی تخم کرفس شیطرج هندی قاقله جوزبوا لبسباسه قرفه
از هر یک دو درم بهمنین فلفل دارفلفل از هر یک سه درم دارچینی پنجدرم شکر سلیمانی بوزن همه
ادویه شربت بقدر یک عفصه در حفظ اسقاط جنین مداومت باید نمود جوارش قرطم این جوارش
حافظ صحت است و ملین طبع و مقوی معده ص قرطم مقشر مغز بادام شیرین از هر یک ده جزو
انیسون اسفاناخ فستقی از هر یک یک جزو عسل مصفی بوزن تمام ادویه بدستور قدیم جوارش سازند
واگر دو جزو مصطگی رومی افزایند اقوی خواهد بود جوارش صندلین مقوی دل و دماغ و حابس
اسهال صفراوی و دافع خفقان و معمول و مجرب حکیم معصوم شیرازی ص مروارید ناسفته جان
وفری از هر یک دو درم صندل سفید بگلاب سوده خشک نموده ده درم صندل سرخ بگلاب
سوده خشک ساخته پنجدرم طباشیر سفید تخم خرفه مقشر بوداده تخم کشنیز خشک بریان کرده پوست
بیرون لیسته از هر یک دو درم مصطگی زعفران از هر یکدرم مشک تبتی خالص نیمدرم آب ترنج

جوارش مصلح حال جنین از اسقاط

پنجاه درم گلاب سی درم قند سفید یکمن قند را در گلاب گداخته بقوام آرند و در آخر قوام آب ترنج
ترنج داخل سازند و بقوام عسل منعقد آورده چنانچه رسم است معجون سازند خوراک النسه درم تا پنجدرم
جوارش آمله مقوی معده ص آمله منقی نیم آثار شب در گلاب نیم آثار عرق بید مشک نیم آثار
بخیسانند صبح جوشانیده صاف ساخته از پارچه گذرانیده نبات سفید سه پاو عسل مصفی نیم آثار داخل
کرده بقوام آورند مروارید ناسفته دو توله صندل سفید ابریشم مقرض غنچه گل سرخ گل گاوزبان دانه ہیل
پوست بیرون لیته مصطگی دارچینی از هر واحد یک توله عنبر اشهب ورق طلا از هر یک سه ماشه
ورق نقره نه ماشه کوفته بیخته بآن بسرشتند و معجون سازند شربت نه ماشه جوارش خواجه ابوعلی سینا
واز مجربات اوست ص عود هندی سه درم مشک تبتی دو دانگ کافور ریاحی دانگ و نیم بسباسه
تار مشک سعد فلنجمشک زرنب زرنباد از هر یک یک مثقال دارچینی مصطگی زنجبیل ہیل
قرنفل از هر یکی دو درم لسان الثور پنجدرم تخم بادیان تخم کرفس وج سنبل از هر یک سه درم
مصفی یک آثار بسرشتند شربت دو مثقال بادها بشکند و خفقان و تنگی دل ببرد جوارش اسقف
بضم همزه و سکون سین مهمله و ضم قاف قسم خورده است اسقف با ایمان خود که نمی شناسند هیچ دوای
را بهتر ازین دوا بقوی رامی رباید و قولنج می کشاید ریاح معده و بواسیر دفع میسازد و وجع خاصره
و ظهر را دقی را مانع می آید و قدر شربت جهت گوارش دو درم و جهت اسهال شش درم و بعضی
چهار مثقال نوشته اند ص زنجبیل دارچینی آمله مقشر قرنفل بسفایج جوزبوا از هر یک دو درم و نیم فاقله
سه درم سقمونیا تربد سفید از هر یکی پنجدرم قند سفید نود درم کوفته بیخته بعسل بسرشتند جوارش برای
تقویت قلب و دفع خفقان و منع صعود ابخره ردیه از معده بدماغ و ازاله وسواس سوداوی مجرب
است از مخترعات والد ماجد ص مربای ہلیلہ پنج عدد و مربای آمله چهار عدد دانه ہیل سه ماشه
کشنیز خشک یک توله بید مشک بقدر حاجت نبات سفید دو وزن ادویه مربیات را در آب
تر نمایند بعد ازان مربیات را شسته آهسته بیرون کرده در بید مشک سائیده صاف نموده و ادویه
را علحده کوفته بیخته در قوام نبات مرتب سازند اگر مزاج بسیار حار نباشد بقدر ماشه مصطگی

نیز اضافه نمایند جوارش سماق اسهال صفراوی باز دارد ص سماق لبت درم تخم مورد ده درم
خرنوب نبطی سی درم صمغ عربی گلنار فارسی انار دانه از هر یک پنجدرم کوفته بیخته با مویز منقی
دیگر باره کوفته بکار برند جوارش مقلیاسا زحیر و مغص بواسیر را نافع بود ص تخم تره تیزک بریان
کرده زیره مدبر از هر یک یکدرم مصطگی شش درم ہلیلہ کلان کابلی بریان کرده بروغن گاو یکدرم
ادویه را کوفته بیخته بروغن گاو چرب کرده بجلاب بسرشتند جوارش که قولنج و لقوه و بواسیر و بادها
را که در معده بود سود دارد ص سقمونیا تربد سفید از هر یک پنجدرم فلفل فاقله از هر یک سه درم
زنجبیل دارچینی آمله مقشر قرنفل بسفایج خیربوا از هر یک دو درم و نیم قند سفید نود درم کوفته بیخته
بسرشتند شربت چهار مثقال جوارش عطائی گرده و دماغ را قوی گرداند و منی را بیفزاید مجرب است
ص بهمنین تودریین تخم اسپست مغز تخم خربوزه تخم جرجیر تخم پیاز تخم حماض تخم انجره تخم بلبون کتیرا تخم گزر
هر یک سه مثقال شقاقل مصری فاقله صغار دار فلفل خولنجان دارچینی زنجبیل قرفه هر یک یک مثقال
ترنجبین سفید سه وزن ادویه ترنجبین را یک شب در شیر گاو خیسانیده صبح مالیده صاف نموده
بر آتش نهند تا غلیظ شود فرود آورده دارو ها را کوفته بیخته بدان بسرشتند و در ظرف چینی کنند شربت
سه مثقال تا بیست درم با شیر گاو تازه جوارش بکرباجیت پشت را قوی گرداند و باه را بیفزاید و
معده را قوه دهد ص آن بگیرند صمغ عربی نیم آثار در دو سیر روغن گاو بریان کنند پس آن در ده
صمغ را جدا دارند و روغن را جدا بعد ازان بیارند اسگند و موصلی سیاه و زنجبیل از هر یک
بیست درم کنکول پانزده درم دارچینی خولنجان کبابه چینی بسباسه عاقرقرحا از هر یک چهار درم
قرنفل جوزبوا از هر یک ده درم حلبه را کوفته بیخته در روغنی که صمغ را در آن بریان کرده اند چرب
سازند و شکر سرخ دو سیر نبات سفید دو آثار بقوام آورده صمغ را کوفته دران داخل کرده برنیم
زنند تا چون حلوا شود از آتش فرود آورده ادویه کوفته را دران داخل کرده نگاهدارند و هر روز
بیست درم بخورند جوارش کسی را که شهوت باه منقطع شده باشد بر انگیزاند ص مغز خروس
بچه یک مثقال فلفل سفید اسقیل مشوی کنجد مقشر دار فلفل زعفران هر یک یک مثقال

ونیم تخم خندوقی شقاقل مصری تخم شلغم پیاز سفید تخم جرجیر خشخاش تخم گزر تخم انجره خصیته الثعلب
گرده تا شقنقور علک قسط شیرین هر یک دو مثقال ونیم مغز سر بره شیر خواره دماغ گنجشک خایه
مسوط گوشت قدید را سوهر یک پنجمثقال داگر گوشت را سوده خایه مسوط نبود ذکر گاو خشک کرده
وذکر اسپ خشک کرده وسوده هر یکده درم بدل آن کنند پس تخم ها بکوبند وبیزند وقنه وعلک را
با پنجمثقال انگبین بگذارند ومغزها همه در هاون کنند وبسایند بعد ازان باد ویه خمیر کند وباسه چندان
عسل لبریز شنده در ظرف آبگینه یا چینی کنند وسرش محکم به بندند بعد از چهار روز استعمال کنند شربت
از یک مثقال تا هشت مثقال با آب جرجیر یا شیر یا ماء العسل وغذا اسفیدباج وگندنا ونخود وپیاز
که با گوشت وروغن گاو پخته باشد جوارش بلادر این جوارش از تالیف حکما است وبعضی
گفته اند که این نسخه بوحی بحضرت سلیمان علی نبینا وعلیه السلام نازل شده زیاده می کند باه را وصالح
است از برای وجع که مزمن شده باشد از برای برد مزاج ونسیان دنیکو می کند رنگ را وتیز میکند ذهن را
ص فلفل دار فلفل بلیله سیاه پوست هلیله آمله منقی جند بیدستر از هر یک چهار درم قسط تلخ بلادر
برنج کابلی نبات سفید حب النار از هر یک دوازده درم سعد کوفی هشت درم بلادر را تنها کوفته
وباقی ادویه را کوفته بیخته مسکه گاو وعسل کف گرفته بجوشانند تا بقوام آید وادویه را بآن لبریز شنید
وبعد از شش ماه بوزن دو درم ازان با مطبوخ کرفس ورازیانه بخورند ودر ایام خوردن این جوارش
باید که تعب وغم وحزن وشراب بسیار نوشیدن وجماع کردن وخوردن گوشت ملاحظه نمایند
جوارش فربه کننده ص بهمن سرخ زراوند مدحرج کسیلا حب الخضرا تودری سرخ وزرد
بهدانه شونیز مغز پسته پست نخود مغز بادام شیرین کنجد مقشر مساوی نرم بکوبند ودو مثل گل
وحلبه شسته بریان کرده آرد نموده با روغن گاو بمالند وبعسل لبریز شنید وشربت بجهت زنان
بقدر گردگانی وبرای مردان بقدر تخم مرغی جوارش فواکه معده وجگر ودل واحشا را
قوت وبدوقی باز وارد وصفرا دفع کند ونقل بدان منع خمار می کند ص آب انار شیرین
ونرش آب سیب آب به آب امرود آب غوره آب زرشک آب سماق آب لیمو مجموع

مساوی بجوشانند تا ربعی بماند پس فرو گرفته قند بقوام آورده وکفچه بزنند وآنها داخل نمایند وبرروی
سنگ ریزند جوارش عود ساده ص عود هندی پنج درم پوست اترج مصطکی از هر یک یک درم
نبات سفید یک من نبات را بقوام آورده ادویه را بآن لبریز شنید شربت از دو درم تا دو مثقال جوارش
چٹنی ترکیب هندی است در تقویت معده مکرر تجربه رسیده چون زنها بعد ولادت استعمال
نمایند جهت پرسوت وقطع سیلان وآب فرج وتنگی آن بسیار نافع ص لبسا سه زعفران الایچی
خورد از هر یک شش ماشه جوز بوا سه ماشه قرنفل هیل چینیه دارچینی گل پسته گل سپاری از هر یک
یک توله خرما کھوپره هر یک دوازده درم روغن زرد یک نیم یا دو مشک سه ماشه شهد سه پاو ورق
نقره بیست وپنج عدد جوارج گوگل ترکیب هندی است جهت فالج ولقوه ورعشه ودیگر امراض
بارده دماغی راقم واستاد اکثر استعمال کرده ومنافع بسیار مشاهده نمود ص سونٹھه پیپلا مول
چیتیه حب بلبل هینگ در روغن گاو برشته اجمود سرشف زرد زیره سیاه زیره سفید تنکار
اندرجو تلخ ماده بای برنگ کج بیل لنگی نیس بهارنگی تج مور یا جمیع اشیا را مساوی کوفته بیخته
مضاعف آن تربپله بگیرد وبعد ازان تربپله واشیای سابق مجموع را وزن نموده هم وزن مجموع
گوگل بگیرد وگوگل اگر بهینسیا باشد بهتر است مجموع را سائیده کوفته بیخته بقدر سه ماشه تا پنج ماشه با آب
گرم وقت شب بخورد خوراک تمام یکتوله جوارج دیگر تالیف پدر حکیم فتح الله مرحوم
وراقم است واین ترکیب در فوائد مذکوره اقوی از ترکیب اول است ص دار فلفل
فلفل بهنگره از هر یک نه درم زنجبیل قسط تلخ اندرجو دیودار شونیز عاقرقرحا فلفل سوسن زرنباد
از هر واحد شش درم پودینه پنج درم گوگل نیل کل اجزا کوفته بیخته نگاهدارد وگوگل را نرم بکوبند
وبروغن بادام چرب کنند وباز بکوبند تا خوب باریک ونرم شود وانگاه اجزای بیخته بیخته قدری
داخل کنند ودر روغن بیامیزند وباز بکوبند وهمچنین کنند تا تمام اجزا آمیخته شود ویک توله شربت
کامل است جوارش عود حامض نافع از برای برودت معده هرگاه سوء مزاج بارد باد انگیز
نبود ودهن مائل بتلخی وتشنگی باشد بکار آید ص عود هندی خام ده درم سنبل الطیب قاقله صغار

زعفران پوست اترج قرنفل دارچینی بادرنجبویه مصطگی رومی طباشیر سفید از هر یک یکدرم آب سیب ترش پنجاه مثقال گلاب شصت مثقال آب لیمون نود مثقال قند سفید و عسل مصفی از هر یک هفتاد مثقال بدستور مرتب سازند شربت از یک مثقال تا دو مثقال جوارش فلافلی درد معده و شهوت کلبی را مفید باشد و بادهای غلیظ را دفع کند و طعام را هضم نماید و حمی ربع را زائل گرداند ص نسخه صاحب کامل الصناعه فلفل سیاه فلفل سفید دار فلفل از هر یک بیست درم عود بلسان ده درم زنجبیل تخم کرفس سلیخه سیاه بزر سیسالیوس اسارون راسن از هر یک یکدرم کوفته بیخته باسه وزن ادویه عسل مصفی گرفته لبرشند شربت یکدرم بآب کرفس جوارش مسهل تنقیه معده کند و دافع فضلات شود ص تربد سفید تراشیده بروغن بادام چرب کرده زنجبیل پنجدرم قند سفید پنجاه درم اجزا کوفته بیخته بدستور مرتب سازند شربت سه درم بآب نیمگرم باب الحاء المهمله حب ایارج صداع مزمن و صرع و سکته و امراض عین را نافع باشد و دماغ و اعضاء رئیسه را از فضول و اخلاط پاک کند ص ایارج فیقرا تربد سفید مجوف از هر یک یکدرم حب النیل غاریقون انیسون از هر یک نیمدرم شحم حنظل نمک هندی از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته بآب رازیانه لبرشند حب شبیار دماغ را از صفرا و بلغم پاک کند و صداع را نافع بود منقول از خط استاد رحمت الله ص پوست هلیله کابلی پوست بلیله از هر یک هفت درم مقل ازرق یکدرم گل سرخ حب النیل از هر یک دوازده درم صبر سقوطری کندر از هر یک هفتدرم کثیرا سه درم عصاره ریوند مصطگی از هر یک یکدرم مقل را در آب حل کرده واجزاء دیگر را کوفته بیخته حب سازند شربت از مثقال تا سه مثقال شب وقت خواب فرو برند بخوابند ازانجا که بشب استعمال میکنند بشبیار مسمی شده حب هلیله جهت اقسام صداع و نزله و امراض چشم مفید و معمول است ص پوست هلیله زرد پوست بلیله کابلی هلیله سیاه آمله مقشر پوست بلیله گلسرخ از هر یک سه ماشه سنائی شش ماشه غاریقون سفید نرم تربد سفید مجوف خراشیده لاجورد مغسول از هر یک دو درم کوفته بیخته از آب تازه حب بندند خوراک یکدرم

بروغن بادام چرب کرده بورق نقره پیچیده بآب گرم وقت پنج شش گهری چاشت باقی مانده فرو برند حب هلیله دیگر مختصر معمول ص هلیله سیاه هلیله زرد هلیله کابلی آمله بلیله گلسرخ از هر یک چهار ماشه سنائی هشت ماشه کوفته بیخته بروغن بادام چرب کرده حب بندند در ورق نقره گرفته یک دام وقت شب بعرق مناسب یا بآب گرم بخورند و بالای آن بر گاه دو گهری روز برآید بمطبوخ مناسب بنوشند جهت امراض سر و چشم فائده عظیم دارد حب قوقایا حب جالینوس است صداع و درد چشم را نافع باشد و فضلات غلیظه فرود آرد ص صبر سقوطری عصاره افسنتین مصطگی از هر یک یک مثقال شحم حنظل سقمونیا از هر یک یکدرم کوفته بیخته بآب کرفس حب سازند شربت یک مثقال حب مجرب منقول از بیاض بدر حکیم کاظم علیخان نافع جهت درد سر و شقیقه و بیضه ص صبر سقوطری چرایته هر یک یکماشه جائپهل دو ماشه ازرق سفیده اجمود هر یک یکماشه کوفته بیخته بآب نکهکنی چهار ده حب بندند یکی صبح و یکی شام با آب بخورند حب اصطمخیقون بمعنی منقی است اسهال سودای محترق از بلغم و اخلاط مختلفه فاسده کند و مالیخولیا و دیگر امراض را نافع بود ص آن زراوند مدحرج نمک هندی از هر یک یکدرم صبر سقوطری پنجدرم حب بلسان سلیخه سنبل الطیب اسارون دارچینی زعفران مصطگی رومی بیخ اذخر فوج ترکی عصاره افسنتین از هر یک درم سقمونیا مشوی غاریقون سفید نرم شحم حنظل از هر یک سه درم افتیمون بسفایج فستقی از هر یک شش درم کوفته بیخته حب سازند شربت ازان دو درم و نیم وقت خواب همراه ماء فاتر حب افتیمون منقول از شفائی ص محموده یکدرم ایارج فیقرا شحم حنظل غاریقون حجر ارمنی افتیمون مقل ازرق هر یکدو درم تربد سفید ششدرم کوفته بیخته حب ها سازند شربت دو درم و نیم حب لاجورد معمول جمیع امراض سوداوی را نافع باشد ص لاجورد مغسول سقمونیا انیسون هر یک یکدرم غاریقون پنجدرم افتیمون پنجدرم بسفایج فستقی چهار درم ایارج فیقرا شش درم بآب کرفس حب سازند شربت سه درم با ماء الجبن حب هندی برای فالج ص

زعفران پوست اترج قرنفل دارچینی بادرنجبویه مصطگی رومی طباشیر سفید از هر یک یکدرم آب سیب ترش پنجاه مثقال گلاب شصت مثقال آب لیمون نود مثقال قند سفید و عسل مصفی از هر یک هفتاد مثقال بدستور مرتب سازند شربت از یک مثقال تا دو مثقال جوارش فلافلی درد معده و شهوت کلبی را مفید باشد و بادهای غلیظ را دفع کند و طعام را هضم نماید و حمی ربع را زائل گرداند ص نسخه صاحب کامل الصناعه فلفل سیاه فلفل سفید دارفلفل از هر یک بیست درم عود بلسان ده درم زنجبیل تخم کرفس سلیخه سیاه بزر سیسالیوس اسارون راسن از هر یک یکدرم کوفته بیخته با سه وزن ادویه عسل مصفی گرفته لبرشتند شربت یکدرم باآب کرفس جوارش مسهل تنقیه معده کند و دافع فضلات شود ص تربد سفید تراشیده بروغن بادام چرب کرده زنجبیل پنجدرم قند سفید پنجاه درم اجزا کوفته بیخته بدستور مرتب سازند شربت سه درم باآب نیمگرم باب الحاء المهمله حب ایارج صداع مزمن و صرع و سکته و امراض عین را نافع باشد و دماغ و اعضاء رئیسه را از فضول و اخلاط پاک کند ص ایارج فیقرا تربد سفید مجوف از هر یک یکدرم حب النیل غاریقون انیسون از هر یک نیمدرم شحم حنظل نمک هندی از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته باآب رازیانه لبرشتند حب شبیار دماغ را از صفرا و بلغم پاک کند و صداع را نافع بود منقول از خط استاد رحمت الله ص پوست بلیله کابلی پوست بلیله از هر یک هفت درم مقل ازرق یکدرم گل سرخ حب النیل از هر یک دوازده درم صبر سقوطری کندر از هر یک هفتدرم کثیرا سه درم عصاره ریوند مصطگی از هر یک یکدرم مقل را در آب حل کرده و اجزاء دیگر را کوفته بیخته حب سازند شربت از مثقال تا سه مثقال شب وقت خواب فرو برند بخوابند از انجاکه شب استعمال میکنند بشبیار مسمی شده حب بلیله جهت اقسام صداع و نزله و امراض چشم مفید و معمول است ص پوست بلیله زرد پوست بلیله کابلی بلیله سیاه آمله مقشر پوست بلیله گلسرخ از هر یک سه ماشه سنائی شش ماشه غاریقون سفید نرم تربد سفید مجوف خراشیده لاجورد مغسول از هر یک دو درم کوفته بیخته از آب تازه حب بندند خوراک یکدرم

بروغن بادام چرب کرده بورق نقره بپیچیده باآب گرم وقت پنج شش گهری چاشت باقی مانده فرو برند حب بلیله دیگر مختصر معمول ص بلیله سیاه بلیله زرد بلیله کابلی آمله بلیله گلسرخ از هر یک چهار ماشه سنائی هشت ماشه کوفته بیخته بروغن بادام چرب کرده حب بندند در ورق نقره گرفته یک دام وقت شب بعرق مناسب یا باآب گرم بخورند و بالای آن هرگاه دو گهری روز برآید بمطبوخ مناسب بنوشند جهت امراض سر و چشم فائده عظیم دارد حب قوقایا

نزله

حب جالینوس است صداع و درد چشم را نافع باشد و فضلات غلیظه فرود آرد ص صبر سقوطری عصاره افسنتین مصطگی از هر یک یک مثقال شحم حنظل سقمونیا از هر یک یکدرم کوفته بیخته باآب کرفس حب سازند شربت یک مثقال حب مجرب منقول از بیاض بدر حکیم کاظم علیخان نافع جهت درد سر و شقیقه و بیضه ص صبر سقوطری جدوار ایته هر یک یکماشه جاپهل دو ماشه زیره سفیده اجمود هر یک یکماشه کوفته بیخته باآب نگهکنی چهارده حب بندند یکی صبح و یکی شام باآب بخورند حب اصطمخیقون بمعنی منقی است اسهال سودای محترق از بلغم و اخلاط مختلفه فاسده کند و مالیخولیا و دیگر امراض را نافع بود ص آن زراوند مدحرج نمک هندی از هر یک یکدرم صبر سقوطری پنجدرم حب بلسان سلیخه سنبل الطیب اسارون دارچینی زعفران مصطگی رومی بیخ اذخر وج ترکی عصاره افسنتین از هر یک درم سقمونیا مشوی غاریقون سفید نرم شحم حنظل از هر یک سه درم افتیمون بسفائج فستقی از هر یک شش درم کوفته بیخته حب سازند شربت از آن دو درم و نیم وقت خواب همراه مارفاتر حب افتیمون منقول از شفائی ص محموده یکدرم ایارج فیقرا شحم حنظل غاریقون حجر ارمنی افتیمون مقل ازرق هر یک دو درم تربد سفید شش درم کوفته بیخته حب ها سازند شربت دو درم و نیم حب لاجورد معمول جمیع امراض سوداوی را نافع باشد ص لاجورد مغسول سقمونیا انیسون هر یک یکدرم غاریقون پنجدرم افتیمون پنجدرم بسفائج فستقی چهار درم ایارج فیقرا شش درم باآب کرفس حب سازند شربت سه درم باما برابجن حب هندی برای فالج ص

دار فلفل تخم کشوثی نمک سانبهر اجواین کباب چینی برابر همه سائیده بآب کهیکوار و اگر آب برگ
آلکه باشد اقوی خواهد بود چند بار تسقیه نموده مقدار نخود حب ها بندند یکی صبح و یکی شام وقت خواب
بخورند حب اسطوخودوس نافع است از برای صرع و مالیخولیا و امراض سوداوی و بلغمی و داء الثعلب
صفت پوست هلیله زرد و هلیله کابلی از هر یک پنجدرم تربد سفید هفت درم و نیم صبر سقوطری شش درم
اسطوخودوس غاریقون نرم افتیمون بسفایج فستقی هر یک سه درم تخم حنظل یکدرم و نیم قرنفل
فودنج جبلی از هر یک یکدرم کوفته بیخته بروغن بادام شیرین چرب نموده حب ها سازند شربت
سه درم بآب حب برای صرع الاطفال منقول از قانون صفت کندر صبر جند بیدستر از هر یک
یک ماشه کوفته بیخته حب ها مثل دانه خشخاش به بندند حب شیطرج اسحاق گفته که این حب
نافع است از برای فالج و لقوه و گرانی زبان و درد سر که از بلغم بود و بادهای غلیظ را از تحلیل کند
و درد مفاصل را دور نماید و قبض را بگشاید صفت صبر سقوطری بیست درم تربد سفید ده درم
زنجبیل تخم حرمل از هر یک دو درم و نیم فلفل دار فلفل عاقرقرحا از هر یک درم شیطرج هندی
نمک لاهوری وج ترکی از هر یکدو درم فانید سنجری چهار درم اجزا را کوفته بیخته بآب سرشته
حب ها سازند شربت دو درم بآب نیمگرم حب برای صرع مجرب صفت حب جالینوس
زراوند مدحرج جند بیدستر ملح هندی از هر یک چهار درم قرص عنصل شش درم ایارج
فیقرا اسطوخودوس افتیمون غاریقون شحم حنظل حجر لاجورد مغسول از هر یک ده درم بسفایج
هفت درم تربد سفید پانزده درم بلیله کابلی هنقی خربق سیاه کماقیطوس کمادریوس از
هر یک پنجدرم کوفته و بیخته بآب خمیر کرده حب سازند شربت سه درم حب که در ازاله رعشه تاثیر
عظیم دارد صفت عاقرقرحا جند بیدستر شیطرج بزر البنج هر یک سه درم سکبینج شحم حنظل هر یک
چهار درم ایارج فیقرا پنجدرم شربت دو درم و نصف حب سبات و سبات سهری صفت
بنفشه دو درم پوست هلیله زرد تربد موصوف هر یک یکدرم نمک هندی رازیانه تخم کرفس
هر یک نیمدرم سقمونیا دانگی و نیم بآب خالص حب ها سازند و آن یک شربت است و اگر

طبیب مناسب داند و تربیت نماید حب منتن فالج و لقوه و مفاصل و نقرس و وجع ظهر
را که از سردی باشد نافع بود و بادهای غلیظ را دفع نماید و حیض بگشاید صفت سکبینج اشق جاوشیر
مقل حرمل شحم حنظل صبر سقوطری تربد سفید پوست هلیله زرد انزروت از هر یک سه مثقال
انزروت را در آب حل کنند و دواها را کوفته بیخته بآن بسرشند و حب سازند شربت دو درم
حب منقول از بیاض اکمل المدققین و افضل المحققین استادی و ابوی و حاذق
الملک حکیم محمد اکمل خان مرحوم برای صرع خصوص سوداوی بسیار مفید است صفت
لاجورد مغسول جند بیدستر قرنفل میعه سائله سقمونیا مشوی رب السوس هر یکدو درم غاریقون
سفید تربد سفید مجوف سکبینج بلیله کابلی هلیله زرد هلیله سیاه آمله مقشر سلیخه شاهتره قسط سورنجان
مصری سنا مکی فلفل سفید زعفران حب النیل درونج عقربی گل گاوزبان قند زرد بادیان انیسون
بسفایج فستقی افتیمون اسطوخودوس ایارج فیقرا هر یک سه درم کوفته بیخته باگلاب سرشته
حب ساخته چهل روز مداومت نمایند و هر روز از عقب آن شربت اسطوخودوس ده مثقال
بخورند حب کچله که برای اختلاج و دیگر امراض عصب نافع بود منقول از خط استاد رحمت الله
صفت دارچینی جوز بوا بسباسه عود صلیب قرنفل از هر واحد یک توله کچله دو توله کچله را در شیر
خیسانیده پوست آنرا دور کرده بسوهان ریزه نموده خوب صلایه کرده بعد از ان ادویه
دیگر کوفته بیخته در عرق نانخواه خمیر کرده مقدار نخود حب بندند صبح و شام بقدر دو حب بخورند
بعد ازین عرق صعتر و نانخواه بقدر مناسب بنوشند دوستی داشتم که برودت بدماغ او بکمال
مرتبه غالب شده بود و نزله بارد دائمی داشت و روز و شب تقویت دماغ بانواع معاجین
حاره مقویه مثل تریاق و جز آن می نمود و هیچ فائده نمی بخشید باستعمال حب کچله مزاج هم
باعتدال آمد و هم ترک افیون و برش نمود اول همراه افیون قدری کچله آمیخته استعمال
میکرد بعد از ان هر روز افیون می کاست و کچله اضافه می نمود و قدری که از اثر نزله باقی
مانده بود باستعمال حب بلادر بالکل زائل گشت و چون درین حب ادویه مقویه و ممسک

نزله حب بلادر

اضافه نموده میشود در تقویت باه و امساک فائده عظیم میدارد و اگر عقیمه بعد از طهر استعمال نماید بار گیرد حب بلادر برای نزله و جمیع امراض بارده دماغی و اعصابی و رطوبی و تقویت حفظ و دفع ریاح و سلسل بول فائده عظیم دارد و تقویت باه و امساک و رفع سستی نماید ص بگیرند بلادر و مغز گردگان و کنجد بالسویه و بکوبند بر همه را و خوب باهم مخلوط نموده حب ها مقدار نخود ببندند و از یک حب شروع نمایند و این حب و حب سابق را بعد از ان که چیزی ضرر محسوس نشود آهسته آهسته بقدر برداشت طبع بیفزایند عورتی درد پا داشت بجهت درد پا استعمال این حب کرد بعد از ان کم چند روز گذشتند و مقدار آن فزون شد تا لیلی که برفم رحم میداشت و هر روز در تزاید بودند بالکل زائل گشتند و وجع پا نیز زائل شد و هر گاه بهمنین و شقاقل و ثعلب و عنبر اشهب و دیگر مغزیات مثل فندق و امثال آن اضافه شوند در تقویت باه و دیگر آثار بعید خواهد بود و چون این هر دو حب را بجهت امساک استعمال نمایند در آب کوکنار حب بندند و اگر حب از مغز بلادر یا ادویه مناسبه ساخته استعمال نمایند نیز در تقویت باه و امساک فوائد عظیم خواهند دید و بی غائله است و معجون مغز بلادر در مبحث معاجین خواهد آمد در فوائد خود بی عدیل است حب که سکندر در کتاب خود نوشته که در حق مصروع نظیر ندارد و گفته که داروی بهتر ازین ندیدم برای مرد بالغ یک مثقال و برای طفل هژده قیراط ص صبر سقوطری پانج و مقل ازرق یک جزو محموده انطاکی ربع جزو کوفته بیخته در آب خالص حب بندند حب برای گل چشم منقول از بیاض عم مرحوم ص هلیله مربی پلاس پاپڑا نمک لاهوری بیندر کی خ مساوی کوفته بیخته بآب سحق بلیغ کرده حب سازند و در چشم کشند حب برای رمد از بیاض مذکور ص شیاف مامیثا گل سرخ حضض صبر صندل سرخ فوفل زعفران مساوی گرفته حب ها سازند و در سایه خشک نمایند با شیره کشنیز یا آب گلاب یا آب کاسنی حل کرده ضماد نمایند حب ذهب صداع و درد چشم را نافع از شفائی ص صبر سقوطری بیست درم پوست هلیله زرد ده درم کتیرا مصطگی سقمونیا زعفران از هر یک سه درم ورق گل سرخ بیخ کا

کوفته بیخته بگلاب حب سازند شربت دو درم حب عشا منقول از شفائی ص تربد سفید درم پوست هلیله کابلی غاریقون سفید از هر یک نیم درم صبر چهار دانگ گل سرخ دو دانگ مقل دانگی محموده نیم دانگ بآب حب سازند حب بنفشه اخلاط غلیظه را از سینه پاک کند و ربو و ضیق النفس را بغایت نافع باشد و امراض چشم و سینه دفع کند ص بنفشه دو درم تربد موصوف یک مثقال محموده دانگی و نیم رب السوس نیم درم بآب کاسنی حب سازند حب جهت شبکوری ص جگر گوش آدمی جوان پوست بهیڑا هر دو برابر لبسایند و با شیر عورت گولی ها برابر نخود ببندند و یک حب را تا ده روز بعسل حل کرده دو ساعت از روز باقی مانده در چشم کشند حب سرخ مجرب خواجه متبرک خان اگرچه ایشان در هر مرض چشم استعمال میکنند لیکن راقم در آخر رمد سبل و تحلیل مواد چشم و تسکین وجع فائده مشاهده نموده ص گیرو چهار دام افیون یکدام زنجبیل ربع دام صمغ عربی ربع دام همه را کوفته بیخته اگر ورم باشد با کشنیز سبز و اگر مواد نزله بر چشم افتاده باشد در آب کوکنار حب بندند و در سایه خشک نمایند و بالای چشم در آب فراخ یا در آبهای مذکوره سائیده ضماد نمایند حب سبز مجرب خان مذکور برای امراض چشم ص پهٹکری دو دام افیون یکدام حضض چار دام برگ نیب پنج عدد زعفران پنج سرخ همه را سائیده در کڑاهی آهنی با قدری آب داخل نموده از دسته آهنی خوب کهرل نمایند بعد از ان بر آتش گذارند تا آب او جذب شود و لائق بستن حب شود حب ها البته بوزن سابق بکار برند و گاهی درین ترکیب صبر هم داخل میکنند حب معمول و منقول از خط خال والد ماجد بجهت اکثر بیماری چشم سفید و تقویت بصر نماید ص زرد چوب زنجبیل فلفل گرد هلیله پای ٹرنگ سنگ بصری اصل السوس نمک سنگ موتهه از هر یک یکدرم مثل سرمه لبسایند بعد از ان با شیره برگ نیب و شیر بز سیاه و شیر کهوپره خمیر کنند و یک شب نگاهدارند و صبح گولی مقدار حبه ببندند و در سایه خشک سازند و بکار برند و بجهت نزول آب کانجی و بجهت بیاض

وباشیر کهوپره وبجهت گل چشم نو باشیر عورت وبجهت بیماری دیگر باشیر بز سیاه وبرای دوشهند باب
باد بان در چشم کشند حب نزله وزکام از مجربات است ص جند بیدستر زعفران هر یکی یک مثقال
رب السوس دو مثقال دارچینی افیون هر یک سه مثقال صمغ عربی کتیرا نشاسته هر یک پنج مثقال
بقدر فلفل حب ها سازند مقدار شربت دو حب است حب نزله از حکیم محمد باقر ص
زعفران بزر البنج افیون صمغ عربی تخم کاهو بیخ لفاح رب السوس نشاسته زعفران اجزا مساوی
کوفته بیخته باب حب سازند حب نزله منقول از بیاض والد ماجد ص بزر البنج سفید تخم کاهو
مقشر رب السوس صمغ عربی نشاسته مصطگی کتیرا شکر تیغال آرد باقلا بیخ لفاح مغز بادام شیرین
افیون زعفران تخم خشخاش از هر یک مثقال نبات سفید پنج مثقال کوفته وبیخته باب سرشته
حب سازند حب مومیائی جهت دفع نزله وزکام وتقویت دماغ وامساک نافع ص [illegible]
ماشه قرنفل دارچینی حب لبه صمغ عربی عود هندی رب السوس هر یک سه ماشه مصطگی خولنجان
بهمنین هر یک دو ماشه ابریشم مقرض چهار ماشه مومیائی کانی میعه سائله هر یک شش ماشه
کوفته بیخته بروغن بادام چرب نموده باب کوکنار خمیر کرده برابر نخود حب سازند یک دو حب
صبح وشام میخورده باشند حب المسک نافع بخری که از فساد عمور الانسان وللثه را قوت دهد
وپیوسته در دهن دارند از شرح اسباب ص مشک کافور هر یک یک دانگ طباشیر سفید
نیم درم فوفل قرنفل خولنجان عاقرقرحا هر یکی درم گل سرخ صندل سفید بلیله هر یک دو درم
کوفته بیخته باب به وگلاب سرشته حبها سازند حب المسک بنسخه دیگر نزدیک اعتدال
مخترع ومجرب یوسف طبیب ص مشک نیم مثقال مصطگی رومی پنج مثقال نبات هفت
مثقال همه را جدا جدا کوفته وبیخته بهم آمیزند ودر گلابی که کتیرا سفید یا صمغ عربی بقدر نیم مثقال
شب تر کرده صباح صاف کرده باشند لبسرشند وحب ها کرده در سایه خشک سازند حب
المسک از شفائی ص مشک دو دانگ پوست ترنج برگ ترنج مرفر تخم بشک قرنفل جوز بوا
تار مشک هیل زنجبیل کبابه لب باسه سعد هر یک ده درم کوفته برب سیب یا رب به

بجیه سرشته حب سازند حب مسهل جهت بخری که از حرکت ماده معده بود بعد از انضاج بماء الاصول
کرده چند روز تناول کرده باشند بکار آید از شفائی ص آن با هیره ج حب الغار هر یک یکدرم
رب السوس درم ونیم مصطگی دو درم سقمونیا مشوی سه درم گل سرخ افسنتین رومی از هر یک
پنج درم صبر سقوطری پانزده درم ونیم کوفته بیخته باب برگ ترنج حب ها البته مثل فلفل وسه درم
بکار برند اگر قوت باشد حب که داشتن آن در دهن بخر معدی بلکه با کثر اقسام آن مفید است
ص سفرجل میان تهی کرده قرنفل کوفته بجای تخم با نهند ودر خرقه تر بپیچند ودر گل گیرند وزیر آتش
گذارند تا پخته شود گل از آن باز کنند واز خرقه بیرون آرند وبگل نیشاپوری که مثل گل ملتانی
می باشد لبسرشند واز جهت محرور کافور یک دانگ صندل یکدرم زرد آلو خشک بگلاب سائیده
دو درم با وی بیامیزند وحب سازند واز جهت مرطوب مشک دو دانگ وجوز بوا نیمدرم
زنجبیل یکدرم داخل کنند حب که حرقت لسان را که از خوردن چیزهای تیز وشیرین بهم رسد
زائل کنند ص مغز تخم خربوزه مغز تخم بادرنگ مغز تخم کدو لب باسه کتیرا ترنجبین کوفته حب سازند
حب دیگر که بوی سیر وپیاز وشراب از دهن دور کند ص مشک تباشیر هر یک نیمدرم
عنبر اشهب نیم مثقال پوست ترنج تخم بشک هیل بوا زنجبیل کبابه لب باسه سعد کوفی هر یک پنجدرم
صندل بگلاب سائیده ده درم در گلابی که صمغ عربی دانگی در آن حل کرده باشند لبسرشند و
حب سازند ودر دهن گیرند حب جهت استرخاء زبان زیر زبان داشتن نفع تمام
بخشند ص حلک البطم دو درم حلتیت یکدرم کوفته بهم سرشته حب سازند حب که داشتن
آن زیر دندان درد ناک تسکین وجع کند ص تخم مرو یکدرم عاقرقرحا مویزج هر یک سه درم
بشیر گاو ده مثقال آب کشنیز سبز بیست مثقال جوشانیده حب سازند وبر دندان نهند واگر بند آب
تازه با مویز سیاه بکوبند وبر دندان نهند همین عمل کند حب که صاحب خناق صفراوی ودموی
در ابتدای زیر زبان داشتن سود مند بود ص کافور یک دانگ تخم گل تخم خرفه نشاسته طباشیر
سماق کتیرا هر یک یکدرم کوفته بلعاب بهیدانه سرشته حب سازند حب که در بحة الصوت که

ازسوء مزاج بارد باشند مشتمل بخشیود ص فلفل یکدرم خردل بریان سه درم کندر باز ده هریک
چهار درم مرکی ششدرم کوفته حب سازند و زیر زبان نگاه دارند حب جهت بستگی آواز
از بقای ص مغز بادام تلخ تخم کتان مغز چلغوزه سائیده حب ها بندند در دهن نگاهدارند حب
نافع برای اندمال قرحه حلق وآبله فم ص زرالورد طباشیر سفید نشاسته کهربا دم الاخوین مساوی
گرفته کوفته بیخته حب بندند و در دهن داشته باشند تا وقتی که اندمال قرحه شود حب جید برای
بحة الصوت ص لوز بریان مقشر باقلا بریان مقشر هریک بیست درم مغز بادام صنوبر
مقشر هریک بیست درم کثیرا پنجدرم منقی دانه برآورده بیست درم و در نسخه دیگر سی درم است
منقی را کوفته باسایر ادویه کوفته بیخته مثل کنار جنگلی حب بندند سه حب وقت صبح و سه حب
بوقت شام بآب باقلا وآب نخاله باشکر سفید و روغن بادام شیرین باهم مخلوط نموده باشند بخورند
حبی که تصفیه آواز نماید و تلیین گلو و سینه کند و سرفه را نفع نماید ص مغز بادام مقشر تخم کتان
بریان مغز حب صنوبر کنار از هریک دو درم کتیرا صمغ هریک درم اصل السوس خراشیده
رب السوس از هریک پنجدرم شکر سفید چهار درم کوفته بیخته بآب باران واندکی عسل
منزوع الرغوه سرشته حب بندند و زیر زبان دارند حبی که جهت تقویت شش و دفع
وسعال مجرب است ص زفت مغز بادام شکر سفید هریکدو درم کوفته بیخته حب سازند
و در دهان دارند حب هندی که جهت سرفه شدید که از کثرت آن طعام بقی برآید و اطبا
از علاج آن درمانده باشند نفع دارد و ضیق النفس را مفید است از قادری ص فلفل
سه درم دارفلفل شش درم انار دانه دوازده درم قند سیاه بیست و چهار درم جوا کهار که
نوعی از بوره ارمنی است و یک نیم درم ادویه کوفته بیخته بقند سرشته حب ها بندند اکثر اقسام
سرفه را سود دارد انار دانه که در ادویه سعال واقع شده باآنکه حموضت در سرفه منع
است متوحش نشوند چه شیخ علیه الرحمة نیز در قانون اندر باب سعال حبی نوشته که تمر هندی دارد
و بعد این حب می آید پس منع از حموضات در سرفه مفید بدان باشد که ترشی تنها بود و با

بعد ترکیب فلد اورا باشد انتهی عبارة القادری راقم که معترف بقصور فهم خود است میگوید که
در سند گرفتن از ترکیب شیخ خطاست زیرا که شراح نوشته اند که مراد از تمر هندی عجم تمر هندی است نه گوشت
تمر هندی و مخفی نیست که برش تخم تمر هندی است و در بعضی نسخه های قانون تمر بربری بنظر آمده
پس درین صورت احتیاج بتوجیه شراح کرده اند آن هم نیست کما لا یخفی و نیز در بعضی اقسام
که ترشی منع است مثل آنکه سرفه از برودت سازج باشد نه آنجا استعمال حموضت فقط میکند
و به مکسور الکیفیة و در بعضی اقسام که انجا تقطیع بلغم منظور باشد آنجا اشیاء حامضه تنها استعمال
میکنند چنانچه در کتب معتبره استعمال خل عنصل برای تقطیع بلغم فرموده اند و راقم هم در بعضی صور
مرجان که سرفه داشتند استعمال ترشی نارنج و لیمون بسبب کسر سورة صفرا مفید یافته فافهم والاستماع
بالرد و القبول حبی که شیخ الرئیس در باب سرفه بارده ذکر کرده این است ص تمر هندی یا بربری
علی اختلاف النسختین رب السوس لباب القمح زعفران کثیرا حب صنوبر حب القطن حب الآس
قشر خشخاش بزر خشخاش انیسون مرفانیذ از هریک بقدر حاجت بگیرند و حبها سازند و در زبان
دارند حب که نافع است اطفال را که از سرفه بسیار قی کنند و سرفه خشک بزرگان و خوردان
که مانع از خواب باشد و نوازل حاده را دفع کند ص نشاسته صمغ عربی رب السوس خشخاش سفید
افیون مساوی کوفته بیخته بلعاب بهدانه بقدر نخود حب بندند حب جاوشیر جهت ربو و ضیق النفس
و برای اعانت رفع ماده موجب این امراض خواه در قصبه ریه خواه در عروق اصوات و غیر
اصوات یا در خلل گوشت آن باشد مفید بود ص جاوشیر پنجدرم در آب رازیانه حل کنند و
نیم درم تخم حنظل سائیده اضافه و حب بسته با ماء العسل بدهند و از انجا که نفع جاوشیر در ربو
علت بسیار است و در اختیار آن اضطرار از بس دفع احتراز ازین دوا که باعصاب است
شدید بین اعصاب بروغنی که گرم و خوشبو بود باید نمود حب القطن تلیین صدر کند ص
پنبه دانه مغز بادام مقشر هریک چهار درم اصل السوس پنجدرم است زردی چهار بیضه
مشویه باهم آمیخته بعسل کف گرفته و بروغن بادام حب ها سازند حب السعال سرفه را

گر شب بقرار دارد و در بور ابرد و بغایت نافع بود ص رب السوس پنجدرم فلفل فردماناً
حلتیت مغز بادام ہریکی دو درم بماء العسل سرشتہ حبہا سازند حبّ جہت سعال و تلیین
صدر مجرب است ص نشاستہ صمغ عربی مغز تخم خیار از ہریک یک مثقال رب السوس
گوشت مغز بز کتیرا از ہریک سہ درم فانیذ خشخاش سفید از ہریک چار درم حب السعال
صاحب تحفہ در تذکرہ نقل کردہ و از مجربات آن نوشتہ ص نشاستہ صمغ عربی کتیرا رب السوس
زعفران تخم خرفہ بادام شیرین بادام تلخ فستق حب صنوبر انیسون تخم کتان ہریک نصف
جزو مغز تخم کدو مغز تخم خربوزہ تخم خیارین تخم خشخاش ہریک یک جزو حب سازند و اگر در سینہ
و شش قرحہ باشد این اجزا اضافہ کنند پرسیاوشان دو جزو زوفا دو نیم جزو حلبہ سہ جزو تمر
چہار جزو و اگر بادی باشد گل ارمنی گل مختوم ہریک سہ جزو بہ افزایند و ہمہ را باہم چند شکر
بلعاب تخم خرفہ و بذر قطونا ریحان روغن بنفشہ حب ہا سازند و اگر بعصارہ کرنب معجون
سازند در تلیین و صاف کردن آواز ابلغ است حب سرفہ کہنہ و ریو و ضیق النفس الحار
سینہ را نافع است ص تربد سفید غاریقون ہریک سہ درم اصل السوس شحم حنظل ایارج
فیقرا انزروت ہریکدو درم بآب حب سازند شربت یک مثقال بماء العسل حب عطائی
منسوب بمیر عطار العدجد صاحب تحفہ جہت سرفہ رطوبی و ضیق النفس بغایت نافع ست
و در تجربہ راقم نیز آمدہ ص زراوند مدحرج افیون از ہریک مثقال حلک البطم میعہ سایلہ کندر
مر صاف از ہریک سہ مثقال حب ہا ساختہ از دانگی تا نیم مثقال باشربت مناسبہ تناول
نمایند حب جہت سرفہ و نزلہ و تقویت معدہ و اعضاء ریہ مفید و امساک و تقویت باہ
می نماید ص مشک یک نیم ماشہ عنبر اشہب سہ ماشہ کہربا لبد ہریک شش ماشہ مغز بادام
مقشر نشاستہ عود غرقی مروارید یاقوت ہریک یکتولہ رب السوس صمغ عربی بنفشہ نبات پنج
افیون مصری ہریکدو تولہ جواہر را بر سنگ سماق باگلاب صلایہ کردہ دواہای دیگر کوفتہ
بیختہ یک جا کردہ بگلاب خمیر نمودہ حبہا مقدار نخود بر بندند حب جہت ضیق النفس و سرفہ

بلغمی معمول حکیم شاہ محمد اکبر آبادی ص مالکنگنی پاؤ دام نیل بڑی چوک ترشس ہریک
یکدام خوب سائیدہ برابر مرچ حبہا بستہ ہر روز دو حب باآب بدہند حبی کہ داشتن آن
در دہن سرفہ و ضیق النفس نفع دہد ص دارچینی پوست ہلیلہ قرنفل ہریک یکجزو
کتھہ سفید چہار جزو کوفتہ بیختہ بآب کہ پوست مغیلان دران جوشانیدہ صاف نمودہ حب بندند
راقم ہم برای سرفہ بارد تجربہ نمودہ حبی کہ بجہت ہیضہ و دمہ و سرفۂ اشتہا و درد اعضا و درد شکم و درد
و نزلہ و جمیع امراض باردہ بلغمی و سوداوی و قوت نافع است منقول از بیاض عم مرحوم
ص تنباکو سورتی نیم پاؤ گلاب نیم پاؤ تنباکو را در گلاب شب تر نمایند صبح خوب سائیدہ
گولیہا مقدار نخود ببندند و این اجزا را علیحدہ خشک بسایند فلفل دو دام پختہ دانہ الایچی خورد
یکدام الایچی کلان دام جوز بوا دو دام زعفران یکدام بسباسہ نیم دام مشک سہ ماشہ عنبر
اشہب دو ماشہ پس گولی ہا را در گلاب ہمراہ این اجزا مرتبہ دوم بسایند و گولی ہا مقدار نخود
بندند و ہمراہ پان می خوردہ باشند حب برای سرفہ بلغمی و رطوبت و ضیق النفس منقول
از بیاض مذکور ص مرچ پیپل زنجبیل عاقرقرحا مینتھہ تبلیہ ہریک یکدام حلبہ پنجدام کوفتہ
در آب برنج ساٹھی بقدر موٹھہ حب بندند و یک حب بخورند حب ہندی جہت سرفہ اطفال
ص زنجبیل کاکرا سنگی تیس دانہ بیل بابونہ کوفتہ بیختہ حب بندند وقت حاجت بعسل سرشتہ
لعق نمایند برای سعال رطوبی و بلغمی و ضیق النفس از مجربات اہل ہند و معمول از
بیاض عم مرحوم ص دار فلفل در پارچہ پیچیدہ زیر خاکستر گرم مقدار یک ساعت بگذارند
بعد ازان فلفل ہا در دست بمالند کہ دانہ آن جدا شوند پس بگیرند ازین دانہ ہا یک تولہ و سہاگہ
بریان کردہ و خولنجان ہریک یک تولہ فلفل دو تولہ عاقرقرحا نیم تولہ ہمہ ادویہ را کوفتہ در کہرل
انداختہ با شیرۂ گھیکوار سہ چہار روز سحق بلیغ نمایند با شیرۂ گھیکوار بسیار در خورد ہر چند در سحق
و شیرہ دادن مبالغہ نمایند بہتر خواہد بود حب بمقدار نخود بندند از یک حب تا دو حب بخورند
حب برای اکثر اقسام سرفہ مجربست ص گل پستہ ہلیلہ ہر دو برابر گرفتہ کوفتہ بیختہ

در شیرہ ادرک گولیہا مقدار سونگ بندند و در دہن نگاہدارند حب خارلقون از علویخان
مرحوم نافع برای اکثر اقسام ضیق النفس و مسہل بلغم و صفرا محی و سودا و منقی صدر و ریہ ص
خارلقون نرم و سفید افتیمون سنائی کتیرا از ہر یک ثلث درم گل بنفشہ عصارہ سوس
ایرسا ہر یک نیم درم انزروت سفید دانگ مغز حب صنوبر کبار دو دانگ باریک خوب
نمودہ در روغن بادام خوب و جہ سرشتہ بلعاب سکری خمیر کردہ حب ہا بندند جملہ یک
شربت ست کامل حب اللبان نافع برای سعال شدید کہ بسبب آن قی میشود
و صدر را از اخلاط پاک کند ص رب السوس کتیرا بنفشہ ترنجبین از ہر یک پنج درم
تخم خشخاش مغز بہدانہ از ہر یک ہفت درم مویز دانہ بیرون کردہ چہار درم انیسون
بادیان مغز بادام تلخ مقشر از ہر یک دو درم لبان و قیق باقلا از ہر یک ہفت درم کوفتہ
بیختہ بلعاب اسغول حب ہا بندند و یک حب در دہن نگاہدارند حب برای سرفہ
و سل مجرب است ص شکر تیغال نشاشتہ کتیرا از ہر یک سہ درم تخم خشخاش رب السوس
مغز بہدانہ ہر یک چہار درم مغز بادام شیرین شکر طبرزد از ہر یک دہ درم صمغ عربی
سہ درم تخم خشخاش کوفتہ بلعاب بہدانہ حب ہا بندند و در دہن نگاہدارند حب سعال
معمول قدیم ص صمغ عربی نشاستہ کتیرا از ہر یک سہ درم مغز بہدانہ مغز تخم کدو تخم خیارین
از ہر یک دو درم مغز بادام مقشر خشخاش سفید از ہر یک چہار درم شکر طبرزد فانیذ
از ہر یک ہفت درم کوفتہ بیختہ بلعاب بزر قطونا حب سازند و اگر سرفہ بلغمی باشد رب السوس
مویز منقی از ہر یک چہار درم زعفران یکدرم اضافہ نمایند حب از شرح اسباب
وقتی کہ در دہن گیرند نافع است از برای نفث الدم کہ حادث از قصبۂ ریہ بود ص
گل ارمنی کہربا صمغ عربی دم الاخوین طباشیر نشاستہ کتیرا گلنار اقاقیا عصارہ لحیۃ التیس
کوفتہ بیختہ باب لسان الحمل و آب خرفہ حب ہا بندند مثل طرح در دہن دارند حب نافع برای
قرح ریہ و سعال عتیق را زائل کند و تلیین صدر و تصفیۂ صوت نماید ص مغز بادام شیرین

مقشر بریان مغز بادام تلخ بریان مغز حب الصنوبر از ہر یک دو درم افیون مصری صمغ
اجاص ایرسا رب السوس از ہر یک یکدرم فانیذ شکر سفید از ہر یک دو درم کوفتہ بیختہ
باب بادیان سبز حب ہا بندند و استعمال نمایند حب برای نفث الدم و سل کہ با شدہ
حرارت باشد از والد حکیم علویخان ص کافور قیصوری نیم دانگ طباشیر سفید گل سرخ انجبار
ولایتی دم الاخوین کہربا مروارید ناسفتہ سائیدہ شادنج عدسی مغسول صمغ عربی کتیرا بسد
سرطان محرق گل ارمنی از ہر یک دانگ مغز تخم کدو مغز تخم خربوزہ از ہر یک دو دانگ
کوفتہ بیختہ حب ہا سازند جملہ یک شربت است با شیر آدم یا شیر بز حب جواہر کافوری
جہت تقویت مزاج و رفع حرارت آن و منع اسہال مفید و مدقوق و مسلول را مناسب
بود تالیف راقم ص مروارید ناسفتہ زمرد سودہ یاقوت رمانی سائیدہ زہر مہرہ خطائی سودہ
کہربای شمعی لعل بدخشی یشب سفید کافور قیصوری ہر یک درم رب السوس صمغ عربی کتیرا
نشاستہ گل نیلوفر سرطان محرق طباشیر سفید پوست خشخاش تخم خشخاش گل گاوزبان ہر یک
یک مثقال زعفران دانگ ریشۂ پوست بیخ انجبار صندل سفید گل ارمنی ہر یک نیم مثقال
ادویہ کوفتہ بیختہ بلعاب بہدانہ حب ہا بستہ از نیم درم تا دو درم ہمراہ ادویہ مناسبہ استعمال
نمایند حب پادزہر معدنی در تقویت قلب و دفع سموم و ازالہ ضرر مواد سمی و اصلاح
اخلاط فاسدہ بدنی بی نظیر است ص پادزہر خطائی یاقوت رمانی مروارید کہربا گل ارمنی
مغسول درونج عقربی حب بلسان شقاقل بہمن سرخ بہمن سفید حب الغار طباشیر سفید
دارچینی از ہر یک یک مثقال زعفران نیم مثقال عنبر اشہب مشک خالص ورق طلا ورق نقرہ
از ہر یک یکدانگ و نیم جواہر را بر روی سنگ سماق صلایہ بگلاب کردہ ورق طلا و ورق
نقرہ را باب صمغ محلول حل کردہ مشک و زعفران را بگلاب حل کردہ عنبر اشہب را
بروغن بلسان نیم مثقال حل کردہ باقی ادویہ را کوفتہ بیختہ و ہمہ را در ہم نیکو سرشتہ حب ہا
سازند ہر حب بمقدار قیراط و ہر روز پنج عدد از ان حبوب باگلاب دہ مثقال فرو برند

حب تخمہ محمد زکریا گوید این حب تخمہ را زائل کند و قولنج بگشاید ص قرنفل زنجبیل نبات سیاہ سفید نار مشک دار فلفل شکر طبرزد ہر یک جزوی کوفتہ بیختہ بآب حب سازند قدر خوراک یکدرم
حب ہاضم و خوش ذائقہ اشتہار آرد از مجموعہ ص الایچی خورد دارچینی ہر یک پاو دام سمندر لون سونچر لون سیندہا لون جوا کہار زہر الون دہند پیپلامول زیرہ سفید زیرہ سیاہ زنجبیل تیرج ناگیسر تالیس پتر ہر یک نیمدام چوک ترش دو دام انار دانہ ہشت دام کوفتہ بیختہ بآب لیمو خمیر نمودہ حب ہا مقدار نخود بندند چہار پنج حب بخورند حب جہت ہضم و تقویت معدہ وطرد ریاح غلیظ و دفع فواق شدید معمول است ص نمک سانبہر نمک سیاہ نمک سیندہ ہر یک سہ مثقال نعناع زرنباد ہر یک پنج مثقال ہلیلہ زرد بلیلہ آملہ مقشر فلفل گرد دار فلفل وج ترکی زنجبیل ہر دو زیرہ ہر یک نہ مثقال تخم کشنیز نیم پاو نانخواہ بادیان ہر یک پاو سیر کوفتہ بیختہ بآب خمیر کردہ در آفتاب خشک کنند و باز بآب آملہ سبز و اگر آملہ سبز بہم نرسد آملہ خشک را در آب تر نمودہ ہمان آب خمیر ساختہ باز بآب لیمون خمیر کردہ حب ہا برابر نخود دلبستہ یکی بخورند
حب تنکار گرسنگی آرد و درد معدہ و شکم و گرانی را دفع کند ص تنکار دو درم بزر البنج دو درم و نیم فلفل سیاہ دوازدہ درم صبر سقوطری شانزدہ درم کوفتہ در شیرۂ درخت صبر کہ آن را بہندی کہیکوار گویند حب ہا بندند بقدر نخود جہت تحلیل باد و مواد دو سہ حب دہند و اگر رفع قبض مطلوب باشد زیادہ بدہند بدا وست او باد مطلق در شکم نمیگذارد و کلانی در شکم دور می نماید مجرب است حب ترش از میر محمدی مرحوم جہت ہضم طعام و تقویت معدہ مفید و خوش مزہ است ص بگیرند زنجبیل سفید بی ریشہ یک آثار و نہایت باریک بسایند و از پارچہ بگذرانند و درمیان آب انداختہ یک شب و روز گذارند و صبح آن آب را دور نمایند و ہفت ہشت مرتبہ ہمین نہج عمل نمایند تا خوب سفید شود بعد ازان نمک لاہوری ساییدہ نیم پاو اضافہ نمایند و آب لیمون بقدر آنکہ دو انگشت بالا بایستد داخل نمایند و بگذرانند کہ خشک شود بعد ازان ببینند کہ نمک خوب است یا کم اگر کم باشد بقدر دو دام

یا کم نمک دیگر ساییدہ در آب لیمون ہمان قدر آمیختہ داخل کنند ہمگی سہ چہار مرتبہ آب لیمون زیادہ نمایند و اگر نمک کم نباشد فقط آب لیمون افزایند گولی ہا بمقدار نخود بندند حب ترش معمول والد بزرگوار این خاکسار برای ہضم طعام و رفع ریاح و تقویت معدہ از مجربات است و مشہور بحب الکبریت ص زنجبیل یک آثار قرنفل دار فلفل ہر یک دو دام دانہ ہیل نمک سیاہ نمک سنگ ہر یک پاو آثار کبریت اصفر براق دو دام کبریت را در روغن گاو بریان ساختہ بعد ازان ہمہ ادویہ را علیحدہ علیحدہ کوفتہ بیختہ در آب لیمون تر نمایند آنقدر کہ آب لیمون دو انگشت بالا از ادویہ باشد پس ازان کہ آب لیمون خشک شود ہمان مقدار آب لیمون دیگر بیندازند و ہفت مرتبہ چنین کنند حب ہا مقدار نخود بندند دو سہ حب خوردہ باشند حب دیگر جہت وجع و دفع ریاح و زیادتی اشتہا مجرب است و پیش از طعام و بعد ازان توان خورد ص سہاگہ تیلیہ جوا کہار نوشادر ہر یک یکدام زنجبیل فلفل دار فلفل ہر یکدو دام ہلیلہ بلیلہ آملہ ہر یک چہار دام دو آثار را کوفتہ بیختہ بآب لیمون مقدار کنار جنگلی حب ہا سازند شربت دو حب و در صورت شدت قبض سہ حب حب نافع زلق الامعاء منقول از حکیم علی و او مجرب نوشتہ ص بگیرند قشار کندر ماز و پوست انار قرط طراثیث جفت بلوط از ہر یک یکدرم و نیم کوفتہ بیختہ در خل خمر بجوشانند تا منعقد شود مثل فلفل حب ہا سازند شربت یکدرم تا یک مثقال حب حلتیت جہت تقویت معدہ و ہضم طعام و طرد ریاح مفید است و از تالیف راقم و اگر برای تقویت باہ مرتب سازند در آب لیمو و ادرک تر کنند و بہمنین و شقاقل و لسان العصافیر و تعلب مصری ہر یک یکتولہ بیفزایند و ہر چند ترشی زیادہ خواہد ماند بو کم خواہد شد ص بگیرند زنجبیل سہ تولہ انگوزہ خالص چہار تولہ قرنفل خولنجان فلفل دار فلفل قاقلہ صغار کباب چینی مصطگی فلفلمونہ نانخواہ ہلیلہ کابلی آملہ بلیلہ ہر یک یکتولہ نمک سیاہ دو تولہ شونیز ماشہ ادویہ را کوفتہ و بیختہ و حلتیت را کوفتہ در روغن بریان نمودہ در آب صبر و آب لیمون و آب ادرک آنقدر

نافع زلق الامعاء

که چهار انگشت بالا باشد تر نمایند نمک دو مرتبه تجربه آب ها فرود و حب ها مقدار نخود بندند حب
غاریقون سوده را بکشاید و استسقا و امراض کبد را نافع باشد ص افتیمون صبر از هر یک شش درم
غاریقون چهار درم انیسون فطراسالیون تخم کرفس و وج و قوه از هر یک دو درم سقمونیا درم کوفته بیخته با آب
خالص حب سازند حب مازریون استسقاء زقی را نافع باشد ص ریوند چینی عصارهٔ غافث
تخم کرفس از هر یک سه درم غاریقون پنج درم مازریون مدبر ده درم کوفته بیخته حب سازند شربت
دو درم باید. دانست که مازریون از ادویه سمیه است عند شدت حاجت بعد اصلاح استعمال
باید کرد و قسم سیاه را هرگز استعمال نمایند و طریق اصلاح اینست بگیرند مازریون غیر سیاه
در سرکه گذارند سه شبانروز و بعده بر آورده باب شیرین سه مرتبه بشویند پس خشک ساخته
در سه ماه اندر آفتاب در گرما اندر سایه خشک کنند و بروغن بادام چرب کرده بکار برند
و قدری کتیرا با و یار سازند و چون که این دوا قوی التاثیر است در گرما بمحرور المزاج
نباید داد و مازریون بسیار باریک بسایند و استعمال دوا که مازریون دارد به تفاریق
و اندک اندک بسایند حب بهرامی استسقاء بلغمی را نافع بود ص صبر سقوطری دوازده درم
افتیمون شش درم سقمونیا چهار درم سنبل سلیخه تربد سفید مصطگی از هر یک دو درم زعفران
درم و نیم غاریقون سه درم حماما درم کوفته بیخته حب سازند شربت دو درم و نیم حب
برای صلابت طحال و سرفه و ضیق النفس بلغمی مجرب است از بیاض عم مرحوم ص ابلوه
سهاگه بریان بحر با قند سیاه حب سازند بقدر نخود تا یکماه بحسب حاجت بخورند و اگر بهر روز نتوانند خورد
یک روز میان داده بخورند وقت شب بعد از غذا که یکساعت نجوبی بگذرد تناول نمایند و بالای
آن هیچ چیز نخورند و از ترشی و اغذیه نفاخه پرهیز نمایند و در اکثر امزجه فرو نشسته است هم می آرد حب
اشخار جهت صلابت طحال از بقائی ص پوست هلیله زرد زنجبیل شیطرج اشخار سفید تنکار
بریان زیره سفید نمک سنگ برابر کوفته بیخته بقند سیاه کهنه سه ساله دو چند سرشته حب ها
خورد بندند از دو ماشه تا چهار ماشه بدهند حب که جهت سپرز و مجرب است بامار العسل

و امثال آن بخورند ص پوست بیخ کبر ریوند هر یک دو درم مرجان سوخته صبر زرد تخم کرفس غاریقون
نمک هندی درم با عرق بید حب ها بندند قدر شربت یک مثقال حب جهت ازاله
صلابت طحال از بقائی ص هڑ سوخته سهاگه بریان سجی شوره قلمی باوبڑنگ هر دو
زیره نمک سینده همه را برابر کوفته بیخته با قند سیاه حب ها بندند و با آب گرم بخورند حبی که
در یرقان اسود بکار آید ص کندش مدبر بسرکه مازریون هر یک سه طسوج خربق سیاه
بشیر دوشیده پرورده نیم دانگ زعفران دو دانگ سقمونیا مشوی دو دانگ و نیم افتیمون افسنتین
رومی هر یک دو ثلث یکدرم هلیله سیاه هلیله کابلی هر یک یکدرم عصارهٔ غافث ریوند
هر یک پنج دانگ صبر خالص دو درم کوفته بیخته با آبی که در و بیخ غرطنیثا و ترمس تلخ جوشانیده
باشند سرشته مثل فلفل حب ها بندند شربت یک مثقال و ربع با آب رازیانه و شربت
از جالینوس منقول است که شخصی را یرقان اسود عارض شده تا پنجسال امتداد گشته
شخصی او را بخوردن کبریت کوفته با بادام تلخ اشاره کرد بیمار حسب الایماء آن شخصی عمل
نمود بیماری مذکور گویا نبود حب برای صلابت طحال ص زنجبیل فلفل زرد چوب جهته
کمیله جوار کهار برابر کوفته در شیره کهیکوار بقدر کنار جنگلی حب بسته یک حب هر روز بخورند
حب غافث درد جگر و تپ های مزمن را سود مند بود و در ابتدای استسقا نهایت مفید بود
ص عصاره غافث افسنتین بلیله زرد مصطگی رومی زعفران ریوند چینی لک مغسول تمام
ایاره فیقرا اجزا متساوی کوفته بیخته باب عنب الثعلب سرشته حب سازند یک مثقال وقت
خواب با آب نیمگرم فرو برند و بخوابند اگر مریض را سعال باشد نصف یکجزو رب السوس داخل
نمایند حب مقل بواسیر را نافع بود ص پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی مقل ازرق
از هر یک پانزده درم تربد سفید ده درم سکبینج پنجدرم خردل ده درم مقل و سکبینج را در
گندنا حل کرده و دارو ها را کوفته بیخته بآن بسرشتند حب مقل دیگر درد معده و امعاء و
بواسیر را نافع بود ص هلیله سیاه بلیله آمله مقشر از هر یک جزوی مقل برابر همه مقل را

در آب گندنا حل کرده داروها کوفته بیخته بآن لبرشند و حب سازند شربت دو درم
و نیم حب سکبینج قولنج بگشاید و ریاح غلیظ را دفع نماید ص سکبینج شحم حنظل از هریک ده درم
سقمونیا سه درم بآب سداب حل کنند شربت یک درم حب مقل نوع دیگر شقاق
مقعد را سود دارد و طبع را نرم کند و محرور را موافق باشد ص پوست هلیله کابلی هشت درم
مقل ده درم کثیرا پنجدرم انجیر سی عدد انجیر را در شراب بپزند تا مهرا شود پس بپالایند
و مقل و کثیرا در وی حل کنند و پوست هلیله را کوفته بیخته بآن لبرشند و حب سازند شربت
دو درم حب دیگر چون سه روز و شب متوالی بخورند وجع بواسیر را تسکین دهد ص
هلیله سیاه بلیله آمله مقشر از هریک چهار درم نمک هندی صبر مصطکی سورنجان اشق مر
اسبند شیطرج نانخواه از هریک یکدرم سنبل زعفران دارچینی وج قاقله سلیخه از هریک
هشت درم صبر سقوطری هشتدرم سکبینج دو درم مقل و سکبینج را در آب گندنا حل کنند و ادویه
را کوفته بیخته بآن لبرشند حب سازند شربت دو مثقال حب نافع برای اسهال ص
افیون سندروس کندر مر زعفران برابر کوفته بقدر نخود حب سازند شربت دو درم
حب برای دندان اطفال ص برنگ مقشر بلیله زرد آمله از هریک پنج مثقال تربد سفید
سه مثقال فانید برابر ادویه شربت شش ماشه بآب گرم از بیاض عم مرحوم نقل شد حب
الملوک قولنج بگشاید و بادهای غلیظ دفع نماید ص صبر پنجدرم تربد سفید ده درم انزروت
پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی از هریک سه درم نمک هندی ده درم مصطکی زعفران
سادج هندی قسط سلیخه ریوند چینی زنجبیل انیسون تخم کرفس قرنفل خربوا دارچینی کثیرا
قاقله از هریک نیمدرم سقمونیا دو مثقال مشک دانگی کوفته بیخته بگلاب حب سازند
شربت سه درم حب مقل قابض خون رقیق از بواسیر بازدارد ص هلیله سیاه پوست
هلیله کابلی پوست بلیله آمله مقشر مقل ازرق از هریک دو درم مرجان کهربا دوغ سوخته
از هریک درم مقل را در آب آهنگران حل سازند و داروها صلایه کرده بآن لبرشند

و حب سازند شربت دو درم حب ممسک طبیعه را به بندد و خون رقیق از شکم بازدارد
ص سماق دو درم مازو درم پوست انار نیمدام حب الآس ده درم تخم زبیب سه درم
کوفته بیخته بلعاب صمغ عربی حب سازند شربت دو درم بآب مورد بدهند و از عقب
بارها آب سرد بخورند حب که شکم به بندد ص مازو سبز کزمازج افیون کوفته بیخته بآب
حب سازند هریک مقابل فلفل شربت معه حب با پنج حب حب زحیر و اسهال کهنه
و زحیر را نافع باشد هرگاه فشرد ص جندبیدستر اسارون میعه سائله بزرالبنج سیاه کندر
مساوی کوفته بیخته بآب حب سازند شربت دو درم حب که قطع خون بواسیر می کند
مجرب صاحب دارا شکوهی که از کتابش رازی نقل کرده ص هلیله سیاه بروغن گاو
بریان کرده آمله مقشر پوست هلیله زرد گل سرخ طباشیر کزمازج صدف سوخته کهربا تخم
کشنیز رسوت مروارید لبسد ریوند چینی ادویه را کوفته بیخته با مقل محلول بگلاب سرشته
حب بسته پنج ماشه با عرق بارتنگ و عرق بید بنوشند و اگر ضعف معده باشد دوای
تقویت بخورند حب که شکم به بندد در یکساعت ص افیون درم اقاقیا دو درم گل
کز سماق حب الآس از هریک چهار درم کوفته بیخته بآبی که صمغ عربی دران منقوع باشد
حب سازند شربت نیم مثقال حب مقل از بیاض علویخان برای ریاح بواسیر بسیار نافع
نوشته ص پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد آمله هلیله سیاه از هریک ده درم سکبینج
حرف سفید دو درم هلیلجات را در روغن بادام چرب کرده بعد از ان مقل ازرق پانزده
درم در آب گندنا تازه حلکرده در باقی ادویه انداخته حب مقدار نخود ببندند شربت هفت
حب بآب آهن تاب یا با عرق گاوزبان یا عرق بادیان حب مبارک از جمع الجوامع در
اسهال صفرابی نظیر ص بگیرند فلوس خیارشنبر بیست مثقال سقمونیا مشوی یکمثقال
پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه سنا مکی زرشک منقی گل بنفشه خالص از هریک
چهار مثقال کوفته بیخته بروغن بادام شیرین پنجمثقال چرب نموده بعسل خیارشنبر سرشته

حب ها سازند هر حبی بقدر نخودی بورق نقره پیچیده نگاه دارند شربت از دو درم تا دو مثقال
حب منتن اکثر نافع است از برای قولنج و نقرس و درد پشت و زانو پاک سازد و بدن را
از اخلاط غلیظه ص اشق سکبینج جاوشیر مقل ازرق بزر حرمل شحم حنظل صبر سقوطری افتیمون
از هر یک ده درم فرفیون یکدرم سقمونیای مشوی شش درم دارچینی سنبل الطیب زعفران
جند بیدستر از هر یک دو درم صمغ عربی را بآب حل نمایند و باقی اجزا را کوفته بیخته بآن سرشته
و حب سازند شربت دو درم حب بواسیر مختصر از مجربات عم مرحوم ص هلیله کابلی را در اوپلهای
که بر آتش بسیار سرخ نموده باشند بپزند بعد از انکه بروغن گاو چرب کرده باشند و از قاشق ها
از چوب تحریک می نموده باشند تا پوست و استخوان او از هم جدا شود کوفته بیخته برابر وزن آن
خفض مکی آمیخته حب ها بقدر ماش بندند صبح و شام دوازده حب بآب سرد خورده باشند
حب بواسیر خونی مجرب است و منقول از بیاض والد ماجد ص پوست بیضه مرغ سوخته
سندروس شیطرج هندی از هر یک پنج ماشه نوشادر سرخ کوفته بیخته حب ها مثل فندق
سازند شربت پنج شش حب حب خبث الحدید باد بواسیر و سردی گرده و ادرار بول
و سرعت انزال و صاحب جذام را سود دارد و در رفع آرزوی گل خوردن کند و طعام بگوارد
و رنگ روی را خوب گرداند و لاغر را فربه سازد و قوت باه دهد و معده ضعیف را نافع باشد
و بادها بشکند و حبس خون بواسیر کند و پیچش و زحیر که بسبب بواسیر بود برطرف سازد ص
بر نسخه مرزا ابراهیم که در منهاج نوشته خبث الحدید که هفت روز در آب گندنا بخیسانند و هر روز
آب گندنا تازه داخل کنند بعد از ان خشک سازند و در تابه آهنی بریان نمایند تخم ترب تخم گندنا تخم
سپندان سفید از هر یک جزوی تخم جرجیر تخم کرفس تخم گندر تخم پیاز حلبه از هر یک ربع جزو
کوفته بیخته بآب گندنا سرشته حب ها سازند هر حب بقدر نخود شربت بیست و یک حبه در
هفته یکبار یا دو بار حب خبث الحدید نسخه صاحب ذخیره راقم نیز استعمال کرده برای رفع باد
بواسیر نافع یافته و نیز شخصی را قرحه در آلات بول از مدت بود و ریم بسیار می آمد قرحه را بالکل

زائل نمود و هیچ اثری دران باقی نماند و قاروره صاف شد ص خبث الحدید مدبر در آب
گندنا دارند بعد از ان خشک نمایند پس بگیرند از ان یکصد مثقال حب الرشاد دویست درم
تخم کراث تخم جرجیر تخم کرفس تخم ترب تخم حلبه تخم پیاز قاقله از هر یک بیست و پنج درم همه را کوفته
بیخته بآب گندنا سرشته حب سازند شربت هر بامداد دو درم و در سحق خبث الحدید مبالغه
بسیار کنند و الا احتمال ضرر است حب اسرائیل از بقائی جهت قولنج نافع ص سقمونیا ثلث
جزو انزروت شحم حنظل از هر یک نیم جزو شبرم سکبینج هر یک یک جزو کوفته بیخته بعسل سرشته
بمقدار نخود کلان حب ها بندند شربت پنج حب پنج مجلس برآید حب برای رفع اسهال
بواسیر مجرب است ص جفت بلوط هلیله سیاه گلنار فارسی طراثیث آمله حب الآس
مقل بآب برگ سداب حل کرده و اجزا دیگر کوفته بیخته در آبی که مقل دران حل کرده باشند
مخلوط کرده حب بندند شربت دو درم با شربت انجبار از قرابادین عم مرحوم حب جهت ایلاوس ص
سقمونیا مقل هر یک یکمثقال صبر دو مثقال کوفته بیخته بقدر نخود حب بندند شربت هشت
عدد حب دیدان که حب القرع و کرم ها دراز و خورد برارد ص شحم حنظل دو درم سقمونیا
دو درم و نیم حب القرع سه درم افتیمون چار درم صبر سقوطری نه درم تربد موصوف ده درم
کوفته بیخته حب سازند و هر روز دو درم بآب گرم بخورند حب دیگر ص سه خس قنبیل
حب النیل تبیح ارمنی درمنه خراسانی انیسون تربد افسنتین رومی برگ شفتالو ترمس از برای
هر یک سه درم مقل ازرق محموده هر یک ثمن درم کوفته بیخته بشراب اصول سرشته
حب سازند و بقدر حاجت بآب گرم بدهند و بالای آن تنقل از مغز جوز کنند حب برای
کسی که از مسهل نفرت دارد و جهت اندک تدارک قصور عمل مسهلات نیز بکار آید هر گاه
روز دوم از مسهل بدهند و بسهولت مواد کثیره غلیظه برمی آرد ص قرنفل دو ماشه بادیان
انیسون از هر یک سه ماشه گل بنفشه شش ماشه پوست هلیله زرد کشمش منقی هر یک یکتوله
سنای مکی تازه ترنجبین خراسانی گلقند آفتابی هر یکده توله اجزا کوفته و بیخته با کشمش و گلقند

بازبگو بند کہ حب توان بست جہت رفع قبض و استعمال علی الدوام نہ ماشہ تا یکتولہ و جہت
اسہال دو تولہ حبی کہ در قطع خون بواسیر و دفع ریح آن از مجربات ست ص جوز بوا
مصطگی قرنفل سنبل الطیب ہر یک یکدرم جفت بلوط طراثیث گلنار مقل خبث الحدید
مدبر ہر یک دو درم تخم گندنا سہ درم ہلیلہ سیاہ آملہ حب الاس ہر یک چہار درم ہلیلہ
و تخم گندنا را در روغن زیت بجوشانند و مقل را بآب برگ سرو حل کنند و ادویہ را بدان
بسرشند و حب سازند شربت دو مثقال بآب گرم حب ممسک کہ در استطلاق بطن
مجرب است ص پوست انار نیم درم سماق یکدرم ماز و دو درم کوفتہ بیختہ بقدر نخود حب
بندند شربت دہ حب یا ہشت حب باز زردہ بیضہ نیم برشت حبی کہ خون بواسیر بند کند
مقل ازرق یکدرم قرص کہربا یکنیم درم ہلیلہ ہندی آملہ ہر یک دو درم اطریفل را در روغن
زیت بریان کردہ کوفتہ بیختہ مقل را در آب گندنا حل کردہ باہم سرشتہ حبہا سازند و در سایہ
خشک کنند شربت سہ درم بآب نیم گرم حب معروف بحب رسوت کہ اسہال
بواسیری و خون آن بند کند از بقائی ص رسوت را در آب حل کردہ مثل رینی بچکانند
یعنی صافی را بچہار میخ مثل رنگریزان بستہ رسوت محلول دران اندازند تا آہستہ آہستہ
بچکد پس آب چکیدہ را در رقاب چینی انداختہ از گرد و غبار پوشیدہ دارند تا خشک شدہ قابل
حب بستن شود دست را بروغن بادام یا گاو چرب کردہ حب ہا بندند و ہر روز تا چہار ماشہ
حسب حاجت بدہند و در ایام استعمال آن اگر مانعی نباشد روغن در غذا بیشتر بخورند
حب کہ در حبس اسہال قوی مجرب است ص سہاگہ بریان یک حصہ شنگرف دو حصہ
افیون چہار حصہ باریک ساختہ نصف آن بعسل سرشتہ قدر فلفل حب بندند و نصف
دیگر را بآب لیمون اگر اسہال در شب زیادہ میشود حب عسلی بدہند و اگر در روز غلبہ
می کند لیمونی دہند حب جہت اسہال اطفال ہر قسم باشد مجرب است ص کلی خورد
انار یک عدد و جوز بوا افیون ہر یک یکماشہ جاکسو رسوت زنجبیل زیرہ سفید مقشر زرد چوب

خراشیدہ مغز آن گرفتہ کونپل نیب کونپل بکاین کونپل ببول کوفتہ بیختہ حبہا مقدار دانۂ
موٹھ بندند یک حب یا دو حب بدہند حب منقول از خط افضل المحققین و اکمل المدققین
والد ماجد رحمت اللہ علیہ برای اسہال ص عفص بہارسنجد مغز استہ جامن مغز ابنبہ
پوست ترنج آملہ نشاستہ صمغ عربی دم الاخوین گل ارمنی گل داغستانی گل قبرسی کوفل
سفید موچرس طباشیر پوست انار ترش پوست کنار زرورد گلنار فارسی پوست مرغ
سوختہ حب الاس پوست بیخ انجبار گل کنیر پوست خشخاش کشنیز خشک از ہر واحد تولہ
کافور قیصوری طراثیث مصطگی زیرہ نعنع خشک یشب سودہ زہر مہرہ سائیدہ مرجان
سودہ کہربا سائیدہ سفوف یہودی سفوف نقلیا سا سفوف حب الرمان از ہر یک شش ماشہ
ادویہ را بریان کردہ سائیدہ خوب مخلوط نمودہ بلعاب ریشہ خطمی سرشتہ حب ہا بندند بر حب
مقدار نخودی صبح شش شش ازین و آخر روز شش ماشہ تناول نمایند و از عقب گلاب و بارتنگ
بنوشند و اگر مریض طفل باشد موافق سن وی بدہند در رب اسہال و زحیر و آمدن خون را
نافع بود حب مفتت حصاۃ بشرط مداومت در ریزانیدن سنگ عجیب الاثر است ص
حب بلسان تخم ترب دوقو فطراسالیون پوست بیخ کبر پوست بیخ بادیان جاوشیر مغز بادام تلخ
حب الغار اذخر سعد سنبل سلیخہ اسقولوقندریون حرمل زراوند مدحرج جنطیانا اسارون
دِرِمامازانشق بسلیبخ بزرالبنج سنبل مقل فلفل وج حملہ برابر صمغ ہا را حل کنند و ادویہ را باریک ساختہ
بروغن بلسان حب نمایند چنانچہ قابل بستن شود و ہر روز یکدرم با طبیخ بزور بدہند و اگر
خاکستر کژدم دانگی ہر روز مضاعف کنند نیک عمل کند حب الزور بقراط گوید کہ او وجع
قضیب و مثانہ را سود دارد و بستگی بول بکشاید ص تخم خطمی مغز تخم خیارین ہر یک جزوی
مغز تخم خربوزہ خرفہ تخم خشخاش سفید ہر یک نیم جزو کوفتہ بیختہ بلعاب اسبغول حب ہا سازند
و یکمثقال وقت سحر بکار برند حب مستخرج صاحب مفرح النفس گفتہ کہ تجربہ نمودہ ام سستی
کہ بعد از جماع طاری میشود مطلق مدرک نگردد ص مومیائی کافی سہ جزو صمغ یکجزو نبات

دو برابر بگلاب حل کرده حب بندند مقدار فلفل و نیم مثقال ازین حب تناول نمایند و اگر
بالای او شراب یا ماء العسل بیاشامند انفع خواهد بود حب مجرب ممسک از بیاض عم
مرحوم ص کافور چینیه مشک جوزبوا افیون مساوی کوفته بیخته در شیرهٔ برگ تنبول ساعتی
مقدار چهار حب بندند وقت حاجت با آب حلکرده بخورند حب ممسک ص زعفران
قرنفل جوزبوا افیون مشک مساوی در عسل کف گرفته مقدار نخود حب بندند و یک
حب پیش از جماع بخورند حب افیون جهت امساک منی مجرب ست ص مشک
درم حب بلسان مرصاف عاقرقرحا رب السوس زرنباد جند بیدستر جدوار خطائی
درونج عقربی عود خام هر یک دو درم تخم خرفه تخم کرفس قرنفل دار فلفل خبطیا باریک سه درم
دارچینی فلفل زنجبیل کثیرا صمغ عربی زعفران لبیاسه هر یک پنجدرم افیون ده درم
نبات پانزده درم کوفته بیخته بگلاب سرشته مقدار نخود حب ها سازند حب جالینوس
جهت کسی که عاجز بود در ازاله بکارت از راه سستی اعصاب خواه سبب جلق بود خواه
بسبب دیگر بود مجرب نوشته اند ص مغز کنجشک نر که وقت هیجان گیرند شقاقل مصری
تازه تخم پیاز سفید کش خرما تخم گندنا ثعلب مصری تخم جرجیر سمک صیدا جمله برابر مشک
قدری کوفته بیخته بعسل و آب جرجیر حب ها بندند هر حب قدر نخودی شربت یکمثقال
تا یکدرم و نیم با سه پیاله شراب یا آب انگور شیرین یا بآبی که نخود دران تر کرده باشند
حب سیماب گفته اند امساک تمام آورد و چندانکه بدون خوردن ترشی فراغ نشود ص
سیماب را از پارچه هفت کرت بگذارنند و افیون خالص هر یک سه درم کوفته بیخته در شیره
برگ تنبول سحق کنند و در سایه خشک سازند همچنین هفت کرت نمایند پس بگیرند عاقرقرحا
بزرالبنج خولنجان جوزبوا قرنفل بزار هر یک یکدرم کوفته بیخته جمله بهم آمیخته حب ها بقدر نخود
بندند و وقت حاجت بعد ازانکه یکپاس و یک گهری از تناول غذا گذشته باشد یک حب
فرو برد و بعد از سه گهری شروع در جماع نمایند و غذا نان گندم بروغن گاو و مرقوم ساخته اند

و شکم سیر نخورند حب عنبر از مجربات صاحب تحفه و گفته که برای شاه عباس ساخته بودم
بعد از شش ساعت نعوظ می آرد و شستن با آب سرد مزیل اوست و داشتن او در دهان
موجب نعوظ و خوشبو کننده دهان است و مقوی دماغ ص مشک مصطگی قرنفل
هر یک یک مثقال عنبر اشهب خصیة الثعلب خولنجان هر یک دو مثقال پنیر مایه شتر
اعرابی سه مثقال کوفته بیخته حبها سازند بقدر فندق و هر روز یک عدد بخورند از عقب
آن شراب یا شیر تازه یا آب تره تیزک یا آب نخود خام بنوشند و ازین حب تا نیم مثقال
میتوان خورد و مطلوب مزاج زیاده ازان هم میل می نمایند راقم حروف هم تجربه نمود خالی از
فائده نیافته لیکن این قدر مبالغه است بطریق استعمال علی الدوام منفعت میکند حب
که در امر باه و امساک نوشته اند اثر تمام وارد ص تودری زرد تودری سفید تودری سرخ
کزمازج سافج سعد کوفی زعفران قرنفل سورنجان مصری هر یک نیم درم جوزبوا بسباسه
مصطگی انیسون حب النیل سفید پوست خشخاش قاقله صغار طباشیر ورق گل سرخ
صندل سفید سنبل الطیب عود غرقی درونج عقربی بوزیدان صمغ عربی تخم الجزر هر یک دو درم
دارچینی شقاقل مصری بهمن سفید تخم خشخاش بزرالبنج سفید مایه شتر اعرابی هر یک دو درم
بزرالقنب دو نیم درم خصیة الثعلب کش خرما روغن بادام هر یک پنجدرم نبات مغز بادام
هر یک ده درم مغز دماغ کنجشک پانزده درم گلاب بقدر احتیاج مغز دماغ کنجشک را در
کش خرما مالیده خشک کنند و ادویه دیگر بکوبند و بیزند و مغز بادام را علحده خوب باریک
سائیده در قدری گلاب شیره غلیظ برآورده نبات را در اندک شیره بادام مذکور حل کرده
دواها آمیخته حب ها بقدر نخود سازند حب که فتق ریحی را بسیار سود مند بود ص فطراسالیون
فقاح اذخر قسط زرنباد درونج اسارون هر یک نیمدرم تخم کرفس انیسون بزر اسفند مصطگی
زعفران هر یک درم سکبینج مقل هر یک یکدرم و نیم هلیله کابلی آمله هر یک دو درم شربت هر صبح یکمثقال
حب دیگر از حکیم سعدالله که قوه باه زیاده کند و در امساک بی عدیل است اشتها آورد

وکیفیت خوب دارد ص جند بیدستر کافور هریک نیم مثقال پوست ترنج فرنجمشک سنبل قرنفل
بسباسه عود ربناد جوز ماثل بزر البنج سک کبیر عنبر یکمثقال مصطگی گل سرخ عود القرح هریکدو مثقال جوز
بیخ تفاح جدوار زعفران هریک سه مثقال ورق نقره ورق طلا هریک پنج عدد کوفته بیخته حب سازند
حب که در دشواری زادن بکار آید بعد از انکه طبیخ حلبه و خبازی و لعاب تخم کتان و روغن کنجد
نیمگرم بر نشست و زهار و جز آن ریخته باشند و پشت را نیز گاه بروغن شبت و بابونه مالیده باشند
ص دارچینی ابهل هریکده درم سلیخه هفت درم قرفه ماهیزهرج قسط تلخ هریک پنجدرم
میعه دو درم افیون یکدرم مشک یکدانگ و نیم بدستور حب سازند شربت سه درم با دوا و قیه
شراب کهنه حب دیگر مدر حیض و مسقط بر تسهیل ولادت مدد کند ص ابهل دو درم حلتیت
اشق فوه هریک نیم درم حب لبسته استعمال نمایند جمله یک شربت است حبی که مانع آبستن
بود بگذارد که منی قابل انعقاد شود ص انیسون تخم کرفس رازیانه فودنج جبلی مشکطرامشیع
هریک جزوی سنبل الطیب دارچینی سلیخه حب بلسان عود بلسان ابهل قسط هریک نصف جزو
حب سازند و هرگاه اراده صحبت کنند قبل ازان بخوردن زن دهند مجرب است حب بجهت
استحکام قضیب نظیر ندارد خصوص مرطوب المزاج را ص زعفران دارچینی عاقرقرحا زنگ ماهی
خولنجان از هریک یک جزو بعسل مقدار کنار یا آمله حب ها سازند و در وقت کار بخورند و
بیالایند حب مشکل کشا مجرب حکیم ولی برای رفع مذی و ودی ص عاقرقرحا جوزبوا بسباسه
دارچینی قرنفل اسپند کنجد سیاه افیون هریکدو درم کوفته بیخته در عسل حب بندند سه روز یک
یک حب با شیر گاو و روز چارم یک صبح و یک شام با آنکه همه حب ها خورده شود حب
خوش کیف که در امساک بی عدیل ست ص جوزبوا خولنجان مصری از هریک دو درم
بسباسه یکدرم افیون مصری مصفی یکنیم دام جدوار یک دام خصیة الثعلب دو درم مقدار
نخود حب سازند و بقدر تحمل مزاج بکار برند حب در تقویت باه بی نظیر ست ص موصلی سیاه
یک آثار در یک نیم سیر شیر گاو بجوشانند تا تمام شیر در خورد بعد ازان در سایه خشک نموده

وسیده کرده جوزبوا یک پاو بسباسه یک پاو کوفته بیخته یار کنند و اندک حلتیت بقدر تحمل مزاج نیز داخل
سازند و با شهد بقوام آورده گولی ها بندند و بحسب مزاج بدهند حب که آنرا پنیڈی نامند و زنان را
بسیار نافع است ص مال کنگنی جاکسو هریک یکدرم زعفران دانه الایچی خورد و کلان هریکدو درم تخم
انگن بلیله آمله هریک سی درم سروالی پنجدرم جوتری سی و نیم پل ماجو پهل برگ درخت فراش
زیره سفید و سیاه جوزبوا مائین قرنفل لوده هریک یک پل سپاری چهار پل چیرونجی پسته هریک
هشت پل سنگاره بادام خرمای سنگ شکن کشمش مغز پنبه هریک دوازده پل مغز نارجیل هشت
و دو پل شیره مویز منقی چهل و سه پل روغن گاو چهار نیم سیر چهال کسری شکر سفید پاو بالاش سیر
هر همه که قابل سودن است علیحده علیحده بسایند و جامه بیز کرده میوه ها را مثل بادام مقشر کنند
و در روغن گاو و آرد نشاسته د صد و بیست دو پل را بریان کنند پس ادویه مذکوره را که جامه بیز
کرده و اشته اند نیز انداز ند و بریان نمایند پس نیز مقدار دوازده درم صمغ عربی که در روغن گاو بریان
کرده باشند انداز ند و میوه ها نیز بیامیزند و پنیڈی ها بندند و یک پنیڈی هر روز بخورند حبی که نحوط
تمام آرد و در بطو انزال اثر بسیار دارد ص عود هندی قرنفل کبابه فلفل سفید قرفه از هریک
سه درم زعفران نیم درم بالنگو دو درم دار فلفل گل بابونه مروارید سائیده از هریک یکدرم
کوفته بیخته با قند بقوام آورده سرشته حب ها سازند هر حب بقدر نخودی شربت دودانگ حب
طلا قوت تمام بخشد ص عود هندی مصطگی رومی زعفران از هریک سه درم غنچه گل سرخ دو درم
عنبر اشهب یکدرم و نیم درم ورق طلا هفت درم و نیم نبات سفید سی درم کوفته بیخته بعرق
بهار نارنج سرشته حبها بقدر نخود سازند شربت دو حب حب نشط تالیف والد حکیم مومن گیلانی
بجهت امساک بی نظیر است ص اسارون زعفران تخم کرفس دارچینی ریوند چینی سنبل الطیب
مصطگی رومی از هریک دو مثقال زرنباد حب الغار عاقرقرحا قرنفل بسباسه صمغ عربی از هریک
یکمثقال بزر البنج فلفل از هریک سه مثقال کوفته بیخته بگلاب سرشته حب سازند هر حبی بقدر
نخودی شربت یک حب حب موثر تالیف پدر علوی خان بجهت قوت باه و دفع سرعت انزال

بی نظیر است ص اولاً بیخ موتھ کوفته از غربال بیرون کرده بشیر گاو خمیر نموده قرص سازند و در
سایه خشک نمایند و باز قرص را کوفته با شیر تازه خمیر نموده در سایه خشک کنند و تا پنج مرتبه تخمیر
کنند پس او را نگاهدارند و بگیرند ده عدد جوزبوا و میان آنرا سوراخ کرده نیم مثقال افیون را
فتیله کرده در سوراخ جوزها کنند و جوزها را بخمیر گرفته در روغن گاو بریان نمایند پس خمیر را از جوزها
جدا کرده باز از هر یک عدد از جوزها بگیرند از قرص مذکور چهار مثقال دارچینی قرنفل بسباسه عود هندی
مصطگی دانه هیل بهمن سرخ و سفید شقاقل لسان العصافیر از هر یک یکمثقال مشک خالص
عنبر اشهب ورق طلا از هر یک یکدانگ نبات سفید بوزن مجموع ادویه کوفته بیخته بعرق بهار نارنج
سرشته حب ها سازند هر حب بقدر نخودی شربت یک حب یا دو حب حبی که امساک و تقویت
تمام کند و قوی النشاط و مسکر و منوم است حکیم مومن گفته که من این حب را بمویز عمر مسمی کرده ام
ص مویز طائفی یکصد عدد بیخ شوکران سه مثقال بزر البنج سه مثقال هر دو را کوفته مویزها را بدان
مخلوط ساخته در صد و پنجاه مثقال آب بجوشانند تا آنکه آن آب را تمام جذب کند حب ساخته در وقت
حاجت یک حب استعمال نمایند اگر قوی تر خواهند مرلک شیرازی یا ورق الخیال یا جرس
بآن بجوشانند حب فادزهر حیوانی بجهت تقویت باه بی نظیر ست از تالیف اضعف العباد محمد
در سن جوانی و در مزاج حار و فصل حار استعمال ننماید فرمود ص فادزهر حیوانی مروارید ناسفته
کهربای شمعی بسد مرجان مصطگی لاجورد مغسول درونج عقربی حب بلسان شقاقل مصری
بهمن سرخ و سفید هر یک نیم مثقال زعفران جند بیدستر مومیائی دارائی مشک خالص عنبر اشهب
از هر یک دو دانگ مایه شتر اعرابی ثعلب مصری مغز گنجشک هر یک دانگی مومیائی را در روغن
زیت گداخته جواهر سائیده باقی ادویه را کوفته بیخته در هم مخلوط نموده بگلاب سرشته حب ها
سازند هر حبی بقدر نخودی بورق طلا یا ورق نقره پیچیده بکار برند شربت دو حب حب
فادزهر از تالیف پدر حکیم علویخان برای تقویت باه مجرب است ص فادزهر حیوانی
فادزهر معدنی عود هندی قرنفل دارچینی جوزبوا بسباسه سنبل الطیب شقاقل بهمن سفید

ثعلب مصری از هر یک نیم مثقال عنبر اشهب یکدانگ زعفران یک دانگ و نیم کوفته با آب حب
سازند هر حبی بقدر نخودی و بورق نقره پیچیده در سایه خشک کنند شربت دو حب حب که امساک
منی کند و مقوی کمر است ص سک مشک قرنفل جوزبوا سعد کوفی قرفه سنبل الطیب
پوست اترج عود هندی اجزا را مساوی کوفته و بیخته بآب صمغ زرد آلو سرشته حب سازند
هر حبی بقدر نخودی هر صباح و مسائی در دهان دارند حب منقول از مجربین هند بجهت امساک
منی ص جوزبوا شنجرف رومی عاقرقرحا افیون هر یک یکدرم هر چهار را یکجا کوفته و بیخته
بشهد سرشته حب سازند و هر یکی را وقت عشا بخورند و بعد ازین یک بیڑه پان بخورند و این
حب را میگویند در تجربه بسیاری از اطبا آمده است حب مومیائی و عنبر تالیف والد علویخان
که بجهت نقصان باه وقتیکه بسبب استرخاء آلت باشد و ضعف قوی باشد بی نظیر ست ص
مومیای مصطگی هر یک یک دانگ عنبر اشهب یک جزو هر سه را در فنجان چینی کرده روغن
مغز پسته داخل نموده فنجان را در ظرف مسی که در آن گلاب و عرق بهار نارنج پر کرده باشند
گذاشته چونکه گلاب و عرق داخل فنجان نشود و آن ظرف مس را در میان پاتیله پر آب بر روی
سه پایه بگذارند و سر پاتیله محکم بسته آتش در زیر او کنند تا مومیائی و غیره گداخته شود پس فادزهر
معدنی مشک خالص از هر یک یکجزو مروارید ناسفته طباشیر سفید قرنفل بسباسه جوزبوا بهمن
سرخ و سفید دارچینی شقاقل زنجبیل درونج عقربی عود هندی عود صلیب جدوار ثعلب مصری
از هر یک یکدانگ کوفته بیخته بآن سرشته حب سازند و بورق طلا پیچیده پنج حصه نمایند هر روز
یک حصه را تناول کنند بعد از ان نبات سفید پنج مثقال تخم بالنگو مثقال عرق گاوزبان
گلاب عرق بید مشک هر یک هفت درم حب جدوار تالیف میر باقر داماد طاب ثراه
مقوی باه است بهجت و سرور بسیار می آرد لهذا بحب ام البهجة نامیده اند ص فلفل
سیاه بیست مثقال دارچینی از هر یک دوازده مثقال سنبل الطیب دوالدرونج عقربی
عود قماری قرنفل هیل بوا از هر یک نه مثقال دارفلفل هشت مثقال سعد کوفی میعه سائله

از هر یک دوازده مثقال زنجبیل دارچینی مصطگی رومی از هر یک پانزده مثقال زعفران سی مثقال
تخم کرفس بیست و دو مثقال جوز بوا بسباسه از هر یک هفت مثقال ساذج هندی کباب
اسارون حب الغار مرصاف از هر یک شش مثقال جدوار خطائی پنج مثقال مشک
خالص سه مثقال ورق طلا یک مثقال ورق نقره دو مثقال عنبر اشهب زرشک منقی
از هر یک سه مثقال روغن بلسان هفت مثقال افیون مصری سی و دو مثقال صمغ عربی
وگلاب بقدر حاجت بدستور حب سازند و این نسخه سی و دو جزو است و وزن آن سه صد
و هفتده مثقال است و مزاج این گرم است در اول درجه دوم و خشک است در درجه
خمس درجه حب جدوار برای تقویت باه و دفع انزال بسیار نافع است ص جدوار
خطائی فلفل سیاه فلفل سفید سنبل الطیب ورق گل سرخ از هر یک پنج درم کهربای شمعی
مروارید ناسفته یاقوت رمانی تخم کرفس ساذج هندی سلیخه حب بلسان عود بلسان فرفیون
زنجبیل دارچینی کباب چینی زراوند مدحرج اسارون زرنباد عود قماری پوست برون پسته
صمغ عربی منقل دارفلفل عقیق یمنی بسد لشب سبز از هر یک سه درم زعفران جوز بوا بسباسه
حب الزلم شقاقل ریوند چینی خصیة الثعلب از هر یک شش درم عاقرقرحا درونج عقربی
از هر یک چهار درم زرنباد بزرالبنج از هر یک یکدرم عنبر اشهب یکدرم ورق نقره یکصد عدد و ورق
طلا پنجاه عدد مجموع را گرفته کوفته بیخته بروغن مغز پسته چرب کرده بآب صمغ عربی سرشته
حب سازند هر حبی بقدر نخودی وقت حاجت دو حب یا سه حب فرو برند و بعد از زمانی
بصحبت مشغول شوند حب معروف بحب چرس که کیف فروشان اصفهان میسازند و تفریح
بسیار آورد و مقوی باه است و دفع سرعت انزال کند ص چرس که عبارت از طلی
است که بر قنب می نشیند و آن را جمع نموده قرص ساخته اکثر مردم می کشند فرفیون درونج
عقربی سه مثقال تخم گندنا خصیة الثعلب از هر کدام ده مثقال اجزا کوفته بیخته بآب کوکنار سرشته
حبها بندند هر حبی بقدر فلفل شربت یک حب حب دیگر از مجربات اطبای هند بجهت امساک

منی ص تخم حب دهتوره تخم گندنا تخم شلغم خارخسک بزرالبنج فوفل عاقرقرحا تخم اونتنگن
ریگ ماهی قرنفل جوز بوا دارچینی زنجبیل موصلی سیاه زعفران بسباسه از هر یک پنج
توله همه را نیم کوفته در دو سیر و نیم شیر گاو بپزند تا غلیظ شود پس آن را بروی سنگ باوسته بمالند
تا هموار گردد و حب ها سازند هر حبی بقدر جوز بوا شربت یک حب حب دیگر از مجربات
هند که قوت بسیار دارد و هرگز مانده نشود و نوشته اند که بتجربه اکثر در آمده است ص
بگیرند سپند سوختنی پنج درم نصف آن را بریان و نصف خام دارند پوست خشخاش دو درم
کنجد سیاه دو درم قند سیاه کهنه بیست درم هر سه دوا را نرم بکوبند پس با قند کهنه
بکوبند بعد از آن که ادویه با قند یکی شود هفت حصه کنند و هر حصه بندقه سازند و نگاه دارند
و بوقت مجامعت یکی از آن بخورند و نفع عظیم مشاهده نمایند حب دیگر از مجربات اطبای
هند که قوت بسیار دهد و امساک آورد و نزله ها منکشف کند و کسانی را که قادر بر زن نباشند
مفید بود ص بگیرند کچله ده درم در شیر گاو بخیسانند بمقداری که پوست آن جدا شود پس
پوست آن را دور کرده فلفل دارفلفل از هر یک پنج درم کوفته بیخته همه را یکجا نموده حب ها سازند
هر حب بوزن نیمدرم تا یکدرم شربت یک حب علی الصباح حب جدوار تالیف علوی خان
و نوشته که قائم مقام افیون است و تقویت باه نماید برای شخصی که تیار نموده بود هم با یون نبود
بعد خوردن آن حق تعالی پسری باو بخشید راقم هم ساخته بود برای نزله و امساک مفید یافته
ص افیون گاذرونی پنج توله و عشر وزن آن زعفران و خمس وزن آن جدوار کوفته
در میان نارجیلی کرده در خمیر گرفته یا در پانزده آثار شیر گاو بجوشانند تا تمام شیر بجذب سوخت رسد
بعد از آن بهمین دستور در دو آثار روغن گاو بپزند تا که روغن سرخ شود بعد از آن بر آورده
خمیر را دور ساخته پوست سیاه نارجیل را نیز باریک دور نمایند و نارجیل مع اجزا اندرونی
خوب بسایند تا چون مرهم شود و اگر نارجیل علحده اول در دسته و هاون بکوبند پس
مع اجزا اندرونی ممزوج نموده بکوبند بآسانی بکوفتن خواهد آمد بعد از آن ازین مرهم

برای پرپشت مثقال بسباسه بهمنین بادرنجبویه از هریک یکمثقال مغز بادام مغز چلغوزه تخم خرفه مقشر از هریک نیم مثقال طباشیر سفید صمغ عربی کتیرا بزر البنج بیخ تفاح جوز بوا از هریک چهار دانگ روغن بلسان نبات از هریک دو مثقال کوفته بیخته بروغن بلسان چرب نموده همه را بگلاب یکجا کرده خوب بسایند تا نیکو مخلوط شود بقدر نخود حب باسازند و ورق نقره پیچیده نگاه دارند شربت از یک تا دو حب **حب افیون** ممسک مقوی و برای نزله مفید است ص جوز بواها را درمیان خالی نموده در شکم آنها افیون یک توله جدوار نفش سه ماشه زعفران یک ماشه پر کرده در خمیر آرد گندم گرفته در خاکستر گرم بپزند بعد ازان جوز بواها را برآورده آرد دور کنند و خوب بکوبند که باهمدیگر ممزوج شود بعد ازان حب بندند **حب ممسک** که صاحب اکمل الصنائع مجرب نوشته است و گفته که چند بار آزموده ام راقم هم تجربه آورده مفید یافته ص بگیرند جوز بوا هر قدر که باشد و درون آن خالی کنند و زیبق قدری و مثل آن افیون درمیان آنها داخل کرده سر آنها را محکم لبته جوز ها را درمیان جوز ماثل که درون آن خالی کرده باشند انداخته سر جوز ماثل محکم بر بندند و در خمیر آرد نخود در گیرند که چهار انگشت ضخامت آرد باشد بعد ازان در روغن بریان کنند که سرخ شود و سوخته نگردد بعد ازان خمیر را دور سایه بگیرند ازان بعد که کوفته همچو مرهم نموده باشند و از قرنفل و کباب چینی و زنجبیل و دار فلفل و عاقر قرحا و هیل و جدوار و زعفران و بوزیدان و ثعلب هر یک از هر یک یکجزو مشک دو حبه ادویه را کوفته بیخته در آب صمغ عربی مقدار نخود حب ها بندند و یک زا بخورند و یکی را در دهن دارند و از یک حب تا دو حب استعمال نمایند **حب** از مجربین هند بجهت کسی که بر ازاله بکر قادر نباشد ص عاقر قرحا قرنفل خشخاش موصلی شونیز جوز بوا اسگند فلفلمویه اجزا مساوی کوفته بیخته حب برابر ثمر کنار جنگلی هر صبح یک حب را بخورند **حب ممسک** خوش کیف ص جوز بوا خولنجان ثعلب مصری از هریک دو درم بسباسه جدوار مجرب از هریک یکدام افیون مصری یکنیم دام مقدار نخود حب سازند ازانجاکه در اکثر **ترکیب افیون** مصفی داخل میشود و ازانجا تصفیه هم مختلف است لهذا اینجا بهترین طریق تصفیه مرقوم گشت

ترکیب افیون مصفی

افیون را نیمکوفته در آب گرم یا گلاب گرم شبانروز تر نمایند صبح در پاتیله کرده بر آتش گذارند و بدست بمالند تا خوب حل شود بعد ازان در صافی نموده بر چهار گوشه صافی بچهار چوب لبسته مثل رنگی رنگریزان بچکانند تا همان افیون صاف شده بچکد و اگر بدانند که در ثفل افیون باقی است باز آب را و افیون انداخته مثل سابق بجوشانند و مکرر بعمل آرند و همچنان کنند تا افیون درو بماند بعد ازان که آب صاف شده را بر آتش ملائم بجوشانند تا قابل حب بستن شود راقم در آب افیون صاف شده شراب انگوری مخلوط ساخته بر آتش ملائم جوش داده قابل حب بستن کرده استعمال نموده در و منافع بسیار قوی یافته و در انشراح بعدیل گشته و چون شراب انگوری مخالف مزاج افیون است در هر دو کیفیت اصلاح عظیم نماید و مضار او دفع میگرداند **حب ممسک** مستعمل اعتماد الدوله ص مصطگی فلفل گرد عود غرقی دارچینی هریک یکدرم زعفران سه درم جند بیدستر نیمدام پوست ترنج دو دام افیون مصفی هم سنگ ادویه اجزا را کوفته بیخته با گلاب خمیر ساخته حبها بندند **حب سورنجان** مفاصل و نقرس و عرق النسا را نافع بود ص صبر سقوطری با هلیله هر یک یکدرم سورنجان تربد سفید از هریک مثقال کثیرا حب النیل از هریک نیمدرم شحم حنظل دانگی نمک سنگی دانگی و نیم کوفته و بیخته بآب کرفس حب سازند **حب شیطرج** عرق النسا و اوجاع مفاصل و وجع ظهر را نافع باشد ص پوست هلیله زرد دو درم صبر سقوطری بیست درم فلفل دار فلفل از هریک درم خردل سه درم شیطرج نمک هندی شحم حنظل زنجبیل از هریک دو درم فانید سنجری چهار درم بآب کرنب حب سازند **حب بر** اوجاع مفاصل را زود یا صلاح آرد ص صبر سقوطری تربد سفید از هریک بیست درم پوست هلیله زرد بوزیدان سورنجان مصری از هریک دو درم انیسون سقمونیا از هریک درمی و نیم مقل درمی بآب گندنا حب سازند شربت سه درم بآب گرم **حب حنا** مجرب جهت نقرس ص سعتر فارسی بیخ کبر مقل حنا هر یکدو دام هلیله آمله شیطرج زنجبیل دار فلفل نمک هندی هریک سه درم هلیله سیاه دو درم صبر سی درم سورنجان مثل همه ادویه کوفته بیخته مقل را

اصلاح افیون

در شراب حل کرده باهم سرشته حب ها خورده سازند شربت دو درم حب دیگر مجرب منقول
از کامل الصناعه ص دار فلفل زنجبیل ورق کنیر ورق حنا زیره از هر یک درم ملح نفطی
نوشادر زبد البحر میعه یابسه هر یکدو درم سورنجان بوزن مجموع کوفته باریک بیخته بآب حبها
و در سایه خشک کرده در ظرفی نگاه دارند و سه درم وقت خواب بآب گرم بخورند و تا سه شب
متواتر بعمل آرند حبی که جهت عرق النسا مجرب است و رازی گفته که در ساعت رفع کند
درد را و پنج شش بار اطلاق میفرمایند مجموع یک شربت است ص صبر سقوطری هلیله
سورنجان هر یک یکدرم حب ها بندند حب جهت شطر الغب منقول از بقائی ص صبر سقوطری
پوست هلیله زرد ریوند چینی عصاره غافث افسنتین گلسرخ هر یک یک جزو زعفران نیم جزو بآب کاسنی
تازه حب ها بندند شربت از یکدرم تا دو درم بآب سکنجبین ساده و این حب ها بعد از تنقیه بعمل
آرند که مزاج بگردد و هر شب در آخر تپ های مزمن دو درم بدهند حب از مجربات حکیم علی
ص زعفران یکدانگ افیون بزر البنج هر یک نیم مثقال گل ارمنی مغز بهدانه گل نیلوفر تخم کشنیز
صمغ عربی طباشیر سفید تخم خرفه هر یکدو مثقال تخم خشخاش تخم خیارین هر یک سه مثقال کافور نیم مثقال
کوفته بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته بقدر نخود حب ها سازند هر صبح با شیره تخم خیارین سه مثقال
شربت نیلوفر شربت انار هر یک پنج مثقال حب الحلتیت حمیات ربع را سود دارد ص
هلیله زرد مغز ربع النوی عصاره غافث هر یکدو درم حرف یکدرم حلتیت یکدرم و نیم ادویه را
کوفته و بیخته بآب حبها سازند و خشک کنند شربت یکدام بآب گرم حب کافور از تالیف
والد حکیم علویخان از برای امراض حاره شدید الحرارت و حمیات حاره تپ و دق با اسهال
مجرب نوشته ص کافور قیصوری نیم مثقال طباشیر مروارید صندل سفید کشنیز خشک از یک
دو مثقال خرفه بهدانه مغز تخم کدو از هر یک چهار مثقال گل ارمنی زهر مهره از هر یک یکمثقال
صمغ عربی دو دانگ صمغ را با عرق صندل حل کرده و آنچه ادویه صلایه کردنی است صلایه
کرده و آنچه کوفتنی و بیختنی است کوفته بیخته و آنچه از زم باید کوبید نرم کوبیده و مجموع را در هم کرده

نیلوفر سرشته حبها سازند هر حبی بقدر نخودی شربت یکمثقال با آنچه مناسب بود حب
کافور نسخه دیگر ص کافور قیصوری نیم مثقال نشاسته صندل سفید مغز تخم کدو کتیرا از هر یک
از هر یک یکمثقال سوده بلعاب بهدانه سرشته حب ها سازند شربت یکدرم حب که ربع را نافع
بود ص بگیرند بلاس پاپڑه پوست سیخ ازوی دور کنند و مغز وی و مغز تخم کرنجوه بالسویه
و نرم بکوبند قدری قدری بآب تیمچه بقدر فلفل حبها بندند و هر روز یک حب بخورند حب درازالم
اقسام تپ مجرب نوشته اند ص دار فلفل مغز کرنجوه هر یک یکتوله زیره سفید برگ مغیلان
هر یک نیم توله ادویه را نرم بکوبند و بآب حبها بندند بقدر نخود یک حب صبح و یک حب وقت ظهر
و یک حب وقت شام بدهند و همین سان سه روز بعمل آرند حب الشفا که جهت اقسام
صداع و برای جمیع علل بارده و اکثر امراض حاره مفید نوشته اند و تپ های مزمنه و نایبه را
نافع بود و راقم هم در تپ مرکب تجربه نموده و در تپ نائبه قبل از نوبت باید داد و مسکن وجع
قولنج و حافظ صحت و جوانی و مزیل اغبار و گرانی از اعضا است و باین حب ترک افیون هم
توان کرد ص تخم جوز ماثل دوازده درم ریوند چینی هشت درم زنجبیل صمغ عربی از هر واحد
چهار درم زنجبیل و صمغ را در آب حل بکنند و ادویه کوفته بیخته بآن بسرشتند و قدر نخود حبها
بندند این حب را عم مرحوم بسیار استعمال میفرمودند حب الشفا نسخه دیگر منقول از
بیاض عم مرحوم از مجربات نوشته اند ص زنجبیل خرفه ریوند چینی دو جزو جوز ماثل سه جزو
جمله را کوفته بیخته با دو وزن ادویه عسل معجون کنند و نگاه دارند و مقدار موضعب ها بندند هرگاه
حب خواهند استعمال نمایند شربت یکدو حب حب ابن حارث تپ های بلغمی را ببرد
و بهق سفید و سیاه را و رسه شربت زائل کند والد ماجد و عم مرحوم بجهت برص و بهق استعمال
میفرمودند بسیار نفع می کرد و در این باب عدیل ندارد ص هلیله زرد هلیله سیاه صبر از هر
سکبینج مقل شحم حنظل از هر یک پنج جزو خردل سعتر فارسی شونیز زیره کرمانی نمک علک
رومی از هر یک یک جزو مقل و سکبینج را در آب گندنا حل کنند و در طاس رو تین در آفتاب نگاه دارند

باقی ادویه را کوفته بیخته بیامیزند و حب بمقدار فلفل بندند و هر بامداد یک مثقال تناول نمایند
وطعام زیرباج خورند و قد کتب جدی علی هذا الحب و انا جربت هذا و بعد از نضج تام استعمال کنند
حب شاهتره جرب و قوبا و سعفه را نافع است ص سقمونیا دو درم و نیم هلیلهٔ سیاه
پوست هلیلهٔ زرد هر یک پنج درم صبر سقوطری هشت درم با آب شاهتره سرشته جهها بندند
و در سایه خشک کنند و دیگر باره بسایند و آب شاهتره تازه نمایند تا سه نوبت پس حب سازند
شربت دو درم تا دو مثقال حب مسهل طبری در وصف آن نوشته که از مسهلات مجربات
هر کرا توقع از البرص باشد البته از استعمال این حب خلاص شود ص حنظیانه کرومی
فلفلمویه اسقوردیون بیخ سوسن آسمانگون هر یک نیم درم خربق سیاه زنجبیل دارفلفل
فلفل سفید شیطرج عاقرقرحا سنبل الطیب مصطگی هر یک یک درم مازریون مدبر صبر سقوطری
هفت درم کوفته بیخته بآب برگ ترنج و شراب تند یا یکی ازین هر دو سرشته جهها بزرگ بسته
دو مثقال در ربع آن به شب تناول نمایند و در شدت گرمی هوا و شدت سردی نباید استعمال
نمود حب دیگر که طبری از رنی بعد ملازمت خدمت او معلوم نموده وزن در لبره معالجه
اطفال میکرده بجهت برص مبدا دو خاتمی منتفع میشد ص زنجبیل فلفل سفید خربق سیاه
ایارج فیقرا مساوی کوفته بیخته بامر محلول شراب لبسرشته و جهها بندند شربت سه درم
و این طلا نیز استعمال می نمود سرمه نازو استخوان ماهی سوخته زاج سرخ کوفته بیخته قرصها
بندند و در سرکه انداخته طلا نمایند حب که بجهت طاعون و خیارک و جمیع اورام حاره
نافع است ص گل ارمنی جدوار نغبش زرنباد زرد چوبه بهمن لین گل مختوم مساوی
کوفته بیخته جهها بسته نگاه دارند و در هوای سرد بقدر سه ماشه باب و در هوای گرم با گلاب بدهند
و دیگر بموضع بمالند حب بجهت برص منقول از ابقاطی نفع مداومت این حب را لبسیار
بیان نموده و مجرب نوشته ص بابچی مدبر و مقشر پوست بیخ کتومتری که آن عبارت
از انجیر دشتی است پوست بیخ نیم برگ نیم شاخ نیم هر یک پاو آثار همه را کوفته بیخته نگاه دارند

و دیگر بند چوب کنیر ریزه ریزه نمایند و در آب اندازند که در آن آب هشت برابر وزن چوب
باشد و بجوشانند و هرگاه بوزن چوب برسد صاف نموده ادویه را با آن خمیر کرده جهها بندند
غذا نان بی نمک هر روز یکتانک یا دو تانک خورده باشند طریق تدبیر بابچی انقیست که
بابچی را در بول مادهٔ گاو سرخ که هنوز نزائیده باشد تر کنند و هرگاه خشک شود دیگر
اندازند بعد بیست و یک روز بر آورده پوست او را دور کنند و در سایه خشک نمایند حب
کوداء الثعلب را که از بلغم باشد نافع است ص شحم حنظل سه درم و ثلث تربد مجوف
ایارج فیقرا هر یک دو درم شربت از دو درم تا سه درم حب هندی جهت خنازیر و سلعه و
جمیع اقسام غدد گاو معمول و مجرب حکیم شاه محمد مرحوم بود ص الاچی خورد پنجدانه سونٹھ مرچ پیپل
هر یک بهیڑا آنوله هر یک یکپا و کم بیخ ماشه کوفته بیخته نگاه دارند و بهیڑا آنوله نسوت سفید خر شیده
سغز الملتاس هر یک دوازده و نیم دام بخته جو کوب نموده در پنج سیر آب شب تر نمایند صبح بجوشانند
چون سوم حصه بماند بدست مالیده آب غلیظ آن بر آرند و بست و پنج درم گوگل کوفته
در آن حل کرده باز بر آتش گذارند و بجوشانند و چون غلیظ شود مثل معجون دارو های که
اول کوفته نگاهداشته اند آن را داخل کرده حب ها ساخته نگاه دارند هر روز نخود ام خام
بادام بخته بخورند حب برای دفع آتشک بعد از آنکه تنقیه نموده باشند و بدون تنقیه نیز نفع
میکند جد راقم بر این نسخه و نسخهٔ دیگر که بعد ازین می آید مرقوم فرموده اند که چند بار تجربه من
آمده است ص هلیلهٔ زنگی یک توله طباشیر سفید شش ماشه نیله تهوتهه سه ماشه تا یک هفته
دریا و آثار آب لیمون بسایند تا آب خشک شود بمقدار کنار دشتی حب سازند و یک
صبح و یک شام بخورند و از شیرینی پرهیز نمایند و در آب لیمون سائیده طلا نموده باشند
حب الکرایات برای دانه هر قسم که باشد خصوص برای بثور سوداوی نافعست ص کمیله
حنا نیله تهوتهه هلیله زرد کتهه پاپڑ پاچونه مساوی گرفته همه را باریک سائیده گولی ها بندند
و وقت حاجت در روغن گاو حل نموده طلا نمایند حب خنازیر خنازیر و غدد و سلعه را

نافع است ص ایاره فیقرا سه درم غاریقون دو درم و نیم شحم حنظل یکدرم از زروت چهار درم
تربد موصوف هفت درم جاوشیر یکمثقال نوشادر دو درم سقمونیا کوفته بیخته بآب گنند تا حب شیار ند
شربت هر روز یکدرم حب جذام مجرب معمول استاد رحمت الله تعالی علیه ص زیبق درم اول به الفاظ
درم گندر شش درم راوند چینی سه درم صمغ عربی دو درم تقتیل الزیبق بحماض الليمو ويحل الزنجفر
ویدق ویعجن بمرارة الضان ویحبب بمقدار الماش ویستعمل فی کل یوم حب فی المساء و حب
فی الصباح حلوای که صداع یابس را نافع است و صداعی که بسبب ضعف دماغ بود اگر
نیز مفید بود خواه غلاف نمایند بر سر و خواه بخورند ص جراده کدو تر خشخاش سفید شکر سپید
نشاسته روغن بادام شیرین باهم آمیخته بپزند و بعد از تراشیدن سر غلاف سر سازند حلوای
خشخاش مسلول را نافع بود هر گاه ضعف معده باوی نبود ص از مغسول بگیرند و برابر آن
خشخاش سفید آمیخته با شیر بز بجوشانند و قلیل شکر سپید و رب به شیرین داخل کرده حلوا
سازند و بخوردن دهند حلوای سیب و به مقوی معده و دل و جگر و مولد خلط صالح و معدل
الکیفیت است ص هر یک از آن را که خواهند بعد از پاک کردن از پوست و تخم بکوبند
و با قدری روغن بریان کرده عسل کف گرفته یا شکر سفید بقوام آورده بدستور متعارف
مرتب سازند و مغز پسته بو داده بقدر احتیاج مخلوط سازند حلوای که بسیاری پاک
نام دارد مقوی گرده و باه است و رافع عقم مرد و زن و فرج زنان را تنگ کند
و هاضمه را قوت کامل بخشد و چهره را گوشن کند و نرم نماید و اندام و عرق خوشبو
کند و بند گشاده پر میوه مردان و زنان را دفع سازد و مانع اسقاط و نافع وجع مفاصل است
منقول از لقائی ص کافور قیصوری خالص یکدرم بج و مرج و ناگیسر موتهه فلفل دراز
باره بج خراسانی الاچی خورد از هر یک دو درم تالیسر جوتری نیسلوجن صندل سفید
فلفل گرد مغز تخم کنار از هر یک سه درم جوز بوا چهار درم زیره سپید شش درم بیخ بند انجره
گل نیلوفر مغز پنبه دانه مغز تخم نیلوفر قرنفل گشنیز پیپل موول هر یک هشت درم سنگهاره

ستاور از هر یک دوازده درم ناگیسهلا تخم کهرنی هر یک چهار درم مغز چرونجی باعوض مغز بادام
مقشر بیست و هشت مغز پسته چیل و دو درم مویز منقی چهل و چهار درم سپاری دکهنی بیست و
هشت پل انچه کوفتنی است علحده علحده کوفته جامه بیز کنند و بادام و پسته مقشر کرده باریک
بریده نگاهدارند و مویز منقی را بر سنگ سوده عسل بر کشند و هر سپاری چهار پاره کرده در مقدار
ده سیر شیر ماده گاو یا گاومیش بجوشانند تا تمام شیر در خورد پس خشک کرده و کوفته بیخته
علحده بدارند و آنگاه نبات یک سیر و شیرهٔ بیخ ستاور دو سیر و شیر ماده گاو یا گاومیش هفت سیر
شکر سفید دوازده سیر بوزن اکبری یک جا کرده جلاب سازند و بقوام آورند پس بر روغن گاومیش
نیم سیر گرم کنند سحیق سپاری و سحیق جمله ادویه را یک جا کرده بریان کنند بستر جلاب کور
و عسل مویز منقی اندازند و بقوام حلوا سازند شربت از نه ماشه تا دو توله حلوای جذر مقوی
باه است ص بگیرند جذر را و کوبیده بآب بپزند و عسل و یا شکر سفید بقدر کفاف بقوام آورده
روغن گاو و مغز پسته و مغز چلغوزه مغز حب الخضرا و مغز گردگان مغز بادام مقشر مغز حب الملم
مغز نارجیل که پوست سیاه او تراشیده باشند مغز فندق مغز حب السمنه نیم کوفته داخل کنند
و حلوا سازند حلوای جذر نسخه دیگر که از نهایت نفع است از برای تقویت باه ص بگیرند
جذر و شلغم و بپزند تا مهرا شود و پس هر دو را در همان آب که پخته باشند مضمحل کنند و بپالایند
و مویز در آب مذکور باز بپزند تا بقوام عسل آید پس نارجیل مغز بادام شیرین مغز پسته مغز فندق
مغز چلغوزه مغز حب الخضرا داخل کرده چند جوش دیگر بدهند چون بحد کمال رسد در چینی خولنجان
بسباسه سوده داخل کنند و از آتش بر گرفته در ظرف چینی نگاهدارند حلوای تعلب
تالیف پدر علوی خان ص آرد نخود سی مثقال آرد میده آرد باقلا از هر یک بیست مثقال
بروغن گاو بریان کرده عسل صاف سی مثقال نبات سفید بقدر ضرورت بعرق بید و آب
حدا دان حل کرده داخل آرد روغن مذکور کرده بآتش ملائم بپزند تا چون حلوا
شود مغز پسته مغز فندق مغز چلغوزه مغز نارجیل مغز انجیل مغز حب السمنه مغز حب الخضرا مغز بادام

شیرین مغز حب الزلم مغز تخم خربوزه مغز حب الفلفل مغز قصم قریس نیمکوفته از هریک دو مثقال
ثعلب مصری هفت مثقال دارچینی مصطگی خولنجان بهمن سرخ و سفید شقاقل دارهیل از هریک یکمثقال جوز
بسباسه زنجبیل زعفران مشک خالص عنبر اشهب از هریک نیم مثقال کوفته بیخته داخل
کرده در ظرف چینی پهن کنند و مثل لوز ببرند و هر روز صبح چهار مثقال و وقت شب هنگام خواب
چهار مثقال بخورند حلوای جذر در تقویت باه بسیار مفید است ص زردک سرخ رنگ
شیرین از پوست و بیخ دور کرده یک آثار خرمای فربه از خسته دور کرده نیم آثار در شیر ماده گاو بپزند
تا مهرا شود پس برآورده در هاون چوبین بکوبند تا چون مرهم شود بعد ازان آرد نخود بریان
و میده گندم از هریک پانزده درم قدری روغن بریان کنند و قند سفید یک سیر و عسل
خالص نیم سیر در آب حل کرده صاف نموده بران ریزند تا بقوام آید پس زردک و خرمای
مرقوم مخلوط کرده بعده دو سه جوش داده فرود آرند و مغز سر گنجشک نر خانگی چهل عدد نیز داخل
نمایند و همه را نیک امتزاج دهند و بعد ازان مغز فندق مغز بادام شیرین مغز پسته مغز چلغوزه
مغز نارجیل از هریک ده درم ثعلب مصری کشش خرمای خشک مربی دارچینی زنجبیل خولنجان
از هریک سه درم مشک زعفران هریک یکدرم باریک ساخته بیامیزند هر صباح ده درم
با پاو آثار شیر بخورند حلوای منقول از خط حکیم الملک که بجهت کثرت مرور منی و مذی و ودی
و ودی نهایت نفع است ص زردچوب یکجزو آرد گندم خانید روغن گاو از هریک سه جزو آرد بروغن گاو
بریان کنند و بپزند تا چون زردچوبه بریان کرده را کوفته و بیخته داخل کنند و از آتش برگرفته سه روز
هر روز چهار مثقال ازان تناول نمایند برای ضربه و سقطه نیز نفع میکند حلوای چوب چینی
که نهایت مقوی باه است ص آرد گندم سه ربع من تبریزی روغن زیتون و روغن گاو از هریک
نیم من تبریزی بریان نموده عسل مصفی یک من و نیم سنگ تبریزی داخل کرده با آتش نرم بپزند
تا چون تر حلوا شود پس مغز چلغوزه مغز نارجیل که پوست سیاه او را دور کرده از هریک بیست
مثقال نیمکوفته اضافه نموده قدری دیگر آتش ملایم بدهند پس چوب چینی اعلی یکصد مثقال

قرنفل دارهیل دارچینی سیلانی زرنباد رازیانه زنجبیل انیسون نانخواه لسان العصافیر سورنجان
دارفلفل خولنجان سعد کوفی از هریک پانزده مثقال کوفته بیخته داخل کرده در ظرف چینی پهن
کرده نگاهدارد و وقت حاجت بقدر خوراک بخورند حلوای مرغ سیاه از برای قوت باه
مجرب است و این نسخه از اطبای فرنگ است ص بگیرند گوشت ده قطعه مرغ سیاه که او را
بفارسی مرغ حبشی و بهندی مرغ کڑک ناتهه راگویند و برابر چهار وزن آن گلاب داخل کنند
و بپزند تا گوشت مهرا شود پس در کرباس صاف کنند و شیره آن کشند و نبات سفید سه اوقیه
مغز بادام شیرین مقشر حب الصنوبر کبابه مغز خسته زردآلو شیرین از هریک یکمثقال شقاقل
پنج مثقال مجموع را نرم بکوبند در مرق داخل کرده باز بپزند تا چون حلوا شود و در ظرف چینی نگاهدارند
هر روز بقدر خوراک ازین که چهار مثقال باشد بخورند حلوای سوهان موافق مبرودین و کثیر
الغذا و مولد خون غلیظ است و بجهت درد کمر و تقویت باه و اعصاب نافع است ص
گندم را در آب بخیسانند چندانکه نم بردارد پس در کیسه کرده در آفتاب گذارند و هر روز قدری
آب بر وی پاشیده باشند تا شروع کند بسبز شدن پس در آفتاب خشک کرده آرد کنند یا انکه
شیره او را برآورند و بهر تقدیر که آرد کرده باشند یا نصف وزن آن یا مساوی وزن آن
آرد میده مخلوط نمایند و آب را بجوش آورند و اندک اندک آرد را ریخته تیز زنند و بجوشانند
تا آرد طبخ تمام یافته غلیظ شود و اگر شیره او را برآورده باشد بقدر نصف وزن گندمی که آنرا
شیره انداز آرد میده داخل کرده طبخ نمایند تا غلیظ شود پس قدری روغن طعام
یا روغن کنجد داخل کرده بجوشانند تا روغن را جذب کند بعد ازان شیره شکر یا دوشاب
بقدری که برای شیرین شدن او مقصود باشد داخل کرده بجوشانند که روغنی را جذب
کرده شروع بپس دادن آن شود پس مغز بادام بریان مغز پسته مغز گردگان مغز نارجیل
که پوست او را دور کرده باشند نیمکوفته داخل کنند بعد از لمحه از آتش برگرفته دارچینی زنجبیل دارهیل
جوزبوا قرنفل بسباسه نانخواه از هریک قدری که ذائقه را موافق آید کوفته بیخته داخل کرده

قرص ها سازند حلوای تخم مرغ ص زردهٔ تخم مرغ بیست عدد و نبات سفید پنجاه مثقال نبات را بعرق بهار نارنج و عرق بید مشک و آب حل و آن حل کرده بعد از آن زردهٔ تخم مرغ نموده بپزند تا چون تر حلوا شود و جوز بوا بسباسه از هر یک یکمثقال زعفران مشک تبتی از هر یک دو درم داخل کرده پنج مثقال آن را صبح و سه مثقال وقت شام بخورند هر وقت پنج مثقال میتوان خورد حلوا مغزی ص شکر را صاف کرده بقوام آورده بچوب زنند تا سفید شود و از مغزها مانند مغز پسته مغز بادام مقشر مغز فندق مغز گردگان مغز نارجیل که پوست آنها تراشیده ریزه ریزه کرده باشند و امثال آن لبوب داخل نموده قرص ها سازند و هر وقت که خواسته باشند بخورند حلوای لبوب مقوی بنسخهٔ حکیم هاشم ص آرد گندم آرد نخود در روغن گاو بریان کرده نبات سفید یک آثار عسل مصفی بگلاب حل کرده داخل آرد و روغن کرده با آتش ملایم مثل تر حلوا کنند دارچینی بهمن سرخ بهمن سفید شقاقل عود صلیب و دانه هیل خولنجان بوزیدان از هر یک نیم توله بسباسه چهار ماشه خصیة الثعلب چهار توله زنجبیل چهار ماشه زعفران دو ماشه مشک سه ماشه کوفته بیخته مغز پسته مغز فندق مغز نارجیل مغز چلغوزه مغز انجلک مغز بادام شیرین از هر یک یک نیم توله داخل کرده و هر روز دو توله صبح و دو توله شام یعنی آخر روز بخورند حقنه باید دانست که واضع حقنه بقراط است جالینوس گفته که استاد ما بقراط اخذ نموده است از طایری که ماهی بسیار خورده بود چون درد شکم او غلبه نمود بر کنارهٔ دریای شور آمده بمنقار خود آب دریا گرفته در دبر خود کرد و بعد ساعتی آن آب را مع فضله انداخت و نجات یافت و پرواز نمود و در مقدار مطبوخ حقنهٔ مسهله اطبا را اختلاف است اما آنچه معمول اکثر اطبا است دو ثلث رطل است بدو سه مرتبه بعمل باید آورد و باید که نیم گرم حقنه عمل نمایند زیرا که اگر سرد باشد تولید ریاح خواهد کرد و بسیار گرم مورث غشی و کرب است و نیز معتدل در وقت و غلظ باشد چه اگر غلیظ خواهد بود باعث قرحه امعاء خواهد گشت و رقیق موجب انتشار در بدن و حقنه در وقت معتدل استعمال نمایند و بهتر آنست که پیش از حقنهٔ مسهله بآب نیمگرم و ادهان

مناسبه حقنه کنند و اکثر اطبا صحت اعضاء رئیسه در استعمال او شروط کرده اند و این در وقت غیر ضرورت است و حقنهٔ حاده مضعف جگر و مورث حمی است و ترکیب حقنهٔ مسهله قریب مطبوخ مسهله و انداخته میشود و در حقنه سه دارو همچنانکه در مطبوخات مسهله لیکن باید دانست که مسهلات بعضی را چون صبر و هلیلجات داخل حقنه نمی توان کرد چنانچه بعضی ادویه حقنه در مطبوخات مثل زهرهٔ گاو و شارح اسباب در نسخهٔ حقنه هلیلجات اضافه کرده و صاحب تحفة المومنین نیز مروی نموده و راقم در تالیفات خود که بر شرح اسباب و علامات است عدم صحت این را بیان ساخته و اگرچه اکثری از اطبا شحم حنظل در حقنه داخل کرده اند لیکن صواب آنست که داخل نکنند و حقنه دوای مبارک کثیر النفع است خصوصا در اخرجه عاصیه از عمل مسهلات مشروبه و تسکین شدید اوجاع امعاء و قولنج و کلیه و مثانه و اورام آنها و محقون را سعی کنند که عطسه و سعال و فواق نیاید و محقنه را باشکال مختلفه ذکر نموده اند و بهترین شکل اینست که انبوبه دائره باشد که منقسم بدو قسم بود یک قسم یک ثلث دائره و قسم دوم دو ثلث و انبوبه از نقره یا مس و امثال آن سازند و در میان این هر دو قسم از اول تا آخر حجابی از جسد سازند چنانچه اگر چیزی در یک بخش بگذرد بخش دیگری بحال باشد و این حجاب را از طرف قسم صغیر انبوبه از آن طرف که مشک می بندند وصل می نمایند وصل شدید در وسط جزو صغیر منفذی سازند که ریح از آن منفذ بیرون آید اولی آنست که دو منفذ نمایند تا ریح بزودی مندفع گردد زیرا که ریح چیزی است که بر میگرداند دوا را محقنه را محقنه باید که از شکم گاو تیار نمایند و کیسه را بوجه احسن بر محقنه بسته استعمال کنند و بعضی گفته اند که محقنه بمقدار یک شبر باشد بشکل کیسه دوخته و از طرف که بود با آن طرف مشک محکم بندند و بشکل گردن کدو سازند و عند الضرورة از مثانه گاو نیز عمل توان نمود و همچنین وقت ضرورة از قطعه نی بعوض انبوبه کار باید گرفت و در وقت حقنه کردن در بیماری های کلیه و درد و رکین مریض را مستلقی دارند و سر و سرین را بر بالش نهند تا میان

پشت بر زمین چسپیده باشد و در قولنج و درد ناف و مانند آن بیمار را بر زانوی وی خوابانیده
شکم او تخته دارند و سر و سینه او بر بالش نهند و از طرف دیگر میل کنند و در زحیر تکیه بسوی پشت
نهاده مستلقی نشانند و سرین مرتفع دارند و در امراض دماغ مستلقی و زیر گردن و سر بالین
بگذارند و زیادة التفصیل فی الکتب المبسوطة من اراد الاطلاع فلیرجع الیها حقنه لینه که سرسام
و حمیات را سود دارد ص عناب سپستان شعیر مقشر نیکوفته گل بنفشه سبوس گندم خطمی
اکلیل الملک هر یک کفی انجیر پنج عدد در سه رطل آب جوش دهند تا به رطلی آید روغن بادام
بنفشه روغن کنجد هر یک دو درم آبکامه پنج درم اضافه نموده نیم گرم حقنه کنند بدو نوبت و اگر
قوی تر خواهند هفت درم مغز فلوس خیارشنبر و سنای مکی نیز داخل کنند حقنه که کثیر غس را اکثر النفع
است از حکیم علی ص شحم حنظل قرطم نیم کوفته کتان بزر الانجره فودنج دشتی پوست بیخ کبر
هر یک کفی در سه رطل آب بپزند چون یک رطل بماند صاف نموده نصف رطل ازین همراه نصف
اوقیه زیت حقنه کنند حقنه که مستعمل است در سرسام حار صفراوی و حمره ص آب کشنیز شعیر دو اوقیه لعاب بزرقطونا یک اوقیه
همه را یکجا کرده خوب بهم زنند و بدستور متعارف حقنه نمایند حقنه حاده که در بعضی امراض احتیاج
بآن میشود خصوصاً در حالت سکته و فالج و صرع کثیر غس و درد مفاصل بارد مزمن ص اسطوخودوس دو
تربد سفید برگ چقندر مغز حب الخروع قنطوریون دقیق شبت سورنجان مصری از هر یک دو مثقال
غاریقون شحم حنظل سفید یکمثقال سنامکی چهار مثقال مغز حب القرطم پنج مثقال البفانج فستقی سه
مثقال عناب سپستان از هر یک بیست دانه جوشانیده صاف نموده فلوس خیارشنبر پانزده
مثقال شکر سرخ پنجمثقال دران حل نموده بپالایند و روغن حب الخروع ده مثقال روغن بادام
شیرین یک مثقال اضافه نموده همگی را دو حصه نمایند و هر حصه را
با مقل ازرق دو دانگ بوره ارمنی یک مثقال جاوشیر یکدانگ حقنه نمایند و اگر قوی خواهند
یکدانگ شحم حنظل و یکدانگ جندبیدستر اضافه نمایند حقنه که در قولنج مجرب است ص
قنطوریون باریک دو درم بنفشه انیسون نیلوفر گاوزبان تخم رازیانه پوست بیخ کاسنی تخم کاسنی

عنب الثعلب تخم شبت اسطوخودوس بسفایج فستقی نیم کوفته پر سیاوشان هر یک سه درم
سنامکی پنج درم حلبه اکلیل الملک نرگس برنجاسف سبوس گندم بابونه هر یک کفی ورق خطمی
هر یک دسته همه را در پنج رطل آب بجوشانند تا بیک رطل و نیم آید صاف کرده نمک طعام
غاریقون توبال سائیده نیم درم مغز خیارشنبر ترنجبین شیرخشت شکر سرخ آبکامه روغن گل
بنفشه هر یک ده مثقال دران حل کنند و سه دفعه حقنه نمایند حقنه که زحیر ورمی را نافع آید ص
جوشانده پنج گل بنفشه گل سرخ بپزند و صاف کنند و روغن گل آمیخته نیم گرم حقنه نمایند حقنه که زحیر
شدید را نافع است و تشرب وی نیز مفید ص آب برنج مطبوخ بگیرند و ثانیاً بشیر تازه بپزند تا غلیظ
شود و صمغ عربی قدری دران آمیزند و بنوشند یا حقنه کنند حقنه ممسکه استعمال کرده میشود
وقتیکه هیچ تجاوز کند و ادویه نجات نبخشد و هیچ در اسفل سره یافته شود ص جاورس مقشر
گل سرخ گلنار عدس برنج جفت بلوط از هر واحد کفی عفص سه عدد در سه رطل آب بجوشانند
هرگاه یک رطل بماند صاف کرده گل ارمنی نیم درم اسفیداج رصاص ورباو قراطیس بابرده
از هر یک درمی زردی بیضه بریان که خوب بریان کرده باشند نیم اوقیه بروغن گل خام بقدر
حاجت اضافه کرده دو بار حقنه کنند حقنه که بقرحه امعاء و زحیر و اسهال و تحلیل ریاح مجرب
قدیماست و این را حقنه زرنیخ نامیده اند ص راتینج یک جزو صمغ عربی دم الاخوین اقاقیا
بلوط هر یک چهار جزو بان لک سوخته زرنیخ سرخ زرنیخ زرد و شب یمانی مازو آهک آب
نادیده هر یک ده جزو افیون پانزده جزو کوفته بآب مورد سرشته اقراص سازند و یکمثقال در آب پنج
مطبوخ که سی مثقال بود ده و روغن گل که پنج مثقال باشد آمیزند و روغن گل نیم اوقیه آمیخته حقنه نمایند حقنه
دیگر که قرحه امعا را سود دهد ص افیون زعفران هر یک نیم درم صمغ عربی یکدرم گل سرخ
چهار درم همه را کوفته بیخته بآب عصارة الراعی یا بآب برگ خرفه بیامیزند و یک زرده تخم مرغ
بخته و روغن گل بقدر کفایت حل کرده بران افکنند و حقنه نمایند و قروح امعا را هرگاه بدان
که عفن گردیده و ساعی میگردد حقنه بماء العسل که قلیل الماء بود تعمل آرند و بعد ازان بآب نمک

تا از وسخ پاک شود و تنقیه کامل گردد و حقنه مندبل بآب بارتنگ وگل مختوم و جز آن بکار برند و
چون مرض طول نمود و امتداد کند حقنه زرنیخ بکار برند بشرطیکه قرحه غایر نگشته باشد یا حقنه زرنیخ
موجب تثقیب امعا نگردد و علیل را هلاک نسازد و دلیل غور قرحه خروج خراطه شحمین است و
اطالهٔ مرض است بنهایت حقنه که جهت اسهال صفراوی که هرگاه تپ و سده باشد نافع و مجرب
نوشته اند ص تخم خبازی ده درم عنب الثعلب دو نیم درم نیلوفر سه درم جو مقشر
چهار درم بنفشه پنجدرم سپستان بست عدد آنچه کوفتنی ست بکوبند و همه را بجوشانند و صاف
نمایند و روغن تخم کدو هشت درم شیر خشت شش درم لعاب اسبغول ده درم آمیزند و حقنه کنند
حقنه که کرم ریزه و حب القرع را اخراج نماید و مجرب مزاج شاید ص پوست بیخ درخت انار ترش
یک شبانروز در آب تر نمایند صاف کرده آب برگ شفتالو اضافه نموده حقنه نمایند حقنه که ریاح
بواسیر را نافع است ص عسل روغن کنجد روغن حبة الخضرا هر یک نیم سکرجه قند سفید بست
درم آب گندنا سی درم آب شصت درم بجوشانند و نیم گرم کرده حقنه نمایند حقنه دیگر قولنج
بگشاید درد پشت و بادهای غلیظ را نافع آید ص حلبه بزرگ قنطوریون بابونه خسک نیمکوفته
خطمی از هر یک کفی انجیر سی عدد عناب سپستان از هر یک بست دانه سبوس گندم برگ
چقندر برگ کرنب شبت سداب از هر یک دسته سکبینج مقل جاوشیر از هر یک سه درم
مغز تخم کافه کوفته بست درم بپزند آبکامه بست درم شکر سرخ اضافه کنند و استعمال نمایند
حقنه که زحیر روده و اسهال خون صفراوی را نافع است ص آب برگ خرفه آب
لسان الحمل از هر یک چهل مثقال تخم مرغ روغن گل آمیخته یک بیضه اقاقیا نیمدرم
دم الاخوین چهار دانگ کاغذ سوخته سفیداب کهربا مرجان گل مختوم از هر یک یکدرم با
یکدیگر ممزوج نموده استعمال نمایند حقنه که قروح امعا و اسهال دموی را نافع باشد ص
کشک جو برنج نشاسته گرده نبرار هر یکی سی مثقال بپزند و بپالایند و سفیداب نشاسته اقاقیا گلنار
از هر یک نیمدرم زعفران شیاف ابیض از هر یک یکدرم زرده تخم مرغ عدد ده درم روغن گل حل کنند

و بپالایند بگیر بپزند و استعمال نمایند حقنه حاده که قولنج و اوجاع مفاصل بارده و آلام رحم و امراض
دماغی و عصبانی بارده را نافع است ص غنچه گل سرخ بابونه بزرکتان حلبه شحم حنظل مغز حب القرطم
شبت برگ کلم سورنجان جوشانیده بپالایند فلوس خیارشنبر گلقند دران حل کرده باز بپالایند
و روغن حب الخروع داخل کرده بورهٔ ارمنی نمک هندی سوده سرد سازند و نموده بر هم زنند
تا نیکو مخلوط شود حقنه نمایند حقنه نافع از برای قولنج و امراض بارده رحم و درد پشت و درد
سرین و عرق النسا و اوجاع مفاصل ص بزرکتان حلبه قنطوریون دقیق شبت خشک از هر یک
اوقیه مغز حب قرطم دو اوقیه خسک یک اوقیه و نیم انجیر زرد ده عدد سبوس گندم دو اوقیه بابونه
یک اوقیه و نیم مغز تخم بید انجیر نیمکوفته یک اوقیه شحم حنظل مقل ازرق سکبینج تخم سپندان مغز بادام تلخ
نیمکوفته از هر یک پنجدرم عناب سپستان از هر یک سی عدد برگ کلم برگ چقندر از هر یک یکدسته برگ
کوچک برگ سداب خشک دو اوقیه همه را در هفت رطل آب خالص بپزند تا دو رطل بماند
پس بپالایند و در هشتاد درم ازین آب تا هشتاد درم یک اوقیه ابکامه و دو درم بورهٔ ارمنی
و یک اوقیه عسل مصفی و یک اوقیه زیت با روغن کنجد و نیم اوقیه روغن بان و یکدرم زهرهٔ گاو
ترکیب کرده حقنه سازند حسوی جهت صداع که بسبب ضعف دماغ و ابخره بهم رسد سفیداب
ص سبوس گندم با آرد آثار در آب شب تر نموده نگاه دارند صبحی بکر بمالیده خمیره بر آورده صاف
نموده بجوشانند و بست عدد بادام مقشر و قدری خشخاش نشاسته چهار درهم قند سفید در آب
حل نموده بیندازند و بپزند و قدری مشک خالص اضافه نموده بکار برند و اگر ابخره صعود نماید
شیرهٔ کشنیز خشک بقدر حاجت بیفزایند حسوی جهت پاک کردن سینه ص بگیرند لب حب البطم
لب حب صنوبر دقیق کرسنه لب نخاله حسو سازند و بعسل شیرین کرده بنوشند حسوی شیر جرجیر
نضیج میدهد سعال را و سرفهٔ خشک را نافع بود ص سبوس گندم دو بهر در آب تر نمایند و صاف
نموده آرد باقلا نشاسته یک اوقیه شکر سفید دو اوقیه فانید یک اوقیه کتیرا سحوق دو درم در
انداخته بجوشانند تا مثل حریره شود حسوی شعیر برای نفث الدم نافع بود ص بگیرند شعیر

مقشر ده درم عناب یک اوقیه برگ لسان الحمل هفت درم تخم خشخاش سفید ده درم همه را
بجوشانند تا مهرا شود و مالیده صاف نموده شربت خشخاش شربت عناب شربت نیلوفر داخل
کرده باز بجوشانند تا مثل حریره شود و استعمال نمایند حسوی نافع برای ذات الجنب ص مغز
تخم خیارین مغز تخم کدو تخم خشخاش مقشر بادام مقشر در آب شیره برآورده با شکر سفید و روغن
بادام شیرین بجوشانند تا مثل حریره شود بخورند ملین و معین بر نضیج و نفث است و مسکن وجع بود
حسوی برای ذات الجنب سوداوی ص آرد گندم خمیر مغز بادام شیرین شکر سفید بدستور
مرتب سازند و بکار برند حسوی که تقویت دماغ کند و لذیذ بود ص مغز بادام ده دانه
تخم خشخاش شش ماشه نبات مسکه هریک دو توله بدستور مرتب نمایند حسوی که بحة الصوت
عیسی را نافع بود ص آرد باقلا آرد تخم کتان شکر با ذران مناسب گرفته حسو سازند حسوی
نافع جهت بحة الصوت ص عناب انجیر هریک پنج عدد سپستان ده دانه تخم تره تیزک
تخم ریحان بهدانه هریک نیم مثقال نبات قدری که شیرین شود بطریق فالوده بپزند و نیم گرم
پیاله بنوشند حسوی که برای بحة الصوت که بسبب غبار و دخان و آواز شدید حادث
شود ص شیر تازه نشاسته روغن بادام شیرین شکر سفید حریره سازند نیم گرم بخورند حسوی
دیگر برای بحة الصوت که بسبب آواز شدید بود ص لباب قمح کشک شعیر در آب بجوشانند
و شکر طبرزد و روغن بادام شیرین و اندکی زعفران مسحوق انداخته مثل حریره سازند حسوی
که جهت سحج و زحیر بکار آید تالیف مولف ص لعاب ریشه خطمی لعاب بهدانه شیره خشخاش لعاب اسپغول شیره نشاسته
روغن بادام آب که دران کتیرا و صمغ عربی نیم کوفته شب خیسانیده باشند نبات بقدر مناسب
بدستور مرتب سازند حسوی بجهت پیچش با خون و بی خون مفید است ص صمغ عربی
سه ماشه نشاسته روغن بادام هریک نیم توله بارتنگ بو داده یک توله با قدری نبات مرتب
سازند حسوی که اهل هند نان را بعد زائیدن میخورانند ص روغن زرد پاو سیر خوب
داغ کنند و پاو سیر میده داخل کرده خوب بریان نمایند آنگاه یک نیم پاو نبات یا قند سفید یا قند سیاه

و همین معمول است شربت ساخته میدارند و به قاشق بگردانند تا بقدر سطبری بهم رسانند و
بیش از فرود آوردن دواهای گرم مثل فلفل دراز فلفل مویه زنجبیل نانخواه از هریک یک سیر شاهی
کوفته اضافه نمایند و بکار برند و نیز گاهی تنها قند سیاه نانخواه را در آب جوشانیده بعد زائیدن
بخورانند و هرگاه مزاج حامله گرم باشد و فصل هم گرم بود یا حامله را حرارت باشد تخم ریحان و قند سفید
هر دو را در عرق گاوزبان یا آب خالص جوشانیده دهند حسوی که در جرب کلیه بکار آید ص
شکر طبرزد پانزده درم کنجد بریان دو درم نشاسته چهار درم کرسنه سه درم کنجد را بکوبند و علی الرسم
حریره سازند و روغن بادام اضافه نمایند حسوی مقوی باه از تالیف راقم ص مغز بادام
مغز فندق هریک بیست دانه نشاسته دو توله هر سه را در آب شیره کشیده بر آتش ملایم بپزند و
نبات بقدر حاجت و مسکه قدری در اثنای پختن داخل نمایند و پیش از فرود آوردن
ثعلب مصری شقاقل مصری بهمن سفید هریک دو ماشه خوب سائیده کنند یا هر سه را نیز شیره
کشیده داخل کرده بپزند حسوی مسمن معتدل ص نخود سفید که در شیر خیسانیده خشک کرده
باشند بلخ دکشک جو بلخ و کشک گندم نصف جزو نان گندم سپید خشک کرده سه جزو سوای خمیر همه را
در آب که دران قدری زیره جوشانیده باشند بپزند هرگاه پخته شود خرما سائیده و شکر بر اندازند و دو جوش
خفیف دهند تا جمع شود حسوی دیگر برای سمن ص نخود که در شیر خیسانیده خشک کرده
باشند برنج و جو مقشر از هریک سی درم خرما سپید خشک کرده شصت درم همه را بعد سحق مخلوط
نموده سی درم کوفته با شیر تازه حسو سازند حافظ الاجساد سوء القنیه و استسقا و امراض بارده
معده و دماغ و جمیع اعضا را مفید است و در بعضی کتب نوشته اند که مکرر تجربه شده در جمیع امراض
بهتر از دواء الکرکم است ص دارچینی پوست بیخ کبر قفاح اذخر از هریک پنج مثقال زعفران پانزده
مثقال سنبل الطیب شش مثقال سنبل رومی ریشه دوا انیسون دوقو اسارون ریوند چینی
فطر اسالیون مر صافی از هریک چهار مثقال قسط شیرین حب بلسان رب السوس عصاره
غافث از هریک سه مثقال فوة الصبغ سعد کوفی از هریک دو مثقال زیت کهنه بوزن مجموع

ادویه را کوفته بیخته بروغن زیت چرب کرده بعسل مصفی سه وزن ادویه بدستور سرشند حسوی جهت
پاک کردن ریه ص بگیرند خشخاش سفید باریک سائیده ودر آب بمالند وشیره کشیده صاف
نموده پس تر در همین آب صعتر مرصوص باقلی سفید مقشر هر یک دو درم را بجوشانند تا بقوام بار آید
آید برابر آن حلتیت وقدر حاجت مغز خیار سمید شکر طبرزد وروغن تازه یا روغن مغز تخم کدو انداخته
یک جوش دیگر داده از آتش فرود آورده مغز حب السفرجل مغز تخم کدو شیرین هر یک پنجدرم
سائیده صمغ عربی کتیرا هر یک یکدرم کوفته بیخته داخل کرده نیمگرم تحسی کنند حمول که جهت زحیر مجرب
است زرده تخم مرغ روغن گل آمیخته مردارسنگ مغسول صمغ عربی سفیده ارزیز باریک ساخته
دران آمیزند ولته بدان آلوده بردارند باب الخاء خمیرهٔ گاوزبان عنبری تالیف اکمل المحققین
افضل المدققین علامی فهامی والد ماجد حاذق الملک حکیم محمد اکمل خان مرحوم جهت تقویت
دماغ بی عدیل است وبرای تقویت وتفریح قلب بی نظیر وانواع مالیخولیا واقسام خفقان
زائل میگرداند ص گاوزبان گیلانی سه دام گل گاوزبان کشنیز خشک ابریشم مقرض بهمن سفید تخم
بالنگو صندل سفید تخم فرنجمشک هر یک یکتوله عنبر اشهب نیمدرم سوای عنبر اشهب در دو آثار آب تر نمایند ووقت
صبح بجوشانند هرگاه سوم حصه بماند صاف نموده با نبات سفید یک آثار عسل مصفی یا دو آثار بقوام
آورده آخر قوام عنبر داخل نمایند وورق طلا وورق نقره شش شش ماشه اضافه نمایند وهر چند
که خوب حل خواهند کرد خوب خواهد شد شربت از یکدرم تا دو درم وچون درین ترکیب مروارید
یاقوت زمرد زهرمهره هر یک یک مثقال اضافه شود حکم تریاق هم خواهد رسانید خمیرهٔ
ابریشم از حکیم ارشد مرحوم جهت اقسام امراض سوداوی وتقویت اعضاء رئیسه بعدیل است
ودر طعم بسیار لذیذ ص عود غرقی چهار ماشه ابریشم خام که از کوه باشد چهل ودو توله صندل سفید
سائیده نیم توله سنبل الطیب پوست بیرون پسته پوست ترنج مصطگی قرنفل دانه هیل ساذج
هندی از هر یک پنجماشه ادویه را در پارچه کتان بسته مع ابریشم که در عرق گاوزبان بید مشک
گلاب آب سیب شیرین آب انار شیرین آب به شیرین از هر یک دوازده درم آب باران

دو آثار بجوشانند تا وزن آب برود ووزن آب میوه بماند بعد ازان با عسل سفید قند
سفید هر یک یکنیم پاو بقوام آرند ودر آخر قوام عنبر اشهب شش ماشه حل کرده بعد ازان که
قوام سرد شود ورق طلا ورق نقره از هر یک شش ماشه حل ساخته مروارید سائیده یک توله
یاقوت رمانی نه ماشه کهربای شمعی مرجان هر یک شش ماشه یشب سفید نه ماشه مشک خالص
چار ماشه داخل نموده خوب مخلوط سازند ودر ظرف چینی نگاهدارند شربت از یکدرم تا دو
مثقال خمیرهٔ ابریشم که حکیم مسیح الزمان جهت بندگان حضرت اعلی ترتیب داده بودند برای
ازالهٔ توحش وجمیع امراض سوداوی وتقویت قلب بی عدیل است ص کهربای یشب
صندل سفید عود مصطگی هر یک نیم مثقال فرنجمشک ابریشم مقرض مروارید هر یک یک مثقال
گل گاوزبان دو مثقال همه را کوبند وبیزند وابریشم خام ده توله عسل سی مثقال نبات سفید هفتاد
مثقال ابریشم را در دو سیر گلاب یک شبانروز تر کرده بجوشانند هرگاه که گلاب نصف باقی ماند
صاف نموده ویک مثقال بادرنجبویه علیحده در قدری آب جوش داده صاف کرده بآن ضم
نمایند عسل ونبات داخل کرده بقوام آرند اول عنبر حل کرده خوب صاف کنند که سفید شود
بعد ازان داروهای که کوفته باشند بیامیزند وبکار برند خمیرهٔ ابریشم جهت توحش سوداوی
واقسام مالیخولیا وخفقان بارد وبادبواسیر سوداوی ومقوی دل ودماغ وجگر است ص
عود مصطگی مشک خالص هر واحد نیم مثقال یاقوت کهربا مرجان یشب هر یک یک مثقال
مروارید عنبر اشهب هر یک دو مثقال هر یک بادرنجبویه برگ فرنجمشک هر یک بیست مثقال
ابریشم زرد خام نود مثقال نبات یک سیر شاه جهانی ابریشم را در آب طلا تاب یا آهن تاب
تر کرده بجوشانند تا ربع بماند خوب مالیده صاف کرده بگیرند وبادرنجبویه فرنجمشک را علیحده در یک
کاسه آب بجوشانند تا نصف بماند صاف کرده بآب مذکور ضم کنند ونبات داخل کرده بقوام
آورده بر تبرزند اول عنبر وپس ازان جواهر وداروهای دیگر بدستور حل کنند خمیرهٔ
ابریشم که منع بخارات نماید تقویت دل وسعده کند منقول از خط والد ماجد ص طباشیر سفید

کشنیز خشک پوست بیرون پسته لولو سفید کهربای شمعی گل نیلوفر گاوزبان ابریشم مقرض
از هر یک دو درم یاقوت رمانی چهار دانگ برگ گاوزبان گیلانی ده درم کافور قیصوری دو
دانگ عصاره زرشک پنجدرم صندل سفید سه درم شیر آمله پانزده درم زر محلول دو دانگ
ورق نقره سه دانگ مشک تبتی نیم دانگ عنبر اشهب دو دانگ آب سیب آب انار شیرین از
هر یک سی مثقال گلاب بید مشک عرق گاوزبان از هر یک پنجاه درم قند سفید دو من بدستور
متعارف سازند خمیره گاوزبان که بغایت مقوی دل و دماغ بود و ازاله خفقان و غشی
نماید ص کافور دو دانگ مشک پنجدرم زعفران درم گل سرخ براده صندل سنبل الطیب
اشنه هر یک سه مثقال بادرنجبویه پنج مثقال گل گاوزبان ده مثقال گاوزبان گیلانی
هشت مثقال سوای سه جزو اول همه را در دو رطل آب و گلاب بخیسانند و جوش دهند
وصاف نموده با یک رطل قند بقوام آرند پس سه جزو اول داخل نموده بکار برند شربت
و دو درم تا سه درم با عرق بید مشک و گلاب خمیره بنفشه اسهال صفرا کند و امراض
صدر و ذات الجنب و ذات الریه را نافع بود ص بگیرند گل بنفشه ساق و قمع آن را دور کرده
برگهای بنفشی آن بمقدار یک رطل از آن سه رطل قند سفید را کوبیده هر دو را بهم کرده کف
مال نمایند و در وقت مالیدن قدری از گلاب بران پاشند تا نیکو مخلوط شود پس در آفتاب
گذارند تا سه روز چهارم روز آن را نیکو کف مال کنند پس بکار برند و در وقت حاجت ده درم
از آن تناول نمایند خمیره خشخاش برای نزله و سرفه مفید و تقویت دماغ کند تخم خشخاش سفید
صد درم کوفته آب نیلوفر آب بنفشه آب کدو هر یک نیم من شکر یک من بقوام خمیره آرند و بعضی
اطبا تخم بنج در آبهای مذکور سه روز خیسانیده بعد از دست مالیدن صاف می کنند و قند داخل
نموده بقوام می آرند خمیره خشخاش بنسخه دیگر جهت بی خوابی مفید و منع نزلات و اصلاح
رئتین مفید سوزش سینه و تشنگی و دفع درد سینه و تعدیل اخلاط محترقه و تسکین حرارت نماید ص
کوکناره کلان با تخم صد عدد نیمکوب سازند یا پوست را جدا نیمکوب کنند و تخم را نرم بسایند

و با دو نیم من آب باران بپزند و بپالایند و یکمن قند انداخته قوام دهند و خمیره سازند و قوت
آن تا دو سال باقی می ماند خمیره صندل منقول از بیاض عم مرحوم ص براده صندل
بیست مثقال در نیم آثار گلاب تر نموده یک شبانروز نگاهدارند بعد از آن بجوشانند و شیره
آن بگیرند و با یک من قند سفید خمیره سازند خمیره صندل حامض سو مزاج حار قلب و
خفقان و حمیات صفراوی و اسهال مراری و تهوع و قی صفراوی را باز دارد ص صندل
سفید سوده سی درم کشنیز خشک مقشر پنجدرم در آب غوره یکصد درم و سرکه انگوری ده درم
و آب باران یکمن و گلاب و عرق بید مشک از هر یک نیم من یک شبانروز بخیسانند پس
بجوشانند تا به نصف رسد و از دست بمالند و از پارچه کتان نازک بگذرانند پس یک من
قند سفید داخل نموده بقوام آرند و بپزند تا بقوام خمیره آید پس بگیرند صندل سوده نود درم
مروارید ناسفته یشب سبز هر دو را اصلایه کرده زعفران هر یک یکدرم کافور قیصوری نیم مثقال
طباشیر سفید ده درم کوفته بیخته ورق طلا ورق نقره از هر یک نیم درم همه بآن بسرشند
شربت پنجدرم خمیره صندل بنسخهٔ دیگر مقوی قلب و دماغ از برای خفقان مفید ص صندل
سفید بگلاب سوده بیست مثقال قند سفید یک صد و شصت مثقال عنبر اشهب نیم مثقال
مشک خالص یکدانگ و نیم ورق طلا ورق نقره از هر یک نیم مثقال گلاب یکصد
و شصت مثقال عرق بید مشک هشتاد مثقال قند را بگلاب و عرق بید مشک حل کرده
بآتش ملایم بقوام آرند پس سفیدهٔ تخم مرغ شیره و آب در هم کرده دست زنند تا کف کند کف
را بر آن قند زده بر تبر معجون سازی بران زنند تا مثل خمیره شود پس عنبر و مشک با قدری
نبات سفید سوده داخل نمایند و در هم زنند پس ورق طلا ورق نقره محلول داخل کرده بر هم
زنند پس صندل را داخل کرده نیکو بر هم زنند تا بکار آید خمیره صندل سفید کافوری
نافع از برای تسکین التهاب قلب و معده و تپ محرق و تپ دق ص صندل سفید
مقاصری سی درم سوهان کرده در کیسه کتان نموده در گلاب و بید مشک و عرق نیلوفر

از هر یک نیم رطل یک شبانروز بخیسانند و روز دیگر با سه رطل آب در دیگ سنگین بجوشانند و دایم
کیسه را بمالند تا بنصف رسد پس کیسه را بمالند و بفشارند و دور کنند و داخل نمایند دران آب سفرجل
شیرین آب سفرجل حامض از هر یک یک رطل قند سفید سه رطل بقوام خمیره آورند و از آتش فرو گرفته بر
صندل سفید طباشیر سفید سوده از هر یکده درم مروارید ناسفته صلایه کرده کهربای شمعی صلایه کرده
از هر یک دو درم کافور قیصوری نیم مثقال سوده داخل نمایند و تبر زنند تا نیکو مخلوط شود و در ظرف
چینی نگاهدارند شربت ده درم با شیره تخم خیارین شیره تخم خرفه مقشر عرق بیدمشک خمیره
مروارید از اختراع والد ماجد بغایت مقوی دل و دماغ ص مروارید ناسفته یک توله طباشیر
سوده کهربای شمعی صندل سفید طباشیر سفید هر واحد شش ماشه نبات سفید پاو آثار عسل کف گرفته
پنج توله در گلاب و بیدمشک قوام نموده و ادویه کوفته بیخته با آن بسرشند خمیره مروارید بجهت خفقان
و تقویت دل و دماغ مفید ص مروارید ناسفته طباشیر سفید صندل سفید ابریشم مقرض بهمن
سفید از هر یک پنج مثقال عنبر اشهب ورق نقره ورق طلا هر یک یکدانگ و نیم مشک تبتی نیم مثقال
نبات سفید گلاب بیدمشک از هر یک دو صد مثقال عسل مصفی بیست و پنج مثقال نبات را
گداخته عسل داخل کرده گلاب بیدمشک داخل کرده بقوام آرند و تبر زنند پس ادویه سرشته
شربت از یک مثقال تا دو مثقال خمیره مروارید مقوی دماغ و قلب و رافع خفقان و برای
قروح کلیه و مثانه بسیار مفید و اخراج سنگ گرده و مثانه و ریگ آن نماید از تالیف راقم
ص مروارید ناسفته طباشیر سفید از هر واحد دو توله حجر الیهود و سنگ سرماهی هر یک شش ماشه
عنبر اشهب یک توله صمغ عربی سه ماشه گلاب بیدمشک هر یک یک آثار قند سفید نیم آثار عسل
مصفی نیم آثار بطریق خمیره سازند و هرگاه علیل را از قروح کلیه و مثانه و جز آن نباشد حجر الیهود و سنگ
سرماهی و صمغ عربی موقوف نمایند خمیره ابریشم بارد ص ابریشم خام صد مثقال در آبی که بکرات
طلا تاب و نقره تاب نموده باشند یک شبانروز بخیسانند و عرق گاوزبان هشتاد مثقال و قدری
بگلاب و بیدمشک دران داخل کرده بجوشانند پس با رب سیب شیرین و رب شیرین

از هر یک پنجاه درم قند سفید شصت درم بقوام آرند عنبر اشهب دو درم و مشک یکدرم در آخر قوام
بیامیزند پس طباشیر سفید سوده مروارید ناسفته سوده از هر یک سه مثقال کهربای شمعی ابریشم گل سرخ
صندل سفید هر یکدو مثقال سرمه سا نموده دران داخل کنند و خوب تبر زده بردارند خمیره
گل گاوزبان عنبری حار ص گل گاوزبان گیلانی بیست مثقال قند سفید شش صد
مثقال گلها را در عرق بیدمشک بقدری که دو انگشت بالای گلها باشد یک شبانروز بخیسانند
و جوشانیده صاف نموده با قند بقوام آرند و عنبر اشهب نیم درم داخل نموده فرود آرند خمیره گاوزبان
عنبری حار جهت ازاله توحش و خفقان و تقویت دل مفید ص برگ گاوزبان گیلانی برگ
بادرنجبویه از هر یک بیست و پنج مثقال مشک دو ماشه عنبر اشهب یک ماشه گلها را و برگها را
در عرق بیدمشک و گلاب در زمستان سه شبانروز و در تابستان یک شبانروز بخیسانند پس
بجوشانند و صاف نموده با و بالا یک آثار نبات بقوام آرند و عنبر اشهب و مشک حل نموده
فرود آرند خمیره ابریشم محرورین را موافق بود و در تقویت قلب کبد بی نظیر است ص ابریشم
خام پنجاه مثقال بگلاب و عرق بیدمشک و عرق گاوزبان از هر یک دو صد مثقال آب خالص
بقدر ضرورت یک شبانروز بخیسانند و بمالند و بپالایند و بعد ازان بگیرند آب انار شیرین آب به شیرین آب
امرود از هر یک سه اوقیه و من تبریز آب نیشکر و قند سفید از هر یک یکمن تبریز عسل مصفی نیم من
تبریز مجموع را یکجا کرده بجوشانند و کف آنرا بگیرند پس بقوام آورند و مروارید ناسفته یاقوت
رمانی کهربای شمعی از هر یک دو مثقال فادزهر معدنی دو مثقال و نیم لعل بدخشی زمرد از هر یک
دو مثقال صندل سفید غنچه گل سرخ گل گاوزبان شقاقل مصری بهمن سرخ بهمن سفید طباشیر
سفید کشنیز خشک مقشر از هر یک دو مثقال و نیم ابریشم مقرض پنج مثقال عنبر اشهب ورق
طلا محلول از هر یک یکمثقال و یکدانگ و نیم تخم خرفه مقشر پنج مثقال مشک تبتی چهار دانگ
ورق نقره دو مثقال بدستور مرتب نمایند شربت یکمثقال خمیره عنبر مقوی قلب است و پیران را
موافق بود ص بگیرند شکر سفید یکمن صاف نموده بقوام آرند و کف بردارند و سفیده تخم مرغ

بران زده تبر زنند تا نیکو آمیخته شود عنبر اشهب چهار مثقال نبات سفید کوفته بیخته اندک اندک
بران ریزند تا نیکو مخلوط شود شربت یکمثقال خمیره عود ترش تالیف محمد ذکریا انفع مفرحات
است ونافع بود از برای سوء فکر و وسواس وخفقان وانواع خمول وضعف معده ودماغ
وقلب وکبد وجهت استسقاء ونسیان وضعف باه مفید ص بگیرند اسارون شامی قاقله کبار
کبابه سنبل بوا تخم خشخاش از هر یک نیم اوقیه مصطگی رومی زراوند طباشیر سفید ابریشم خام زرنب
فلفل فرنجمشک از هر یک چهار درم مجموع رانیم کوفته سه شبانروز در چهار رطل آب بخیسانند وبجوشانند
آن مقدار که ربع بماند پس بمالند وبپالایند وداخل نمایند در آب صافی آن آب عناب آب سیب
شیرین آب سیب ترش آب بهی آب ریباس آب زرشک منقی آب انگور آب انار ترش آب سفرجل
از هر یک چهار اوقیه پس همه را داخل کرده بقوام سه وزن مجموع یعنی مطبوخ اول وین آبها
قند سفید داخل کرده بقوام آورند پس بگیرند عود هندی سیاه رنگ غرقی چهار اوقیه مروارید ناسفته
مرجان قرمزی کهربای شمعی از هر یک سه درم یاقوت رمانی یکدرم ونیم همه را در گلاب وعرق بید مشک
از هر یک نیم رطل آب لیمون آب نارنج هر یک چهار اوقیه صلایه کرده دران حل نمایند وبرهم زنند
چون لایق قوام آید عنبر اشهب محلول دو درم ورق طلا ورق نقره محلول مشک خالص
زعفران بگلاب سوده بعد ازان که از آتش فرود آورده باشند دران حل کرده در ظرف چینی
یا زجاجی یا نقره نگاهدارند شربت از یک مثقال تا دو درم خمیره از تالیف علویخان
مرحوم مسکر ومنشط است ص چهل مثقال شکر سفید را قدری آب داخل کرده بر آتش نهند
وبجوش آورند تا کف بر سر آورد پس قدری سفیده تخم مرغ را بران ریزند تا کف آن را
تمام گرفته پس صافی نموده باز در دیگ کنند بیست مثقال بگلاب خوشبو داخل کرده
بقوام خمیره آورند پس از آتش فرود آورده تخم خشخاش مغز بادام مقشر از هر یک ده مثقال
در نهایت نرمی سائیده داخل کنند پس چرس یک مثقال ونیم مشک عنبر اشهب از
هر یک چهار دانگ سوده داخل کرده وبه تبر معجون سازی آنقدر برهم زنند که نیکو مخلوط

شده خمیره گردد پس نگاهدارند شربت یک مثقال خمیره زمرد از تالیف راقم اقسام
خفقان را نافع بود وتقویت قلب نماید وتفریح تمام آورد ووسواس سوداوی را زائل کند
ص زمرد سائیده دو توله لاجورد مغسول بهمن سفید ابریشم مقرض گاوزبان گیلانی هر یک یکدرم
عنبر اشهب یکمثقال ورق طلا ورق نقره هر یک یکنیم درم گلاب بید مشک آب انار شیرین
هر یک یک اوقیه نبات سفید یک نیم پاؤ عسل سفید هفت توله شراب سیب بیست توله عسل و
نبات وشراب را در آب حل کرده بر آتش گذارند بعد ازان که کف برداشته باشند گلاب بید مشک
وآب انار داخل کرده بقوام آورده ادویه را برشنند خمیره یاقوت وسواس سوداوی وخفقان را
وضعف واقسام مالیخولیا را نافع است از تالیف علویخان ص آب به شیرین آب سیب شیرین
آب امرود گلاب عرق بید مشک از هر یک یکصد مثقال عرق گاوزبان عرق صندل از هر یک
پنجاه مثقال قند سفید ده من طبی قند را با آبها وعرقها بجوشانند وکف آنرا بگیرند پس بقوام آورده
تبر زنند که سفید شود پس یاقوت رمانی ده مثقال بگلاب صلایه کرده عنبر اشهب لاجورد مغسول
زهر مهره از هر یک دو مثقال اضافه نموده مرتب سازند ودر ظرف چینی نگاهدارند وبعد از چهل روز
استعمال نمایند شربت [illegible] مثقال خمیره ممسک چون قبل از جماع بدو ساعت بخورند امساک منی و
سرعت انزال را مفید است ص بگیرند خشخاس مع پرده نیم رطل ونیم کوفته در هفت من آب
جدا جدا بجوشانند چون آب بثلث رسد بمالند وبپالایند پس بایکرطل نبات سفید بقوام خمیره
آورده بعد ازان از آتش فرود آورده زنجبیل بیست درم جوز بوا دو درم افیون یکدرم زعفران
نیمدرم کوفته بیخته داخل کرده تبر زنند تا نیکو مخلوط شود وخمیره گردد ودر ظرف چینی نگاهدارند خرم
کبیر بضم خاء معجمه وفتح رای مهمله وقیل تشدید را پوست بیضه مرغ را که شسته باشند میگویند و
چون او داخل این ترکیب میشود لهذا باین اسم مسمی گشته ودر بعضی کتب مثل بحر الجواهر
وغیر آن این لفظ را بحاء مهمله وزاء معجمه نوشته اند خرم قلع میکنند بیاض راص قشور بدبر
عقدی کهنه خاکستر صدف مروارید شیح زبد البحر بعر الضب [illegible] تنبیج اقلیمیای طلا شادنج

بسد ربا و جناح نسر هر یک یکجزو حجر المسن ربع جزو شیر رق نیم جزو کوفته بیخته بمیل چشم کشند یا در ورد
سازند در رفاده برعین بندند حرم صغیر اجزاء آن پوست بیضه مدبر باریک بسایند خواه
تنها یا با شکر ممزوج نموده استعمال نمایند و تدبیر قشور بیضه این است که آن را در آب شیرین
تر نمایند و در آفتاب نهند و از غبار پوشیده دارند و چون آب متعفن شود تبدیل سازند و
با آهستگی همی شویند و پوست باریک که بر اندرون قشور جدا گردد دور کنند و آب دیگر ریخته
و دهن ظرف بسته دارند تا غبار نرسد بدستور اول بدارند تا آب گنده شود پس بشویند بعده
و همین قسم تکرار عمل نمایند تا که آب از گندیدن باز ماند و پوست از قشور جدا نگردد و پس قشور
تباه شده بکار برند و اگر قشور بیضه که از ان بچه بر آمده باشد بگیرند قوی الاثر خواهد بود حرم
بعضی از برای بیاض چشم مجرب نوشته اند ص بگیرند پوست تخم مرغ که بچه بر آورده باشد و
مدبر کنند و صلایه نموده از حریر بیخته در عسل آمیخته در چشم کشند خرم خل عنصل بصرع و لقوه
و فالج و سکته و وجع راس و ضیق النفس و ربو و وجع عصب و عرق النسا و وجع معده نافع بود
و مضمضه کردن بآن تشدید لثه و اسنان و تصفیه صوت نماید شربت از دو درم تا هشت درم
ص بگیرند عنصل سفید نقی را بکارد خشب ورق ورق برند مثل پیاز و منتظم سازند در خیطه کتان
و چهل روز در سایه معلق بیاویزند پس یک من ازین پیاز در بیست من خل خمر بیندازند و
در صیف شصت روز از ابتدا سرطان تا آخر اسد در آفتاب بدارند پس بکار آرند و اگر خمر [illegible]
بود پیاز مذکور را با سرکه مسطور در قدری انجبری بجوشانند تا مهرا شود صاف کرده بکار برند و
بعضی یکمن پیاز را در پانزده یا شانزده من سرکه انداخته در آفتاب بنهند و مولانا نطیس الدین
فرموده که خل خمر عبارت از ان است که در ده من آب انگور سرکه انگوری خالص اضافه
کرده در خم سربسته در آفتاب بگذارند تا ترش شود خضاب که محافظت مو کند و سفیدی
که در غیر وقت عارض شود دور نماید ص عفص حلبه کشنیز خشک سنبل لادن پوست
جوز تر خشک کرده شقایق نعمان خبث الحدید روسختج شب یمانی باریک کوفته بشراب عفص

خمیر کنند و قرص سازند و خشک نمایند وقت حاجت یک قرص گرفته در طبخ آمله و آس حل کرده
در هر ماه دو سه دفعه خضاب کنند باید که خضاب از ادویه مقویه دماغ مثل لادن و قرنفل و
مشک خالی نباشد تا دماغ بسبب خضاب ضعیف و مستعد نزله نشود خضاب که مو را
سیاه کند و بهترین نسخه ها است باعتبار آنکه مجرب و مالیدن بی آنکه بر بندند عمل میکند و حاجت
بدربستن ندارد و در دو گهری اثر میکند رنگش طاوسی نمی باشد و جلد را سیاه نمیکند ص
مازو چهار حصه سنگ رانج دو حصه نوشادر یک حصه شب یمانی نیم حصه مازو را در خاکستر گرم
که نخود در میان آن بریان میکنند اندازند تا سوخته سیاه شود و سرد و را جدا جدا باریک بسایند
و وزن نمایند پس یکجا کرده در ظرف آهنی نهند و آب آمله آمیخته بدستۀ آهنی صلایه کنند تا خوب سیاه
گردد پس موی را بآب آمله بشویند و دوا بمالند در پنج تا موی و بعد دو گهری بآب آمله بشویند پس
بآب گرم و باید که آمله را نخست در آب بجوشانند پس آب او را داخل دوا سازند و در شستن مو
بکار برند که عمل طبخ قوی تر میباشد خضاب که موی را سرخ کند و اشقر سازد ص مرسنج درم
ترمس ده درم ملح و باغت یعنی شوره و دروی حمر خشک کرده و بریان نموده هر یک سه درم
بعده هر یک جدا کوفته بیخته وزن کرده یکجا نمایند پس بگیرند خاکستر درخت انگور و آب بران ریزند
و یک شب نهند و موی را بآب خاکستر مذکور نخست بشویند و عقب آن دوای مذکور را باب
مسطور سرشته خضاب کنند و مکرر بمالند تا رنگ دهد خضابی که موی را سفید کند ص
ورق الخطاطیف راسن خشک کرده کزمازج تخم ترب نسرین خشک قفاح خشک کوفته
بزهره گاو و خل خمر سرشته ضماد نمایند بعد از ان که بکبریت تبخیر کرده باشند موی را او پس از سه ساعت
یا چهار ساعت ضماد را دور کنند و موی را بشویند و دو سه ساعت فصل داده باز بخور کنند
بکبریت و اعاده ضماد نمایند و همچنین تکرار کنند تا که سفیدی در موی پدید آید پس دایم بروغن
تدهین نمایند خضاب که مو را سیاه کند و نگاهدارد ص آسته آمله پوست بیرون گردگان
شقایق حنا هر یکده درم مازو دو عدد همه را نیمکوب نمایند و در دو رطل آب بجوشانند تا بیک رطل

آید صاف کنند ولادن ده درم روغن مورد بیست مثقال اضافه نمایند و بآتش ملایم بجوشانند تا
روغن بماند خضاب دیگر باسر چونه گوید که این خضاب را ما آزموده ایم بسیار نیکو است ص
آهک مازو برشته روئی سوخته شب گل سرو کتیرا قرنفل هر یک نیم جزو برگ حنا وسمه مردار سنگ
از هر یک جزو جمله را کوفته بیخته بآب بسرشند و بعد از سه ساعت بمالند خضاب دیگر ورق نقره
و رتیزاب فاروقی چندان مالند که حل شود باشانه اسرب بعد از تصفیه موی را و ساخ بکشند موی را بهمان
ساعت سیاه کند و بدیر سیاهی آن می ماند منقول از بیاض عم مرحوم خضاب معمول اکمل
المحققین استاد سرا پا کمال حاذق الملک حکیم محمد اکمل خان ص وسمه یکتوله حنا دو ماشه هر دو را
در آبی که دران آمله خیسانیده باشند خمیر کنند دو گهری در آفتاب نگاهدارند بعد ازان موی را بمالند
سیاه میکند آنرا و گاهی قرنفل برای تسوید شعر و تسخین دماغ نیز اضافه میفرمودند و بعضی اوقات بعد
شستن موی گل ملتانی آهک مردار سنگ از هر یک جزوی همه را سائیده در آب آمیخته بر موی
خضاب می نمودند در تسوید شعر اثر تمام میکرد خضاب معمول عبد الغفور مرحوم ص مازو
نیم آثار آمله پاؤ آثار روغن کنجد پاؤ آثار بلیله زنگی دو آثار نیله تهوته ریزه مس از هر یک یکدرم نشب یمانی
نوشادر از هر یک پاو کم دام قرنفل نیم ماشه هیرا کسیس سه ماشه اول مازو را در روغن جوشداده تا پخته
شود بعده در ٹاٹ نهاده صاف کنند که اثر روغن نماند لبسایند و جامه بیز نمایند و ادویه را جدا جدا
کوفته در آب سائیده گولی بندند و در برگ انجیر یا برگ ارنڈ نگاهدارند بعده در آب حل کرده طلا
نمایند چون خشک شود بآب گرم بشویند و روغن چنبیلی مالش نمایند و مرتبه بمفاصله یکروز
داده خضاب نمایند خضاب در تسوید شعر مجرب است راقم هم استعمال کرده ص سیده
گندم دو نیم دام بهمن دام هر دو را در اوند آهن انداخته آب داخل کرده خوب حل نمایند
از دسته آهن و هر چند حل خوب خواهند کرد فائده عظیم خواهد نمود دو روز در آفتاب دارند و بعده
خضاب نمایند پس از چهار گهری بشویند بعد ازان هلیله سیاه دو دام خوب باریک نموده در آب
حل کرده خضاب نماینده خسکانند که جراحت زود به گرداند خصوص ختنه را مجرب است بائیکه

به چون ختنه کنند خون برود بعد ازان دوا را بفشارند و ببندند ص کات هندی مردار سنگ
هلیله بلیله مر صاف صبر مورد اجزا مساوی کوفته بیخته بر جراحت یا محل ختنه استعمال نمایند
بعد از سه روز باز کنند جراحت به شده باشد خندقوقون برودت معده و جگر و احشا را
نافع باشد و هاضمه را قوت دهد و از برای پیران مفید ص شراب کهنه ده رطل عسل صاف
سه رطل زنجبیل ده درم قاقله صغار و کبار زعفران از هر یک یکمثقال قرنفل مشک از هر یک
نیمدرم دارچینی فلفل از هر یک یکدرم ادویه را نیم کوفته سوای مشک و زعفران در کیسه کنند
و سر کیسه را نرم به بندند و شراب و عسل را بجوشانند و کیسه را دران افگنند و هر ساعت بدست
بمالند تا شراب بقوام آید پس کیسه را بر دارند و مشک و زعفران را دران حل کنند و
انگاه بکار دارند باب الدال المهمله دواء المسک حلو نافع است از برای خفقان
و فالج و لقوه و صرع و خبث نفس و استرخا و کزاز امتلای و مقوی قلب است و معده را
پاک میسازد و نشف رطوبت ازان می کند و معین است بر هضم غذا ص زرنباد درونج
عقربی مروارید ناسفته کهربا لبسد از هر یک ده درم ابریشم مقرض شش درم بهمنین سنبل الطیب
سافج هندی قاقله قرنفل از هر یک پنجدرم اشنه دار فلفل زنجبیل از هر یک چهار درم
مشک سه درم عسل یکمن ابریشم را مقرض سازند که مثل غبار گردد پس جواهر را بر سنگ سماق
صلایه کرده و باقی ادویه را کوفته بیخته بعسل مصفی لبسرشند شربت از نیم مثقال و حکیم الملک
بعد از دو ماه جدوار منفس قسم اول باین معجون چهارم حصه ممزوج میساخت در جمیع افعال
خصوص در رفع سموم و عفونت اخلاط اقوی می گشت دواء المسک شیرین از
حکیم علی ص مروارید ناسفته کهربا مرجان ابریشم مقرض زرنباد درونج زعفران سنبل الطیب
قاقله قرنفل سافج اشنه جندبیدستر دار فلفل زنجبیل مشک مصطگی بهمنین اگر قرص عنبر موجود
باشد عوض عنبر ده توله کنند نبات سفید صد مثقال عسل خام دو صد مثقال دواء المسک
که در مرض مالیخولیای احراقی صفراوی بعد استفراغ جهت تبدیل مزاج بکار آید منقول

شرح حکیم علی ص زعفران ربع جزو مشک نصف جزو کهربا بسد تخم کشنیز طباشیر مغز تخم
خیارین ابریشم محرق مروارید ناسفته از هر واحد جزوی سویق سیب شیرین سه جزو باسه چند
شکر طبرزد معجون سازند شربت دو درم تا ده درم بشراب تفاح شیرین دواء المسک
حامض از قرابادین قلانسی تقویت جمیع اعضاء رئیسه و جمیع قوتها کند و به خفقان که حادث
از خمار بود نافع است و ناقهین را سود دارد ص مروارید ناسفته نیم درم گل گاوزبان غنچه
گل سرخ طباشیر سفید کشنیز خشک مقشر کهربای شمعی بسد محرق از هر یک یکدرم مشک تبتی
دو دانگ نبات و رب سیب ترش از هر یک بقدر ضرورت سازند و صاحب میزان الطبایع
گفته که مزاج این دوا قریب به برودت است و خشک است در درجه ثانیه دواء المسک
تلخ نافع است برای صرع و فالج و لقوه و خفقان سوداوی و اوجاع و ریاح معده را تحلیل کند
ص افتیمون رومی صبر سقوطری از هر یک ده مثقال سنبل الطیب مرمکی از هر یک سه مثقال
ریوند چینی تمام نانخواه زعفران تخم کرفس از هر یک چهار مثقال مشک ناردین ساذج هندی
مروارید از هر یک سه درم جند بیدستر یکنیم درم عسل سه وزن ادویه شربت یک مثقال +
دواء المسک بارد از حکیم الملک اردستانی مرتبی ص گل گاوزبان گیلانی غنچه
گل سرخ کشنیز مقشر طباشیر سفید مغز تخم کدو مغز تخم خیارین تخم خرفه مقشر کهربای شمعی از هر یک
سه مثقال گاوزبان مروارید ناسفته ابریشم مقرض از هر یک دو مثقال شربت فواکه بیست مثقال
نبات سفید یکمثقال گلاب و عرق بیدمشک از هر یک صد مثقال بطریق مقرر معجون سازند
شربت دو مثقال مولف گوید که نسبت این دواء المسک زیرا که بدون مشک اطلاق دواء المسک
نمی توان کرد بلکه این مفرح بارد است دواء المسک معتدل تالیف علویخان نافع است
از برای خفقان سوداوی و مالیخولیا مراقی و مقوی قلب و دماغ و کبد و خبث نفس و
وسواس زائل کند معده را قوت دهد و محلل ابخره سوداوی و مانع صعود آن بدماغ مولف
این نسخه مجرب نوشته ص مروارید ناسفته کهربای شمعی ورق گل سرخ ابریشم مقرض دارچینی

بهمن سرخ و سفید درونج عقربی زعفران از هر یکدو درم مصطکی اشنه هیل بوا از هر یک یکدرم
صندل سفید طباشیر سفید صندل سرخ کشنیز خشک مقشر گل گاوزبان آمله منقی بسد تخم خرفه
مقشر ورق نقره از هر یک سه درم زرشک منقی پنجدرم عود هندی بادرنجبویه از هر یک یکدرم
و نیم عنبر اشهب مشک تبتی از هر یک چهار دانگ رب سیب شیرین قند سفید و عسل هر سه وزن ادویه
بدستور مقرر معجون سازند و بعد از چهل روز استعمال کنند دواء المسک باردی جواهر نسخه علویخان
صاحب ص طباشیر سفید کشنیز خشک صندل سفید تخم خرفه مقشر از هر یک چهار درم کهربای شمعی
بسد ابریشم مقرض از هر یک چهار درم مشک تبتی دو دانگ نبات سفید سه وزن ادویه چنانچه رسم
است مرتب سازند دواء المسک جهت غشی و خفقان و وحشت و وهم و برد معده و
سوء هضم ص مشک تبتی نیم درم مصطکی عود خام دارچینی پوست ترنج قرنفل هیل برگ مورد کبابه
قاقله کبار و صغار سعد اذخر درونج تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه تخم مرزنجوش دار فلفل مروارید
بسد کهربا ابریشم خام ساذج بهمنین هر یک ده درم با عسل هلیله مربی البسر شند دواء المسک
بارد از حکیم محمد باقر ص طباشیر سفید مروارید ناسفته کهربا بسد ابریشم مقرض از هر یک پنج مثقال
تخم کاهو دو مثقال کشنیز خشک از هر یک دو مثقال ورق گل سرخ پنج مثقال ورق نقره
عنبر اشهب یک مثقال مشک خالص نیم مثقال زرشک
بیدانه دو مثقال گل گاوزبان دو مثقال با صد مثقال رب سیب ترش و صد مثقال
قند بقوام آرند دواء المسک بارد نافع از برای خفقان که حادث از شرب خمر بود و مقوی
قلب است منقول از خط علویخان مرحوم ص گل سرخ طباشیر سفید کشنیز خشک گل گاوزبان
کهربای از هر یک یکجزو مروارید ناسفته مشک تبتی سدس جزو با نبات سفید سه وزن ادویه
و آب سیب ترش قدری بدستور مرتب سازند شربت یکمثقال دواء المسک بارد
منقول از بیاض عم مرحوم ص کهربا بسد طباشیر سفید ورق نقره از هر یک سه ماشه گاوزبان
گل سرخ کشنیز خشک از هر یک نیم توله ابریشم خام دو ماشه تخم خرفه نیم توله زعفران دارچینی دو اله

از هر یک یکماشه مروارید پنج ماشه ورق طلا ماشه مشک ماشه شربت سیب بت به شربت انار هر یک عنبر نیم ماشه عسل و نبات هم وزن این ادویه را راقم نیز تجربه نموده **دیاقوذا** صاحب برهان قاطع گوید که بلغت یونان شربت خشخاش را گویند که از پوست خشخاش پخته باشند از تخم آن و نزد بعضی بر مطلق شربت خشخاش اطلاق می کنند منع نزلات کند سرفهٔ خشک را بغایت نافع است ص خشخاش سفید با پوست بیست عدد تخم خطمی کتیرا صمغ عربی تخم خیارین بهدانه شیرین از هر یک پنج درم اصل السوس بیست درم بزر قطونا ده درم مجموع در شش رطل آب باران بخیسانند دو شبانروز تا نرم شود پس بآتش نرم بپزند تا مهرا گردد و به نیمه آید بعد ازان صاف کرده بانگبین قند بقوام آورند **دیاقوذا** منقول از بیاض عم مرحوم ص کوکنار نیم پاو گل بنفشه اصل السوس هر یک نیم توله تخم پرسیاوشان هر واحد چهار درم عناب پانزده عدد صمغ عربی کتیرا هر یک نیم توله زوفا خشک سه درم مغز تخم خیارین پنج درم بهدانه شش درم خبازی دو درم سویز منقی سی دانه ادویه را در دو نیم آثار آب باران یک شبانروز بخیسانند بعد ازان بآتش جوشانیده صاف نموده با نیم آثار قند سفید بقوام آرند هرگاه قوام درست شود ترنجبین سفید هشت توله خشخاش سفید چهار توله مغز تخم کدو توله همه را شیره کشند و در قوام مذکور بآتش ملایم کم کم شیره داخل نمایند و قوام را حرکت داده باشند که شیره ها جذب شود و قوام بحدی رسد که بانگشت بچسپد بعد ازان رب السوس نشاسته صمغ عربی کتیرا باریک نموده در آخر قوام اندازند و تبرزد نگاه دارند **دخمرما** معنی آن محلل الریاح است بادها بشکند و قولنج را نافع باشد منقول از شفائی ص هزار اسفید حلبه از هر یک سی درم درونج عقربی فلفل دار فلفل عاقرقرحا اسارون سلیخه قسط زعفران زنجبیل از هر یک دو درم کوفته بیخته بعسل بسرشند شربت دو درم **دواء اللک** کبیر صلابت جگر و سپرز و معده و استسقا را و برودت معده سفید و بول براند و سنگ گرده و مثانه بریزاند و بدن لاغر کند ص لک مغسول دو قو تخم کرفس جنبیلی زیره کرمانی زنجبیل از هر یک هشت درم کمافیطوس زوفای یابس هر یک

چهار درم و چهار دانگ جنطیانا زراوند گرد هر یک یکدرم صبر سقوطری سنبل هر یک دوازده درم فوه پانزده درم حب بلسان سلیخه مصطگی مقل قصب الذریره اسارون هر یک شش درم کندر چهار درم دار فلفل زراوند طویل هر یک سی درم و نیم ریوند جعده اذخر هر یک ده درم رب السوس بیست و هشت سیاالیوس سه درم کوفته بیخته بعسل معجون سازند شربت یکمثقال **دواء اللک** صغیر منافع وی قریب بمنافع کبیر است ص لک مغسول قسط تلخ فقاح اذخر ترمس حب الغار حلبه فلفل هر یکده درم ریوند چینی پانزده درم کوفته بیخته بعسل بسرشند شربت یکدرم با طبیخ افسنتین یا با آب گرم **دواء الکرکم** کبیر امراض جگر و سپرز را که از سردی باشد نافع است و سده بگشاید و بادها را رفع کند و گرده و مثانه را قوت دهد و بول براند و استسقا را که بسبب ورم جگر و سپرز بود سود دارد ص زعفران دوازده مثقال اسارون سوقوانیسیون فطر اسالیون ریوند چینی هر یک چهار درم سنبل شش درم قسط سلیخه فقاح اذخر حب بلسان هر یک یکدرم فوه دو درم رب السوس جعده مصطگی خافث هر یک سه درم روغن بلسان پنجدرم مصاف چهار درم کوفته بیخته بعسل بسرشند شربت یکدرم تا دو درم با ماء العسل **دواء الکرکم** صغیر منافع وی قریب بمنافع کبیر است ص زعفران سلیخه سنبل از هر یک دو درم فقاح اذخر قسط دارچینی هر یک یکدرم کوفته بیخته یک شبانروز در شراب انگوری ترکرده روز دیگر بعسل معجون سازند شربت یکمثقال و کرکم اسم زعفران است و چون او داخل این معجون است و اصل و عمود این ترکیب لهذا این بمسمی گشته **دبید الورد** بعضی گفته اند که معنی دبید الورد آن است که ورد برابر همه اجزا است لیکن از دبید ایها معلوم میشود که عمود و اصل درین ترکیب ورد است خواه مثل همه اجزا باشد یا از همه اجزا وزن این کم بود لیکن از هر یک جزو وزن زیاده باشد و این معجون یکی از شاگردان ابوالبرکات است که طبیب خلفاء بنی العباس بود و این معجون را هموزن طلا می فروخت بالجمله در تقویت معده و ضعف جگر و استسقا منفعت عظیم دارد بکرر تجربه راقم آمده سنبل الطیب مصطگی زعفران

طباشیر دارچینی اذخر اسارون قسط شیرین غافث تخم کشوث لک منقی تخم کرفس زراوند طویل
حب بلسان عود غرقی هیل از هر یک یکدرم ورق گل سرخ منزوع الاقماع برابر همه ادویه عسل
سه وزن ادویه شربت از یکدرم تا دو درم و بید ایرسا نافع است ازبرای فساد مزاج معده
واجتماع ماء اصفر در بطن که عبارت است از استسقاء زقی وبلین بطن است ص ایرسا
بیست وچهار درم فلفل بیست درم زنجبیل انجدان از هر یک دوازده درم انیسون مصطکی
رازیانه از هر یک چهار درم نانخواه تخم کرفس از هر یک هشتدرم کوفته بیخته بعسل مصفی سه وزن ادویه
سرشته معجون سازند شربت مقدار عفصه دواء القسط شیخ رئیس گفته که ازین دوا نافع است
ازبرای اوجاع کبد ومعده ص دارچینی سلیخه سیاه قسط از هر یک سی درم زعفران بیست درم
انیسون تخم کرفس از هر یک ده درم اسارون بیست ونه درم ریوند چینی ده درم فقاح اذخر
مرصافی از هر یک بیست وچار درم مر را در شراب غلیظ بخیسانند وبیالایند وادویه را با آن
بسرشند دواء الکبریت تالیف حکیم مومن مسمی به تریاق معده گفته که این دوا در تقویت احشاء و
ضعف بدن بی عدیل است ودر اول درجه ثالث گرم وموافق مبرودین است وقدر شربتش
از نیم مثقال تا یک مثقال ص سنبل الطیب قسط تلخ سلیخه مصطکی حب الغار زنجبیل قرنفل بسباسه
از هر یک دو مثقال زراوند طویل فلفل سیاه تخم کرفس انیسون نانخواه زیره کرمانی فنطوریون
باریک اسارون کبریت زرد انجدان پودینه دشتی انغنج خشک تخم انجره کندر از هر یک چهار مثقال
عود هندی فلفل سپید از هر یک پنجمثقال زعفران یک مثقال ونیم مشک تبتی فرفیون از هر یک
یکمثقال بادو وزن ادویه عسل مصفی معجون سازند وبعد از شش ماه استعمال نمایند دواء که شقیقه
وصداع بارد را رفع نماید مومیائی در روغن بنفشه بگذارند وآنرا سعوط نمایند دوای که طبری گفته
که آن را بر سر صاحب صداع بندند بالخاصیت درد سر را ساکن گرداند بگیرند قوه الصبغ بر سر
علیل بندند دواء که صداع حار را زائل کند تخم کاسنی را کوفته بگلاب سائیده بر سر وجبهه بطوخ
کنند وکزبره همین حکم دارد دواء که در ازاله صداع مجرب است کبابه وآنرا کوفته بگلاب سرشته

بر سر ضماد نمایند دواء که برای صداع مزمن وشقیقه مجرب است بگیرند بندق هندی در آب سائیده
دو سه قطره آن را سعوط نمایند دواء که صداع دودی را نافع است دود در انگشت بگیرند
در آب گشنیز سائیده در بینی چکانند دواء که چون سعوط کنند آن را مجنون بری گردد از جنون
خود بگیرند موی سوخته انسان در روغن گل آمیخته استعمال نمایند دواء دیگر قرشی گفته اختلاط
عقل ومانیا وداء الکلب در یک روز زائل گرداند بگیرند قدری افیون در ماء الشعیر حل کرده
بخورند دواء منوم از تالیف علویخان ص بیخ سوسن دوازده مثقال ونیم بیخ تفاح بزر البنج سفید
از هر یک پنجمثقال کوفته در یک نیم من تبریز شیر گاو داخل کنند وبجوشانند پس فرود آورده ماست
ماست مان زده شیر را ماست بندند پس مسکه آن ماست را تمام بگیرند ونگاه دارند پس گردو
جوز بوا پنج عدد ومیان اینها را خالی کرده جا که آنها را نگاه دارند ودر جوزها خالی نموده نیم مثقال
افیون گاذرونی را فتیله کرده بگذارند وجوزها را بخمیر گرفته در روغن گاو بریان کنند بجای که خمیر
سوخته گردد پس خمیر را از آنها جدا کرده پس دران دارچینی بهمن سفید وسرخ شقاقل مصری تخم
خشخاش سفید گل گاوزبان سر بنفشه غنچه تخم خرفه مقشر از هر یک دو مثقال ونیم زعفران یکمثقال
ویکدانگ ونیم لعاب مصری مغز بادام مقشر مغز چلغوزه مغز انجاک مغز حبة الخضراء مغز حب السمنه
از هر یک پنجمثقال مغز تخم خیارین هفتده مثقال ونیم ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب مشک تبتی
از هر یک چهار دانگ نبات سفید عسل مصفی از هر یک نود مثقال اجزا را آنچه کوفتنی است کوفته
وآنچه بیختنی است بیخته مجموع را با جاک جوزها بمسکه مذکور چرب کرده عسل ونبات را بگلاب وعرق
بیدمشک عرق گاوزبان حل کرده بقوام آورده ادویه را با آن بسرشند دواء جهت تقویت
از مجربات عماد الدین کاشغر ص غاریقون نرم سفید مغز بادام از هر یک پنجدرم خیرخشت دو درم
انجیر دو درم اسارون پنجدرم از مجموع حبوب ساختن پنج روز پیوسته بخورند واگر در دهان گرند
لقوه زائل کند از ترشی پرهیز نمایند دواء که صرع اطفال را بر مجرب است جدوار نیم دانگ
در شیر مادر او سائیده بخورانند وهمچنین اگر زمرد ساده فادانیا بر ابریشم نیلگون بسته در گلوی طفل

تعلیق نمایند ام الصبیان را نافع بود میر بهاؤ الدوله در خلاصة التجارب در بحث صرع اطفال نوشته
که چند اطفال را این مرض سه نوبت و بیشتر هم تجاوز کرده بود مهره مرجانی با آتش سرخ کرده نزدیک
میان دو ابرو و از پیشانی داغ نهادند در حال مریض بسوزش آن بهوش آمد و دیگر عود ننمود
بعضی با لیتک گوسفند و غیر آن داغ میکنند دواء که نفوخ آن برای صرع و سکته نافع است
ص شحم حنظل فقاء الحمار نوشادر شونیز کندش خربق ابیض فلفل زنجبیل جند بیدستر فرفیون م
اسطوخودوس بادرنجبویه تنها تنها یا مجموع در بینی دمند دواء که خدر و استرخاء عصب را نافع است
ص بگیرند عاقرقرحا با روغن زیت نیم گرم طلا نمایند و علی هذا القیاس خردل و دارشیشعان سائیده
با سرکه دواء که درد چشم را بیک لحظه ساکن کند ص توده میده گندم روغن گاو هر یک چهار درم
و همه را خمیر کنند و چهار غلوله سازند و سفالی بر آتش ملایم نهند و یک غلوله بران گذارند و چون گرم
شود نرم کرده بر چشم نهند تا آن زمان سرد شود پس غلوله دیگر که گرم شده باشد آنرا بر چشم نهند همچنین
کنند تا درد برطرف شود دواء که گل چشم را نافع بود ص زنجبیل پهٹکری نمک سنگ
جمله برابر کوفته بیخته در چشم کشند دواء جهت غده که در گوشه چشم طرف بینی بهم رسد بکار آید
ص زنگار نوشادر در آب سائیده بران گذارند و مداومت نمایند و اگر اثر نکند با آهن قطع
کنند سفیده تخم مرغ گذارند دواء که پهول و ناخنه و جاله بر دارد از بقائی ص نبات سفید بیدام
مرچ سفید سرمه دانه الاچی خورد سنگ بصری مغز تخم سرس پهٹکری شیشه که در آئینه نصب
میکنند هر یک یکدام کوڑی زرد هشت عدد مثل سرمه کهرل نموده در چشم کشند دواء که
جهت دمعه مجرب و به تکدر و حکه قدیم و دیگر امراض چشم را نفع عظیم بخشد از بقائی ص بگیرند
سنگ بصری یک توله مرچ سیاه شش عدد هر دو را سائیده بحریر بیخته در تهالی روئین یا کٹوره
پهول انداخته چند روز خوب بسایند تا مثل غبار شود پس بکار برند دواء هندی مجرب
منقول از بیاض عم مرحوم برای پرده چشم و تاریکی ص سرکنده را از بند شکسته پوست
مجوف او را از یک طرف آتش دهند تا شروع بسوختن گردد وقتیکه بحدی رسد که سه چهار

بمانند که در طول شگافته دو پاره نمایند بمیان وی رطوبت سرخ که جمع شده باشد آنرا
در چشم کشند از بسکه تند و تیز است ایلام بسیار دهد و سواس نباید نمود که بسیلان اشک
ماده مرض بالکلیه برطرف سازد دواء که دافع شب کوری و نزول است ص زهره
گاو در شیشه کرده دو روز در آفتاب گذارند پس مرو زعفران مساوی کوفته با آن زهره ممزوج
کرده سه روز دیگر در آفتاب گذارند پس استعمال سازند دواء که بر ریدن مژه را نفع نماید ص کاهل
جوز بوا در روغن چنبلی سائیده بر پلک بمالند دواء دیگر که بر ریدن چشم باز دارد ص زعفران
بسباسه هر دو را در آب سائیده بر مژه بمالند دواء دیگر که جرب عین را نفع می نماید بگیرند آمله
و او را در گلاب تر نمایند بعد از آن گلاب را در چشم چکاننده باشند و کافور محلول در آب همین
حکم دارد دواء که طلا کردن آن بر چشم سدر را نفع بین می نماید بگیرند انزروت و سفیدی بیضه
با شیر دختر یا شیر بز آمیخته بکار برند دوای که جهت شور پلک که آنرا گهانجنی گویند بکار آید روز اول
رسوت گیرد در آب سائیده طلا نمایند بعد از آن که پختگی معلوم شود زغال کهنه دیوار خام را با آب سائیده
بیرون پلک طلا نمایند و اگر سرعت نضج مطلوب باشد قرنفل و زردچوب در آب سائیده بکار
برند و خانه زنبور که بهندی خانه کمهاری گویند طلا کردن نیز نافع است دواء که در پیچ اطفال
را نافع است ص بگیرند انزروت و زعفران هر دو را سائیده اکتحال نمایند دواء که جهت
جرب عین مجرب است و منع میکند چشم را از قبول مواد باز دارد ص مازو را مثل غبار
سائیده بر اجفان پاشند و به بندند و سه ساعت بگذارند دواء که غشاء را ابرد بگیرند جگر گوسفند
و آنرا بر آتش بریان نمایند و در حالت بریان نمودن دارفلفل نیمکوفته بر آن ریزند تا بارطوبت
جگر گوسپند پخته شود بعد از آن دارفلفل سائیده و با آب بادیان آمیخته اکتحال نمایند و همچنین
نفع میکند شبکوری را خوردن جگر مذکور و نگاه داشتن چشم بر بخار آن و اکتحال بعسل و آب
رازیانه یا آب پیاز سفید نافع ترین اشیا است بجهت این مرض و کذالک در چشم کشیدن
آبی که در آن پوست بیرون ریٹهه هندی را سائیده باشند عشا را ابرد دواء که غرب را

زائل گرداند باش را خائیده بربندند دواء که کلال بصر را که از ادامت نظر سوی تلخ و شعاع
آفتاب حادث شود نافع است بگیرند بادام و بکوبند و بر چشم ضماد نمایند و بدوشند شیر در چشم
و تکمید چشم کنند بآب گرم دواء که منع شعر زائد کند خون قنفذ و مرارهٔ آن و چند بید ستر مساوی
در لعاب فم صائم آمیخته بر موضع شعر بمالند دواء بجهت ثالیل جفن ص شونیز و ملح و خل
طلا نمودن مفید و مالیدن عکرزیت موجب تحلیل دواء که شعر زائد را نافع است موی را
بکشند و فی الحال خون اسرو یا روغن کیجله بران بمالند و تکرار عمل کنند دواء که
منع انبات شعر زائد و شعر منقلب کند صدف کوچک سوخته سائیده بقطران سرشته
بعد از نتف بمالند دواء که تیز گرداند بصر را و حفظ صحت چشم نماید توتیا بگیرند و هفت روز را
باران تر نمایند پس خشک نموده سائیده استعمال کنند دواء که نتن بینی ببرد فقشار کندر
ربع جزو و قشور نحاس شب یمانی زعفران هر یکی جزوی باریک سائیده قدری از آن
بمغرفهٔ میل در بینی علیل که او مستلقی خوابانیده باشند اندازند دواء که اقسام رعاف
بند کند ص بلیله گل معصفر انار خام برابر سوده بآب سعوط کنند دواء که باسور بینی را سود
دهد و آن گوشت فزونی بود که در بینی بهم رسد زنگار نوشادر اشخار یکجا کرده بشهد آمیزند
و فتیله بدان آلوده در سوراخ بینی نهند و از گوشت و شیرینی پرهیز نمایند دواء که نافع است
برای قروح دبیله تتنه الف منقول از بیاض عم مرحوم ص عفص مر زعفران سعد زرنیخ شب
کوفته و خوب باریک ساخته در انف نفوخ نمایند دواء که رعاف به بند دکچ کهنه در آب
سائیده بر پیشانی طلا نمایند دواء که سدهٔ بینی بکشاید کلونجی با بول خر سائیده بر باد انگشت
دواء بجهت آن کس که بوی نیک دریابد و بدنه مشک دائم در بینی بچکانند و اگر کسی بوی
بد دریابد و بوی نیک نه چند بید ستر دائم در بینی بچکانند که رعاف بند کند بگیرند حضض و در
خرقهٔ کتان بسته بسوزند و خاکستر وی بگیرند و در بینی دمند دواء که بواسیر انف را نافع است
بگیرند روغن گل و سرکه و گلاب و لعاب حلبه باهم ممزوج نموده در بینی تسعیط نمایند دواء

خون رعاف بند کند کافور یک حبه در شیرهٔ کشنیز سبز حل کرده سعوط نمایند و اگر عوض آب
کشنیز سبز آب افشرده سرگین خر کنند قوی خواهد بود و مکرر بتجربه رسیده است و اگر قدری
افیون اضافه نمایند بعدیل خواهد شد و همچنین روغن بنفشه بادام و مسکه بر دو را ممزوج نموده
استنشاق نمایند رعاف که از حدت و مرارتیه خون باشد دفع شود گذ لک آمله بقدر چهار دام
در آب سائیده بر یافوخ گذاشتن و پشم شتر سوخته در بینی دمیدن رعاف را نفع بسیار کند
دواء که بواسیر انف را سود مند بود ص جوز السرو انجیر مساوی کوفته فتیله کرده در بینی
نهند و همچنین اگر زاج اخضر را در خل سائیده در انف صبح و شام گذارند بواسیر دور کند
دواء که رعاف را بند کند ص فتیله را با سفیدهٔ تخم مرغ آغشته و کافور بران پاشیده در
منخر سائل الدم بگذارند و گل ملتانی با آب سائیده بر سر و چهره و گردن طلا کردن هرگاه خشک
شود دیگر اعاده نمایند و تکرار عمل کنند رعاف بند شود دواء بجهت رعاف ص دلاء
رخ را با خون آغشته و سوخته محرق با اسفنجه سائیده در بینی دمند دواء مجرب جهت
رعاف ضفدع سیاه زاج محرق سورنجان هر دو را به بیاض بیض جمع کرده زیر زبان نگاه دارند
دواء که قلع اسنان ضعیفه و دردناک کند ص پوست بیخ توت پوست بیخ کبر عاقرقرحا
شبرم تخم باذریون زرنیخ پوست حنظل لبسر که پخته سحق کنند تا مثل خمیر شود هر روز در
گرد دیگر انداخته تا یک هفته همین قسم سائیده پس حوالی سن متاکل کالک زده طلا
نمایند روزی چند بار دواء که درد سر و دندان را نافع است ص فلفل عاقرقرحا زنجبیل
زنجبیل مساوی کوفته بیخته بعسل سرشته بمالند و اگر میل آهنی گرم کرده چند کرت بر دندان
نهند درد بنشاند دواء که درد دندان سوراخ دار را نافع است ص فلفل عاقرقرحا
مساوی بگیرند و دویه باریک ساخته بعسل سرشته در سوراخ دندان نهند دواء که
استحکم کند و گوشت رفته بر ویاند ص زراوند مدحرج کندر دم الاخوین کرسنه بیخ سوسن
مساوی کوفته بیخته به سکنجبین عنصلی سرشته استعمال نمایند دواء که آکله ساعیه را نافع است

حص شب یمانی قلقطار قلقدیس نمک سوخته نوشادر هر یک یکجزو مازو مدبر کاغذ مصری سوخته
آهک آب نادیده هر یک یکجزو نیم زعفران کندر برگ حنا هر یک نصف جزو دو ربع جزو کوفته بیخته
اقراص سازند و در سرکه حل کرده تمضمض کنند و در دهن بدارند دواء که بواسیر لب را نافع
است حص عدس بابونه اکلیل الملک خطمی اندر آب بپزند و بکوبند و مخ بیضه و پیه ماکیان ممزوج
سازند و برنهند دواء که اماس لب را نافع است حص حضض بابونه آرد جو گلاب عنب الثعلب زرد زردی
بعد فصد و اسهال ضماد نمایند و در انتها قیروطی که از موم و روغن بادام ساخته باشند بر نهند
بآب گرم بشویند دواء که جهت درد دندان مفید است حص برگ سنبهالو نمک سنگ
هر یک جو کوب کرده در جامه بندند و زیر دندان گیرند دواء که درد دندان را مجرب است حص
سهاکه تیلیه بر آتش نهند و از دسته آهنی صلایه نمایند و بعد از ان از آتش فرود آورند و باز صلایه
کنند تا که خوب سائیده شود نگاه دارند و بکار برند دواء بجهت قلاع اطفال مجرب است
حص گاوزبان گیلانی سوخته بر زبان پاشند و کذلک حکم جو سوخته است دواء که کرم
و دردی که از سبب کرم بهم رسد دور نماید حص برنگ مقشر در پارچه سالو سرخ پوتلی
در قدری آب بجوشانند و باین آب مضمضه نموده پوتلی در بن دندان گذاشته بجوانند
و تکرار عمل نمایند دواء که درد بار دندان در ساعت ساکن کند ادرک را ورق ورق
کرده و نمک نرم سائیده بران پاشند و گرم نموده بر دندان دردناک گذارند و همچنین مضمضه
نمودن از آبی که دران پوست درخت کیکر ریزه ریزه نموده جوشانیده باشند یا برگ جنبیل
دران طبخ نموده باشند برای اکثر اقسام وجع دندان نافع است دواء که بجهت کرم دندان
بکار آید حص گوگرد در سرکه حل کنند و بر پنبه نهاده بر دندان گذارند و کذلک چوب
نرم سائیده بر دندان کرم ناک گذارند دواء که ضفدع لسان را نافع است حص شب
بیخ سوسن آسمانجونی زعفران مر مساوی کوفته بیخته بر ضفدع بمالند دواء که بمرض الخناق
حص بگیرند نیله تهو تهه و آن را برشته سفید کرده نرم نموده بقدر یک سرخ بر الخجریا

و دهن پائین دارند تا آبی که جاری شود بریز برود و اگر خواهند بان بالای وی بخور رسانند و همچنین مغز
کریجوه نمک سنگ بآب لیمون سائیده بر زبان مالیدن و پهتکری گجراتی سفید باریک ساخته
و باریک سائیده بر انجهر ریختن و دهن کشاده باز داشتن تا رطوبت بر آید برای انجهر مفید است
دواء که دندان کودکان باسانی بر آید چربی بط و مرغ بر موضع بر آمدن دندان بمالند و همچنین
شبر و مسکه و روغن بادام که موم را دران حل کرده باشند و بدان موضع را مالیدن نفع
کلی دارد و در وقت بر آمدن دندان سر و گوش و گردن چرب دارند و طفل را نگذارند که چیزی
بخاید و هرگاه درد قوی باشد و طفل اضطراب نماید روغن گل بر بیخ دندان بمالند حص کرده
بکشند تخم گندنا تخم پیاز مساوی بر آتش انداخته دود بگیرند و همچنین بزر البنج و میعه بر دو را سحق نموده بناه
سازند و دود آن بگیرند دواء که سن متاکله را قلع کند و وجع آنرا ساکن گرداند قطر لبن تیوع
کنند و اگر با قطران ضم نموده تقطیر نمایند اقوی خواهد بود و حوالی موضع تقطیر از موم بپوشند دوای
الحربل خناق بلغمی و سوداوی را سود مند بود چون با ماء العسل بدان غرغره کنند یا بر خارج
حلق طلا نمایند تا همچون خشک شود در حلق دمند حص هزار اسفید تخم ترب مرمکی بو رعار
نوشادر مساوی کوفته بیخته استعمال نمایند دواء الحلتیت که در بحت الصوت باره بکار آید
حص فلفل حلتیت خردل زعفران بالسویه کوفته بیخته بعسل سرشته بعد از تنقیه برابر نخود بخورند
دواء الحلتیت بنسخه دیگر حص ورق سداب مرمکی قسط فوتنج فلفل عاقرقرحا همه برابر حلتیت
ربع مجموع را با عسل بقدر کفایت سرشته و قدر بندقه یا جوزه بخورند دواء خرء الکلب که جهت
خناق صعب و ذبحه بعد از فصد و تنقیه و استعمال غراغر از راه اضطرار بکار آید حص سگ را
یک روز به بندند و نان دهند و تشنه نگاه دارند پس آب نمک با آن بدهند تا شکم پاک شود و سه روز
استخوان پاچه بدهند و سرگین بگیرند پس از ماز و سعتر و سرگین مذکور جزوی بگیرند و بکوبند و
حلق دمند و در نسخه دیگر سرگین و زعفران و گل سرخ هر یک مساوی نوشته و در نسخه دیگر
سرگین عفص و قشور رمان منقر دل مساوی مسطور است دواء النطاطلیف صغیر خناق بلغمی

بحت الصوت
دواء الحلتیت
بحت الصوت
باره بکار آید

وسوداوی را نافع است چون بدان غرغره کنند و یا خارج حلق طلا نمایند ص نشاسته
سنبل الطیب هر یک پنجدرم تخم کرفس انیسون نانخواه هزار اسفید دارچینی مرمکی زراوند
زعفران هر یکده درم گل سرخ بیست درم قسط ربادخطاطیف هر یکی سه درم مازو تازه دو عدد
کوفته بیخته با عسل سرشته بکار برند دواء جهت حرقهٔ حلق مفید منقول از مجموعه ص تخم
گل یکدرم موم کافوری یکدرم و نیم انزروت دو درم روغن گل سه درم و نیم موم روغن
حب ها خورد کرده یک یک ابزرده تخم مرغ آلوده فرو برند و اگر بطور لعوق لعق نمایند نافع
باشد و در غذا هم زرده تخم مرغ نیم برشت تناول نمایند دواء که لهاة را بردارد و استرخاء آنرا
نافع است ص پوست انار شیرین گلنار طباشیر سفید از هر یک یکجزو عفص اخضر اقاقیا
بزرازیانه از هر یک نصف جزو کوفته بر سر قهٔ میل نهاده از آن لهاة را بردارند یا دواء بر انگشت
نهاده بر لهاة گذارند و همین دوا بردارند دواء برای سقوط لهاة بسیار مجرب است ص
جوز السرو ملح اندرانی نوشادر سماق عفص غیر منقوب اقماع رمان اقاقیا عصارهٔ لحیة التیس
شب یمانی ورق السوسن شیاف مامیثا مامیران حضض مرصافی ثمره طرفا عروق آن …
گلنار ربادخطاطیف کوفته بیخته نفوخ در حلق نمایند صبح و شام دواء یابس منقول از قرابادین
قانون برای استرخاء لهاة که بسبب رطوبت بلغمی باشد ص فلفل سفید یک مثقال مرصافی
یکمثقال شب یمانی مازو سبز هر یک دو مثقال کوفته بیخته بر لهاة مسترخی بپاشند دواء
که در قلع و استیصال مادهٔ خنازیر مجرب است ص تخم سرس کوفته بیخته یک حصه در دو حصه
شهد آمیزند و در دیگ گلی آب انار رسیده اندازند و سرپوش بر آن نهاده با آرد ماش لواحی
آن مستحکم سازند و در آفتاب بدارند تا دو هفته و چون دو هفته بگذرد دهن او بکشایند و هر روز
یک توله و از ان بخورند و از ترشی و بادی و امثال آن پرهیزند بعنایت الهی در یکهفته
دفع نماید و هر چند این دوا بدبو و گنده میباشد نفع او زیاده است دواء که ملاذه برداشته
مازو را در سرکه ساتیده بر تارک بچسپانند یا گل سرشوی سوخته بسرکه سرشته بر نهند دوا

کرزلو را که در دهان یا غیر آن تعلق گرفته باشد جدا نماید ص سرکه و نمک با سرکه و انگزه بهم آمیخته
غرغره نمایند و همچنین اگر گل سیاه در خریطه تر کرده در دهن علیل گذارند زلو هر جا که باشد بسوی
گل میل کند پس گل بیرون آرند زلو نیز بیرون آید و اگر ثوم بخورانند و در آفتاب بنشانند تا
گرمی اشتداد کند پس کوزهٔ آب سرد بر لب نهد و لقمه نماید مریض را که دهن کشاده دارد و همین
عمل نماید و اگر زلو بنظر آید از زنبور بگیرند و ساعتی چنان دارند که تعلق بگذارد پس بیرون کشند
و از جوشانیده نانخواه غرغره نمودن نیز درین باب مجرب است دواء که غرغره نمودن
آن نیز نافع است کسی را که چون آب بخورد و از بینیش بر آید ص پوست بلیله زرد را
در آب جوشانیده بدان غرغره نمایند دواء که استخوان را بحلق مانده باشد مفید است
یکدرم سپندان را با آب گرم بدهند دواء که شوکهٔ متعلقه را اگر بنظر نیاید مفید بود و بگیرند لقمهٔ بزرگ
از گوشت گاو بالای آن انجیر خشک بر ریسمان بسته بلع نمایند پس وقتیکه تجاوز کرد …
آب سرد بنوشند پس بکشند بسرعت و از مخرجات قرشی آن است که اسفنجه را بخیط البته
بلع کنند وقتیکه با شوکه تجاوز نماید آب سرد بخورند پس بزودی برکشند دواء جالینوس
نفع میکند تعلل قصبهٔ ریه و قروح ریه و نفث قیح و دم و مادهٔ منجلبه السینه و عسر النفس و گفته اند
که این دوا قوی است ص بازرد دو ثلث و یک مثقال سلیخه سوداء دو مثقال سنبل
رومی دو مثقال و نصف حماماکبیر انخم تمر شامی هر یک سه مثقال صمغ البطم زعفران کندر
مر دارچینی مغز چلغوزه اصل السوس بقشر کلین ساموس قسط هر یک چهار مثقال و در بعضی
نسخها قسط یک مثقال است عسل چهار قرطوان عسل با صمغ البطم در انار سفاع عقف طبخ دهند
هرگاه غلیظ شود بازرد بان آمیزند و طبخ دهند که قطره از آن از جای ببیند از ند منبسط شود و
دوا امسوحه بیامیزند دواء که تنقیه ریه و تقطیع رطوبت می کند و بر بو نفع می بخشد نفع بین ص …
قند یکدرم در آبی که انجیر سفید یک اوقیه جوشانیده صاف کرده باشند حل کنند و یکدرم …
بادام شیرین حل کرده بنوشانند دواء که هر قسم سعال و هر مادهٔ سیال و دبیلات باطنه

را نافع است ص سکنجبین خبطیا نامر صاف جاوشیر فلفل سفید هر واحد دو مثقال حب الغار
منقی چهار مثقال سحق کرده بآب خمیر کنند شربت برای طبیب دواء که جهت اقسام
سرفه بلغمی تازه وکهن وضیق جدید ومزمن را مجرب است ص بیاره جرجر بابرگ و
شاخ وتخم وبیخ وهمه را بسوزانند که خاکستر شود ونیم سیر ازین خاکستر جوشانیده با نیم آثار آب
گرفته با دو نیم پاو فلفل دراز کهرل کنند وحب بمقدار کنار دشتی به بندند ویک حب صبح
بخورند ونیم سیر آب خاکستر که باقی مانده است دران نیم سیر اجواین انداخته نگاهدارند و
وقت خواب یک کف بخورند واز روغن پرهیز کنند دواء که ضیق النفس وسرفه کهنه را مجرب
است ص شحم حنظل بهنگره دیودار گوگرد شسته فلفل زنجبیل جمله برابر کوفته بیخته یکدرم
باب عسل بدهند دواء که سرفه وسل ودق را سود دارد ص بانسه که گل او سفید باشد
سبز است بار وسه بسوزانند واز خاکستر او کهار بگیرند بنوعی که معمول است پس کهار یکدرم
کتیرا صمغ عربی ملهٹی هریک سه درم کوفته بدارند وقدر حاجت بدهند دواء برای
دفع دمه ص گهیگوار پنج آثار نمک شور نیم آثار فلفل دراز یک توله اجواین پاو آثار
گهیگوار را پارچه پارچه نموده در دیگ گلی آب نارسیده نهند وبالایش نمک شور واجواین
وفلفل نگاهدارند ودهن دیگ را از آرد ماش بند کرده پنج پاس آتش دهند تا که همه خاکستر
شود یکماشه نهار بخورند بعد از نمک وشیرینی پرهیز نمایند وروغن بخورد هر قدر که خواهد دواء
نافع برای ضیق ودمه ص حلبه مقشر بدقوق یک جزو مغز حب الصنوبر کبار یک جزو
در آب شیرین خوب بجوشانند ودر هاون خوب سحق نمایند ودر عسل کف گرفته آمیخته
مثل لعوق بسازند دواء عجیب برای اخراج ماده انصد بوریه ص زوفاء خشک بوزیدان
اصل السوس خردل قرومانا فلفل تخم الجزر انیسون مساوی کوفته بیخته بعسل کف
گرفته معجون سازند ویک ملعقه بخورند دواء برای ضیق النفس بسیار مجرب وبعد ل
ص بگیرند ترب بقدر حاجت واگر ترب بزرگ سیاه پوست باشد بهتر است وآنرا باریک

قطع قطع بکنند وهم وزن آن نزع الرغوه در قدر سنگی یا حرفی بنیدارند ونصف دیگ
خالی باشد وبعد ازان سر دیگ از سرپوش گلی بندند ومکانهای خالی را از عجین محکم نمایند و
دیگ را در تنور معتدل که نه گرم ونه سرد باشد یک شب بگذارند وسر تنور را از طابق آهن
تمام شب بند دارند بعد ازان دیگ را روز اول بردارند وسر دیگ واکنند وانچه درمیان
دیگ است بخوب وجه بمالند وصاف نمایند وهر روز بقدر ملعقه خورده باشند واز هرچه مضر سرفه
است ازان پرهیز دارند وبعضی گفته اند که من عوض عسل چقندر وعوض عسل شکر طبرزد انداختم
بسیار نافع یافتم دواء الکاهن نافع برای سعال این دوا نفیس است جالینوس گفته که
من علاج سعال بهمین دوا نموده بودم بسیار نافع افتاد ص افیون دو مثقال تخم کاهو
بیست مثقال جندبیدستر سیزده مثقال سداب بستانی خشک بیست وچهار مثقال تخم کتان بریان
شانزده مثقال پوست بیخ جاوشیر سی وسه مثقال مرمکی چهارده مثقال زعفران
هفت مثقال کوفته بیخته باسه چندان عسل معجون سازند ومقدار باقلا بخورند واگر حمی باشد با
آب والا همراه شراب دواء که خفقان حار وبارد نافع است ص عنبر اشهب مشک
زهر مهره سائیده عطر صندل هریک یکماشه مرجان صلایه کرده ورق نقره ورق طلا از هر یک
دو ونیم ماشه روغن بادام نیم دام بخته همه را یکجا کرده یک شب وروز علی الاتصال بسایند و
از یکماشه شروع کنند وهر روز یکماشه بیفزایند در هفت روز هفت ماشه برسانند دواء
نافع بجهت سپیت وپرسوت ص کندر زرنباد پیر سیاه هریک پنج ماشه جدوار چهار ماشه
مشک نیم ماشه فقر الیهود ماشه در آب تر نموده جوشانیده صاف کرده بخورند دواء دیگر نافع
پرسوت وجهوله ص شنگرف مرچ تخم سنبهالو پیپل از هریک واحد یک ماشه سهاگی شنگرف کوفته بیخته
را بآب سحق نموده دو حبه گولی بخورند دواء که شیر بیفزاید ص تخم کرفس بودیان تخم
شبت بادیان انیسون از هریک برابر کوفته بیخته بعسل آمیخته بقدر مناسب بخورند
دواء که تسکین وجع ثدی کند ص کاهو بستانی را بعد سرکه وروغن پخته بخورند وضماد نمایند

دواء که شیر کم کند ص زیره کوفته ببر که ضماد کنند دواء که شیر منجمد را منحل سازد و تسکین وجع ثدی
نماید ص حرام مغز را در شراب بپزند و ضماد نمایند دواء که شیر زیاده کند ص تودری گلگون
ده درم با شیر گاو بخورند دواء که ورم گرم ثدی را سود دارد ص اسپغول و سکنجبین و آب بپزند
و بر نهند و بعد از ساعت تجدید نمایند دواء که قی صفراوی را باز دارد ص زرشک بیدانه
انار ترش سماق دانه جدا کرده پوست بیرون پسته هر یک یکجزو طباشیر سفید گل سرخ غوره خشک
هر یک نیم جزو کوفته بیخته از دو درم تا سه مثقال از وی بگیرند با آب به یا آب انار شیرین یا شربت
و مانند آن بسرشتند و بنوشند دواء که قی بلغمی و سوداوی را باز دارد ص گل سرخ چهار مثقال
زرشک بیدانه سه مثقال نعناع پوست بیرون پسته مصطگی عود قرفه سنبل الطیب تخم خشک
زیره کرمانی مدبر از هر یک ده درم کوفته بیخته دو مثقال از وی با سکنجبین سفرجلی و امثال آن
بنوشند دواء که قی بلغمی دفع کند ص بابی برنگ نمک سیاه فلفلین زنجبیل برابر سوده
با شهد بخورند دواء که همین عمل کند ص عود هندی ناگیسر دارچینی طباشیر الایچی خورد پوست
هلیله زنجبیل برابر کوفته بیخته با شهد بخورند دواء که ضعف جاذبه معده را نافع است ص
هلیله شش درم فلفل و راز چار درم چترک سه درم نمک سنگ دو درم کوفته بیخته با آب
ترنج خمیر کنند و حب ها کرده در سایه خشک سازند و هر روز نهار دو درم بخورند و علامت ضعیف
جاذبه این ست که اشتها شود و هر گاه طعام پیش آرند رغبت غذا برود دواء که قوی ارمعده را
و امعاء را قوت دهد و هم مشتهی و هم هاضم و اگر شکم نرم بود قبض و اگر قبض بود بگشاید بهر آنکه هر قوتی
که ضعیف باشد وی را قوی میسازد و مجرب است ص انار دانه ترش که کهنه نبود شانزده درم
زنجبیل زیره سفید هر یک دو درم تربد سفید زیره سیاه تنر یک پوست بلیله هر یک یکدرم و نیم
بلیله زرد و نمک سنگ دو نیم درم جمله را بکوبند و باریک سازند و قبل از طعام و بعد از آن
دو درم یا سه درم بخورند و اگر دو وقت بخورند نیز روا ست و اگر قبض مطلوب باشد ادویه را
بپارچه سفت بپزند و اگر تلیین مطلوب باشد از پارچه غیر سفت بلکه از غربال بگذرانند تا ادویه جزو نبود

مقوی معده

دواء الفرس جهت ضعف معده که سبب آن برودت و رطوبت باشد نافع بود ص
هلیله سیاه بروغن گاو بریان کرده ده درم نانخواه صعتر فارسی از یک سه درم حرف مقلو
پنجدرم خبث الحدید ده درم شربت تر ده درم با شراب کهنه دواء خطبیانا جهت درد معده
و جگر و طحال و صلابت و سدد و تپ های کهنه ص خطبیانا فلفل هر یکده درم قسط سادج
سنبل زراوند هر یک یک اوقیه کوفته بیخته العسل کف گرفته بیامیزند تا چون عسل غلیظ شود شربت
یکدرم با آب سداب دواء که جهت قی و تهوع که هیچ دوا نه ایستد از مجموعه بقائی ص دانه
هیل قرنفل مغز خسته کنار مغز خسته آمله دار فلفل سعد صندل سفید تخم کشنیز طباشیر پوست
درخت سنبل که درخت عظیم در هند می باشد پهول پهرنگ این دوا نیز هندی است برنج
ساٹهی مارقیصر هر یک یکدرم مشک دو درم انار دانه چهار درم بعضی اوقات بحسب حاجت زیاده
هم کرده میشود و بعضی اوقات رعایت گرمی کرده مشک مطروح ساخته میشود کوفته بیخته گاهی
باب سرد و گاهی بشربت انار منعنع و گاهی برب دیگر مناسب حال داده میشود و شربت از دو ماشه
تا شش ماشه دواء که جهت قی و غثیان و تهوع و کرم شکم و بهم رسانیدن اشتها صاحب بقائی
مجرب نوشته ص طالیسفر علف هندی فلفل سیاه نمک مارقیصر هر یک نیمدرم فلفل و رازیره
سیاه صعتر شیطرج سماق دارچینی هر یک یکدرم سعد ابهل تخم کشنیز هیل اہل بید زنجبیل از هر یک
یکدرم و نیم انار دانه نه درم نیم نبات چهار ده درم کوفته بیخته تا دو درم تنها یا به چیزی مناسب بخورند
دواء که در ورم معده قریب انفجار بکار آید ص تخم مرو تخم کتان خطمی مساوی کوفته بیخته بروغن
سه درم صبح و سه درم شام با چهار اوقیه شیر بز بخورند دواء که حکاک مری را نافع است و این
بیشتر از بخار معده بود ص شبت توتیا تخم ترب بجوشانند و قی کنند و ببرکه کهنه غرغره نمایند و
بهر تسکین لذع و حکه شیر تازه با شکر آمیخته جرعه جرعه بنوشند و درین مرض تشرب شراب کدو شیرین
نافع ترین چیزها است دواء که تفرق الاتصال مری را نافع است ص صمغ عربی نشاسته
گل ارمنی باریک ساخته اندک اندک بخورند و حسب سبب در تنقیه و جز آن کوشند دواء

درد معده

که شور حلق و مری و قصبۂ ریہ مرانافع قبل از تفرج تسکین لذع و حرقت میکند ص بگیرند شیرہ جو
و نشاستہ و روغن بنفشہ حریرہ سازند و باب میوہ ہا طبع نرم دارند و شبانگاہ لعاب اسپغول
نیمگرم تجرع نمایند و از آب سرد پرہیزند و از بنفشہ و کتیرا و رب السوس تخم خیارین مقشر نشاستہ
بلعاب اسپغول حب بستہ دایم در دہن نگاہدارند دوا که ورم سردمری را نافع است
ص شبت بابونہ اکلیل الملک تخم کتان در آب جوشانیدہ و آب وی در منفج آمیختہ جرعہ جرعہ
بنوشند دوا اسفلیدس جہت ورم صلب جگر مجرب است ص کمافیطوس فراسیون
تخم کرفس جبلی حظیانا تخم تخمشت زہرہ خروس تخم خیار فودہ اسقولوقندریون بیخ جاوشیر مغز تخم انجرہ
تخم کرنب ریوند فلفل سنبل ہندی قسط تخم کرفس بستانی تخم گندر انقلہ یہودیہ جعدہ افیون غافث
حب عرعر مساوی کوفتہ بیختہ بعسل معجون سازند شربتی یک بندقہ بشراب بعسل بقدر یک فلوس
دوا الملح جہت قرح جوف و انفجار اورام کبد بعد تنقیہ ار چرک بکار آید منقول از شرح حکیم علی
مصطگی تخم کاسنی تخم کرفس گل مختوم ہر یک یکمثقال کندر دم الاخوین گل سرخ طباشیر سفید ہر یکدو
مثقال کوفتہ بیختہ سہ درم با ماء العسل یا جلاب حب سازند حسب حال بدہند و از خارج سک
و رامک سعد کندر سنبل مصطگی قصب الذریرہ در آب سیب آب آس آب سفرجل آمیختہ
طلا نمایند دوا که در روقی وضربہ جگر مانع از تورم آن میشود بعد فصد استعمال می کنند ص
فوہ ریوند ہر یک یکدرم تا سہ درم بدہند دوا که در ابتدا ورم کنند زمانی که بسبب اسبی بود
که از خارج رسیدہ باشد استعمال گرمی و ورم و حرارت زائل کند و خون را باز دارد ص ربع چینی
گلنار دم الاخوین شب یمانی مساوی شربت یکمثقال با آب بدہ دوا دیگر که شیخ تعریف آن
نمودہ ص ریوند چینی گل ارمنی حب الآس باہم آمیختہ بدہند دوا که در یرقان سیاہ
ہرگاہ که بسبب او طحال و کبد ہر دو باشد بکار آید ص آب عنب الثعلب سہ اوقیہ آب کاسنی
دو اوقیہ آب برگ ترب آب برگ کرنبہ ہر یک یک اوقیہ و نیم آب برگ گشنیز یک اوقیہ جوشانیدہ
صاف نمودہ فلوس خیار شنبر دہ درم حل ساختہ بنوشند دوا که جہت یرقان صاحب بقائی

مجرب نوشتہ ص پیاز و کدو تلخ و سر آن بریدہ باب پر کنند و تمام روز در آفتاب و تمام شب
در شبنم نگاہدارند علی الصباح دو قطرہ در چشم چکانند و بعد از دو گھڑی پوست ہلیلہ و نبات
سائیدہ و یک کف دست بخورند و غذا دران روز جغرات و خشکہ بخورند دوا جہت
یرقان اصفر و اسود معمول حکیم شاہ محمد مرحوم ص بلادر ہلد ہر یک نیم ماشہ باب سائیدہ
عسل نہدام ممزوج نمودہ بخورند دوا که در استسقاء صاحب قادری مجرب نوشتہ ص
منڈوہ که از اقسام غلہ است و در ہند مشہور است بگیرند ہر قدر که خواہند و بسایند و آب برگ کیخنال
سرشند و بآن پزند بی آنکہ نمک آمیزند و بار وغن بسیار غذا سازند و بجای آن طبخ کیخنال
یا عرق او بنوشند و غذا نیز در ہمان آب پزند و غسل و وضو و آبدست ہم بہمان نمایند در دو ہفتہ
باذن اللہ تعالی مرض دفع شود دوا که صلابت طحال دور کند و مجرب است ص بر
آکہ که خود بخود از درخت ریختہ باشند صد عدد نمک سنگ اشخار سہاگہ زردچوبہ نمک سیاہ
نمک سفید جوا کہار ہر یک ہشت درم انگوزہ دہ درم نرم سودہ در دہ درم روغن سرشف و دو
درم شیر آکہ آمیختہ بر برگہای آکہ سرد وقت طلا کنند و در دیگ گلی تو بر تو نہند و سر دیگ
بگل حکمت بگیرند پس دیگ را بگل پاکیزہ گرفتہ بعد خشک شدن میان پاچاک دشتی گذاشتہ
آتش قوی دہند و بعد از سرد شدن سر دیگ بکشایند جملہ اجزا خاکستر شدہ باشد ہر روز از
سہ انگشت باب تبانہ بخورند و از ترشی و شیرینی و اشیاء دیگر و ماہی پرہیز نمایند دوا که در
مدوبت و صلابت سپرز بی نظیر است و اشتہای نیز می افزاید ص عرق گندک یک سرخ
در آب آمیختہ بنوشند و بتدریج بیفزایند شربت کامل وی چہار سرخ است دوا دیگر تو
نیمدرم باب ترب بنوشند و ترب و کنجد مساوی بگیرند و گرم نمودہ بر سپرز ضماد کنند دوا
دیگر بجہت یرقان مجرب نوشتہ اند ص برگ حنا نرم کوفتہ در آب شب تر کنند صبح آب
صافش بنوشند تا یک ہفتہ دوا که حب القرع و کرم درازہ بکشد و اخراج کند از شفائی
ص ترمس حب النیل قنبیل ترمس از ہر یک پنجدرم درمنہ ترکی دو درم تربد سفید

بزرنگ کابلی مقشر از هر یک یکدرم نمک هندی دانگی کوفته بیخته با شیر و شکر بیامیزند و بخورند دوا
که همین خاصیت دارد ص بزرنگ کابلی مقشر سه درم تربد سفید دو درم قنبیل یکدرم نمک هندی
نیم درم کوفته بیخته بمویز منقی سرشته تناول نمایند دوا که حب القرع و کرم دراز بکشد و اخراج
نماید و بعضی نوشته اند که ازین دوا خریطه حب القرع بطول پنجذرعه برآمده ص ترمس
قنبیل حب النیل شیح ارمنی و چترک خراسانی انیسون تربد افسنتین برگ شفتالو ترمس
هر یک سه درم مقل ازرق سقمونیا هر یک ثمن درم کوفته بیخته بشراب اصول حب کنند
و عقب وی مغز جوز تنقل نمایند و آنگاه آب گرم جرعه جرعه بنوشند دوا که صاحبان انبه را
نفع دهد ص گل نیلوفر خشک دو درم و نیم تخم کاسنی تخم خرفه از هر یک سه درم گل سرخ
پنجدرم بزر قطونا ده درم شربت دو درم با سه درم تا نیم اوقیه بسرکه باب آمیخته و حقنه کردن بشراب
انگوری نیز سود دارد دوا که حیات را بیرون آرد ص بزرنگ مقشر بلیله زرد هر یک
پنجدرم و نیم تربد سیزده درم قند سفید برابر همه شربت شش درم با آب گرم دوا که دیدان
صغار را که نزدیک مقعد متولد شوند و حکه آرند سود دارد و این صبیان را بیشتر افتد ص
بگیرند زیت رکابی با روغن جسته زرد آلو یا روغن جسته شفتالو یا نفط سفید با زهره گاو ممزوج
بقدر قلیل هر کدام که میسر آید پس پنبه بدان آلوده حمول نمایند دوا که درد شکم و درد هر جا
بسبب حرارت بود نفع دهد مجرب است ص آرد ماش سیاه باب گرم خمیر کرده قدری
نمک نیز ضم کرده از هر یک طرف بر تابه گرم نهند تا بپزد و فرود آرند و بر طرف خام وی روغن
کنجد یا روغن گل مالند و بر عضو ببندند و اگر قدری زنجبیل و پنسل که بعربی جوز القی نامند
نیز آمیزند قوی تر بود و اگر از بوی کسی را چندان نفرت نباشد حلتیت نیز آمیزند که نفع کثیر
دارد دوا که در هندی دهنیا پاچک گویند در اسهال و ذرب و پیچش عجیب الفعل است
ص خس گجراتی موتهه هندی بیل گری کشنیز زنجبیل بکم تر با الاصندل سفید کنول حسب المزاج
تغیر و تبدیل در اوزان نموده استعمال نمایند و در مزاج گرم موتهه و زنجبیل موقوف نمایند

و باقی بگیرند هر یک سه ماشه و مجموع در نیم آثار آب خیسانیده صبح جوشانیده هر گاه چهار دام بماند
صاف نموده بنوشند و باز وقت شام ثفل او را در پاو آثار آب جوشانیده صاف نموده بنوشند
اصل این نسخه پنج جزو است راقم پی کنول اکثر استعمال نموده در ذرب و تباهی معده و جرا
منافع لب بار مشاهده کرده دوا که تحذیر و تسکین وجع نماید ص زنجبیل دار فلفل سنبل
انیسون تخم کرفس قردمانا میعه سائله بزر البنج از هر یک یکدرم جندبیدستر افیون از هر یک
نصف درم پودینه درم او جمیع یک مثقال بگیرند دوا که بجهت کرم معده و امعاء مجرب است
ص جدوار انجیر خشک و خرما میل نمایند بعد از ان این دوا را اختیار کنند افسنتین و مر
شیح قسط مر بزرنگ کابلی بلیله زرد بلیله سیاه آمله از هر یک سه مثقال ترمس نخود سیاه از هر یک نیم مثقال
تربد دو مثقال غافث چهار مثقال ترمس خس شکنطر امشیع سه مثقال همه را نرم کوفته سه وزن
عسل آمیخته تیار نمایند شربت سه مثقال تا چهار مثقال و بعد از خوردن دوا صبر نمایند تا
خوب گرسنه شوند دوا که درد بواسیر نشاند ص خوب کلان تخم گندنا کشنیز و رطبی انیسون زیره
و دود آن به مقعد برسانند دوا برای وجع اسافل که از بواسیر باشد ص ده درم اهل
را دانه بیرون کرده با روغن گاو بقدری که او را فراگیرد بر آتش گذارند تا روغن جذب
کند پس سائیده باده درم فانیذ مخلوط ساخته هر روز دو درم ناشتا با آب گرم بارد المزاج
بنوشد و این دوا از مجربات اطبا است دوا معمول فرنگی برای بواسیر ص سرب
دوازده مثقال زیبق نه مثقال اگر نیک سه مثقال سرب را آب کرده سیماب در آن
سرب قسده بریزد و بگذارد تا سرد شود پس صلایه کنند و از پارچه ریشمی تنک گذرانند و با عسل
خام حب سازند بقدر نخود کوچک دو حب صبح و سه حب وقت خواب بخورند و باید که
در چله زمستان و تابستان چهل روز استعمال نمایند از بیاض عم مرحوم نقل کرده شد
دوا جهت پیچش و اسهال که بهیچ دوا نرفته باشد مجرب نوشته ص بلبله اجواین زیره
سفید هر یک هشت درم جدا جدا بریان کنند کوفته بیخته هر روز پنجدرم با ماست چکیده بخورند

دوا، دیگر جهت پیچش که با خون بود یا بی خون از جمله مجربات نوشته اند و خلاف ندارد ص هلیله زنگی
بروغن چرب کرده در ظرف آهنی بریان کنند تا منتفخ شود و محترق نگردد پس کوفته بیخته برابر آن
شکر سفید آمیخته حلوله از آن با آب بخورند غذا برنج و ماست سازند دوا، که جهت اسهال و پیچش
مجرب است ص مغز بیل سوچرس خسته کهنه انبه هر یک یکدام جائفل یک عدد افیون بقدر
نخود کوفته بیخته بمقدار یک کف دست یا کم و زیاد حسب حاجت و موافق مرض بدهند دوا
که جهت سنگرهنی مجرب است ص پوست سنگدان خروس قرنفل هر یک یکتوله کوفته بیخته
جمله را یکروز بخورند و همین نهج دو روز دیگر استعمال نماید ذرب مزمن دفع گردد و اگر داند که مریض
تحمل ندارد که یک یکتوله دوای مذکور هر روز بخورد دو خوراک یک روزه سه روزه بدهند و
تا سه روز استعمال نمایند دوا، که جهت زحیر مجرب است ص زنجبیل بادیان مغز بیل هر یک
هفت ماشه نبات کوفته بیخته روز اول هفت ماشه دهند و روز دوم ده ماشه روز سوم چهارده
ماشه همراه آب دوا، که جهت اسهال و ذرب کهنه مجرب است ص سنگ بصری زرد در آتش
بریان کرده بسایند هر دو را باریک ساخته از نیم ماشه شروع نمایند و بتدریج تا چهار ماشه توان داد
و بعضی بسایند ضعف بصری کنند و بعضی برابر هر دو باریک می آمیزند و همراه آب استعمال
میکنند و بعد خوردن وی چند لقمه مرغن بخورند تا تدارک ضرر سنگ بصری کند و یک هفته استعمال
کنند پس از سه روز بر طبع دارند و اگر دیگر حاجت باقی باشد باز دهند تا یک هفته سنگرهنی مزمن
دفع شود و طریق بریان کردن سنگ بصری آن است که وی را در آتش سرخ کنند و اندر گلاب
سرد نمایند بیست و یکبار و اگر صد بار چنین کنند بهتر باشد و بعضی وی را در برگهای انار پیچیده در آتش
سرخ کرده بگلاب سرد نمایند و بعضی در جغرات سرد کنند و بعضی در آب لیمون و صاحب قادری
گفته که مختار این درویش آنکه بصری را فقط در آتش سرخ کرده ده بار در گلاب سرد کنند
ده بار در جغرات و ده بار در لیمون و ده بار در آب برگ انار دوا، که جهت اسهال و زحیر
و مغص و ضعف معده بسیار نافع است ص بگیرند بنگ مدبر چهار ٹانک مصطکی انار دانه

طریق اصلاح سنگ بصری

کوکنار نیم برشته بلیل کشنیز خشک بریان یک ٹانک صمغ عربی ربع ٹانک کوفته بیخته با آب سرد
شبینه بقدر مزاج مریض استعمال نمایند طریق مدبر کردن بنگ بگیرند قنب قسم اول پاک کرده بعرق
بنفشه یا روغن بادام یا روغن گاو چرب کنند پس بیارند علف سبز که بهندی آنرا دوب گویند
و شیره وی بستانند و قدری از شیره نانخواه نیز با آن ضم کنند و این هر دو شیره در بنگ اندازند
و بدست بمالند و بر سفال نو آب نرسیده بر آتش ملایم برشته نمایند و فرود آرند و بعد از سرد شدن
باز شیره مذکور را آمیخته بریان کنند و هفت مرتبه رسانند پس بکار برند دوا، که انواع کرم
بیفگند ص برگ نیب پای برنگ کمیله هر یکده درم کوفته بیخته بعسل آمیخته بخورند دوا، که در تب
هرگاه که با تپ و اسهال بود نافع است و حکیم علی در شرح معالجات بسیار ستوده ص بگیرند کبکی یا دراجی
و شکم او را پاک کرده سماق و انار دانه نرم در و ساتیده پر کنند پس بگذارند بر خشتی در تنور گرم
که یک شبانروز در آن نان پخته باشند تا مثل زغال شود پس بکوبند باریک و بگیرند و برابر
آن نان خشکار سوخته و بهم آمیزند و بقدر دو درم ناشتا بدهند و از پس آن رب به که در آن سگ سحوق
حل کرده باشند و تجرع نمایند دوا، که خون بواسیر بند کند و از مجربات حکیم علی منقول است
ص گهربا گل مختوم و دوای که در هندی اتیس گویند هر یک نیم مثقال باریک بسایند و
سفوف سازند جمله یک شربت است سه روز متوالی بدهند دوا، که بالخاصیه باسور خشک
کرده بیفگند ص سرهای شور بگیرند و نزدیک آتش خشک کنند و بکوبند و پنیر خشک کهنه کوفته
بیخته در هم آمیخته بپاشند دوا، از ثابت ابن قره که در د باسور را بنشاند و خون باز دارد و
اگر متصل بکار دارند خشک کند و بیفگند ص سه ساله قسط پوست بیخ کبر بیخ هزار اسفید هر یک
جزوی خر زهره کندر کبریت اصفر هر یک نیم جزو بیخته هر یک سوده درم از آن سی درم روغن کنجد و
روغن زنبق مساوی بگیرند و آن کندر و کبریت در آن حل کنند پس دواها را داخل کرده در شیشه
کنند و بکار برند دوا، که جهت اسهال خون مجرب است ص مغز خسته انبه مغز خسته جامن
مغز گونج برابر کوفته بیخته با آب شسته برنج ساٹھی بقدر قوت مریض بدهند دوا، که جهت

اسهال اطفال صاحب بقائی لبسیار ستوده ص دهاوه میل گری اندرجو تلخ خس مساوی
کوفته بیخته لقدر سن و مزاج طفل بعسل آمیخته بلیسانند و بعضی بجای دهاوه آمله میکنند و در نصوص
بقی هم نفع می نماید دواء دیگر جهت بواسیر صاحب بقائی لبسیار ستوده ص اندرجو تلخ جزک
هر واحد یکدانگ مصری یکنیم ٹانک کوفته بیخته یک ٹانک با دوغ گاو بخورند غذا دال مونگ
مقشر با خشکه دواء که بدیگ بردیگ مشهور است لفظ فارسی مرگ موش عملی نیز گویند و در جمع
وی بعربی قدر علی قدر است و وجه تسمیه او از بعضی تراکیب این مرکب مفهوم میگردد و اسقاط
بواسیر میکند و هر گوشت زیاده که باشد رفع سازد ص سیماب نوشادر هر یک ربع رطل زنگار
اهک آب ندیده هر یک نیم اشخار یک رطل زرنیخ زرد سوده هر یک یک رطل و نیم لغبراد
اجزا با سرکه لبسایند تا سیماب گشته شود پس خشک کنند و مرتبهٔ دیگر باب سیر لبسایند و از آن در دیگ
مصعد کنند و نگاه دارند و بر باسور که بیرون آمده باشد بپاشند محمد زکریا میگوید این دارو
هر دارو هر یک روز بر باسور باید کرد و اگر ببیند که هنوز چیزی می بر آید یک روز آسایش دهند
و روز دیگر بکار برند پس برگ کرنب بپزند و در آب و روغن گاو مرهم ساخته استعمال نمایند
دواء که علت انبه زائل کند ص حدوار قسم اول در سرکه سائیده و در پنبه آلوده کرده صاحب
انبه احتمال نماید علتش زائل گردد و اگر ازین عمل سه مرتبه کند اثرش نماند بعضی اطبا نوشته
اند که باین دوا علاج اکثر مردم نمودم شفا یافتند و بعید نیست که این قسم از بلغم
بود که در امعا باشد و برای همین این تدبیر کثیر النفع است در ازالهٔ دیدان صغار که در مقعد
پیدا میشوند دواء که قتل دیدان نماید و مجرب است ص بعدد هر دانه که از مو بیرون
آرند فلفل گذاشته مرد کلان را هشت عدد و خورد را پنج عدد یا ده عدد بلع بکنانند دواء که
بجهت اسهال خون بواسیر نافع است ص رسوت سه ماشه با ماست ملفوف نموده
بخورند غذا دال مونگ گلتهی با مسکه و همچنین داغ کردن خنصر و بنصر برای خون بواسیر مفید
نوشته اند و کذلک داغ نمودن بر مفصل ترقوه جهت ریاح بواسیر از مجربات نوشته اند

و حکیم علی نیز باین معنی تصریح نموده دواء نافع از برای قروح کلیه ص مغز تخم خیار بادرنگ
سی و پنجعدد مغز حب صنوبر دوازده عدد مغز بادام شیرین مقشر پنجعدد زعفران قدری کوفته
با ناشتا بخورند پس اگر حرارت لبسیار باشد بدل حب الصنوبر مغز حب خیار کنند دواء که
همین منفعت کند ص حب الصنوبر هشت عدد مغز حب قثا چهل عدد مغز حب قند چهل
نشاستج یکدرم و نیم کوفته با یک رطل آب که دران ناردین تخم کرفس از هر یک هشت درم
جوشانیده باشند تا بربع رسیده باشد حل کرده بیاشامند دواء که هرگاه درین علت وجع
شدید باشد واجب است معالجه این دوا و اعراض از علاج قرحه ص بزر البنج یک قیراط
مغز تخم خیارین دو درم تخم کاهو یکدرم تخم خرفه مقشر یکدرم کوفته حب سازند تسکین وجع فورا
نماید دواء که تفتیت حصاة نماید ص مغز تخم خربوزه حب القلت زجاج ابیض محرق
دو قوه مساوی کوفته یکدرم باب خسک یا آب ترب بیاشامند دواء که مجرب است در تفتیت
حصاة ص تخم خربوزه تخم قرطم زعفران حب القلت کوفته همراه اشیا مناسبه استعمال نمایند
دواء دیگر همین منفعت دارد ص اسفنج اصل خسک تخم گذر هر یک دو درمی تخم خیارزه
تخم خطمی نشاسته از هر یک درمی رازیانه انیسون جعده
از هر یک سه درمی کوفته بقدری که طبیب مناسب داند که حاجت است بیاشامند دواء
عجیب الفعل در تفتیت حصاة ص مغز تخم خربوزه نانخواه تخم کرفس تخم ترب زیره سفید
مغز بادام تلخ اجزای مساوی کوفته شربت دو درم با آب پرسیاوشان و چند روز متواتر
بان مداومت نمایند و این نسخه از اسحق است و گفته که من آزموده ام چون هر روز سه درم
ازان با آب مطبوخ پرسیاوشان بخوردی سنگ بیرون آید غذا نخود آب دواء
برای سوزاک منقول از قرابادین عم مرحوم ص بیخ کیله پوست بیخ فالسه اگر شیرین باشد
بهتر تخم خبازی اصل السوس از هر یک یکتوله سوای اصل السوس هر سه دواء را
بطور رنگ سائیده و اصل السوس را لعاب بر آورده علی الصباح بنوشند دواء

بجهت سوزاک نیز منقول از قرابادین عم مرحوم راقم نیز مکرر تجربه نموده ص گیر و بکدام دام
نخود مع پوست یکدام شب در یکنیم پاو آب تر نموده صبح بطور نیک سائیده بنوشند و عتک
تشنگی بسیار شود شیر گاو بخورند در سه روز بفضل الهی برطرف گردد دواء دیگر منقول از
کتاب مذکور بجهت قرحه سوزاک بسیار نافع است ص کونپل درخت بڑ در سایه خشک
سازند بعد از آن سائیده بخته مثل آن شکر خام آمیخته موافق مزاج ابالبی تیر گاو علی الصباح تا
هفت روز بخورند دواء دیگر منقول از کتاب مذکور بجهت سنگ گرده و مثانه ص حجر الیهود
سنگ سرماهی تخم ترب حب القلت از هر یک دو ماشه همه را کوفته در شربت کشوث
بخورند بعد از آن شیره تخم خربوزه توله بنوشند دواء که تقویت گرده و باه کند ص مغز
مغز حبة الخضرا مغز حب صنوبر صغار و کبار مغز پسته تخم هلیون مغز نارجیل مغز حب القلقل
مغز گردگان مساوی شقاقل زنجبیل حب الزلم لسان العصافیر هر یک نیم جزو کوفته
بعسل بسرشند شربت یک گردگان و اگر مغز کنجشک یک جزو لعنج دار فلفل هر یکنیم جزو
کوفته بعسل بسرشند قوی تر شود دواء که خون منجمد از مثانه خارج کند ص پوست بیخ
کبر حب بلسان فردمانا زراوند مدحرج ابهل فوه تخم کرفس دوقو همه برابر شربت مثقال تا
دو درم بهار الاصول و چکانیده میشود قدری ازین دوا در قضیب دواء که جهت
درد مثانه نافع و مداومت آن جهت تقویت باه عجیب الاثر است و برای رلو و درد جگر
نیز مفید ص خصیه بزر انشگافته زراوند مدحرج نطرون و زهره بز بر دیا شیده خشک کنند
یکمثقال اوه در آب گرم بدهند دواء که برای بول فراش بکار آید ص تخم کتان
بریان راسن خشک هلیله کابلی بریان هر یکده درم تخم خطمی هفت درم شب یمانی سه درم
اقاقیا مر کندر شیاف مامیثا هر یک دو درم کوفته بخته با عسل بسرشند شربت سه درم
دواء که بول فراش را نافع و هم برای سلسل البول و اودار مذی و منی مجرب است ص
بلوط را با همو زن او کندر کوفته بخته با روغن زیتون مداومت نمایند دواء که هر گاه مزاج

حار نباشد بجهت اخراج حصاة بکار آید ص خاکستر کرنب نبطی خاکستر پوست تخم مرغ که
بچه از آن برآمده باشد حجر الیهود مساوی کوفته بخته شربت یک ملعقه با آب خسک یا شراب کهنه
دواء بجهت بول الدم مجرب و معمول عم مرحوم ص چشمیزج بیست و یکعدد بکوبند و باریک
نمایند و بخورند و بالای آن آب برادهٔ صندل بنوشند دواء که در تفتیت حصاة اثری
تمام دارد ص خاکستر کژدم حجر الیهود سائیده حجر الاسفنج هر یکدو دانگ با شراب یا ماء العسل
بخورند جمله یک شربت است دواء هندی بجهت کسی که بر لعل او مگس نشیند بندیان
از اقسام پرمیو بلغمی شمرده اند ص گراکنه پوست روا من هلیله جهون موکه همه را مساوی
گرفته سائیده دو درم یا سه درم با شهد مریض را بخوردن داده باشند دواء دیگر برای
همین مرض مفید ص هلیله بلیله آمله انکره املتاس مساوی در آب جوشانیده صاف نموده
استعمال نمایند دواء دیگر برای همین مرض ص گلو بند و کهاره خرما با شهد در آب جوشانیده
صاف نموده بخورانند دواء دیگر برای همین مرض ص کلوجره در آب جوشانیده در ا
طبخ کرکوکه ماربا هی کنگی انکزه داخل کرده صاف نموده بخورانند دواء دیگر برای همین مرض
ص گلوی خشک را نرم سائیده با شکر تری آمیخته نهار دو کف هر روز بخورند دواء
دیگر برای این مرض ص پوست ارنی با پوست نیم بازرد چوبه یا پاڑی در آب جوشانیده
صاف نموده بخورند و اگر سلاجیت یار کنند در نفع اقوی خواهد بود دواء که در رفع حبس
بول مجرب است ص چوده تند خوشبو بقدر یکماشه با برگ پان بخورند دواء که بخاصه
بول کشاید ص زعفران یک شاخ در مجری قضیب نهند و کذلک شوره قلمی و پیش زنده
و اگر کبوتر بچه را بکشند و خون او بر زهار بچکانند و آنرا سینه شگافند و گرم گرم به بندند قوه مثانه
را بحرکت می آرد دواء بجهت سنگ گرده مجرب است ص ترب را خالی کرده چهار دام
تخم لفت در آن کرده بالای آن از پارچه ترب بند کرده گل حکمت نموده در خمیر گرفته در تنور
نگاه دارند وقتیکه بخته شود برآورده قدری قدری بصاحب حصاة بدهند تا سه روز

دواء که بسوزش قضیب و بول نفع تمام دارد ص درخت موز که بهندی کیله گویند قدری در میان
تنه شق کنند و در اینجا وصل نمایند نیچی که در ان ترشح کند و در ظرف آید و تمام شب بدارند پس قدر
آب که جمع گردیده باشد بگیرند و وقت حاجت بدهند دواء که جهت اخراج سنگ گرده و مثانه
و رفع احتباس مجرب دانسته اند ص بگیرند کرم شب تاب که آنرا بعربی حباحب گویند پرا و
دور کرده خشک نموده با دوازده مثقال نقیع حلتیت سه روز متواتر بنوشند دواء که جهت تقویت
باه کند ص بگیرند پیاز سفید صد عدد پاک نمایند و در پاتیله سنگین کنند و شیر تازه بر سر آن ریزند
چندانکه چهار انگشت بر سر ان بایستد و بپزند تا مهرا شود پس از آتش بردارند و بگذارند که سرد شود
و بوزن پیاز روغن گاو داخل کنند و بجوشانند بوزن ان عسل بیفزایند و بقوام آرند و مثقالی ازو خواب یکساعت در
کوفته بدان بنوشند دواء که تقلیل منی کند و با حرارت مزاج توان داد ص گلنار گل نیلوفر
گل سرخ هر یک دو درم کشنیز خشک اسبغول هر یک سه درم تخم کاهو تخم خرفه هر یک ده درم شربت
سه درم با قدری کافور چند روز استعمال نمایند و غذا حموضات سازند دواء جهت سیلان
منی و اقسام بر میو نافع است و هم مقوی و هم مشتهی ص مغز کونج سفید نیم سیر شاهجهانی
موصلی سیاه نیم سیر شاهجهانی پلپل دراز پاو آثار شاهجهانی شیر ماده گاو پنج آثار شاهجهانی اجزا را
کوفته بیخته با شیر بجوشانند که شیر در خورد بعده دارچینی شیرین یکدام بخته عاقرقرحا قرنفل کلاه دار
الایچی خورد هر یک یکدام پخته نرم سوده و شکر سفید را دو برابر ادویه سوای شیر گرفته داخل نموده
معجون سازند خوراک از ده ماشه تا بیست و یکماشه دواء که ادرار طمث نماید و در این باب
قوی است ص مشکطرامشیع فوه از هر یک یکجزو تخم کرفس رازیانه قاقله فنه سکبینج جاوشیر مصطگی
از هر یک نصف جزو همه را جمع نموده یک مثقال کوفته با آبی که در ان ترمس و لوبیای سرخ
پخته باشند عسل داخل نموده بخورند دواء که بکرر تجربه رسیده ص خطمیا نا سائیده همون
آن حنا بیامیزند و در آب سرشته بر کف دست و پاها ضماد نمایند و یکساعت در آفتاب نشینند حیض
طمث کند دواء که رفع علت استحاضه کند منقول از لباط انبساط ص کهربای شمعی سوده

یکمثقال گل ارمنی پنجدرم باهم آمیخته با آب برگ بارتنگ با آب برگ تورک یا آب سماق بخورد
دواء دیگر برای همین مرض ص سنگجراحت دو دام گوندهاک یکدام مائین خورد نیم دام
نبات سفید دو دام کوفته بیخته سفوف سازند خوراک یک کندست با یک پاو شیر تازه در یکروز
نفع کند دواء که اسقاط حمل و ادرار طمث نماید ص پودینه نهری مشکطرامشیع فوه حلتیت سکبینج
جاوشیر از هر یک دو درم ترمس سه درم سداب خشک پنجدرم قرص سازند شربت دو درم
با طبیخ ابهل و طبیخ لوبیا صاف کنند و مقدار پنجاه درم بدهند دواء دیگر فوه سلیخه قرفه هر یک سه درم
کنجد سیاه نخود سیاه هر یک یکمثقال حلبه سه کف خرما یکرطل بغدادی بخته در آب جوشانیده صاف
نموده سه اوقیه از ان با یک اوقیه و نیم سداب نیز آمیخته بخورند دواء دیگر که رخاء و عسر ولادت را
نافع و اسقاط مشیمه کند منقول از ثابت بن مره ص مرفته جاوشیر بالسویه شربت دو درم
با آب کرفس یا آب رازیانه دواء اسقاط کند ص انگزه پنجدرم مر یکدرم سداب خشک سه درم
جمله یک شربت است صبح و شام با طبیخ ابهل بدهند دواء دیگر زراوند طویل خطمیا ناحب الغار
مر قسط بحری سلیخه فوه عصاره افسنتین مقل قردمانا مشکطرامشیع مساوی کوفته بیخته هر صبح دو مثقال
با عسل سرشته بدهند دواء که کفیدی قبل را که در افتضاض بکارت یا عسر ولادت بهم رسد
پیش و پس یکجا کرده مد باشد سود دارد ص موم سفید پیه گرده بز مغز ساق گاو بالسویه بگدازند
و صاف کنند و بهم آمیزند و قدری سنگجراحت و مردارسنگ سوده در ان مخلوط سازند تا مدتی
بگذارند تا اشتقاق را به کند دواء که استحاضه را نافع است ص تال مکهانه خربار سوت سوده
برابر کوفته بیخته هر صبح نیم توله چهار ماشه شکر آمیخته با آب برنج بخورند دواء برای خشکی فرج زن
منقول از بیاض عم مرحوم ص مازو چهار ماشه عود سفید دو ماشه حب الآس سه ماشه مشک
نیم سرخ فقاح اذخر سه ماشه زعفران یک سرخ قرنفل سه عدد سک سه ماشه کوفته بیخته در پارچه
کتان بسته بر دارند دواء که ورم رحم را نافع بود منقول از بیاض مذکور ص روغن گل بنفشه
روغن گل پیه مغز ساق گاو پیه گرده بز از هر یک توله زردی بیضه مرغ یک عدد مصطگی سه ماشه

زعفران ماشه بدستور مرهم سازند و استعمال نمایند دوا که تقویت باه نماید و بند کشاد را نافع باشد
ص بیج بند تال مکهانه گونه ڈهاک گوند ناگوری ثعلب مصری روب برس اجزا مساوی کوفته
بیخته شکر تری آمیخته بوزن مجموع ادویه داخل کرده نگاهدارند و هر صبح یکدام خام بخورند پس شیر گاو
بقدر نیم رطل بنوشند دوا الترنجبین جهت ضعف باه که بسبب آن حرارت بود بکار آید ص
ترنجبین سفید سی درم در دو رطل شیر تازه بجوشانند تا بقوام آید و هر شب دو ملعقه بخورند دوا
الخسک در تقویت باه بی نظیر است ص خسک خشک را بکوبند و بپزند و در آب خسک
سه شبانروز در آفتاب بپرورند و هر روز تازه کنند چنانچه آب خسک تر سه وزن خسک خشک
شود پس خشک کنند سه درم تا ده درم شیر تازه و ده درم نبات بنوشند و برد مزاج را قدری
زنجبیل کوفته اضافه نمایند دوا البصل تولید منی کند و بغایت نعوظ آورد و مقوی باه بود
ص آب پیاز جزو عسل دو جزو بجوشانند تا بقوام آید و در وقت خواب دو مثقال بنوشند
دوا دیگر بجهت قوت باه ص مغز گنجشک خانگی نر فربه کرده پاک نموده با هر دو خایه اش
بیست و دو قطعه جوز بوا بزرگ بیست و دو عدد قرنفل چهار درم بازو سبز چهار عدد زعفران
بسباسه یکنیم توله اشکم بیست و دو گنجشک کرده بدزند و در روغن گاو بریان کرده پس استخوان گنجشک ها را جدا
کرده با جوز کوفته و سایر ادویه را نرم کوفته با هم آمیخته هر صبح بقدر نیم توله بخورند دوا جهت شخصی
که مایوس شده باشد از باه و از کار رفته باشد ص بیار و قضیب گاو خشک نموده سوهان کرده
نگاهدارد پس بگیر و بیضه مرغ و آنرا سوراخ کند و زردی آنرا بیرون آرد بنوعی که سفیدی بماند پس
قضیب گاو سوده را در ان تخم مرغ پر کند و سوراخ آنرا پوست بیضه دیگر بگیرد و بیضه را بگل حکمت
نموده در زمین حفر کرده پر از سرگین گاو کنند و بیضه را در میان سرگین گاو قرار دهد و یک شبانروز
آتش کنند پس آن بیضه بیرون آورده گل آنرا دور کنند پس هر چه برآید آنرا احتیاط کرده نگاهدارد
و هر صبح مقدار یکدرم بخورد بعنایت الهی بمقصود رسد دوا برای ورم بلغمی بارد و ریحی خصیه
مجرب است ص مغز بید انجیر در شیر گاو پخته ضماد نمایند دوا که سوزاک را نافع است منقول

از قادری ص برگ یاسمین سفید کوفته بجوشانند بعد فاتر شدن قضیب در وی گذارند بقدر
نیم ساعت و پس ازان همان جا بول کند و سه مرتبه تکرار عمل نمایند نفع تمام دارد و نیز در تربوز
منقور آلت در آورده همان جا بول کردن نافع است و کذالک در کدو و خیار دوا که
در اسقاط مجرب است ص بول اسپ در قند سیاه ملاوه نموده بخورانند و همچنین الگر گول را سائیده
شیاف ساخته بعمل آرند و تبخیر از سم اسپ موی آدمی و مرده جا و شیر و سرگین کبوتر دو بهست
و از بچه بیرون آرد لیکن پوست بچه را بکشد دوا جهت قرحه که چرک و قیح بسیار داشته باشد
ص پنجدانه مرلی را که هر دانه را سه چهار پاره کرده باشند در آب خیسانیده صبح فرو برند و آب
آنرا بخورند تا هفت روز دوا که سرعت انزال را رفع کند و مجرب است ص دانه
تمر هندی سه چهار روز در آب بخیسانند و پوست آن را دور کنند مغز وی با دو چند قند بکوبند و
حب ها بندند و بقدر نخود دو حب بخورند دوا که تقویت باه کند ص مغز گنجشک نر که
در وقت هیجان گرفته باشند بیست عدد و در سایه خشک کرده بروغن مخلوط بر قضیب و
کف پا بمالند موجب هیجان شهوة میگردد و مجرب نوشته اند دوا که بالخاصیت تسهیل
ولادة کند ص مقناطیس را در دست گرفتن و خاکستر پشم خر طلا کردن و بستن [illegible]
و سم اسپ خرد و در کردن دوا که ادرار طمث و حیض نماید و اسقاط کند ص پوست
خیار شنبر چهار مثقال باریک سائیده در آب بجوشانند و صاف نموده با شربت مذکور بنوشانند
و اگر ادویه مدره دیگر نیز همراه پوست مذکور بجوشانند اقوی خواهد بود دوا دیگر که ثیبه را مثل
بکر گرداند ص قطعه اسفنج خالص آبریده بردارند و بعد یکپاس نفع ملاحظه نمایند دوا که فربهی
خصیه زائل گرداند و کوچک نماید ص بر بربی آب کشنیز بچکانند و سرب دیگر بر وی بسایند تا
هر دو چیزی فرسوده شود بر خصیه طلا نمایند دوا که چون زنان آنرا اندرون بمالد گفته اند
که هیچ کس بر وی قادر نشود ص بگیرند کرم خراطین و آنرا خشک نموده سائیده بکار برند دوا
دیگر سه ناکیان مردار سنگ زرد سائیده بر قضیب بمالد و مجامعت نماید هیچ مرد بران قادر

نشود دواء که تعظیم ذکر کند ص بگیرند خراطین و بشویند و خشک کنند و باریک سائیده
و بروغن کنجد آمیخته بر قضیب پس از دلک بخرقه خشن طلا نمایند و یک شب بدارند و بشویند
و بمالند و همین قسم مکرر بعمل آرند عظم تمام آرد و بدانند که دلک دائم و از عقب دلک روغن
مالیدن تا آنکه منجذب شده باشد بتحلیل رود و بآب گرم تطلیل نمودن و بزفت طلا کردن
از معظمات عضو است و اگر زلو بگیرند و در نارجیل که آب در و موجود باشد بنهند و در جای
محفوظ نگاهدارند تا تمام آب خشک شود و زلو نیز پس بیرون آرند و پس باریک ساخته طلا
نمایند در سطبر نمودن قضیب اثر تمام دارد و اگر آب نارجیل نباشد عوض او قدری خمیر داخل
نمایند و اگر پیاز نرگس را که گل نیاورده باشد اندکی تراشیده و از ان پیاز قضیب را بمالند
تا سرخ شود پس شیر میش طلا نمایند و خمیر کنند و در روز چند مرتبه این عمل نمایند تعظیم ذکر نماید
و اگر زفت بعد مالیدن شیر ریزند و ساعتی نگاهدارند و باز بگشایند و همچنین کنند منفعت عظیم
خواهد کرد دواء که چون زن بفرج خود بمالد مرد فریفته آن زن گردد ص گوشت ممولا خشک
ساخته سائیده در عسل آمیخته استعمال نمایند دواء که حرقت شدید فرج و سوزش بول را
نافع است ص کافور قیصوری در گلاب یا آب سائیده استعمال نمایند صاحب حاوی
گوید زنی معتاد بود که در ایام حمل حرقه در فرج او پیدا میشد و دهن رحم آهسته آهسته بعد چهار ماه
گشاده میشد در ماه هفتم هشتم بچه می انداخت و هیچ دوا فائده نمیکرد و آخر الامر اجازت دادم
باین دوا و تدابیر دیگر نیز مرعی داشتم اثر تمام مشاهده گردید دواء که منسوب ست به یحیی بن
خالد بجهت وجع مفاصل مجرب ست ص سورنجان ده درم سنائکی پنج درم زنجبیل
زیره کرمانی دار فلفل اسارون هر یک دو درم بعسل ابرشند شربت دو مثقال با آب نیم گرم
و اگر بسبیل سفوف استعمال نمایند وزن ادویه یک مثقال کافی است دواء مخدر
که عند شدة وجع استعمال نمایند یکمثقال ص تخم کاهو تخم بنج سفید هر یکده درم شیطرج
افیون هر یک دو درم بهم آمیخته مثل چلغوزه حبوب کنند و یک حب بدهند و اگر بسبیل

سفوف استعمال نمایند نیز رواست دواء که جهت وجع الورک و وجع الرکبه مجرب است
ص اجواین بالون کلونجی میتهی هر چهار برابر یکجائی آنکه بکوبند و هر صباح آنقدر که در گرفتن
سه انگشت بیاید بآب بخورند و در کاستن و فزودن حسب مزاج مختار اند دواء که جهت
عرق النسا از مجربات قدما است و صاحب تحفه سفوف سنا نامیده ص سورنجان پنج درم
سنائکی شش درم با سه درم شکر دواء که بعد تنقیه بجهت وجع مفاصل استعمال نموده میشود
ص سورنجان مصری نیم مثقال لوزبدان مصطگی هر یک نیم درم هر سه را سائیده در گلقند
آفتابی هفت درم آمیخته بخورند و عقب آن عرق خارخسک عرق گاوزبان عرق خیارشنبر هر یک
پنج تولہ شربت اصول دو تولہ تا هفت روز بخورند دواء که بجهت وجع مفاصل و امثال
آن بنهایت مجرب نوشته اند ص سورنجان هفت درم زیره کرمانی مدبر فودنه هر یکده درم فلفل
یکدرم قند سفید دوازده درم کوفته بیخته شربت سه درم دواء الاربع جهت مفاصل بسیار
مجرب نوشته اند ص کمادریوس کمافیطوس جنطیانا تخم سداب مساوی هر روز یکمثقال
از ابتدای زمستان تا شروع تابستان بخورند و محرور المزاج کمتر استعمال باید کرد دواء الحرمل
بجهت اوجاع مفاصل مجرب نوشته اند ص هزار اسفند تخم ترب حلتیت مر و بوره ارمنی
نوشادر مساوی کوفته بیخته استعمال نمایند دواء برای منع عرق در تبها و جز آن مستعمل است
ص برگ مورد گلنار کهربا سائیده بر بدن پاشند دواء که در جدری و غیره هر گاه آبله
بزرگ در چشم بر آید استعمال کرده میشود ص سرمه اصفهانی کافور بآب کشنیز سبز حل کرده
هر ساعت در چشم بچکانند و برفاده بر چشم نهند و تخته از سرب باندازه چشم بر بالای لبته دارند و اگر
فقط سرمه با گلاب سائیده یا بی گلاب در چشم کنند نیز مفید بود و پیش از بروز آبله جدری
اگر در چشم کشند مانع بروز جدری در چشم بود دواء که حلق را از آفت جدری نگاهدارد ص
سماق گل سرخ عدس سرخ در گلاب جوشانیده غرغره کنند و بارب توت و آب [illegible]
مفید بود دواء که در بر آمدن جدری زمانیکه دیرات گیرد که در و علامات نموده باشد

بکار آید ص بابونه اکلیل الملک بنفشه خطمی سبوس گندم مجموع یا هر واحد در آب جوشانیده علی ا
بخور کنند دوا ـه که چون بر آبله باشد سفید بود ص گل سرخ کندر صبر انزروت دم الاخوین همه
سائیده استعمال نمایند دوا ـه در زمانی که خشک ریشه بافتد که در زیر خشک ریشه رطوبتی باشد
و عمق داشته باشد بکار آید ص صبر مر زرد چوبه مردار سنگ اقلیمیای نقره سفید آب قلعی
سائیده در ان عمق کنند تا پر شود دوا ـه که نشان آبله از روی بر د ص بیخ نی خشک سوخته
استخوان سوخته یا پوسیده پشک گوسفند کهن سفال نو تخم خربوزه نشاسته آرد نخود هر یکی ده درم
حب الملبسان قسط زراوند طویل هر یک پنج درم کوفته بیخته با آب خربوزه یا آب باقلا سرشته
بشب طلا نمایند و در بنفشه بپزند و با آب آن روزانه بشویند دوا ـه دیگر مردار سنگ سفید کرده
دو درم آرد باقلا آرد نخود بیخ نی خشک هر یک سه درم تخم خربوزه پنج درم سائیده بگشکاب آمیخته
بکار بعمل آرند دوا ـه که در حمی مرکبه از بلغم و صفرا معمول راقم است خصوصاً هرگاه بعد تنقیه
استعمال کنند بسیار نافع آید ص گلقند سکنجبین هر یک چار درم بهم آمیخته بخورند و عقب آن شیره
بادیان شیره تخم کاسنی شیره تخم خیارین هر یک سه درم در عرقهای مناسب کشیده شربت بزوری
بارد هفت درم اضافه نموده بخورانند و گاهی حبه هم بقدر سه درم اضافه کرده میشود دوا ـه
که جهت ربع مجرب نوشته اند ص برگ دهتوره سیاه برگ پان لیگری فلفل گرد هر یک دو نیم
عدد باریک ساخته قدر فلفل حب سازند یکی صبح و یکی شام با آب گرم بدهند دوا ـه الثوم
جهت ربع بلغمی مجرب نوشته اند ص ثوم نیم مثقال قسط مغز جوز هر یک دو نیم مثقال پیش از
نوبت بخورند دوا ـه التربد حمیات بلغمی را نافع بود ص زنجبیل بادیان مصطگی از هر یکی ده درم
تربد موصوف بیست درم شکر طبرزد چهل درم شربت هر شب یکمثقال دوا ـه الحلتیت تپ
ربع و گزیدن عقرب و رتیلا و مانند اینها را نافع است و از جهت تپ بعد از گذشتن چهار دور
و پدید آمدن نضج در هوا د همراه سکنجبین دهند و جهت گزیدن جانوران زهره دار همراه شراب
ص حلتیت سداب مر و فلفل مساوی کوفته بعسل بسرشند شربت مقدار یک جوز دوا ـه که جاذب

گفته ندیده ام کسی را که خورده باشد این دوا ـه را و نفع از سگ دیوانه ندیده ام ص سرطان نهری
محرق دو جزو کندر یک جزو هر روز دو درم صباح دو درم عشا با آب سرد بخورند دوا ـه که در زیر
دست از سر تا بکار آید ص شلغم را میان خالی کرده و موم و روغن در میان نمایند و در خاکستر گرم
نهند و طلا نمایند و اگر شلغم پاره کنند و در روغن بجوشانند و ضماد نمایند نیز سود دهد دوا ـه که در زیر بدن
باشند بکار آید ص پیه بز گداخته باز و زم سائیده در هم آمیخته ترقیق کنند دوا ـه که جهت استیصال
ماده جرب رطب صاحب بقائی ستوده ص مصطگی یکدرم مامیران چینی دو درم گل سرخ
مدبر در سرکه و روغن بادام هر یک سه درم صبر سقوطری ده درم کوفته بیخته سه درم یا کم از ان
با امثال آن شکر تری آمیخته یا بگرم می خورند و اگر خواهند با سه چندان شکر تری مقوم سازند
و بقدر تحمل بعمل آرند نیز رواست دوا ـه برای ضربه معمول راقم ص لک مغسول مصطگی فوه
ریوند چینی از هر یک پنج درم کوفته بیخته بر زرده بیضه مرغ نیم برشت انداخته بخورند جمله یک شربت است
دوا ـه برای برص از حکیم محمد احسن که خال راقم اند تجربه براقم رسیده ص بابچی نیم آثار نمک سنگ
سه پاو کوفته بیخته بقدر یکقدست خورده باشند غذا سوای نان نخود هیچ نخورند و در اثنای خوردن
این دوا مالش باین دوا کرده باشند بابچی پاو آثار نمک نیم آثار کوفته در دوغ شیر گاو تر نمایند و بگذارند
هر روز مالیده باشند دوا ـه که بسرعت حلق شعر نماید ص بگیرند آهک تازه و بر روی تشش خیلی آب
آب اندازند و سه روز بدارند و پس صاف نموده شد پس آن آهک دیگر اندازند و بعد از سه روز
صاف نمایند باز بهمان قدر آهک دیگر اندازند و بعد سه روز صاف نمایند پس زرنیخ اصفر ثلث
آن باریک ساخته اندازند و در آفتاب بدارند و بر ریشه امتحان کنند پس بصوفه بدن را بمالند
گر زود حلق میکنند و بعد از ان روغن گل طلا نمایند و اگر ضرورت باشد که جلد مرتب سازند بگیرند
نوره و ثلث آن زرنیخ و هر دو را در آب سائیده بر موی ها بمالند و ساعتی صبر نمایند پس بعد
کنند و اگر هر دو را در آب سائیده در قدری آب بر آتش بپزند و استعمال کنند اقوی خواهد بود
و اگر قدری صبر درین بیفزایند هم بوی نوره و زرنیخ دور خواهد کرد و هم در خواص قوی خواهد بود

دواء مذکور تصرف حکیم علی آهک آب نادیده یک رطل زرنیخ زرد خالص سه اوقیه صبر یک مثقال
هر یک را علیحده علیحده بسایند پس همه یکجا خلط کنند و آب گرم بقدر کفایت بیندازند و بیضه مرغ
یک عدد بران بشکنند و خوب مخلوط سازند و روغن گل سه اوقیه اضافه نموده گرم گرم استعمال
دواء مذکور نیز باختراع حکیم علی خوشبو کند بدن را و وجع مفاصل و خاصره و ورکین و زانو دفع
نماید و تحلیل ریاح و تقویت اعضا و تنشیط حرکات کند ص نوره آب نادیده دو رطل زرنیخ
ورقی سه اوقیه زرنباد دو مثقال صبر سقوطری جندبیدستر هر یک یک مثقال علیحده علیحده بکوبند
بیامیزند و دیگر بسرشانند تا خوب باریک شود پس بگیرند موج دو رطل و نیمکوب کنند و در آب خو
بجوشانند و صاف نموده ادویه مسحوقه باین آب بسرشند و بیضه مرغ عددی بران بشکنند و
کنجد پنج مثقال اضافه کرده بر بدن طلا نمایند و اگر زرنیخ کم کنند بهتر باشد و قوة نوره ضعیف گردد
و موی را دیر بسترد و بزمانی معتد به ملاصق بدن باشد و نفع بامراض بیشتر ظاهر گردد دوا
بجهت آتشک ص شنگرف عاقرقرحا فوه سهاگه اجواین نیلا تهوتهه همه را جوکوب نموده چهار
پُری سازند یک صبح و یک شام در حقه گلی بکشند دواء که چون برابط و حانه و ذقن بمالند
نبات موی کند ص طین قیمولیا اسفیداج رصاص هر یک جزو شب نیم جزو با آب پنج
نمایند دواء که در تسمین عجیب است ص کهربا بهمن سفید مغاث زرنباد جوز گندم تخم
هر یک هفت درم کوفته بیخته بریان کنند و لیست گندم بقدر سبوق ساییده آمیزند و شکر
بقدری که شیرین سازد اضافه نموده موافق مزاج استعمال نمایند دواء دیگر برای تسمین
همه قندی بهتر ازین درین باب هیچ دوای نیست ص حب السمنه بوزیدان جوز گندم
فلفل هر یک یکدرم حب المحلب قرفه دارچینی تنقاقل هر یک سه درم تودری سفید
تخم خشخاش هر یک پنجدرم زعفران دو درم جوز هندی آرد باقلا آرد نخود هر یک ده استار
کتیرا بروغن جمره هر یک نیم من مغز بادام آرد پنج شکر سفید فانید هر یک یکمن عسل منزوع الرغوه
فانید را بکوبند و با عسل آمیزند و بر آتش نهند تا مختلط گردد پس فرود آرند و ادویه کوفته بیخته غیر از

دران آمیزند و زعفران در گلاب حل کنند و با شکر آمیزند و بر آتش بپزند و روغن اندک اندک داخل
کنند و بجنبانند که حلوا شود و پس این را با سابق بسرشند و هر روز پنجدرم بخورند و بعد او باندک زمان
استحکام نمایند بجهت سلعه که آنرا در هندی رسولی گویند نفع بین میرسانند چونه پان سجی لوٹه هر دو را برابر
گرفته بآب کهرل نمایند و بقدر نصف نخود درمیان رسولی گذارند بعد از سه چهار روز منفجر شده آب
خواهد برآمد بعد ازان مرهم گذاشته علاج نمایند و تا به شدن آب هرگز نرسانند که بیم عود است دوا
که از محمد حیات اکبرآبادی براقم رسیده بجهت آتشک مجرب است ص شنگرف بریان کرده زنگار
هر یک دو ماشه خرمهره زرد سوخته چهار عدد سپاری چهالیه سوخته یک عدد مردار سنگ بریان
کرده نیله تهوتهه بریان کرده رال هر یک دو ماشه شنگرف نیله تهوتهه مردار سنگ هر سه را ساییده
بعد خرمهره و سپاری چهالیه ساییده بعده زنگار باهم بیامیزند خوراک از نیم سرخ تا دو نیم سرخ و
اراده خوردن دوا کنند اول نان گندم بوزن چهار دام بپزند و بروغن زرد چوب چرب کرده
و اندکی نان از میان گرفته دوا را در و انداخته غلوله البته بخورند بعد ازان تمام نان را بخورند دوا
که در تسمین بغایت نافع است ص کتیرا مغز بادام نشاسته شکر جمله برابر بگیرند و قدر و اوقیه تناول
نمایند و مداومت فرمایند دواء که بدن را لاغر کند ص نانخواه تخم بادیان
هر یک چهار درم چوب لک یا لک مغسول دو درم بوره ارمنی مرزنجوش هر یک یکدرم کوفته
بیخته هر روز یک مثقال بدهند دواء دیگر نزل ص زاج زرد اوند مدحرج خطبیا نا هر یک دانگی
و نیم مرزنجوش نیمدرم لک مغسول سندروس هر یک چهار دانگ کوفته بیخته دو دانگ بخورند دوا
که حبس عرق کند و شکم بندد ص برنج سماق کشنیز عدس عناب در آب بجوشانند و آب او را
تنها یا با شربت خشخاش بنوشند دواء دیگر که عرق بند کند ص مازو با قدری سفیداب زیر باریک ساخته
با روغن گل آمیزند و بر بدن بمالند دواء دیگر ص گل سرخ گلنار اقاقیا حضض کندر بروغن گل
باگلاب ساییده بمالند و تدهین روغن نفع تمام دارد و غذای که حبس عرق کند هریسه و گوشت
نمک سود و گوشت گاو و امثال آن این است دواء که چون از موضع جراحت زلو بازدارد

ص خرقه با سرکه ترکرده بر جراحت نهند و بگیرند گل ارمنی یک جزو پوست بیخ تفاح افیون یک بر
نیم جزو کوفته بیخته بآب سرشته بنادق سازند و وقت حاجت بگلاب و قدری سرکه انگوری
سائیده طلا نمایند بالای آن خرقه مسلول بآب برف نهند و اگر خشک شود تبدیل خرقه نمایند
دوا که بجهت کشادن جراحت موضع گزیده سگ دیوانه بکار آید ص زفت یک رطل جاوشیر
یک رطل در سرکه حل کنند و زفت باوی ببرشند و ضماد کنند و پیاز و حلتیت را بر سر موضع گذاشتن
همین کار کنند و حکیم کاشغا گفته که بهتر از پیاز در علاج سگ دیوانه هیچ چیز نیافتم طریق آنست که نیم من
پیاز را آب گرفته در سه شبانروز بیاشامند دوا دیگر برای ورم که بعد از بیماری ها در رانها و پشت
ماو چشم و روی پدید آید سود و هد ص صبر اقاقیا مرکی سعد شیاف ماميثا زعفران حضض گل ارمنی
طلا نمایند دوا که دمامیل را نافع است ص تخم کتان حلبه هریکده درم میعه سائله چهار درم
موم سفید بسبب ورم بروغن یاسمین ضماد کنند دوا جهت انضاج دمامیل ص خمیر ترش
ده اوقیه تخم مر کوفته اسبغول مسلم بروغن گاو چرب نموده هریک یک اوقیه و نصف لبن
التین سه اوقیه حلبه تخم کتان هریک پنجدرم و بر سر بندو بکار برند دوا که ورم و دمامیل
بکشاید ص خمیر نان سه جزو بوره ارمنی نمک جاوشیر سرگین کبوتر سرگین خروس هریک یکجزو
بکوبند و بزیت سرشته استعمال نمایند دوا دیگر جهت اورام حاره و ورم حار فرج و قضیب
و کنج ران و سایر اعضا از مجربات است ص کوکنار بکوبند و باریک در آب بپزند که مهرا شود
پس هم چند کوکنار اسبغل بگیرند و سحق نمایند و روغن گل بقدر مناسب اضافه کرده استعمال
کنند دوا دیگر جهت کسر حادث و ورم سرطانی خواه متقرح باشد یا سرف هر تقرح بود ص سپیده
اسرب توتیا شسته بالسویه روغن گل در آب خرفه آب عنب الثعلب لعاب تخم خطمی آب کدو
آب تخم خیار هر کدام که حاضر باشد آمیزند و برنهند دوا دیگر جهت سرطان متقرح و جرب حار
و حکه و اورام حاره مجرب است و منع مردی نماید ص سرب را بآب کاسنی بسایند تا غلیظ
شود و بروغن گل یا روغن بادام بالسویه ضماد نمایند و اگر بآب کشنیز سبز یا آب برگ بارتنگ

بسایند همین حکم دارد دوا دیگر که در تلیین اورام صلبه و تحلیل صلابات نافع تر است و
قوی الاثر ص پیه بط پیه ماکیان مغز ساق گاو موم زرد همه را بروغن بگذارند و بر عضو نهند
یک شبانروز و قبل از وضع دوا باید که بر عضو تنطیل کنند بطبیخ خطمی یا بآب صرف نیمگرم و
تضمید دیگر نمایند و هر بار بحسب تنطیل لازم دانند و چون رخاوه و رو ورم جاذب گرد د محللات
بکار برند دوا دیگر جهت خنازیر حاره بکار آید ص مرصاف یک جزو حضض مکی دو جزو
بآب کشنیز تازه ضماد نمایند دوا برای رشته ص افیون پیاز صابون روغن کنجد پیاز
و صابون را ریزه ریزه کرده در روغن جوش دهند که مثل مرهم شود بر دهن نارو و حوالی
آن ضماد کنند اول بخار آن بموضع رسانید بعد از ان ضماد کنند دوا دیگر جهت خنازیر و
اورام صلبه ص تخم حلبه تخم کتان تخم کرنب یکجا کنند و ضماد نمایند دوا دیگر جهت خنازیر
و امثال آن ص سرگین گاو خشک کرده بابونه اشق خطمی همه باریک ساخته و بهم آمیخته
ضماد نمایند دوا دیگر جهت خنازیر که بی حرارت باشد و جهت سلعه بغایت موثر ص
قنه دو درم حلتیت اشق هریک پنجدرم جاوشیر فرفیون هریک هفتدرم مقل ازرق چار درم
سکبینج سه درم جمله را در سرکه حل کنند و بآب کشنیز ضماد نمایند و بعد سه روز تازه سازند دوا
برای حرارت ص دقیق نخود جهل درم حلبه بورق نخاله رصاص سفید مسحوق از هریک هشتدرم
گل خطمی شش درم کوفته از خل خمر که ممزوج باشد خمیر کرده بر سر مالند و از روغن گل ممزوج
بگل نموده تدهین کنند دوا که بوی نوره دور کند ص برگ خوخ عفص حنا گل سرخ
سک صندل سفید مفرد یا مجموع کوفته بیخته بعسل طلا کنند دوا دیگر که اورام صلب
چون خنازیر برد و سلعه و امثال آنرا ببرد ص سرطان نهری تازه بکوبند و ضماد نمایند تا یک روز
صبح و شام تازه نمایند و بعد سه روز بانوره و نمک ملح مناصفه بکوبند و ضماد کنند از صبح تا شام
و از شام تا صبح در سه روز بپخته میکنند و بعده بادویه منقیه سازند دوا جهت برص مجرب است
ص بابچی غنچه گلنار وهن بسته بمساوی صلابه نموده بر موضع برص بمالند از بیاض عم مرحوم

نقل شده دواء برای کلف ص پوست بفیه واشنان مربی تخم خربوزه دقیق صعتر منخول اصول قضیب قشور عدس دقیق باقلا فوفل زبد البحر مامیران چینی از هر واحد یک جزو ادویه باریک سائیده بکار برند و بقدر حاجت گرفته بآب ترب خمیر کرده بر موضع طلا نمایند

دواء دیگر ص ترمس باقلا شعیر مقشر نخود کرسنه تخم خربوزه از هر واحد چهار درم قسط بادام تلخ بیخ سوسن زبد البحر زراوند مدحرج از هر واحد دو درم تخم ترب حجر فلفل کندش جزد کنجشک زرد سفید از هر واحد درم و نصف همه را باریک کوفته در آب رشته طلا نمایند و بآب نخاله بشویند

دواء که منع ریختن شعر ابرو نماید مجرب است ص خاکستر نفاحات که در شکم ماهی میباشد خاکستر قشور بندق بیخ نی لادن برابر گرفته در شراب حل نموده برابر و طلا نمایند و کم خواهد بود که این دواء نفع نکند

دواء که برای برص مجرب است ص خاکستر زراوند مدحرج بابونه همه را باریک سائیده از آبی که در آن انجیر پخته باشند سرشته بروجه طلا نمایند

دواء که مسمی به معتصمی است معتصم بعضی اطبا را برای غلام خود فرمایش کرده بود ص بگیرند فیروطی که معمول ارد فائز است بر بدن مالش کنند پس بحمام برند و لحاف بپوشند تا آمدن عرق شروع نماید و آب نیمگرم بر بدن اندازند تا که رطوبت آن در بدن سرایت کند پس این طلا نمایند ص رماد حلزون رماد بیخ سداب دشتی هر یک مساوی ظلف ماعز کرنب نبطی از هر یک جزو همه را در سرکه انگوری و قدری زیت حل نموده متواتر طلا نمایند در هر موضع که باشد موی بر دیابد و تخلف ندارد

دواء که موی باریک بلند ص لحاء درخت انجیر لحاء کرم سفید بری طین قیمولیا از هر واحد قدر من در آوند آهن کرده گل حکمت نمایند و در تنور فخارین بریان کنند پس خارج نمایند و نصف درم بورق و مازو سه عدد با آن سائیده استعمال نمایند

دواء که زنبور از آن بگریزد ص بگیرند گوگرد بالسر زنبور و آن لبوزانند و اگر عصاره خطمی یا حناء دشتی در زیت حل کرده کسی بر خود مالد زنبور گرد آن کس نگردد و اگر پوست ترب را بر گزدم نهند بمیرد و همچنین آب ترب و برگ آن و آب دهان روزه دار که مزاج او گرم باشد گزدم را بکشد و اگر حنظل

در آب جوشانیده آن آب را در خانه پراگنده کنند کیکان بمیرند و اگر خون بز در زمین دفن کنند کیکان آنجا جمع شوند

دواء که سفیدی موضع حجامت دور کند ص مردار سنگ سفید کرده بعد از فراغ از حجامت بمالند همچنین قهوه سائیدن در ساعتی گذاشتن

دواء که نفع به ثالیل بخشد هر روز چند بار لب کره و نمک ثالیل را دلک کنند و از پارچه شب یمانی تکرار بمالند که خون آلوده شود

دواء که دماميل را بگشاید و از شگافتن با آهن مستغنی سازد ص آهک آب ندیده با پیه ممزوج کرده برنهند

دواء برای رفع رشته ص صابون قدری در روغن کنجد مرهم ساخته ضماد نمایند انشاء الله تعالی در سه روز نفع بین نماید

دواء که هزال می نماید ص لک مغسول با یک درم سرکه چند روز بخورند و اگر هر روز سه درم از سندروس در آب و سکنجبین حل کرده با سه هفته بخورند تهزیل بی اذیت کند

دواء که از مجربات محمد زکریا است بجهت ازاله برص ص مورچه کلان که از گور بر می آیند با سرکه بسایند و موضع برص را بخراشند بعد از آنکه تنقیه بمسهلات کرده و یک اربعین روز و شب طلا نمایند و بروغن بادام و آب نطرون بشویند

دواء که حبس عرق نماید ص شب یمانی با آب حل کرده بمالند بورق سوسن و آس و طرفا و آب معصور آن

دواء که عرق مدنی را بغایت نافع است در اول ظهور نفاط ص نیم درم صبر بخورند روز دوم درم روز سوم یکنیم درم و موضع را نیز بصبر طلا کنند و هر گاه رشته ظهور نماید باید که بر پارچه سرب که بوزن یکدام باشد بپیچند و از قطع شدن رشته پرهیز کنند مگر آنوقت که رشته دراز شود پس درین صورت اندکی از آن قطع کنند و باقی را بر پارچه سرب بندند

دواء که سبزی و کبودی که از ضربه بهم رسد بر دص برگ کلم یا ترب یا پودینه کوبیده ضماد نمایند

دواء که سپش را بکشد ص زیبق در آب برگ سحق بلیغ نمایند و ریسمان را چند مرتبه تر نموده خشک ساخته در کمر بندند

دواء که خنازیر را منفجر سازد و هم تحلیل نماید ص حجر مقناطیس را به سرکه و آب سداب حل کرده بمالند

دواء که داء الحیه را نافع باشد ص بزر قطونا به سرکه ضماد نمایند و خرقه در آب تر کرده برو بپیچند

وانگشت را در آب یخ بگذارند و حضض طلا کردن در ابتداء نافع می آید و صمغ سرو ضماد کنند و چند روز لبسته دارند تا نرم شود پس سوزن و رین ناخن زنند تا خون بسیار ریزد پس صمغ با سرکه کوفته ضماد کنند از صبح تا شب و دست را تازه با ناخس معیوب بندارد دواء که برص را در دو روز باذن الله رفع نماید ص بگیرند ماری و لبنگافند و شاهتره تر یا خشک در شکمش پر کرده بدوزند و بر روی آتش کباب کنند تا پخته شود پس شاهتره را برآورده بر موضع برص ضماد نمایند دواء بجهت تشقاق که در لحم سرایت کرده باشد ص سندروس بکوبند و بار کذر بپزند تا غلیظ شود پس از تشقاق بچکانند دواء که گنده بغل دور کند ص توتیا بگلاب سوده بر کاسه سفال تو بمالند و عود را بر مجمر نهاده بر بخار عود گذارند تا خوشبو گردد پس توتیا را در بغل بمالند دواء که کلف و تیرگی روی را ببرد ص غنچه گل چینه مع برگ و پوست بآب سایند بر روی طلا کنند دواء که سعفه سرخ را که بر روی واقع شود نفع نماید ص بگیرند صابون و در گلاب سائیده طلا کنند هر روز بگذارند یکدو ساعت پس با آب گرم بشویند و اعاده کنند بارها و جهت جهانجن که در عضو بهم میرسد و جلد تو بر تو مثل قوبا مقشر میگردد نیز مجرب است دواء که کری گوش ببرد مغز بادام مغز تخم کدو تلخ هر یک یکدام بیخ نیم پاو ادرک نیم پاو سیر نیمه را نیمکوب کرده در آب جوشانیده و صاف نموده بروغن کنجد نیم سیر داخل کرده بجوشانند تا آب جذب شود و روغن بماند چند قطره گرم کرده بچکانند دواء که برای بند کردن ریم از گوش بعد از آن که اخراج از ادویه دیگر کرده باشند مجرب است ص پوست بیضه مرغ و خرمهره زرد مساوی گرفته هر دو را سوخته سائیده نگاه دارند و در گوش قدری از آن بدمند دواء که گوش را از چرک پاک کند ص فتیله بعسل آلوده از زروت مسحوق بر آن پاشیده در گوش گذارند دواء که آب در گوش رفته باشد ز جمل و دیگر تدابیر برنیاید فوراً برآرد چوب مروی یا شبت یا بادیان که متخلخل باشد بقدر ریگ جب بگیرند یک طرف او بمقدار ثلث وی که چهار انگشت مضموم میشود پنبه بپیچند با زیت یا روغن دیگر بیالایند و طرف ثانی چوب مذکور که در گوش

خواهند نهاد هموار کنند بنهجی که اندر گوش در آید و چسپان شود و تا هموار او داخل نباشد و اگر طرفی خالی نماید بپارچه مخصوص سازند پس آن طرف که پنبه است بفروزند و هرگاه حرارت وی اندر گوش کما ینبغی محسوس گردد چوب را دفعةً بیرون کنند تا بنا بر ضرورت آب منجذب شود و در اثنای این عمل باید که مریض بر همان شق مضطجع باشد تا آب بسهولت برآید و هرگاه آب اندک بود بسا باشد که بنا بر حرارت خود بخود منجذب شود و تحلیل یابد دواء که در دگوش دور نماید ص آب برگ سندروس در گوش چکانند دواء که کرم گوش را بکشد ص حنظل تازه در آتش کنند چون پخته شود مغز او بمالند و فشرده و در اندرون بچکانند کرم بمیرد دواء که رطوبت صرف که از گوش سائل شود دفع نماید ص مازو باریک ساخته در شراب کهنه آمیخته بچکانند دواء که در سیلان خون از گوش باز دارد ص انار مع پوست و آنچه درد است اندر سرکه بپزند و بچکانند دواء که در دگوش را بسبب ریاح بود مفید بود ص شلغم را در آب پخته بخار آن بگیرند دواء نافع جهت سیلان خون از گوش و مجرب درین باب نوشته اند ص بگیرند کلیه ثور و قدری از شحم آن محلج کرده نیم بریان کنند و فشرده آنرا آب بگیرند و در گوش چکانند و ثقل آن نیز نافع است و همچنین چکانیدن روغن خسته زرد آلو دوی و ثقل آن درد را ببرد دواء که قرحه و بثره گوش را ببرد ص لعاب حلبه و تخم کتان و تخم مرو فراوی یا مجموع بآب زنان آمیخته در گوش چکانند دواء که کرم گوش بکشد بلیم کوفته بخته در گوش اندازند و یا آلبن برآورده بچکانند و همچنین اگر قطور کرده شود صبر و سقمونیا محلول بآب گرم دواء که درد گوش ببرد ص مهاور در شیر عورت حل کرده در گوش چکانند و اگر مرزنجوش جوشانیده بخار آن بگیرند ثقل گوش و وجع ببرد دواء برای جبل مجرب ص جوز بوا سه درم تخم پیاز تخم جرجیر تخم شبت لسان العصافیر از هر یک یکدرم مشک یا عنبر هر واحد که باشد قدری گرفته بعسل بسرشند وزن بعد از طهر در صوف بقدر سه ساعت دارد بعد از آن بیرون آورده صحبت نماید دواء نافع برای فتق ص ویرا از نبت هشت درم حبة السوداء زرور و از هر یک چهار درم ورق

گل سرخ شانزده درم عسل کف گرفته هشت اوقیه هر اوقیه پنجاه درم دبر ارنب را از موضع
مختلف از جلد ارنب بگیرند و باریک بسایند و باقی ادویه بعسل سرشته شوند و باتش ملایم بپزند تا غلیظ
شود و وقت خواب بخورند وقتیکه معده خالی از طعام باشد دواء جهت بند کشاد نافع است
ص کونپل درخت ڈهاک که وانشده باشد و بعد از خزان آن بهم میرسد هر قدر که باشد نرم
کوفته با قند سیاه شش هفت ساله و هر قدر که کهنه باشد بهتر بسیار سحق نموده بقدر یک توله گولی
بسته تا چهارده گولی بخورند دواء که نعقد وجع مفاصل را نفع نماید ص تخم شبت را گرفته
در آب بپزند و بخار آن بعضو برسانند و همچنین خوردن البان برای وجع ظهر مجرب است
دواء که درد پشت را که از باد و بلغم بود سود دارد ص شاخ آهو را در آوند کرده بگل حکمت گیرند
و در آتش افگنده بسوزانند آنگاه برآورده آس کنند و هر روز قدری از ان با روغن گاو بخورند
مجرب نوشته اند و حکیم علی گوید روغن گل در صلایه داشته که از سرب مصنوع باشد بمالند و آن
روغن را بر مفاصل طلا کنند وجع آن رفع نماید و سحاقه و حراقه سرب جهت وجع مفاصل نیز
مفید است و بستن قطعه سرب بر النواه و تعقد مفاصل از آبه آن کند دواء که جهت نقرس
درد مفاصل مجرب نوشته اند ص استخوان آدمی سوخته باریک ساخته بگلاب سرشته و مهیا
کنند و قدری بخورند و صاحب تحفه گوید آشامیدن استخوان سوخته انسان سه روز هر روز یک مثقال
با مثقال آن شکر جهت عرق النسا و مفاصل و صرع بغایت آزموده شد دلوک جید برای
ربو بلغمی ص زبد البحر بوره ارمنی باریک سائیده در پارچه خشن بسته بر صدر و اضلاع آهسته
دلک نمایند و اگر از دلک اغبار شود روغن خنبیل و روغن خیری باهم آمیخته قدری بر سینه
بمالند دلوک جهت خناق و اقسام آن را نفع کند ص سبوس گندم اکلیل الملک بابونه
خطمی زوفا نمک در آب بپزند و پای ها را درین مطبوخ بمالند تا که سرخ شود ڈربهره گهیگوار
لغت هندی است و معنی آن بهندی صبر است و از اطبا است که گفته اند از برای جمیع
امراض سوداوی و بلغمی و جمیع امراض بارده معده و کبد و انثیین و استسقا را دفع کند

ص قند سیاه هشت سیر شاه جهانی پوست مغیلان پنج سیر شاهجهانی برگ صبر که خارهای
آنرا دور کرده باشند دو سیر پوست هلیله زرد پوست بلیله پوست هلیله کابلی هلیله سیاه آمله منقی
از هر یک پنج توله اسارون سلیخه سیاه حب بلسان عود بلسان اسطوخودوس بادرنجبویه بسفایج فستقی
افسنتین رومی مصطگی انیسون دارچینی رازیانه زعفران برگ ترنج از هر یک چهار توله جوز بوا
ناشته ریزه ریزه کرده غنچه گل سرخ از هر یک پنج توله سنبل الطیب ناگکیسر کباب چینی مقل ازرق
دو قو فطر اسالیون از هر یک سه توله همه را کوفته بیخته با قند سیاه و پوست مغیلان در خم کرده
و آب بقدر ضرورت در ان ریخته خم را در سرگین اسپ دفن کنند و بگذارند که جوش خورده چون
برسد یعنی از جوش فرو نشیند آن را صافی نموده در شیشه ها کرده نگاهدارند و هر صبح و شام چهار پیاله
قهوه خوری از ان بنوشند ڈربهره بلادر نیز از اطباء هند است و منافع بسیار آن ذکر نموده
اند ص بلادر یک سیر پوست هلیله کابلی نیم سیر دار فلفل قرنفل از هر یک نه توله فلفل موی فلفل
از هر یک سدس یک سیر گل دهاوه پنج سیر قند سیاه دو وزن همه ادویه را نیم کوفته قند را
حل کرده ادویه را در و انداخته در میان خم نموده دفن کنند چون لائق برسد بپالایند و بکار
برند ڈربهره که راقم برای ورم سختی طحال و نفخ شکم و اشتها مفید یافته ص اجواین پوست هلیله
هر یک بیست درم کیث یعنی چرک آهن سه درم هر سه را اندکی بکوبند و در ظرف کهنه چرب
کرده در آب شیرین ده برابر همه انداخته و دهن ظرف محکم بسته در مغاکی که سرگین خشک
در ان پهن نموده باشند بگذارند بعد از ان تمام مغاک را از سرگین پر کنند و سه هفته بدارند پس بیرون
آورده صاف نمایند در شیشه کنند صبح و شام یکدام یا زیاده استعمال نمایند و بعضی قند سیاه
کهنه برابر همه اجزا داخل سازند و بعضی شیره گهیگوار نیز اضافه نمایند در صورت داخل نمودن
شیره اولی نزد راقم است سیاه که قند داخل نمایند **باب الذال المعجمه** ذرور بالفتح ادویه
یابسه که در چشم و جراحات و قروح پاشند و فرق در میان کحل و ذرور آن است که ذرور را
یک دفعه در چشم می اندازند و کحل را در چشم بمیل کشند تا مقدار قلیلی از دوا بچشم برسد و شرط

السّت کہ ادویہ ذرور بغایت باریک باشد بخلاف ادویہ کحل کہ آنجا احتیاج این قدر باریک نمودن نیست
زیراکہ در میل خرفیو ادویہ باریک متعلق نمیگردد ذرور ملکایا ورد بیخ وابتدای رمد را نافع بود ص
انزروت پروردۂ شیر خر نشاستہ صمغ عربی نبات مساوی کوفتہ بیختہ استعمال نمایند ذرور اصفر
نافع ست از برای کمنۃ المدہ وورد چشم کہ سبب آن رطوبت باشد ص انزروت مربی
پنجدرم شیاف مامیثا دودرم صبر زعفران تخم گل از ہر یک یکدرم افیون چہار دانگ کوفتہ بیختہ استعمال
نمایند ذرور دیگر قرحہ ومورسنج را نافع باشد ص سرمہ اصفہانی شادنج عدسی مغسول
صلایہ کردہ ذرور سازند ذرور وردی ابیض کہ ابتدای رمد را نافع باشد ص اقلیمیای
نقرہ سفیداب صبر سقوطری از ہر یک دودرم کتیرا ہشت درم صمغ عربی چہل درم گل سفید شصت درم
نشاستہ سی درم افیون دہ درم کوفتہ بیختہ بآب رازیانہ پروردہ ذرور سازند ذرور رمادی جرب
وسبل ودمعہ را نافع باشد ص مامیران چینی یکدرم توتیای کرمانی پروردہ شیح سوختہ پروردہ
توبال مس مغسول سرمہ اصفہانی پروردہ از ہر یک دو درم کوفتہ بیختہ استعمال نمایند ذرور
انزروت قرحہ را پاک سازد ص نشاستہ سہ درم انزروت مربی سفیداب صاص از ہر یک
یکدرم کوفتہ بیختہ ذرور سازند ذرور کہ دمعہ وجرب وضعف بصر را نافع بود وپیران را موافق باشد
ص توتیای مغسول دہ درم پوست ہلیلہ زرد صبر سقوطری دارفلفل زردچوبہ از ہر یک پنجدرم
فلفل دو درم کوفتہ بیختہ ذرور سازند ذرور کہ نافع است از برای جرب وسبل وظفرہ
واکلہ جفن ص اقلیمیای نقرہ صمغ عربی از ہر یک سہ درم زعفران فلفل شنگرف از ہر یک
دودرم افیون یکدرم ونیم صلایہ کردہ استعمال نمایند ذرور کہ جہت درد چشم اطفال نافع
باشد ص انزروت مربی خشک از ہر یک دہ درم دم الاخوین مامیران از ہر یک دودرم
کوفتہ بیختہ استعمال نمایند ذرور کمنہ ص دارفلفل دو دانگ ہلیلہ زرد حضض مر از ہر یک ربع درم
زبد البحر یکدرم مامیران صبر دانگی ونیم کوفتہ بیختہ استعمال نمایند ذرور کافوری کہ نافع است
از جہت حرارت ورمد ص صدف سوختہ مروارید ناسفتہ از ہر یک دودرم نشاستہ یکدرم

ودانگی صلایہ کردہ ذرور سازند ذرور مامیران جہت اختلاج دائم چشم وامراض باردہ مزمنہ وتقویت
بصر مجرب است ص زنجبیل قرنفل فلفل مامیران دارفلفل توتیای کرمانی مغسول صمغ عربی جملہ
برابر کوفتہ استعمال نمایند ذرور جہت رفع حمرہ چشم ورمد وجلای آن وطرفہ مجرب است
ص برگ عنب الثعلب سوختہ مروارید ناسفتہ مقناطیس سوختہ مغسول کشوث سوختہ
ریگ زرگران جلای نقرہ بادو میدہ ہند بالسویہ ذرور سازند ذرور سبل از مجموعہ ص تخم بیدانجیر
یک عدد نبات مصری یک مثقال انزروت سہ مثقال ہمہ را خوب باریک سائیدہ ذرور
کنند یا بمیل در چشم کشند وہر آشنار استعمال این ذرور این حب بخورد افیون تازہ بآب
یک مثقال رب السوس کتیرا از ہر یک سہ مثقال کوفتہ بیختہ بآب حب بقدر بندقہ بندند
وہر روز یکی از ان باکم فرو برند ذرور عسل جہت بیاض از حکیم علی ص بورہ ارمنی یک جزو
عسل سہ جزو خوب باہم آمیختہ نگہدارند ذرور کہ نافع است از برای درد چشم کہنہ وسرخی آن
وآب رفتن ص توتیای مغسول نشاستہ سفیداب ارزیز مساوی کوفتہ بیختہ ذرور سازند
ذرور وردی باعتبار رنگ منسوب بہ روشندہ جہت دو قسم مستعمل است ص پوست بیضہ وجاجہ
مدبرہ دہ درم شادنج مغسول دودرم جمع کردہ بسایند ذرور کہ جہت درد چشم اطفال ودفع ثقل
وصلابت اجفان اینہا نافع است منقول از بقائی ص انزروت سرخ اگر مدبر باشد بہتر والا
سادہ ہم کافی است ومعمول است بکجزو مردارسنگ بصری دو جزو چاکسو مقشر چار جزو ذرور
سازند وبیکبار برداشتہ پراگندہ وبند کردہ بالای چشم مالیدہ از نان گندم وروغن ورخشک درد ست
کردہ گدہ انداشتہ بر فادہ بر بندند اگر گرمی غالب بود وتسکین زیادہ مطلوب باشد برگہای تناخہای
نرمہ نارسیدہ بجای آن مالیدہ بر چشم بندند ذروری کہ جرب وثقل وغلظ اجفان را نافع
است ص زردی بیضہ در آفتاب خشک کردہ انزروت سفید بشیر خر پروردہ ہر یکی چار درم
مامیران ہر یکی نصف درم زعفران شیاف مامیثا ہر یک دو دانگ کوفتہ بیختہ استعمال نمایند
ذروری کہ در انحطاط مرض اکلہ بکار آید ص گلنار سفیداب قلعی ہر یک یکدرم زرنیخ مز

هر یک یکدرم و نیم توتیا بآب غوره پرورده دو درم و نیم سائیده بپاشند و باید که ازین ذرور چیزی
بحلق نرود ذروری دیگر که جهت قلاع احمر مجرب است ص طباشیر سفید جو سوخته
شیر خشت مساوی سائیده بپاشند ذرور جهت قلاع سفید قلیل الحرارت عفص چهار درم
زرد چوبه پوست انار گلنار سماق هر یک شش درم شب یمانی ده درم بعضی دوازده درم نوشته اند
همه را کوفته بیخته اول ادهان را بماء العسل سرشته بپاشند ذرور جهت قلاع شدید که مثل خار با
در زبان بهم رسد و باصطلاح اهل دکهن اچهری می نامند بسیار نافع است بعد خراشیدن از برگ
بید انجیر استعمال نمایند ص تنبول چن کته سفید کبابه چینی سنگ جراحت الایچی کلان شوره قلمی
برابر کوفته بیخته بکار برند نزدیک شده حرارت کافور اضافه نمایند و هرگاه تحلیل باشد کبابه عنب الثعلب
خشک سائیده بیفزایند ذرور که بکرر تجربه رسیده جوش دهان خصوصاً کهنه را ببرد ص
کته سفید طباشیر سفید دانه الایچی زیره گل سرخ زیره گل سیوتی ناگرموتهه کبابه چینی هلیله سیاه
باربکاین سوخته از هر یک یکماشه سیاهی نابه مغز المقاس خشک هر یک دو ماشه همه را کوفته
بیخته بر زبان بپاشند هر قدر که صلابه زیاده خواهد شد اقوی خواهد گشت ذرور برای قلاع معمول
حکیم علی اکبر خان مرحوم ص گاوزبان گیلانی محرق کاغذ محرق ودع محرق کشنیز خشک
در سرکه خیسانیده بریان کرده گل ارمنی حب الاس طباشیر سفید دم الاخوین مرجان سرخ
اقاقیا البسد بلیله کابلی گلنار فارسی فوفل عاقرقرحا پوست هلیله زرد برنج در آب بستان افروز
خیسانیده برگ ریباس اجزا مساوی کوفته بیخته بعد از غرغره که بآب چوب چینی کرده باشند ذرور
نمایند ذرور اسود نافع جهت گوشت پای دندان که گم شده باشد برویاند و گوشت فاسد را
دور بسازد و خون رفتن باز میدارد ص فوفل گلنار فارسی از هر یک دو مثقال شاخ بز
کوهی سوخته مثقال کاغذ خطائی سوخته نمک سود بعسل سرشته و سوخته سعد کوفی از هر یکدو
مثقال ایم مقشر طباشیر سفید غنچه گل سرخ درابی عاقرقرحا شب یمانی از هر یک نیم مثقال
کزمازج استخوان هلیله زرد آلو بخاری عود قماری خام سوخته صندل سفید سک اصلی را انک

پوست زرد اترج فوفل برگ مورد شاخ گوزن سوخته از هر یک مثقال دم الاخوین کندر
اذخر از هر یک مثقال همه اجزا را کوفته بحریر بیخته بر دهان و پای دندان بپاشند ذرور ابیض
لثه را محکم کند و قطع خون رفتن و تقویت دندان نماید و بوی دهان ببرد و دندان را از
افتادن و تآکل و کند شدن نگاه دارد و منع انصباب مواد بسوی عمور اسنان نماید ص
عاقرقرحا وج ترکی کزمازج سعد کوفی از هر یک سه درم قشور رمان مازو سبز قشار کندر گلنار فارسی
غنچه گل سرخ منزوع الاقماع از هر یک سه درم زبد البحر نمک طبرزد شب یمانی صدف سوخته از هر
یکدرم و نیم فلفل سفید مصطگی رومی عود بلسان از هر یکدرم مروارید ناسفته لبد چینی سفید از هر یک
سه درم فیلکوس سوخته پنجدرم اگر بهم نرسد دندان فیل بگیرند اشنه بلیله طباشیر سفید تخم خرفه مقشر نشاسته
کثیرا الشیر خشک سوخته ارد عدس از هر یک هفتدرم کوفته بیخته کافور قیصوری نیم مثقال داخل
کنند و بر دندان و لثه بپاشند و بعضی اوقات با سرکه مضمضه کننده و گاهی با زیت و روغن نفط
سرشته بر دندان و لثه گذارند و رفع حرکت دندان نماید لیکن در نرم کوبیدن نهایت سعی نمایند
ذرور قلاع و جوشش زبان را نفع تمام دارد و مجرب است ص دانه الایچی کلان بهمع دل
کشته کشنیز سوخته پهتکری جمله برابر کوفته بیخته بر دهان پاشند ذرور برای قلاع ابیض بارد
ص عاقرقرحا کبابه زعفران سعد فوفل جمله برابر کوفته بیخته استعمال ذرور سازند ذرور
اقوی در تخفیف بثور لثه و قلاع ص عروق پوست انار سماق از هر یک شش درم عفص چهار درم
شب یمانی دو درم کوفته بیخته ذرور سازند ذرور اعظم جهت جراحت قضیب و آکله و قروح
ساعیه دهان و گلو و سایر اعضا و رفع خون جراحات در رویانیدن گوشت و منع ورم و انصباب
مواد آزموده اند و از تالیف صاحب تحفه و از مجرب نوشته ص سفیح آب قلعی توتیا کرمانی شسته کندر
از هر یکی یک جزو موی سوخته گلنار شاخ گاو کوهی سوخته و اگر نباشد استخوان سوخته برگ عناب
گل ارمنی هر یک دو جزو از حریر گذرانیده استعمال نمایند و هرگاه در غیر گلو و دهان بکار برند
صبر زرد یک جزو مردار سنگ در آتش بکرر سرخ کرده در سرکه انداخته و مغسول نموده دو جزو

تدبیر مردار سنگ

ذرور تخشم مجرب

اضافه نمایند و هرگاه خواهند فتیله ساخته در سوزاک استعمال نمایند بی نظیر خواهد بود ذرور
که جراحات قضیب و دبر گرداند خصوص ختنه را باید که چون ختنه کنند بگذارند که تا خون تمام برود بعد
از آن این دوا بیفشانند و ببندند ص کات هندی مردارسنگ هلیله بلیله مر صافی سوده
صبر اجزا متساوی کوفته بیخته بر جراحت بیفشانند یا بر خرقه کهنه ذرور کنند و بر جراحت دمل ختنه
بپیچند و بعد از سه روز باز کنند جراحت به شده باشد و هیچ داروی دیگر محتاج نشوند بیست و دو
برای قروح طربه حدید این اعضا عجیب الفعل است و در اندک زمان باصلاح آورد

ایضاً

ص شب سوخته توتیای کرمانی کوفته بحریر بیخته استعمال نمایند ذرور از یهودی بجهت
قروح ذکر و حوالی آن ص شادنج مغسول صبر سقوطری مردارسنگ پوست کدو سوخته
اجزا متساوی کوفته بحریر بیخته بپاشند ذرور مسیح گوید که این دارو را آزموده ام ریشهای
فاسد را سود دارد ص صبر مر انزروت هر یک یک جزو کندر دو جزو همه باریک بسایند و بپزند
و وقت حاجت بر ریش ها افگنند ذرور انزروت جهت رطوبات و بردن گوشت بسیار
مجرب است ص کندر مر صاف دم الاخوین هر یک دو درم نحاس سوخته پنج درم انزروت
پوست انار مازو شب کاغذ کبود سوخته سعد هر یک ده درم و ذرور سازند ذرور حبین جهت
نزف دم جراحات نظیر ندارد ص کندر صبر زرد هر یک نیم درم سماق زاج سفید دم الاخوین
هر یک یکدرم آهک شسته دو درم حبین سه درم مثل غبار سایند که استعمال نمایند و مفردات این ترکیب
هم همین اثر دارد ذرور که جراحت آتشک را نافع بود ص بوریا سوخته شش ماشه فوفل
سوخته یکعدد و نیله توتیه بریان نموده یکماشه مردارسنگ کته سفید سنگجراحت از هر یک دو ماشه کوفته
بیخته ذرور سازند ذرور که بدن را خوشبو کند ص سعد سادج فقاح اذخر میعه سائله شحم انار
از هر یک ده درهمی گل سرخ خشک اطراف آس از هر یک بیست درهمی فقاح اذخر را
بشراب ریحانی یا گلاب تر کنند و خشک نموده سحق نمایند پس اطراف آس و گل سرخ
سائیده بر آن اندازند و زعفران در گلاب سوده با ادویه آمیزند و در سایه خشک کنند پس

سائیده بعد حمام بر بدن پراگنده کنند تا عرق را جذب کند پس دور نمایند از کتاب علوی خان
منقول شد ذرور سیقوبون که جراحت مزمنه را یکدفعه و دو دفعه التحام دهد و چون بر
وعده بی نافعی همچنان بالائش بندند بسرعت زائل کند از مجربات است و از اسرار تو
ند گل ارمنی گل سرخ دو و ثلث یک مثقال جفت بلوط یک مثقال مر صاف یکدرم و نیم کندر
دو درم گلنار سه مثقال از حریر گذرانیده بپاشند ذرور سعتر در رفع آکله و تخفیف درد جراحات
ب ست ص کافور ربع جزو تخم ریحان بو داده نصف جزو پوست پیاز سوخته یک جزو مر
سایند و استعمال نمایند ذرور بوی عرق تن را دور کند و مزاج سرد را مناسب است
ص سنبل الطیب قرنفل حماما عیدان البلسان سلیخه از هر یک یکدرم قسط اظفار الطیب
سنبل هندی دارچینی از هر یک دو درم اطراف مرزنگوش چهار درم میعه سائله انار ورق ترنج
کرده و باقی ادویه را در آب تمام سائیده باهم آمیخته استعمال نمایند ذرور عجیب جهت
شت و الصاق می کنند جراحت تازه را ص کندر صبر انزروت دم الاخوین
ق کنند و بر جراحت بریزند ذرور ملتحم از مجربات حکیم سعد الدین گیلانی ص گلنار زرورد
مجموع برابر کوفته بیخته بر زخم بپاشند ذرور دیگر ص مر انار سوخته مازو سوخته
کیمیای فضه مردارسنگ سفیدآب هر یک درمی کوفته بکار برند ذرور که جهت آکله مجرب
است ص گل گلاب سفید گلنار فقیل کات هندی سفید صاف کرده هر یک یک مثقال
سنگ بصری شش مثقال سنگ بصری را سه مرتبه در آتش سرخ کرده سرد نمایند که
ان بر طرف شود باز همه را کوفته زرشک منقی سماق بادیان سنگ خاره دو درم
سرکه انگوری بسایند و در ظرف چینی تهین نمایند و پارچه تنگ سر آن را ببندند و در سایه
خشک کنند و وقت استعمال زخم را بسرکه شسته باشند و قدری از آن بگلاب و سرکه
نند و از زردهن و گوشت و اسقاط پرهیز کنند ذرور که داغ کند و خون آمدن از جراحت
دارد ص آهک آب ندیده ریزه گرفته قلقطار قدری با ادویه آمیخته بر جراحت کنند

وبه بندند باب الراء المهمله روغن بادام تلخ گرم وخشک ست و ورم بجهت صداع
بارد و مللا برای درد گوش و کری آن قطوراً نفع می نماید و خوردن آن و چکانیدن آن در احلیل
تفتیت حصات کند و روغن بادام شیرین گرم و تر است و صداع یبسی و تشنج را نافع بود و
هر دو مقوی دماغ اند ص بگیرند مغز بادام و آنرا مقشر کرده بکوبند و اندکی نبات یا فانیذ سائیده
آمیخته در طبق سنگی در بر آتش زغال گذارند و دست را آب تر نموده مغز بادام را افشرده باشند
و ظرف را اندکی کج دارند تا روغن جدا شده طرف مابین طبق جمع شود و روغن پسته که بهمین
طریق گرفته میشود اگر صاحب شقیقه بحمام رفته و انگباب بر پارچه نموده سعوط کند علت او
همان روز برطرف گردد روغن کوک جهت صداع و سهر که از حرارت و یبوست بود نفع نماید ص
آب کامو سبز دو حصه روغن کنجد یا بادام یک حصه بجوشانند که روغن بماند و روغن کدو هم
اثر دارد و در دوم سرد و تر است روغن پوست بیخ کدو ص کدو خراشیده با شحم و تخم بکوبند و آب
او گرفته چهار حصه روغن کنجد یا بادام آمیخته بجوشانند تا روغن بماند و از مغز تخم کدو شیرین نیز مثل
روغن بادام روغن می گیرند و این الطف است روغن گل سرخ مرکب القوی است
و جالینوس معتدل میداند رادع و محلل و مقوی اعضا است ص بگیرند برگ گل تازه از
اقماع پاک کرده در روغن زیت یا کنجد بیندازند و در شیشه کرده در آفتاب گذارند و چون
گل سفید شود و این علامت زوال قوت است بیرون کنند و بکار برند و اگر بدون گذاشتن
در آفتاب هفت مرتبه تجدید گل تازه در روغن کنند در تبرید اقوی خواهد بود و روغن گل
عبارت از همین است و روغن مذکور بعد یکسال تغیر میگردد و طریق دیگر آن ست بگیرند گل
وکوفته شیره آن بر آرند و با روغن زیتون یا روغن کنجد که هموزن آن باهم وزن باشد بجوشانند
تا شیره فانی گردد و روغن باقی ماند روغن بنفشه با دام مقوی دماغ است و مرطب
ص بگیرند سر بنفشه تر در روغن بادام ترتیب نمایند یا آنکه بادام را مقشر نموده و دو نیم کنند
بالای او گل بنفشه تر نموده چند روز بگذارند که بنفشه خشک و سفید شود و مغز بادام بر آرند

و چند مرتبه چنین کنند بعد از آن روغن بکشند و روغن بنفشه ساده مثل روغن گل ساده هم
میشود و یا کنجد را در گلهای بنفشه پرورش نموده مثل روغن زنبق بکشند و روغن گل نیلوفر با دام
ساده را بهمین نهج مرتب سازند و او در تبرید اقوی است و روغن بابونه و نرجس و اکثر
ادهان طریق اینها همین است یعنی گلها را در روغن کنجد و امثال آن انداخته بعد چند دفعه
گلها تبدیل نموده مرتب سازند و یا آب آنها گرفته همراه روغن بجوشانند تا آب فانی شود و روغن
باقی ماند روغن برای فالج و رعشه و جمیع امراض مزمنه منقول از بیاض عم مرحوم در فالج مجرب
راقم نیز رسیده ص سیماب تخم دهتوره زهر مهره از هر یک تا یک روغن کنجد بست تانک روغن مالش گرم نمایند تا گرم
شود بعد از آن از آتش گرفته ادویه بیندازند و از چوب و یا دسته آهنی خوب حل کرده بکار برند روغن
روباه مستعمل جد امجد و والد ماجد و فقیر هم در فالج و تشنج و اکثر امراض بارده فواید مشاهده نموده ص
بگیرند روباه و دست و پای او بسته زنده در دیگ که آب در و بقدر بیست آثار بسیار گرم باشد اندازند
تا خوب پخته شود و منحل گردد صاف کرده آب آن بگیرند و نگاه دارند پس فلفلمویه بالنگنی جوز بوا شند آب
سنبل انگوزه از هر یک نیم پاو تخم دهتوره آثار پوست بید انجیر اشنه افتیمون خالص سه درم همه را
جوکوب نموده در یک من آب خالص با آتش ملایم بپزند تا باقی ماند ده آثار آب بماند صاف نموده آن آب
را با آب روباه که اول گرفته اند ممزوج نمایند و نیم سیر روغن کنجد خالص گرفته همراهی هر دو آب انضمام
نموده بر آتش نیز بجوشانند تا آب بسوزد و روغن بماند صاف کرده استعمال نمایند و استاد برای
کسر سوره این روغن وقت استعمال برابر وزن روغن کنجد آمیخته استعمال می فرمودند روغن
کلان معمول این دودمان برای فالج و لقوه و دیگر امراض بارده ص قسط فرفیون جند بید ستر
قصب الذریره مستین کندش بیخ بادیان فیطریج از هر واحد سه ماشه عاقرقرحا فلفل مشک
سنبل الطیب بیخ سوسن فرفراشنه و اسن مرسلیخه قرنفل جوز صغر نانخواه تخم کرفس تخم انیسون
اسارون سکبینج جاوشیر زرنباد زنجبیل دارچینی کبابه جباسه دار فلفل کندر از هر یک دو ماشه
شونیز چهار ماشه بادام تلخ شش ماشه عنبر اشهب یک ماشه بید انجیر مقل از هر یک چهار ماشه مصطگی

دو نیم ماشه روغن گل روغن بابونه روغن سوسن روغن بید انجیر از هر کدام نیم پاو تمام ادویه را سوای
مشک و عنبر و جوز و فرفیون جند بیدستر نیمکوفته در چهار پنج آثار آب یکشبانه روز تر نمایند صبح بجوشانند
هرگاه سوم حصه بماند صاف نموده در روغنها آمیخته باز بجوشانند تا آب خشک شود و روغن باقی بماند بعد از ان ادویه
باقی مانده را بسیار باریک سائیده حل نموده بکار برند روغن ضبع جهت فالج و لقوه و رعشه و جز آن نافعست ص گرفته
شود در اول ربیع ماده ضبعه عرجاء و بسته شود هر دو دست و پاهای وی و در دیگ مسی زنده انداخته ترمس ابیض و شبت
هر یک یک کفدست و آب شیرین بقدر کفایت اندازند و سر دیگ بند نمایند و بآتش ملائم بپزند
تا مهرا شود و بعد از ان از آتش فرو آورده صاف نمایند جلد و استخوان و موی و لحم و تمام ثفل ادویه
نمایند پس از ان آب صاف شده در دیگ دیگر انداخته و روغن بلسان روغن ناردین از
هر یک قدر اسکرجه داخل نمایند و بآتش ملائم بپزند وقتیکه سوم حصه بماند برابر آب عسل داخل
نمایند تا بقوام آید استعمال نمایند روغن لبوب سبعه جهت تشنج یبسی و مالیخولیا و برای سهر نافع
شرباً و سعوطاً و مروخاً ص مغز فندق مغز پسته مغز بادام شیرین کنجد مقشر مغز چلغوزه مغز تخم کدو
شیرین مغز جوز مساوی کوفته بدستور روغن بادام مرتب سازند روغن که چون او را بر سر و
بینی بمالند سبات را رفع نماید منقول از بیاض عم مرحوم ص نوشادر نمک نفطی تخم سپندان
تخم جرجیر فلفل سیاه زنجبیل کاکنج همه را در آب بجوشانند تا مهرا شود پس صاف کنند و با یکچند
وی روغن بید انجیر بلیغ دهند که آب بسوزد و روغن بماند روغن اسقیل نافع است
برای سکته و سبات و فالج و استرخاء چون بر سر و مهره های گردن و پشت بعد از تنقیه بمالند
و بجهت عرق النسا و درد کمر بلغمی نیز مفید ص اسقیل تازه چهار اوقیه در یک من زیت
سراج بپزند آنقدر که چون بدست بمالند مضمحل شود پس خوب بمالند و بعد از ان عاقرقرحا
جند بیدستر خردل قسط تلخ فرفیون از هر یک یکمثقال مشک تبتی نیم مثقال سائیده اضافه
نموده خوب مخلوط نمایند و بکار دارند روغن بلادر استرخاء عصب و فالج و لقوه و دیگر امراض
بارده را نافع است محلل ریاح ص سنبل الطیب حب بلسان فلفل وج شکی شیطرج راسن

دارفلفل

دارفلفل جوز القی بلادر ایرسا رازیانه قسط تلخ بوزیدان زرنباد درونج از هر یک پانزده
مثقال نیم کوفته با شیر و آب از هر یک پانصد مثقال و روغن کنجد دو صد و پنجاه مثقال
بجوشانند تا آب و شیر برود و روغن بماند چون در استعمال بلادر می باید که احتیاط بسیار نمایند
اول دریافته که با این مزاج بلادر موافقت دارد آن زمان این روغن بکار برند روغن ثوم
آن را روغن راهب نیز گویند بعضی گفته اند که این ترکیب یکی از راهبان است برای امراض
بارده و تعقد عصب و وجع ظهر کهن و تقطیر بول و بواسیر مفید ص ثوم مقشر یک جزو فرفیون
عاقرقرحا از هر یک ثلث جزو دی فلفل سداب از هر یک ربع جزو مجموع را نیمکوفته با نه وزن
جمله ادویه زیت داخل کرده بپزند تا ثلث آن بماند پس بپالایند و در شیشه نگاهدارند روغن
چوب چینی از امراض بارده بلغمی چون فالج و استرخاء و رعشه و کزاز باز دارد و وجع مفاصل و
دردها که از آتشک بهم رسیده باشد ببرد ص چوب چینی اعلی بیست مثقال سورنجان
سداب از هر یک پنج مثقال قصب الذریره اشنه سنبل الطیب ساذج هندی مرزنجوش اسارون
از هر یک سه مثقال عاقرقرحا دو مثقال قسط ده مثقال مجموع را نیمکوفته دو شبانه روز در دیگ
مس سیاه آب که قریب هفت رطل و نیم بغدادی بخیسانند آنگاه با زیت و روغن گل سرخ
از هر یک چهل مثقال روغن بابونه و روغن زنبق و روغن نرگس و روغن شبت پانزده مثقال در دیگ
کرده بآتش ملائم بتدریج بجوشانند تا اجزا مهرا شود و آب برود پس بپالایند و روغن را نگاهدارند
و ثفل را با یکمن شیر بز و آب پنجاه مثقال روغن کنجد مرتبه دوم بجوشانند تا آب برود و روغن بماند پس
بپالایند و در روغن اول داخل کرده در شیشه آن نگاهدارند و سر آن را محکم کنند و وقت حاجت
بکار برند و اگر در هر ده مثقال این روغن یکمثقال مومیائی در آبی حل سازند برای رعشه و دیگر امراض
بارده انفع خواهد شد و اگر جندبیدستر فرفیون هر یک نیم مثقال همراه مومیائی نیز سائیده اضافه
نمایند قوی تر خواهد گردید روغن حرمل فالج و رعشه و تشنج و اعیا و دست و پا را نافع بود ص
سپند سوختنی یک رطل زنجبیل مربی رطل روغن کنجد چهار رطل اسپند زنجبیل را نیم کوفته

در اندک آب تر کرده تمام شب نم نمایند وصبح در روغن بریان نمایند چون سوخته شود در روغن
بپارچه صاف نموده جدا سازند بعد ازان بیست عدد جوزبوا را نرم کوفته دران داخل نمایند
دو وقت صبح وشام بمالند ویک ساعت بخرقه دلک نمایند واز آب وهوای سرد احتراز لازم
دانند روغن زعفران که آنرا خلوق نیز گویند ملین عصب است وتشنج را زائل کند ونافع است
از برای اوجاع وصلابت رحم ومعده ورفع بیخوابی کند واز برای تنقیه قروح رحم مفید
است ورنگ انگور گرداند ص بنسخهٔ شیخ رئیس زعفران شش درم قصب الذریره پنج درم
مرکی صاف بیست درم دران نسخهٔ دیگر یکدرم قرومانا شش درم اجزا را علیحده علیحده نیم کوفته
ادویه را سوای قرومانا شش درم با سرکه انگوری خیسانیده بنجور بگذارند در ششم قرومانا
را باسرکه انگوری بخیسانند ویکروز دیگر گذارند روز هفتم روغن کنجد یا زیت یا هرچه مناسب
دانند بقدر پنج استار داخل کنند پس باتش ملایم بجوشانند تا سرکه رفته روغن بماند پس بپالایند
وروغن را علیحده نگاهدارند وثفل را علیحده وگویند که ثفل روغن زعفران فرفوسعا است
که دراکثر دواها مستعمل است روغن سوسن منقول از ذخیره نافع است برای فالج ولقوه
بارعه کرده ومثانه سرد را گرم گرداند واختناق رحم وبرودت معده را نافع باشد ص نسخه
قسط تلخ حب بلسان زعفران مصطگی از هر یک یک اوقیه قرنفل قرفة الطیب از هر یک
نیم اوقیه ادویه سوای زعفران نرم کوفته همه را در شیشه کرده یکمن زیت طیب بر روی آن
کرده سی عدد گل سوسن سفید پاک کرده اضافه نموده چهل روز در آفتاب گذارند روغن
قسط بنسخهٔ حکیم مومن نافع از برای رعشه وفالج وتشنج وخدر وامثال اینها واعصاب درد
را نیز نفع نماید وباید که اول اعضا دردناک را بکیسه درشتی بمالند تا سرخ شود ودر شب تدهین
نموده بخواب روند ص قسط تلخ سنبل الطیب از هر یک بیست و دو مثقال کوبند ودر
یکرطل زیت طیب یکرطل آب بجوشانند تا آب برود وروغن بماند پس بپالایند وباز این
روغن را بایکرطل آب بر روی ادویه کرده بجوشانند تا سه مرتبه واگر بعوض آب هر مرتبه

عرق بهار نارنج وعرق بادیان کنند بهتر است پس بپالایند بعد ازان جند بیدستر فلفل سیاه فرفیون
میعه سایله از هر یک ده مثقال دران حل کرده در شیشه نگاه دارند روغن مبارک منقول
از شفاء الاسقام این روغن را شیخ داود در تذکره باسم دهن اللقوه گفته نافع است از برای
لقوه وفالج وکزاز وعرق النساء ودوالی ونقرس وتحلیل ریاح کند وتهییج باه وشهوت جماع
است وقطور آن در گوش جهت کری وگرانی گوش وسده صماخ وریگ وزموثر وقرحه
آن جهت امراض رحم مفید ص جلبغ شونیز کوبیده تسفیه بزیت بطریق تحمیص بر روی آتش
نمایند تا سه وزن خود روغن را جذب کند پس تقطیر روغن بقرع معکوس یا بقرع انبیق
نمایند واول بهتر است روغن مجرب بجهت خدر وفالج ورعشه واسترخاء مفاصل بارد
وعرق النساء ص قصب الذریره قسط تلخ از هر یک سه مثقال اذخر مکی سورنجان
مصری کبابه چینی ناردین اسارون از هر یک دو مثقال زرنباد دارشیشعان عاقرقرحا
مغات بغدادی بوزیدان از هر یک یکمثقال مجموع را نیمکوفته با سه پیاله آب بجوشانند تا آنقدار که یک پیاله آب بماند پس
شیره آن را برآورده روغن گل سرخ روغن یاسمین روغن زنبق روغن بابونه از هر یک ده
مثقال داخل کرده بجوشانند چندانکه آب برود وروغن بماند پس جدوار خطائی چند بیدستر
فرفیون از هر یک سه مثقال جوزبوا زنجبیل از هر یک دو مثقال مقل ازرق یکمثقال
کوفته بجز مقل بیخته در هاون سنگی کنند وروغن را اندک اندک بران چکانند وبدسته بمالند
تا تمام روغن بان مخلوط شود بعد ازان مومیائی معدنی دران حل کنند ودر شیشه نگاهدارند
روغن ناردین منقول از منصور بن محمد زکریا وصاحب منهاج الدکان گفته که من نقل
کردم این نسخه از قاضی فتح الدین ص روغن بان یکرطل سنبل رومی شش درم
سعد کوفی قصب الذریره مصطگی اذخر مکی از هر یک یکمثقال نیمه اجزا را نرم کوبیده در روغن
بان داخل کرده بیست روز در آفتاب گذارند وهر روز دو مرتبه برهم زنند پس بپالایند
ونگاهدارند روغن موم از بیاض حکیم علی اکبر خان مرحوم برای درد اعصاب وتحلیل سواد

بتجربہ رسیدہ ص موم یک آثار نمک شور سہ آثار ہر دو را در دیگ انداز ند و بطریق گلاب
بکشند مثل عرق بر می آید آنرا نگاہدار ند و بر بدن عریان شدہ بمالند و می باید کہ بعد از مالیدن
دو گھڑی پارچہ بر بدن نپوشند روغن ریحان فالج و درد زانو را نفع دارد شربتاً و مروخاً
ص آب ریحان دو جزو روغن کنجد یک جزو بجوشانند تا روغن بماند روغن آجر لقوہ
و فالج و امراض باردہ را نفع دارد و مسمی است بدہن مبارک و بخواص بسیار موصوف و
گرم تر و لطیف تر از نفط سفید است و جہت گزیدن عقرب و کسی را کہ افیون و بزر البنج داد
باشند نفع کثیر دارد و مقوی باہ است ص خشت پختہ سرخ آب ندیدہ باد لم بادام کنند و در آتش
اندازند کہ سرخ شود و باز نبور ہر قطعہ را گرفتہ در روغن زیت سرد کنند پس از روغن بر آوردہ
خورد نمایند و در شیشہ کہ مطین بالطین بود اندازند و موی اسپ در دہن شیشہ بنہند و بطریق معروف بچکانند
و باحتیاط در شیشہ نگاہدارند شربتاً و مروخاً بکار برند روغن حواصل منقول از خط افضل المدققین و اکمل المحققین والد ماجد جہت
فالج و وجع مفاصل و لقوہ و جمیع امراض باردہ دماغی ص حواصل یکعدد سنبل الطیب بسباسہ سورنجان
مصری بوزیدان خولنجان زرنباد جوز بوا زراوند طویل بیخ زیرہ عود صلیب دارچینی از
ہر یکدو ماشہ قسط بحری قرنفل از ہر یک سہ ماشہ زعفران نیم ماشہ خفاش زندہ دہ عدد در روغن
زیتون در دیگ مسی قلعی دار کردہ گلاب نیم من آب دو من بر سر آن کنند و بر آتش گذارند
و روغن کہ بالا آید بگیرند و استعمال نمایند روغن حواصل بر نسخہ دیگر نیز منقول از خط آن
مغفور ص حواصل از پر و امعا و پاک کردہ و بازوی او را دور کردہ ہمہ را قیمہ نمایند و استخوانش
را کوفتہ مع قیمہ در روغن صاف نمودہ در شیشہ نگاہدارند و وقت حاجت بر موضع طلا نمایند
روغن بید انجیر مرکب فالج و لقوہ را نفع دہد و سدہ جگر و سپرز را بکشاید و قولنج را دفع کند
ص نانخواہ صعتر پودینہ کوہی تخم کرفس انیسون مصطگی رومی اسارون ہر یک بیست درم
بیخ کرفس و بیخ بادیان و بیخ سوسن آسمانجونی راسن خشک ہر یکدہ درم شیطرج ہندی مقل
از ہر یک پنجدرم سکبینج جاوشیر و زرنباد درونج عقربی از ہر یک سہ درم زنجبیل دارچینی خیرلوا

کبابہ دار فلفل جوز بوا البسباسہ شونیز قسط کرویا از ہر یک چہار درم جملہ نیم کوب ساختہ در آب
بخیسانند تا دوا نرم شود و بپالایند و صد و پنجاہ درم روغن بید انجیر آمیزند و بجوشانند تا آب
برود و روغن بماند شربت دو درم تا سہ درم با ماء الاصول و مداہین و درین روغن نیز نمایند
روغن بید انجیر سادہ مسہل بلغم بود و اعصاب را از رطوبت پاک نماید ص بید انجیر پاک
کردہ بریان نمودہ نرم کوفتہ در آب بجوشانند و کف ہمی گیرند در ظرفی تا تمام کف گرفتہ شود و آب
زرد بماند پس کف ہا را بجوشانند تا تمام روغن صاف بر آید روغنی کہ جہت درد گوش و
کری آن مجرب است ص بزر البنج حرمل ہر یکی دہ درم نیم کوفتہ شب در یک رطل آب
بخیسانند و صبح بجوشانند ہر گاہ نصف بماند صاف نمودہ روغن کنجد نصف رطل داخل کردہ
باز بجوشانند تا روغن بماند روغن ترب درد گوش را نافع است و ثقل سمع و بادی کہ در گوش
بود دفع کند و بتجربہ مولف ہم رسیدہ ص روغن کنجد یک جزو آب ترب سہ جزو بجوشانند تا آب
فانی شود و روغن باقی ماند روغن جہت دوی و طنین و ثقل سمع ص افسنتین رومی و
بابونہ را در سرکہ بجوشانند و گوش را بر بخار آن دارند و بعد ازین روغن چند قطرہ در گوش
چکانند زہرہ گاو یکتولہ روغن گل روغن مغز خستہ شفتالو ہر یک دو تولہ با آتش نرم در کمال بلاغت
بجوشانند تا آب برود و روغن بماند صاف نمودہ نیم درم افیون خالص دران حل کردہ بکار برند
از بیاض جد امجد نقل شدہ روغن برای خناق و موی وقت منتہی ہر گاہ صلب شدہ باشد
استعمال نمایند تلیین و نضج نماید ص عصارہ بارتنگ برگ کاسنی خیسیرہ جو مقشر لعاب گل خطمی شیرہ
عدس مقشر عصارہ برگ خبازی عصارہ بابونہ روغن خیری بجوشانند تا وقتیکہ آب فانی
گردد و روغن باقی ماند و بعضی عوض روغن خیری روغن گل می اندازند و بر گردن نیمگرم بکرر
تدہین کنند روغن لالہ معدہ را گرم کند ص بگیرند برگ لالہ و در شیشہ کردہ روغن زیت بر سر
ریزند و تا یکماہ در آفتاب بیاویزند روغن مصطگی ص مصطگی رومی بریزند در شیشہ و دیگی را نیم
کنند و آن شیشہ را در میان دیگ بگذارند تا آب بجوشد چندانکہ گداختہ شود روغن بجگر و معدہ

را قوت دهد و حبس عرق کند و اگر بر روی کشکاب کنند و بخورند اسهال بند نماید ص آب دو جزو
آب برگ مورد یک جزو روغن گل یک جزو همه را بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن
افسنتین معده و جگر را و جمیع اعضا را قوت دهد مرو خاو اکلاً ص افسنتین رومی تازه دو سیر در نیم
من روغن زیت یا روغن بادام تلخ یا روغن جوز یا روغن خسته زرد آلوی تلخ که نیم من باشد اندازند
در شیشه کنند و چهل روز در آفتاب آویزند روغن علقم روغن حنظل است و بعضی ترجمه
روغن قثاء الحمار کرده اند و اکثر اطبا و بهترین ادهان دانسته اند خصوصاً جهت استسقا و برد
معده و درد مفاصل و نقرس و عرق النسا و تقویت باه ص عصاره قثاء الحماره رطل میعه سایله
پانزده مثقال قنطوریون شحم حنظل زراوند مدحرج زوفا خشک پودینه کوهی و بری و نهری سکبینج ورق
و ملی بیخ سوسن آسمانجونی هر یکده مثقال عاقرقرحا چهار مثقال روغن زیتون آب صاف با ...
پانزده رطل بعد از خیسانیدن ادویه بجوشانند تا آب سوخته روغن بماند پس صاف کرده استعمال
نمایند روغن داسون بجهت برد معده و عصب نافع است و مقوی اعضا و دافع فضول و
ملین اعصاب حاسه و داسون لفظ رومی است و تفسیر او ده عشره اخلاط است ص میعه سائله
سادج هندی سنبل هر یک چهار اوقیه روغن بلسان مصطگی موم سفید هر یک دوازده اوقیه
فرفیون سه اوقیه فلفل یک اوقیه روغن بان چهل و هشت اوقیه دارچینی شش اوقیه انچه خشک
است بکوبند و غیر آن را انداب کنند و بهم بیامیزند و بدارند روغن خطیانا نفخ را تحلیل کند
و جهت قیله و فتق مفید و مجرب بود و باد های را که در پشت و زهار و خصیه و گرده و جز آن بود رفع سازد
و ورم بلغمی را نفع نماید ص زراوند مدحرج سعد و سلیخه پوست بیخ کبر هر یک جزوی خطیانا رومی
دو جزو همه را نرم کوفته با روغن بادام تلخ یک رطل در شیشه کنند و ده روز در آفتاب گذارند روغن
دارشیشعان معده را قوی کند و شکم رفتن باز دارد ص قرفه یک اوقیه زیره دو اوقیه چوب
سلیخه قسط هر یک چهار اوقیه دارشیشعان شش اوقیه همه را نرم کوفته با روغن کنجد هفت رطل
بآتش نرم بجوشانند و مالیده و صاف نموده بکار برند روغن جهت ساقط کردن دانه های

بواسیر مجرب و بی خاکله است ص گوگرد زرنیخ هر دو برابر سائیده بر آتش نرم تسقیه بر روغن
کنجد کنند بحدی که خوب جذب کند و با قرع و انبیق تقطیر نمایند روغن و دفع جهت ورم
مقعد و درد بواسیر بغایت مفید است هر گاه با حرارت بود ص وزغ یا سه کوبیده در آب
بجوشانند تا مهری شود روغن که بر روی آب بعد سرد شدن لبسته شود بردارند و اگر دنباله بادنجان را
سائیده اضافه کنند جهت بواسیر بارد نیز نافع خواهد بود روغن که چون بر معده تدهین کنند
تحلیل نفخ کند و نفع بقولنج و ریاح غلیظ می نماید مجرب است ص سنبل الطیب و دارشیشعان
بابونه برگ سداب تخم شبت شونیز مصطگی از هر یک یکتوله زیره کرمانی دو توله کوفته در یک آثار
آب بجوشانند هر گاه چهار حصه بماند بر آن آب شبت تر و روغن بید انجیر و روغن گل و روغن
بابونه هر یک چهار توله داخل کرده بجوشانند تا آب برود و روغن بماند صاف نموده عنبر اشهب داخل کرده
نگاهدارند و وقت حاجت بیخدر م گرفته استعمال نمایند اگر ریح غلیظ و درد شدید باشد وقت استعمال
قدری جند بیدستر حل نمایند روغن خسک عسر البول را نفع عظیم نماید ص خسک ده مثقال
زنجبیل چهار مثقال و نیم بکوبند و بیزند و بجوشانند و بپالایند و یک چهار روغن کنجد اضافه
نمایند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن عقرب سنگ گرده و مثانه را پاره پاره
کند و بریزاند ص ریوند چینی سعد کوفی جنطیانا رومی پوست بیخ کبر از هر یک یک اوقیه روغن
بادام تلخ یک رطل دارو ها را کوفته بیخته در شیشه کنند و روغن بر آن ریزند و یک هفته در آفتاب
گذارند بعده بپالایند و ده عقرب زنده در آن اندازند و سر شیشه را ببندند و یک هفته دیگر
در آفتاب بدارند و دو قطره از آن در احلیل بچکانند روغن نمل که بپارسی مورچه نامند
ص چون بگیرند یکصد مورچه کلان سیاه که در مقبره یا بیابان باشد در شیشه کرده نیم اوقیه روغن زنبق
بر روی او کرده تا هفته بگذارند پس بمالند بر احلیل سخت می کند قضیب را و بزرگ میکند او را و صلب
می نماید عصب را موجب نعوظ میگردد و بعد از آنکه مایوس از برخاستن شده باشد روغن حمص
از ارکنونه است در تقویت باه بیعدیل و چون با عسل و معاجین باهیه طبخ دهند و مناع

نمل بمعنی مورچه

ان را تمدید بسیت و چون با تسویز استخراج دهن او نمایند در جمیع امراض بارده از موء
و به نهایت موثر است و استخراج و روغن با نحار مختلف است بهترین انحار تقطیر است
ص نخود را نیم کوفته در قرع مطین کرده بطریقی کر گلوی قرع خالی باشد و از لیف و مانند آن
گلوی قرع را پر کنند تا از وقت معکوس آرد نخود از شیشه بیرون نیاید و کوزه ترتیب دهند دو طبقه
و گلوی قرع را از سوراخ طبقه اول بطریق اسفل کوزه بیرون کنند و شکم قرع از طبقه اول ظاهر
باشد و قابله را بدان قرع وصل نمایند و بر اطراف شکم قرع آتش سرگین یا زغال کمی افروزند
تا روغن از لیف های گلوی قرع قابله بچکد در شیشه نگاهدارند روغن خسک بنوع دیگر باه را
زیاده کنند و رنگ خساره را نیکو گرداند و بر جماع حریص نماید و اصلاح حال کرده و مثانه و
پشت کند هرگاه بخورند بعد از ان بمقدار یک اوقیه هر روز با نخنج یا نبیذ استعمال کرده میشود
این روغن در حقنه های مهبی ص روغن کنجد شیر گاو تازه آب خسک تر از هر یک ده
رطل فانیذ سفید پنج رطل زنجبیل دو رطل و نیم فانیذ را کوبیده حل کنند و مجموع را در دیگ
سنگین کرده با آتش ملایم بجوشانند تا آب خشک و شیر برود و روغن بماند پس از آتش گرفته
صاف کنند و در شیشه ها نگاهدارند و بیاشامند چنانکه مذکور شد روغن نارجیل ممتحن است
و نافع بود از برای نقصان باه و ذهن را حدت بخشد و مفید است از برای وجع مثانه و ان
از اکبر ادویه در و پشت و وجع ورکین و بواسیر که متولد از مره سوداء بود خصوص وقتیکه بیاشامند
آنرا با روغن مغز استه آلو یا زرد آلو یا شفتالو مالیدن بر فقرات پشت و خاصره بحرکت در می آرد
باه را و همچنین آشامیدن آن محرک باه است و مقدار شربت آن سه مثقال ص بگیرند مغز نارجیل
و بکوبند و بپزند در آب و روغن را از روی آب بگیرند و این طریقه اصلح است از انکه آنرا بکوبند
و بطریق عطر روغن را بگیرند و بدستور روغن بادام نیز گرفته میشود روغن که صاحب بغداد
جهت تقویت باه مجرب نوشته ص رس کپور وال کهونچی افیون نگر کوت کچلا زهر سنکهیه
جوتری جائپهل فیل کیزی زهر تلیه اسگند ناگوری تخم خراسانی دارچینی عاقر قرحا سهاگه تلیه

گملهانه تخم اونگن آتش بچکان اسپند تخم پیاز مصطگی کلیجن کلونجی بالون چلغوره کنجد سیاه
حلبه پنبه دانه زعفران لونگ موصلی سیاه مشک تراشه سم اسپ عراقی تخم کسائی بزرگ تخم
کسائی خورد چرونجی دیودار اگر غرقی چیتر بیخ اونٹ کٹاره هر یک یکدرم مالکنگنی تخم دهتوره
انگوزه بیخ کنیر سفید از هر یکدو درم زردی بیضه بیست عدد روغن کنجد بقدر حاجت دارو ها
را کوفته در روغن کنجد چرب کرده با زردی بیضه آمیخته بدست مالیده شب نگاهداشته
صبح بدستور روغن کشند و بکار برند روغن دیگر از بقائی این را نیز مجرب نوشته ص گرچ لال
ورقی زرنیخ موصلی سیاه بیر بهوٹی هر یک یکدام مٹهه تیلیه گهونگچی سفید لونگ ارجنی تخم
کونچ بیخ بل پوست انار خراطین پیه خنبیر بیر هر یک دو درم کرم سرواپوست بیخ کنیر سفید یا ویکه
سر مار سیاه که تازه گرفته باشند کژدم سیاه هر یک یکعدد کیکڑا غوک بستی سانڈه ریگ ماهی
هر یک وعدد دواها کوفتنی کوفته و جانوران را ریزه ریزه کرده همه را در شراب و آتشه دو سه
شبانروز تر کرده نگاهدارند بدستور چووه بکشند روغن که فتق را نفع نماید ص حنظل کلان
دو عدد در روغن کنجد نیم آثار آب چاه یک آثار حنظل را پارچه کرده در آب و روغن انداخته بجوشانند
هرگاه آب سوخته روغن بماند صاف کرده نگاهدارند و روزی چهار مرتبه بدهن نموده باشند روغن
ناتوره جهت سرعت انزال بی نظیر نوشته اند چون کف پا بدان چرب کنند ص ناتوره تازه از
پوست باز کنند و نیم کوفته در شیشه بلند کردن کنند و سر شیشه بموی اسپ محکم نمایند و شیشه در
گل حکمت گیرند از هر کاسه بزرگ که آتش توان کرد ترتیب نمایند و بیخ کاسه را سوراخ کنند و سر شیشه را
از آن بیرون کنند و در زیر شیشه پیاله گذارند و کاسه را بر بالای سه پایه نهند و آتش از بالای
شیشه کنند و روغنی که از ان بچکد نگاهدارند روغن دفلی در درد پشت کهنه را دور کند و رفع
جرب در ساعت نماید و مجرب است ص روغن یکرطل زیت یکرطل برگ خرزهره یک اوقیه
هر دو باهم بدون آب یا آب انداخته بپزند و صاف کرده نگاهدارند و شب بر پشت بمالند و صباح
استحمام نمایند و غذا اسفیداج کنند روغن خفاش نافع جهت عرق النساء و نقرس جمیع

اوجاع مفاصل ص جندبیدستر قسط تلخ هریک سه درم زراوند چهار درم عصاره مرزنجوش
روغن زیت از هریک رطلی شبهر که ذبح کرده دوازده عدد آب خالص بقدر ضرورت همه را یک جا
کرده بپزند چندانکه آب برود و روغن بماند استعمال نمایند روغن مفاصل منقول از بیاض
عم مرحوم وجع مفاصل را ص افیون هشت درم روغن کنجد و شیر گاو یک آثار کچله بیست
عدد افیون را در شیر حل نمایند پس روغن و کچله داخل کرده در ظرف آهنی بجوشانند بآتش
ملایم تا شیر برود و روغن بماند فرود آورند و صاف نموده استعمال نمایند روغن زنجبیل جهت
صلابت مفاصل و وجع آن و در ریاح غلیظ مجرب است ص روغن کنجد پاو آثار
آب زنجبیل تازه که آن را ادرک گویند دو سیر بجوشانند تا که آب جذب شود روغن بماند
روغن نی منقول از خط والد شریف ص نی زرد شده را که تمام خشک نشده باشد
بند بند جدا کرده در روغن زیتون یا کنجد چند روز بگذارند تا قدری دهنیت اخذ کنند
پس بطریق روغن آخر با قرع معکوس تقطیر نمایند روغن حنا موی را سیاه کند و عرق النسا
و اوجاع مفاصل را نافع باشد ص برگ حنا نیم من در دو من آب بجوشانند تا نیمه باقی ماند
صاف کنند و با نیم من روغن کنجد بجوشانند تا روغن بماند روغن سورنجان مفاصل
را نافع باشد ص سورنجان مصری آب کرفس از هر یکده مثقال قصب الذریره پنج مثقال
سورنجان قصب الذریره را نیم کوفته بخیسانند و یک شبانروز و روز دیگر بجوشانند تا مهرا شود
بپالایند و آب کرفس اضافه نموده با چهار یک روغن زیت بجوشانند تا آب برود و روغن
بماند روغن که جهت حبس عرق بکار آید ص برگ مورد خشک گلنار گل سرخ مصفر
آبی تازه پاک در آب بپزند و مقدار ربع آب روغن داخل کنند و آن مقدار بجوشانند
که روغن بماند و اگر قدری مازو کوفته اضافه نمایند خوب تر شود روغن که در نگاه داشتن
موی از سقوط و دراز کردن آن از جمله عجایبست و سیاه میکند و زود تر رویاند ص
ورق آس آمله از هر یکده اوقیه پوست بلیله پوست هلیله از هر یک پنج اوقیه مصطگی پرسیاوشان

لادن از هر یک یک اوقیه و ربع طباشیر سفید نصف اوقیه فوفل دو اوقیه و نصف کوفته
بیخته در سه رطل آب بجوشانند و صاف کنند از پارچه متخلخل با دو رطل روغن گل بر آتش
ملایم بپزند و ثفل که باقی مانده است از آب در دو رطل آب علیحده علیحده بجوشانند پس خوب
مالیده بخرقه متخلخل صاف نموده اضافه کرده بآتش ملایم جوش دهند تا که آب برود و روغن
بماند پس ثفل که از روغن باشد گرفته در شیشه کنند که دهن آن فراخ باشد پس صاف آن ریزند و
همین قسم مع ثفل نگاهدارند و وقت حاجت استعمال نمایند روغن که منع موی از ریختن کند
ص آمله ورق آس در آب بپزند تا آب سرخ شود با یک رطل زیت الفاق بپزند تا آب برود
و روغن بماند پس یک اوقیه لادن محلول بشراب اندازند پس بیخ مو را مالش نمایند روغن
که موی رویاند و منع تساقط آن کند ص لادن در شراب حل کرده برابر وزن آن روغن
آس گرفته بیامیزند دست در بیخ مو مالش نمایند و صبح بحمام روند روغن که حلق مو کند
ص قلعی یکجزو نوره غیر مطفی دو جزو زرنیخ زرد ده جزو در آب بخیسانند چندانکه آب لای
اجزا رسد و سه روز نگاهدارند بروز چهارم صاف نموده سه جزو از ین و یک جزو در روغن
کنجد آمیخته بآتش ملایم بپزند تا آب برود و روغن بماند روغن که منع تساقط شعر و ابتدام
ضلع نماید ص عفص بلیله سیاه برگ آس در شراب بپزند پس یک رطل زیت الفاق گرفته
یک اوقیه لادن نصف اوقیه مصطگی در آن حل نموده بیامیزند تا متحلل شود پس از آن شراب را بعد از آن که
صاف نموده باشند بجوشانند تا که قدری غلیظ شود پس از آن در روغن مذکور شراب مطبوخ
هم وزن آن اندازند و طبخ دهند تا که شراب برود و روغن بماند و غلیظ شود پس وقت خواب طلا
نمایند و صباح بطبیخ آس بشویند روغن آمله ص آمله و آس و لحاء صنوبر برابر در آب بخیسانند
نموده مثل آن روغن کنجد خالص داخل نموده بپزند تا که آب برود و روغن بماند پس بکار برند
روغن که موی ابرو یاند و داء الثعلب را نافع باشد ص قیصوم بابونه پرسیاوشان از هر یک
یک اوقیه در شراب بپزند تا که گداخته شود پس صاف نموده برابر آن روغن بان اندازند

بآتش ملایم بپزند تا که آب برود و روغن بماند پس نگاهدارند و بکار برند روغن بیضه دو هفته
بر موضع که بمالند مو بروید ص بگیرند یک خربوزه و سوراخ کنند و دانه ازان بیرون آورده
زرده تخم مرغ سی عدد در وی اندازند و برگ مورد کوفته و براده آهن صلایه نموده هر یکده درم
روغن زیت پنج سیر بر آمیزند پس سوراخ محکم کنند و بگل حکمت گیرند یک شب در تنور نهند و
بیرون آرند و گل دور سازند و میان آن خربوزه با روغن زیت بمالند تا چون مرهم شود و طریق
دیگر اینست که زرده تخم مرغ پخته بدست بمالند و قدرے نوشادر سوده بروی ریزند و در شیشه
کنند و بگل حکمت بگیرند و قدری موی اسپ یا لیف خرما با پنج ها باآتش که ازان جاروب میسازند
بر دهان شیشه نهند و بگیرند ظرفی و در میان آن سوراخ کنند و سر شیشه دران سوراخ کنند و محکم
گردانند و انگشت دران ظرف ریزند و آتش زنند چنانچه آتش بر پشت شیشه باشد تا روغن
ازان بر ریزد یا اندرون طشت پاکیزه زرده تخم مرغ بیالایند و در آفتاب بگذارند تا روغن ازو
جدا شود و بهتر آنکه بیضه ها را جوشانیده بنیمبرشت نموده زردی آن را گرفته در آوند آهن یا مس انداخته
بر آتش نهند و آوند مذکور اندکی کج دارند تا روغن جدا شده بهمین آوند بیاید روغن دیودار
از مخترعات حکیم علی شارح قانون است و او نوشته که در علاج جراحات بمنزله خرق عادات است
خصوص در جراحات تازه پس اگر بر موضع زخم پیش از سرد شدن این روغن ریزند ایمن
مانند از درد و ورم و صدید و چرک و تغیر لون فرود مندمل کنند و اگر هر روز چهار بار درین
روغن تر کرده بگذارند در یک روز بیبه یا گوشت ملصق شود و در کتاب گنج باد آورد نوشته‌اند
که روغن را حکیم مسطور جهت عرش آشیانی در راه کابل وقتیکه از فیل افتاده بودند ساخته
و اعضاء بادشاه دردمند شده بود بعد از مالیدن آن در عرصه سه شبانروز صحت گردید و بحکیم
مذکور عنایت بهیه و نوازش جلیه فرمود و حکیم علی در مجربات خود نوشته که یک شخص او واقع شد
که افتاد و زخم فرو رفت و از کمر تا پشت کوفت رسیده خریطه انفل روغن دیودار غالب فرمودم
و بروغن دیودار مالیدن اعضا و بعد ازان مالیدن روغن گل امر کردیم بر طرف شد ماندگی

رمالی ص بگیرند زرد چوبه چوب دیودار اصل السوس بسین مهمله در آخر دار بلد از هر یک یک اوقیه
گرفته با یک اوقیه دوده سقف کسی که نخود بریان کند آمیخته با آب کهرل کنند تا خوب مضمحل شود پس
در دیگ با سه رطل و ثلث رطل آب صاف که سی صد و دو مثقال باشد بآتش ملایم بجوشانند
تا ثلث آب مذکور بماند ثفل را بکفگیر بردارند و دیگ همان قسم بر آتش باشد و آن ثفل را آورده
در پارچه کرده در همان دیگ بفشارند و ثفل را که هیچ ماهیت در آن نمانده دور کنند بعد ازان
روغن کنجد بیست اوقیه که دو صد مثقال میشود داخل کرده بآتش ملایم تر از آتش
اول بجوشانند که آب جذب شود و در آخر احتیاط کنند که روغن بسوزد و اگر همچنین جای سرد گذاشته
روغن صاف از بالا بردارند و آنچه که در ته دیگ باشد دور کنند صواب است و قوت این روغن
تا یک سال می ماند و حکیم علی در مجربات خود نوشته که جهت درد مفاصل و درد پای مزمن اگر
پانزده مثقال هوجونه و پنج مثقال قنه اضافه اجزاء خمسه مذبوره کنند بهتر باشد و اگر احیانا آبله و جدری
بسیار بر آید و بجراحه و قرحه انجامد بلکه متعفن شود قدری کافور درین روغن حل کرده قلیلی ازان
استعمال کرده باشند و نسخه این روغن که در شرح قانون است در اکثر نسخه های شرح غلط معلوم
میشود روغن شیخ صنعان جهت جمیع اقسام زخم و ناصور و بیج امعاء و بواسیر مجرب و محلل اورام
بارده و مقوی اعضاء است ص جدوار خطائی پنج توله شنگرف گل سفید جوز بوا مردار سنگ
فنبیل رال تخم هلیل بلغار زرنیخ سرخ مومیائی کانی هر یک ربع سیر اهیل نیم آثار شق باؤ کم میردار بلد
چوب گز دیودار بیخ مهک قنه هلیله زرد منقی آمله منقی تراشه آبنوس هر یک یک چهیر پوست درخت مغیلان
برگ حنا فوفل حلبه خانه عنکبوت چوب چینی خوب هر یک پاؤ سیر دود در چهپر ہو زرد چوبه هر یک شش
سیر آب برگ نیم تازه آب برگ پان هر یک نیم من روغن کنجد یک من و نیم زرد چوبه برگ حنا فوفل بلدر
دیودار تراشه آبنوس چوب گز اصل السوس دوده چهپر پوست درخت مغیلان آمله
فوفل هلیله زرد هلیله آمله چوب چینی مجموع را صلایه کرده با چهار من آب صاف بپزند تا یک من
بماند صاف نموده نگاهدارند و باقی ادویه را کوفته با آب برگ نیم و آب پان در روغن کنجد بجوشانند

برند تا آب او بسوزد و روغن بماند انگاه در ظرف چینی یا شیشه نگاهدارند و کات و رال بعد سرد
شدن بیندازند و باید که در اثنای ریختن لمحه بلمحه خبر گیران باشند تا روغن بسوزد روغن دیگر قلیل الاجزا
که صاحب تحفه تجربه نموده و گفته که در التحام زخمهای تازه بهتر از نسخه اول است صـ بیخ مهک
دیودار هو جوبه پوست درخت مغیلان زردچوبه بالسویه چهار چهار مثقال کوفته با روغن چراغ
که از پنبه دانه و تخم کتان میگیرند شش مثقال و سه من تبریز آب بجوشانند بحدی که کف نکنند تا آب
بسوزد پس صاف نموده استعمال نمایند روغن گندم و جو سعفه و قوبا را سودمند باشد محلل
و ملین بود و سوزش و حرارت را ساکن گرداند و اورام صلبه و اورام حاره را نافع است طریق
آن بر چند نوع بود یکی آنکه بگیرند گندم سفید یا جو پاک کرده یکه طل و در شیشه کنند و مطین گردانند
و در دهان شیشه قدری لیف خرما نهند و ظرفی را در میان سوراخ کنند و شیشه را سرنگون بر آن
سوراخ نهند چنانچه گردن شیشه دران سوراخ محکم باشد در شیشه اندکی از سوراخ بیرون آمده
باشد و ظرفی در تحت آن نهند و آتش فحم در آن ظرف حوالی شیشه کنند و دم بزنند که آتش فرو
گیرد و روغن متقطر شود و اولی آنکه گندم را اول از آب شب تر نموده صبح بطریق مذکور روغن بکشند
و نوع دیگر آنکه گندم یا جو پاک کرده بر سندان بافته نهند و مطرقه یا صفحه آهنی بغایت گرم بر روی آن
گندم یا جو نهند و آن را بیفشارند که روغن از وی بیرون آید پس بردارند و استعمال نمایند نوع دیگر
آنکه گندم درست کوفته در قرع و انبیق گذاشته آتش آهسته آهسته کنند تا روغن بچکد روغن برای
قوبا و بهق مجرب است صـ سیماب گندهک نیله تهوتهه روغن نیم پاو گندهک و سیماب یکجا نموده
نیله تهوتهه اضافه نمایند بعد ازان روغن انداخته سه چهار پاس کهرل کنند و وقت حاجت بکار
برند روغن جهت ناصور صـ خرما یک عدد در میان دو توله روغن کنجد بجوشانند تا سوخته شود
بعد ازان صاف نموده یک مثقال شنگرف صلایه کرده داخل نمایند تا ممزوج شود و قدری داخل
زخم نمایند انشاء الله تعالی بعد از پنجاه روز به شود روغن سمن که حکیم عماد الدین محمود تالیف
نموده صـ بیخ بنفشه دو درم مغز پسته مغز حب السمنه مغز پنبه دانه مغز بادام شیرین هر یک

سه درم مغز فندق مغز انجلک مغز بندیانه هر یک چهار درم تخم چلغوزه مغز حب الزلم مغز تخم خیارین مغز تخم
کدو و کتیرا هر یک هفت درم چوب چینی ده درم موم کافوری پنجاه درم و پیه تازه صد درم علی الرسم
مرتب سازند بعد ازان که بحمام رفته باشند و کیسه درست کشیده باشند و در زمانی که هنوز حرارت
حمام باقی بود بمالند و بدن را از پارچه ابریشمی پوشیده دارند روغن که جهت درازی موی سیاهی
آن و منع تشقق و سقوط منقول از مجربین است صـ نار دو پوست هلیله تخم مورد هر یکده درم آمله
سی درم همه را نیمکوب کرده در شراب هشت رطل بخیسانند پس بجوشانند تا سه رطل برسد صاف کرده پس
این اجزا را بیفزایند سعد کوفی مصطکی هر یک پنج درم برگ حنا پرسیاوشان تخم کتان بریان کرده
هر یکده درم سه روز دیگر داشته بجوشانند تا ثلث بسوزد انگاه صاف کرده با هم چند روغن کنجد بجوشانند
تا روغن بماند روغن تیز منع ریختن موی که از علت آتشک بود و از مجربات ست مجون موی سفید در موضع داء الثعلب
بر آید اگر استعمال این روغن بر آن موضع نمایند موی سیاه بروید صـ برگ مورد سه مثقال برگ مورد پانزده مثقال چهار
مثقال آب بجوشانند تا بنصف رسد پس صاف نموده با صد بیست مثقال روغن بماند شش مثقال لادن در ان
حل کنند روغن مخترع حکیم علی که در حفظ شعر از سقوط و درازی و سیاهی و انبوه کردن بی نظیر
است صـ پرسیاوشان طباشیر گرد سماق زرورد گلنار مصطکی هر یک یکجزو لادن پوست انار
فوفل پوست هلیله سر یکجزو پوست بلیله بازد سبز هر یک سه جزو آمله منقی پنج جزو برگ مورد
دوازده جزو این همه دوا را نیمکوفته یک شبانروز در آب گذارند و بآتش نرم بپزند تا قوت دوا در آب
در آید و بدست خوب بمالند و صاف کنند اما بنوعی که جرم دارد همراه مانده باشد پس روغن کنجد خالص
پنجاه جزو روغن گل پنجاه جزو اضافه نموده بآتش نرم بجوشانند و بر هم میزده باشند در آخر آن
جرم بسته میشود اول بیرون آرند و سرد کرده در ظرفی کنند و بعد ازان روغن را خشک کرده
بران ریزند و همچنان نگاه دارند و باید که در آخر احتیاط کنند که آب هم نماند و هم روغن نسوزد
روغن که بجهت پر نمودن زخم و برآوردن گوشت و حلقه هازده و پارچه و پیه و استخوان شکسته
که در زخم آمده مانده باشد نظیر ندارد و اگرچه مفاصله نیم گز یا زیاده یا کم باشد منقول از بیاض حکیم مغفور

ص برگ سینبهالو برگ فراش برگ دهتوره برگ جنبیلی از هر یک یکدام روغن کنجد نیم آثار همه را
خوب سائیده در روغن مذکور اندازند و بر آتش گذارند و کفچه زنند چندانکه همه دوا سوخته گشته بر
کرمی بعد ازان فرود آورده بهتر زنند چندانکه همه یکسان شود پس روغن خالص بگیرند و بکار برند روغن
جهت جهانجن که در دست و پا بهم رسد ص نیم توله پوست هلیله نه ماشه چوب چینی یک توله نیلا تهوتهه
برشته دو توله بطریق مسمی بمالند بعد ازان بروغن مضمضه نمایند بجهت استحکام دندان و تقویت
لثه عدیل ندارد سنون بجهت استحکام دندان و نشف رطوبت لثه معمول جد امجد مرحوم ص
تنباکو صورتی فلفل بالسویه بسایند و هر روز سه مرتبه دلوک نمایند سنون جالی دندان
زردی و سیاهی برد ص مازو و زنجبیل زبد البحر دار فلفل قاقله صغار از هر یکدو درم نمک بریان کرده ده درم عود سوخته
پنجدرم مشک سه درم جو سوخته کوفته بیخته سنون سازند تا که دندان را محکم کند و خوشبو نماید سنون
که خون رفتن از دهن باز دارد ص عفص عدس اقاقیا کندر گلنار شب یمانی بزر الورد از هر یک
چهار درم کوفته بیخته بر دندان مالند و اگر بر دندان بعد مالیدن کندی کند به آب برگ سماق
و خرقه مضمضه نمایند و یک دو مرتبه بادام بخایند که کندی برود سنون که بوی دهان خوش کند
و دندان را محکم کند و جلا دهد و گوشت بیخ دندان برویاند ص سفال چینی کف دریا اشخار
نمک اندرانی از هر یک سه درم جو سوخته عود سوخته عاقرقرحا از هر یکدو درم قرنفل کبابه چینی از
هر یک نیمدرم کوفته بیخته سنون سازند سنون مجرب ص نیلا تهوتهه بریان کرده زیره سفید بریان کرده کشنیز
بو داده سونٹهه کته پاپڑیا نمک سیندهه مصطگی قرنفل همه را کوفته سنون سازند و از آب
سرد پرهیز نمایند سنون برای استحکام دندان و پر شدن گوشت و جلای دندان
مجرب است و معمول جد امجد مرحوم ص نیله تهوتهه پاو دام نمک لاهوری نیمدام کته سفید
قسم اول زیره سفید هر یک پاو دام زنجبیل کشنیز خشک کسیس هر یک نیمدام مصطگی بجر دنتی
هر یک پاو دام کیورکهری کباب چینی هر یک نیم پاو نیله تهوتهه را بتابه گرم نهاده خوب سفید نمایند
و زیره سفید و کشنیز را نیز اندک بریان کنند که سرخ شود بگیرند و باقی ادویه کوفته بیخته مثل سنون سازند

و بعد مالش سه چهار گهری آب نرسانند و بالائش یک بیره پان بشرط عدم موانع بخورند
سنون که دافع حدت خون بود ص گزمازج مازو گلنار طباشیر سماق گل سرخ پوست انار
ترش شاخ گوزن سوخته کوفته بیخته سنون سازند سنونی که خون رفتن باز دارد ص
ماتین کهنه سپاری نیم سوخته برابر مردار سنگ نصف وزن سنون سازند سنون که گوشت
دندان محکم کند ص مرجان سوده نیم توله طباشیر سفید کشنیز خشک استخوان تمر هندی هر یک
یکتوله کهربا نیم توله فوفل سماق هر یک یکتوله کات هندی چهار دانگ کوفته بیخته دهن را اول
بآب کشنیز شسته بمالند سنون برای تقویت دندان و رفتن خون و خوشبوی آن عدیل
ندارد و منقول از بیاض جد امجد مرحوم ص کهربا سوده چار ماشه براده آهن یک توله و یک ماشه
مصطگی مازو سبز توتیای سبز سوخته از هر یک سه ماشه چوبچینی پوست بیخ مولسری هر یک هفت
ماشه لبد سوده چهار ماشه بیر اکسیس فوفل سوخته کته پاپڑیا سنگ جراحت از هر یک شش ماشه
شب یمانی برشته هلیله کابلی از هر یک سه ماشه شاخ گوزن یک توله کوفته بیخته سنون سازند
سنون برای نقصان لحم لثه از بیاض عم مرحوم و مجرب نوشته اند ص کرسنه کوفته
بعسل خمیر نموده بر آجر داشته در تنور گرم گذارند تا محترق شود پس بگیرند کندر و گردم الاخوین
از هر یک پنجدرم ایرسا زراوند مدحرج از هر یک دو درم کوفته بیخته باهم آمیخته سنون
سازند سنون سورنجان تقویت دندان نماید ص سورنجان مصری فوفل سعد گزمازج
پوست هلیله زرد صندل سفید گل سرخ مساوی کوفته بیخته سنون سازند سنون که
ناصور بن دندان را باصلاح آرد ص بیخ سوسن عاقرقرحا از هر یک یکدرم شب یمانی
گلنار مازو سماق از هر یکدو درم کوفته بیخته سنون سازند سنون که چون قبل جوشش
ارداره آتشک بر دهن و بیخ دندان افشانند منع جوشش دهن کند و اگر جوشش نموده
باشد استعمال نمایند باصلاح آورد ص زراوند مدحرج برگ مورد کندر گلنار سعد بیخ سوسن
دم الاخوین مازو مساوی کوفته بیخته استعمال نمایند سنون ص که دندان متحرک را مستحکم گرداند [illegible]

گل سرخ سماق پوست انار ترش مازو استخوان هلیله زرد گلنار کزمازج مساوی کوفته
بربیخ دندان افشانند سنون اکلهٔ دهن ولثه را نافع باشد ص پوست انار ترش و
شیرین از هریک سی درم مازو گلنار شب یمانی کاغذ سوخته عاقر قرحا از هریک ده درم
سماق پانزده درم نمک هندی نوشادر پنجدرم کوفته بیخته بسرکه لبریز شنند و خلوله‌ها سازند
در وقت حاجت دیگر باره بکوبند و استعمال نمایند سنون بنسخهٔ دیگر و اسفرخار دو درم
لثه را نافع بود ص پوست انار دو درم گلنار زرد چوبه سماق شب یمانی مازو از هریک یکدرم
کوفته بیخته استعمال نمایند سنون که اکله و ناصور بیخ دندان را نافع باشد و خون رفتن
باز دارد ص مرنوشادر بیخ سوسن زرنیخ سرخ عاقر قرحا مساوی کوفته بیخته استعمال نمایند
سنون منقول از خط والد ماجد مرحوم ص پوست تخم مرغ اقاقیا عفص حضض مکی قسط حب الآس
کزمازج دم الاخوین طباشیر سفید بیخ انجبار ولایتی گل ارمنی برگ ریباس گلنار کشنیز خشک
خرنوب پوست هلیله زرد جفت بلوط پوست هلیله کابلی هلیله سیاه صمغ عربی گاوزبان گیلانی سوخته
هر کدام شش ماشه کاغذ سوخته زرورد پوست انار شیرین عنب الثعلب برگ مورد سماق
برگ عناب سوخته کوفته بیخته مرتب سازند سنون بجهت درد دندان و استحکام آن
ص نیلاتهوتهه بریان کرده کته سفید نمک سفید کوت زیره سفید بریان زنجبیل کشنیز بریان
هریک یکدام دار فلفل نیمدرم سنون سازند سنون حضرت فرید شکر گنج ص پوست
هلیلهٔ کابلی پوست بلیله آمله منقی زنجبیل دار فلفل توتیا بقم مازو نمک سنگ مساوی جدا
جدا کوفته بعده همه را وزن کرده باهم آمیخته بکار برند سنون بارد جهت امراض حاره
و برای رویانیدن گوشت لثه و تعفن آن و حرکت دندان تجربه رسیده منقول از تذکره
ص طباشیر گل سرخ از هریک سه درم مروارید گل ارمنی برشته دم الاخوین از هریک
دو درم مرجان سوخته صندل سرخ مرصاف حب کاکنج کزمازج مامیران از هریک یکدرم
کوفته بیخته سنون سازند سنون که صحت اسنان را نگاهدارد ص شاخ گوزن

سوخته کزمازج سعد سنبل هریک چهار درم نمک اندرانی یکدرم سنون سازند سنون صاحب
تحفه از کافی نقل کرده و گفته که در کندن دندان نائب مناب کلبتین است و تفتیت دندان
می نماید ص عاقر قرحا پوست حنظل چوب توت شیرین مازریون مدبر پوست بیخ کبر حلتیت
زرنیخ زرد بالسویه مجموع سائیده سه روز در سرکه بخیسانند و حلتیت را نصف وزن او مقل ازرق
در سرکه بخیسانند و حل کرده ادویه را بآن لبریز شنند و وقت استعمال احتیاط کنند که بدندان مجاور
نرسد بلکه دندان صحیح مجاور را بخمیر موم غلاف کنند سنون جهت رویانیدن گوشت
بن دندان و رفع بدبوی دهان بغایت نافع است تالیف والد حکیم مومن ص دم الاخوین
کزمازج انزروت جوز السرو کندر بیخ نی سوخته طباشیر اقاقیا گل سرخ جفت بلوط پوست
انار ترش هریک جزوی قصب الذریره نصف جزو در وقت خواب استعمال نمایند سنون
که جهت آکله بهترین دواست ص برگ سداب دو درم اشخار آهک زرنیخ هریکی یکدرم
جمله را سوده در سرکه تند تر کنند و در کوزه نو نهاده در گل حکمت گرفته در آتش نهند که گل سرخ
شود دوا پخته گردد پس برآورده مقدار دانگی یا دو دانگ بر آکله افگنند و چند بار بفضل
الهی برطرف شود سنون که بجهت درد دندان بغایت نافعست ص موجو به تخم ریحان
تخم سرس پوست درخت انار زرشک کتیرا بادام مقشر صمغ عربی از هریک دو انگی فوفل بیخ عود
بسیار نرم سائیده استعمال نمایند سنون که در تسکین آلام و رفع خون و رویانیدن گوشت
و منع ریختن سو تجربه بعضی رسیده و باکثر اگرچه موافق است ص سعد طباشیر گل سرخ
تخم مورد گلنار کات هندی فوفل کزمازج اقاقیا از هریک جزوی سماق سه جزو و صاحب
تحفه این نسخه را نسبت بخود نموده سنون از جهت درد دندان و محکم شدن گوشت بن
دندان مجربست منقول از بقائی ص عاقر قرحا دو درم انجبار یکدرم و نیم گلنار شب یمانی
کزمازج طباشیر از هریک یکدرم همه را باریک سائیده و از پارچه گذرانیده بر دندانی که درد می
کند یا بیخ آن بسته باشد بپاشند سنون دیگر از بقائی جهت رفع درد دندان و استحکام

آن و دفع اکثر امراض را نافع است ص نیلہ تھوتھہ بریان تخم کشنیز بریان زیرۂ سفید زنجبیل
قسط شیرین فلفل کات ہندی نمک ہندی نمک سیاہ زاج زرد یعنی کسیس مصطگی رومی ہمہ
برابر سنون سازند سنون جہت درد دندان و جریان خون و استحکام اصول و اکثر امراض
اسنان از بقائی ص نیلہ تھوتھہ سوختہ شب یمانی سوختہ نمک لاہوری کتہ پاپڑیہ مازو سوختہ دانۂ الایچی
کلان ہمہ را مساوی کوفتہ بیختہ استعمال نمایند و اگر دندان متحرک باشند ہیرا کسیس بیفزایند سنون
کہ والد ماجد جہت نواب مجد الدولہ برای تقویت لثہ و اسنان تالیف فرمودہ بودند ص زرورد مصطگی
گلنار سرخ بسد سفید سائیدہ الایچی خورد گل سیوتی زیرۂ سیاہ بریان شب یمانی برشتہ از ہر یکدو
ماشہ طباشیر سفید یکماشہ کوفتہ بیختہ سنون سازند دہن را خوشبو نیز کند سنون جہت استحکام
دندان اگرچہ قریب افتادن باشند و دیگر امراض لثہ را نیز نافع بود منقول از بیاض حکیم علی
اکبر خان مرحوم ص پوست مغیلان چہار تولہ سنگجراحت کتہ پاپڑیہ سپیاری چہالیہ از ہر یک
یکتولہ فلفل سیاہ زنجبیل ہر یک یکماشہ ہر شش اجزا را بدون بریان نمودن جدا جدا بسایند
و وزن نمودہ باہم آمیختہ نگاہدارند و شب و روز ہر گاہ خواہند بر دندان بمالند سنون
کہ اہل ہند مسی می نامند و ہر روز بکار برند ص لیچن یک آثار مازو سبز یک نیم پاو نیلہ تھوتھہ
دوازدہ دام کتہ سفید شش دام الایچی خورد قدری باریک سائیدہ استعمال نمایند سنون
مسی بہ نسخہ دیگر ص لیچن خالص یک آثار پاو بالا مازو سبز بی سوراخ نیم آثار الایچی خورد
سہ پوست نیلہ تھوتھہ ہر کدام چہار دام کتہ سرخ پنجدام ہیرا کسیس مصطگی رومی ہر یک یکدام
سون مکھی گجراتی چہار ماشہ اینہمہ اجزا را کوفتہ بیختہ چند بار از پارچہ سفت گذرانیدہ بکار برند سنون
مسی بنسخۂ دیگر منقول از بیاض علویخان ص برادہ مس پوست آنار از ہر یک نیم استار
مازو سبز ربع استار زاج سفید ہمہ اجزا را کوفتہ بیختہ مثل سرمہ صلایہ نمودہ استعمال نمایند
سنون مسی سنج کہ آنرا ڈانگ گویند ص تمر ہندی پاو سیر گریت یکتولہ شب یمانی چہار
ماشہ نمک و ماشہ برای سنج ساختن ہمین کافی است و اگر سبز سازند توتیای سبز نیز داخل

نمایند سنون زرد معمول و مجرب جہت استحکام دندان و رفع درد آن ص پوست انار
گلنار زرد چوب سماق شب یمانی برشتہ مازو ہمہ مساوی کوفتہ بیختہ سنون سازند سنون کہ خون
رفتن بن دندان باز دارد ص عود بسوزند و خاکستر وی بسایند و ہمچندان شب یمانی برشتہ آمیختہ
بمالند و اگر قدری نمک لاہوری داخل نمایند اقوی خواہد بود سنون کہ دندان را محکم کند
و بوی دہن خوشبو نماید و کثیر الفوائد و نادر است و وجع را فوراً ساکن میگرداند ص مصطگی
تخم مینہیل کسیس زنجبیل سودہ سنگ جراحت بریان سہاگہ بریان سنگ سرمہ سنگ سفید ہر یک
یکدام فلفل کشنیز بریان کتہ زیرہ بریان از ہر یک دو دام ناگرموتھہ چہار دام ادویہ کوفتہ بیختہ بمسواک
بر دندان بمالند و بآب غرغرہ نمایند و دہن صاف سازند و بالائش بیڑہ پان بخورند سفرجلی
مسہل معدہ را قوت دہد و اشتہای طعام آورد و قولنج بکشاید ص بہ اصفہانی را نیم من
از پوست و دانہ پاک کنند و در سرکہ یا شراب بجوشانند تا مہرا شود و از غربال بیرون کنند و ہمین
عسل بر سر آن ریزند و بجوشانند تا بقوام آید این دارو ہا را کوفتہ بیختہ بآن لبس شوند زنجبیل
دارفلفل قاقلۂ صغار و کبار دارچینی زعفران از ہر یک سہ درم تربد سفید سی درم مصطگی پنجدرم
سقمونیا دہ درم شربت پنج مثقال تا ہفت مثقال بآب گرم سفرجلی تابستانی صاحب مزاج
گرم را موافق بود و در فصل تابستان توان داد ازین جہت محمد ذکریا این نام نہادہ ص
سقمونیا دو درم و نیم تربد سفید دہ درم مغز تخم خیار و کدو از ہر یک پنجدرم ورق گل سرخ طباشیر
سفید از ہر یکدو درم و نیم ترنجبین عصارۂ بہ از ہر یک پنجاہ درم آب بہ و ترنجبین را بجوشانند
چندانکہ ترنجبین گداختہ شود و بقوام آرند پس دارو ہا کوفتہ بآن لبس شوند و این جملہ دہ شربت
است سفرجلی ممسک بنسخۂ میر مومن شکم را ببندد و ہاضمہ را قوت دہد و جہت تقویت
معدہ و احشا و دماغ نافعست ص بگیرند سفرجل اصفہانی و از پوست و دانہ آن پاک
کردہ یک رطل و آنرا در شراب ریحانی یا سرکہ بجوشانند تا مہرا شود و از پرویزن موی بپالایند
و با نیم رطل نبات سفید عسل مصفی بپزند تا بقوام آید پس فلفل دارفلفل قرنفل از ہر یک

دو مثقال زنجبیل چهار مثقال زعفران نیم مثقال عود هندی پنج مثقال کوفته بیخته بآن بسرشند سکنجبین واضع اشربه و ربوب و سکنجبین فیثاغورس است و گویند که سکنجبین اقدم است و شیخ میفرماید که از حکمای فرس بیونانیان رسیده و صاحب تذکره گوید که معرب سرکا انگبین است و بعضی گفته اند که معرب سک و انگبین است و سک بمعنی سرکه در لغت فارسی آمده و علویخان مرحوم با وجود آنکه خود گفته که معرب را قاعده مقرری نیست بر شیخ داود اعتراض کرده که اگر معرب سرکا انگبین می بود سرکا انجبین بودی نه سکنجبین ساده صفرا دفع کند و محرور مزاج را موافق بود و تپ های حاره و جگر گرم را مفید باشد و تشنگی بنشاند و سده بکشاید و بول براند ص قند سفید یکمن در دیگ کنند و یک چهار یک سرکه بر سر آن ریزند و بقوام آورده یک وقیه گلاب بر سر آن ریخته فرو گیرند و اگر تبرید زیاده خواهند سرکه از وزن مذکور بیفزایند سکنجبین بزوری بارد سده جگر بگشاید و بول براند و استسقا و تپ های حاده را نافع بود و تشنگی بنشاند ص پوست بیخ کاسنی هفت درم تخم خیارزه تخم کاسنی از هر یک پنجدرم نیم کوفته در یک چهار یک سرکه کرده در آب بخیسانند یک شبانروز و دیگر بجوشانند و بپالایند و یکمن قند بقوام آرند سکنجبین بزوری حار سده معده و جگر بگشاید و بول براند و فضول از معده پاک کند و مستسقی را نافع باشد ص تخم کاسنی نیم کوفته تخم کشوث تخم کرفس رازیانه انیسون از هر یک پنجدرم پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس از هر یک ده درم در آب و سرکه بخیسانند چنانچه ذکر شده و بایک من قند بقوام آورند سکنجبین بزوری معتدل سده سپرز و جگر و معده بگشاید و تپ های مرکبه دور نماید و بول براند ص تخم کاسنی رازیانه تخم کرفس از هر یک هفتدرم مجموع نیم کوفته در سه رطل آب و بیست درم شبانروز بخیسانند روز دیگر جوشانیده بایک من قند بقوام آرند سکنجبین بناری نسخه و صرای نافع امراض جگر و سده آن ص ریوند چینی یکمثقال پوست بیخ کاسنی تخم کرفس تخم کشوث بیخ مهک هر یک سه مثقال تخم کاسنی تخم حنظل زرشک تخم گل بیست هشت مثقال در یک سیر سرکه انگوری و دو سیر شراب خیسانیده بجوشانند

و بایک سیر قند بقوام آرند شربت تا شش تا پنج مثقال تا ده مثقال سکنجبین بزوری اصولی سده جگر و سپرز بگشاید و بلغم را براند و صفرا بنشاند و معده را سود دهد ص انیسون تخم کشوث رازیانه پوست بیخ کبر پوست بیخ کرفس هر یک پنجدرم تخم کاسنی ده درم همه را نیمکوب کنند و در یک نیم رطل سرکه نهند و نیم رطل آب خالص یک شبانروز تر دارند و بآتش نرم بپزند تا قدری آب کم شود و قند پنج رطل حل کرده بقوام آرند سکنجبین عنصلی سختی جگر و سپرز را نافع است و جهت سده و قطع اخلاط غلیظه و دفع سعال و ضیق النفس رطوبی مفید باشد ص پیاز عنصل نیم رطل بکارد چوبین یا زجاج قطع کنند خورد خورد و سرکه کهنه پنج رطل انداخته بآتش نرم بپزند تا که پیاز عنصل مهرا شود پس صاف کنند و بایک رطل سرکه قند سفید یک نیم رطل آمیخته بآتش نرم بقوام آرند و در اثنای طبخ کف برگیرند پس فرود آرند و بکار برند سکنجبین فوده استسقا و صلابت سپرز و ورم جگر را نافع است و سده جگر را بگشاید ص رازیانه پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کبر انیسون تخم کاسنی پوست بیخ کاسنی زوفا یابس فوه غافث افسنتین هر یکده درم تخم کشوث تخم کرفس و پوست بیخ آن جعده سنبل اسارون هر یک هفت درم آب دو صد درم سرکه بخیسانند بعد از جوشانیدن و صاف کردن بایک من قند بقوام آرند سکنجبین ریوندی یرقان و درد جگر را که از گرمی باشد سود دارد ص تخم کاسنی نیمکوفته بیست درم گل سرخ تخم شاهتره تخم کشوث هر یکده درم ریوند پنجدرم ریوند را نرم کوفته در صره بندند و با دویه دیگر در دو من آب بجوشانند و کیسه ریوند را بدست بمالند تا شیره تمام باز دهد بعده صاف کنند و با نیم من قند بقوام آرند و با مار الجبن استعمال کنند سنجبینا بسین مهمله و جیم و زاء معجمه و تحتانی و نون و تحتانی ثانی و الف و معنی وی کثیر النجاح است و قیل الدواء النجاح و بسین مهمله و نون و جیم و زاء مهمله و نون ثانی و تحتانی نیز بعضی تحقیق نموده اند و بالجمله دواء مذکور معروف و مجرب است و جهت گرم کردن معده و ازاله تخمه و تفتیح سده و تحلیل صلابات احشاء و بادها و تسکین وجع معده و دندان و تاکل آن و جهت بطوء استمرار و قولنج و عسر بول که از برودت

بلغم باشد نافع بود و نسخه‌های متعدد است و آنچه معمول اکثر اطبا است مرقوم گشته ص جند بیدستر
دارچینی اسارون قوسو دو قو یکدرم فلفل دار فلفل بازرد قسط هر یک شش درم زعفران
نیمدرم و در نسخهٔ دیگر شش قیراط و در بعضی شش درم افزوده اند بازرد را در عسل که سه چند
جمله باشد حل کرده ادویهٔ مسحوقه منخوله را بدان بسرشند و بعد شش ماه بکار برند شربت از دانگی تا
دو مثقال سهاک سونٹه دوا هندی است هاضم و مشتهی و دافع هر قسم ریاح مقوی باه و دل
و پیبوست مثانه را بسیار نافع بود ص سونٹه زیرهٔ سیاه زیرهٔ سفید کشنیز بادیان تخم شبت ترپهلا
لونگ جوتری صندل سفید لوده گجراتی هوبیر کته تیلیه هر یک نیمدام ترکتا ده ده دام زنجبیل
روغن مادهٔ گاو هر یک شانزده دام شکرتری چهار و نیم سیر اول زنجبیل را کوفته بیخته در پنج آثار
شیر گاو بجوشانند تا که غلیظ شود در روغن انداخته کفچه زنند بعد از ان شکرتری در اندک آب صاف
نموده باهم بسرشند و مثل حلوا بپزند و دواها را داخل کنند و هر روز یکدام یا کم از ان بخورند سفوف
و آن اقدم تراکیب است و بعد از ان معجون ترکیب یافته و لسقوریدوس گوید که مخترع او بقراط
شاگرد اسقیلوس است به بقراط مشهور سفوف قلیل الاجزا بجهت صداع حماری و بخاری
و خفقان معدی و رفع وسواس سوداوی تصنیف ملا امجد مرحوم ص گشنیز خشک دو توله
گاوزبان شش ماشه آمله مقشر یک توله گل سرخ صندل سفید هر یک شش ماشه کوفته بیخته
نبات سفید هشت توله آمیخته سفوف سازند و بعضی اوقات این ادویه اضافه می فرمودند
طباشیر سفید سه ماشه زهر مهره مروارید سائیده از هر یک دو ماشه خرفه مقشر پنجماشه شربت از شش ماشه
تا یک توله با عرق های مناسب سفوف بنفشه برای صداع بخاری و رفع قبض از مجربات
است ص گل بنفشه نبات مساوی الوزن گرفته سفوف سازند شربت از نه ماشه تا یکتوله
سفوف برای خمار اگر پیش از شراب استعمال کند بگذارد که مستی در وی اثر کند و محرورین
را نشاید ص نانخواه سداب نمک ذیرهٔ سیاه از هر یک سه جزو تخم کرنب نبطی مغز بادام
تلخ مغز بادام شیرین هر یکی جزوی کوفته بیخته سفوف سازند خوراک سه درم با آب سرد یا ...

انار سفوف لاجورد که برای رفع مواد سوداوی همراه ماء الجبن مستعمل میشود ص حجر ارمنی
مغسول لاجورد مغسول مسحوق هر یک دو ماشه هلیلهٔ سیاه هلیلهٔ کابلی هلیلهٔ زرد از هر یک یکمثقال
افتیمون بسفایج فستقی از هر یک هفت ماشه سنائی بنفشه از هر یک پنج ماشه تخم شاهتره شش ماشه
تخم بادرنجبویه دو ماشه کوفته بیخته شکر سفید چهل و هشت ماشه بیامیزند شربت یکمثقال سفوف
دیگر مجرب و معمول قبله گاه بنده درگاه بجهت فوائد مذکوره ص سنائی افتیمون از هر یک نیمدرم
تربد سفید مجوف خراشیده پنجدرم غاریقون نرم سفید لاجورد مغسول هلیلهٔ سیاه بادرنجبویه از هر یک
سه درم گل سرخ چهار درم پوست هلیلهٔ کابلی پوست هلیلهٔ زرد بسفایج فستقی ریوند چینی از هر یک
پنجدرم اسطوخودوس دو درم کوفته بیخته سفوف سازند شربت از یکمثقال تا چهار مثقال و بعضی
احیان از چهار مثقال اضافه شده و نفع بسیار نموده سفوف مروارید که در دفع امراض دماغیه
و قلبیه و وسواس و خفقان انفع بین می نماید از مستنباط جالینوس است ص هلیلهٔ کابلی گاوزبان
بهمنین از هر یک ده درم درونج عقربی ریحان بادرنجبویه گل سرخ مصطگی از هر واحد پنجدرم یاقوت احمر
مرجان قرمزی مروارید ناسفته ورق طلا محلول ورق نقره محلول از هر یک یکمثقال تخم بالنگو
نیمدرم حجر ارمنی ابریشم مقرض از هر یک سه درم کوفته بیخته در شیشه نگاهدارند و یک من قند
و چهل مثقال سرکه بپزند تا بقوام آرند سکنجبین ها فی تپ محرقه و جگر و معده گرم را سود دارد
و تشنگی بنشاند ص سرکه آب انار ترش و شیرین از هر یک نیم من بقوام آرند و قدری زرشک
و یک تا چهار یک سرکه صاف و یکمن قند اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید و اگر بدل سرکه منظور
شود آب تمر کنند نیز رواست سکنجبین لیموئی معده و جگر را قوت دهد و فتح اشتهای طعام آورد و سده جگر را بگشاید
و طعام هضم کند و ناقهان را فائده بخشد ص آب پنجاه مثقال سرکه صاف و آب لیمون و گلاب
از هر یک سی مثقال قند یکمن بجوشانند تا بقوام آید سکنجبین افسنتین درد معده را که بسبب
صفرا باشد نفع دهد ص افسنتین و سرکه تر کنند و از ان سرکه سکنجبین سازند چنانچه رسم است
سکنجبین درد معده گرم را انفع دهد ص گلقند شکری در گلاب گرم حل کنند و صاف

نمایند و سرکه آنقدر که مطلوب باشد آمیخته بکار برند اول بقوام آرند سکنجبین زبیبی در تقویت
معده و جگر بی نظیر است ص مویز در سرکه پر کنند و صاف ساخته با قند و عسل بپزند چنانچه
دستور است سکنجبین تفاحی از تالیف حکیم ارزانی جهت اشتها و هضم و تفتیح سده جگر
و تقویت معده و دل و دفع غثیان و قی نافع است ص آب سیب پخته شیرین صد درم
سرکه چهل درم آب انار ترش آب لیمون گلاب بیدمشک هر یک بیست درم قند سفید یکمن
و نیم پودینه سبز یک مشت در اثنای طبخ اندازند چون خوب بجوشد بیرون آرند سکنجبین فواکه
برای فواید مذکوره از تالیف مؤلف ص آب انار شیرین و ترش آب سیب آبی شیرین
و ترش آب غوره آب زرشک رب فالسه آب تمر هندی از هر یک هشت درم سرکه
انگوری شصت و چهار درم آب نعنع سه درم عسل و نبات یکیک آثار بقوام آرند دارچینی
مشک هر یک یکدرم طباشیر سفید چهار درم هر سه را خوب باریک نموده با قدری سکنجبین تنک
مخلوط نمایند بعد ازان در تمام سکنجبین بوجه احسن خلط کنند سکنجبین ناخواه طعام هضم کند و اشتها
آرد و معده را مفید بود ص ناخواه زیره سیاه زوفا جعده جبلی هر یک یک وقیه سرکه
کهنه یک قسط و نیم عسل نیم قسط ادویه را در سرکه یک شبانروز بپزند تا به ثلث برسد و صاف
کنند و عسل آمیخته بقوام آرند و با آب خلیل البرود دهند سکنجبین تمر هندی تالیف علویخان
نافع از برای قی صفراوی و حمیات حاره و قتیکه با قبض طبیعت باشد و مقوی معده و
کبد حار است ص بگیرند زرشک منقی نیم رطل در دو رطل آب خالص و دو وقیه گلاب
بخیسانند یک شب و صبح و صافی آنرا از غیر مالیدن جرم آن بدست گیرند دو رطل شکر
سفید جید داخل کرده بجوشانند و قدری سفیده تخم مرغ مخلوط بران زنند و کف آن را برگیرند
و چون دیگر کف بر سر نیارد صافی نموده باز در دیگ سنگین نموده مقدار نیم رطل سرکه انگوری
جید داخل کرده بجوشانند تا بقوام آید نگاهدارند سکنجبین مسهل ص بگیرند یکمن شکر سفید در دیگ
سنگین کرده سطح آن را مستوی سازند پس بریزند بران سرکه عنصل و با آتش ملایم برفق بزنند

و کف بردارند و ببینند چون دیگر کف بر سر نمی آرد از و صاف نموده داخل کنند در آن پنج استار
مغز حب القرطم نرم کوبیده بر هم زنند و بگیرند بیست درم تربد سفید مضمغ و نرم کوبیده در پارچه
محلل النسج کنند و سر آنرا محکم ببندند و لمحه بلمحه پارچه بمالند و بفشارند تا باقی نماند در آن صره چیزی از
تربد و بقوام سکنجبین آید پس فرود آورده سرد کرده در شیشه یا در ظرف چینی نگاهدارند شربت از
ده درم تا پانزده درم سکنجبین افتیمونی منقول از قرابادین شفائی اصحاب مالیخولیا و توحش
و صرع را نافع بود ص افتیمون ده درم بسفایج فستقی تربد سفید از هر یک شش درم گاوزبان
پرسیاوشان تخم کاسنی ایرسا تخم کشوث پوست بیخ کاسنی از هر یک پنجدرم حاشا ورق گلسرخ
کمافیطوس از هر یک چهار درم تخم بادروج فرنجمشک بادرنجبویه زرنباد درونج عقربی بهمن سرخ
و سفید سازج هندی قاقله سنبل از هر یک سه درم گلقند آفتابی بوزن ادویه در سرکه و آب
بخیسانند یک شبانروز و با یک من قند بقوام آرند سکنجبین افتیمونی بنسخه دیگر ص
افتیمون گاوزبان فرنجمشک بادرنجبویه هر یکده درم افتیمون در پارچه کتان ببندند و دیگر ادویه را
در شصت درم سرکه شب بخیسانند و صبح بجوشانند و وقت حاجت یکمثقال تناول نمایند
سفوف لنا بجهت امراض مذکوره ص حجر لاجورد حجر ارمنی الشب قیطاس یعنی زهر مهره
بادرنجبویه بسفایج فستقی اسطوخودوس برگ فرنجمشک ابریشم مقرض گاوزبان گیلانی گل سرخ
از هر یکدو درم درونج هلیله کابلی افتیمون مصطکی رومی بهمن سفید آمله گل گاوزبان از هر واحد
سه درم کوفته بیخته سفوف سازند شربت مثقال تا دو درم با ماء الجبن سفوف لنا برای
اخراج سوداء سوداوی با ماء الجبن ص هلیله سیاه پانزده درم غاریقون افتیمون از هر یک
پنجدرم بادرنجبویه هفت درم شحم حنظل چهار درم شربت یکمثقال سفوف مبارک نافع برای
مالیخولیا و بهق اسود و جذام و اورام سوداوی و جرب و حکه و قوبا ص حجر لاجورد
مغسول دو درم حجر ارمنی دو درم مغسول هلیله سیاه پوست هلیله کابلی هلیله زرد هر یک چهار درم
افتیمون بروغن بادام آغشته بسفایج از هر یک هفت درم سنا مکی گل بنفشه هر یک پنجدرم

تخم شاہترہ تخم بالنگو سہ درم ادویہ را بکوبند و بیزند غیر از ہلیلجات کہ آنہا را پارچہ بیز نمایند و غیر از تخم بالنگو کہ او را ناکوفتہ آمیزند و ہمچندان شکر سفید آمیختہ از چہار درم تا ہفت درم استسفاف نمایند بعرق گاوزبان و شکر نیم گرم و اگر سدس و رم محمودہ درین بیفزایند اقوی خواہد بود سفوف تالیف والد شریف برای خدر و برودت دماغ ص درونج عقربی زرنباد مصطگی ابریشم خام نوبید تخم بادرنجبویہ گاوزبان گیلانی قاقلہ صغار از ہر یک سہ ماشہ جدوار نقشی عود غرقی از ہر یک یکماشہ عود صلیب برگ فرنجمشک دارچینی سلیخہ سنبل الطیب زہر واحد دو ماشہ سورنجان معری چہار ماشہ بہمنین شش ماشہ کوفتہ بیختہ نبات سفید ہموزن ادویہ داخل نمایند خوراک شش ماشہ با عرقہا و اشربہ مناسبہ سفوف کہ سل و سعال و تپ دق و تپ خلطی و اسہال را نافع است و جہت صداع و منع نزلات حارہ مجرب ص تخم خطمی اقاقیا گلنار ہر یکدو درم مغز بادام سہ درم کثیرا نشاستہ صمغ عربی مغز تخم کدو شیرین مغز تخم تربوز مغز بہدانہ رب السوس طباشیر سفید مغز تخم خیار گل ارمنی عصارۂ لحیۃ التیس ہر یک چہار درم باقلا مقشر ہفت درم خشخاش سفید سرطان سوختہ ہر یکدہ درم کوفتہ بیختہ شربت دو مثقال یا سہ مثقال سفوف نفث الدم ص طباشیر گلسرخ گل ارمنی گل مختوم تخم خرفہ شادنہ عدسی مغسول از ہر یک پنجدرم لسد کہربا مروارید ناسفتہ خشخاش سفید رب السوس اقاقیا عصارہ لحیۃ التیس ہر یک سہ درم بزرقطونا ہشت درم افیون دو درم غیر از بزرقطونا ہمہ را بکوبند و بیزند و سفوف سازند شربت دو درم با آب باران یا آب برگ خرفہ و اگر حرارت قوی بود کندر سہ درم درین نسخہ بیفزایند سفوف سرطان سلول را بغایت نافعست ص سرطان نہری سوختہ دو درم طین قبرسی صمغ عربی خشخاش سفید خشخاش سیاہ تخم خطمی ہر یک شش درم صندل سفید دو درم شکر العشر طباشیر ہر یک سہ درم تخم خبازی تخم خرفہ ہر یک پنجدرم مغز تخم کدو گل ارمنی عصارۂ لسان الحمل گل مختوم ہر یک چہار درم زعفران یکدرم کوفتہ بیختہ مرتب سازند شربت دو درم با نیمدانگ کافور دو دانگ ماء السرطان شراب خشخاش و شیر

تخم خرفہ سفوف سرخ مجرب سید الحکما جہت نضج مادہ ص تخم خطمی صمغ عربی گل ارمنی کثیرا طباشیر ہر یک دو ماشہ رب السوس بہدانہ تخم خبازی نشاستہ مغز بادام ہر یک سہ ماشہ آرد باقلا ہر یک چہار ماشہ کوفتہ بیختہ سفوف سازند و قدری در دہن نگاہداشتہ باشند سفوف دیگر جہت نفث الدم از تالیف والد شریف ص انجبار ولایتی دم الاخوین از ہر یک یکدرم خرفہ مقشر دو مثقال صمغ عربی کہربا اقاقیا مروارید از ہر یک یکدرم خشخاش دو درم کثیرا رب السوس گل ارمنی ہر واحد یک مثقال گل داغستانی نیم مثقال صندلین لسد یکدرم کافور قیصوری یکماشہ سرطان محرق یکدرم زہر مہرہ سائیدہ سہ ماشہ تخم کاہو نشاستہ ہر یک یکدرم گل نیلوفر سہ درم کوفتہ بیختہ سفوف سازند و شش ماشہ تا یک تولہ با تبرید مناسب بخورند سفوف لنا برای نفث الدم ص سنگجراحت نیمدرم مروارید سائیدہ پوست خشخاش دم الاخوین از ہر یک یکدرم کہربا رُبِّ انجبار ہر یکدو درم خرفہ مقشر نشاستہ از ہر یکدو مثقال کوفتہ بیختہ سفوف سازند شربت از یکدرم تا دو درم سفوف آخر لنا برای سل و نفث الدم ص غری السمک طباشیر سفید ہر یک یکدرم افیون نیمدرم زعفران نیم ماشہ مصطگی کافور قیصوری یکماشہ گل داغستانی اقاقیا از ہر یک یکدرم سرطان محرق یکمثقال تخم کاہو دو درم نبات یکدرم کوفتہ بیختہ سفوف سازند سفوف برای سعال بلغمی و ضیق النفس ص بلیل دراز اصل السوس طباشیر ہمہ برابر ہر روز سہ درم وقت خواب باب گرم بخورند سفوف برای سعال منقول از سکندری ص صمغ عربی شکر تری از ہر یکدہ درم عاقرقرحا بیخ سوسن کبود ہر یکدو درم سفوف ساختہ ہر روزہ یکدرم بخورند سفوف کہ نفث را پختہ گرداند و سعال را مفید بود ص صمغ عربی اصل السوس از ہر یک چہار جزو دار فلفل یکجزو شکر برابر ہمہ سفوف ساختہ بقدر دو مثقال بخورند سفوف تالیف حکیم عبد الہادی برای سل یا نفث الدم و لین طبیعت ص کافور قیصوری نیمدرم طباشیر سفید بیخ انجبار ولایتی دم الاخوین مروارید ناسفتہ کہربا کثیرا اسفید مغز تخم کدو غری السمک فاوانیا انیسون رب السوس

سرطان نهری محرق نشاسته محمص مغز بادام بریان صمغ عربی بریان از ہر یک یکدرم
زعفران یک نیم دانق پوست خشخاش یکمثقال کوفته بیخته سفوف دو درم وقت صبح
باب برگ بارتنگ وآب بید از ہر یکده درم بخورند وہمچنین وقت شام سفوف برای
دفع سرفه وضیق النفس بلغمی منقول از خط خال والد شریف والیشان این سفوف را
مجرب نوشته اند ص برگ آکهه که زرد شده باشد از درخت افتاده باشد یک آثار چونه بری و
نمک از ہر یک دو دام بخته ہر دو را در آب سائیده بر برگ مذکور طلا ساخته خشک نمود
در سبوچه گلی نگاهداشته درمیان آتش پاجک دشتی تا یکپاس گذارند تا سوخته شود وعدے
مناسب بکار برند سفوف شب برای نفث الدم ص شب یمانی سرمه اصفهانی
از ہر یک یکدرم کہربا مروارید اقاقیا از ہر یک سه درم دم الاخوین صمغ عربی کتیرا از ہر یک
دو درم کوفته بیخته سفوف سازند شربت نیمدرم تا نیم مثقال سفوف برای نفث الدم
وقتی که العیب صدمه گید باشد ص ریوند چینی ده درم لک مغسول گل ارمنی از ہر یک
پنجدرم کوفته بیخته سفوف سازند خوراک نیمدرم سفوف ممسک سل نزدیک اشتغال
حرارت وحمی ولین طبیعت مستعمل است ص اسبغول تخم مرد تخم ریحان وتخم خرفه از ہر یک
درم صمغ عربی نشاسته کتیرا تخم حماض گل ارمنی سرطان محرق از ہر یک چہار درم حب الآس
سویق نبق سویق غبیرا از ہر یک شش درم شاه بلوط پانزده ہمه اجزا را سوده سو
تخم ہای مذکوره کوفته بیخته دو درم ازین سفوف با رب آس وآب بارد وقت صبح
بخورند سفوف از تالیف راقم بجهت رفع خفقان وتقویت دل ص گاوزبان گل
گل بید خشک گل سرخ از ہر یک دو درم مروارید ناسفته فیطاس حجر ارمنی کہربا یشب
یاقوت از ہر یک نیمدرم گل داغستانی طباشیر سفید ہر یک یکدرم کتیرا اسفنشر صندلین
دو درم کوفته بیخته سفوف سازند از یکدرم تا دو درم ہمراه گلاب بخورند سفوف
از شفائی دل گرم را سوداوار ص گل سرخ طباشیر سفید ہر یک سه درم کشنیز خشک دو

نفث الدم

کہربا یشب جو مروارید ہر یک نیمدرم کافور دانگی شربت دو درم ہمراه سکنجبین سفرجلی سفوف که
ورم را دفع القلب بعد خفت مرض از ازاله حالت شبیه بغشی وبعد ریختن آب فاتر که در ان
قدری اکلیل الملک وقوق لبسر که و گلاب داخل کرده باشند باید داد ص ریوند چینی دو دانگ
حضض دو ثلث یکدرم ورق باد رنجبویه گاوزبان ہر یک یکدرم بزر بقله یکدرم ونیم ورق عنب الثعلب
خشک پنجدرم کوفته بیخته از یکدرم تا ہفت درم رب حماض بدہند سفوف که شیر زیاده کند
ومنی بیفزاید منقول از شفائی ص تخم شلغم تخم رطبه تخم ترب تخم گندنا تخم پیاز آرد جو تخم بادیان
تخم جرجیر جمله برابر ودر بعضی نسخ بجای آرد جو آرد نخود است کوفته بیخته صبح وشام با شیر بخورند
وبعد از ان نخود در شیر تر کرده بخورند وشیر بنوشند سفوف درونج از شفائی خفقان سرد را
سوداوار ص درونج عقربی گاوزبان گیلانی از یک دو درم زرنباد دو درم بکوبند و
بیزند شربت یکمثقال تا یک چہار شراب کہنه یا ماء العسل سفوف عود معده سرد را سودا
وار ص قرنفل کبابه از ہر یک پنجدرم سنبل الطیب مصطگی از ہر یک سه درم عود بیت
درم شکر طبرزد بوزن ادویه شربت یکمثقال یا ده درم گلقند سفوف که قی بلغمی را نفع کند
ص کندر مصطگی ہر یک پنجدرم عود خام ہفت درم انار دانه پانزده درم قرنفل جوزبوا بسباسه
قاقله سعد کوفی نعنع از ہر یک چہار درم پوست ترنج فرنجمشک از ہر یک دو درم گل سرخ
شش درم سنبل آمله از ہر یک پنجدرم شربت سه درم سفوف که شہوت کوید شہوت طین را نافع
بود ص انیسون تخم کرفس زیره کرمانی نانخواه از ہر یکده درم فلفل سفید دو درم ونیم قرنفل
پنجدرم کوفته بیخته سفوف سازند شربت ہر صبح وشام یکمثقال سفوف انیسون بادہای معده را
دفع کند ومعده را از اخلاط غلیظ پاک نماید ص انیسون نانخواه تخم کرفس از ہر یک پنجدرم کندر چار درم قفاح
اذخر قسط مصطگی از ہر یک دو درم سپندان سفید سی درم کوفته بیخته با فانید آمیخته بخورند سفوف
حب الرمان ضعف معده وامعاء واسہال مراری را نافع بود ص انار دانه بریان کرده ده درم
بلوط سماق زیره کرمانی مدبر حب الآس کشنیز خشک بریان سنجد خرنوب آرد کنار از ہر یک

پنجدرم عود خام پنجدرم آمله منقی یکمثقال کوفته بیخته با آب به استعمال نمایند خوراک سه درم سفوف
حب الغنب شکم را ببندد و معده را قوت دهد ص دانه انگور صمغ عربی از هر یک چهار درم
حب الآس سماق از هر یکده درم مصطگی گلنار از هر یک یکدرم کوفته بیخته سفوف سازند
سفوف ارسطاطالیس حکیم مذکور از بهر اسکندر ساخته بود در ذرب و تباهی معده و زردی
روی و وسواس و نسیان را نافع بود و طعام را هضم کند و بوی دهان خوش نماید و دل را
قوت دهد و قوت آن تا یکسال باقی می ماند و اکثر استادان درین سفوف تصرف کرده اند
و تصرف شیخ داود نزدیک اقم دور از صواب است و راقم اصل نسخه که مذکور شد بسیار فائده مشاهده
نموده ص قرفه ساذج هندی عود هیل اسارون مصطگی هلیله کابلی فرنجمشک نانخواه زیره کرمانی
دارچینی اشنه دارفلفل زنجبیل قرنفل اناردانه جوز بوا قاقله از هر یک دو درم مشک عنبر هر یک
یکدرم نبات سفید شش وزن ادویه کوفته بیخته سفوف سازند شربت از یکدرم تا سه درم
سفوف که فواق بلغمی را دفع کند ص تخم کرفس فطراسالیون از هر یک
دو درم و نیم دوقو پوست بیرون پسته سعد انیسون بودینه اسارون قسط زیره کرمانی
از هر یک سه درم وج نیم درم کوفته بیخته شربت دو درم سفوف
که شهوت ردیه زنان حامله را دفع کند و معده را قوت دهد و اشتها آرد ص
زرنباد تخم کرفس نانخواه زیره کرمانی از هر یک دو درم کندر سه درم کنجد مقشر ده درم نبات سفید
نود مثقال کوفته بیخته استعمال نمایند سفوف الزور بادها را بشکند و معده را قوت دهد
ص کرویا انیسون زیره کرمانی قاقله قرفه نانخواه تخم کرفس از هر یکدو درم قرنفل پنجدرم
زنجبیل دارفلفل از هر یک دو دانگ قند بیست مثقال کوفته بیخته مرتب سازند شربت دو
درم سفوف نمک که اشتها آرد و مناسب محرورین است و منع اسهال نماید ص یکمن
نمک اندرانی خورد خورد بشکند و بر تابه آهنی یا سفال گرم نان نهند و سرکه تیز بران بپاشند
و حرکت همی دهند نمک را و چون خشک شود دیگر بپاشند به همین سان سرکه را تمام شود

سازند پس سی درم اگر ازان باشد کشنیز بریان و عصاره زرشک انار دانه بریان سماق
منقی از تخم هر یک ثلث وی که ده درم است اضافه کنند و کوفته بیخته بقدر حاجت بخورند سفوف
نعناع معده را قوت دهد و باد دفع کند و نفخ شکم دور سازد و پیش از غذا و بعد از غذا توان خورد
ص نعنع خشک ده درم سماق پنجدرم فلفل دو درم نمک پنجدرم کوفته بیخته از یکدرم تا دو مثقال
بخورند سفوف قرنفل جهت ضعف معده مجرب است ص قرنفل رازیانه از هر یک سه درم
انیسون مصطگی هر یکدو درم زنجبیل نبات از هر یک یکدرم کوفته بیخته دو درم پیش از غذا بخورند
سفوف نانخواه جهت بادها و درد معده و سپرز و تقویت هضم و رفع زحیر و نخس بخارات
نافع بود ص نانخواه تخم کرفس بالسویه قند هم چند شربت دو درم سفوف ورد جهت
که بعد تپ ها در ایام نقاهت افتد نافع است ص گل سرخ پنجدرم سماق ده درم قاقله کبار
یکدرم کوفته بیخته دو درم بخورند سفوف مرکی معده را سود دهد و کرم دراز و خورد شکم را
بر می آرد ص هلیله کابلی برنگ مقشر هر یکده درم تربد سفید سی درم فانید دو چند ادویه
شربت دو درم سفوف سینای منسوب بشیخ سینا که اشتها قوی آرد و از راه تقویت
معده و تجفیف رطوبات به منزله نفع دارد ص عود غرقی قرنفل هر یکدو ماشه نعنع
هر یک یکدرم شاهجهانی کوفته بیخته سفوف سازند شربت از دو ماشه تا چهار ماشه سفوف
حبالی که بپارسی سفوف آبستنی گویند جهت شهوت طیب شهوت ردیه زنان حامله را نافع بود
ص قاقله خیربوا کبابه مساوی شکر سفید برابر همه شربت دو درم با آب گرم و در نسخه بجای
کبابه لب باسه است سفوف خرنوب اسهال معدی و استرخای آن را نافع بود و تقویت
امعا کند ص خرنوب نبطی بی دانه زیره کرمانی مدبر سماق لسپت کنار حب الآس مصطگی بلوط کشنیز
خشک بریان مساوی کوفته بیخته یکمثقال بخورند سفوف ذرب ص تخم حماض
بید مشک بیدانه مویز کشنیز خشک بریان گل سرخ خرنوب شاه بلوط طباشیر هر یک یکدرم
سماق حب الآس هر یکدو درم اناردانه چهار درم کوفته بیخته سفوف سازند سفوف

زرشک ضعف معدہ را نافع بود و شکم بہ بندد ص سماق نانخواہ زنجبیل انار دانہ بریان
کردہ زرشک منقی آرد کنار ہر یکدہ درم کوفتہ بیختہ یکمثقال بخورند و در بعضی نسخہ شکر طبرزد بیست
مثقال افزودہ اند سفوف سماق تشنگی بنشاند و اسہال معدی واسترخاء معدی و مقعد را
نافع باشد ص صمغ عربی گلنار ہر یکدہ درم حب الآس انار دانہ بریان کردہ ہر یک پنجدرم
سماق دہ درم خرنوب پانزدہ درم کوفتہ بیختہ یکمثقال بخورند سفوف شمار کہ عبارت
از بادیان است غذا ہضم کند واشتہا آرد و باد تحلیل کند ص زردو سہ درم پوست
بیخ کبر چہار درم مصطگی تخم کشوث ہر یک نیم تولہ بیخ کرفس شش درم گل بنفشہ ہفت درم
انیسون یک اوقیہ بیخ سوسن دو اوقیہ شمار سہ اوقیہ کوفتہ بیختہ ہمچندوی سفوف سازند
سفوف کہ درد معدہ بارد را مفید است منقول از شرح حکیم علی ص عود خام مصطگی
سنبل قاقلہ جوز بوا ہر یک دو درم سعد انیسون تخم کرفس ہر یک سہ درم گل سرخ چہار درم
کوفتہ بیختہ با شراب ریحانی و شربت سیب بخورند سفوف کہ شہوت کلبی را کہ از برودت معدہ
باشد سودمند بود ص عود ہندی قرنفل فلفل سعد ہر یک نیمدرم اشنہ سنبل کندر از
ہر یک یکدرم کرویا تخم کرفس ہر یک یکدرم و نیم مصطگی سہ درم و نیم نرم سائیدہ با شراب
کہنہ خمیر کنند و خشک نمایند و بار دیگر سحق نمودہ بشراب تسقیہ یک بار تا دو بار دادہ بکار برند
و پیش از طعام یکدرم بخورند سفوف کہ قی صفراوی باز دارد ص کافور نیمدانگ طباشیر
دو درم گل نیشاپوری سہ درم گل سرخ سماق ہر یک پنجدرم شربت یکدرم بآب انار ترش
یا آب سیب سفوف کہ منع غثیان وقی محرورین کند ص عود رومی پوست بیرون
پستہ پودینہ خشک ہر یکدو درم گل سرخ طباشیر سفید ہر یک پنجدرم زرشک سماق
انار دانہ ہر یک پانزدہ درم شربت یکمثقال بآب انار و شربت پودینہ سفوف کہ جہت
التحام قروح بعد تنقیہ آن از چرک بکار آید ص گل سرخ گلنار ہر یک یکدرم گل ارمنی
سہ درم کندر دم الاخوین ہر یک پنجدرم شربت از یکدرم تا دو درم با رب سیب یا رب آبی

سفوف مخترع بعضی اہل تجربہ کہ در امر ہضم و دفع قبض مثل این کمیاب و در امر اشتہا
حکم سیماب دارد ص کہار نمک کہار نکہیکنی کہار ترب کہار برگ پودینہ کہار کٹائی جملہ را
جدا جدا نمک برآوردہ ہر پنج نمک را در عطر نانخواہ کہ برابر مجموع باشد لبسایند تا یکپاس پس
سفوف کردہ نگاہدارند مقدار خوراک از نیم ماشہ تا دو ماشہ سفوف ہندی در مجربات مرزا
صدر الدین محمد خان نقل نمودہ شد ص تنبلوچن ہفت ماشہ مرچ پلپل پیپلا مول لونگ
سونٹھ زیرہ سفید جواکہار چیتہ تالیسفر کشنیز جاب چوک تن ترپک الایچی خورد ترج پنج ہر یک
ہشت ماشہ زنجبیل پنجاہ و شش ماشہ انار دانہ دو صد و بیست و چہار ماشہ جملہ را باریک
کردہ با قند یا مصری آمیختہ از شش ماشہ تا یک تولہ بخورند سفوف بجہت سنگرہنی منقول
از بیاض عم مرحوم ص ہلیلۂ زنگی بلگیری بادیان کوکنار رال موچرس بیلگری اسپغول بیخ کشنیز
جوز بوا ناگرموتہ خستہ کہہ ابنہ ہمہ برابر نیم خام و نیم بختہ کردہ ہموزن اجزا شکر سفید آمیختہ
یک چنگی صبح و یک شام بخورند مجرب است سفوف دیگر برای اقسام سنگرہنی مجرب
نوشتہ اند ص موچرس مائین گل دہاوہ از ہر یک یکدام مصطگی دو دام بلگیری کوکنار ال
خشک ہر یک یکدام کوفتہ بیختہ سفوف سازند یک ٹانک صبح و یک ٹانک شام بخورند غذا بیج سانٹھی مع دال
مونگ سفوف شیرین از سفوفہای ہندی است و در زبان ہندی مسمی بہ لوالکا چورن
است و در کثرت نفع نظیر ندارد اشتہا آرد و قرب بر دو جمی مرکبہ را نافع آید اکثر تجربہ رسیدہ
راقم در آمدہ است ص قرنفل دانہ الایچی خورد ناگیسر مرچ کنکول دارچینی زنجبیل فلفل
دراز نتر بالا حس موچہر صندل سفید اکر بکہ طباشیر کنول گٹہ زیرہ سفید زیرہ سیاہ بیخ پپلا
از ہر یک پنج ماشہ کافور قیصوری یک ماشہ نبات سفید ہموزن ادویہ کوفتہ بیختہ سفوف
سازند شربت پنجماشہ بآب سفوف مشہور بملح سلیمانی در تقویت معدہ و تحلیل طعام
و در امر باہ خصوص ہر گاہ در زردہ تخم مرغ انداختہ بخورند بے بدیل است ص نمک سانبہر
یکرطل نمک سنگ یا نزدہ مثقال نمک اندرانی دہ مثقال نوشادر پانزدہ مثقال تخم کرفس

پنج مثقال فلفل سیاه باوکم چهار مثقال فلفل سفید سه مثقال اذخر باوکم دو مثقال افتیمون
سنبل الطیب حلتیت طیب کمون هریک نیم مثقال دارچینی تخم ابخدان مغز تخم معصفر
زنجبیل انیسون اصل السوس هریک یکدرم نمک ها را در ظرف گلی انداخته در آب با آتش
ملایم بجوشانند پس در تنور نگهدارند تا منجمد شود پس بار دیگر ادویه را که کوفته بیخته باشند باریک
سائیده بیامیزند و اگر نوشادر کافی بهم نرسد همین نوشادر را بطریق مذکور صاف نمایند
شربت از یک ماشه تا دو ماشه سفوف که به جهت شاه جهان پادشاه حکماء آن زمان برای
ضعف معده و اسهال داده بودند و می گویند نفع بسیار بخشیده بود ص قشر نفل مصطگی
عنبر الایچی خورد عود غرقی سنبل الطیب ورق سوخته گلنار فارسی مشک بسد مرجان کهربا گل سرخ
از هریک یکماشه پوست مغز بیل طباشیر از هریک دو ماشه کوفته بیخته سفوف سازند شربت
از یکدرم تا یک مثقال سفوف مخترع قوة الحکماء رئیس الاطباء علامی فهامی حاذق الملک
حکیم اکمل خان در تقویت معده و هضم طعام و برانگیختن اشتها بی نظیر است ص هلیله
زرد هلیله کابلی دانه هیل بادیان مصطگی پودینه نانخواه طباشیر شیطرج از هریک چهار ماشه جوزبوا
دارچینی قرنفل پوست اترج سنبل اترج سنبل الطیب زیره سفید تیرج تج از هریک سه ماشه
انار دانه هفت ماشه نمک لاهوری نمک سیاه یک یکتوله تربد سفید شش ماشه کچری بریان
کرده هفت ماشه در آب لیمو کهٹا بخود که دو سه انگشت بالا ادویه باشد تر نمایند و خشک
ساخته سفوف سازند سفوف لولوئی از حکیم عبد الهادی حکیم مذکور گفته که مقوی معده
و کبد و قلب است و نافع از برای خفقان و ضعف قلب حادث بمشارکت معده از حصول
خلط سوداوی و بلغمی بصفراء و اصحاب مالیخولیا موافق و وسواس را نافع است و طعام
هضم نماید و اخلاط صالح پیدا کند ص مروارید ناسفته کهربای شمعی کشنیز خشک بنفشه آمله
منقی سماق انار دانه بادرنجبویه دارچینی مصطگی دانه هیل طباشیر سعد کوفی خولنجان زراوند
مدبر در سرکه پوست اترج سادج هندی زرشک منقی بادیان درونج از هریک یکمثقال مشک

عنبر اشهب ورق طلا از هریک شش قیراط نبات سفید بیست مثقال کوفته بیخته هر روز صبح و شام
نیم نیم مثقال تناول نمایند سفوف ملح از شیخ رئیس نافع از برای وجع و اوجاع مفاصل و امراض
که بوده باشد بسبب فضول ص نمک طعام یک رطل نوشادر زنجبیل فلفل سیاه پودینه نهری
از هریک دو اوقیه فلفل سفید سه اوقیه انیسون تخم جرجیر نانخواه سنبل الطیب از هریک یک اوقیه
تخم کرفس بری یک اوقیه و نیم کوفته بیخته سفوف سازند دو مثقال با آب نیمگرم سفوف
وج مقوی معده و دماغ است و مانع صعود بخار از معده بدماغ و چون استعمال کرده شود
بعد از تنقیه معده نافع سبات است که بسبب صعود ابخرهٔ بلغمیه بود ص وج ترکی زنجبیل کندر
شونیز از هریک یکجزو کشنیز خشک چهار جزو نبات سفید هشت جزو کوفته بیخته سفوف سازند
شربت دو درم تا شش درم با رب به و غذا قلیه با توابل حاره سفوف که رفع رطوبات کند مقوی
معده رطب هاضم طعام است ص دارچینی سعد کوفی عود قماری نانخواه بادیان خطائی
فلفل سیاه دارفلفل دانه هیل صعتر فارسی رازیانه انیسون کشنیز خشک مقشر زیره کرمانی مدبر
زیره سبز زیره سفید مدبر زنجبیل مصطگی رومی کوفته بیخته یک مثقال با عرق بادرنجبویه بیاشامند
سفوف دیگر که مداومت آن معده و دماغ را قوت دهد و تفریح آورد و دفع علل بارده
نماید و حفظ صحت کند ص مروارید سائیده کهربای شمعی ابریشم مقرض از هریک چهار دانگ درونج
چینی بسباسه رازیانه مصطگی رومی انیسون زرنباد هریک یکمثقال نبات سفید نه مثقال کوفته
بیخته از دو درم تا سه درم بخورند سفوف که طبع را نرم دارد و تنقیه معده نماید و فضول امنحدر
سازد ص مصطگی تربد سفید مجوف خراشیده و بروغن بادام چرب نموده از هریک دو درم
شکر سفید دو چند کوفته بیخته چهار درم با آب گرم بخورند سفوف که درد جگر و تهیج را ببرد ص
گل سرخ هشت درم زرشک پنج درم سنبل مصطگی عصارهٔ غافث افسنتین رومی و می گویند
از هریک دو درم و نیم زعفران یکدرم شربت دو درم با سکنجبین سفوف لولوئی دوسطاریا
کبدی را دور نماید و معده و جگر را قوی گرداند و حرارت و تشنگی بنشاند ص مروارید ناسفته

چهار درم بسد سوخته گلنار طباشیر سفید خرنوب نبطی گل فرفی گل ارمنی تخم گل صندل سفید
بارتنگ بریان کرده تخم حماض بلوط بریان کرده تخم مورد لیست کنار آرد سنجد کشنیز خشک بریان
کرده سماق زرشک پست جو بریان کرده بزر قطونا بریان طراثیث بریان کرده خرفه بریان
صمغ عربی بریان از هر یک سه درم گل مختوم مصطگی هر یک یکدرم انار دانه پنجدرم کهربا اقاقیا
مغسول از هر یک دو درم مجموع راسوای بارتنگ و بزر قطونا کوفته بیخته سفوف سازند سفوف
که حرارت بنشاند و خمار را دور گرداند و اسهال صفراوی را ساکن گرداند و کسی را که آبله برخواسته
آید سود دارد ص ورق گل سرخ ده درم طباشیر هشت درم سماق تخم حماض عدس مقشر
زرشک تخم خرفه تخم کاهو خشخاش سفید از هر یک پنجدرم صندل سفید ده درم و نیم کافور
یکدرم شربت سه درم با شراب غوره یا با شراب انار سفوف که نافعست از جهت یرقان و
درد جگر و قی صفراوی را ص لک مغسول یک مثقال طباشیر سفید ده درم زعفران یکدرم
ریوند چینی دانگی و نیم کافور یک دانگ شربت دو درم با شراب تمر هندی یا شراب لو یا شراب [illegible]
فواکه سفوف دیگر که ورم جگر را سود دارد و بول براند ص تخم خیارین تخم خربوزه از هر یک
پنجدرم تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک سه درم تخم کرفس انیسون رازیانه رب السوس از
هر واحد دو درم عصاره زرشک چهار درم ریوند چینی یک مثقال لک مغسول چهار دانگ
زعفران سنبل مصطگی افسنتین از هر یک یکدرم کافور دو دانگ شربت سه درم سفوف
منقول از بیاض عم مغفور نافع از برای امراض طحال و کبد ص تخم خبازه گل سرخ از هر یک
پنجدرم هلیله سه درم کشنیز خشک که در سرکه تر نموده باشند ثمره طرفا تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک دو
درم زرشک شش درم رب السوس یکمثقال ریوند چینی یکمثقال کوفته بیخته سفوف سازند سه درم
از آن بطبیخ مار الخلاف و مازو ورق طرفا که سکنجبین در آن حل ساخته باشند بخورند سفوف
که بجهت استسقا مجرب است ص حلتیت سه درم فلفل دراز زنجبیل نانخواه هر یک
شش درم پوست هلیله زرد شیطرج بهمن سفید سناگی هر یک سه درم کوفته بیخته سفوف سازند

سفوف که جهت سپرز مجرب است ص زوفا خشک پوست بیخ کبر عنب الثعلب سیاه دان
تخم فنجنکشت تخم سداب بالسویه شربت دو درم با سکنجبین سفوف که در یرقان سدی بکار آید
و مجرب نوشته اند ص کبریت زرد نیم مثقال افتیمون تخم کرفس جبلی نخود سیاه کندر سفید یکده
درم مغز چلغوزه سه درم مویز منقی پنجدرم همه اجزا را کوفته بیخته یکدرم هم با آب رازیانه بخورند سفوف که مخصوص
جگر است و در تقویت وی کامل ترص گل سرخ سه درم زرشک منقی لک مغسول هر یک
یکدرم و نیم فوه طباشیر صندل سفید نشاسته صمغ عربی هر یک یکدرم ریوند چینی نیم مثقال تخم حماض
یکمثقال زعفران دو دانگ کوفته بیخته سفوف سازند غذاده جگر را قوت دهد و هزال وی
زائل کند و رخاوت و رطوبت معده را سود مند بود سفوف لک مغسول حب الآس
بلوط مصطگی مازو عود بلسان پوست انار هر یک یکجزو زنجبیل کندر هر یک ربع جزو قند سفید
دو چند همه شربت از دو درم تا سه درم و باید که تا یک هفته بدهند و هم وقت صبح و هم وقت
خواب و گوشت درین اثنا ترک کنند و در قانون وزن قند نیز همراه لک غیره که هم وزن [illegible]
اگر هر واحد از آن مثلا یک درم باشد یکیک درم باید گرفت و وزن او که مضاعف
مرقوم شد مختار صاحب ذخیره است و وی عوض لک از نسخه مسطور عیدان اللک نوشته
و بدانند که شیخ در قانون لک عیدان مرقوم نموده است و اکثر اطبا از لفظ لک اراده
کرده اند و اضافه وی بعیدان در کلام ایشان آمده است جهت رفع التباس چه لک را
بعضی از جمله کهربا میدانند و تحقیق غیر آن است بدانکه لک نباتی است لهذا بعیدان
مضاف شده و کهربا علی الاصح معدنی است و صاحب ذخیره لک عیدان را که در قانون
مسطور نموده عیدان لک تفسیر کرده بلحاظ تقدیم مضاف الیه بر مضاف و عجب نیست
که حین ترجمه کلام یونانی برعایت هر کلمه در مجلس از مترجم اول چنین رفته و تقدیم مضاف الیه
بر مضاف در کلام یونانیان شایع است بالجمله عمل لک و عیدان وی یعنی چوبهای او
اگر چه قریب باهم اند لیکن در تجربه این درویش لک نافع تر از عیدان خود است و

یرقان

ورم جگر

صاحب قلائشی در نسخه سفوف مسطور همین را اختیار کرده کما یظهر من کلامه تا اینجا عبارت صاحب
قادری است راقم گوید قول این بزرگ که کهربا علی الاصح معدنی است مخالف کتب معتبره
مثل جامع بغدادی و جامع ابن بیطار و شروح قانون و جز آن قول بسیار ضعیف را صحیح تو
از برای تصحیح قول شیخ مرتکب توجیه ضعیف گردیده حالانکه بدون ارتکاب تکلیف قول شیخ
درست نیست زیرا که انکت از عیدان می گیرند و برای اضافه این قدر کفایت می کند کما لا یخفی
علی الطبیب و در علاج الامراض حاشیه منهیهٔ آن زیاده ازین تفصیل نوشته ام سفوف
جهت سبز منقول است در تذکره و در یک هفته زائل میکند مرض را ص مرجان سوخته
کتیرا دو دانگ بخورند و همچنین شکر یک مثقال عرق بهار چهار مثقال مرجان دو دانگ تا یک
هفته مداومت نمایند سفوف مقلیاثا بواسیر و مفاصل و اسهال کهنه و زحیر و ضعف معده
و مغص معده را نافع بود ص تخم تره تیزک هشت درم زیرهٔ کرمانی هشت درم در سرکه خیسانیده
و خشک کرده زنجبیل بریان یکمثقال بزر کتان تخم گندنا هلیله سیاه بروغن زیت بریان کرده از
هر یکدو مثقال مصطگی یکمثقال غیر از تخم تره تیزک همه مجموع را کوفته بیخته مرتب سازند سفوف
یهودی از جهت زحیر مجرب است اسهال کهنه را بند کند ص تخم تره تیزک بریان کرده بزر قطونا
بریان کرده اهل بریان کرده از هر یکدو درم زیرهٔ کرمانی تخم گندنا تخم شبت خشخاش انیسون
بزر البنج از هر یکدو درم و نیم افیون سه درم و دانگی کوفته بیخته سفوف سازند شربت دو درم
در کتب نوشته اند لیکن در استعمال راقم از دو سرخ تا چهار سرخ در آمده است افیونی را
یکماشه و یکنیم ماشه توان داد و بعد دریافت سازش سفوف زیادتی مقدار مفوض برای
طبیب است سفوف برای اسهال مجرب است خصوص بجهت افیونی که علاج آن دشوار
است ص گل دهاوه رال هر دو را سائیده با دوغ که آهن داغ کرده باشند بخورند سفوف
برای اسهال خون ص صمغ عربی کتیرا سنگ جراحت از هر یک یکماشه برب به یا رب
ریباس بخورند سفوف الطین و سفوف النساء نیز خوانند اسهال مراری و دموی را نافع

باشد ص بزر قطونا تخم ریحان تخم مرو نشاسته تخم حماض بری بریان کرده صمغ عربی گل ارمنی
طباشیر مساوی کوفته بیخته از سه تخم اول در یکدیگر بیامیزند و شربت سه درم روغن بادام با روغن گل
چرب کرده همراه گلاب یا با دویه و عرقهای مناسبه بخورند سفوف این ماسویه جهت زحیر و وجع
امعاء و سحج را نافع است ص تخم خطمی و خبازی مقشر از هر یک پنجدرم نشاسته بریان سه درم
صمغ عربی گل ارمنی از هر یک دو درم کوفته بیخته سه درم شام با آبی که طباشیر و گل ارمنی
و صمغ عربی در آن منقوع باشد بخورند سفوف که در یکساعت شکم به بندد ص شاه بلوط سه درم
مازو پوست انار از هر یک چهار درم سماق شش درم حب الآس هفت درم کوفته بیخته دو درم
باب سرد بخورند سفوف که نافع است از جهت اسهال که با دسر فه بود ص حب الآس شاه بلوط
خرنوب خشخاش از هر یکدو درم صمغ عربی یکدرم کوفته بیخته سفوف سازند شربت سه درم سفوف
که همین نفع دارد ص صمغ عربی طباشیر گل ارمنی حب الآس از هر یک چهار درم پرسیاوشان
کندر از هر یک یکدرم خرنوب شامی بقل یکی اشق از هر یک سه درم کوفته بیخته بقشر خشخاش
بدهند سفوف بلوط معده را قوت دهد و اسهال را باز دارد ص شاه بلوط یکدانه سوید آرد کنار
از هر یکدو درم خرنوب نبطی حب الآس از هر یک بیست درم کوفته بیخته سفوف سازند شربت
سه مثقال سفوف هندی برای بواسیر خونی و بادی مفید است ص تخم بکاین خشک
رسوت نگر کوث هلیله سیاه هر یک یکدام درم کوفته سفوف سازند دو ماشه یا نیم ماشه باب بخورند
و بعد از آن قدری قدری نخود برشته بخورند غذا نان مرغن بی نمک یا کم نمک دال یا خشکه
و بعضی حب بسته بقدر نخود یکی صبح و یکی شام استعمال نمایند منقول از بیاض عم مرحوم
سفوف سنا از لقای اخراج اخلاط ثلثه و وجع شکم و قولنج کند و کرم بکشد ص سنا مکی
زنجبیل پوست هلیله زرد نمک سیاه هر یک مساوی کوفته بیخته از هفت ماشه تا یک
توله باب گرم بخورانند و با طفل موافق سن ایشان باید داد سفوف حابس اسهال دموی
و غیر دموی و در پیناب مجرب است ص بارتنگ بریان نیکو بریان تخم ریحان مرداسنگ

بریان حب الرشاد بریان تخم حماض بریان ازین هم تخم ها را درست دارند صمغ عربی بریان
طباشیر گل ارمنی گل قبرسی گل مختوم بل شیرین حب الآس پوست بیرون پسته سوخته
پوست اندرون پسته سوخته خسته خرما دانه مویز دانه انبر باریس عفص سبز پوست انارین جفت بلوط شاه بلوط خرنوب
شامی خرنوب نبطی شاخ گاو کوهی و شاخ بز کوهی کهربا سوخته مروارید ناسفته سوخته جوز
سوخته جوز السرو سوخته پوست گردگان سوخته نشاسته لیت کنار آرد نخود گزمازج خسته
کنار سوخته قسط گلنار تخم خبازی تخم خطمی اندکی بریان نمایند اقاقیا سک را یک صندل سائیده
و خشک کرده پوست خشخاش زیره کرمانی یک شبانروز در سرکه خیسانیده و بریان نموده
دم الاخوین بیخ انجبار تخم لوزک بریان هر یک جزوی خسته جامن سوخته
خسته انبه سوخته هر یک و جزو اندکی همه را کوفته بیخته با تخم ها آمیخته سفوف سازند هر روز
دو درم تا دو مثقال با آب سرد بخورند سفوف مخترع جهت اسهال و خون بواسیر و غیر آن
مجرب نوشته اند ص نشاسته بریان گل ارمنی تخم گل صمغ بریان فوفل شاخ گوزن
سوخته پوست تخم مرغ پوست گلنار دم الاخوین تخم ریحان بریان بارتنگ زیره بریان
جفت بلوط گل سرخ لسان الحمل هر یک نیم ماشه پوست بیرون پسته عود غرقی طباشیر سفید
حب الآس کشنیز خشک مغز بیخ انجبار ولایتی هر یک یکماشه کهربا انار دانه بریان مروارید
بسد شادنج هر یکدو ماشه کوفته بیخته سفوف سازند سفوف مقوی که در اسهال سوداوی
بعد وضع محاجم بر طحال بکار آید و از مخترعات رئیس است ص بهمن سرخ بریان کزدو
زرد بناد بریان تخم سداب تخم شاهتره هر یک یکدرم انار دانه یازده درم کوفته بیخته سفوف
سازند شربت سه درم سفوف که اسهال معدی را نافع بود از بقائی ص کرویا گزمازج
حب الآس طراثیث طباشیر تخم کشنیز بریان هر یک سه مثقال خرنوب آرد کنار سماق
هر یک پنج مثقال کوفته بیخته هر روز دو مثقال با رب به آمیخته بخورند سفوف که خروج
ریح بی اراده را فائده بخشد ص زیره نانخواه کاشم کرویا هر یک جزوی افیون دو جزو

فانید سنجری یکجزو همه را سفوف کنند شربت پنجدرم جهت این امراض کمونی و فلافلی و درج مربی
نیز نافع است سفوف که خروج غائط بی اراده را مفید است بعد تنقیه بکار برند ص
گزمازج افسنتین ایرسا سعد هر یک یکدرم نانخواه زیره کرمانی گل سرخ تودری نارمشک بوزیدان
هر یکدو درم مصطکی طالیسفر سعتر فارسی زوفای خشک هر یک سه درم بکوبند و بیزند و برابر همه
هلیله کابلی منخول بیامیزند و مثل جمع شکر طبرزد منضم ساخته یکدرم صبح و یکدرم شام بدهند و از
استحمام و ریختن آب گرم بر مقعد و امعا پرهیز کنند و اگر سبب این اخلاط سوداوی باشد
افتیمون یکدرم اضافه کنند و یکدرم و نیم ناشتا فقط بدهند و صاحب شفاء الاسقام می‌نویسد
نوشته که بریان کردن ادویه سیح برای دو غرض میباشد یکی آنکه اگر از جمله بزور بغایت غروی
دران پدید آید دوم آنکه اگر کثیر از رطوبت بود یک گونه تجفیف درو حادث گردد و چون
بعضی ادویه که مسعر ازین دو غرض اند حاجت به بودادن آنها را نیست و گل ارمنی لیبا
باریک بسایند تا بزودی از موضع سحج برود و بخلاف صمغ که آن بسیار باریک نباید ساخت
تا شدید الالصاق بود سفوف که اسهال را باز دارد و اشتهار رفته را باز آرد ص بریان
چون سرمه باریک کرده کرویا در سرکه تر کرده و بریان نموده کشنیز خشک در سرکه تر کرده بریان
نموده هر یک بست درم خرنوب نبطی سماق پاک کرده گزمازج گلنار هر یکده درم کوفته بیخته
شربت یک نیم درم با شراب مورد یا رب به سفوف قشر الرمان که عند الافراط اسهال و
افراط عمل مسهل بدهند فوراً باز میدارد ص پوست انار راز و هر یک یکدرم کعک دو درم
کندر نیمدرم بزر البنج ربع درم افیون دانگی و این یک شربت است کامل قوی فراج
با عبه استعمال نمایند سفوف اقماع الرمان جهت اسهال مفرط کهنه نفع کثیر دارد و بسی
عجیب است و مراد از اقماع درینجا گل انار است ص گلنار شب یمانی سماق بلوط
خرنوب سوک آرد کنار تخم مورد انار دانه ترش قسط بزر البنج سفید گزمازج طراثیث ملوکشته
کشنیز بریان دانه انگور بریان پوست انار سر افتیمون مازو جمله برابر نخود بریان همه کوفته

بیختہ حسب حاجت بدہند و در گرما باب سرد یا باب گرم سفوف تربد کہ شکم براند و معدہ را
قوت دہد ص سنا مکی انار دانہ ہر یک شش درم زنجبیل ہندی تربد سفید بادیان ہر یکدو درم
کوفتہ بیختہ وقت خواب دو مثقال با آب گرم و دو نیم مثقال وقت صبح بخورند سفوف کہ جہت زلق الامعاء
مجرب است ص ہلیلہ سیاہ بلیلہ آملہ ہر سہ برابر بروغن زیت سرشتہ ہر یک پنجدرم زیرہ کرمانی
مدبر حب الرشاد بریان ہر یک ہفت درم تخم کرفس انیسون ہر یک در سرکہ خیسانیدہ خشک کردہ و بو دادہ ہر یک دو درم
چہار درم مصطگی قرنفل قاقلہ عود ہندی سنبل الطیب ہر یکدو درم سعد سہ درم صبح و شام دو درم
بخورند سفوف اسوقہ اسہال معدی و معوی باز دارد ص سویق جو سویق سماق حب الآس سویق
تفاح سفرجل سویق خرنوب شامی سویق نبق سویق بلوط سویق انبرباریس کعک شامی جملہ
یکجا کردہ اجتماع کنند لہذا این دوا را قمحہ الاسوقہ گویند و فرق در قمحہ و سفوف آن است کہ
آنچہ مدقوق ساختہ در آب و مانند آن انداختہ بنوشند آنرا قمحہ گویند کما ہو المتعارف فی السویق
و آنچہ خشک در دہان اندازند و بآب آنچہ فرو برند آنرا قمحہ نیز گویند آنرا سفوف نامند و گاہی بر سبیل مجاز اطلاق
یکی بر دیگر میکنند سفوف جہت اسہال اطفال مجرب است و غیر اطفال را نیز نافع بود ص
طباشیر انار دانہ بو دادہ بسیار نرم صلایہ کردہ صمغ عربی کتیرا مصطگی تخم مورد گل سرخ گل ارمنی
بالسویہ سفوف کنند و در اطفال نیم مثقال صباح و نیم مثقال شب با رب بہ یا شربت بہ یا شربت سیب ترش
بدہند سفوف جہت اسہال مراری فرمنہ و بواسیری و نواصیری حار الغایت نافع است و
مجرب نوشتہ اند ص گل سرخ صمغ عربی بریان سماق بہدانہ ہر یک دو مثقال گل ارمنی انار دانہ
بریان دانہ انگور کہ در سرکہ پروردہ باشند و بریان ہر یک پنجمثقال طباشیر سفید گل مختوم گل
داغستانی ہر یکدو مثقال مصطگی رومی عود قماری ہر یک یکمثقال خرب دو مثقال اما ربوب مناسبہ سفوف
نیواج جہت اسہال بواسیری مجرب است ص نیواج خطائی نیم مثقال نیلوفر یکمثقال باعرق
بارتنگ سبز یا ماست بخورند سفوف کہ رفتن خون بواسیر باز دارد و درین باب مجرب نوشتہ اند
ص صعتر نبولی دو ماشہ حضض مکی یکماشہ شکر تری سہ ماشہ سفوف ساختہ با آب گرم بخورانند

خو معدہ
زلق الامعاء

بتجربہ راقم نیز آمدہ سفوف سعد جہت اسہال صبیان مجرب است ص سعد کندر حب الآس
خشخاش بالسویہ کوفتہ بیختہ با شیر مرضعہ بنوشانند سفوف جہت اسہال فائدہ عظیم دارد ص
ورق قنب بریان زنجبیل نیم برشتہ دار فلفل از ہر یک نیم مثقال مصطگی رومی انار دانہ بریان
کشنیز خشک بریان از ہر یک چہار دانگ صمغ عربی یکدانگ پوست خشخاش بو دادہ
یک مثقال و یک دانگ کوفتہ بیختہ ہر روز یکدرم ازان با آب سرد بخورند سفوف لولوئی از
علو بخان مغفر الیہ نوشتہ کہ بجہت خود در اسہال و معوی بواسیری و حرارت کبد و حمی و تہیج یا با
خفقان و نفخہ مراق ترتیب دادہ و منافع بسیار مشاہدہ نمودم ص مروارید ناسفتہ یشب سبز
زہر مہرہ خطائی از ہر یک یکمثقال ورق طلا عنبر اشہب از ہر یک یکدانگ و نیم ورق نقرہ
یکمثقال و یکدانگ و نیم صندل سفید ابریشم مقرض طباشیر سفید پوست بیرون پستہ دانہ ہیل
بریان کشنیز خشک بریان بادیان بریان آملہ مقشر ہلیلہ سیاہ در روغن گاو بریان کردہ از ہر یک
یکمثقال و نیم زرشک منقی سماق منقی انار دانہ دار چینی از ہر یک یکمثقال مصطگی رومی مثقال
کوفتہ بیختہ سفوف سازند سفوف اجمع الجوامع مسہل سوداء و بلغم غلیظ و مجرب است و
وجہ غائلہ ندارد ص تربد سفید مجوف تراشیدہ و بروغن بادام شیرین چرب نمودہ پوست ہلیلہ زرد
سنا مکی از ہر یک یکدرم زنجبیل یک دانگ فضی غاریقون تازہ بیس سفید ریوند چینی بسفایج فستقی
اسطوخودوس افتیمون افرنطی غنچہ گل سرخ کتیرا ہر یک دو دانگ فضی نبات سفید دو درم کوفتہ
بیختہ بروغن بادام دو درم چرب نمودہ از دو درم تا مثقال بخورند بعد ازان آب نیمگرم بنوشند
سفوف حجر الیہود سنگ گردہ و مثانہ را پاک کند و پارہ پارہ کردہ بیرون آورد ص صعتر
تخم خیارین مغز تخم خربوزہ مغز تخم کدو از ہر یک پنجدرم خسک مربی چہار درم حجر الیہود حب القلت
از ہر یک سہ درم تخم کرفس سیسالیوس فطراسالیون از ہر یکدرمی صمغ عربی کتیرا از ہر یکمثقال
کوفتہ بیختہ دو درم با شراب خسک بخورند سفوف حجر الیہود بہ نسخہ دیگر ص تخم قلت یازدہ
درم مغز تخم خربوزہ مغز تخم خیارین مغز تخم کدو از ہر یک چہار درم و نیم سیسالیوس دو درم صمغ عربی

نشاسته کتیرا از هریک سه درم حجر الیهود شش درم قند سفید هشتاد وهشت درم کوفته بیخته
دو درم بآب نخود سیاه بخورند سفوف که بول براند و حرقت بول و سوزش مثانه را نافع بود
ص مغز تخم خیارین مغز تخم کدو شیرین تخم خرفه خشخاش نشاسته کتیرا رب السوس از هریک سه درم
بزر البنج دو درم قند سفید برابر ادویه شربت سه درم بآب خشخاش بنوشند سفوف جهت
تفتیت و اخراج حصات مجرب است ص خاکستر بیخ کرنب نبطی خاکستر پوست بیضه مرغ
که جوجه برآورده باشد حجر الیهود نر و ماده سائیده مثل غبار ساخته با خاکسترها بیخته آمیخته قدر یک
ملعقه بشراب خسک یا آب خسک تازه بخورند سفوف دیگر ص شادنج مغسول دم الاخوین
بسد کهربا گلنار شب یمانی تخم خرفه گل ارمنی گل قبرسی بالسویه کوفته بیخته بآب سماق بخورند
سفوف ماسک البول جهت سلسل البول بلا حرقت و بول در فراش و کثرة آن نافع
بود ص گلنار گزمازج هریک پنجدرم کشنیز خشک بریان صمغ عربی گل ارمنی هریک ده درم
کندر سی درم بلوط پنجاه درم کوفته بیخته بآب خالص بخورند سفوف که ذیابیطس را نافع است ص صندل
سفید یکدرم نشاسته کتیرا تخم کاهو تخم خرفه هریک سه درم صمغ عربی گل ارمنی گلنار سماق
بلوط هریک پنجدرم کوفته بیخته مرتب سازند همراه بعضی اشیاء که جامع قبض و حموضت باشد استعمال
کنند سفوف مدر بول از مختار ابن هبل ص مغز تخم خربوزه تخم خبازی تخم کرفس از یانه هر یک
یکجزو مغز بادام حب البان بیخ عقیق بیخ کاکنج حب بلسان دوقو فقاح اذخر نانخواه برگ سنداب
فلفل گل سرخ سعد هریک نیم جزو کوفته بیخته سفوف سازند سه درم یا کم از آن با طبیخ برساوشان
بخورند سفوف جهت قرحه مثانه ص مومیائی کانی دو دانگ دم الاخوین شادنج مغسول
نشاسته تخم کرفس هریک نیم درم صمغ عربی یکدرم کاکنج دو درم سفوف سازند شربت یکدرم
و نیم با شراب خشخاش سفوف جهت قرحه مثانه و جرب آن و جمیع امراض مسطوره مفید ص
ریوند چینی یکدرم صمغ عربی گلنار افیون کتیرا هریک دو درم تخم خرفه سه درم زرشک بیدانه
هفت درم کهربا زرد طباشیر تخم خیارین هریک دو درم کنجد سفید پانزده درم شکر طبرزد بیست درم

کوفته بیخته سفوف سازند شربت سه درم با سکنجبین یا طلا سفوف که جهت جرب کلیه بعد از استفراغ
و قی بکار آید ص رب السوس چهار دانگ نشاسته صمغ عربی کتیرا خشخاش سفید بزر البنج سفید
دو درم مغز تخم خیار بادرنگ مغز تخم خربوزه هریک پنجدرم تخم خرفه ده درم کوفته بیخته بزر قطونا
ده درم اضافه کنند شربت هر صبح سه درم با طبیخ شاهتره و شربت انجیر سفوف بعد انفجار ورم
گرده و مثانه هرگاه ریم باز ایستد جهت گشادن بکار آید ص رازیانه انیسون هریک یکدرم تخم
سرشف راسن خشک هریک یکدرم و نیم تخم انیسون تخم کرفس هریکدو درم فطر اسالیون سه
درم شربت دو درم صبح دو درم شام سفوف جهت قرحه مزمن که با چرک و با او تقطیر البول
و سلسل البول نیز نافع بود و جهت درور منی نافع بود و صاحب تحفه گفته که در امراض مذکور
چند مرتبه بتجربه رسیده و موثر افتاده ص گل ارمنی کشنیز خشک صمغ عربی تخم حماض بوداده
کندر دکر هریکدو درم بلوط بوداده پانزده درم شربت دو مثقال بآب سرد و در ایام استعمال
این سفوف از آب اجتناب نمایند سفوف که تفتیت حصات کند و جهت محرورین و ضعاف
جگر گرم نافعست ص صمغ آلو تخم کاسنی هریک نیم جزو مغز تخم خربوزه مغز تخم خیار هریک جزوی و
شربت دو مثقال با یک اوقیه سکنجبین سفوف که حکیم علی در شرح مفردات جهت حصاة
از مجربات نوشته ص زرق الحمام دو درم دارچینی سه درم کوفته بیخته بخورند و همچنین کبوتر را
اگر بجای دانه تخم کتان بدهند و سفوف از زرق آن کنند حصاة را پاره پاره کند سفوف
که چکیدن بول بی مراد و سیلان منی بی اراده باز دارد و اصلاح حال مثانه نماید ص گل سرخ
گلنار از هریک پنجدرم اسک تخم کرفس تخم کوک تخم سداب از هریک سه درم انیسون بزر البنج
دو درم بلوط کندر سه درم ابهل دو درم سعد سه درم زیره دو درم خرفه چهار درم کوفته بیخته برابر
آن فانید آمیخته مرتب سازند از پنجدرم تا هفت درم بخورند سفوف لک با ریوند به نسخه
عیسی بن یحیی از برای قروح کلیه شیخ رئیس گفته که سفوف لک با ریوند و بزر کاکنج خصوص ص
جبلی آن قوی است در علاج قروح کلیه ص مغز تخم خربوزه مغز تخم خیارین مغز تخم خیار بادرنگ

مغز تخم کدو شیرین تخم خشخاش سفید تخم خشخاش سیاه صمغ بادام کتیرا نشاسته تخم خرفه مقشر تخم خبازی تخم
خطمی لک مغسول ریوند چینی از هر یک پنجدرم طین ارمنی ده درم حب الصنوبر مقشر زر کتان
بزر کاکنج جبلی از هر یک سه درم رب السوس بآب سوده از هر یک بیست درم کوفته بیخته
بیست درم بزر قطونا داخل کرده نگاه دارند و پنجدرم ازان با ماء الشکر یا جلاب شکری یا ماء الشعیر
شیرین کرده بدهند سفوف ملحم قروح کلیه منقول از کتاب مسطور ص طین مختوم طین
قبرسی طین قیمولیا مغسول از هر یک سه درم طباشیر سفید صمغ عربی نشاسته کتیرا از هر یک
یکدرم بارتنگ سه درم بسد کهربا شاخ گوزن سوخته از هر یک درم و نیم سوای بارتنگ ادویه را
کوفته بیخته بارتنگ داخل کرده دو درم ازان در خشخاش یا رب سیب بدهند سفوف برای
تقویت گرده و مثانه که والد ماجد جهت راقم تالیف فرموده بودند ص گوند کتیرا طباشیر سفید
گل ارمنی گل قبرسی گل مختوم صندل سفید گلنار اقاقیا البسد سائیده رب السوس گل سرخ
شادنج عدسی مغسول خرفه مقشر خار خسک بریروده ست گلو ست سلاجیت قلعی کشته
مروارید از هر یک دو ماشه تخم خشخاش مغز تخم خیارین هر یک چهار ماشه لسباسه مغز تخم کدو
مغز بادام مغز فندق مغز چلغوزه موچرس از هر یک سه ماشه کوفته بیخته سفوف سازند سفوف
جنین جهت سرعت انزال که بسبب آن حرارت باشد نظیر ندارد ص بزر قطونا دو درم
تخم خرفه سه درم کشنیز یکدرم و نیم شربت یک مثقال ناشتا بخورند سفوف برای قرحه
بخر با در آمده ص طباشیر سفید چهار ماشه دانه الایچی خورد ست گلو کباب چینی از هر یک دو ماشه
قلعی کشته نیم ماشه ست سلاجیت آفتابی سه ماشه کوفته بیخته سفوف ساخته با شیره تخم
خیارین میخورده باشند همه یک خوراک است همین طور هفت روز باید خورد سفوف
دیگر جهت قرحه سوزاک مجرب ست ص قلعی کشته دانه الایچی خورد طباشیر سفید کباب چینی
هر واحد دو ماشه کوفته بیخته سفوف سازند روز اول یکماشه روز دوم یک نیم ماشه روز
سوم دو ماشه با قدری آب شیره ادویه مدره سفوف برای قرحه سوزاک تالیف جد امجد

ص ست سلاجیت آفتابی یک توله موصلی سیاه و سفید آمله هر یک نیم توله هلیله چهار ماشه
نیم ماشه کوفته بیخته سفوف ساخته هفت ماشه با شیره تخم خیارین بخورند سفوف برای اسقاط
داءها از مجربات عم مرحوم منقول شده ص سداب فودنج ابهل از هر یکده درم مر پنجدرم شربت
ثلث درم سفوف که قطع شهوت جماع از رجال و نساء کند ص شهدانج تخم خرفه تخم کاهو
فنجنکشت از هر یک بجز و نیلوفر دو جزو شربت سه درم با شیره تخم خرفه سفوف از دیاد خون ابدان رحم
و سعفه باز دارد ص کشنیز بریان سماق پاک کرده جند بیدستر صدف سوخته کهربا البسد هر یکده درم
ماروبی سوراخ بلوط بریان قرنفل گلنار از هر یک پنجدرم شربت دو درم بآب سرد سفوف
که بادهای رحم را ببرد و زنان البتن را سود دهد و معده و جگر را قوت دهد ص پودینه تخم بادیان
هر یک یکدرم و نیم مروارید عاقرقرحا هر یکدو درم زرنباد درونج تخم کرفس ج جوز بوا دار فلفل
دارچینی خیربوا هر یک سه درم زنجبیل مصطگی هر یک پنجدرم شکر هم چند ادویه شربت دو درم تا
سه درم سفوف از لقائی برای جریان منی و سوزاک قدیم و جدید بسیار مفید نوشته ص ست گلو
ست سلاجیت الایچی خورد دکهان بید تالمکهانه قلعی کشته نسلوچن هر یک یکدام نبات سفید
برابر همه کوفته بیخته هر روز نه ماشه تا یک توله بخورند سفوف برای جریان منی از لقائی ص
بیج بند سیاه تخم هلیل هر یک سه درم گوکهرو تالمکهانه اندرجو شیرین هر یک شش درم لسوره
بیست دام کوفته شکر تری آمیخته هر روز یک توله بآب سرد بخورند سفوف جهت بند کشادن
ص چهال ڈهاک چهال مولسری چهال گولر گوند سینبهل موصله سینبهل کوه گوند ببول گوند
ڈهاک گوند گولر نخود بریان همه برابر کوفته خوراک کامل آن هفت درم است سفوف جهت
سوزاک قدیم و جریان رحیم از لقای ص سلاجیت ست گلو تازه الایچی کلان تواکیر
کته سفید لسوره خس همه برابر کوفته بیخته یک تانک به هند سفوف جهت سوزاک و سیلان
جرک مجرب است و تخلف ندارد ص شوره قلمی دانه الایچی کلان هر یک لب ت و یکماشه
باریک ساخته شش حصه کنند و تا سه روز همراه آب یک حصه صبح و یک حصه شام بخورند

روز چهارم آبکیه برنج سرخ که آنرا اهل هند سانٹهی گویند قدر دو سه دام دران تر کرده باشند بجوشند
روز پنجم و ششم نیز همراه همین آب برنج باید خورد و غذا درین اثنا دو سه روز هم بی نمک
و بی خمیر بینی بخورند سفوف در کشادن بول بسته از مجربات است ص شوره قلمی خردل
هر یک نیم دام بخته سحق کرده با آب ناشتا بخورند و در طب فرشته نوشته که اکبر بادشاه را بول بند
شده بود هیچ دوا نمی کشود آخر حکیم مصری سه توله شوره قلمی در آب حل کرده داد و ایضا صباح دو گهری
دو توله دیگر داد حق تعالی شفا بخشید سفوف برای اصلاح منی مجرب بعضی اطبا است ص
شقاقل مصری تعلب مصری مصطگی رومی دارچینی صورتی بنسلوچن گجراتی بیج نو و خوب تالمکهانه
گوکهرو پستان سنگهاره خشک از هر یک یکدرم مصری سه دام همه را کوفته بیخته بوزن برابر
چهارده پوڑی بسته هر روز یک پڑی با شیر تازه ماده گاو بخورند و از ترشی و جماع پرهیز نمایند سفوف
سفید از برای قوت باه و در نهایت نفع است ص بگیرند خسک خشک و آن را کوبیده
در آب خسک تر تر نمایند و در آب خشک سازند و این کار را مکرر کنند تا آنکه سه وزن خشک
خسک آب خسک تر با آن بخورانند و خشک نمایند پس بگیرند ازان خسک مربی یک جزو
و ارعاقرقرحا ربع جزو نبات سفید مثل مجموع و همه را کوفته بیخته چهار درم ازان بخورند سفوف
برای منع سیلان رطوبت رحم بسیار موثر ص خسته تمر هندی را در آب تر نمایند تا که تمامی
قوت وی در آب بیاید آنوقت خسته تمر هندی را مقشر نموده باز در آب مذکور تر نمایند تا
آنکه آب بخورد و خشک شود بعد ازان برگرفته باریک سائیده هموزن آن مغز تخم درخت
آزاد یعنی مغز تخم بکاین و صندل سفید آمیخته برابر جمیع نبات انداخته سفوف سازند نیم دو یک
اوقیه با آب بخورند سفوف دیگر از بیاض عم مرحوم حیض مفرط باز دارد ص سپاری چهار
دو درم برگ بانسه دو درم قرد دو درم باریک سائیده بقدر مناسب وقت خفتن که معده
خالی باشد بخورند سفوف دیگر برای قوت باه مجرب است ص تخم جرجیر تخم خربوزه
تخم ترب اجزاء مساوی کوفته بیخته سه درم ازان یک اوقیه شیر تازه بخورند سفوف

مجرب از اطبای هند منقول از ترجمه باهیر جهت درد پشت و درد رمنی و تقویت انعاظ و سستی
آلات تناسل ص فوفل هفت مثقال و نیم صلایه کرده در سفال آب ندیده و پاک دارچینی
هفت مثقال و نیم بدستور کوفته بیخته اضافه نمایند و برروی آتش نرم گذاشته تا چهار حد و تخم
مرغ بقدر آنکه معجون شود مغز پسته دو مثقال و نیم نبات سفید هشتاد و دو درم کوفته با آن مخلوط
نمایند و مجموع را در یک روز بخورانند سفوف دیگر که در امر قوت باه و امساک مجرب نوشته اند ص
بگیرند یک سیر دارفلفل را در سی غ شیر گاو بجوشانند تا تمام شیر را در خورد بعد ازان خشک کنند
و تا سه بار چنین کنند پس خشک کرده با دو وزن آن نبات سفید کوفته و برهم کرده نگاهدارند
و هر روز صبح ناشتا بخورند پنجدرم سفوف دیگر بجهت قوه باه و امساک منی مجرب مفید
ص جوزبوا نیم کوفته در آب پوست خشخاش هفت مرتبه پرورده کنند و هر مرتبه خشک کرده
باز آب پوست تازه برروی آن کرده خشک کنند تا هفت مرتبه تمام شود پس قرنفل زنجبیل
دارفلفل شکر طبرزد تخم و گل بنگ که آنرا هندی گانجه گویند جوز پرورده اجزاء مساوی کوفته
بیخته اول مقدار یکدرم در وقت عشا بخورند و بعد ازان هر روز مقدار موافق و اگر حب بسته
استعمال نمایند هم رواست و اگر چرس عوض گانجه نمایند اولی خواهد بود سفوف که شهوت
باه بیفزاید و بلغم دفع کند گرده را قوت دهد و صحت بدن افزاید و اشتها زیاده کند و منافع بسیار
دارد مختصر کرده شد ص زنجبیل دارفلفل فلفل تخم کرفس نمک طبرزد نمک جواکهار زیره سفید از هر یک
چهار درم قرنفل انار دانه از هر یک هشت درم تخم اوٹنگن پاک کرده چهل درم اسگند بکیعد
و بیست درم حلتیت یکدرم ادویه کوفته بیخته نگاهدارند و هر روز پنجدرم ازین سفوف ده درم
زنجبیل در دو سیر شیر گاو خام اندازند و صبح ناشتا بخورند و شکر سرخ بخورند سفوف که منی را
خشک کند ص تخم سداب انیسون از هر یک یکدرم بزرالبنج سفید خجند ستر از هر یکده درم
گل سرخ گلنار از هر یک سه درم کوفته بیخته سفوف سازند شربت دو درم با آب سرد و سرکه
و با دوغ ترش بکار برند سفوف کیمیای عشره ص نکهچکنی سه سنج کابهل سرخ

قرنفل چهار سرخ زعفران یک سرخ شنگرف چهار سرخ دارچینی یکماشه مازو پهل چار سرخ
افیون شش سرخ ورق طلا ورق نقره هفت هفت سرخ مشک یکماشه ریگ ماهی
یکماشه این همه را سفوف سازند و بایک قدح شیر فرو برند بعد چندی بجماع مشغول شوند
نهایت قوت یابد و قدری امساک خواهد آورد و چون در وقت جماع قدری سوزش سینه بهم رسد
یک پیاله کلان شیر بخورند در تمام شب همین قسم چهار ده آثار شیر باید نوشید و هضم خواهد شد
و بیدار خواهد ماند و در جماع مشغول خواهد بود و از بیاض عم مرحوم نقل شده لیکن در تجربه
راقم نیامده است سفوف از بیاض عم مرحوم ص مغز خسته جامن مغز خسته انبه
ما تهاجوری رسوت موچرس فوفل مغز بیل لوده گیرو کاپهل فلفل گرد سنده
صندل سرخ مازو گزمازو دیمامه گل دهاوه ملتهی پوست درخت سانج برابر سوده همه وزن
آن شکر سفید بیامیزند و دو درم باب شسته سرخ بخورند خون حیض و بواسیر و شکم باز دارد و
تری و رفتن زرد آب و هر نوع که باشد برطرف سازد و اگر بعسل و شکر معجون سازند نیز رواست
سفوف برای رطوبت نسار مجرب است ص دهاوه خسته انبه خسته جامن پکهان بید
رسوت ماتین موچرس گل زعفران اتیس موتهه بیل گری لوده گیرو کاپهل فلفل زنجبیل
اندرجو صندل سرخ پوست کز جوانسه گل دهاوه بدهارا ملتهی ارجن برجن گل کیله گل سنبل
برابر کوفته بیخته سفوف سازند و بعسل و آب برنج نیم درم بخورند سفوف مختصر برای رطوبت
نسار مجرب و منقول از بیاض عم مرحوم ص گل بر مهری کهربا هر یک پنج درم سائیده نگاهدارند
بوزن نیم ماشه با زردی تخم مرغ نیم برشت هر دو وقت بخورند سفوف ماميران از حکیم علی برای
اندمال قرحه سوزاک بسیار نافع و مکرر تجربه درآمده ص طباشیر سفید کبریت زرد دو درم مغز تخم
خیارین چهار درم تخم خرفه نیم مثقال صمغ عربی دانگ کتیرا دانگ ماميران چینی دانگ گلنار
یکنیم دانگ زرشک بیدانه افیون زراوند مدحرج از هر یک دو دانگ کنجد سفید مقشر مثقال
شکر سفید چهار ده درم کوفته بیخته سفوف سازند خوراک یکمثقال آب تازه یا ادویه مناسبه

سفوف دیگر برای سرعت انزال مجرب است ص لاکه دانه زرد مغسول سریانی تج
لوده پتهانی مازو بی سوراخ خورد برابر کوفته بیخته شکر سفید همه وزن ادویه آمیخته از شش ماشه
تا نه ماشه با شیر گاو میش بخورند سفوف برای قوت باه و امساک و تقویت اعضاء رئیسه و
گرده و مثانه بی نظیر است تصنیف والد ماجد ص گوند کتیرا گلنار صندل سفید طباشیر موچرس
خارخسک ورده ماتین قلعی کشته از هر واحد چهار ماشه کهربا سائیده مصطگی گل ارمنی ثعلب مصری
شقاقل لسان العصافیر تخم پکهان بیدمایه تخم اعرابی لوده کرپانی از هر یک سه ماشه
سنبل الطیب و ماشه تودرین همنین نه نه ماشه پوست بیخ مولسری پوست بیخ کچنال
پوست بیخ جهربیری پوست بیخ کیکر پوست بیخ سنکاهولی سنگهاره خشک از هر یک پنج ماشه
دانه الاچی خورد شش ماشه ادویه را کوفته بیخته برابر آن نبات سفید آمیخته سفوف سازند
و یک تولہ باب سرد بخورند سفوف برای اندمال قرحه مجرب است تالیف یگانه روزگار
حضرت استاد رحمت الله ص گوند کتیرا دم الاخوین گل ارمنی طباشیر رب السوس گل مختوم
گلنار حب الکاکنج تخم خشخاش از هر یک دو ماشه نشاسته تخم خیارین مغز تخم کدو تخم خرفه مغز تخم لوز
از هر واحد سه ماشه ریوند چینی ماشه کوفته بیخته سفوف سازند سفوف مغلظ منی از تالیف راقم
ص سنگهاره خشک تخم ماشه مازو سه ماشه تالمکهانه نشاسته هر یک چهار ماشه گوند شش ماشه
ثعلب مصری چهار ماشه مصطگی سه ماشه نبات سفید همه وزن ادویه کوفته بیخته سفوف سازند
خوراک پنج ماشه تا هفت ماشه سفوف دیگر برای تقویت باه ص پوست بیخ سنگاهولی
پوست بیخ اونٹ کتاره آرد ماش هر سه بوزن برابر و وارا در سایه خشک کرده جدا جدا
باریک بسایند و جامه بیز کرده بهم آمیزند شربت هفت ماشه وقت صبح یا قدری شیر گاو
سفوف برای تغلیظ منی منقول از بیاض عم مرحوم ص عاقرقرحا بیج بند تخم کونچ گلنار تخم انگن
موچرس بهوپهلی تج اندرجو شیرین تالمکهانه سمندر سوکه سوصلی سیاه سوصلی سفید ستاور گلو
سنگهاره خشک مصطگی خصیة الثعلب کباب چینی دانه الاچی کلان طباشیر خارخسک از هر یک

سه ماشه گوند ناگوری نشاسته لسوڑه تخم خشخاش از هر یک چهار ماشه کوفته بیخته برابر آن
شکر سفید داخل کرده یک توله با آب سرد بخورند سفوف برای سوزاک که با خون و ریم
ص اصل السوس مقشر ده ٹانک ست سلاجیت شوره قلمی جواکهار الایچی کلان گل
برگ حنا هلدی زیره سفید از هر یک دو ٹانک نبات بیست و هشت ٹانک سفوف ساخته
یکدام بخته همراه آب سرد بخورند سفوف هفت حصات از مجربات است ص نانخواه
تخم کرفس از هر یک پنجدرم تخم حب جبر درم باریک نموده هر روز دو درم با آب سرد بخورند
سفوف برای سرعت انزال از بیاض عم مرحوم ص سور انبه پاو سیر موصلی سیاه موصلی
سفید موچرس سنبل الطیب خراطین از هر یک چهار دام بخته کوکنار دو دام بخته افیون
پنجماشه تخم حلبلی دو دام بخته ورق الخیال در کف خنثر بر کرده در سایه خشک نموده یک
توله با شیر گاو بخورند سفوف برای سوزاک ص گل ٹیسو پنج ٹانک کباب چینی پنج ٹانک جواکهار شوره
قلمی هر یک یک ٹانک الایچی کلان اصل السوس هر یک پنج ٹانک تخم کشنیز دو نیم ٹانک
زیره سفید دو نیم ٹانک برگ حنا آمله منقی دو نیم ٹانک نبات سی و دو ٹانک جو کوب
نموده هر روز پنج ٹانک این سفوف را با پنج ٹانک نبات در یکپاو آب شب تر کنند صبح
مالیده صاف نموده بنوشند سفوف برای سرعت انزال ص پوست درخت ببول
برگ پلاس ستاور خسته انبه پوست بیخ کهرنی بیخ سنبهل پوست انجیر بانجی بهلی ببول
سیستان بجر دنتی مساوی کوفته بیخته سفوف سازند سفوف مقوی باه ص بلبل در
را با ده برابر شیر گاو بچشانند که شیر را در خورد بعد از ان بلبل را در سایه خشک کرده در جای
که باد نباشد باریک سائیده هر روز سه درم با شش درم نبات سفوف نموده با نیم سیر شیر گاو
خورده باشند سفوف دیگر ص سورنجان مصری ده درم سنائی هفت درم پوست
هلیله مغز بادام مقشر از هر یک سه درم زعفران نیم درم سقمونیا یک درم گل سرخ
شش درم قند سفید سی درم اگر ماده بلغمی بود بیخ سفید پنج مثقال سقمونیا نیم درم اضافه

نمایند سفوف سورنجان برای اخراج مواد سوداوی و بلغمی در امراض مذکور بکار آید ص سورنجان
مصری هفت مثقال غنچه گل سرخ منزوع الاقماع سنائی هر یک پنج مثقال پوست هلیله زرد
تربد سفید مجوف تراشیده بروغن بادام شیرین چرب نموده از هر یک چهار مثقال سقمونیا
مشوی لاجورد مغسول حجر ارمنی مغسول از هر یک مثقال بوزیدان بسفایج فستقی مصطگی
رب السوس از هر یک دو مثقال زعفران دو دانگ قند سفید ده مثقال کوفته بیخته سفوف
سازند و در شیشه نگاه دارند شربت دو درم با آب سرد سفوف نقرس از محمد بن زکریا جهت
درد مفاصل بارد و نقرس بارد مجرب نوشته اند و گفته اند که بالکلیه قطع می کند ص نانخواه
اهل سداب تخم کرفس ازیانه دو قو هر یک دو جزو فوه بادام تلخ سنبل قسط شیرین زراوند
مدحرج هر یک نیم جزو کوفته بیخته هر روز یکدرم استعمال نمایند و از ابتدا از زمستان و تا وسط نهار
بکار آید و بعد از تناول این تا چهار ساعت از ماکول و مشروب چیزی نخورند و باید که بعد
از تنقیه استعمال نمایند سفوف مجرب حکیم کمال الدین حسین مرحوم جهت تپ ربع ص
افیون نیم مثقال جندبیدستر حلتیت خوشبو قرنفل شونیز مرصاف میعه سائله دارچینی سداب
خشک عاقرقرحا فلفل هر یک سه مثقال مجموع کوفته بیخته سفوف سازند شربت یکمثقال با هشت
مثقال شراب کهنه سفوف خنازیر ص تربد سفید زنجبیل مصطگی شکر مساوی کوفته
هر صبح از یکمثقال تا دو درم بخورند سفوف شاهتره که اهل شام بجمیع اقسام جرب استعمال
می کنند و طبری نقل کرده که بعد از تنقیه و فصد و اصلاح غذا بکار می آید ص قنبیل سه درم
و ثلث مامیران چینی پنجدرم شاهتره خشک ده درم کشنیز خشک بیست درم کوفته بیخته با سه چند
شکر آمیخته بر حل نشاسته ریخته استعمال کنند شربت سه درم تا پنجدرم بقدر طاقت سفوف
که لذع عقارب را نافع است ص ریوند چینی زراوند طویل بیخ کبر عاقرقرحا بالسویه سفوف سازند
شربت از یک مثقال تا دو درم سفوف برای جذام صاحب لقای مستوده ص برگ
نیم نکهین سندلوی کلان گٹائی بابلونیخ برگ آمله اکر ابابهی انبه هلدی باوکه بابچی همه را

جدا جدا کوفته بیخته از هر واحد یک پاو و اگر یک بگیرند ممزوج نموده جمله را چهل و نه حصه کنند یک
صبح و یک حصه شام بدهند غذا دال نخودی بی نمک و نان نخودی بی نمک و بنا بر ضرورت نان
میده و کباب بی نمک سفوف برای جرب و سعفه و سوزاک و آتشک و هر قسم که آبله
باشد بسیار مفید ست خصوص بعد از تنقیه و بارها تجربه نموده شد ص هلیله زرد چهار ماشه هلیله
کابلی سی ماشه بلیله یازده ماشه آمله ده ماشه شاهتره سی ماشه چوب گز یازده ماشه گل سرخ شش
ریوند چینی پنجاه ماشه برگ سنا بیست ماشه هلیله سیاه ده ماشه کوفته بیخته هموزن شکر سفید آمیخته
سفوف سازند و علی الصباح یک یک دام یا یک یکتوله یا نه ماشه ازین سفوف خورده باشند
اگر مزاج مساعدت کند علی التواتر بخورند و الا دو سه روز بخورند و موقوف نمایند و باز شروع
کنند و به صغیر السن و ضعیف المزاج کمتر ازین باید داد سفوف جهت برص ص اجمود
پاو آثار گیر و گوالیاری نیم پاو هر دو را کوفته بیخته مثل سرمه ساخته وزن یک مُری روز همراه
آب بخورند و غذا سوای نان بی نمک و روغن دیگر ندهند سفوف دیگر جهت برص از مجربات
شاه عطاء الله مرحوم ص منڈی پاو سیر سمندر سوکهه نیم پاو هر دو کوفته بیخته سفوف ساخته
هر روز شش ماشه یا نه ماشه بروغن زرد بخورانند و از شیر و شیرینی پرهیز کنند و در اثنای خوردن
ازین سفوف گولیها طلا کرده باشند گنونیل چیته هر دو را کوفته بیخته بآب لیمو خمیر کرده گولیها
ساخته نگاهدارند وقت حاجت بآب لیمو سائیده طلا کنند سفوف جهت سرخ باده اطفال
معمول و مجرب صاحب بقائی و او نوشته که تخلف نمیکند ص کچور زیره حنا برگ نیم سنبل
دارچینی ملاه حری سمس هندفوه پوست انار و همامه کین رکت چندن منڈی سو رانج
دهنیه دو فی یکجز و دو دوا دیگر دو نیم جزو همچنین هر دوا را بعد یک جز از دوا ما قبل زیاده باشد
چنانچه اگر کچور یکدرم باشد زیره دو درم علی هذا القیاس تا دهنیه یک یک درم هفده دهنیه
هفده درم بگیرند و همه را نیم کوفته نگاهدارند و وقت حاجت به طفل از یک تا شش تا نه ماشه
شب در آب تر کرده صبح صاف نموده حسب قوت و سن طفل دهند و نه ماشه خوراک

قوی مزاج و کلان است که بسن رهاق و بلوغ رسیده باشد و اگر طفل بسیار صغیر بود
بدایه وی و قدری بطفل میداده باشد و اگر ازین عارضه بدن ورم زیاده کرده باشد
و جای متقرح شده باشند ثفل ازین دوا بآب برگ حنا سائیده ضماد کنند سفوف
برای سرخ نمودن رخسار ص زوفای خشک ده جزو زعفران سه جزو کوفته بیخته سفوف
ساخته هر روز دو درم بخورند سفوف مسهل عجیب و غریب منقول از خط جد امجد و عم مرحوم بود
و در اخراج سودا بی نظیر است و بلغم را دفع نماید و آتشک را در سه روز دفع می گرداند دوا را
در میان انداخته همراه شهیر فرو برند و اگر قی آرد و با وجود آن در اسهال تقصیری نمی کند در حار
مزاج و ضعیف المزاج کم استعمال باید کرد ص بگیرند سیماب و گندهک مساوی الوزن و به کجلی
نمایند و هر قدر که سحق زیاده خواهد شد ابلغ خواهد شد و قی کمتر خواهد آورد و اگر کم سحق خواهد شد
البته قی خواهد آورد و وقتیکه از کجلی فارغ شوند برابر هر دو جزو حب السلاطین کوفته هر سه را سحق بلیغ نمایند
بعد ازان سنگ بصری مساوی از هر واحد از سیماب و گندهک گرفته یار کنند و باز سحق نمایند
قدری که سنگ بصری باریک گردد همه را برابر برداشته در ظرف گلی آب نارسیده لیپ نمایند
و کهرل را شسته آبش در میان ظرف مذکور انداز ند اگر برود و بقدر دو انگشت آب
بر آید و الا آب دیگر بریزند و بالای آتش نگاهدارند تا که آب خشک شود و هنوز قدری آب
و رطوبت باقی باشد که از آتش فرود آورده در سایه نه و بالا نموده نگاه دارند که خشک شود
پس در ظرف شیشه یا چینی بردارند و قدر مستعمل در یک سرخ یا دو نیم سرخ است
باب الشین المعجمه شربت از تالیف قدیم است و جمعی بران اند که اول
کسی که شربت تالیف نموده فیثاغورس است شربت مجرب و معمول والد ماجد جهت
اقسام مالیخولیا اکثر بعد تنقیه همراه ماء الجبن استعمال مینمودند و بدون تنقیه و تنها نیز گاه گاه
در استعمال می آوردند ص گاوزبان گیلانی هفت درم و نیم گل بنفشه ربع کم دو درم
گل سرخ یکدرم و ربع ورق بادرنجبویه گل نیلوفر تخم فرنجمشک هلیله سیاه افتیمون

بسفایج فستقی برگ فرنجمشک اسطوخودوس ورق سنا از هریک دو نیم درم نبات و گلاب
هریک پاو آثار شب ادویه را در آب خیسانیده صبح بطریق معروف همراه نبات و گلاب
بقوام آورند و اگر عوض نبات ترنجبین و شیرخشت داخل میکردند درین وقت در سایر خواص
اقوی میگشت شربت مسهل نیز از تالیف اوستاد است برای اخراج مواد سوداوی
و بلغمی مفید جهت خفقان بارد و امراض دماغی تجربه رسیده ص پرسیاوشان گاوزبان
گیلانی بادرنجبویه انیسون از هریک یکتوله گل سرخ بیخ کاسنی هریک یکنیم توله گل بنفشه
تربد سفید هریک دو توله عود صلیب غاریقون نرم سفید از هریک نیم توله سنا مکی سه توله منقی
سی دانه کشمش چهار توله اسطوخودوس بسفایج فستقی هلیله کابلی تخم کرفس نیکوفته تخم کشوث
هلیله سیاه از هریک یکنیم توله ادویه را از انچه کوفتنی است نیم کوفته دو شب در آب که چهار انگشت
بالای ادویه باشد تر نمایند و با ترنجبین و نبات و گلقند از هریک پاو آثار بقوام آرند شربت از
چهار درم تا پاو آثار بعد نضج مواد استعمال نمایند و اگر حاجت باشد برای ترقیق نمودن هنگام
خوردن این شربت عرق مناسب بقدر ممزوج نمودن بنوشند و این شربت را بجهت شخصی
که از خوردن مسهل کاره بود تصنیف فرموده بودند شربت بادرنجبویه از جلالی ص
گاوزبان خشک سی درم بالنگو تازه یک من اگر تازه نباشد خشک سی مثقال بگیرند و
بجوشانند و بپالایند و با یک من عسل کف گرفته شربت سازند و نسخه که جد امجد در قرابادین
خود مرقوم ساخته اند دران عنبر اشهب بوزن یکان توله نیز داخل است شربت اسطوخودوس
در انضاج مواد سوداوی و بلغمی خصوص مواد دماغی نفع بسیار دارد و نسیان و اختلاط
مفید است ص اصل السوس مقشر پنجدرم بنفشه خشک ورق گل سرخ از هریک هفت درم
پرسیاوشان اسطوخودوس فاوانیا گاوزبان خراسانی تخم رازیانه تخم کرفس تخم خطمی
هریک پنجدرم مویز منقی بیست درم سپستان سی عدد همه را بجوشانند و در سه رطل شکر
طبرزد و عسل صاف کنند و شربت بزنند از ده درم تا پانزده درم با آب گرم بدهند شربت

ابریشم که حکمت پناه مسیح الزمان بجهت جهانگیر بادشاه ساخته بود خفقان را منفعت عظیم
نموده و معمول عم مرحوم بوده ص ابریشم خام ده توله یک شبانروز در سه آثار آب بخیسانند
و بجوشانند و صاف نموده بآن ضم کنند و هفتاد مثقال نبات سفید و سی مثقال عسل داخل
کرده بقوام آرند و تیز زنند تا سفید شود بعد ازان با ابریشم مقرض سه مثقال گاوزبان گیلانی
دو مثقال فرنجمشک یکمثقال مروارید کهربا یشب صندل سفید عود مصطگی مشک عنبر اشهب
از هریک نیم مثقال گلاب چهار سیر بطور معمول شربت سازند شربت ابریشم منقول از بیاض
عم مرحوم برای خفقان بارد و تقویت معده و رفع امراض دماغی مثل صرع و لقوه مفید ص
بگیرند ابریشم یک رطل در آب آهن تاب سه شبانروز بخیسانند و پس بجوشانند جوشانیدن نیکو
تا قوت ابریشم در آب بیاید صاف نموده نگاهدارند بعد ازان اسطوخودوس نیم رطل برگ
گاوزبان تا ربع رطل بادرنجبویه ربع رطل گل گاوزبان چهار توله بگیرند و هریک جدا جدا
بدستور بخیسانند پس بجوشانند و بعسل مصفی و نبات سفید هریک سه پاو بقوام آرند و از آتش
فرود آورده این ادویه را باریک سائیده داخل نمایند عود هندی مصطگی الایچی خورد دارچینی
تبرین عود صلیب ساذج بسفایج فستقی خولنجان وج ترکی سنبل الطیب قرنفل از هریک یکتوله بسباسه
جوز بوا زعفران از هریک شش ماشه عنبر اشهب نه ماشه شربت ابریشم جهت تقویت
دل و دماغ و باه مفید است منقول از بیاض عم مرحوم ص ابریشم چهار توله باریک نموده
در چهار شیشه عرق بید مشک و دو شیشه گلاب سه شبانروز بخیسانند و بعد جوشانیدن و
صاف نمودن هفت توله شراب فواکه و هشتاد توله قند و نبات سفید داخل کرده کف
آن را با سفیده تخم مرغ گرفته بعده دران دار دهار او خریطه بسته بجوشانند تا بقوام آید زعفران
عود هندی مصطگی از هریک یکمثقال صندل سفید سنبل الطیب از هریک سه مثقال قرنفل
هیل ساذج درونج عقربی از هریک نیم مثقال بعد فرود آوردن عنبر اشهب دو مثقال مشک
نیم مثقال ورق طلا یک مثقال ورق نقره سه مثقال داخل نمایند و یک ساعت خوب بسایند

وبکار برند شربت ابریشم از تالیف راقم جهت تقویت دل و دماغ و باه مفید ص پیله
ابریشم سی مثقال بگیرند و تخم از و بکشند و سه شبانروز در گلاب و بید مشک و آب باران هر یک
دو آثار بخیسانند و بجوشانند پس صاف نموده با عسل و نبات سفید از هر یک بیست مثقال
بقوام آورند و بعد فرود آوردن عنبر اشهب یکمثقال ورق طلا یکدرم ورق نقره یک توله
دران حل کنند و در ظرف پاکیزه نگاهدارند شربت از نه ماشه تا دو توله شربت گاوزبان دل را
قوت دهد و سوداوی مزاج را بالغایت نافع باشد و خفقان را زائل کند از شفائی ص
آب گاوزبان تازه یکمن با یکمن قند بجوشانند و کف آن بردارند و بقوام آرند و بیست مثقال
گلاب دران ریزند و فرو گیرند و اگر گاوزبان تازه نباشد چهاریک خشک داخل کنند
شربت گاوزبان مقوی دل و دماغ منقول از قرابادین عم مغفور ص گاوزبان گیلانی
بادرنجبویه هر یک نیم رطل نبات سفید سه رطل عرق بید مشک چهار شیشه گلاب چهار شیشه
مشک خالص نیم درم عنبر اشهب نیم درم کافور یکدرم زعفران دو درم اول گاوزبان و
بادرنجبویه را در ده سیر آب بجوشانند چون نصف بماند صاف نموده عرق بید مشک و گلاب
داخل نموده با نبات بقوام آرند بعد از ان عنبر و زعفران و مشک و کافور بگلاب سایند
داخل نمایند شربت از دو درم تا ده درم و اگر گاوزبان و بادرنجبویه را مقطر کرده عرق انها
و علی الرسم شراب سازند لطیف و لذیذ خواهد بود و اگر مزاج مائل به برودت بسیار باشد کافور
موقوف نمایند شربت افسنتین مالیخولیای مراقی را نافع بود و جهت ضعف معده بارد
و سوء القنیه بالغایت مفید باشد و تلیین طبع نماید ص سنبل الطیب و درم تربد سفید غاریقون
نرم سفید از هر یک چهار درم افسنتین رومی ده درم ورق گل سرخ بیست درم جمله را در
چهار رطل بخیسانند و بجوشانند تا به ثلث رسد صاف نموده با صد و بیست درم قند سفید
بقوام آرند شربت افسنتین دیگر معده ضعیف و جگر ضعیف را و سپرز را نافع بود و طبع را
نرم کند و بادهای روده دفع نماید ص افسنتین پنجاه درم سلیخه بیست درم کرفس سی درم

در دو من آب بریزند تا به نیمه آید و با یک من قند شربت کنند شربت اسطوخودوس ص اسطوخودوس
ده درم بسفایج فستقی خراشیده گاوزبان گیلانی بادرنجبویه هر یک پنج درم همه را در یکرطل آب بجوشانند
تا به نصف رسد پس بپالایند و شکر طبرزد دران کنند و بجوشانند تا به نصف رسد شربت یک اوقیه
شربت عسل تالیف محمد بن زکریا جمیع امراض بارده و امراض بلغمی را سود
دارد خصوص فالج و رعشه را نهایت مفید است و معده بارد را نیز سود دارد ص بگیرند عسل مصفی
یکرطل و باشش رطل آب باران بپزند و کف از ان بردارند پس فلفل سفید زنجبیل قرنفل
خولنجان مصطکی رومی از هر یک یکمثقال چون سرمه سا در پارچه کتانی بسته دران افگنند و بجوشانند
و لمحه لمحه پارچه ادویه را بدست بمالند و انچه پارچه دران است از ادویه بیرون آرند و چون شراب
بقوام آید فرود آورده نگاهدارند و هنگام حاجت بکار برند و اگر عوض ادویه مذکوره عنبر و
مشک بقدر حاجت بویا نموده بکار برند در لطافت و لذت اقوی خواهد بود شربت وارو
بخت مقوی اعضاء رئیسه است و امراض بلغمی را سودمند بود و نسیان را زائل کند و
رنگ رخسار نیکو گرداند و پیران را موافق آید و قوت باه بیفزاید و اشتها آورد و بدن را
فربه نماید ص بگیرند آب انگور یک صد من سیب شیرین به شیرین که از پوست و دانه پاک
کرده باشند هر یک سه من گلاب نیم من آب خالص ده من دارچینی قرنفل مصطکی رومی
سنبل الطیب خیربوا خولنجان هر یک پنج درم عود قماری بسباسه [illegible] از هر یک سه درم زعفران
دو مثقال مشک خالص نیم مثقال عنبر اشهب مثقال سیب و به را در آب انگور بجوشانند
و کف آن بگیرند تا این هر دو مهرا شود پس از آتش فرود آورده بگذارند تا سرد شود و بمالند
و بپالایند و ادویه را نیمکوفته و در کیسه کتان کرده در وقت جوشانیدن کیسه را در دیگ اندازند
و لمحه لمحه کیسه بمالند و شیره آنرا برآورده کیسه را دور کنند و مطبوخ را بپالایند و سرد کرده در خم
ریزند و مشک و عنبر اشهب و زعفران را بگلاب سوده دران داخل نمایند و سر خم را محکم
کنند و بعد از شش ماه سر خم را دور کرده شراب را استعمال نمایند شربت توت یونانیان

این دوا را مامیران خوانند نافع است در جمیع حالات خناق و ذبحه و هم نفع میرساند بورم
حار دهان ص بگیرند عصیر توت سرخ پنج رطل و طلاء دو رطل و عسل مصفی یک رطل و همه را با آتش
ملایم بجوشانند تا بقوام رقیق آید و زعفران و عصاره لحیة التیس یک یک درم و شب یکدرم و نیم
سائیده بران پاشیده و حل کرده بردارند شربت توت موافق نسخه شاهی ص بگیرند آب
توت سیاه دو رطل و بجوشانند تا نصف بماند پس با سه رطل شکر سفید بقوام آرند شربت
حب الآس سرفه با اسهال را نافع است ص حب الآس بکوبند و بجوشانند تا مهرا شود
و بپالایند و هر دو جزو و ازان ده جزو قند سفید اضافه کنند و بقوام آرند و اگر قدری طباشیر سفید
سوده بیفزایند اقوی خواهد بود شربت زوفا بساذج ضیق و سرفه را نافعست ص زوفای
یابس از چوب پاک کرده نیم رطل در آب بسیار گرم یک شبانروز تر کنند و بپزند و صاف
نمایند و قند سفید یا شکر سفید چهار رطل و عسل یک رطل آمیخته بقوام آرند شربت زوفا مرکب که بلغم
غلیظ را از مجاری نفس برد و سینه را پاک و نرم کند و ضیق و سرفه را سود دارد ص رازیانه
کرفس هر یک پنجدرم زوفای یابس هفت درم انجیر ده عدد مویز منقی سی درم حلبه چهار درم
تخم خطمی ایرسا اصل السوس هر یک سه درم پرسیاوشان شش درم قند سفید دو رطل گلقند
یک رطل بدستور متعارف شربت سازند شربت از ده تا پانزده درم بایدرم مغز بادام تلخ شربت
زوفا بنسخه دیگر که سینه را از اخلاط غلیظ پاک کند ص بیخ کرفس بیخ بادیان بیخ کبر هر یک سه درم
زوفا چهار درم بجوشانند و با قند بقوام آرند شربت بنفشه که سرفه و شوصه را سودمند بود
و تلیین طبیعت نماید و فوائد لبیط را جامع بود ص بنفشه تازه یک رطل تخم خطمی بهدانه صمغ عربی
هر یک ده درم جمله را در پنج رطل آب تر نمایند یک شبانروز پس بجوشانند تا بثلث برسد بپالایند و قند
سفید با نبات جید اضافه کنند و بقوام آرند شربت هفت درم شربت بنفشه لبیط ذات الجنب را
و ذات الریه و صداع و درد چشم و درد گرده را نافع بود و بول براند سینه را نرم کند ص گل بنفشه
تازه یک چهار یک بجوشانند و بپالایند و همین قند بقوام آورده شربت بپزند و اگر گل بنفشه تازه نباشد

یک اوقیه بنفشه خشک داخل کنند و باید که وی را بسیار بجوشانند شربت نیلوفر صداع حار و
تب های صفراوی و ذات الجنب و ذات الریه را نافع بود ص گل نیلوفر یک اوقیه و اگر تازه
نباشد یک چهار یک بجوشانند و با یک من قند شربت بپزند شربت عناب آبله و حصبه
و درد سینه را نافع بود ص عناب ولایتی یک رطل در چهار رطل آب بجوشانند و با دو رطل یا
سه رطل قند بقوام آرند شربت اعجاز تالیف حکیم ارزانی جهت اقسام سرفه خشک نافع
است و برای تپ دق مفید ص عناب ولایتی بیست عدد سپستان فربه شصت دانه اصل السوس
مقشر تخم خبازی تخم خطمی گل نیلوفر گل بنفشه هر یک هفت درم بهدانه پنجدرم کتیرا صمغ عربی
هر یک سه درم برگ اروسه یک رطل قند سفید دو رطل غیر از صمغ و کتیرا همه بجوشانند و بطریق معلوم
با قند بقوام آرند و بعده کتیرا و صمغ عربی کوفته بیخته داخل نمایند شربت عنب سعال نفع
دارد و هضم هوا را مفید بود ص انگور شیرین از کرم قدیم بگیرند و آب شسته شیره وی بستانند
هر قدر که خواهند بجوشانند تا که ثلث بماند و همچند شیره خام قند سفید آمیزند و کف بردارند و بقوام
آورند شربت نرجس که ضیق و انتصاب نفس را نافعست ص نرگس تازه سالم از عفونت
ربع رطل در آب گرم یک شبانروز تر کنند و با آتش نرم بجوشانند و صاف سازند و یک رطل قند یا
عسل آمیخته بقوام آرند شربت فراسیون معمول راقم که ضیق و سعال را که سببش بلغم بود
نافعست ص فراسیون چهل درم اصل السوس و فاوتنیج نهری پرسیاوشان هر یک ده درم
حلبه مغز بادام مغز چلغوزه بادیان انیسون هر یک پنجدرم مصطگی دارچینی زنجبیل هر یکدو درم مویز منقی سی درم
عناب سپستان هر یک صد دانه انجیر سفید بیست عدد جمله در بیست و چهار رطل آب تر کنند
و یک شبانروز بگذارند پس به آتش نرم بپزند تا که نصف بماند صاف کنند با پنج رطل قند سفید
بقوام آورند شربت یک اوقیه شربت انجبار نفث الدم و اسهال دموی و سیلان طمث را
نافع است معده و جگر گرم را سود دارد از شفائی ص اقاقیا دو مثقال صندلین سائیده
هر یک پنج مثقال انجبار هفت مثقال قند سفید نیم من شربت سازند شربت سپستان

سرد و تر است جهت سرفه و درد سر و خشونت حلق و خراشیدگی آن و ذات الجنب و
ذات الصدر و ذات الریه و حمیات صفراوی و درد حلق و حنجره بغایت نافعست و شکم نرم کند
و سومت اسعار را بشرط مداومت بالکل زائل سازد و درد معده و قی حار را که از یبوست باشد یا
ماده یابس بود ساکن نماید ص سپستان خوب فربه یک چهار یک در ده من آب بجوشانند
تا سوم حصه بماند پس بمالند و صاف کنند و قند یک من آمیزند و بقوام آرند شربت ده مثقال
شربت خشخاش مخترع ص کوکنار نیم آثار مشک عنبر اشهب شش ماشه نبات دو آثار
کچله مقشر در شربت خیسانیده و ده عدد بطریق متعارف مرتب سازند شربت که با نقصان
نفس نافع است ص مصطگی سافج هندی هر یک سه درم شیح قیصوم فراسیون پوست
بیخ کبر پوست بیخ بادیان فودنج جبلی سداب از هر یک پنج درم انجیر سفید یک رطل همه را در پنج رطل
آب بجوشانند تا دو رطل باقی ماند صاف نموده عسل و فانیذ هر یک یک رطل داخل کرده باتش
ملایم بجوشانند و کف بردارند شربت سازند شربت یک اوقیه و نصف با آب سرد شربت فریاد رس
برای سرفه و نزله مجرب است ص گاوزبان گیلانی صندل سفید پر سیاوشان عود صلیب
از هر یکی دو توله اصل السوس رازیانج تخم خطمی گل سرخ از هر واحد یک توله سنقی بهت و بیخ عنب
خشخاش دو توله کوکنار پنج عدد قند سفید یک آثار بدستور مرتب سازند شربت دیگر ابن البیطار
ذکر نموده که برای مسلول لاغر بکار آید ص آب انار و لاتی شیرین چهار رطل آب سیب
یک رطل آب نیشکر دو رطل همه را بجوشانند تا نصف بماند نگاهدارند شربت یک اوقیه با بیدانست
که این فاضل خلاف ظهور و زبیده زیرا که همه قائل اند که تفاح مورث سل است پس آنچه
شراب بچه طور نافع سل خواهد شد شربت اسپغول بجهت خفقان صفراوی و سرفه گرم
و خشکی و خشونت قصبه ریه و امثال آن نافعست ص بزر قطونا یک اوقیه را با یک رطل
آب بپزند و لعاب آن بگیرند و با یک رطل و نیم شکر سفید بقوام آرند و استعمال کنند شربت
سیب دل و معده را قوت دهد و مفرح بود و قی ساکن کند و اسهال صفراوی را باز دارد ص

سیب اصفهانی اندرون و بیرون پاک کرده در هاون سنگین یا چوبین بکوبند و آب آن بگیرند
ده من و بجوشانند تا دو من آید پس یک من قند اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید شربت
صندل دل را قوت دهد و خفقان گرم و معده و جگر گرم را نافع باشد و تشنگی شکم هم بندد و از
تشفانی ص صندل سفید سائیده بیست مثقال در گلاب یک شبانه روز بخیسانند روز
دیگر اندک جوش داده شیره اش بگیرند و با یک من قند شربت سازند شربت صندلی
ترش جهت تسکین سوزش دل و تپ محرقه نافع بود ص صندل سفید سوهان کرده پنجاه درم
یک شبانه روز در آب غوره و سرکه هر یک پنج استار و قدری آب بخیسانند پس بجوشانند تا بر آید و
صاف کنند و با یک من شکر بقوام آرند شربت نارنج جهت تقویت معده و دل نافع است
ص قند سفید هر قدر که خواهند بگیرند و بجای آب عرق گاوزبان انداخته بجوشانند و کف
بردارند پس آب ترش آوه نارنج چهار اوقیه بجوشانند و یک رطل قند سفید اندازند و دو سه جوش داده
فرود آرند و زعفران یک درم فی یک رطل حل کرده بیامیزند و بدارند شربت ترنج جهت خفقان
گرم و امراض حاره دل بغایت مجرب است ص ترشی ترنج را بگیرند و در آب بشویند تا اثر
ترشی در جرم آن نماند پس مقابل هر یک عدد ترنج هفتاد و پنج مثقال قند اضافه نموده بقوام
آورند شربت برگ ترنج نسخه قدیم است جهت ضعف دل و خفقان و ضعف معده بغایت نافعست
ص برگ ترنج پنجاه عدد در شراب کهنه صاف یاد جمهوری بقدر شش قسط که هر قسطی صد
و پنجاه مثقال است هفت روز بخیسانند پس صاف نموده با صد و پنجاه مثقال عسل کف گرفته
بقوام آورند و بعضی از پوست ترنج الشبره مسطور ترتیب میدهند و بعضی یک رطل پوست ترنج را
در دو صد و بیست و پنجاه آب خیسانیده بجوشانند تا به ثلث رسد پس صاف نموده با یک رطل عسل
بقوام می آورند شربت تفاح مقوی منقول از ذخیره ضعف قلب و امراض سوداوی
نهایت نافع است ص بگیرند سیب شیرین و پوست و تخم آن دور کرده بکوبند و آب
بگیرند و در هر دو من از آن یکمن آب انجل و یک من شراب ریحانی داخل کنند و همه را در یک

نمایند پس بگیرند قرنفل یک مثقال عود قماری خام دو درم گل گاوزبان بادرنجبویه
از هر یک سه درم ورق گل سرخ دو درم همه را نیکو کوفته در صره کتانی کنند و دران اندازند و با آتش
ملایم بجوشانند و صره را بمالند تا آب بنصف رسد پس صره را نیکو بمالند و خیر اش را برآورند
و بیفشارند و از آتش فرود آورند و یکمن قند سفید داخل کرده بقوام آورند و فرود آورده سرد
کرده نگاهدارند شربت دو اوقیه شربت انارین منعنع از شفائی فواق بنشاند و قی باز دارد
و معده را قوت دهد ص انار شیرین و ترش باهم بکوبند و با تخم و آب آنرا بگیرند و دو من
یکمن قند و یک اوقیه آب نعنع اضافه کرده بقوام آرند شربت انار ترش قی باز دارد
و صفرا را دفع کند و معده را قوت دهد ص آب انار ترش دو من نعنع سه چند سناج عود خام
مصطکی آمله مقشر از هر یک دو درم پوست بیرون پسته پنج درم کوفته در آب انار بجوشانند سوای
مصطکی تا به نیمه آید صاف کنند و با یک من قند بقوام آورند و بعد از ان مصطکی را اضافه نمایند
شربت انار شیرین جگر و دل را قوت دهد و تشنگی بنشاند ص آب انار شیرین بگیرند و بجوشانند
تا به نیمه آید و به هر یک من آب یکمن قند اضافه نموده بقوام آرند شربت لیموی سفرجلی
به نسخه میر مومن ص آب به شیرین دو جزو آب لیمو یکجزو شکر ثلث مجموع بدستور مقرر
بقوام آورند شربت اناناس من تالیفها در تفریح و تقویت دل مفید بود ص آب اناناس
یک جزو قند سفید نیم جزو گلاب بید مشک هر یک نیم جزو مشک قدری آب لیمو بقدری که
ترش گرداند بدستور مرتب سازند و اگر سرفه باشد آب لیمو موقوف نمایند شربت فواکه
معده را قوت دهد قی باز دارد و دل را قوی گرداند ص آب سیب و به و انار ترش
و شیرین و امرود از هر یک یکجزو آب زرشک آب سماق آب غوره آب زعرور از هر یک
نیم جزو بجوشانند تا به ثلثی آید قند آن مقدار که کفایت کند اضافه نموده بقوام آورند شربت
ریباس اسهال صفراوی را نافع باشد و قی باز دارد و تشنگی بنشاند و معده را قوت دهد
ص ریباس را سر و دنبال بکار چوبین ببندازند و در هاون سنگین یا چوبین بکوبند

وآن را بگیرند و صاف کنند و بجوشانند تا به ثلثی آید و زمانی بگذارند تا دُرد بنشیند بپالایند و در یک من
آب یکمن قند اضافه نموده بقوام آورند شربت به دل را قوت دهد و معده را قوی گرداند
و اشتهای طعام آورد و طبع را نرم کند و قی باز دارد ص به ترش و شیرین اندرون او را
پاک کنند و آب او را بگیرند و به پنج من آب یکمن قند اضافه کرده بقوام آورند شربت
حماض صفرا بشکند و قی باز دارد و معده و دل را قوت دهد و خفقان گرم را نافع باشد ص
آب حماض پنجاه مثقال قند سفید یکمن شربت پزند چنانکه رسم است شربت لیمو معده را
قوت دهد و اشتها آورد و صفرا بشکند و قی باز دارد و هاضمه را قوی گرداند ص عود هندی
آمله مقشر از هر یک ده درم سنبل قرنفل مصطگی جوزبوا از هر یک دو درم مجموع را نیکو کوفته در
کیسه کتان کنند و در سه چهار یک گلاب بجوشانند و کیسه را خوب بمالند تا قوت بگلاب بر
و با یک من قند بقوام آورند فرو گرفته نیم درم مشک خالص سوده دران حل کنند شربت
حب الآس مرکب معده را قوت دهد و اسهال باز دارد ص حب الاس امرود خشک
از هر یک پنجاه درم قرطم اثیث از هر یک ده درم آب سیب و به و انار از هر یک یکمن دارو
ها را درین آب بجوشانند تا به ثلث رسد و بپالایند و دیگر بجوشانند و بقوام آورند شربت
تمر هندی طبع را نرم کند و صفرا بشکند و معده را قوت دهد و قی را باز دارد ص تمر هندی نیم من
را بجوشانند و شیره بگیرند و بپالایند و یکمن قند اضافه نموده بقوام آورند شربت که فواق را
بنشاند خاصه آنچه پس از طعام آید ص زیره کرمانی انیسون پودینه کنند از هر یک ده درم
در دو من آب کرده بجوشانند تا نصفی آید با قند و عسل هر یک نصف رطل بقوام آورند
و تجرع کنند شربت عنبر درد اعصاب را سود دهد و خفقان بارد را زائل گرداند ص
عسل دو من با دو من آب قند بجوشانند و کف آن را بردارند تا بقوام آید عنبر و زعفران
سوده از هر یک یک مثقال اضافه نمایند شربت پنج درم شربت
مشک معده را قوت دهد و امراض بلغمی را نافع بود و پیران را موافق بود

ص عسل یک من قند سفید یک من در دو من آب بجوشانند تا بقوام آید
نیم درم زعفران سوده یکمثقال مشک اضافه نمایند شربت سه درم شربت خبث الحدید
معده را قوت دهد و هاضمه را قوی گرداند و لون را نیکو کند و باد بواسیر را نافع بود ص تخم
کرفس انزیانه زیرهٔ کرمانی نانخواه انیسون صعتر انجدان کاشم کرویا کشنیز فلفل دارفلفل کندر
دارچینی قرفه جوزبوا سنبل تخم جرجیر تخم پیاز سعد زنجبیل از هر یک یکمثقال خبث الحدید ده مثقال
در شش مثقال ادویه بجوشانند تا به نیمه آید صاف کنند هر روز سی درم بنوشند شربت
عود ترش معده و جگر را و دماغ و دل را قوت دهد و غثیان و فساد هضم و بخارهای محترقه
و جشای دخانی را دفع کند ص بگیرند سیب ترش و شیرین و انار ترش و شیرین و لیمو
از هر یک یکصد و پنجاه درم آب بستانند و تا سه چند درم قند بقوام آرند و عود قماری پنج درم
و صندل سفید سه درم بادرنجبویه گل سرخ مصطکی قرنفل هر یکدو درم سنبل الطیب اسارون و
بسباسه سادج ورق نقره هر یک یکدرم عنبر و مشک و ورق طلا هر یک چهار درم در آن
حل کنند شربت سیبه ساده جهت تقویت معده و جگر و رفع غثیان و قی و عطش و
خلفه نافع است ص قند سفید پنج رطل در آب حل کنند و بپزند و کف بردارند پس آب
سفرجل مروق و شراب مثلث هر واحد یک رطل و نیم اضافه کنند و بقوام آورند و مثلث که
در وی مستعمل کنند باید که چهل روز آن را در آفتاب داشته باشند و چهل روز در سایه گذاشته
باشند و اگر گرم تر و قوی تر باشد عوض مثلث خمر کنند و بدل قند عسل و سیبه لفظ فارسی
مرکب از می و به شربت سیبه مقوی معده و جگر را قوت دهد و تجوید هضم کند و سوء المزاج
را که عقب حمیات پدید آید نافع و فرحت دل بخشد و حرارت غریزی مشایخ و مبرودین
مزاجان برانگیزد و قی و غثیان و فواق و اسهال و هیضه و غشی که از هیضه افتد زائل کند
ص فلفل دارفلفل دارچینی زنجبیل هر یک سه درم عود هندی قاقله بسباسه سنبل الطیب
زعفران جوزبوا هر یک یکدرم مشک خالص و انگی جمله را باریک سازند و چون شراب سیبه

خبث الحدید

باده را از آتش فرود آرند از این اشیا ممزوج نمایند و بعضی این اشیا را نیکو فته در خریطه انداخته
در حین غلیان می افگنند و بعد از سرد شدن خریطه را افشرده بیرون کنند شربت
عبدالله بن طاهر چون او استعمال میکرد باسم او موصوف شده جهت اصلاح معده مجرب
است ص آب سیب آب به قند سفید عسل هر یک یک رطل شراب ریحانی شش رطل جمله را
بقوام آورند و اگر خواهند قلیل الحرارت باشد عوض عسل نیم وزن قند کنند شربت آن
جهت تقویت معده و تجوید هضم و تقویه شهوت جماع و بسط النفس و دفع فزع و ازدیاد حرارت
غریزی و تسمین بدن و تعدیل مزاج و تحسین لون و تصفیه حواس و تنقیه فضول ردیه نافع است
قوت میدهد جگر و دل و جمیع اعضای باطنه و افعال را و مولد خون و مدر بول است و انگور
بمنافع کثیر موصوف است ص بیخ راسن خشک پنجاه مثقال در کیسه فراخ بسته در آب انگور
شیرین که هفتاد رطل بر رطل بغدادی بود انداخته سه ماه در آفتاب گذارند پس صاف کرده
بقدر حاجت و تحمل طبیعت استعمال کنند شراب الهی و شراب سرور موسوم گردانیده اند
شربت فستق غشی و قی را نافع است ص پوست بیرون پسته نعنع هر یکدو درم گل سرخ
انار دانه زرشک هر یک چهار درم عود مصطکی هر یک یکدرم شاخ ها در شش درم آب یک رطل
آب سیب آب انار هر یک نیم رطل جمله بپزند تا بنصف رسد پس صاف کنند و قند سفید [illegible]
بقوام آرند شربت دمیقراطیس جهت معده و جگر و سپرز نافع است و فساد مزاج بارد را
باصلاح آورد و گفته اند که دمیقراطیس بسبب استعمال این شراب در تمام عمر خود مبتلا بمرضی
نشده ص بیخ سوسن آسمانگون [illegible] ازیانه فلفل هر یک یکدرم سلیخه چهار درم جمله را
باریک ساخته در ظرف چینی یا آبگینه بنهند و شراب جید الجواهر هفت رطل و نیم بر آن ریخته
سر ظرف را از گچ محکم کنند و چهل روز بگذارند پس قبل از غذا و بعد از غذا بخورند شربت
افسنتین از تالیفات شیخ که از جمیع نسخه های شربت افسنتین فایق است و مجرب ص افسنتین
صد درم بگیرند و در سه من آب بپزند تا که بربع رسد و باید که آتش بغایت نرم بود و بعد از آن صاف سازند

وبسایند سفرجل ودر خمیر مشوی کنند وبعده بفشرند پس آب مطبوخ ادویه شش جزو عصاره
مذکور دو جزو وعسل یک نیم جزو شراب سه جزو ممزوج کرده بپزند تا بقوام آید شربت
جهت کرب معدی وغثیان وبرانگیختن اشتها وازاله خفقان مجرب است وپادزهر سموم
ولسع افعی منقول از تذکره شیخ داود ص آب زرشک آب سیب شیرین هریک سه صد مثقال
آب لیمون آب ترنج هریک پنجاه مثقال قند سفید دوصد مثقال شربت بپزند ومروارید ناسفته
بآب ترنج حل کرده شش مثقال اضافه کنند ودر این وقت در اکثر علل قایم مقام تریاق فاروق
است شربت دارچینی موافق معده بارد است ص شراب پانزده قسط عسل سه قسط دارچینی
هشت اوقیه مصطگی زعفران بقدر کفایه شربت کرفس شهوت برانگیزد معده را سود مند است
ومحلل فضول ودافع عسر البول بود ص تخم کرفس تازه هفتاد مثقال کوفته بیخته در خرقه کتان
بسته در عصیر عنب بیندازند ودو ماه بگذارند پس صاف کرده بردارند شربت ورد ساده مقوی
معده ومسکن عطش وحرقه احشا ومقوی قلب بود وطبع را نرم کند وحمی را نافعست وچون
تلیین او بعسر است بالاخره قبض می آرد ص بگیرند گل سرخ تازه از اقماع وتخم پاک کنند و
در دو رطل آب بجوشانند تا نیک بجوشد صاف کنند وبر هر رطل از این آب صاف بدو رطل قند سفید
آمیخته بقوام آرند وکف بردارند وبعضی قند برابر آب می کنند ودرین هنگام قوی تر میگردد
واز آنکه عمل او بعسیر است آب سرد اعانت مید هد او را بر اسهال شربت ورد دیگر
صاحب قادری نوشته که آنچه معمول این درویش وخوش مزه ولطف العمل ومتوسط
الحال آنست ص برگ گل سرخ دو نیم رطل در دوازده رطل آب بجوشانند چون
دو رطل آب بسوزد وبپالایند وگل تازه دو رطل دیگر در وی بجوشانند که یک ونیم رطل
آب بسوزد وبپالایند وگل تازه دیگر یک رطل ونیم در آن جوش دهند که یک ونیم رطل دیگر
بسوزد وبپالایند وگل تازه یک رطل آمیخته طبخ دهند که یک ونیم رطل دیگر بسوزد وبپالایند
ونیم رطل گل تازه مطبوخ نمایند که یک ونیم رطل باز بسوزد وچهار رطل آب بماند پس قند سفید

شش رطل انداخته بقوام آرند شربت چهار اوقیه تا سی درم بآب که از برف سرد نموده باشند
واگر سکنجبین ده درم ممزوج کنند در تقطیع بلغم وصفرا نافع تر خواهد بود خاصه شربت ورد است
که هر چند بعد او آب سرد بنوشند خوب تر عمل کنند تا که در معده باشد واگر مزاج کسی حاصی باشد
قدری سقمونیا مشوی نیز داخل نمایند وصبر ودر اعسل بجای قند باید کرد شربت حبس
که شیخ رئیس جهت حبس قی که بهیج دوا نایستد اختراع نموده ص به قنب هریک یکجزو تخم خشخاش
ثلث جزو پوست خشخاش ثمن جزو پوست بیخ نعنع ثلث جزو عود خام ربع عشر جزو آب نعنع
آنقدر که همه را بپوشاند گلاب آنقدر که یک انگشت بالا باشد آب خالص سه چند آن تا آتش
نرم بپزند تا قنب به مهرا شود پس صافی کرده برفق منعقد سازند شربت که شهوت کلبی را نافع است
ص سنبل دو دانگ عود چینی دو ثلث یکدرم مصطگی یکدرم تخم کرفس انیسون تخم رازیانه هر یکدو
درم پوست بیخ کبر سه درم نیکوب نموده در خرقه بندند وصره را در آب میخوش خوشبو وسرکه
هریک یکرطل بجوشانند تا جوش خورد پس دو حصه کنند ودر یک حصه آن عسل برابر آن
انداخته بقوام سکنجبین آرند ودر حصه دویمی دوچندان شکر سفید اضافه نموده طبخ دهند تا مقوم
گردد واز این هردو آنچه موافق مزاج باشد در استعمال آورند شربت که در ورم معده بعد
چهارم استعمال کنند ص آب کاسنی آب بارتنگ آب عنب الثعلب هریک یک اوقیه فلوس خیار شنبر
طعم او چهار درم زعفران یکدانگ واگر خیار شنبر وزعفران الیبب حرارت او موقوف نمایند در امزجه لطیفه
حاره نافع تر خواهد بود واز هشتم تا چهاردهم زمانی که تپ کم شده باشد آب رازیانه شراب کرفس تازه هریک
یکجزو اضافه نمایند وآب بارتنگ موقوف نمایند شربت ورد دیگر منقول از بیاض والد علو یخان
ص بگیرند ده آثار گل سرخ منقی از اقماع وتخم که آنرا زر ورد گویند ودر قدح چینی باده من گلاب خوشبو
بخیسانند ودو روز در آفتاب بگذارند پس در دیگ کرده بجوشانند تا ربع آن برود یعنی هفت ونیم من گلاب باقی ماند
پس گلسرخ را نیکو بمالند وبفشارند بنوعیکه مطلق رطوبت در آن متصل نماند پس آنرا بپالایند ومقدار ده آثار دیگر
گلسرخ منقی در آن حل کنند وبجوشانند تا پنج گلاب باقی بماند پس گلها را بمالند وبفشارند وبدستور بپالایند ومرتبه سوم ده آثار

دیگر گل سرخ دران داخل کرده بجوشانند تا سه من ونیم گلاب باقی ماند پس باز بمالند و بپالایند
و مرتبه چهارم ده استار دیگر ورق گل سرخ داخل نمایند و بجوشانند تا یک من گلاب باقی ماند
پس آنرا نیکو بمالند و بیفشارند فشردنی قوی که مطلق رطوبت در ثقل نماند و بپالایند و دران
یکمن شکر سفید داخل نمایند و بجوشانند تا کف بر سر آورد پس قدری سفیده تخم مرغ مخلوط
بآب بران بزنند تا کف آن جمع شود پس تمام کف آنرا بگیرند و مرتبه دیگر آنرا صافی نموده بجوشانند
تا بقوام جلاب آید فرود آورده سرد کرده در ظرف چینی یا زجاجی نموده و در وقت حاجت
از یک وقیه تا سه اوقیه آنرا با گلاب و برف سرد کرده بیاشامند شربت هرگاه ورم کرده
باشد بجهت انفجار و نضج استعمال کرده بشود ص زعفران صبر هر یک دو دانگ و نیم هر دو را
در لعاب تخم کتان و لعاب تخم حلبه هر یکیه درم شربت انجیر دو اوقیه حل کرده گرم نموده بدهند
شربت مسهل تالیف ابن ماسویه بلغم و سودا را از جمیع بدن فرود آرد و معده را قوی گرداند
ص گل سرخ تازه منزوع الاقماع دو رطل در چهار رطل آب خالص یک شبانروز بخیسانند
تا به نصف رسد پس یک وقیه افتیمون در وی افگنند و یک جوش دیگر داده از آتش فرو گیرند
و نیکو بمالند و بیفشارند و بپالایند و یک رطل و نیم فانیذ جید داخل کرده بجوشانند و کف آنرا بگیرند
پس سقمونیا انطاکی آنرا سائیده در پارچه کتانی بسته درین افگنند و چندان بمالند که پارچه از سقمونیا
خالی شود پس عود هندی و سک اصلی و بسباسه از هر یک دو دانگ کوفته بیخته در وی افگنند
و بپزند تا بقوام عسل آید پس بر داشته نگاه دارند و استعمال نمایند شربت نعنع در تحریک
اشتها بمرتبه مجرب است که شرح آن نتوان گفت و مقوی معده است اخلاط سوخته و دفع بلغم نماید و مسهل
است چون پس از معجون با هیه بنوشند ص آب نعنع افشره بیست مثقال شب یمانی سوده
خردل بیست مثقال یک صد مثقال یا نود مثقال خمیر در هزار و دو صد مثقال آب بجوشانند
تا به نصف رسد پس صافی نموده شصت مثقال قند بقوام آورند شربت زرشک بخ وری
از قرابادین عم مرحوم ص زرشک منقی هشت مثقال تخم کشوث دو مثقال تخم خیارین کوفته

پوست بیخ کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یک سه مثقال تخم کاسنی چهار مثقال کوفته یک شبانروز
خیسانیده از دست مالیده صاف نموده و با صد مثقال قند بقوام آرند و عود قماری مصطگی
از هر یک دو مثقال ریوند چینی سه مثقال نرم سوده درین شربت ممزوج سازند شربت
اذخر جهت سده جگر و استسقاء و یرقان و ریاح معده و لاغری نحیف و مغص مفید ص سنبل الطیب
سلیخه وج حب بلسان حب ریوند چینی مصطگی هر یکیه دو درم بیخ اذخر قفاح اذخر افسنتین تخم
رازیانه انیسون تخم گل سرخ تخم کرفس گیاه غافث هر یکیه درم همه را در دو رطل آب
تر کرده بجوشانند تا به نصف رسد بالیده صاف نموده ثقل آنرا باز در شش رطل آب بجوشانند
و صاف کنند و هر دو آب را جمع نموده با شش رطل شکر بقوام آرند و از یکدرم زعفران خوشرنگ
کنند شربت یک وقیه با یکدرم با ماء البقول شربت اصول سوء القنیه و استسقاء را بغایت
نافع بود و منضج اخلاط غلیظه و مفتح سده و کاسر ریاح و مدر فضلات است ص مویز منقی
چهل درم پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس پوست بیخ کاسنی هر یک سی درم انجیر زرد بیست دانه
تخم رازیانه تخم کرفس هر یک بیست درم پوست بیخ کبر پانزده درم اذخر سنبل اسارون سلیخه
هر یکیه درم جمله را بجوشانند و صاف کنند و با یکمن قند بقوام آرند شربت پانزده درم تا بیست
درم شربت کشوث که مقوی و معده و مفتح سده و تلیین طبع و جهت سوء القنیه و تب های
مرکبه مفید ص بیخ رازیانه گل سرخ انیسون هر یکیه دو مثقال تخم کشوث رازیانه تخم کاسنی گل
کشوث تخم خیارین تخم خربوزه پوست بیخ کاسنی هر یک سه مثقال قند سفید با شیر خشت نود مثقال
بطریق معلوم شربت آن بنوشند شربت ریوند سفر و جگر را قوت دهد و سده بگشاید ص ریوند
بیست درم در سه رطل آب تر کنند یک شبانروز و باتش نرم بجوشانند و با سه رطل قند سفید بقوام
آرند شربت ریوند مرکب جهت امراض جگر و سپرز و تفتیح سده و تلیین طبع نافع ص
ریوند ده درم ترید موصوف غاریقون بسفایج تخم کاسنی هر یک پنج درم زنجبیل دو ثلث درم قند
سفید صد درم بطریق متعارف مرتب سازند شربت دینار صناعت بختیشوع است بهر کسی که

شربتی ازین شراب میداد که یک دینار میگرفت لهذا باین اسم مسمی گشته واکثری از اطبا گفته اند
که دینار اسم تخم کشوث است وچون او عمود این ترکیب است ازین جهت باین اسم نامیده اند از قبیل
تسمیه گل باسم جزو ووجه اطلاق نمودن دینار بر تخم کشوث نزد بعضی آن است که دینار اکثر
در کیسه میباشد وتخم کشوث سالازم است که در جمیع مطبوخات واشربه در کیسه نموده طبخ می کنند لهذا
در فارسی تخم کشوث را تخم کیسه می گویند وبعضی گویند که چون درین شراب ذهب محلول از برای
تفریح داخل میکردند شراب دیناری می نامند وقومی دیگر گفته اند که چون برنگ دینار است لهذا شراب
دیناری نامیده شد شربت دینار بنسخه حکیم شفائی طبع را نرم کند ورفع حمیات وعفونت کند
وسده بکشاید وسوء القنیه واستسقا وذات الجنب را نافع بود ودرد جگر وشکم را ورحم ومثانه ساکن
کند وادرار بول نماید صفت تخم کاسنی غنچه گل سرخ از هر یک بیست درم پوست بیخ کاسنی چهل درم
گل نیلوفر گاوزبان هر یکده درم تخم کشوث در کیسه کتانی سی درم مجموع را در آب بجوشانند تا مهرا
شود وبپالایند وبا یک من قند سفید بقوام آرند پس از آتش فرود آورده مقدار ده مثقال
ریوند چینی سوده داخل کنند وبه تبر بر هم زنند تا نیکو مخلوط شود شربت دینار بنسخه حکیم سدید
باعتدال وکثیر المنافع است وجهت سده جگر وماساریقا واحشا نافع وباورام آن مفید
هرگاه با خمیره تخم خیارین مستعمل شود خاصه که سکنجبین شکری نیز همراه باشد ورافع یرقان وحرارت
جگر ومعده ومدر بول وملین طبع ودافع حصبه وجدری وحمیات دمویه وصفراویه مجربست
عناب صفت ریوند چهار مثقال تخم کشوث پنجدرم گل سرخ پاک کرده یازده درم تخم کاسنی سی درم
ریوند را نیمکوب کنند ودر خریطه بسته همراه دیگر ادویه در آب بخیسانند وقند سفید دو رطل آمیخته
بقوام آرند واگر یکمثقال دیگر از ریوند باریک ساخته بدان بپاشند وحل کنند قوی الفعل گردد شربت از
ده درم تا پانزده درم شربت دیناری کثیر النفع است از برای جمیع امراض کبد ونیز برای
مالیخولیا مراقی وتنقیه باین شربت بعد از فصد وتنضیج ماده بماء الاصول بهترین تدبیر است صفت
تخم کاسنی مقشر ده درم رازیانه پنجدرم بیخ کاسنی پانزده درم پوست بیخ بادیان هفت درم ونیم

گل سرخ منزوع الاقماع پانزده درم گل نیلوفر گل بنفشه گاوزبان گیلانی افتیمون اسطوخودوس
از هر یک چهار درم بسفایج فستقی تربد مدبر از هر یک بیست درم سنای مکی حب النیل از هر یک
هفت مثقال تخم کشوث پنج مثقال بدستور شربت دینار صغار اجزا در ده رطل آب وقت شب بخیسانند
وصبح بجوشانند وچون سه رطل آب بماند بپالایند ویکمن قند سفید دران داخل کرده بقوام آورند
وچهل درم ریوند خطائی دران داخل نمایند وبعضی پانزده درم شاهتره چهل عدد عناب داخل کرده
اند مقدار شربت از ان ده درم یا شانزده درم با آب نیمگرم شربت بزوری معتدل برای حمیات
مرکبه وامراض جگر مفید صفت تخم کاسنی تخم خیارزه تخم بادرنگ تخم خربوزه هر یک یکمثقال وربع آن
بیخ کاسنی دو مثقال ونیم بیخ بادیان یکمثقال وربع آن قند سفید دوازده مثقال بطریق متعارف
مرتب سازند شربت بزوری حار معده وجگر را نافع بود از شفائی صفت پوست بیخ کاسنی
درم تخم کاسنی پوست بیخ رازیانه هر یک بیست درم رازیانه تخم کرفس بیخ کرفس از هر یک
ده درم تخم کشوث در پارچه کتان بسته پنجدرم بجوشانند وبپالایند وبا یک ونیم من قند بپزند
شربت بزوری جهت تپ های کهن وادرار بول وحیض وریزانیدن سنگ گرده ومثانه
ودفع یرقان وتفتیح سده جگر وسپرز نافع است شربت تخم رازیانه تخم خرپزه تخم خربوزه تخم کدو
حب القرطم هر یک پنج مثقال پوست بیخ کاسنی گل حافث تخم خطمی اصل السوس سنبل الطیب
گل بنفشه گاوزبان گیلانی هر یک سه مثقال آنچه باید کوفت نیمکوفته جمله را یک شبانروز در پنج رطل
آب تر نمایند مویز منقی هشت درم آمیزند وبجوشانند تا دو رطل بماند صاف نمایند وقند سفید یکمن اضافه
کرده بقوام آرند شربت یک اوقیه شربت بزوری بارد برای امراض حاره ورفع حمیات حاره وامراض
حاره کنند ورفع حمیات وامراض کلیه ومثانه مفید صفت پوست بیخ کاسنی هفت درم تخم خربوزه
تخم بادرنگ تخم خیارزه هر یک پنجدرم مغز تربوز دو ونیم درم قند سفید یکمن بطریق معهود مرتب سازند
واگر شراب بزوری بارد سفرجلی خواهند بجای قند آب شیرین بوزن قند داخل نمایند شربت
هندبا جهت تپ ها وتفتیح سده وتقویت جگر ودل ومعده نافع است صفت شکر سفید سه رطل

در آب حل کرده بجوشانند و کف بردارند پس آب کاسنی یک رطل بیفزایند تا بقوام آید و چون
قریب بقوام رسد قدری آب لیمو نیز اضافه نمایند شربت قشر اصل هندبا که در تپ های بلغ
دو هفته توان داد جهت تقطیع عفونت از عروق خاصه اگر همراه قرص زرشک راوندی
خورده شود و ایضاً بهر تفتیح سدد و تقویت معده و تحسین لون نافع است ص پوست
بیخ کاسنی نیم رطل تخم کاسنی سه اوقیه هر دو را نیمکوفته در آنقدر آب که مطلوب باشد تر کنند
و بجوشانند و صاف نمایند پس گلاب عرق گاوزبان هر یک یک رطل و آب کاسنی مروق و
قند سفید پنج رطل آمیخته بقوام آرند شربت هندبا جهت امراض جگر و تفتیح سدد و اصلاح
مزاج وی نافع است ص پوست بیخ کاسنی بیخ رازیانه هر یک سی درم تخم کاسنی یک اوقیه
ثمره طرفا گاوزبان اصل السوس مقشر تخم کشوث بزر قطونا تخم خطمی هر یکده درم شکاعی
بادآورد هر یک پنج درم لک چهار درم انبرباریس صندل سفید حشیش غافث افسنتین
رومی هر یک سه درم اسارون یک مثقال آنچه کوفتنی است نیم کوب کنند و در آب
بسیار گرم یک شبانروز تر نمایند بعده صاف کرده پانچ رطل قند سفید و صد درم آب مروق کا
و نیم رطل سرکه و نیم رطل گلقند و دو اوقیه آب لیموا خضر و سه اوقیه آب از یانه بقوام آرند و بعد
فرود آوردن از آتش ریوند چینی یکمثقال کوفته بیخته بیامیزند و بدارند شربت که اکمل المتقدمین
و افضل المحققین علامی فهامی والد ماجد حاذق الملک حکیم محمد اکمل خان بحبت حکیم علی نقی خان
مرحوم در استسقاء و ورم جگر تجویز فرموده بودند بسیار نافع افتاد ص بیخ کرفس بیخ رازیانه
تخم کاسنی گاوزبان گیلانی گل نیلوفر تخم کرفس شکاعی ریوند چینی عنب الثعلب گل سرخ
خارخسک از هر یک دو درم بیخ کاسنی تخم خربوزه عصارهٔ غافث زرشک انیسون از هر یک سه درم
تخم خیارین چهار درم تخم کشوث مویز منقی هر یک پنج درم بیخ سوسن یکمثقال همه ادویه را در عرق
کاسنی و عرق بادیان و عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان و عرق شاهتره هر یک نیم رطل
بوقت شب همه ادویه را بخیسانند صبح بجوشانند و صاف نموده با ترنجبین یک آثار بقوام آرند

شربت آلوی مسهل صفراء و بلغم را دفع کند ص آلوی سیاه صد عدد تمر هندی یک چهار یک
تربد سفید بنفشه از هر یک بیست درم در کیسه کنند و در پنج من آب بجوشانند تا یک من آید یک
بمالند و بپالایند و یک من ترنجبین صاف نموده اضافه نمایند و شربت بپزند و فرود گیرند و یکمثقال
سقمونیا در آن حل کنند شربت آلوی که جهت تپ های دموی غلیانی و عفنی و حمیات
صفراوی نافعست ص آلوی شیرین بزرگ سی عدد تمر هندی نیم رطل هر دو را در سه رطل
آب بجوشانند تا یک رطل بماند صاف نموده پس آب انار مز و آب حماض اترج هر یک نیم رطل اضافه
نمایند و بر آتش نرم بپزند تا به نصف رسد بعده قند سفید یک رطل و گلاب ربع رطل آمیزند
و بپزند و بقوام آرند و هر شب پانزده یا بیست درم مع دو درم تخم خرفه که بسیار باریک ساخته
باشند بنوشند و اگر حرارت قوی باشد و عطش شدید بود در هر شربت او طباشیر نیم درم اسبغول
قدر حاجت آمیزند و بنوشند شربت حب الآس ص آمله مقشر یکمثقال حب الآس دو مثقال
پوست بیخ انجبار گلنار گل سرخ تخم حماض بری از هر یک دو درم آب به شیرین گلاب از هر یک
بیست مثقال شراب صندل بدستور معهود شربت سازند شربت که نافعست جهت اسهال
دموی و ضعف معده ص آب به شیرین سی مثقال گلنار عذبه کزمازج آمله صندل سفید حب الآس
از هر یک یکمثقال گلاب قند از هر یک بیست مثقال بطریق معهود شربت سازند شربت
انجبار که حکیم مومن در قرابادین تحفة المومنین آورده ص بگیرند پوست بیخ انجبار هفت مثقال
خرنوب شامی پنج مثقال صندل سرخ صندل سفید سماق بریان کرده حب الآس از هر یک دو مثقال
همه را یک شبانروز در آب حداوان بخیسانند و روز دیگر جوشانیده بپالایند و با یک رطل شکر
سفید بقوام آرند پس فرود آورده سرد کرده در شیشه نگاه دارند شربت آلو بالو اخراج ریگ و
سنگ گرده و مثانه کند و ادرار بول نماید ص آلو بالو نیم رطل را در دو رطل آب شب بخیسانند
و صباح بجوشانند هرگاه آب به نیمه آید صاف نموده با دو رطل نبات سفید بقوام آرند قدر
شربت دو توله و زیاده هم توان داد شربت خسک جهت تفتیت سنگ گرده و مثانه و

عسر البول نفع دارد و باه را بیفزاید ص خسک اگر تازه بود بکوبند و اندکی آب بپاشانند تا
عصارهٔ او برآید پس یک رطل ازین عصاره و دو اوقیه عسل و دو رطل قند کنند و بقوام آورند
و اگر خشک بود در دو اوقیه یا سه اوقیه ازخسک یک رطل قند کنند و باید که آنرا نیمکوب کرده یک شبانروز در آب بخیسانند
و بآتش نرم بپزند و صاف کرده قند آمیخته بقوام آرند شربت شب در عسر بول که بسبب بستن
خون در مثانه بود بکار آید ص شب یمانی ده درم سرکه یک شبانروز بخیسانند و صاف کنند
و از آن سرکه سکنجبین سازند شربت کاکنج جهت قرحهٔ مثانه و سوزاک مفید بود ص انیسون
تخم کرفس ده درم بر سیاوشان گل بنفشه گاوزبان هر یک پنج درم خار خسک هفت درم کاکنج
ده درم تخم خیارین سی درم قند نیم سیر بطریق معلوم بقوام آرند شربت بجهت حصات
کلیه و مثانه مجرب و مختار ابن هبل است ص پوست بیخ اکبر پوست ترب بادآورد پوست رازیانه
بیخ کرفس خار خسک فطراسالیون هلیون اسارون خسک مربی بیخ حماض گل سرخ بر سیاوشان
اسقولوقندریون عنب الثعلب فیصوم نانخواه رازیانه خطمی کوکنار سنبل الطیب ارچینی سعد کوفی
هر یک ده تولہ انجیر زرد سی دانه اجزاء کوفتنی بکوبند و دو شبانروز در چهل سیر آب بخیسانند
و بجوشانند تا ثلث آب بماند بادو سیر قند سفید و ده مثقال سرکهٔ انگوری بقوام آرند و چون سرد
شود بوره ارمنی تخم ترب پنج پنج تولہ حجر الیهود ریوند چینی دو دو تولہ کوفته بیخته اضافه کنند و هر روز
سه تولہ ازین شربت یا جلاب که اجزاء آن انیست بنوشند سنائی بیخ مهک سعتر کوفته بیخ کبر
بیخ رازیانه بادآورد بر سیاوشان خار خسک قصب الذریره فیصوم ایرسا هر کدام کوفته
فراسیون عنب الثعلب انجیر زرد مویز منقی هر یک یکتوله در سه برابر آب بجوشانند تا نصف
بماند صاف ساخته گلقند چهار تولہ آمیخته بشراب بیاشامند غداء نخود آب باشیره تخم معصفر شربت
مفتت حصات ص بیخ کاسنی هفت مثقال بیخ بادیان هفت مثقال انیسون رازیانه
نانخواه از هر یک سه مثقال تخم کرفس یک و نیم مثقال تخم کشوث دو مثقال تخم خیارین از هر یک
چهار مثقال تخم خربوزه تخم کاسنی از هر یک پنج مثقال گل کشوث دو مثقال قند سوا سیر که

یا و سیر بر سیاوشان یکمثقال بدستور مرتب سازند و با آب بر سیاوشان بنوشند شربت
هلیون ریگ از گرده و مثانه پاک کند ص هلیون سی مثقال در ده من آب بجوشانند و از
دست بمالند و بپالایند و با یک من قند بقوام آرند شربت هفت درم شربت برگ تنبول
مقوی باه و دل و مفرح و بی بدل است ص برگ تنبول پخته و سفید بسیار باریک بریزند
تا کوفته در آب بجوشانند تا قوت برگ در آب بیاید پس جلاب شکر سرشته کرده بقوام آورند
آنگاه زعفران بگلاب سوده بسباسه و قرنفل در وی بیفزایند و فرو گیرند هر چند کهنه تر شود
قوی تر گردد شربت عنبی باه را زیاده کند و شهوت را نافع بود ص بگیرند عصر انگور ده من و
ده استار داروها کوفته و در صره بسته در آن افگنند و بگذارند تا بجوشد و شراب شود و داروها
انیست تخم شلغم تخم جرجیر لوز بیدان بهمن سفید و سرخ بلهیون لسان العصافیر حب القلقل لعبت
بربری تخم گندر جمله برابر و هر چند روزی صره را بخیسانند و بیفشارند چون به شربت رسید
صره را از وی بردارند و شراب را نگاهدارند شربت موینه که بسیار نادر است و قوت
میدهد بدن را و رنگ سرخ گرداند و دماغ را قوی کند و ضعف و سستی دور کند و قوت باه
بیفزاید ص انگور سیاه شاداب را بدست بمالند و صاف کرده شیرهٔ آن را در ظرف چینی یا
کانسه سفالی کرده در آفتاب تند نگاه دارند و اگر آفتاب تند نباشد ظرف در زیر زمین دفن
کنند و اطراف آن انبر گین اسپ پر کنند و در ایام تابستان تا یک هفته نگاه دارند بعد از آن
این ادویه را نیم کوب نموده در آن ظرف انداخته سر آن محکم بگیرند و بگذارند تا پنج شش روز
دیگر بگذرد بعده صاف نموده در شیشه ها پر کنند ادویه انیست قند سفید یک نیم سیر سنبل الطیب
یک و نیم تولہ قرنفل دارچینی ساذج الایچی خورد از هر یک یکتوله شربت گندر در دلپشت یا
نافع بود و باه را قوت دهد ص گندر شسته پاک کرده ده من سر و بن آن ببندازند و درم
درم کنند و در دیگ سنگین و آب بر بالای آن ریزند و سر دیگ را محکم با خمیر و یا گل کنند
تا بخارات از آن بیرون نرود و بآتش آهسته بپزند و سرد کرده سر دیگ بگشایند و نیک بمالند و

۲۴۳ ص

آب آن بگیرند وصاف کنند و برابر آن عسل در دیگ ریزند وسنبل وقرنفل وخولنجان ودارچینی
از هر یک یکدرم زعفران نیمدرم مجموع کوفته در شیشه کنند و در دیگ انداخته هر لحظه بدست بمالند
شربت فنجنوش سرعت انزال را بی نظیر است ص آب انگور شش رطل سماق بار و گلنار
ورق گل سرخ کشنیز خشک سعد کند رسعتر از هر یکیده درم زعفران مرشب یمانی از هر یک یکدرم
خبث الحدید سی مثقال بجوشانند تا ثلثی باقی ماند صاف کرده استعمال نمایند شربت جرجیر که
موافقت تمام دارد برای نقصان باه ص بگیرند جرجیر شلغم وانجیر زرد و بآب بپخته صاف کنند پس
بگیرند آب مویزی که یکروز خیسانیده پس جوشانیده صاف نموده باشند مثل وزن مطبوخ
اول و هر دو را مخلوط کرده قدری فانید بجهت زیادتی شیرینی او داخل کرده واگذارند تا برسد
و ننوشند شراب ریحانی باه را قوت دهد وامراض بلغمی را سودمند بود و پیران را سوافق
باشد ص شیره انگور رسیده شیرین یکصد من در خم اندازند و شش من قند در ان داخل کنند
و دارچینی و قرنفل و بسباسه جوزبوا عود هندی گاوزبان گیلانی بادرنجبویه هر یک ده درم
در کیسه کنند و در خم اندازند و سر خم را بگیرند هر روز بر هم زنند از شش ماه استعمال نمایند و باید که
اولاد رون خم را موم گداخته بگیرد و اندر و بمشک و عنبر بویا سازند و در وقت حاجت بنوشند
شربت که آشامیدن آن حلال است و حضرت امام همام علی ابن موسی الرضا علیه التحیة
والثنا در رساله ذهبیه که بجهت مامون عباسی در حفظ صحت و تدبیر اغذیه واشربه وادویه نوشته
فرستاده بود ذکر فرموده اند ص بگیرند مویز منقی ده رطل و بشویند تا از غبار پاک شود پس
بخیسانند او را باب باران یا آب شیرین صافی بمقداری که چهار انگشت آب بر روی
مویز بایستد و واگذارند و او را در ظرفی که خیسانیده اند سه روز در فصل زمستان و یکروز
شب در فصل تابستان پس او را در دیگ پاکیزه کنند و بپزند آن مویز خیسانیده را تا آنکه
منفتح گردد و مضمحل شود پس بیفشارند و صاف کنند و بگذارند تا سرد شود باز مرتبه دیگر او را
در دیگ گرده با آتش ملایم بجوشانند جوشانیدن هموار تا آنکه دو ثلث آن برود و یک ثلث باقی ماند

پس بگیرند عسل مصفی یک رطل و بجوشانند تا آنکه از مقدار آب مویز مقدار عسل سوخته شود
و آب بحد اول رسد و باید که بگیرند پارچه تنسفیفی و در ان زنجبیل بوزن یکدرم و از قرنفل نیمدرم
و از دارچینی نیمدرم و از زعفران یکدرم و از سنبل الطیب یکدرم و از جوز هندی بمثل آن
و از مصطگی نیمدرم بعد از انکه کوبیده پاشیده باشند هر یک را علیحده کوفته بیخته باشند پس آنها را
دران پارچه کرده و سر آن را بخیاطه بندند به استحکام تمام و در وقتی که عسل داخل میکنند
بندازند دران دیگ و بدست کفچه خرقه را در شراب بمالند بحیثیتی که سرایت کند و فرود آید قوتهای
عقاقیری که دران خرقه است بآن شراب و متعهد تحریک آن علی الاتصال باشند و
با آتش ملایم بجوشانند تا آنکه مقدار عسل برود پس از آتش برگرفته سرد کنند و در مرتبان چینی
کرده بعد از سه ماه که فراج بگیرد بمقدار از انچه آشامیده میشود بران یک وقیه یا دو وقیه از آب
خالص و آنحضرت علیه السلام در صفت این شراب خطاب بمامون کرده میفرمایند که بخوری
از طعام مقداری که وصف کرده ایم از برای نوش بیاشام سه قدح بعد فراغ از طعام پس چون
چنین کنی نمیرسد بتو باذن الله تعالی دران روز و آن شب از اوجاع بارده مزمنه مانند نقرس ریاح و غیر این از اوجاع
عصب و دماغ و معده و بعضی از وجاع کبد و طحال و امعاء و احشا پس اگر بعد از آشامیدن این آب اشتها صادق از برای
آب بیابد شد پس بیاشامی از آب مقدار نصف انچه می آشامی قبل از آشامیدن شراب
پس بدرستی که این اصلح است به بدن تو و معین است بر جماع و شدت از برای ضبط بدن
و حفظ آن و نیز آنحضرت در ضمن فصول سنه و شهور رومیه فرموده اند که در شهر آذر که اول فصل
ربیع است فرموده اند که بیاشامی این شراب را در ین آوان بعد از تعدیل آن باب
و در فصل تموز که وسط تابستان است فرموده اند که باید اکثار نمائی در ممزوج کردن آب
باین شراب نیز آنحضرت فرموده اند که چون در فصل تابستان حجامت کنی باید که بخوری
بعد از ان گوشت طیهوج و بیاشامی هموزن از ین شراب شربت هلیله اوجاع مفاصل
و تب های گرم را نافع بود و طبع نرم کند ص هلیله زرد صد عدد بآب گرم شسته نیم کوفته

هلیله کابلی بخار میں استعمال جائز

در ظرفی واسع کنند و آب بر سر آن بریزند چندانکه یک بند انگشت بالا آید و سه روز در گرما
نهند بعده آب وی بگیرند و نگاه دارند و آب جدید بر هلیله بریزند همانقدر و سه روز در آفتاب گذاشته
این آب نیز بستانند و آب اول و دوم باهم آمیزند و ترنجبین صد و پنجاه مثقال دران حل
نمایند و صاف ساخته بر آتش نهند و بقوام آورند و فرود گرفته سقمونیا مشوی مسحوق یک مثقال
اضافه فرمایند و حسب حاجت بنوشند شربت گذر بنسخهٔ محمود ابن الیاس جهت حصبه
جدری و جمیع علل دموی مفید ص کادی و تمر هندی و عناب بزرگ دانه بیرون کرده
از هر یک یک رطل بیخ رازیانه ده درم صندل سرخ و سفید از هر یک ده مثقال گل سرخ منزوع الاقماع
و سنبل الطیب از هر یک دو مثقال نیم کوفته در چهار رطل ادویه آب خالص شیرین بجوشانند
تا ربع آن بماند و بپالایند و بگیرند آب انار ترش و آب انار شیرین و سرکه انگوری از هر یک
یک رطل در دیگ سنگین داخل کنند و بجوشانند تا نزدیک برسد بقوام آمدن پس شکر صافی
سفید یک رطل داخل کنند و بجوشانند و کف آنرا بگیرند تا بقوام آید و از آتش برگرفته حل کنند
دران سه درم زعفران و یک درم کافور قیصوری سوده در شیشه نگاهدارند شربت ده درم شربت کادی
بنسخهٔ تفریح الارواح جهت جدری و حصبه و شری و ماشری و جمیع علل دمویه و برای رفع
حرارت جگر و معده و قطع عطش نافع است ص خشت کادی که آنرا کدر گویند بدال
مهمله و هندی کیوڑه خوانند ربع رطل صندل سفید و صندل سرخ هر یک اوقیه هر سه را
نیم کوفته در یک رطل خل خمر عتیق تر کنند تا یک هفته پس بپالایند و سرکه صافی شده ببندند آنگاه
و ادویهٔ ثلثه منقوعه را در شش رطل آب بجوشانند تا چهارم حصه بماند بپالایند پس بگیرند
آب انار ترش و آب ریباس و آب غوره و آب لیمو و آب نقیع سماق و آب نقیع
زرشک و عصاره توت شامی و آب طبیخ عناب و آب طبیخ عدس و از هر یک نیم رطل گلاب دو اوقیه آب
حماض و آب اترج چهار اوقیه قند سفید صد درم و جمله با سرکه مذکور و مطبوخ اشیای ثلثه مذکور آمیزند
و در دیگ سنگین بقوام آرند پس طباشیر سفید یک اوقیه رازیانه سنبل الطیب یک درم دو درم

کافور ریاحی یک مثقال کوفته بیخته دران بسرشند شربت منقول از قرابادین نجیب الدین
که در امراض شدید الحرارت عند غلیان صفرا و خون توان داد ص سرکه تیز انگوری سه رطل
آب انار ترش آب حماض آب اترج آب لیمو آب غوره آب ریباس آب توت شامی آب
خیار آب کدو آب سماق آب زرشک آب کاسنی آب عنب الثعلب آب تربوز آب کمثری آب
تمر هندی آب تفاح حامض آب سفرجل آب زعرور آب آلو طبیخ عدس طبیخ عناب لعاب اسپغول
هر یک یک رطل و نیم جمله باهم در آمیزند پس بگیرند خبث الکدر و یکنیم رطل و صندل سفید صندل سرخ
هر یک نیم رطل بکوبند باریک و در آبهای مذکور بجوشانند بعد نقوع یابد و آن را بریزند تا به نصف
رسد پس بپالایند و قند سفید آمیزند آنقدر که مراره در طعم حاصل آید بقوام آرند بعده کافور
ریاحی سه مثقال طباشیر پنج استار کوفته بیخته دران اضافه نمایند شربت مار الفواکه قائم مقام
شربت گذر است و جهت جمیع امراض دمویه و صفراویه و خناق حار و طاعون نفع دارد ص
خل الخمر یک و نیم رطل آب غوره آب انار ترش آب حماض آب ریباس عصاره توت نقیع سماق
عصارهٔ زرشک هر یک ربع من عصارهٔ لحیة التیس عصارهٔ طرخون نقیع عدس طبیخ عناب
هر یک ثمن من قند سفید چهار من جمله باهم آمیزند و بقوام آرند بعده کافور پنج درم باریک ساخته
آمیزند شربت یک اوقیه با گلاب کذا فی القلانسی شربت کوڑیل از بقائی صاحب تجارب
بسیار ستوده و گفته که برای خفقان حار و منع صعود ابخره و ازاله توحش و جنون و نیکو کردن
رنگ بشره و دباغت معده و جمیع قوی بسیار نافع ص گل کوڑیل که گلی است در هندوستان از
مشهور رسد عدد لیکن باید که گلها بالیده و بکمال سرخی رسیده باشند سبزی آن دور نموده در
آب لیمو کاغذی نیم رطل در پیالهٔ چینی شب نگاهدارند و صبح با نبات دو رطل که با چهار رطل
آب باران شربت نموده باشند یک جا کرده در شیشهٔ ضخیم که نصف شیشه یا ثلث آن خالی باشد
انداخته سر شیشه محکم بسته در ظرف پر آب گذاشته در جای محفوظ نگاهدارند بعد از سه روز یا چهار
روز که جوش خورده باشد بر آورده صاف نموده از دو دام تا شش دام استعمال نمایند و در

بعضی امرجه که تجدید روا اسکار منظور باشد بیخ لفاح سه چهار ماشه در آب لیمو عنبر تر نمایند و با عرقیات
مناسبه استعمال نمایند شموم که صداع بارد را نافع است ص جوزبوا شیح ارمنی قرنفل مرزنجوش
هر کدام یک جزو بسباسه چهار جزو بکوبند و با آب شبت خلط کرده پیوسته ببویند شموم که مسمی بغالیه
است جهت تقویت دماغ مفید بود ص عنبر اشهب یکدرم عود هندی دو درم صندل مقاصری
سه درم عنبر را بگلاب بگذارند و عود و صندل باریک سائیده دران آمیزند و ببویند شموم مبلیه
دوار را که از سوء مزاج بارد رطب بود نافع است ص مشک سادج تمام مرزنجوش سداب باهم
مخلوط نموده ببویند شموم جهت نسیان و صرع نافع بود و خفقان بارد را مفید آید و مقوی دل
بود ص جوزبوا شیح قرنفل مرزنجوش از هر واحد یک جزو بسباسه چهار جزو سداب شبت
هر یک دو جزو جمع کرده دایم ببویند و برای نسیان و صرع بارد با آب شبت آمیخته ببویند و برای
لقوه و فالج در عرق دارچینی نموده ببویند شیاف وردی صعوبت درد چشم در حال بنشاند
ص ورق گل سرخ پانزده درم زعفران بیست درم افیون ده درم سنبل الطیب دو درم
صمغ عربی یکدرم بآب باران شیاف سازند شیاف غرب مجرب صاحب تحفه ص
صبر کندر گلنار انزروت دم الاخوین سرمه شب یمانی از هر یک یکدرم زنگار دانگی و نیم بگلاب
شیاف سازند و سوراخ را از چرک پاک کنند و در آنجا چکانند شیاف جلالی حکه و جرب
و سلاق و ظلمه و دمعه و سبل و ظفره و خشونت اجفان را نافع بود ص توتیای مغسول شش درم
مامیران چینی شیاف مامیثا از هر یک پنج درم دارفلفل زنجبیل زبد البحر حضض هندی پوست
هلیله زرد سادج از هر یک سه درم زعفران دو درم کتیرا صمغ عربی از هر یک دو مثقال بآب
غوره پرورده شیاف سازند شیاف عنبر جهت تاریکی چشم و ضعف آن بغایت مفید
بود توتیای مغسول بیست مثقال مشک قیراطی عنبر دو دانگ حضض سه درم حضض را در آب حل کرده
ادویه بعد سحق بلیغ بدان لت کنند شیاف سازند شیاف که قایم مقام مرارات و مجربات قادری
مجرب نوشته ص زهره بز کوهی در ظرف مسین خشک کرده ده درم تخم حنظل سه درم سکبینج

دو درم فرفیون نوسادر هر یک یکدرم با آب سداب یا آب رازیانه شیاف سازند شیاف
مجرب جهت نزول ماء ص مارقشیشا سوخته دارفلفل اقلیمیای ذهبی دو درم کندر محلل
گداختن پس جمع شود و جمله برابر آب بادیان شیاف سازند و طریق سوختن مارقشیشا آنست
که وی را در شیشه کنند و سر او بگل حکمت گرفته در تنور بر آتش گذارند که خاکستر شود شیاف
حلتیت خیالات و ابتداء آب را نافع است ص حلتیت خربق سفید هر یکده درم سکبینج
سه درم بعسل شیاف سازند شیاف دمج کمنه و جرب و سبل و سلاق و شعر زاید را نافع
است و معنی دمج در لغت یونانیان اسود است ص زنگار شش درم صمغ عربی
اشق هر یک چهار درم اقلیمیا رطل افیون هر یکدو درم بازرد هر یک یکدرم بآب سداب
شیاف سازند شیاف نارنج جهت منع نوازل و جرب و حکه و دمعه و رمد و حفظ صحت چشم
و امراض پلک مجرب است ص توتیای بآب نارنج پرورده ده درم کتیرا نشاسته انزروت
گل سرخ صبر زرد حضض مکی هر یک یکدرم سفیداب قلعی هلیله زرد مغ خسته هر یکدو درم
افیون ربع درم شیاف سازند از تحفه منقول شده شیاف تفاحی بغایت لطیف و بی حاجت
و جهت قروح و ضربان و غشاوه و بثور و مور سرخ و مر کسانی را که دوار نباشد مفید است
ص اقلیمیای محرق مطفی در شیر الاغ یا شیر دختران شانزده درم سفیداب قلعی مغسول بیست
درم زعفران چهار درم کتیرا دو درم بآب قطر شیاف سازند و با سفیده تخم استعمال کنند
و در قانون اجزاء این شیاف را که بعجن بماء القطر و صاحب تحفه ترجمه آن بآب باران کرده
ظاهرا او در بعضی نسخه عوض قطر سطر بنظرش رسیده و ماء قطر را القفاف خوانده و ازان آب باران
خواسته بالجمله تفاوتست و چون او در ادویه چشم مستعمل است اگر با این آب ادویه لت شوند
اقوی خواهد بود و کذا فی القادری راقم گوید حکیم مومن در تحفة المومنین تصریح کرده که ماء القطر آبی
که از کوزه سفال مترشح پس حکیم مذکور با وجود تصریح خود چگونه ماء المطر را ماء القطر اراده کرده باشد پس
توجیه صاحب قادری از قبیل توجیه کلام القائل بما لا یرضی به قائله و از اینجا که در اکثر نسخ قانون رقطر

صاحب تحفه باء المطر و بعضی را گسیح دانسته ازین جهت بآب باران ترجمه نموده و وجه
تسمیه این شیاف تفاحی در اکثر کتب بنظر نیامده بخاطر میگذرد که چون بعضی انواع سورسج
کرا آن تفاحی گویند نفع میکند لهذا باین اسم مسمی گشته شیاف ابیض جهت امراض
حاده و تحلیل اورام و ردع آن مفید بود ص نشاسته یکدرم سپیداج ارزیز صمغ عربی کتیرا
هر یک سه درم بلعاب اسغول یا سفیدهٔ مرغ شیاف سازند شیاف ابیض افیونی رمد
گرم را نافع بود و در صعب بنشاند و تخدیر نماید ص سفیده بیست درم صمغ عربی پنجدرم
کتیرا افیون از هر یک یکدرم سفیدهٔ تخم مرغ بسرشند و شیاف سازند شیاف
ابیض انزروتی ابتدای رمد را نافع بود ص سفیداب ارزیز انزروت مربی نشاسته
از هر یک چهار درم سفیدهٔ تخم مرغ سرشته شیاف سازند شیاف ابیض کندری قرحه
و مده غلیظ را نافع باشد ص سفیداب ارزیز بیست درم افیون انزروت مربی کتیرا
از هر یک یکدرم صمغ عربی چار درم کندر نیمدرم بآب باران شیاف سازند شیاف
جالب الدم جهت وجع شدید و جمیع اورام نافع و از انصباب مواد و قرحة الحلب نافع
ص مامیثا شش درم صمغ سه درم انزروت مربی زعفران افیون مرزاج محرق هر یکدو درم
بآب باران شیاف سازند و بسفیده بکار برند شیاف بزالیونا رمد را دیگروز باصلاح
آرد ص شیاف مامیثا انزروت مربی از هر یک هشت درم زعفران دو درم افیون
نیمدرم کتیرا یکدرم کوفته بیخته بآب باران بسرشند و شیاف سازند و بسفیدهٔ تخم مرغ در چشم
کشند شیاف سماق که جرب و خارش و سوزش و جحوظ را نافع بود ص سماق سی
مثقال بآب باران بریزند و بیالایند و باز بجوشانند تا غلیظ شود و بگذارند تا سرد شود ده درم
سفیداب ارزیز بآن بسرشند و شیاف سازند و بعضی آب سماق را می جوشانند تا غلیظ
شود و گرد سماق بآن سرشته شیاف سازند شیاف از مجموعه نافع هست باوجاع مزمنه
وجعه که از نقصان لحم ماق اکثر پدید آید و بخراجی که حادث میشود درین ماق و ناصور شود

ص زعفران چهار مثقال افیون صمغ عربی هر یک شش مثقال رماد خانه ها که خالص
کرده میشود و در ان نحاس را بسیت و چهار مثقال اقلیمیا مغسول شادنج محرق هر یک بیست
و هشت مثقال مرچیل و هشت مثقال فلفل سفید سی حبه بشراب خمیر کرده شیاف سازند
و در امراض قریب العهد بسفیدی بیضه که رقیق باشد استعمال کنند و بعضی زعفران هم دو از ده
مثقال و درین می افزایند شیاف غرب که بعضی اطبا مجرب نوشته اند ص زرنیخ
سرخ زاج آهک نوشادر ذراریح شب یمانی اجزا مساوی در بول کودکان بسرشند و
شیاف کنند پس بسایند و خشک بکار برند شیاف سنج مسکن وجع در یکروز تحلیل
ورم در یکساعت کند ص جند بید ستر صبر افیون قلقطار محرق هر یک دو مثقال سنبل
حضض هر واحد چهار مثقال اقلیمیا شش مثقال اسفیداج رصاص هشت مثقال
نحاس محرق مغسول چار مثقال اثمد اقاقیا صمغ هر واحد چهل مثقال آبی که در ان ورد
جوشانیده باشند خمیر کنند و به بیاض بیض استعمال کنند شیاف یاسمین از مجموعه نافع
باکثر امراض خواه در طبقات باشد خواه در یاقمن ص غنچه گل یاسمین سنگ بصری توتیا
و مار و نی بیخ زعفران شوره قلمی مغز تخم سرس همه مساوی کوفته از پارچه بافته گذرانیده
در سنگ سماق با شیرهٔ لیمو تا یک هفته سحق کرده شیاف ساخته نگاهدارند و بآب شبنم
سائیده یا میل جسد در چشم و اگر در چشم مابرده باشد یا موی مژه ریخته بود با آب دهن سائیده
صبح در چشم کشند شیاف که جهت رمد مجرب و عجیب النفع است ص دم الاخوین صبر
اقاقیا شیاف مامیثا زعفران افیون صمغ عربی کوفته بیخته بآب کاسنی تر شیاف سازند
شیاف که ظفره را در طرفة العین نفع کند و وجع چشم حار را بنشاند ص اقلیمیای فضه
مس سوخته هر یکده درم دم الاخوین لسد مروارید هر یک چهار درم زرنیخ سرخ شکر طبرزد
هر یک پنجدرم کتیرا مر زعفران اقاقیا نشاسته زرچوبه هر یک دو دانگ علی الرسم شیاف
سازند شیاف که باکثر امراض چشم نافع بود منقول از مجموعه ص فلفل دار فلفل در اغلط

توتیای سبز هر یک نیم جزو مامیران چینی مرمکی مشک حضض هندی هر یک نیم جزو
سنگ بصری سرمه سفید سرمه سیاه هر یک پنج جزو کوفته بیخته سه روز در آب لیمو بسایند
و شیاف سازند شیاف مجرب جهت نزول ص حلتیت یکدرم را در خرقه بسته در زهره
گاو یک عدد بمالند تا محلل شود پس یکدرم روغن بلسان اضافه کرده خشک نمایند و
شیاف سازند شیاف مراره که جهت نزول و رفع غشاوه و رطوبت مفید است و از
سرعت نفوذ در طبقات تاثیر میکند و قوتش تا دو سال باقی ماند ص اقلیمیا محرق یازده
درم صمغ بست درم مداد هندی فلفل سفید هر یک پنجدرم سفیده قلعی چهار درم اشق
سکبینج روغن بلسان جاوشیر هر یکدو درم زهره کفتار افیون هر یک یکدرم زهره ماهی شبوط
زهره کبک هر یک هفتدرم زهره باشه و عقاب و گاو و خرس و کرگ و غراب و باز هر یک
نیمدرم و آنجا که روغن بلسان یافته نشود روغن آخر بیل او کنند و شیخ گفته که قوت زهره شبوط
و کرگ است و دیگر زهره های زواید اند و باید که باب رازیانه اکتحال کنند و از مجربات بعض حکما
یافته که زهره حداة و جغد بوم در رفع نزول و غشاوه مجرب است شیاف
مرارات به نسخه دیگر ص زهره کلنگ زهره گرگ زهره کبک زهره بز کوهی زهره باشه
زهره شیر زهره خرگور زهره کبوتر زهره لقلق زهره خوک زهره روباه زهره خرگوش زهره
آهو زهره ماهی هر یک خشک کرده دو درم سکبینج فرفیون شحم حنظل هر یک یکدرم سکبینج
را بآب رازیانه حل کنند و ادویه کوفته بیخته بآن بسرشند و شیاف سازند شیاف
منقول از بیاض عم مرحوم برای بیاض چشم نافع بود ص ناخن فیل دندان خنزیر
نیم خام و نیم بریان حضض سرمه اصفهانی مغز تخم کهرنی مساوی الاجزا کوفته بیخته
شیاف ساخته نگاهدارند و وقت حاجت بکار برند شیاف ابتدا و نزول را هنوز فرود
نیامده باشد باز دارد از نور العین ص بگیرند خربق سفید هر یک اوقیه فلفل یک اوقیه
اشق یکدرم مجموعه را جدا جدا کوفته در آب ترب شیاف سازند شیاف قلقند

برای نزول الما

برای نزول الما

برای ناخونه

نافعست مر ناخنه را که غلیظ باشد و کسی را که از آهن بترسد و چون این شیاف بکار برند با آهن حاجت
نباید ص بگیرند روی سوخته پنجدرم زنگار دو درم قلقند سوخته زرنیخ مصعد کرده از هر یک یکدرم
بکوبند و بیزند و یک هفته در شراب ترکنند پس شیاف سازند شیاف دراز و چون ناخنه را خواهند
که بی آهن بردارند بدین شیاف ناخنه را بمالند و بردارند و غده لحم زاید را منقول از نور العین
شیاف احمر حاد سبل و ظفره و سلاق و بیاض را نافع بود ص شادنج عدسی مغسول شش درم
صمغ عربی پنجدرم مس سوخته زاج سوخته از هر یک دو درم افیون صبر سقوطری از هر یک پنجدرم
زنگار دو درم و نیم زعفران مر از هر یک دانگی و نیم کوفته بحریر بیخته شیاف سازند شیاف
احمر لین سلاق و غلظ اجفان و آخر رمد را نافع بود ص شادنج عدسی مغسول ده درم مس
سوخته بیست درم صمغ عربی کتیرا مضاعف نموده از هر یک دو درم لسبد مروارید ناسفته سادج
هندی از هر یک چهار درم دم الاخوین زعفران از هر یک یکدرم صلایه نموده شیاف سازند شیاف
اخضر جرب و سبل و دمعه و گل چشم را سود دهد و بتجربه راقم نیز آمده ص زنگار صافی سه درم
اقلیمیا فضه اشق صمغ عربی سفیده ارزیز از هر یکی دو درم بآب سداب بسرشند سازند
شیاف که بیاض غلیظ بر دو باصره را یاری میدهد منقول از بیاض جد امجد مرحوم ص
سکبینج اشق زرد چوب از هر یک یکجزو زبد البحر نمک لاهوری از هر یک دو جزو زنجار ربع
جزو همه را کوفته بیخته خوب صلایه نمایند و بآب بادیان خمیر کرده شیاف سازند مثل جوی و در
سایه خشک نموده وقت حاجت باب سائیده بمیل در چشم کشند شیاف انار از نور العین
نافع ریش و سوء ربح و بقیه بثور را و آب رفتن از چشم باز دارد ص صدف سوخته روی سوخته
سرمه اصفهانی توتیای هندی اسفیداج ارزیز صمغ عربی هر یک هشت درم مر افیون از هر یکی
نیمدرم عدد انار و ماوه است بستانند وانچه آب سوده باید کرد و در آب سود باید کرد و بستانند
بغایت نرمی و بسفیده بیضه مرغ بسرشند و شیاف سازند و در سایه خشک کنند و بکار برند
شیاف جهت کری گوش ص مرزنجوش خردل سداب شحم حنظل مساوی کوفته بیخته

درزہرہ گاو شیاف ہا ساختہ وقت حاجت بروغن بادام تلخ سائیدہ درگوش چکانند
شیاف کہ در صمم عظیم النفع است ص بورہ حب لغار جند بیدستر ہر واحد نصف جزو خردل
انجیر ہر یک جزوی شراب عتیق مقداری کہ بہ پخشد و دارا بجوشاند تا منعقد شود پس شیاف
ہا ساختہ در گوش نہند شیاف نافع برای ثقل اذن منقول از بیاض عم مرحوم ص شحم حنظل
عصارۂ افسنتین جند بیدستر زہر اوند دحرج از ہر یک نیم درم بورق سہ درم لعظار بعد رم فرفیون
دانگ کوفتہ شیاف ساختہ در مرارہ گاو سائیدہ در روغن بادام آمیختہ در گوش قطور نمایند
شیاف کہ اطبای قدیم جہت امراض جہت خون آوردن از بینی ساختہ اند ص کندش مو برج
فرفیون کوفتہ بیختہ بزہرہ گاو سرشتہ شیاف سازند و بوقت حاجت در بینی نہند کہ رعاف جاری
کند شیاف مختار جالینوس برای بواسیر وارسال الف منقول از بیاض عم مرحوم ص انار را
با شحم او کوفتہ و آب او را افشردہ در ظرف اسرب بگذارند تا آنکہ در تہ نشین شود بعد از ان
درو را بسایند تا آنکہ مثل عجین شود و از آب صاف انار در وقت سائیدن تنقیہ نمودہ باشند
ہر گاہ خوب بستہ شود شیاف ہا را ز بسازند و در بینی گذارند و مکرر این عمل نمایند و بعد دو سہ روز
بیمار را راحت دادہ باشد و باز این عمل را شروع می نمودہ باشند و بینی را از عصارۂ مذکور
نیز طلا کردہ باشند پس نفع میکند این دوا نفع کثیر و الم بسیاری ہم میکند چنانچہ ادویہ دیگر
کہ درین باب مذکور اند الم می نماید شیاف کہ استسقاء طبلی را نافع بود بادہا را نفع میکند ص
سداب حرمل رازیانہ تخم کرفس تربد سفید بورۂ ارمنی ہر یک یکدرم شکر سرخ پنجدرم بآب سداب
شیاف سازند شیاف کہ در استسقاء زقی استفراغ زرد آب کند ص غاریقون ہفت
قیراط مس سوختہ دو ثلث درخمی ماہی دانہ دو ثلث عدد انجیر پنجاہ عدد کوفتہ بیختہ با مغز بادام
شیاف ساختہ بر دارند شیاف مسہل قولنج را بکشاید و بلغم و صفراء دفع کند و در دلشت
بنشاند ص سکبینج جاوشیر مقل بورۂ ارمنی اشق انزروت زنجبیل سورنجان شقاقل شحم حنظل
تخم کرفس رازیانہ انیسون نمک ہندی جند بیدستر زرنباد ماہی زہرہ قسط سعد سداب

قولنج

خشک مساوی کوفتہ بیختہ بآب سداب تازہ لبرشتہ و شیاف سازند شیاف زحیر ص
زعفران حضض مرافیون کندر مساوی کوفتہ بیختہ شیاف سازند شیاف خیارشنبر قولنج
بکشاید و طبع را نرم کند ص بنفشہ دہ درم سنای مکی پنجدرم خطمی سہ درم نمک ہندی یکدرم
عسل خیارشنبر شکر سرخ از ہر یک دہ درم اول عسل خیارشنبر و شکر سرخ بر آتش گذاشتہ بعد
ازان ادویۂ دیگر کوفتہ بیختہ آمیختہ شیاف سازند شیاف بنفشہ ہمین خاصیت دارد ص
گل بنفشہ پنجدرم سقمونیا نمک ہندی از ہر یکدو درم بورۂ ارمنی تربد از ہر یک سہ درم
فرافروت فانید از ہر یک پنج مثقال شیاف سازند شیاف منفتح باسور ممتلی ص
شحم حنظل سہ درم بادام تلخ چہار درم کوفتہ بیختہ شیاف سازند و ہر ساعت یک احتمال نمایند
تا پنج ساعت شیاف قطع دم بواسیر و طمث کند ص عفص حضض کندر جلنار تب قرطاس
محرق کحل طین ارمنی از ہر یک یکجزو کوفتہ بیختہ در آب مورد شیاف بستہ دارند تا صوف را
بدان آلودہ بکار برند شیاف قولنج ص بورۂ ارمنی دہ درم شحم حنظل مقل سکبینج از ہر یک پنجدرم
سقمونیا دو درم و نیم شکر سرخ دہ درم شیاف سازند شیاف کہ خون رفتن از بواسیر باز دارد
ص کندر انزروت دم الاخوین گلنار سرمہ زاج سفید از ہر یک یکدرم زنگار یکدانگ
کوفتہ بیختہ با عسل لبرشتہ و شیاف سازند شیاف کہ شکم را ببندد ص اقاقیا صمغ عربی
گلنار کزمازج بلوط برنج بریان کردہ کوفتہ بیختہ شیاف سازند شیاف کہ نافع جہت زحیر و اسہال
دم و اغراس ص صمغ عربی اقاقیا افیون مازو بذر البنج کندر گل ارمنی برنج بریان زیرہ
بو دادہ مساوی کوفتہ بیختہ بآب مورد یا کشنیز تازہ شیاف سازند شیاف جہت رفع قبض
و دفع سدہ اطفال المجرب ست ص نعناع تربد سفید لشکل موش ہر یک یکمثقال کوفتہ
بیختہ بعسل خیارشنبر سرشتہ شیاف سازند وقت بر داشتن بزیت چرب کردہ بر دارند شیاف
دیگر معمول و کثیر المنافع ص زبل الفار ملح عجین شکر احمر بالسویہ بر آتش نرم معقود سازند
و مانند خستہ خرما فتیلہ ہا ساختہ بروغن بنفشہ چرب کردہ بکار برند شیاف کہ در عقب

مسهل استعمال کنند اگر در اسهال تقصیری رفته باشد و گرم مزاجان را نافع باشد ص ترنجبین
پنجدرم صابون زنی خطمی نمک طعام از هر یک دو درم شکر سرخ پنجدرم بدستور شیاف سازند
شیاف غدیوط ص اقاقیا ازمک گلنار صمغ عربی کوفته بیخته مثل بلوطها ساخته در دبر نهند
و قبل از جماع باید بمستراح روند تا شکم از غائط پاک شود و اشیار قابضه نمایند شیاف که ابوالفتح
کمال جهت درد بواسیر و قراقر شکم اختراع نموده ص سیعه یکدرم موم یکدرم و نیم مقل دو درم
روغن خسته زرد آلو روغن گل از هر یک سه درم چنانچه رسم است شیاف سازند شیاف مجرب
که اسقاط تواسیر کند ص عشقه و آن نباتی است که بر درخت پیچد و خشک کند و در دیگ نو
مسین بپزند و صاف کنند و چهل روز در آفتاب نهند و در شب بپوشند و از گرد نگاه دارند
و هر روز برهم زنند بمقدار یکمن از ین صبر و مر و تخم سپندان سفید از هر یک یک استار اضافه
کنند و شیاف سازند و یک شب بکار برند و یک شب نه تا که خشک شود و بیفتد شیاف
دیگر مجرب قدما است ص پشم گوسفند را فتیله ساخته سه روز در سرکه بگذارند پس برگ
قنب را کوبیده نرم سائیده بران فتیله پاشیده شیاف کنند شیاف که در قطع خون
مجرب است خواه از بواسیر یا اسهال باشد و جروح مقعد را نیز مفید است ص [illegible]
اقاقیا بذر البنج صمغ عربی برنج لو داده بالسویه بآب مورد سرشته شیاف سازند شیاف
برای قرحه مجری قضیب بعد پاک کردن قرحه بکار آید ص توتیا مغسول مردار سنگ قصیر
کدو محرق نحاس محرق اقلیمیا مغسول طین قبرسی شادنج مغسول کندر انزروت مازو
گلنار شب فاقیا زاج محرق دم الاخوین گل سرخ منزوع الاقماع انار ترش کاغذ سوخته از همه بکدام
که باشد یا مجموع گرفته شیاف ساخته استعمال نمایند باب الصاد المهمله صبغی که
چشم را سیاه کند ص سرمه سه درم دود چراغ سه درم و دو درم مشک املی عفص اقاقیا هر یک
یکدرم همه را باریک سائیده در چشم کشند صبغی دیگر ص فندق سوخته در روغن زیت
سائیده بر یافوخ طلا نمایند تا چهل روز چشم را سیاه کند صبغی که بیض را رنگین کنند

ص توتیا سبز ربع حصه شیطرج یکحصه کوفته بیخته با آب سائیده طلا کنند صبغی دیگر ص شیطرج عاقرقرحا حضض جوز
شونیز گل شقایق مرمکی زنج زردچوبه فوه هر یک یکدرم کوفته بیخته بسرکه انگوری سرشته سه روز نگاهدارند پس استعمال
کنند صبغی دیگر ص اطراف شاخهای درخت انجیر سیاه در سرکه انگوری بخیسانند پس بسایند
و بوره و کبریت زرد شیطرج هندی بدان آمیخته طلا نمایند بعد از ان بسرکه و بورق بشویند
صبغی که بهق اسود بهر دو برنگ بدن آرد ص کندش قسط هر یک دو درم تخم ترب
ده درم بسرکه کهنه بمالند صبغی که نشان آبله و جراحات را برنگ بدن آورد ص مرداسنگ
شسته بیخ نی کهنه آرد نخود برنج استخوان پوسیده مغز تخم خربوزه حب البان قسط کوفته بیخته
بلعاب حلبه و تخم کتان وقت شب بمالند و صبح از سبوس و آب گرم بشویند صبغی دیگر که رنگ را
سرخ کند ص زعفران فوه کندش مر مصطگی مساوی کوفته بیخته بآب بلبوس یعنی بصل الذئب
تر ساخته شب بمالند و صباح بآب گرم بشویند صبغی حلوفی ص مصطگی نیم جزو ورق نیل
زعفران از هر یک یکجزو خون سیاوشان معصفر از هر یک دو جزو جمله را باریک بسایند
و بآب صمغ عربی خمیر کنند یک شب و یکروز بگذارند و انگاه بر کف دست و پا نهند بغایت
خوش رنگ میگردد صبغی زرین ص زعفران ربع جزو ورق نیل خون سیاوشان
زاک زرد حنا قلقطار هر یک جزوی نوشادر برابر همه چون سرمه بسایند و در شیروان بر غاله
کنند یا در روده‌ها و در خم سرکه چون قندیل بیاویزند تا خل شود و اگر زیر زبل دفن کنند
و هر روز زبل تازه کنند تا حل شود هم نیکو است بعد از ان آرد جو با این آب خمیر کرده
یک شب و یکروز رها کنند آنگاه چون حنا بر دست نهند مثل زر گردد صبغی طاوسی
ص پوست انار ترش نیم مثقال قلقدیس توبال آهن سه مثقال بآب چقندر خمیر
کنند و بر دست نهند و یکساعت بگذارند و بشویند صبغی قرمزی ص لاجورد و روناس
و سمه از هر یک جزوی زعفران مصطگی هر یک نیم جزو بکوبند و بآب صمغ عربی خمیر کنند
و بر دست و پای نهند رنگی لطیف آید باب الضاد المعجمه ضماد بالنگ فرنق

صداع

میان ضماد وطلاء باغبار غلیظه ورقه است ضماد برای صداع حار شدید الحرارة منقول
ازخط والد المرحوم ص گل نیلوفر کشنیز تر گل بنفشه قشور خشخاش باریک بسایند واندکی
گلاب وقدری افیون وکافور داخل کرده بکار برند واگر حرارت قلیل باشد کافور موقوف
نمایند ضماد جهت صداع مزمن سوداوی ص سداب بری فربیون بورق بذر حرمل
بنفشه مرزنجوش ازهر واحد جزوی شعیر مرضوض جزئین کوفته وخل صمغ در روغن نیلوفر
نموده باهم مخلوط کرده بعمل آرند ضماد معمول نافع صداع که از ضربه وسقطه بهم رسد
ص گل ارمنی صبر ازهریک پنجدرم دقیق ماش سعات آس ورد ازهریک ده درم
بابونه قصب الذریره ازهریک یکدرم کوفته بیخته درآب بید سائیده ضماد نمایند واگر
جراحتی دراینجا باشد والم شدید پس تبرید مضایقه ندارد واگر ورم درموضع باشد پس لابد
است از ادویهٔ قابضه مقویه مثل عدس وگلنار وورد وآس واگر دماغ حرکت کند پس
اسطوخودوس باشراب عسل نافع ترین اشیاء است ودرینصورت غذاء او بیضه دجاج
وکبوتر وامثال آن کنند ضماد جهت صداع حار سافج از حکیم علی گیلانی ص برگ
خرفه جراده کدو برگ بید گل خطمی صندل سفید کوفته بیخته باقدری گلاب وسرکه ضماد نمایند
ضماد که مقوی دماغ است ونافع بود برای دردسر کهنه ونزلات مزمنه ص نمک طبرزد
نمک طعام بورهٔ سفید سوخته سنگ سوخته بورهٔ برنج حرج خردل زبد البحر ازهریک یکمثقال
کبریت زرد گل سرخ سماق برگ حنا اذخر مکی عنصل فراشیون صمغ عربی کندر قرنفل
عود قماری صبر زرد زرنبخ سوسن سنبل الطیب ازهریک نیم مثقال جوزبوا دو مثقال
کوفته بیخته بسرکه انگوری بجوشانند وصابون دران حل کرده ضماد نمایند ضماد مقوی سر
ونافع بود از برای صداع حادث از ترعرع دماغ ص صندل سفید صندل سرخ
فوفل گل ارمنی ریوند چینی آرد باقلا کوفته بیخته بلعاب مخلوط کرده برسر ضماد نمایند
ضماد معمول استاد رحمة الله علیه جهت دفع صداع وسرسام مجرب است ص گل بنفشه

سرسام

صندل سفید ازهریک یکتوله باگلاب سائیده خراطین۹ عدد آرد ماش سه توله باشیر دختران دوتوله وقدری
آب کشنیز سبز باهم مخلوط کرده اندکی گرم کرده بر سر بچسپانند ضماد معمول رئیس الحکماء واستاد الاطباء
افضل المتاخرین اکمل المتقدمین استاد رحمة الله علیه جهت اقسام سرسام وغشی سریع الاثر است و
عجیب النفع ص آرد مونگ پاؤ آثار شیر گاو پاؤ آثار آرد را در شیر مالیده مثل نان بپزند لیکن از یکطرف
خام واز یکطرف پخته باشد وسر را از روغن گل چرب نموده از طرف خام برسر مریض بندند ویکپاس
بدارند بعد ازان بگشایند وتا حصول مطلوب تکرار عمل کرده باشند راقم هم در اکثر تجربه در آورده

سرسام اطفال

است از اسرار است ضماد برای سرسام اطفال مستعمل در وقت اختلاط ص گل بنفشه دو مثقال
عود هندی عود صلیب اسطوخودوس ازهریک دو دانگ ماش مقشر کفی شیر دختران زردهٔ تخم
مرغ بروغن گل سرشته بر پارچه کتان مالیده بر یافوخ ضماد نمایند ضماد معمول بعضی احباب بجهت
لیثرغس ضماد کما دریوس اسطوخودوس ازهریک دو مثقال جندبیدستر یکدانگ عود هندی عود
صلیب ازهریک دو دانگ ماش مقشر کفی کوفته شیر زنان وزردهٔ تخم مرغ وروغن گل سرخ
روغن ناردین ازهریک پنجمثقال سرشته بر یافوخ ضماد نمایند واگر علت قوی باشد عاقرقرحا فطرون

سکته

وحاشا اضافه نمایند انسب است ضماد جهت سکته وسبات ص فرفیون خردل سرخ شیطرج هندی

سدر

تخم انجره بالسویه بسرکه بجوشانند وبعد حلق راس ضماد نمایند ضماد که بجهت سدر ودوار معدی
بکار آید منقول از منهاج ص سنبل الطیب مصطگی ازهریک نیم جزو صبر بکجزو مرمکی گل سرخ ازهریک دوجزو
کوفته موم زرد با روغن ناردین یا روغن قسط یا روغن مصطگی بگدازند وادویهٔ مذکوره دران بیخته مرهم
سازند وخرقه مالیده بر معده ضماد کنند ضماد نافع برای سکته ص گل سوسن آسمانجونی جندبیدستر
جوزبوا شونیز خردل فلفل سیاه قرنفل فاوانیا عاقرقرحا کوفته بیخته بسرکه عنصلی سرشته بعد تراشیدن

ورم چشم

سر برسر واصل نخاع ضماد نمایند ضماد که ورم ودرد چشم را نافع بود ص آرد جو ده درم باقلا پنجدرم
اقاقیا یکدرم سفیدهٔ تخم مرغ یک عدد بآب کشنیز تازه وآب کاسنی آمیخته بکار برند ضماد که وجع
شدید چشم را نافع بود وورم ونماند ص صندل سرخ شیاف مامیثا صبر فوفل صمغ عربی افیون

اقاقیا مساوی کوفتہ بیختہ بآب عنب الثعلب یا کاسنی سبز آمیختہ حوالی چشم ضماد نمایند و اگر وجع
و ضربان اشد بود ہمراہ آب کوکنار یا آب کاہو استعمال نمایند ضماد کہ سرطان عین را نافع است
ص دقیق شعیر بنفشہ خشک نیلوفر آرد باقلا اکلیل الملک بابونہ آب کاکنج آب عنب الثعلب
ضماد دیگر ص عنب الثعلب خشک برگ خطمی برگ خبازی کوفتہ بیختہ بروغن بنفشہ بعمل آرند
ضماد ازالۂ ظفرہ نماید ص سوس منقی از دانہ پاک کردہ برگ عنب الثعلب صبر نمک سائیدہ باہم کردہ
ضماد نمایند ضماد دیگر برای ہمین کار ص اکلیل الملک و دم الاخوین بیخ مہک زعفران عدس
مقشر با روغن گل و زردہ تخم مرغ ضماد کنند ضماد کہ غرب بستہ را نرم کند ص تخم مرو کوفتہ آرد
گندم بشیر خمیر کنند و قدری زعفران داخل نمایند و در شیر دختران یا شیر خر بپزند و بر غرب ضماد
نمایند و تضمید باشش ممضوغ نیز از مجربات است ضماد معمول استاد علیہ الاعتماد جہت رمد و درد
چشم ص عصارۂ مامیثا گل ارمنی پوست دربندی صندل سرخ حضض مکی اقاقیا عنب الثعلب
تخم خطمی صمغ عربی فوفل صبر زعفران کوفتہ بیختہ بآب کاہو یا لعاب اسپغول یا سفیدی بیضہ
ضماد نمایند و ہرگاہ بشویند باید کہ از آبی کہ در آن کوکنار و برگ شبت جوشانیدہ باشند ضماد
مختصر معمول استاد بجہت ضربہ کہ بچشم رسیدہ باشد و جرہ شدید و رطحہ باقی ماند ص زعفران مصطگی
ہر دو را سائیدہ در زردی بیضہ مرغ سرشتہ گرد حلقۂ چشم ضماد نمایند ضماد کہ آخر رمد بکار آید ص زردہ
تخم مرغ آرد جو گل بنفشہ گل بابونہ ضماد کہ ورم صلب گوش را نافع شود ص شحم بط و دجاج ہر دو را
بگدازند و قدری بعر غنم خوب باریک سائیدہ بیندازند و در ہم کردہ از خارج ضماد نمایند ضماد
کہ ورم بیرونی گوش را سود دہد ص آرد باقلا آرد جو بابونہ گل بنفشہ خطمی اکلیل الملک و غیرہ
بنفشہ و آب گرم ضماد نمایند ضماد کہ درد و ورم گوش کہ از آب رفتن در گوش بہم رسد بکار آید ص
پوست خشخاش اکلیل الملک بابونہ خطمی تخم کتان آرد جو مقشر بشیر زنان سرشتہ ضماد کنند
ضماد کہ انکسار یعنی کوفتہ شدن اذن را نافعست ص صبر مغاث اقاقیا را بتاج حنا بہم سرشتہ
بران جانب کہ انکسار شدہ باشد بربندند و عضو را بر ہیئت اصلی ببندد ضماد کہ انقلاع غضروف

گوش بعد رد آن بموضعش و بستن رفادہ و عقب فصد و اسہال بکار آید و ازین ضماد تسکین
وجع کما حقہ رو نماید ص بگیرند نان جو خشک و در آب تر کنند و ہرگاہ تر شود قدری از سرکہ و روغن گل
بران بپاشند و مثل ضماد ساختہ ببندند ضماد کہ بر سر جبہہ گذاشتن آن حبس رعاف نماید ص
کافور افیون ہر یک ربع جزو گل ارمنی عصارۂ لحیۃ التیس گلنار عدس مقشر ہر یک یک جزو کوفتہ
بیختہ بسرکہ انگوری سرشتہ بر تارک گذارند ضماد کہ ہرگاہ بر سر و جبہہ نہند رعاف باز دارد و اول آب
شدید البرد بر سر ریزند و بعد ازان تضمید نمایند ص مازو سبز پوست انار گل سرخ ہر یک یک جزو
عدس مقشر دو جزو حضض برابر ہمہ کوفتہ بیختہ بآب آس و گلاب سرشتہ بر تارک سر و جبہہ نہند
و اگر خرقۂ کتان بگلاب کہ ببرف سرد کردہ باشند تر کردہ بر تارک سر نہند در حبس رعاف اقوی
خواہد بود ضماد مجرب و معمول جہت درد دندان حار ص افیون کافور ہر دو را ممزوج نمودہ
بر دندان دردناک ضماد نمایند ضماد کہ بطلقہ و ظفریہ و حمصہ اسنان نافع است ص بگیرند شحم بط
شحم دجاج شحم اوز شحم خبازی مساوی روغن خیری قدر کفایت شحوم را در روغن بگدازند و قدری
موم در زوفای رطب و حلیبہ حنطہ داخل کردہ مثل قیروطی ساختہ طلا و تحنین کنند و بیمار [illegible]
دندان را از ہوا چہل روز صیانت کنند اگر طفل یا در سن ترعرع باشد دہ روز این ضماد کفایت
میکند و طریق برآوردن حلیب حنطہ انیست کہ گندم را در آب بخیسانند تا مالیدہ و متعفن شود پس
شیرہ آن مثل شیر غلیظ کشیدہ داخل داروی مذکور کنند و جہت مرض مذکور مالیدن خون خفاش
در ماہ و سلخ الحیہ علی التواتر نافع است و اہل بصرہ جہت این مرض خردل معجون کردہ بخمیر
استعمال میکنند ضماد برای خناق ص حلبہ تخم کتان تخم شبت بابونہ برگ کرنب و تخم او [illegible]
کوفتہ بیختہ بروغن نرگس و پیہ بط گداختہ آمیزند و بر خارج حلق ضماد نمایند ضماد نافع برای
استرخاء لہاۃ از رطوبت بلغمی ص عفص سبز قشار کندر ورق آس کوفتہ بیختہ در سرکہ خمیر
ساختہ بر یافوخ ضماد نمایند ضماد برای خناق ص دقیق شعیر در آب عنب الثعلب آب
بارتنگ آب کاسنی گلاب و قلیل خل خمر نمودہ خارج حلق ضماد نمایند ضماد کہ ورم صلب را

خنازیر

نضیج دهد ص بابونه تلیث زعفران اکلیل الملک کوفته بروغن نرگس خمیر کرده بر خارج
ورم بندند ضماد خنازیر مجرب و معمول و مخترع سند الاطبا والد ماجد ص صبر مر نانخواه ایرسا
از هر یک دو ماشه زراوند مدحرج فلفل سیاه فلفلمویه از هر یک یکماشه طلیه نیم ماشه قصب الذریره
اشق مقل رانتیج حلتیت سنبل قسط فرفیون قنه هر واحد یک ماشه بزر کتان دو ماشه کوفته
بیخته در آب قرص سازند و وقت حاجت اندکی در آب حل کرده ضماد نمایند ضماد نافع
خناقی که بسبب زوال فقره عنق حادث شده باشد بعد ازان فقار بموضع خود استعمال نمایند ص
سعات صبر مر اقاقیا ایرسا بلعاب اسبغول خمیر کرده بعمل آرند ضماد محلل خنازیر ص خردل
تخم انجره کبریت زبد البحر ریوند چینی مقل اشق روغن کهنه ترکیب داده بر خنازیر گذارند ضماد
که خنازیر را نضج سازد ص آرد جو آرد گندم آرد باقلا هر کدام پنجدرم شب یمانی ایرسا زفت
تر هر کدام دو درم موم پیه بز هر کدام پنجدرم زیت کهنه بگدازند و مجموع را بهم سرشته ضماد
کنند و بعضی به بول صبیان مجموع را می سرشند ضماد عجیب محلل خنازیر ص زراوند
کندش هر کدام یک جزو اشق دو جزو با قدری عسل نرم کرده اشد و باقی ادویه کوفته بیخته
بدان آمیزند و پیوسته ضماد نمایند ضماد دیگر جهت خناق که از زوال فقره حادث شود ص
عفص قشور رمان قرطاس الحرس خرء السمک باهم مخلوط کرده بر قفا و عار بگذارند ضماد که در تذکره عهد المومنین
مجرب نوشته ص ایرسا زراوند زفت هر یک جزوی در مرهم داخلیون هر سه ممزوج کرده
بر خنازیر گذارند و ادویه ساییده بدان سرشند و بر پارچه کرده بر رقبه بندند ضماد که
تسکین وجع ذات الجنب نماید ص آرد جو اکلیل الملک پوست خشخاش کوفته بیخته
بآب ضماد کنند ضماد که مادهٔ ذات الجنب و ذات الریه ببرد و درد ساکن کند ص بنفشه
بابونه هر یک جزوی آرد باقلا آرد جو هر یک یکجزو و نیم اصل السوس دو جزو کوفته بیخته بموم
روغن یا روغن کنجد سرشته بر نهند و اگر حاجت به تحلیل زیاده باشد تخم کتان دران افزایند
و باین منضج ضماد نمایند و اگر حرارت بسیار نباشد بدل روغن بنفشه روغن سوسن یا روغن

نرگس کنند و اگر حرارت قوی باشد بدل تخم کتان برگ نیلوفر و کدوی تازه نمایند ضماد که تقلیل
لبن کند و ورم که بسبب زیادتی لبن باشد دور نماید ص قیموق باقلا عدس مقشر تخم کاهو آرد جو
گل سرخ گل ارمنی ساییده در روغن گل و سرکه آمیخته استعمال نمایند ضماد که هر گاه از صاحب
ذات الجنب صاحب شوصه تپ زائل شود و ماده عسره باقی مانده باشد مستعمل شود ص انجیر زرد
اطراف سلق و اطراف هندبا هر دو کوفته در روغن کنجد بجوشانند و آرد جو و خطمی و ورق بنفشه
کوفته بیخته ضماد کنند اگر نفث بر آمدن شروع کند بهتر والا این ضماد بعمل آرند بگیرند خردل نیم جزو
انجیر سیاه یکجزو بابونه دو جزو هر یک علیحده در آب بپزند خطمی گداخته مثل مخیض ساخته ضماد کنند
که این ضماد تلیین و ترقیق ماده کرده بسطح جلدی کشد و قرحه می اندازد و اگر ازین ضماد انجذاب ماده
بسطح جلد نشود محاجم کبار بر نهند ضماد که در نفث الدم که بسبب ترقیدن عرق یا جراحت سینه
و نشف بهم رسیده باشد سود دارد ص پوست انار و عفاق کندر مازو آرد جو گلنار گرد آسیا برگ مورد
اطراف زر تمر قنب کوفته بیخته روغن گل یا روغن مورد آمیخته بر سینه ضماد کنند ضماد برای عسر النفس
حادث از ورم ریه وقتی که حمی و حرارت شدیده و التهاب قوی باشد ص آب جراده کدو
آب سداب برگ اسبغول آب خبازی شیره کشنک جو آب ها را جمع نموده خرقه کتان آغشته
بر سینه ضماد نمایند ضماد نافع برای انتصاب نفس حادث از اشتراک عضلات صدر بسبب رطوبات
بارده و ضعف حرارت ص مصطگی سنبل الطیب عود صافی قصب الذریره صبر سقوطری تار مشک
مساوی الاجزا در گلاب بر پارچه طلا نموده بر سینه ضماد نمایند ضماد منضج و مسکن وجع ذات الجنب
تالیف والد حکیم علویخان مرحوم ص آرد باقلا آرد سبوس آرد نخود آرد گندم از هر یک وکف
بآب عنب الثعلب خمیر نموده لعاب گل خطمی سفید لعاب تخم مرو لعاب بهدانه شیر تازه گاو روغن
مغز تخم کدو روغن بنفشه زردی بیضه همه را داخل نموده بر تابه بپزند مائل طرف فخاخه بر جنب
ضماد نمایند ضماد برای شوصه ص بنفشه تخم خرفه خوارک بابونه آرد جو باقلا خطمی اکلیل الملک مساوی کوفته بیخته
در قیروطی که از موم و روغن بنفشه ساخته باشند آمیخته نیم گرم ضماد نمایند و بعضی از اطبا استعمال

اضمده واطلیه درشوصه منع کرده اند واولی آنکه این حکم را مخصوص بآن حالت داشته که ماده
بسیار باشد واگر قلیل ماده باشد استعمال اضمده واطلیه مفید می آید ضماد برای ورم ثدی
منقول از بیاض عم مرحوم ص آرد جو آرد عدس آرد باقلا گل سرخ مساوی کوفته بیخته د[ر]
روغن گل وسرکه کرده نیمگرم بر پارچه مالیده بر ثدی ضماد نمایند ضماد برای ورم ثدی ص
چوب میده که بهندی میده لکڑی گویند پوست کچنال تخم حلبه پوست بیخ ارند گیرو همه را کو
بیخته ضماد نمایند ضماد که چون هر ماه بعد از حیض سه روز بر پستان ضماد نمایند حافظ استرخا[ء] آن
بود ص دقیق شعیر پوست کوکنار ج باریک سائیده باشیر آمیخته تا سه روز متواتر در شب و روز
دو سه مرتبه بعمل آورده باشند ضماد برای خوردی وسختی پستان ص بیخ کنده وری مولسری ...
هر دو را مساوی گرفته در رس سهجنه تا چهار پاس کهرل نمایند بعد ازان ضماد کنند انشاء الله
در سه روز بحال آید ضماد صندل که در ضعف قلب حار وخفقان حار بکار آید ص صندل
سفید بگلاب سائیده قدری سرکه وآب سیب ترش وآب به وآب آهنگران ویاره کافور
اضافه نموده پارچه کتانی دران تر کرده بهوای سرد خشک نموده ضماد کنند ضماد دیگر که
دل را نافع است ص صندل در گلاب لبسایند وقدری کافور شیاف مامیثا وآب عنب الثعلب
سبز عرق بید مشک آب برگ کاهو آمیخته استعمال نمایند وتنها صندل در گلاب عرق بید مشک
سائیده درصورت قلت حرارت نیز کفایت کند ضماد که احتواء رطوبت قلب را بعد از
استعمال ایارجات وخبر آن نافع آید ص گل سرخ سنبل الطیب زعفران بآب بادرنجبویه
سرشته ضماد کنند ضماد که جهت سوء مزاج بارد قلب نافع است ص سنبل قسط ابهل
دارچینی سعد قرنفل ورق آس با شراب وآب سیب وآب به ضماد نمایند ضماد که تحلیل
ورم اذنی القلب کند ص بابونه اکلیل الملک تمام تخم کتان برگ خطمی برگ کرنب زعفران
ضماد نمایند ضماد که بر تقشر قلب نافع آید ص بگیرند ورق خبازی ورق عنب الثعلب بادروج
بیخ زعفران لبسایند وبا شراب بیض سرشته خشک کنند پس دوباره سائیده با قیر

از روغن گل وموم ساخته باشند سرشته پارچه کتان بآن آغشته بر سینه بگذارند ضماد که شیر در پستان
زیاده کند ص تخم بادروج پنجدرم آرد باقلا ده درم کوفته بیخته بآب بادروج ضماد کنند ضماد که
شیر غلیظ را باصلاح آرد ص بنفشه خطمی جو مقشر بیخته بر سینه وپستان ضماد نمایند ضماد که شیر را که بسبب گرمی
وخشکی منجمد شده باشد منحل کند ص ماش که در هندی مونگ گویند وبرنج که آنرا در هندی ساٹهی
نامند بآب سائیده واندکی گرم کرده ضماد کنند ضماد که در زمانی که شیر بسته شده متعفن گردیده باشد
بکار آید ص آرد کنجد روغن گاو انگبین آرد باقلا نان خشکار بهم سرشته ضماد کنند ضماد که در قروح
پستان بکار آید ص ماش دانه مویز کوفته بآب سرد سرشته ضماد کنند ضماد که دبیله پستان را
بر دو بکشاید ص تخم کتان سوس میعه سائله سرگین زبر سرگین کبوتر نطرون رانتیج مساوی کوفته
بروغن کنجد ومغز ساق گاو واسفیدج سرشته ضماد کنند ضماد جهت زنی که پستان او بغایت خورد
باشد یا بر نیاید وچون این دوا بر نهند عظیم پدید آید ص پیه پیل پیه گاو میش بالسویه بگیرند
مخلوط ساخته هر روز شیر گرم قدری بمالند ضماد که نافع است از جهت اورام صلبه معده وجگر
ص زعفران صبر از هر یک یکدرم افسنتین سنبل از هر یک یکنیم درم کوفته بیخته بآب گرم ضماد کنند
ضماد که معده بارد را گرم کند وقوت دهد ص سعد کوفی مصطگی قسط افسنتین از هر یک پنجدرم اذخر
... قرنفل دارچینی قصب الذریره از هر یکدو درم کوفته بیخته بآب به ضماد نمایند ضماد که ورم کهنه معده
را تحلیل دهد ص مقل حب البان تخم کرنب از هر یک دو درم سنبل اشق مصطگی از هر یک پنجدرم
موم سه درم روغن ناردین پانزده درم صمغ ها را در شراب حل کنند وباقی ادویه را کوفته بیخته
مانند وبا روغن وموم ضماد کنند ضماد که همین خاصیت دارد ص حلبه شب یمانی تخم خطمی برگ
بابونه مصطگی از هر یک پنجدرم سنبل سعد قصب الذریره اذخر هر یک دو درم موم سفید سه درم
روغن بابونه پانزده درم بطریق معهود ضماد کنند ضماد ابطیقون برودت معده وکبد وطحال را
نافع بود ص افسنتین سنبل الطیب سلیخه صبر سقوطری از هر یک سه درم عود بلسان زعفران از
هر یک دو درم موم سفید هشت درم موم را در روغن ناردین یا روغن قسط یا روغن زنبق بگدازند

باقی ادویه کوفته بخته بآن آمیخته ضماد کنند ضماد که اگر بر معده نهند قی آرد و اگر بر ناف نهند
شکم براند و اگر بر عانه گذارند بول و حیض براند ص برنگ کابلی عصاره قثاء الحمار هر یک
سه مثقال خربق سفید مردار سنگ از هر یک چهار مثقال روغن زیت ده درم موم سفید تخم
بز از هر یک پنجدرم موم و پیه را در روغن زیت بگدازند و باقی ادویه کوفته بخته بآن ضم کنند
و بر روی کاغذ تازه کشند و ضماد نمایند ضماد دیگر که چون بر کتان کشند و بر زخم اندازند اسهال
سودا کند و چون بر زیر بغل ضماد کنند اسهال صفرا نماید و چون بر پاهین ورکین ضماد نمایند
بلغم براند و این هر دو ضماد از اسرار اطبا است پیران و کسانی را که طاقت اسهال بدوا
مسهل نباشد بدین معالجه کنند ص ترمس متقشر یک کف بکوبند و در دیگ کنند و
مقداری از شیر تازه که آنرا بجوشانند بر آن ریزند و بجوشانند تا ترمس شیر را جذب کند
بعد از آن مساوی آن روغن گاو اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید و استعمال کنند و چون
خواهند که قطع اسهال شود لته بردارند و آن موضع را بگلاب بشویند ضماد که ورم معده
بلغمی را نافع بود ص جعده پنجدرم اکلیل الملک حماما بابونه شبت مصطگی از هر یک ده درم
سنبل سیر از هر یک هفت درم کندر شش درم پیه بط دوازده درم پیه مرغ بیست درم
خطمی پانزده درم موم سفید سی درم ضماد کنند چنانچه رسم است ضماد فیلغریوس درد معده
و جگر و اورام آن را نافع و هو ص زعفران دو درم مقل مصطگی شیح صبر میعه سائله هر یک ده
شمع سه استار پیه بط دوازده درم زوفا یابس یا رطب سی درم روغن ناردین بقدر کفایت
و در بعضی نسخه زعفران دوازده درم است و در امراض رحم بصوف حمول باید کرد ضماد که
قروح معده را نافعست ص افیون زعفران هر یک نیم دانگ مردار سنگ یک مثقال سفیده
ارزیز نیم درم روغن پنجدرم ضماد کنند چنانچه رسم است ضماد که ورم معده و جگر و سپرز بارد
دهد و صلابات نرم کند و درد شقیقه مزمن را مفید است ص زوفای رطب با پیه اوز
و پیه مرغ از هر یک ده درم حل کنند و نیمگرم ضماد نمایند ضماد که جساوت معده را و عضله های

شکم را نرم کند و جالینوس گفته که درین باب مجرب است ص موم شصت درم صبر پرورده علک الانباط
هر یک سی درم زنجبیل جاوشیر هر یک بیست درم روغن سوسن دو بست و چهل درم بطریق
معروف مرهم سازند و ضماد نمایند ضماد که منع تولد بلغم در معده کند ص عود خام سک [illegible]
هر یک سه درم گل سرخ چهار درم سنبل الطیب مصطگی هر یک دو درم مشک دانگی کوفته بخته باب
مرزنجوش یا آب نمام سرشته ضماد کنند وقت خلو معده از غذا ضماد که دفع قی صفراوی بعد از تنقیه
بکار آید ص آب به بریان آب سیب بریان صندل سفید گل سرخ سوده [illegible] عود کافور
سوسن بر معده ضماد کنند ضماد دیگر که منع قی کند ص کافور نیم جزو زعفران یک جزو عود دو جزو
صندل سرخ و سفید هر یک چهار جزو گل سرخ سک هر یک پنج جزو با آب به و سماق ضماد کنند
ضماد که هرگاه ورم معده شروع بنضج کند و احتیاج بتحلیل افتد بکار آید ص آرد جو خطمی بابونه
اکلیل الملک گل سرخ صندل سفید کوفته بخته باب کرنب و آب عنب الثعلب و قدری
زعفران بکار برند ضماد که در انتهاء ورم حار مستعمل میشود ص زعفران نیم اوقیه بیخ خطمی
اکلیل الملک هر یک یک اوقیه بیخ مهک بابونه گل بنفشه هر یک یک اوقیه و نیم آرد جو تخم
خطمی هر یکدو اوقیه موم روغن بنفشه روغن گل هر یک پنج استار علی الرسم مرتب سازند و در
خرقه کتان سطبر مالیده بر معده نهند ضماد ورم سپرز سخت را نرم کند ص خاکستر چوب زرد
خاکستر لبلاب بمساوی [illegible] که سرشته در حمام ضماد کنند ضماد سنبل سوء المزاج بارد جگر را
نافع است و در علل که قرص راوند مستعمل میشود بکار برند ص سنبل مصطگی قصب الذریره
اذخر زعفران مرجمله برابر بگیرند مصطگی و مر را در شراب حل کنند و دیگر ادویه کوفته بدان سرشته
و ضماد نمایند و اغذیه بارده ترک کنند ضماد اکلیل الملک جهت امراض بارده کبد نافع بود
ص زعفران سنبل رومی سعد قردمانا بیخ سوسن آسمان جونی هر یکدو اوقیه مقل شش اوقیه
اکلیل الملک اشق علک البطم هر یک یک رطل دهن عصیر عنب دو رطل موم [illegible] رطل
شراب بقدر کفایه ضماد که نفخه سپرز و صلابت آنرا نافع است ص سداب ده درم [illegible]

فوودنه هریک سه درم اشق هفت درم کوفته بیخته بسرکه کهنه ضماد کنند ضماد انجیر سختی سپرز را
نافع است ص اشق یکدرم مقل دو درم باقلا مقشر کرسنه نخود اکلیل الملک بزرگ حلبه
بابونه ترمس سنبل هریک پنجدرم انجیر زرد بیست وچهار درم انجیر را در سرکه بپزند ومقل واشق
دران بگذارند وبهم آمیزند وادویه کوفته بیخته بروغن سداب یا روغن بادام یا روغن بابونه
سرشته ضماد نمایند ضماد فولادخون جهت زرد آب مفید ص لادن یکدرم ونیم حماما
سنبل الطیب قردمانا دارفلفل سلیخه کندر دگر قسط تلخ عاقرقرحا مصطگی مقل ازرق حب
بلسان اشق میعه صبر سیسالیوس زراوند مدحرج زراوند طویل اکلیل الملک سعد قرنفل
بیخ سوسن آسمان جونی روغن بلسان هریکده درم علک البطم موم سفید هریک سی درم
انچه کوفتنی است بکوبند وانچه گداختنی است در روغن ناردین بقدر حاجت گداخته باد واها
کوفته بیخته در هاون بکوبند تا خوب مستوی شود ضماد فیثاغورث جهت استسقاء مائی اصفر
وضعف جگر ورحم وغیر آن مفید ص زوفاء رطب موم هریک بیست وچهار رطل زعفران
پیه بط پیه مرغابی هریک دوازده مثقال صبر اشق مصطگی میعه سائله مقل ازرق هریک مثقال
ضماد قابوس محلل اورام کبد است ص روغن [illegible] مصطگی روغن گل هریک دو درم مصطگی
زعفران حماما هریک چهار درخمی میعه موم هریکده درخمی شراب دو قبوطوطی وبهم بدستور ضماد
سازند ضماد فوطون جهت خشاوت جگر ومعده ص علک البطم نیم اوقیه مصطگی یک اوقیه
اصطرک دو اوقیه بیخ کوا ایر النخل شش اوقیه دروی روغن ناردین بقدر کفایه ضماد
تالیف والد شریف که برای حکیم علی نقی خان جهت ورم کبد تجویز نموده بودند ص لک
مغسول اسارون ریوند چینی قصب الذریره بیخ اذخر افسنتین از هریک دو درم مصطگی گل خطمی
عصاره مامیثا از هریک یکدرم سنبل الطیب مرمکی صبر از هریک سه ماشه گل بنفشه گل بابونه
هریک یک ونیم مثقال گل سرخ سه ماشه تخم کشوث دو مثقال بیخ خطمی یک ونیم مثقال
اکلیل الملک یک ونیم مثقال کوفته در آب عنب الثعلب سبز وقدری گلاب خوب ساینده

بر پارچه طلا نموده بر موضع ورم بچسپانند ضماد تالیف والد ماجد برای ورم دست وپا ص
زیرهٔ سیاه گل ارمنی سعد کوفی بابونه عنب الثعلب هریک یکمثقال مر صبر ریوند چینی اکلیل الملک
از هریک سه ماشه پشک خشک بز پشک گاو خشک هریک یکتوله بوره ارمنی دو ماشه کوفته
بیخته در آب حل کرده نیمگرم ضماد نمایند ضماد از شفائی جهت صلابت سپرز نافع ص مقل
دو درم اشق یکدرم آرد باقلا کرسنه آرد نخود حلبه اکلیل الملک بزرگ بابونه ترمس سنبل از
هریک پنجدرم انجیر زرد بیست وچار درم ادویه را کوفته وضموغ را باروغن بابونه گداخته بهم
آمیخته بر طحال ضماد نمایند ضماد که ورم جگر را نافع است ص آرد جو درسرکه خیسانید
تا مهرا شود پنجدرم طباشیر سفید فوفل سفید هریک پنجدرم افسنتین ورق گل سرخ صندل
سفید قصب الذریره شیاف مامیثا از هریک یکدرم کافور یکدانگ کوفته بیخته بر لته کتان
مالیده بر موضع گذارند ضماد قیروطی منقول از کامل حرارت کبد وقلب ومعده را تسکین
دهد ص موم سفید سه اوقیه روغن بنفشه روغن گل هریک دو اوقیه موم را در روغنها
بگدازند تا سرد شود پس در هاون انداخته بگلاب وآب برگ خرفه وآب
بستان افروز وآب کشنیز سبز وآب کاسنی وسرکه انگوری کم کم انداخته تسقیه
نمایند وبر خرقهٔ کتان مالیده بگذارند ضماد سقاطون تخم کشنیز عود صرف سقاطون
یعنی عود هندی یک یکدرم میعه سائله مصطگی افسنتین زعفران هریک دو درم رامک سماق هریک شش درم
دواها کوفته بیخته باروغن یاسمین سه استار موم سفید بیست درم روغن گل وبابونه هریک
پنج استار شل مرهم سازند واستعمال نمایند ضماد جهت گرمی جگر وذوسنطاریا کبدی از
شفائی ص گل سرخ صندل گلنار لحیة التیس گل ارمنی دانه مورد اجزا برابر کوفته بیخته
بگلاب سرشته بر موضع جگر ضماد نمایند ضماد منقول از قرابادین عم مرحوم در التهاب ورم
گرم جگر بکار آید ص گل بنفشه گل نیلوفر بابونه آرد جو صندل شیاف مامیثا فوفل بیخ خطمی
اکلیل الملک از هریک دو درم کافور دو دانگ زعفران یکدرم کوفته بیخته در قیروطی که از موم

و روغن سوسن سفید ساخته آمیخته بکار برند ضماد مفتح سده مفرع کبد ص سنبل الطیب اسارون
مصطکی هر یکی دو درم فراسیون بادام تلخ تخم کرفس نانخواه هر یک سه درم بابونه اکلیل الملک
بر بنجاسف هر یکی ده درم کوفته بخته با آب ازیانه وقت خلو معده ضماد کنند ضماد که در ورم جگر گرم
سود دهد از کامل الصناعه ص کافور مصطکی ساذج هندی هر یکی یک درم فوفل گل ارمنی هر یکی ده درم
نیلوفر بنفشه هر یک سه درم صندل سفید گل سرخ هر یک پنجدرم صندل سرخ نه درم کوفته بخته
با موم و روغن گل یا روغن نیلوفر ضماد سازند ضماد جهت درد که از سردی بود مفید است
ص زعفران دو درم حب بلسان عود بلسان مصطکی سنبل الطیب اسارون قسط سلیخه
هر یک سه درم اکلیل الملک صبر سقوطری شیح ارمنی افسنتین هر یک پنجدرم کوفته بخته با موم سرخ
و روغن سوسن یا روغن قسط آمیخته ضماد نمایند ضماد دیگر در ابتداء ورم جگر بکار آید ص به بخته
کوفته به آرد جو و گلاب بسرشند و هر گاه چند روز بگذرد و تحلیل احتیاج شود درین ضماد مصطکی بابونه
اکلیل الملک نیز اضافه نمایند ضماد جهت اورام بارد جگر و سپرز از مجربات قابوس است ص
سعه یکدرم صبر زرد زوفا هر یک سه درم مصطکی حماما زعفران اکلیل الملک هر یک چهار درم
اذخر حب بلسان هر یک شش درم اشق هفتدرم موم سفید ده درم با روغن سوسن و شراب
و سرکه کهنه ضماد کنند ضماد که ورم دبیله کبد را نضج دهد و انفجار نماید ص بابونه اکلیل الملک بیخ
بیخ خطمی پودینه انجیر مویز منقی خمیر پیاز بریان روغن خسکدانه مساوی ضماد نمایند ضماد که انفجار ورم
کبد کند ص مصطکی دو درم سرگین کبوتر بوره هر یک سه درم بابونه اکلیل الملک بنفشه خشک
هر یک پنجدرم بیخ خطمی آرد سلم غبار رحی از هر یک هفت درم حلبه تخم کتان تخم مرو خمیر پیاز نرگس
هر یکی ده درم دو اهار را خشک کوفته باد و آنرا نرم آمیخته روغن خیری و روغن بنفشه که قدری موم
دران گداخته باشند آمیخته ضماد کنند ضماد که در یرقان زرد سدی بکار آید ص رازیانه اکلیل الملک
بیخ خطمی کرنب شبت گل بنفشه افسنتین انجیر صبر مر همه را سائیده بروغن قسط یا روغن سنبل
چرب کنند و بر جگر نهند ضماد جهت یرقان سیاه مفید بود ص مقل پنجدرم اشق هشتدرم

ورم صلب رحم

یرقان زردی

یرقان سیاه

فقاح اذخر حاشا فو ماننا فنطوریون دقیق بیخ کنیز گل سرخ هر یکی ده درم مقل و اشق در سرکه
حل کنند و دادویه کوفته دران بسرشند و هر گاه ضماد بردارند موضع ضماد را بسرکه که دران شبت
و سداب پودینه بخته باشند بشویند و هر گاه با تپ و حرارت مزاج باشد بشربت های خنک
مثل آب عنب الثعلب و آب کاسنی با سکنجبین بخورند ضماد که جهت اسهال بارد و تقویت جگر
و معده بود ص کعک پنج مثقال فقاح اذخر شونیز سعد کوفی از هر یک چهار مثقال شب یمانی
دهم الاخوین نانخواه پوست اترج جاورس مرصافی کندر از هر یک دو مثقال با آب مورد سرشته ضماد
نمایند و هر گاه جهت تقویت معده و جگر استعمال کنند و اسهال نباشد هفت مثقال صبر داخل
نمایند و بجای آب به مورد روغن گل سرخ داخل نموده ضماد نمایند ضماد جاورس در قطع
اسهال مجرب است ص جاورس سه درم آرد جو پنجدرم گل سرخ برگ مورد کندر کنگ
هر یکی ده درم با آب به یا طبیخ او بسرشند و ضماد سازند ضماد جهت اسهال صبیان مجرب است ص
زرور و برگ آس زیره کشنیز کندر پوست انار ترش کوفته بخته با آب به یا آب
سماق ضماد کنند ضماد که درد بواسیر بنشاند مجرب است ص حلبه تخم کتان هر یک سه درم
گل خطمی گل بابونه اکلیل الملک هر یک چهار درم عدس مقشر ده درم مجموع بخته
به زرده تخم مرغ و روغن بنفشه آمیخته استعمال نمایند ضماد که بواسیر و شقاق مقعد و قرحه
آنرا و اسهال بواسیر و خون حیض را سود دارد و درین باب مجرب نوشته اند ص سفیده
ارزیز حضض موم هر یک جزوی گل خطمی مقل هر یکی دو جزو روغن گل پنج جزو روغن
بزرگ هفتاد جزو بکوبند و روغن ها بجوشانند تا به نصف رسد پس صاف نموده بکار برند
ضماد برای خروج مقعد که ورم باشد مفید آید ص عدس مقشر قشور رمان جفت بلوط
جوز السرو از هر یک یکجزو همه را در آب آس نیکوئی بجوشانند و بالای آن روغن گل انداخته
در ظرف نگاهدارند وقت حاجت ضماد کنند ضماد برای اورام مقعد حار ص برگ بنفشه
تازه کوفته بر تابه بریان نموده بعد از ان در مسکه یا در روغن گل آمیخته ضماد نمایند ضماد

بواسیر شقاق مقعد

خروج مقعد

کرو جع رحم و بواسیر را ساکن گرداند ص زعفران افیون بزر البنج پیه مرغ از هر یکدو درم خطمی
از هر یک پنجدرم زرده تخم مرغ نیم پخته یک بیضه بروغن استخوان زردآلو ضماد کنند ضماد که خنگم بہبند ص اقاقیا
دم آمله کندر سعد اذخر سنبل مصطگی از هر یک پنجدرم کنگر ه درم کوفته و بیخته باب به نیم
کنند ضماد که قروح مقعد را نافع است ص افیون زعفران از هر یک نیم دانگ مردار سنگ
یکمثقال سفیداب ارزیر پنجدرم روغن گل پنجدرم ضماد سازند چنانچه رسم است ضماد که
بواسیر ص تخم خسم کنند تا بزرگ سفل ازرق از هر یک پنجدرم بروغن سرشته ضماد نماید
ضماد که اسهال صفراوی را نافع ست ص برگ مورد گل سرخ گلنار صندل مازو آمله لادن
حضض اقاقیا مساوی کوفته بیخته باب برگ مورد سرشته بر شکم ضماد کنند ضماد که بزلق الامعا
نافع ست ص لادن سعد کوفی مصطگی قصب الذریره اذخر مرزنگوش تمام از هر یک پنجدرم
عود جوز بوا قرنفل از هر یک نیم کوفته بیخته باب مورد ضماد کنند ضماد که درد بواسیر را بنشاند ص
مقل کوهان شتر مغز ساق گاو مغز استخوان زردآلو میعه زرده تخم مرغ مساوی در روغن گل
روغن گاو که پیاز دران جوشانیده باشند حل کنند ضماد نمایند و پیاز
بروغن گاو بریان کرده نیز ضماد نافع ست ضماد که بواسیر و درد مقعد
و زحیر را نافع ست ص مغز ساق گاو ده درم موم سفید سه درم اقاقیا دم الاخوین کندر
هر یک نیمدرم مردار سنگ اسفیداج ارزیر هر یک یکدرم و نیم مقل یکدرم افیون دو دانگ
روغن گل بیست درم بطریق معهود ضماد کنند ضماد که جساده مذاکیر و ورم مثانه و استرخای عضلات
را نافع ست ص مصطگی ربع درم پیه بط دوازده درم مغز ساق گاو موم سفید روغن گل از
هر یک شانزده درم مصطگی سائیده موم را در روغن گداخته و پیه مغز داخل کرده بکار برند
ضماد که مرض ذیابیطس اسود دهد ص برگ بید برگ خرفه حی العالم اطراف رز بزرگ
آرد جو کر و روغن گل درهم آمیخته بر پشت ضماد نمایند و بر بغوله ران نهند ضماد دیگر برای آن
کار ص مازو یکدرم عصاره لحیة التیس لادن رامک هر یکدو درم اقاقیا چهار درم کوفته

باب مورد تر سرشته ضماد نمایند ضماد که در ورم صفراوی کلیه که با سوزش موضع و
تشنگی باشد بکار آید ص موم سفید روغن گل گلاب روغن بنفشه بادام آب کشنیز تر آب
برگ خرفه سرکه با هم آمیخته خرقه بدان تر کرده نهند ضماد که انضاج ورم کلیه سفید بود ص
گل بنفشه اکلیل الملک کشد انگ تخم شبت حلبه آرد جو هر یکده درم همه را نیمکوفته بروغن
بابونه سرشته ضماد کنند ضماد بجهت انفجار ورم مفید است ص آرد کرسنه سرگین کبوتر
گرد آسیا بهمراه ادویه منضجه استعمال نمایند ضماد که در ورم صلب کلیه بکار آید ص اشق مقل
علک البطم هر یک سه درم تخم خطمی تخم خبازی شبت هر یک چهار درم تخم کتان حلبه هر یک
پنجدرم صمغ ها را در آب گرم حل کنند و دیگر دار و ها را کوفته بیخته سرشته ضماد کنند ضماد که تحلیل
ورم کلیه کند ص آرد گندم نیم پخته برگ حلبه برگ کلم بیخ مهک خطمی شبت بابونه عسل و روغن بنفشه
بپزند و ضماد کنند و اگر پیه بط و پیه مرغ خانگی اضافه کنند بهتر بود ضماد که هرگاه جراحت کلیه از ریم
پاک شود بکار آید ص رامک دو دانگ اقاقیا گل سرخ حضض گلنار شیاف ماميثا هر یک
آرد جو کعک بریان هر یک سه درم و اگر فراج احتیاج کند یکدرم کندر را اضافه کنند و باب برگ
مورد بکار دارند ضماد که در بول الدم کلوی مفید است ص [illegible] سبب
کوهی حب الآس تخم خشخاش پوست خشخاش کوفته با عصاره برگ مورد سرشته ضماد
کنند و اگر اقاقیا و گلنار و سماق اضافه شود انفع بود ضماد که حبس بول الدم کند ص گل
مختوم صمغ عربی تخم خرفه کثیرا گل سرخ گلنار شاخ گوزن سوخته لحیة التیس هر یکدو درم مازو
یکدرم کوفته بیخته باب مورد ضماد سازند ضماد که چون بر عانه نهند ادرار بول کند ص سداب
پودینه برنجاسف سنبل مرزنجوش مرطبه تمام خطمی شلغم برگ ترب شبت بابونه شبت کرنب
همه را در آب بپزند و در طبیخ وی مریض را بنشانند و ثفل بر عانه ضماد نمایند ضماد که در عسر البول
از جهت تقطیر حمی ن ز مثانه باشد بکار آید ص تخم کرفس تخم خیار از هر یک پنجدرم حب الغار شب یمانی اکلیل الملک حلبه آرد جو
نخود سیاه یکده درم کوفته بطبیخ کرنب سرشته روغن بلسان یا روغن سوسن داخل نموده ضماد نمایند ضماد که در عسر البول

معده و مثانه باشد بکار آید ص برگ کلم برگ چقندر حلبه اکلیل الملک بابونه آرد باقلا آرد جو آرد نخود پیاز قدری پخته قدری سرگین کبوتر داخل کرده با روغن زیت ضماد کنند ضماد برای بول الدم ص اقاقیا صندل سرخ خرنوب نبطی پخته بآب سماق و خرفه ضماد نمایند ضماد دیگر هم هدس قشر خشخاش حب الآس اقاقیا سماق عصاره برگ آس مرکوفته پخته در آب سیب با سرکه آمیخته ضماد نمایند ضماد بجهت بول الدم که بسبب جراحت باشد ص طین ارمنی صبر مر حضض اقاقیا کوفته پخته در گلاب و سرکه آمیخته ضماد نمایند و در آبزن قابض نشینند ضماد بجهت حصاة مثانه از والد علویخان مرحوم ص سنگ سر ماهی حجر الیهود برگ حنا پر سیاوشان بزر نجاسف بیضه سنگ پشت خشک تخم بطیون جعده سیب تازه اقحوان کوفته بآب رازیانه تازه سرشته روغن عقرب روغن خسک داخل کرده نیمگرم بر عانه ضماد کنند ضماد دیگر از حکیم مذکور که همین نفع دارد ص رماد عقرب حجر الیهود سنگ سر ماهی فرو ماناحاشا برگ حنا کافیطوس کماذریوس بیضه سنگ پشت مغز آسته آلو بالو گل سرخ گل خطمی کوفته بآب سیب تازه آب رازیانه تازه آب عنب الثعلب سرشته روغن خسک و روغن سداب داخل کرده نیمگرم ضماد نمایند ضماد جید از برای ورم حار مثانه مستعمل بعد از اول زمان ابتدا ص نان میده گندم مقشر کوبیده شیر تازه دوشیده و با روغن بنفشه و روغن بابونه سرشته ضماد نمایند ضماد نافع برای ورم بارد صلب مثانه منقول از اختیارات ص پیه مرغ مغز ساق گاو مقل ازرق را تا پنج مجموع را در روغن کنند و آنگرم می بپایند و جمله را نیک بسایند چون مرهم شود پیوسته از وی بر مثانه مالند و از غذا سرد و گران پرهیز ضماد که هر گاه با قرحه مثانه ورم و حبس بول بود سودمند است ص آرد جو گل خطمی سفید کوفته بآب عنب الثعلب روغن گل سرشته بر مثانه و پشت زهار ضماد کنند ضماد که تقویت باه کند ص بگیرند پیاز نرگس عنصل از هر یک یکدرم در شیر میش جوان یک روز حل کنند بعده این ادویه در زهره گاو یک شبانروز کهرل نمایند ادویه اینست مویزج دارچینی جند بیدستر فرفیون عاقرقرحا بیج اجوائن تخم کتائی خورد

تخم بزرگ مبل گونس زفت رومی جوز شک خشک خراطین از هر یک دو توله الپیوان با لنگلی زرنیخ از هر یک یکتوله ضماد نمایند ضماد که بجهت ان قضیب اسود دار ص زعفران یکدرم مرده درم قسط زراوند افیون هر یک سه درم علک الانباط زفت میعه سایله هر یک پنجدرم علک و زفت و میعه را در روغن گل حل کنند و مر و زعفران را در شراب و همه را بیامیزند و ضماد ضماد که ورم بارد قضیب انافعت ص آرد خسته خرما و جزو خطمی بگیرند در سرکه ضماد کنند ص که در آخر این ورم بکار آید برگ کلم حلبه پخته بکوبند آرد باقلا مویز دانه بیرون کرده زیره کرمانی در شراب پخته خاکستر دانه خرما خطمی سفید در هم آمیخته ضماد کنند ضماد از برای ورم بارد خصیه و تغییب ص تخم فنجنگشت پنجدرم آرد نخود آرد باقلا هر یکده درم پیه بط پیه گوساله روغن زیت روغن سوسن هر یک یک اوقیه مویز منقی پانزده درم باهم مخلوط کرده ضماد کنند ضماد که در علاج فتق بعد از آنکه روده و ثرب بموضع خود گردانیده باشند ضماد کنند تا عضو بر هم کشند و مجری تنگ شود ص اقاقیا صبر عصاره لحیة التیس مر انزروت کندر مصطگی پوست انار اقماع انار ترش مازو سبز سماق گلنار برگ مورد شب یمانی صمغ عربی طراثیث سریشم ماهی سریشم کفشگران بعضی با مجموع ضماد سازند و اگر ادویه ناشفه داخل این کنند و مثل جوز السرو و برگ سرو و همچنین ادویه که نفخ کم میکند مثل ابهل و ریزه اضافه نمایند و ادویه نرم کننده و تقوی زفت رومی و علک البطم و تربیج و مقل افزوده شود هر آینه ضماد مذکور در افعال خود بی نظیر خواهد بود ضماد دیگر اندرین باب مفید بود ص انزروت سماق شادنج اقاقیا مازو قشنیا کرنب مغناطیس شب یمانی کندر ذکر صدف هر یکده درم مر جوز السرو هر یک پانزده درم موم سفید پنجاه درم موم را در روغن مورد بگدازند و ادویه کوفته پخته در ان حل کنند و ضماد نمایند ضماد که اندرین باب مفید است ص مصطگی کندر مامیثا گلنار دم الاخوین سریشم ماهی همه مساوی سریشم در آب عنب حل کنند و ادویه کوفته پخته با آن ترتیب دهند ضماد را فتق کودکان ص سماروغ خشک کوفته با سریشم ماهی گداخته سرشته بر موضع نهند ضماد که قیلة الماء سود دارد ص

زیره کرمانی ترمس سوخته شحم حنظل صبر سقوطری قثاء الحمار هر یک یکدرم آرد جو لشنگ گوسفند
کهنه گل ارمنی سرگین گاو خشک هر یک دو درم کوفته بیخته بسرکه ضماد کنند ضماد که تسکین وجع رحم
و بواسیر کند ص زعفران افیون بزر البنج پیه مرغ هر یکدو درم خطمی تخم کتان هر یک پنجدرم زرده
بیضه مرغ نیم پخته یکعدد بروغن خسته زردآلو ضماد نمایند ضماد که در زبان دنبل و آثار جمع ظاهر
شدن بکار آید ص حلبه کوفته بآرد گندم در شیر تازه پخته قدری سرگین کبوتر اضافه کرده ضماد
نمایند ضماد که در ورم صلب رحم بعد از فصد باسلیق و استفراغ استعمال شود ص مرهم داخلیون
و باسلیقون با پیه بط و مغز ساق بز کوهی و مسکه سفید بگذارند و مقل ازرق حل کرده بآن بیامیزند
و روغن نرگس اضافه کنند و ضماد نمایند و با پشم تازه باو پر کرده بگیرند و اگر روغن نرگس نباشد روغن
سوسن روغن شبت روغن قیصوان روغن سلیخه بالجمله هر چه ازینها موجود باشد عوض آن کنند ضماد جهت
سیلان طمث که بسبب کشادن سر رگها باشد ص خرمای خشک بسر ترش پوست انار بلوط
برگ زرشک برگ درخت مصطگی گلنار جفت بلوط اقاقیا عصاره لحیة التیس حب الآس
لادن کوفته بیخته بآب برگ مورد بر شکم و زهار و پشت و هند نهند ضماد که استحاضه زنان باشتیر
آبستن ببندد ص عدس مقشر پوست انار ترش برگ مورد خشک مازو هر یک جزوی کوفته
بیخته بخل خمر سرشته بر پشت و زهار ضماد کنند ضماد دیگر همین خاصیت دارد ص صبر شب یمانی
هر یک پنجدرم سعد گل افسنتین گلنار لادن عدس مقشر پوست انار ترش مازو هر یکده درم خرما قصب سی درم
خرما را در شراب بجوشانند تا نرم شود و لادن را در روی بگذارند و خوب بیامیزند و داروهای دیگر را
کوفته بیخته بدان لبرشند و بر پشت و زهار بر بندند ضماد جهت زنان حامله که چون خون بینند
نفع کند ص کزمازج پوست انار گلنار بسرکه بپزند و بر زهار ضماد کنند و اقراص کهربا و امثال آن
بنوشند ضماد که اختناق رحم را نافع است ص علک الانباط مصطگی سنبل هر یک دو درم
فلفل سلیخه شونیز پودنه کوهی هر یک پنجدرم شهدانج عاقرقرحا هر یک هفتدرم روغن سوسن
روغن شبت اکلیل الملک هر یک بیست درم علک مصطگی با روغن بگذارند و ادویه دیگر

کوفته بیخته با هم لبرشند و شکم و ناف و زهار و تهیگاه و کمرگاه و استخوان سرین بدان ضماد کنند
ضماد که بچه را بلغزاند ص شحم حنظل برگ سداب قسط هر یک سه جزو بزهره گاو سرشته بر ناف
و زهار ضماد کنند ضماد که در دشواری زادن بکار آید ص تخم کتان بکوبند و در ماء العسل
و روغن کنجد بجوشانند و بر زهار و تهیگاه نهند ضماد مقوی منقول از بیاض عم مرحوم ص
شحم اسد میل گوش آدمی خراطین پوست بیخ کبر سفید روغن گاو دواده بار اکوفته در سه روغن
شحم علایه نمایند وقت حاجت بکار برند ضماد که از جهت فتق نافع باشد ص جوز السرو پوست انار عفص
از هر یک ده درم شب یمانی گلنار قشور کندر از هر یک پنجدرم همه را کوفته در شراب خالص بجوشانند
داس آس و دقیق باقلا انداخته خلط نمایند و ضماد کنند و ببندند و اگر فتق از نازل شدن امعاء در کیس خصیه
باشد پس باید که برای آن لجام از چرم سازند و لیکن اول در آبی که در آن کزمازج و جوز السرو
جوشانیده باشند نطول کرده بروغن خلاف تدهین نموده بعد از آن ضماد نمایند و چرم ببندند
ضماد نافع برای فتق ص جوز السرو دو درم مغاصمغ عربی مازو مرزنگوش اقاقیا کندر از هر یکدرم
کوفته بیخته بشراب کهنه ضماد کنند ضماد رادع در ابتداء اورام حاره و خصیه مستعمل بعد از تنقیه
تالیف والد حلو یخان ص صندل سرخ گل ارمنی شیاف مامیثا حضض یکی بوش در بعدی
طین قیمولیا طین ساموس حجر الیهود سنگ سرماهی آرد باقلا عنب الثعلب آب برگ حنا
آب کاسنی آب کشنیز تازه آب کاهو آب کوکنار سبز آب کدوی تازه سرشته ضماد نمایند
و اگر در آخر زمان تزاید درین ضماد بیضه سنگ یشب و گل بابونه و اکلیل الملک داخل
کنند بهتر است ضماد رادع جهت اورام حار قضیب ص گل سرخ عدس مقشر گلنار
فارسی پوست انار آرد جو از هر یکدو درم بآب پخته روغن گل داخل کرده ضماد نمایند ضماد
نافع برای فتق ص جوز السرو کزمازج شب یمانی گل سرخ آس گلنار عفص قنّار
کندر جفت بلوط اقماع الرمان خبث الحدید صبر باقلاغی السمک از هر یک جزوی
کوفته و صمغ دخنی اگداخته با ادویه دیگر مخلوط ساخته بر موضع فتق و سره داشتن ضماد

نمایند و بلجام محکم ببندند ضماد را اوع که قوت نضج هم دارد بجهت اورام حار خصیه ص آرد
جو آرد عدس آرد کرسنه گل خطمی گل بنفشه کوفته مجموع را باب عنب الثعلب تازه آب
کشنیز تازه آب مائیشا تازه لبمر که و گلاب سرشته بر خصیه ضماد نمایند ضماد محلل که بجهت تحلیل
اورام حاره قضیب و انثیین که درد و سوزش داشته باشد مفید است ص گل بنفشه
گل خطمی سفید از هر یک پنجدرم خار خسک قیصوم از هر یکدو درم بابونه اکلیل الملک از
هر یک چهار درم برگ نیلوفر یکدرم و نیم همه را کوفته آب کاسنی تازه سرشته ضماد نمایند
ضماد دیگر محلل قوی ص مویز دانه بیرون کرده ۸ اوقیه فلفونیا شش اوقیه خبث الفضه
زیت عتیق از هر یک چهار اوقیه موم دو اوقیه خبث الفضه را نرم سائیده با زیت
بپزند تا زیت قوام بهم رساند پس موم و فلفونیا که یونانی راتینج است دران انداخته صبر کنند
که گداخته شود پس از آتش برگیرند و بگذارند و نیم گرم بمالند پس مویز و زیره کوبیده را داخل
کرده چهار اوقیه آرد باقلا نیز بیامیزند ضماد محلل ورم بارد و ریح که در خصیه پیدا میشود ص
شونیز نخود سیاه از هر یک یکجز در ماد عقرب نیم جز مجموع را سائیده خمیر کرده ضماد نمایند
ضماد بجهت اورام بارده انثیین و قضیب ص برگ کلم نیم من انجیر زرده عدد آرد حلبه بابونه
مویز دانه بیرون کرده از هر یکده درم در قدری آب بپزند و روغن داخل کرده ضماد نمایند
ضماد جید که در این باب اقوی است ص مقل ازرق اشق پیه بط پیه مرغ خانگی پیه
کوهان شتر مغز ساق گاو بابونه اکلیل الملک حلبه بدستور مرتب ساخته استعمال نمایند ضماد
که اماس خصیه و سختی آنرا سود مند بود ص بابونه اکلیل الملک قیصوم از هر یک هفت درم
گل بنفشه گل خطمی از هر یک چهار درم گل سرخ دو مثقال و نیم کوفته بیخته بلعاب بزر کتان
یا لعاب تخم مرو سرشته ضماد نمایند ضماد که منع بزرگ شدن خصیتین کند ص طین قیمولیا
سفید آب ملمی از هر یکدو درم خشب یمانی تازه سنبر از هر یک نیمدرم کوفته بیخته بعسل و روغن
گل سرشته چند مرتبه ضماد نمایند ضماد محلل که همین نفع دارد ص مویز دانه بیرون کرده موم زرد

پیه مرغ یا پیه کرده بز از هر یک ده درم زرده تخم مرغ یکعدد مصطکی نیمدرم اجزا را سوای مویز درهم
گداخته مویز را داخل کرده در هاون بمالند تا هموار شود ضماد نمایند ضماد بجهت اعوجاج
ذکر که بسبب تشنج امتلائی باشد بعد از تنقیه سفید آید ص زعفران یکدرم مرمکی دو درم قسط
تلخ زراوند فرفیون از هر یک سه درم علک الانباط رومی میعه سائله از هر یک پنجدرم علک
و زفت را در روغن گل سرخ یا روغن نرگس بگدازند و مر و زعفران را در شراب حل کنند
و باقی ادویه را کوفته بیخته و مجموع را درهم بیامیزند و در هاون بدسته بمالند تا چون مرهم شود
ضماد نمایند ضماد برای انکسار قضیب ص بگیرند لعاب بغدادی و صبر سقوطری مرمکی
اقاقیا مجموع را نرم کوبیده از سفیده تخم مرغ سرشته ضماد نمایند چون قضیب راست
کرده بگیرند این ضماد را بعمل آرند حضض مکی گلنار فارسی عفص بریان جوز السرو اجزا
مساوی و گاهی اضافه کرده میشود تخم رمان پوست آن پس ادویه را نرم کوبیده بلعاب
بزر قطونا بسرشند و اگر قدری سرس داخل کنند پس سخت و مضبوط خواهد بود موضع
کسر را و گاهی اختیار میکنند این ضماد قلقطار محرق طین قیمولیا طین مختوم اجزا مساوی
کوفته باب عصی الراعی یا آب حی العالم سرشته بر قضیب ضماد کنند پس اگر نیک شود
مجری بول باید که بچکانند در احلیل روغن گل سرخ بجهت آنکه نرم میکند و مجری را گشاده
میگرداند آنرا و باید که صاحب این مرض اقتصار کند از غذا بر فروره و طعامی سیال
حقیقت ضماد برای فتق که دستور العمل است از برای طبیب در علاج فتق ص حضض
مکی ریوند چینی عصاره لحیته التیس از هر یک نیمدرم مازو سنبر سوخته گلنار فارسی جوز السرو
کندر راتینج از هر یک یکدرم طین قیمولیا طین قبرسی خرنوب نبطی پوست انار حب الاس
برگ مورد از هر یکدو ثلث درم صبر سحاق اقاقیا اسراس غراء السمک از هر یک یکدرم و نیم شیاف ماشیار
مشک چینی دوای است که از چین می آرند و شبیه براک است برگ علیق و عناب
درخت زنار از هر یک دو درم مجموع را کوفته بگذارند و آنچه قابل گداختن باشد پس مجموع را

باب علیق و آب برگ زروانہ گی شراب عفص قابض سرشتہ ضماد نمایند بر موضع فتق و خصیہ
بدانکہ بپیچید و قبض کنند و اگر خوب بپیچید باید کہ سریش و بریشم ماہی راز یادہ کنند و بآن قدری
تیز اضافہ کنند و واجب است کہ اقبال کنند بمعالجہ این و تساہل ہرگز نورزند کہ خوف ہلاک است
خصوص فتقی کہ بودہ باشد فتق درد و جانب ضماد دفع سستی کمر و سرعت انزال کند ص مقل
ازرق دو مثقال باب برگ مورد تازہ و گلاب خیسانیدہ بدستہ بمالند تا ہموار شود صندل
سفید فوفل سک المسک از ہر یک یکمثقال جدوار خطائی دو دانگ کوفتہ بیختہ داخل کردہ
بارچہ کرباس آب ندیدہ انداختہ بر کمر بچسپانند ضماد کہ مفید است از برای بسیاری احتلام
بسبب آن ضعف ماسکہ اوعیہ منی باشد منقول از خط والد علویخان ص صندل سفید عود
عود صلیب سک المسک رامک بوش در بندی اقاقیا قسط تلخ وج ترکی کوفتہ باب مورد
سرکہ و گلاب سرشتہ روغن قسط و روغن گل سرخ بآن ممزوج کردہ ضماد نمایند ضماد عجیب از برای
فتق ص قشار کندر مصطگی جوز السرو غری السمک از روت از ہر یک برابر غری السمک در خل
گداختہ با دیگر ادویہ جمع نمودہ ضماد کنند ضماد مقوی باہ از حکیم محمد جعفر اکبرابادی ص جند بیدستر
مصطگی از ہر یک تولہ قسط شیرین یک و نیم تولہ تخم ترب سہ تولہ روغن زیتون بیست و پنج تولہ
کہرل نمودہ استعمال نمایند ضماد کافور ص کافور پوست بیخ کبر بین پہل قرنفل کوفتہ بیختہ در
عسل آمیختہ ضماد نمایند بپشت کہ امساک خواہد کرد ضماد مقوی و ممسک ص خاکستر
پوست فیل ہشت درم پیہ خوک از ہر یک چہار درم زہر مہرہ بیخ کنیر سفید جوز بوا عاقرقرحا
از ہر یک نیم دانگ کہرل نمودہ استعمال کنند ضماد برای ورم بار د خصیہ ص گیرو سونٹھ بنولہ
کنجد سیاہ جملہ را برابر کوفتہ بابول مادہ گاو بیختہ نیمگرم ضماد نمایند در سہ روز ورم و صلابت تمام
بطرف شود ضماد مجرب برای ورم خصیہ کہ غیر حار باشد و صحیح بود ص مغز بید انجیر زیرہ کرمانی
گل بابونہ اکلیل الملک باقلا آرد جو قرنفل برگ قنب از ہر یک یکجزو مویز منقی حلبہ از ہر یک
نیم جزو ضماد نمایند ضماد برای سبز نمودن حسن حفیف نفاس ص حنا دو حصہ خنطیانا یک حصہ

بیختہ در آب سرشتہ بر کف پا و دست ضماد نمایند منقول از مجربات عم مرحوم ضماد بجہت رفع
خصیتین کہ بسبب ورم نباشد بلکہ بطریق تسمین خصیتین بود و بکار آید ص بیخ شوکران حکاکہ حجر المس حکاکہ
حکاکہ حجر الرحی طین قیمولیا و سفیدہ و آب کشنیز و گلاب بقدر حاجت ضماد برای ورم صلب حجم برگ
ضماد نمایند نفع کلی میکند و مکرر بتجربہ رسیدہ ص شیر شتر شیر میش روغن بید انجیر ہر یک آثار
بہم مخلوط نمودہ بر آتش بپزند تا منعقد گردد و بعد از ان زنجبیل یک تولہ تا نخواہ یک تولہ کوفتہ
بیختہ بآن ممزوج نمایند ضماد برای ورم مزمن خصیہ کہ راقم بجہت مولوی وجیہ الدین مرتب کردہ
ص گل خطمی بیخ خطمی کنجد سیاہ تخم کتان حلبہ اکلیل الملک آرد باقلا از ہر یک چہار ماشہ
گل بابونہ زیرہ سیاہ مقل ازرق اشق میعہ سائلہ از ہر یک سہ ماشہ پیہ گردہ بز ہر یک دو تولہ
روغن گل چہار تولہ سنبل الطیب دو ماشہ بدستور مرتب نمودہ ضماد نمایند ضماد برای جا ق
ص کچلہ دو سیر شیرہ برگ چنبیلی دو جزو جوز القی زرنیخ سرخ ہر یک جزو روغن کنجد دو جزو ہمہ
ادویہ را کوفتہ بیختہ با شیرہ و روغن انداختہ تا دو پاس کہرل نمایند و وقت حاجت بکار برند
مجرب است ضماد مقوی باہ ص بیر بہوٹی سہاگہ تیلیہ مغز گہونگچی سفید شیر اگہہ از ہر یک شش ماشہ
روغن کنجد نیم پاو کہرل نمودہ استعمال نمایند ضماد بجہت مفاصل گرم و نقرس بغایت مفید
است ص صندلین اکلیل الملک ہر یکیدہ درم شیاف مامیثا پنج مثقال اقاقیا دو درم زعفران
یک درم افیون بیخ لفاح یکمثقال و نیم بآب کشنیز سبز ضماد نمایند ضماد بجہت نقرس بغایت
مجرب است ص مرزنجوش گل خطمی اسپغول آرد جو سورنجان بالسویہ با زردہ تخم مرغ و روغن گل
ضماد نمایند و اگر قدری زعفران و افیون اضافہ کنند اثرش قوی تر گردد ضماد سلیمانی جہت درد
مفاصل مزمن مجرب است ص دار اشکنہ کہ سلیمانی نامند زیبق ہر یک سہ مثقال بآب دہن
ترکنند تا سیماب کشتہ شود و صابون دہ مثقال در آب حل کردہ اضافہ کنند ضماد درد جہت
مفاصل کہ قریب بتجر باشد مجرب است ص مغز تخم بید انجیر سہ جزو و روغن تازہ کاذی
عسل ہر یک جزوی بعد از سحق مجموع سرگین خشک گاوی سائیدہ آنقدر کہ غلیظ سازد

ضربان مفاصل

اضافه کرده نیمگرم استعمال نمایند ضماد پاچه که جهت تسکین ضربان مفاصل و درد سر ضربانی مجرب است ص مغز استخوان پاچه ده روغن گل پنج فرفیون یک زعفران سه ضماد مفاصل گرم کرده در وقت هیجان تسکین الم نماید ص افیون زعفران بالسویه با شیر سائیده بر روغن گل سرخ ضماد نمایند ضماد که در تسکین درد مفاصل حاره و بارده مجرب است ص حلبه با آب و سرکه با هم طبخ نمایند تا مهرا شود و عسل همچندان حلبه اضافه کرده بجوشانند تا غلیظ گردد و نیم گرم ضماد کنند درد اعضا اگر بسبب ریاح و بواسیر بهم رسد و برای کزاز مجرب است ص فلفل دو جزو قاقله نوشادر یک جزو زنجبیل یک سورنجان یازده روغن گردگان بیست موم زرد پنج ضماد که در تسکین وجع مجرب است ص لب خبز سمید افیون بالسویه بشیر گاو ضماد نمایند و چون نیمگرم شود تبدیل کنند ضماد که نقرس بارد را سود دهد و بقایای اورام بارد را تحلیل دهد ص مقل کندر بزرگ اشق کوفته بشراب ضماد سازند ضماد که نقرس و اورام حاره را نافع بود ص صندل سرخ عدس مقشر فوفل شیاف مامیثا گل ارمنی کوفته بیخته بگلاب و آب کاسنی ضماد کنند ضماد که عرق النسا و وجع الورک را نافع باشد ص پوست بیخ کبر فودنه کوهی عاقرقرحا از هر یک ده درم عصاره قثاء الحمار حب الغار از هر یک درمی زفت پنج درم زفت را در روغن زیت بگدازند و باقی ادویه را کوفته بشراب عسل ضماد کنند ضماد که جمیع اقسام وجع مفاصل را نافع بود ص بابونه خطمی اکلیل الملک از هر یک پنج درم اشق جاوشیر مقل از هر یک ده درم موم سرکه از هر یک پنج درم روغن شبت بیست درم ضماد کنند چنانکه رسم است ضماد که نقرس مرکب را سود دارد ص جوز السرو تخم مرو سفاث تخم خطمی آرد جو سورنجان مساوی بروغن گل و زرده تخم مرغ ضماد کنند ضماد اسبغول جهت اورام حاره مفاصل و ورم قرح و کنج ران و قضیب و سایر اعضا از مجربات است ص اسبغول لو کنار بالسویه کوفته بیخته با آب بریزند تا مهرا شود روغن گل بقدر حاجت آمیخته بر نهند و احسن آنکه اگر تسکین حرارت بیشتر مطلوب باشد اسبغول را ناکوفته همچنان ثابت داخل نمایند زیرا که آب باطن او گرم است و از کوفتن اثر آن بروز می کند و ناکوفته تبرید می نماید و اگر انضاج ام

درد پشت

باشند کوفته بعسل آرند ضماد مخدر و مسکن ص زعفران کافور هر یک نیم مثقال کعک حنا هر یک دو درم عدس مقشر سه درم ماش گل سرخ اصل السوس گل نیلوفر هر یک پنج درم بنفشه طحلب خطمی هر یک هفت درم کوکنار با تخم هشت عدد کوفته بیخته با روغن گل سرخ روغن بنفشه روغن نیلوفر بقدر حاجت زرده بیضه پنج عدد سرشته ضماد کنند ضماد جهت کوزی پشت که از باد باشد مسیحی گوید که این را آزموده ایم مجرب است ص فرفیون درمی مرصافی قسط قصب الذریره هر یک ده درم موم سفید یک اوقیه روغن نادرین چندان که باید همه را بسایند تا چون مرهم شود ضماد که درد پشت را زائل کند ص مقل ازرق اشق جاوشیر سکبینج جندبیدستر فرفیون بالسویه در روغن سوسن روغن حب الغار یا روغن سداب حل نموده ضماد نمایند ضماد بعد از تنقیه و رغیباب مفید است منقول از بیاض عم مرحوم ص برگ حنای سبز را شیره کشیده نیله تهو ته را در آن خیسانیده و صابون را نرم کوفته با آب سائیده با هم سرشته نیم گرم ضماد نمایند ضماد که ماده را بطرف ظاهر جذب کند و تحلیل نماید ص تخم سداب بری حب الغار انجدان نطرون بیخ ارمنی فرودمانا تخم حنظل نانخواه جاوشیر اسارون کنگر زد استار و نصف کبریت استار کوفته بیخته در آب آمیخته ضماد نمایند و بگذارند تا آنکه خود بخود ساقط گردد ضماد جهت وجع ورک مجرب است ص حرف دردی سرکه بوره ارمنی مویز بیخ عاقرقرحا کوفته بیخته بر ورک ضماد نمایند ضماد که عرق النسا را دفع کند ص خردل سرگین کبوتر مساوی نرم بکوبند و بطبیخ انجیر یا شیر انجیر بسرشند و ضماد کنند تا ریش کند و چند روز بگذارند تا ماده پاک گردد ضماد مجرب حکیم کمال الدین حسین جهت درد مفاصل و عرق النسا و وجع ورک بارد ص لشکل نبر سرخ یکرنگ را که چند روز او را دانه حلبه خورانیده باشند و با روغن سداب و زیتون حل کنند و اگر روغن مذکور موجود نباشد بدل آن روغن بید انجیر کنند و قدری آب سرکه بجوشانند که چون مرهم شود بعد از آن بموضع وجع ضماد کنند و برگهای بید انجیر بروغن مذکور آلوده بر بندند و صبح بحمام رفته بشویند ضماد برای وجع مفاصل حار ص سورنجان رسوت شیاف مامیثا روغن بابونه یا روغن گل سرکه برابر با هم مخلوط

نموده ضماد نمایند ضماد بجهت ثالیل مجرب ست واز بیخ بر کند ص زرنیخ زرد سوده آهک آب
ندیده گوشت موذیرا بکوبند وضماد کنند وسه روز متصل بگذارند تا از بیخ بردارد و اگر بقیه مانده باشد
دیگر باره همین ضماد کنند ونهادن آهک و اشخار همین عمل کنند ضماد جهت جرب از شرح حکیم علی
ص زنگار یکدرم حنا دواوقیه هر دو را سائیده بروغن کتان خمیر کرده بر هر دو دست و هر دو
پا صاحب جرب خضاب کرده بخوابد صبح بشویند دریک و نیاک شود ضماد دیگر جهت جرب طب
ص مغز بادام تلخ سنا مکی مرداسنگ هر یک سه درم کنجد ده درم ببرکه در روغن گل ضماد کنند
ضماد جهت خنازیر که بی حرارت بود و برای سلعه بغایت مجرب است ص سکبینج سه درم مقل
چهار درم حلتیت اشق از هر یک پنجدرم جاوشیر فرفیون از هر یک هفتدرم قنه ده درم
جمله را در سرکه حل کرده ضماد کنند ضماد که تلیین وتحلیل ماده خون و بجذب خون و تسخین موضع
باعتدال کند ص زنگار دو درم تخم حلبه سه درم ترمس تلخ خاکستر چوب انگور هر یک پنجدرم
زوفاء تر سرگین گاو خشک هر یکده درم زفت بیست درم کوفته بیخته نگاهدارند و بموم روغن گاو
از پیه مرغ ساخته باشند و اگر مزاج احتمال کند از پیه شتر یا پیه خرس ساخته باشند آمیخته بر موضع
خنازیر نهند ضماد جهت قوبا و بهق ابیض ص سهاگه تیله صندل سفید مساوی در عرق لیمو
حل نموده مکرر ضماد نمایند ضماد اسحاق گوید که این را ما آزموده ایم خنازیر را منفعت دارد
ص زفت بحر و باتش نرم بگدازند و بگیرند بیخ کلم سوخته بادی آمیزند باهم آمیخته شود ضماد کنند
ضماد برای قوبا از بیاض عم مرحوم ص کتهه پاپڑیا مازو سهاگه تیلیه گندهک چهاچه مساوی
کوفته سائیده حل نموده مکرر ضماد نمایند ضماد برای داء الثعلب ص سوی برسرخ
سوخته صندل گوگرد با لسوبه بروغن زیتون سرشته اول به پیاز و اشنان
یا به پیاز غسل موضع را مکرر مالیده بشویند پس دواء مذکور بمالند ضماد
برای داء الثعلب و داء الحیه مجرب صاحب تحفه ص کندش شیطرج هر یک جزوی
زرنیخ دو جزو بروغن زیتون نهند ضماد بجهت دمل ص میعه سائله چهار درم تخم کتان

حلبه هر یکده درم موم سفید بیست درم بروغن یاسمین ضماد کنند ضماد که لسعفه فرسه نافع است
ص نمک سوخته زاج سوخته دردی زیت مازو زرد چوبه زیرا و ندمرداسنگ همه را سائیده
ضماد کنند ضماد دیگر جهت سعفه که بر روی اطفال باشد ص کافور طبوجی گلنار زرد چوبه هر یک
یکدرم گل سرخ دو درم موم سفید دو ونیم درم سفیده ارزیز سه درم روغن گل ده درم موم را
در روغن بگدازند و باقی ادویه کوفته بیخته با آن آمیزند ضماد کنند ضماد سلعه و جمیع جراحات را نافع
بود ص لادن باررد مقل اشق مومنج خانه مگس عسل علک البطم مساوی درهم سرشته ضماد
کنند ضماد که سلعه را منفجر سازد و مغنی از حدید است ص بگیرند گندم یک کف کبرورق دفلی یک
باقه هر دو را در شیر میش خوب مهرا بپزند که مثل حلوا شود ضماد کنند و اگر شگافد قدری اشق
و قدری توبال مس مسحوق بیفزایند باعر العد لبهولت شگافته شود و از معالجات بقراطی ضماد
سنا جهت جرب بی حکه مجرب است ص سنا مکی هلیله زرد مرداسنگ سفیده قلعی بالسوی
بروغن گل و روغن بنفشه آمیخته بر نهند ضماد که در ورم لسکین وجع کند ص تخم خشخاش بکوبند
دو در شیر بپزند و باز بکوبند تا مثل مرهم شود پس بگیرند گل سرخ و قدری زعفران و همه را
که موم مصفی دران گداخته باشند آمیزند و ضماد کنند ضماد جهت جرب مجرب است در سه روز
زایل می کند ص گندهک آنوله سار نیله نهوتهه کمیله مرداسنگ از هر یک یکتوله همه را باز
سائیده سه حصه نمایند یک حصه در روغن زرد که بقدر سه چهار دام باشد آمیخته بر بدن بمالند
و سه چهار گهری در آفتاب نشیند بعد از ان حنا و آرد نخود بر بدن مالیده غسل نمایند هر چند جرب
زیاده خواهد بود نفع زیاده خواهد کرد و اولی آنکه محرور المزاج در فصل زمستان بکار برد یا تلافی
گرمی با دویه دیگر نماید ضماد منفجر که ماده پخته را سوراخ کند ثانی که صاحب علت از شگافتن
بترسد ص عسل بلادر زفت تر مساوی هر دو را در ظرفی کنند و بر آتش نهند تا یکسان شود
پس بکار برند و دو مهر صبر کنند و اگر دانه ثمر هندی کوفته را در شیر پخته ضماد نمایند همین کار کند
و بعضی دانه ثمر هندی که پنج مثقال باشد بکوبند و ریم چراغ نیم مثقال در آب گرم می گدازند

و باهم می آمیزند و نیمگرم استعمال نمایند ضماد که دنبل و ورم بگشاید ص بوره ارمنی نمک
حاشا سرگین کبوتر سرگین خروس هریک یکجزو خمیر نان سه جزو باهم سرشته بر نهند ضماد که در نهایت جلا
پر نافعست و قوی الاثر ص پیه بط پیه ماکیان مغز ساق گاو موم زرد همه را با روغن بگدازند
و بر عضو نهند یک شبانروز و پیش از وضع دوا باید که بر عضو تطبیل بطبیخ خطمی یا با آب حرف نیمگرم
لازم دانند و هرگاه رخاوت و سستی در ورم پدید آید محللات بر نهند ضماد که در انضاج دمامیل
از ادویه قویه است حتی که ماده خنازیر و صلابات را تحلیل کند حکیم علی میگوید که بر همین ضماد
ملاک اکثر اعمال ماست در این باب ص بگیرند برگ خطمی و بکوبند و در گلاب بپزند تا
خمیر شود پس مرهم اشق و مرهم داخلیون بیامیزند و بر ورم نهند و عجائبات مشاهده کنند ضماد
جهت انضاج و انفجار مفید است ص حلبه تخم کتان هریک نیم درم تخم مرو کوفته اسپغول
درست روغن گاو هریک اوقیه و نصف خمیر ترش دو اوقیه شیر انجیر سه اوقیه همه را در شیر
بپزند و بر نهند ضماد جهت زبل اعضا ص کبریت سرگین گاو حلبه هریک جزوی کوفته
بپخته با آب گرم بسرشند و ضماد نمایند ضماد اندرین باب بلیغ النفع است ص زرنیخ زرد
حجر الفلفل هریک یکجزو کندر نیم جزو سحق کنند با آب کشنیز و ضماد نمایند ضماد جهت ضربه
و سقطه ص مغاث گل ارمنی خطمی ماش صبر هریک ده درم راسن شبت بطاطین
دقاق کندر سک زعفران هریک پنجدرم کوفته بپخته با آب برگ فنجنگشت برسرشته ضماد
نمایند ضماد دیگر از برای وهن و رض و ضربه مفید ص ماش بیست درم لادن ده درم
زعفران سه درم گل ارمنی دو درم با آب برگ مورد و عرق گل و آب برگ گز و سرشته
ضماد کنند ضماد برای این کار بسیار مفید است ص مغاث گل ارمنی هریک ده درم صبر مر هریک
یکدرم و نیم کوفته بپخته با آب سرشته ضماد کنند ضماد برای ضربه و سقطه بکرر بعمل در آمده ص
زردچوب هفت ماشه میده لکڑی شش ماشه مغاث بغدادی پنج ماشه کوفته بپخته در روغن کنجد آمیخته نیمگرم
ضماد کنند و گاهی صبر و هالون و مصطگی نیز اضافه نموده میشود ضماد جهت ضربه که با عضا رسیده باشد

ص میده آمله زردچوب تخم پنوار هالم صبر صابون خشت برابر گرفته در آب سائیده در
در روغن کنجد آمیخته نیم گرم نموده ضماد نمایند این هر دو نسخه منقول است از بیاض عم مرحوم
ضماد که تعب ورکند و بخلع و عرق النسا مفید است ص روغن حنا دو رطل روغن
سوسن یک رطل و نیم موم روغن غار هریک یک رطل فلفل جاوشیر هریک سه اوقیه قنه زرنجوش
دقاق کندر علک البطم هریک یک اوقیه ضماد جهت انفجار خیارک و ورم پستان مجرب
است و هم اشکافد و هم شگافته را مندمل سازد ص نیله تهوته نیم جزو هالون هلدی ال
هریک یکجزو گوگل دو جزو قند سیاه دو چند همه اجزا ادویه را کوفته با قند بیامیزند خوب ممزوج
نموده نیم گرم بر بندند ضماد آثار ضربه و آثار سیاهی دور کند ص دقیق کرسنه دقیق نخود بستان
بزرگ برابر بعد از ان شکر طبرزد زرنیخ سرخ حجر فلفل از هر واحد قدری قلیل همه را باریک
سائیده در سرکه که در ان فلفل جوشانیده باشند و لعاب اسبغول حل نموده بر آثار مذکور ضماد
نمایند در مدت قلیل زایل کند درین باب مجرب است ضماد برای دنبل مجرب است
ص آرد مونگ آرد جو آرد لوبیا آرد عدس گیرد و برابر بسرکه و آب خمیر کرده پخته ضماد نمایند
ضماد برای سرطان مجرب است ص عدس پوست انار گیرد و قند کهنه با آب سحق
نموده استعمال کنند گرد اگرد سرطان مثل حلقه و بالای سرطان از دوا هیچ نباید گذاشت که
بی این نفع نمی بخشند ضماد که رنگ را حسین کند ص اشنان دقیق باقلا دقیق حمص
بادام مقشر بهدانه مقشر تخم خربوزه تخم خیارین زبد البحر طین که در سفیده میباشد همه برابر اجزا کوفته
بپخته در شیر تازه آمیخته و قدری عسل نیز داخل نموده شب بر روی طلا نمایند و صبح بشویند ضماد
که خار و غیر آن بر آرد ص بیخ نی زراوند مدحرج کوبیده بعسل سرشته ضماد کنند ضماد که قبل از
ورم کردن لسع افاعی زهر جذب کند ص ایهل حب الغار بابونه اسقیل مشوی دقیق کرسنه
هریک برابر جدا جدا کوفته بشراب سرشته ضماد کنند و همچنین اگر مرغ خانگی را زنده شگافته
و بر بندند نفع بخشند و گوشت افعی و ضفدع نیز سود دارد و روغن غار و طبیخ برگ آن بالسید

دهاک

وارد ضماد توتیره دو غاید ص آرد باقلا مازو انار ترش پوست بیضه مرغ بالسویه سوای
بیضه همه بپزند و پوست بیضه سائیده بدان سرشته ضماد نمایند ضماد که سلعه را از بیخ برکند ص
ساجی چونه سینده ور نجال کنجشک همه را کوفته بصابون قدر کفایه کرده بر بیخ رسولی بمالند
و بالائش چهار داغ کنند هر گاه ماده رسولی دفع شود و موضع را بروغن گاو بر کنند و بالای آن
برگ سنبل خورد و نرم به بندند ضماد دیگر اندرین باب نافع ص صابون ساجی چونه نوشادر
شنگرف همه برابر سائیده بروغن کنجد خمیر کرده موضع رسولی را کلک زده طلا کنند هر گاه شگافته
شود اصلاح زخم آن به هلیله سیاه کنند ضماد دیگر درین باب مفید است ص افیون سم الفار
نیله تهوتهه دوده جهیر کوفته بیخته در آب حل کرده بر رسولی بمالند ضماد مختصر دراین باب بسیار
مفید است ص جوک نیله تهوتهه سجی نوشادر بروغن کنجد بمالند باب الطلاء المهمله طلا
برای صداع بارد مع ماده منقول از خط عم مرحوم ص مرجند بیدستر فرفیون از هر یک یکجزو
افیون ربع جزو کوفته بیخته بآب سداب بشکل نخود خیسانیده حب بندند و خشک سازند
و با روغن زنبق یا روغن قسط طلا نمایند طلاء نافع برای شقیقه فرمن ص فرفیون
یکمثقال حلتیت یکدرم جند بیدستر سه درم هر سه در خل سائیده طلا نمایند طلاء نافع است
شقیقه بارد را ص خردل یک جزو مویزج دو جزو بکوبند و با خل و آب ممزوج نموده بکار
برند طلاء نافع صداع حار ص صندل سفید و سرخ گل نیلوفر از هر یک سه درم زعفران
یکدرم مامیثا گل سرخ تخم کاهو هر کدام دو درم بیخ لفاح یکمثقال افیون نیمدرم بکوبند و با گلاب
و آب بید طلا سازند طلاء نافع برای صداع ضربانی ص انزروت یکجزو صندل سفید
چهار جزو افیون ثلث جزو بآب کاهو مخلوط کرده طلا نمایند و اگر درد در نهایت شدت
باشد وزن انزروت درین ترکیب زیاده کنند و بعد از طلاء پارچه سربی بر موضع گذاشته
مضبوط بندند تا منع جریان شریان و تصاعد بخار کنند طلاء بجهت صداع بارد ص
کبریت زرد یک جزو بوره ارمنی دو جزو در آب سحق کرده بر جبهه بمالند طلاء مخدر مستعمل

شقیقه

…صداع جینی ص تخم کوک پوست خشخاش افیون بزرالبنج برگ قنب کوفته بیخته
…ب برگ لفاح سرشته طلا نمایند طلاء نافع صداع بخاری تالیف مسیحی ص عفص گلنار
…ا قاقیا افیون هر یک یکجزو کوفته بیخته در سرکه سرشته بر جبهه و صدغین طلا نمایند طلاء
…ب به جهت ماشرا مستعمل حاجی حسین منقول از خط علوی خان مرحوم ص خون خر
…ر جراب گل همیشه بهار کافور قیصوری درهم سرشته طلا نمایند طلاء هندی جهت خنا
…احب بقای مجرب نوشته ص سیماب بچهناگ هر یک جزوی مرچ چهار جزو خاکستر تخم
…بوره سیاه هشت جزو اول پاره را با زهر کهرل کنند بعد از ان مرچ و خاکستر مذکور داخل
…ده با کهرل نمایند بعد از ان در فتیره برگ آگ خوب کهرل نموده طلا سیکرده باشند طلاء
…ر تجدد نافع است ص عاقرقرحا مویزج باریک کوفته بسرکه کهنه و آب پودینه طلا نمایند
طلاء دیگر که مخدر نافعست ص مر و صبر هر دو را در آب پودینه حل کرده طلا نمایند طلاء
…ی فالج ولقوه منقول از قرابادین کبیر عم مرحوم ص سورنجان بوزیدان قسط تلخ خولنجان
…ز بادجوز بوا اوج ترکی عود هندی عود صلیب عاقرقرحا همه را بگلاب سوده قسط تلخ را علحده
سوده داخل نموده بر فقرات ظهر و محل فالج طلا نمایند طلاء که ورم چشم را بنشاند و درد ساکن
…ند ص صبر شیاف مامیثا حضض مکی زعفران افیون اقاقیا گل ارمنی صندل سرخ
…ساوی بآب عنب الثعلب یا گلاب طلا نمایند طلاء که منع ریختن مژگان کند و مجرب
…ست ص استخوان خرما سوخته سنبل الطیب سرگین موش صدف سوخته فلفل از هر یک
یکجزو سرمه سه جزو قلعی سوخته مغسول ششم جزو زعفران نیم جزو طلا نمایند طلاء
جهت شبو زائد مجرب است ص ارضه نوشادر حافر الحمار محرق جمله برابر بگیرند و بکحل
…حمر قبعت آمیزند و بعد نتف طلا نمایند طلاء که جحوظ چشم را سود دارد ص حضض اقاقیا عصاره لحیة التیس
…باب عنب الثعلب یا آب خالص طلا نمایند و بالای آن این طلاء بصورت بیضه کو…
…بسته در صورت ساخته در رفاده گذاشته بر چشم بندند و بر قفا بخوابند طلاء نافع…

بیرون آمدن چشم

اجفان ص شب یمانی یک جزو مومیج نیم جزو کوفته بیخته در روغن حل کرده بربن مژگان
طلاء که اثر کبودی را که از ضربه بر چشم بهم رسیده باشد زائل کند ص کزبره فوتنج حجر فلفل
جمله برابر بگلاب یا آب سائیده طلا نمایند و حجر فلفل عبارت است از سنگی که در خریطه فلفل یافته میشود
که بر بدو ورد پنج اطفال بسیار نافعست ورم بنشاند و درد ساکن کند ص افیون کات
حضض هر یک جزوی شب یمانی چهار جزو لیموی کاغذی هشت جزو شب بریان کرده
با دیگر ادویه باکوفته در ظرف آهنی انداخته بآب لیمو بر آتش نرم گذاشته بدسته آهنی آهسته
بسایند تا خوب باریک و منحل شود طلاء برای درد چشم مجرب عم مرحوم ص لوده آمله را
گاو بریان نموده بآب سرد سائیده بر دور چشم طلا کنند اما باید که در چشم نرود طلاء برای
چشم که از ضربه بهم رسد از بیاض عم مرحوم ص آرد مونگ زرد چوب رسوت مامیران چینی
بآب سائیده گرد چشم بنگرم طلا نمایند طلاء نمایند طلاء که ورم پس گوش را نافعست
ص صندل سرخ فوفل شیاف مامیثا صبر زعفران مرجمله برابر بگلاب طلا نمایند طلاء جهت
ثبور که بر بینی و رو پیدا شوند ص کافور زعفران هر یک نیم درم گل مختوم یکدرم گل ارمنی
دو درم بگلاب و سرکه انگوری طلا کنند و طلاء روغن گل و سرکه انگوری نیز مفید است
و مرداسنگ تنها کافی هم است طلاء رض الف را سودمند بود ص ناس زعفران
مرداسنگ گل ارمنی خطمی لادن کوفته بیخته بآب طرفا سرشته بحسب هیئت بینی بند
برست کنند و در انبوبه پیچیده در بینی گذارند و بالای آن این طلا نمایند طلاء جهت
رعاف ص آرد جو گلنار اقاقیا عصاره لحیة التیس افیون صندل سفیده ارزیز از هر یک
سه درم کافور دانگی بگلاب تر ساخته بر پیشانی طلا نمایند طلاء که همین خاصیت دارد ص
اقاقیا نشاسته گل ارمنی گلنار مساوی کوفته بیخته بآب سرد یا آب گشنیز سرشته طلا نمایند طلا
که همین منفعت دارد منقول از بیاض عم مرحوم ص نشاسته صندل سرخ گل ملتانی با سرکه
سائیده بر پیشانی طلا نمایند طلاء دیگر که رعاف بند کند ص صندل سرخ تخم کاهو آب گشنیز

خرفه آب خیار کافور شاهتره گیر و مساوی گرفته طلا نمایند طلاء دیگر همین نفع دارد از قرابادین
عم مرحوم آرد جو گیر و گل ملتانی آمله هر یک سه ماشه نشاسته صندل سرخ گچ کهنه گل اجاغ هر یک
نیم توله کافور افیون هر یک یکماشه با سرکه و گلاب یا آب بکمن یا آب گشنیز تر سرشته بر پیشانی و تا
سر طلا نمایند طلاء دیگر جهت رعاف منقول از قرابادین عم مغفور ص عدس مقشر صندل
سفید خطمی مامیثا گچ و اندک کافور بآب مورد بر یافوخ و پیشانی طلا نمایند طلاء برای قروح انف
ص مازو پوست هلیله زرد با چربی مرغ و روغن گل طلا نمایند طلاء استرخاء لهات و سقوط
آن که از رطوبت دموی بود ص مازو ماش مطحون گل ارمنی صمغ عربی اقاقیا کثیرا کوفته سفیده بیضه
خمیر نموده بر یافوخ حلق کرده طلا نمایند طلاء که ماده ذات الریه را نضج دهد ص دل موم روغن بنفشه بادام
بمالند پس پیه مرغ و لعاب بزر کتان خطمی اضافه کنند و بتدریج بابونه و خطمی بیخ مهک خبازی بستانی زیاده کنند و نخ
به عمل رند طلاء سرفه را که از اماس جگر باشد سود دارد ص سنبل نیم درم ریوند چینی یکدرم صندل
سرخ صندل سفید بابونه اکلیل الملک تخم کاسنی تخم کشوث برگ نیلوفر هر یک یکدو درم گل سرخ
چار درم گل بنفشه گل خطمی آرد جو الک هفت درم کوفته بیخته بآب کاسنی و بید طلا نمایند طلاء
قروطی سوزش سینه با تب بود یا بی تب بود دور کند ص موم سفید مغسول بروغن گل
بگدازند پس آب خیار و آب کدو و آب برگ خرفه جمله برابر بقدر حاجت در آن آمیزند و کف
مال کنند تا نیک مخلوط شود پس پارچه بدان تر کرده و بر یخ سرد کرده استعمال نمایند طلاء
که جهت درد و کوفتگی که در ضربه و سقطه بر سینه یا بر هر عضو برسد سود دارد ص مغاث ماش
گل سفید هر یک ده درم اقاقیا صبر هر یک سه درم بآب برگ مورد بسرشند و طلا کنند طلاء
که نفث الدم را نافعست ص اقاقیا هو قسطیداس نزد اکثر طرسوس نزد بعضی لحیة التیس است
کندر مازو گلنار صمغ عربی گل ارمنی افیون جمله برابر کوفته بیخته اقراص سازند وقت حاجت
بر سینه و معده و ناف طلا کنند و این طلا نزف الدم را که از مثانه و رحم و جز آن باشد نیز سود دارد
و هرگاه بر عانه و قبل طلا کنند و حقنه و قبل نیز کنند و همچنین بر عضو که مبدء نزف باشد بر همان عضو طلا نمایند

طلاء که ورم ثدی را تحلیل کند ص عرق مصارع یعنی جوی کسی کبیز بار و عز
حنا طلا کنند طلاء که آماس پستان را سود دارد ص نان گندم خشک کرده
کوفته آرد جو آرد باقلا آرد حلبه خطمی هر یک جزوی زعفران نصف جزو کوفته بیخته بزرده تخم مرغ بسرشته
و طلا کنند طلاء که پستان را نگذارد که بزرگ شود ص کندر و روغ سوخته آرد جو کوفته بیخته بسرکه
سرشته در هر ماه طلا کنند طلاء که معین بر بالیدن و برآمدن پستان است ص سندی کونه
اسکند بالسویه باریک سائیده طلا نمایند طلاء دیگر ص بیخ پیپل بیخ کونه اسکند بالسویه باریک
سوده با مسکه گاو طلا نمایند طلاء که پستان را محکم کند ص برگ انار و گل و پوست انار بقدر
که باشد بسیار باریک سائیده شبانروز در آب مقداری که بالای ادویه باشد خیسانیده روز دیگر
چند جوش دهند بعد ازان صافی نموده چهارم حصه آن روغن تلخ اضافه کرده بجوشانند تا آب فانی
گردد و روغن بماند پس در ظرف نجاج نگاه دارند و قدری بر پستان مالیده باشند سریع الاثر است
طلاء ورم کهنه معده را سود دارد ص موم سه درم سنبل مصطگی سیاه هر یک پنجدرم مقل تخم کرنب
هر یکده درم روغن نارذین پانزده درم صمغ را در آب حل کنند و با موم روغن سرشته طلا
کنند طلاء دیگر خلفه را که در هیضه افتد نفع دهد ص صندل سفید گل سرخ سک کافور بگلاب
طلا کنند و بالای آن پارچه بگلاب تر کرده ببندند و چون گرم شود اعاده کنند طلاء که زخم
و آسیب معده را نافع است ص سیب شیرین در خرقه پیچیده بزیر آتش نرم دفن کنند تا بریزد
پس پاک کرده گوشت آن پنجاه درم گل سرخ ده درم برگ مورد اقاقیا سنبل هر یک پنجدرم مصطگی
جوز السرو صبر هر یک یکدرم بکوبند و بگلاب طلا کنند و اگر اندرون حرارت باشد آرد جو ده درم
زعفران یکدرم کافور نیمدرم زیاده کنند طلاء که آسیب معده و جگر و اعضاء دیگر را سود دارد
ص ماش لادن گل ارمنی هر یکده درم صبر سک زعفران هر یک سه درم بگلاب و آب
مورد طلا کنند و اگر محل عصبانی بود قدری شراب و روغن نرگس آمیزند طلاء که قی و
هیضه را نافع است ص رامک سک گرد سماق هر یک جزوی با آب برگ مورد بر معده

طلا نمایند طلاء که همین عمل دارد ص اقاقیا سعد مرکند رجوز السرو گل سرخ آمله گل ارمنی
بلوط کاورس برنج عدس گلنار بزر البنج صندل با آب مورد یا آب به بر شکم طلا کنند طلاء
که قی باز دارد و شکم به بندد ص گل سرخ پنجدرم اقاقیا گلنار مازو شب یمانی جوز السرو صندل
سرخ و سفید عدس برگ مورد هر یک سه درم طباشیر دو درم با آب به بر شکم و معده و پشت طلا
نمایند طلاء برای ضعف معده و وجع فواد ص دارچینی عود صلیب صندل سفید اگر ترکی زرنباد
بگلاب سائیده روغن مصطگی داخل نموده بر فم معده طلا نمایند طلاء برای حرقت
فم معده و درد معده گرم نافع است منقول از بیاض عم مرحوم ص پوست بیرون پسته
زرورد صندل از هر یک سه ماشه عود کندر مصطگی طباشیر روغن گل یک توله گلاب
قدر حاجت کوفته بیخته با روغن گل و گلاب سرشته بر فم معده طلا نمایند طلاء از شفائی
جهت استسقاء لحمی ص درمنه ترکی صدف سوخته بوره ارمنی سرگین گاو کهنه بسرکه
طلا کنند طلاء که ورم گرم جگر را نافعست ص بنفشه گل خطمی آرد جو هر یک هفتدرم
گل سرخ چهار درم صندل سفید و سرخ بابونه اکلیل الملک تخم کاسنی تخم کشوث نیلوفر
هر یک دو درم شیاف مامیثا سه درم ریوند چینی یکدرم سنبل نیمدرم کوفته بیخته بگلاب و آب
کاسنی طلا نمایند طلاء ورم نرم را که بعد از بیماری های دراز که در روی و چشم و پای پیدا شود
زائل کند ص اقاقیا شیاف مامیثا مرکی سعد زعفران حضض گل ارمنی کوفته بیخته بسرکه و
آب عنب الثعلب طلا کنند طلاء از بیاض کبیر عم مرحوم برای فائده مذکوره ص کف دریا
نمک سنگ بوره ارمنی اگر ترکی زرنباد حاشا صبر سقوطری سرگین گاو سرکه و گلاب بر پشت
دست طلا نمایند طلاء آماس و طپش جگر را بنشاند و درد ساکن کند ص گل بنفشه گل
خطمی بابونه اکلیل الملک از هر یک پنجدرم گل سرخ تخم کاسنی تخم کشوث شیاف مامیثا
از هر یک سه درم لک اسارون ریوند چینی از هر یک دو درم مصطگی نیمدرم زعفران
دو دانگ سوده بیخته با آب کاسنی و گلاب طلا کنند طلاء جهت درد اعضاء که از ابواسیر

بهم رسد ص زنجبیل یکمثقال فلفل دو مثقال قاقله نوشادر هریک سه مثقال حلبه پنج مثقال سورنجان یازده مثقال باسوم پنج مثقال وروغن گردگان بیست مثقال آمیخته طلا نمایند

طلاء که بواسیر را تباه کند وازبیخ براَفگند ص بگیرند بوره لونه که قسمی از بورق است سه درم زرنیخ دو درم سم الفار یکدرم ونیم زنگار یکدرم نرم کوفته پاره پیه مرغ را بگدازند وقدری ازان آمیخته طلا کنند واگر علت ضعیف بود سه روز نهند هر روز دوبار واگر قوی باشد پنج روز بعمل آرند تا علت تباه شود پس مرهمی سازند از پیاز سرخ وروغن گاو ور علت هر روز نهند تا یکهفته ودرین مدت بدان جایگاه آب نرسد تا وقتی که بهتر شود وچون علت افتاده باشد مرهمی کنند از انزروت ودم الاخوین وسفیده بیضه مرغ تا گوشت برآید

طلاء جهت تسکین وجع بواسیر مجرب وبی نظیر است ص دردو دام شیره برگ پنبه نرمه که آبی آب شیره کشیده باشند نیمدام زرد چوب خاردار را بسایند ودر شیشه نگاه دارند بعد از فراغ بیت الخلا موضع را شسته وآب خشک کرده دواء مذکور را طلا نمایند

طلاء برای جالق وضعف باه ص پوست بیخ کنیر سفید پوست بیخ کنیر سرخ از هریک یکدام جوز یکعدد افیون مصری نیمدام اول هر دو پوست را کوفته بیخته وهمه را همراه پیه گوه که بفارسی سوسمار گویند نیمدرم یکروز کهرل کنند بعد ازان رس برگ دهتوره انداخته تا دو گهڑی کهرل کنند پس مثل کنار گولی بسته یک حب در شراب دو آتشه حل کرده سوای حشفه طلا نمایند تا چهارده روز وباید که گوه کلان باشد که آن را شاه گوه میگویند

طلاء جالق ص چربی نیمدام چربی خوک جنگل نیمدام بیر بهوٹی یکدام جوزبوا یکدام قرنفل بسباسه زعفران الگنی اجواین خراسانی سر کشمیری هیر اهینگ سهاگه کافور بهیم سینی چرک گوش آدمی شنگرف بیخ کنیر سفید هریک دودام خراطین خشک زهر بچهناگ گهونگچی سفید عاقرقرحا آتش بجگان دارچینی هریک یکدرم کشته نرگس عدد مغز غوک جنگلی چهار عدد مغز گنجشک خانگی شش عدد مغز وچربی سانڈه دو عدد مغز وچربی نیوله دو عدد همه را کوفته تا دوازده پاس کهرل نمایند و

امتحان آن ست که یک کیله پخته شبی از دست نرم نمایند ودواء مذکور بران طلا نموده نگاهدارند روز دیگر اگر آن کیله سخت باشد علامت تیار شدن دواء است والا باز چهار بار بزودی کهرل نمایند

طلاء از حکیم محمد عابد ص زیبق دودام سهاگه نیمدام افتیمون یکدام بچهناگ نیمدرم قسط شیرین نیمدام قسط تلخ بیر بهوٹی یکدام جند بیدستر یکدام روغن کنجد سیاه پاو سیر خام عرق برگ چنبیلی نیم آثار شراب دو آتشه پاو آثار اول عرق برگ چنبیلی وشراب وروغن یکجا داده بجوشانند تا عرق وشراب فانی گردد وروغن ماند بعد ازان دواها کوفته در روغن مذکور داخل کرده بسوزانند بعده صاف نموده در شیشه نگاهدارند وبقدر دو سرخ طلاء کنند وبالای آن برگ تنبول بندند تا هفته دو هفته بعمل آرند در تقویت باه مجرب است

طلاء که ابتدای وجع وورم خصیه را نافعست ص کاکنج کوکنار آرد جو آرد عدس جمله مساوی بازرده تخم مرغ وروغن گل طلا نمایند

طلاء که خصیه فربه شده را لاغر گرداند ص سنگ کار دتیز کن وسنگ آسیا با آب کشنیز تازه بهم بسایند وطلا کنند

طلاء که خارش زهار وخصیه را نافعست ص صبر سقوطری نوشادر از هریک چهار دانگ بسباسه یکدرم شیاف مامیثا اقاقیا هریک سه درم سوده وبیخته بگلاب وسرکه سرشته طلا نمایند واگر گل سرخ وصندل از هریک نیمدرم اضافه نمایند در رفع خارش قضیب وخصیه ومقعد اقوی خواهد بود

طلاء جهت کجی قضیب واستحکام اعصاب آن وبرای تقویت باه مفید است ص افیون مصری یکدرم جوزبوا یک مثقال دارچینی یکمثقال وربع عاقرقرحا یک مثقال ونیم پیاز نرگس دو ونیم مثقال پوست خربزه سفید پنج مثقال کوفته وبیخته چهار ساعت بشراب مقطر سحق کنند وقرص ها ساخته خشک کنند بوقت حاجت بشراب سائیده طلا نمایند

طلاء جهت روده که در خصیه فرود آمده باشد وبدان سبب پاطی ورم بهم رسد ص برگ مورد خشک را باریک سائیده در آب افیون محلول سرشته وپارچه بدان آغشته کنند ورد عفص سائیده برو پاشند بر خصیه بگذارند وتا یکپاس در آفتاب بگذارند پس تمام شبانروز

گذاشته باشند صباح آنرا باهستگی جدا سازند و دیگر طلا کنند تا گرد وده بتمامه بالا رود و از بیاض
طلا جهت باریکی عقب ذکر مجلوق ص جوز بوا لبساسه شعنه هر یک چهار ماشه چرک گوش آن
چربی خصیه خر نیم پاؤ همه را در شراب دو آتشه لبسایند چنانچه یک سیر شراب جذب شود
طلاء از قاضی درویش محمد در تجربه والد ماجد در آمده ص بیر بهوٹی گهونگچی سفید زهر مشین
بیخ چینبه بیخ گنگهی بیخ کناٹی و بیخ اونٹ کتاره بیخ آرند پیه شیر پیه سوس پیه کهوا پیه خوک از
پنجدام بخته شیرک کلان سه عدد سانڈه شش عدد زلو صحرائی چهار عدد جولاہه که آنرا بیراگ
یکدام بخته نکچهکنی بیخ آثار مار سیاه شش انگشت از جانب سر دور کرده هشت انگشت بگیرند
نکچهکنی در آب صاف لبشویند و در سایه خشک نمایند و بیخ ها را جو کوب نموده در روغن گا
همه را انداخته قدری در دست بمالند که خوب تر گردد و بعد از ان یک سبوی کلان که در
یا سیاه مستعمل شده باشد از سه پارچه گزی گلی حکمت کرده خشک سازند و در زیر آن سه جا
نمایند و دران سوراخ ها سیخ ها با فس بگذارند و بعد از ان مار را پاره پاره کرده و پیه خشتر وغیره
با شیرک و سانڈه و دیگر اجزا با نکچهکنی و بیخ ها آمیخته یکجا نموده در سبوی مذکور اندازند و قریب شش
انگشت سبوی خالی دارند و بالای آن سر پوش گلی نهاده خوب بند سازند و باز گل حکمت
نمایند و بعد از ان با آتش با جنگ دشتی بطریق پتال جنتر روغن بگیرند انشاء الله تعالی نفع تا
نمایان خواهد شد طلاء که در تقویت عدیل ندارد و دفع عنینه کند ص پیاز نرگس پیاز عنصل
قند هر یک نیم جزو در بیست و هشت مثقال روغن زیتون و قدری آب بجوشانند تا مهرا شود
و آب سوخته روغن بماند پس صاف نموده عنبر نیم مثقال زهره کنجشک تخم انجره عاقر قرحا
خردل سرخ هر یک یکمثقال اضافه کرده مکرر بر قضیب و حانه و انثیین طلا نمایند و اگر موسیائی
و امثال آن و زهره مرغ و مانند اضافه کنند باعث تقویت آن بشود طلاء چون زن
در فرج کرده بمرد رغبت نماید مرد فریفته آن زن گردد ص تلخه ماهی روهو فلفل دراز یکجا
کرده با روغن گاو طلا نمایند طلاء ممسک و مجرب ص بر پیشانی ضفدع که فرونی

باشند مانند بر پستان کوچک نزدیک ابرو باید که ضفدع کلان را گرفته آن موضع را افشرده دستی
[illegible] زو تراود آورا با چکیده دستی فیل در باد آشته بر ابوالعباس طلا کنند بعد از خشکی ہمبر غوب نزدیکی
کنند طلاء که افراط حیض را باز دارد ص بلوط طباشیر هر یک یکدرم اقاقیا گلنار صندلین هر یک
[illegible] درم گل ارمنی چهار درم گل سرخ عدس مقشر هر یک پنجدرم کوفته بیخته با آب برتر ساخته
[illegible] زهار و پشت طلا نمایند طلاء که زود انزال منی زن کند ص تنکار کافور هر یک جزوی
عسل شش جزو باهم سائیده بقدر نخود سه حب بندند و بخر حشفه بر ذکر طلا کنند در دو سه ادخال
[illegible] زن بریزد طلاء دیگر مجرب صاحب گنج باد آورد ص میعه سائله زاک متعارف هر دو
مساوی کوفته بیخته میعه را قدری بر آتش گرم کرده باهم ممزوج سازند و نگاه دارند لحمه [illegible]
دخول بقدر یکنیم برنج در فرج بمالند طلاء منی زنان را که بی اختیار روان باشد باز دارد ص
صندل سفید و سرخ گل سرخ برگ نیلوفر و بنفشه گل خیری آرد جو تخم فنجنگشت گرفته کوفته بیخته بگلاب
طلاء نمایند طلاء بجهت عنی و از کار رفته بسیار مجرب است ص مستی که عقب سر سانڈه
باشد بوزن یک نخود فلفل سه عدد با آب برگ پان صلایه نموده طلا کنند طلاء که ورم
خصیه را نافع باشد ص بابونه اکلیل الملک خطمی شیاف مامیثا بوش دربندی از هر یک
[illegible] درم صندلین از هر یک سه درم بنفشه دو درم کوفته بیخته بگلاب طلا کنند طلاء که در آبستنی
معین باشد ص حب بلسان جاوشیر مقل باد آور و مساوی کوفته بیخته با زهره گاو بر قضیب
طلا کنند و بگذارند تا خشک شود پس مجامعت کنند زود آبستن شود طلاء دیگر ص برگ
سنبهالو را خشک کرده بکوبند و با زهره گاو بر قضیب طلا نمایند و مباشرت کنند طلاء مقوی
باه ص شحم شیر میل گوش خراطین پوست بیخ کنیر سفید روغن ماده گاو طلاء مقوی باه ص
شحم غوک دشتی شحم سانڈه از هر یک نیم دام مسکه شش چهار دام زهر [illegible] شحم شیر برابر همه
همه ادویه را [illegible] از چوب ڈهاک که در فلوس خیسانیده باشند [illegible]
[illegible] نموده مقدار نخود بر قضیب بمالند از ترشی و جماع تا مدت استعمال دوا پرهیز نمایند

طلاء برای تعظیم ذکر ص ضفدع خشک کلان بمشابه باشد که بعد خشک شدن پاو آثار باشد
مغز خر پاو آثار چونک خشک پاو آثار خراطین خشک پاو آثار همه را نرم کوفته و در شیشه
گل حکمت انداخته چوه بکشند و بکار برند طلاء برای جالق و درازی و سطبری قضیب ص
شیطرج سرمه ماز و استخوان ماهی سوخته زاک سرخ شنگرف از هر یک یکتوله خراطین هفت توله
افیون دو توله عروسک دو توله همه را سائیده سرمه سا نموده نگاهدارند و زغ پنج توله سالم
هفت توله بیه شتر هفت توله تخم ترب تخم گندنا از هر یک چهار توله قرنفل جنگلی هفت توله مرچ جنگلی
پنج توله این همه را بطریق چوه بکشند و دوا را که نگاه داشته انداآمیخته استعمال نمایند از مجربات
حکیم محمد جعفر اکبرابادی است طلاء ممسک عجیب است ص مستی غوک کچله سمندر سوکه
کف دریا فلفل دراز بیخ کنیر سفید کوفته بیخته طلا نمایند طلاء مقوی ص خراطین انگوزه گهونگچی
سفید پوست بیخ کنیر سفید تخم دهتوره از هر یک پنجدام همه ادویه را چهار پاس در شراب
تر کرده در میان شیشه انداخته مثل چوه بچکانند و سوای حشفه طلا نمایند طلاء معروف
بهی فراسیس نگی ص بزعاقر قرحا قرنفل خراطین تازه فرفیون جندبیدستر مالکنگنی از هر یک پنجماشه همه را
باریک سائیده در پیاز نرگس که برگ نیاورده باشد ریزه ریزه کرده در نیم آثار شیر گاو تر کنند
تا پنج گهری بعد از ان ادویه مسحوقه را با پیاز نرگس در کهرل حل نمایند تا که خشک شود پس پیاز سفید
پنج عدد داخل نموده حل کنند تا که خشک گردد پس زهره گاو نر جوان داخل کرده بسایند و بر داشته
در ظرفی نگاهدارند وقت حاجت بر برگ پان مالیده و قدری بر قضیب طلا ساخته به بندند
تا بیست و یکروز و پیش زن نروند طلاء هندی بهی برای تقویت باه سفید است ص
بافته نازک سفت را با زردچوب رنگ کرده در سایه خشک نموده با شیر زقوم که هندی تهوهر
گویند خوب تر کنند و در سایه خشک نمایند پس با شیر بز تر کرده بدستور خشک در سایه کرده
اول برگ پان پیچیده و بالای آن پارچه به بندند و پیچ پیچند تقویت تمام نماید و هرگاه احتمال
سوزش شود و خارش ظاهر گردد فور آوا کنند که موجب تقریح نشود از بیاض عم مرحوم طلاء

مجرب ص فرفیون قسط از هر یک دو درم بسباسه دارفلفل یک و نیم درم جندبیدستر یک و نیم درم
عاقرقرحا دو نیم درم موم کافوری نیمدرم تخم جرجیر یک و نیم درم زرجس نیم اوقیه اول موم را در روغن
مذکور حل کرده ادویه کوفته بیخته در آن بیامیزند و بعد سحق بلیغ بعمل آرند با دوان حشفه طلا کرده
باشند و بالایش برگ پان بپیچند طلاء که حلق وغیره امراض بارده قضیب را نفع دارد ص مهیا
تیلیه دو دام گهونگچی سفید مغز جمال گوته پوست بیخ کنیر سفید بیر بهوتی هر یک یکدام در نیم سیر شیر مدش
علی الاتصال هشت پاس کهرل نمایند و در سایه خشک کرده گولی ها بقدر کنار دشتی بندند و بوقت ضرورت
ممهو در روغن کشند و بر قضیب طلا نمایند و بالایش برگ پان بپیچند از مجربات والد ماجد طلاء برای
جالق هرگاه در پیش و پس تفاوت باشد ص سنتیل کهار تیلیه کنند یک آتوله سهاگه تیلیه سیماب روغن گاو
خالص همه ادویه را سوای سیماب خوب باریک سائیده مثل سرمه نموده در روغن زرد بیامیزند
پس بعد سه ع بافته باریک را با دوا مذکور ملوث نموده و سیماب ادر کهرل انداخته از یکطرف پارچه آتش ...
در سیماب بچکانند تا آنکه تمام پارچه سوخته شود آنزمان چهار پاس خوب کهرل زده در شیشی نگاهدارند وقتیکه خواهند
قدری بر قضیب مالند و قدری بر برگ پان مرهم سلیمان خام بپیچند و در زیر حشفه را طلا نسد در هفته سه بار استعمال
نمایند بفضل الهی مطلب حاصل گردد طلاء از حاوی کبیر ص بگیرند صوف پاک را و برو غن
سداب یا روغن قثاء الحمار تر کرده و رق عاقرقرحا کوفته بران پاشیده و قدری سرگین پاشیده بعمل
آرند طلاء که بد ابد القیل نافعست ص صبر اقاقیا م عصاره لحیة التیس شب کوفته بیخته با سرکه کهنه
سرشته طلا کنند و بالای آن عصابه بندند و در بستن از طرف عقب شروع نمایند طلاء مخدر
ص افیون جندبیدستر هر یک یکجزو زعفران نیم جزو طلاء برای وجع رکبه از بیاض عم مرحوم
ص بگیرند حنظل دو عدد را در نیم آب بجوشانند تا آنکه نصف بماند صاف نموده با روغن زیتون
بیست و پنجدرم جوشانیده تا که نصف آن پنج آثار آب برود و بعده حب النار مسحوق در آن انداخته
بجوشانند تا که تمام آب برود و روغن بماند پس سورنجان و بنفشه و حنا از هر یک سه مثقال کوفته بیخته
داخل کنند و در محل وجع طلا نمایند طلاء ... ص زرنیخ سیماب صاف کرده از هر یک یکدام

بزر البنج پنج درم روغن گاو درم همه را در طاس انداخته بدسته چوب نیم سه روز لب بیا رسحق نمایند
و هر روز طلا نمایند طلاء مجرب حکیم کمال الدین حسین نافع باتشک و جرب تر و خشک
ص قسط تلخ زراوند مدحرج ایرسا دو رق وفلی سیماب مامیران چینی کندش بوره مردار سنگ
هر یک پنج مثقال پیه مرغابی روغن گل بقدر کفایه پیه را در روغن بگدازند و دویه کوفته بیخته با آن
آمیزند و شب بر بدن بمالند و صبح بحمام روند طلاء که بشره را پاک گرداند و بثوری که بر روی
پیدا شده باشد ببرد ص جو مقشر نیم کوفته در پاتیله کنند و بریزند شیر تازه دوشیده دو رطل بر
بجوشانند چنانچه که شیر بماند و بیرون آرند و خشک کنند بعد ازان بگیرند زرد چوبه کتیرا از هر یک
سه درم و بکوبند با آن جو خشک کرده و بیزند بحریر و لب رشتند به سفیده تخم مرغ و طلا نمایند
بر روی و بعد ده ساعت بشویند بآب نخاله طلاء بجهت برص ص مازریون بوره خربق
سیاه فلفل سیاه مساوی در سرکه بپزند پس مقداری نطرون و زراریح براده آهن کف دریا
بسایند و در وی بیامیزند تا غلیظ شود پس موضع را بنطرون بشویند و این دارو ها بر مرغ
بر آن موضع در آفتاب مکرر طلا کنند و صبر نمایند تا آبله کند پس آب از آبله بیرون کنند و بگذارند
تا خشک شود پس دیگر باره طلا کنند و این طلاء قوی است در افعال خود طلاء که بالخاصیت
نفع کند موضع برص را بخون مار سیاه دلک کنند پس عسل بلادر طلا نمایند و بگذارند تا
متقرح شود آنگاه تدارک قرحه نمایند ص که برص را ببرد شیطرج عاقرقرحا حضض خردل
قسوینز گل شقایق زرنیخ زرد موقو هر یک یکجزو نرم بکوبند و بخون بز لب رشتند و طلا کنند
طلاء دیگر ص تخم ترب کندش مغز بادام تلخ شیطرج زرنیخ سرخ و زرد اسفند خربق
سیاه پوست جو تر هر یک جزوی کوفته بیخته بشراب سرشته طلا کنند طلاء دیگر درین باب مجرب
است ص ذراریح عسل بلادر نافسیا سرگین کبوتر تخم ترب شیطرج مازریون همه را کوفته
بیخته بسرکه کهنه سرشته طلا کنند طلاء دیگر مجرب محمد زکریا جهت برص ص شیطرج هندی
سنگ سرمه مازو سبز منقوب زاج سرخ زعفران خبث الحدید هشت شبا روز در سرکه جلا

کرده زبد البحر گوگرد سفید عاقرقرحا خردل سیاه قنبیل زیره براده نحاس حب النیل هر یکدو
توله استخوان ماهی سوخته بیخ نی سوزنج سوخته هر یک کفی اجزاء کوفتنی را بکوبند و با سرکه
بجوشانند تا چون مرهم شود بعد ازان با خون مار سیاه و خون خفاش ممزوج کرده بر موضع
برص یک اربعین طلا کنند طلاء برای داء ص تخم پنوار آمله لاکهه زیره اجزاء
برابر کوفته و موضع داء را با کیسه حمام خوب بمالند بعد ازان سفوف مذکور را بآب طلا کنند
در سه روز برطرف شود طلاء نسخه منقول از بیاض عم مرحوم ص قنبیل تنکار زرد چوبه
باپچی در روغن تلخ کهرل نموده بکار برند بیخ خردل قسوینز بوره ارمنی بیخ کنیر گوگرد بقدر مناسب
گرفته سائیده با سرکه آمیخته طلا کنند طلاء برای برص الاظفار که بعد از تنقیه بکار آید ص جوز
اردنخود با آب ترمس در سرکه سرشته طلا کنند و همچنین شبت تخم کتان و حرف و خردل
باهم کوفته بسرکه طلا کردن و دردی شراب با سرکه سوخته با زرنیخ و راتینج و زفت تر سرشته
همین عمل دارد و کذلک بیخ حماض بسرکه طلا کردن همین اثر دارد طلاء دیگر قوی از
اول است ص زرنیخ خشت یمانی کبریت هر یکجزوی نفت بسرکه و انگبین حل کنند و دیگر دوا را کوفته بیخته بدان
لب رشتند و طلا نمایند طلاء برای انبات اللیل ص شیاف مامیثا یکدرم و نیم مرمس پوش دو ... هر یکدرم
ارد باقلا سه درم خطمی بوم سبل الملک یک چار درم کوفته بیخته بآب طلا نمایند و اگر این عارضه ... حامله باشد ...
موقوف نمایند طلاء بجهت بهق ص شیطرج فوه تخم ترب کندش خردل بسرکه تیز بسایند و در آفتاب طلا کنند
طلاء بجهت بهق اسود ص تخم ترب ده درم قسط کندش هر یکدو درم کوفته بسرکه انگوری
سرشته طلا نمایند طلاء بجهت ثرمل از کناش یوحنا ص صبر شیاف مامیثا هر یک
درمی تخم حرمل یکمثقال فرفیون دو درم ورق کرنب سوخته بجعد مخلوط ساخته با روغن گل
یا روغن کنجد یا روغن خیری سرشته طلا کنند طلاء برای ثرمل ص صبر سقوطری مر اقاقیا
حضض سعد شیاف مامیثا زعفران گل ارمنی مساوی بکوبند و نیکو لب رشتند و بآب کرنب طلاء
نمایند طلاء ثولول را ببرد ص مازو شب یمانی تخم جرجیر بکوبند و بزهره گاو لب رشتند و چند بار

بروطلا کنند طلاء که نشان آبله برطرف نماید ص فی بوسیده یک جزو مرداریک جزو هردو را
باهم بیامیزند و لشیر زنان ترکرده طلا کنند سه نوبت و بآب گرم بشویند طلاء برای برص منقول
از قرابادین عم مرحوم ص گندهک آمله سار گیرو جلنار بابچی مساوی الوزن شربت یکمثقال
شبا روز در آب خیسانیده زلال آنرا بنوشند و ثفل را سائیده بر بدن طلا نمایند و اگر در ایام
استعمال این دوا از نمک ترک نمایند اولی است طلاء بجهت برص منقول از بیاض
عم مرحوم پوست بیخ انجیر وحشی یکدام آمله دو دام بابچی یکدام کوفته بیخته نگاهدارند و گل ڈهاک
مع سیاهی که مثل کلاه بر گل ڈهاک میباشد دو دام در پنجاه دام آب فقط گل را بجوشانند
هرگاه بمقدار پانزده دام بماند نگاهدارند تا که آب سرد شود بعد از ان گل را از دست مالیده
آب را از پارچه گذرانیده و دوای مذکوره را داخل آب کرده حل نمایند حب ها مثل حب کنار
دشتی ببندند و یک حب در آب سائیده بر مقام برص طلا نمایند طلاء یزدی منقول از مجربات
حکیم باقر ولد حکیم عماد الدین شیرازی نافع از برای اورام حاره که در غیر تجاویف باشد ص
صندل سرخ عصاره مامیثا گل سفید که معروف بورد چینی حضض فوفل زعفران کوفته
بآب سرشته بنادق سازند و نزدیک حاجت یکی را بآب کاسنی تازه و آب کشنیز تازه و
گلاب و عنب الثعلب سوده طلا نمایند طلاء یزدی بنسخه دیگر ص صندل سرخ گل ارمنی
عصاره مامیثا حضض بکلی بوش در هندی صبر سقوطری اقاقیا از هر یک جزوی افیون
زعفران از هر یک عشر جزوی کوفته بیخته بآب عنب الثعلب سرشته اقراص سازند
و در وقت حاجت با عصاره که مناسب باشد سوده طلاء نمایند طلاء که مسامیر را سود
دارد ص انزروت نوشادر زنگار بآب صابون سرشته طلاء کنند طلاء که در رفع ساعفر
ثالیل بعد از استفراغ سوداء بهار الجبن بکار آید ص بازو شب یمانی با شحم حنظل طلا کنند
طلاء بجهت جذام که بعد از استحکام غلبه و تعاید تعقد دواجین در ربیع و خریف و گذاشتن
محاجم بلا شرط بر فم معده و بادون سراشیف بکار آید ص لادن دو درم و نیم اوقیه

سنبل حماما قردمانا دارفلفل سلیخه قسط تلخ عاقرقرحا مصطگی مرمقل حب بلسان اشق صبر میعه سائله
سیسالیوس زراوند طویل زراوند مدحرج سعد اکلیل الملک قرنفل ایرسا روغن بلسان
هر یک یک اوقیه حلک موم هر یک سی درم میعه را در روغن ناردین حل کنند و دیگر ادویه کوفته
و بیخته بر روغن بلسان لت کرده بدان بیامیزند و حرکت دهند تا یکسان شود طلاء که سزاوار
است استعمال آن بمجذوم ص نطرون اشق فرفیون کرنب زرد برگ انجیر بالسویه کوفته
بیخته بسرکه سرشته طلا کنند طلاء دیگر از مجربات حکیم کمال الدین حسین ص کبریت زرد
قسط تلخ و شیرین مازو محرق مویزج هلیله سیاه سوخته اشنان هر یک سه توله برگ درخت
صنوبر ده توله آرد نخود آرد باقلا هر یک دو کف بآب برگ گردگان و سرکه خمیر کنند و شبانه روز
بگذارند و هر روز قدری از آب برگ جوز و سرکه داخل میساخته باشند و روغن بنفشه و روغن
صنوبر هر یک یکپاو شحم سه قطع مرغ جوان شحم و روغن را باهم گداخته صاف نموده ادویه منقوعه
بعصاره جوز و سرکه را در میان روغن های مذکور ریکرو زر به تبرمی زده باشند و شب بمالند
و صبح بحمام رفته بشویند و بدن را از عرق خشک کرده مسکه گاو را با زعفران بمالند طلاء
بجهت جرب منقول از بیاض عم مرحوم ص سیماب گندهک نیله تهوتهه هرتال بابچی از
هر یک یکتوله نیل تلخ شش توله کوفته بیخته در روغن حلکرده مالش نمایند و در آفتاب نشستن
بعد از سه ساعت کهلی روغن تلخ بمالند و بآب گرم بشویند در سه روز دفع شود بجهت
قوبا نیز نافعست طلاء بجهت جرب طب ص سیماب مغسول خبث الفضه برگ خرزهره
شنجار مردار سنگ کندش همه را بکوبند و بروغن گل ترکنند و لشب طلا نمایند و روز بحمام
رفته بشویند طلاء بجهت جرب و حکه مجرب است ص سیماب آملیمیای فضه گوگرد
سفید برگ خرزهره کندش دفلی مردار سنگ بالسویه کوفته بیخته با قدری سرکه در روغن طلاء
کنند و لشب همچنان بخوابند و صباح بحمام روند و بسرکه و اشنان اخضر بدن را بمالند پس
بآب گرم غسل کنند و عقب وی بآب سرد بشویند پس روغن گل بمالند و باز بآب سرد

مجذوم

غسل کنند و بیرون آیند طلاء بجهت جرب و آبله مستعمل و العاجد است ص مرداسنگ
حنا کمیله چونه بری خشک از هر یک یکجزو نیله تهوتهه نیم جزو کته ششش جزو کوفته بیخته در
تلخ یا شیرین آمیخته بمالند و اگر ساعتی در آفتاب نشینند اولی است طلاء برای جهابجن
اگر سرخ یا سیاه رنگ در عضوی بهم رسد و سفیدی نیز در ان باشد و جلد تو بر تو مثل
منقشر شود ص صابون عراقی بگلاب سائیده طلاء نمایند از مجربات است طلاء
جهت جرب و رفع آثار مکرر بتجربه بعضی رسیده ص سیماب مغز بادام تلخ هر یک سه در
تخم خربوزه غیر مقشر پانزده درم تا یک هفته هر شب طلا نمایند طلاء برای جهابجن مجرب
منقول از بیاض عم مرحوم ص پاره یکدام کته یکدام اجواین خراسانی یکدام روغن گاو
چهار دام در ظرف مس با چوب نیم نه روز سحق نمایند بعد ازان بر جهابجن طلا کنند و با آتش
مقابل دارند طلاء دیگر برای جهابجن ص سر ریشم کادی برنج از هر یک یکدام زرنیخ ز
صبر سقوطری از هر یک نیمدام مغز تخم بهدانه یکدام سر ریشم کادی را با قدری آب بر آتش
حل کنند و اجزاء کوفته بیخته داخل نمایند تا مثل مرهم شود قدری از وبروی کاغذ آس
بر موضع تشقاق بگذارند تا هفت روز طلاء دیگر جهت جرب رطب و یابس و به سواد آتشک
از مجربات است ص سرب سیماب زرنیخ هر یکده درم سرب را در سفال بگذارند و فرود
آرند و هوا والش بدارند پس دیگر ادویه ضم نمایند و حرکت دهند تا منعقد شود پس خوب
بالند هر گاه مثل غبار گردد استعمال نمایند طلاء جمره که بر لب و قضیب و خصیه و مواضع
باشد بکار آید ص بوره پنجدرم قلقطار قلقدیس هر یک هفتدرم با آب سائیده طلاء نمایند
طلاء خنازیر ص آرد نخود و آرد باقلا آرد ترمس خطمی هر یک جزوی در کشکاب به لعاب
حلبه سرشته و طلاء کنند طلاء دیگر برای همین مرض ص زهره گاو یکدرم بوره ارمنی دو
چقندر سه چهل درم با عسل بیامیزند و طلا کنند طلاء برای خراز ص بوره ارمنی چهل د
صابون یک اوقیه دردی شراب یک رطل در هم سرشته بر نهند و در میان سو کنند و

صبر کنند پس با آرد نخود و آب چقندر بشویند پس روغن مورد طلاء کنند طلاء که در سبوسه
رقیق بکار آید ص عصاره برگ کنجد عصاره برگ سیاه دانه بادام تلخ مقشر کوفته با خل خمر و
آرد حلبه یا آرد نخود ممزوج نموده بکار برند طلاء جهت جمره و سایر اورام ملتهبه را نیز فایده
بخشد ص صندل سرخ فوفل شیاف مامیثا سفیده گل ارمنی کوفته بیخته با آب کشنیز سبز طلاء
کنند طلاء بجهت خنازیر ص آهک زرنیخ سرخ هر یکده درم صمغ صنوبر سی درم روغن گل
هفتدرم صمغ را در روغن حل کنند و ادویه را کوفته بدان بسرشند و طلا کنند طلاء بجهت
داء الثعلب که موی را برویاند ص قیصوم پرسیاوشان بابونه هر واحد یک اوقیه در آب
بپزند تا مهرا شود پس بپالایند و همچند آب روغن با آن آمیزند و با آتش آهسته بپزند تا روغن بماند
پس طلا کنند طلاء بجهت داء الثعلب ص مویزج زراریح هر یک نیمدرم بوره خردل کبریت
زرد تلقسیا فرفیون هر یک یکدرم زبد البحر سه درم کوفته بیخته بشراب کهنه سرشته بعد دلک
بمالند و هر گاه تنفط گردد یک روز در میان بعمل آرند و تسبیح بط و مرهم سفید آب معالجه کنند
بعد ازان اعاده ضماد نمایند اگر احتیاج داعی شود طلاء بجهت منع نمودن انبات مو مجرب
منقول از اکمل الصناعه ص آب انجیر بیضه تمام زبد البحر ترنج از هر یک قدر مساوی
باهم مخلوط نموده از هر جا که دو سه مرتبه طلا کنند هرگز مو ازان موضع بر نیاید و همچنین اگر طلا
کنند موضع را از زنج و شوکران و افیون هرگز مو بر نیاید طلاء جهت رویانیدن مو عجیب الفعل
است ص تخم زر سیاه سوخته کندش سم الاغ سیاه سوخته با روغن زیتون بکار برند و
مولف حاوی کبیر و اطباء متقدمین را اعتقاد آن است که چون کندش را با روغن و تخم
مرغ طلا کنند در همه اعضا موی را برویاند حتی در کف دست طلاء دیگر همین در ین باب
ص پوست درخت انجیر و برگ او کف دریا سوخته هر یکدو درم فرفیون پنجدرم و باب
پیاز بسرشند تا دو روز طلا کنند تا موضع سرخ شود بعد ازان زراوند مدحرج لادن افسنتین
سوخته مورد حضض مساوی کوفته بیخته با آب عنب الثعلب سرشته طلا کنند طلاء

جهت داء الثعلب و سعفه رطب ص کف دریا کاغذ حب الغار همه را سوخته بسرکه سرشته
طلا کنند طلاء دیگر که همه انواع داء الثعلب عجیب الفعل است ص بیخ نی سوخته
سرگین سوس خاکستر خارپشت نوشادر بوره مغز بادام تلخ سوخته خربق سفید هر یک
یکجزو کوفته بیخته بروغن زیت طلا کنند و برگ انجیر همین خاربند طلاء جهت داء الحس بعد از
فصد و تلیین بجهت تسکین وجع بکار آید ص افیون بزر البنج کوفته با سرکه طلا کنند و همچنین
اگر بعد از فصد که چند دفع بعمل آورده باشند افیون اگر در سرکه گداخته باشند و بعد از آن بزرقطونا
مضروب بسرکه بر خرقه که در آب برف تر کرده باشند گذاشته بر بندند و هرگاه خشک گردد
اعاده کنند و مبالغه در تحذیر بآب برف نیز مفید است طلاء بجهت رویانیدن مو
از مجربات حکیم جعفر اکبرآبادی و جد امجد ریش میر رحیم الله بعد پنجاه سالگی ازین طلا بر آمده
بود ص براده حاج بنجال مگس برابر بروغن بیضه مرغ سوده هرجا که طلا نمایند موی بر آید
طلاء جهت آماس گرم و کوفتگی اعضاء و شکسته شدن آن سودمند بود ص گل ارمنی
فوفل اقاقیا هر یک ده استار صندل سفید سه استار شیاف مامیثا حضض هندی بوشش درم هندی
خطمی سفید آب قلعی مردار سنگ هر یک پنج استار کوفته بیخته بآب بید و آب کاسنی سبز سرشته
و سرکه و گلاب اندکی اضافه نموده بکار برند طلاء جهت اورام ملتهبه ص صندل سرخ
فوفل شیاف مامیثا سفید آب قلعی گل ارمنی هر یک یکجزو پوست بترو ج افیون
هر یک نیم جزو بآب خمیر کرده بشکل بنادق ساخته نگاهدارند وقت حاجت به گلاب
یا آب کشنیز تر و قدری سرکه انگوری سائیده و بالای آن جامه بآب برف تر کرده نهند و چون
گرم شود اعاده جامه نمایند طلاء سرطان که در اول بکار آید ص حکاکه سنگ آسیا
حکاکه سنگ آهن سرگین حکاکه سرب بآب کشنیز تر یا آب عصاره کاهو سائیده طلا
کنند طلاء که در اول سرطان بکار آید ص سرب با یکی از آبهای مذکور بسایند و توتیا
و صبر و سفید آب اضافه کنند و در میان مهرهٔ صلایه سرب بسایند و اگر خرقه کتانی در آب

طلاء مو برویاند

داء الثعلب تر کنند و بران نهند ریش شدن سرطان را مانع آید طلاء که منع زیاده شدن
و ریش گشتن سرطان نماید ص گل ارمنی گل مختوم سفید آب سرب بآب زیت انفاق و عصاره
کاهو یا عصارهٔ حی العالم یا لعاب بنگو از مهرهٔ صلایه سرب بسایند و طلا کنند طلاء برای
داء الثعلب ص کبریت زرد سم بره و موی سوخته اجزا مساوی بروغن سرشته اول موضع را
بپیاز و اشنان بمالند پس سرشته دوا طلا نمایند و چند دفع چنین کنند طلاء برای سعفه
رطب که در هندی گنج سر گویند منقول از بیاض عم مرحوم ص نیلا تهوته برشته نیم توله جدا گر
سوخته آمله پوست انار خشخاش سفید کمیلا سوخته از هر یک یکتوله فلفل نیم توله در روغن [illegible]
ادویه مسحوقه مدقوقه را سرشته طلا کنند طلاء برای سعفه یابس بکار آید ص نوبال مس [illegible]
سوخته ازروت قرطاس محرق هر یک دو جزو گوگرد زرد یک جزو بسرکه سائیده طلا کنند طلاء
محمد زکریا گوید که سعفه را به ازین دوا نیست ص سفال تنور سوخته یکجزو نمک نیم جزو نرم
بسایند و با سرکه سائیده طلا کنند طلاء بجهت سعفه یابسه نافعست ص نمک زاج سوخته
کبریت برآب سیماب مازو زرد چوبه زراوند مردار سنگ بسرکه انگوری و روغن گل طلا کنند
طلاء مجرب حکیم سعد الله گیلانی ص مردار سنگ توتیا پوست انار ترش مازو روناس
روغن گل هر یک سه مثقال سرکه کهنه یک ملعقه طلاء که سعفه را استیصال کند ص صابون
رقی بگلاب بر نهند تا کف بردارد پس بیخ بنفشه موم سفید روغن بادام هر یک قدری اضافه
نمایند و طلا کنند پس بآب گرم بشویند طلاء که سعفه و ریشه ها که بر سر کودکان باشد زایل
کند ص مغز بادام سوخته زراوند مدحرج هر یک یکجزو حنا قنبیل دم الاخوین هر یک دو جزو
سفید آب زراوند طویل خبث الفضه مردار سنگ هر چهار جزو بکوبند و در سرکه تر کنند و روغن گل
تر کرده طلا نمایند طلاء که قمل را بکشد ص صبر سقوطری شیاف مامیثا زنجفر سرخ اجزا برابر
کوفته بیخته در روغن گل حل نموده طلا نمایند طلاء برای قمل و صبیان و خارش که در
جمیع بدن باشد ص شیاف مامیثا یک جزو بورق نصف جزو نشاسته مثل جمیع ادویه

طلاء برای القمل

ورسرکه آمیخته بعد غسل بسیار در حمام طلا نمایند ویکساعت گذاشته باز غسل نمایند طلا
فوائد مذکوره ص زردچوب مغز بادام تلخ گلنار راتینج کاغذ سوخته مازو سوخته بیخ سوسن آسمانی
جونی اقاقیا قنبیل اجزا مساوی کوفته بیخته بکار برند طلا ۀ صبیان گنده بغل ص
نیمدام اقلیمیای فضه قرنفل مصطگی هریک مثقال شب یمانی پنجدرم توتیای بصری سه
ده درم کوفته بیخته در شیشه کنند وقت حاجت بگلاب تر کرده در بغل طلا کنند واگر مرد
بگلاب پرورده طلا کنند بوی بغل کم کند وهمچنین اگر توتیای بصری بگلاب سائیده با گل
یا مقداری کافور آمیخته خشک کنند وبکار دارند بدبوی بغل دور کند طلا ۀ قمل وبخارش
مفید است ص موینج زرنیخ سرخ زراوند طویل هریک یکجزو کوفته بیخته در روغن زیت
بر اعضا در حمام طلا کنند وبعد از یکساعت که عرق جاری شود بشویند طلا ۀ برای قوبا
است ص خردل تخم ترب تخم جرجیر کندش هریک سه درم خربق سیاه هشت درم
ده درم کوفته بیخته بآب کرنب سرشته طلا کنند طلا ۀ برای قوبا مزمن مفید است منقول از
قانون ص ایرسا کبریت از هریک پنجدرم نخود لبنک بزر هریک شش درم خربق سیاه
هشت درم حرف ده درم قردمانا موینج هریکیده درم کوفته بیخته بسرکه سرشته طلا کنند طلا
جهت قوبا بغایت نافع ص شیاف مامیثا کندر زبد البحر کتیرا توبال مس بوره ارمنی خربق
سفید زرمس اشق بالسویه بسرکه طلا کنند طلا ۀ که کلف مبتدی را بکار آید منقول از معالجات
بقراطی ص گل سرخ آرد عدس درست فنجنکشت هر واحد یکجزو موینج دو جزو کوفته بیخته
بسرکه وشراب وقدری آب مورد آمیخته طلا کنند طلا ۀ که در انتهاء کلف بکار آید وتحلیل آثار
مواد نماید ص صبر نیم جزو ورق الغار حب الغار خاکستر قیصوم خاکستر استخوان اگر کفتار
باشد بهتر است کندر راتینج ورق سداب جبلی بیخ سداب جبلی زعفران هریک یکجزو وهمه را کوفته بیخته
دو حصه کنند یک حصه در موم روغن کنجد از روغن خار ساخته باشند بیامیزند ویکحصه را در سرکه حل کنند
وانچه از سرکه ساخته باشند در روز بمالند وشب بآب شسته انچه از موم روغن ساخته باشند

برند طلا ۀ برای داء الثعلب کلف ص ترمس تخم ترب تخم جرجیر قسط مغز بادام تلخ بوره
فلفل مقل بالسویه بگیرند ومقل را بآب معصفر حل کنند وادویه بسرشته طلا نمایند طلا ۀ
کلف مجرب ص شیر لیموی کاغذی بریده زردچوبه ریزه ریزه کرده دران لیمو برکنند
وکلاه لیمو برجا داشته تا یک هفته برجای محفوظ نگاهدارند پس ازان شیر آورده با بیخ نی کهنه سائیده
طلا کنند وصبح بآب گرم بشویند طلا ۀ که قحل را دور کند وقت حدوث آن ص ترمس
درم تخم خربوزه نخاله جواری کتیرا از هریکدو درم جو چهار درم همه را کوفته بآب تر کنند ونشاسته
طلا نمایند وسه روز بپائی چنین کنند خواه برسر باشد خواه جای دیگر طلا ۀ دیگر ص کتیرا بیخ
جزو آرد ترمس آرد جو عدس مقشر نشاسته هریک جزوی آرد باقلا آرد نخود آرد کرسنه هریکیده
جزو تخم خربوزه سه جزو وهمه را کوفته وبیخته بشیر زنان واندکی زعفران سرشته طلا کنند وصبح
بآبی که دران تخم خربوزه وبنفشه وخطمی وسبوس گندم جوشانیده باشند یا تر کرده باشند بشویند
طلا ۀ که قلع وشم کند بی تقریح ص نطرون بآب گرم حل کنند وبر وشم بمالند زمانی طویل پس
علک البطم اندر عسل نرم بسایند وطلا نمایند وسه روز بگشایند ونیک بمالند بالیدن جید بعد
ازان انچه در ازاله آثار گذشت طلا نمایند در یک وزده مرتبه ویا سه روز بعمل آرند وباز
بآب نطرون بشویند وهمین قسم مکرر کنند که در سه تدبیر ازاله وشم کند طلا ۀ که موی ابرو را
که از جذام ریخته باشد بر وپاند بعد از تنقیه بکار آید ص موینج بلیله سیاه آمله هریک جزو بیخ
ودر روغن زیت حل کنند وبمالند بعد از انکه موضع را بطبیخ گلنار وفوتنج شسته باشند طلا ۀ
که موی سر وابرو را از ریختن نگاهدارد ومحکم گرداند ص لادن هرقدر که خواهند بگیرند وبشراب
عفص تر کنند پس گاهی بروغن مورد هم بسایند وگاهی بشراب ونیم وزن لادن بیرو سیاه
بادی بسرشند ودر حمام یا در آفتاب طلا کنند واگر مزاج آن کس سرد باشد یا زمستان بود
بانار دین بسرشند وبمالند طلا ۀ برای جرب ص دقیق نخود چهل درم زجاج سفید مسحوق
نخاله بورق از هر واحد بیستدرم گل خطمی ششدرم گرفته بخل خمر خمیر کرده مثل مرهم مرتب سازند

خشکی

گودنا جسم میں بذریعہ سوئی رنگ بھرنا نام وغیرہ جسم پر لکھنا

دووقت حاجت در سرکه وقدری آب حل نموده بر سر حلق نموده بروغن گل وقدری سرکه
نموده باشند استعمال نمایند طلاء که موی لحیه و حاجب برویاند ص زبد البحر خاکستر قیصوم
بزیت کهنه سرشته دران موضع دلک کنند وشراب صرف بیاشامند وتدبیر تسخین معتدل
بعمل آرند طلاء که موی را قوت دهد واز ریختن باز دارد ص کندر مازو از هر یک یکدرم مصطگی
ونیم قردمانا مر هر یک دو درم لادن سه درم بروغن گل بگذارند واصول شعر را بدان طلا کنند
طلاء که منع صلع کند وابتداء آنرا بسازد طلاء پرسیاوشان ورق آس لحاء درخت صنوبر
کندر برابر وزن گرفته بریان نمایند تا گرم شود پس لادن ومر از هر یک جزو داخل کرده شراب
کهنه وروغن ترب سحق کنند وبر سر طلا نمایند ووقت شب وصبح غسل کنند وتدهین نمایند پس صلابت
مبتدی را زائل میکند طلاء که منع نبات موی کند در عانه وبغل تا مدت طویل ص قیمولیا
سفیده رصاص از هر یک یکجزو وشب یمانی نصف جزو در آب بیخ بربا یا سرکه در وبیخ جوشانیده
باشند سحق نمایند وبر موضع طلا کنند وعلی الدوام بعمل آرند طلاء جهت کسی که از جا افتاده باشد
ص صبر مر هر یک سه درم خطمی بنفشه صندلین سعاث گل سمرقندی اکلیل الملک هر یک
پنجدرم کوفته وبیخته بسفیده بیضه مرغ لبرشند وطلا نمایند طلاء دیگر هم در رباب واستخوان شکسته
را جبر کند ص بیخ تفاح یکدرم افیون سه درم فوفل سفید آب صاص بوش ورسندی خطمی
برگ نیلوفر هر یک سه درم شیاف مامیثا ده درم صندلین هر یک دو استار گل سرخ گل ارمنی
علک البطم هر یک سه استار کوفته بیخته بآب کامو لبرشند ودر اول علت بگلاب وسرکه طلا
کنند وبعد آن بآب کاسنی طلاء که گوشت افزون را بخورد ولی آنکه بسوزاند ص زرنیخ سرخ
خربق سیاه هر یک پنجدرم توبال مس ده درم همه را بروغن گل بسایند وطلا کنند طلاء که
درشتی وسختی را نرم کند ص موم زرد پیه بط پیه مرغ خانگی هر یک یک اوقیه مغز ساق گاو
دو اوقیه روغن سوسن شش اوقیه همه را باهم لبرشند وطلا کنند طلاء دیگر برای همین اغراض
ص پیه سائله جاوشیر اشق هر یک نیم اوقیه مقل دردی روغن سوسن دی موم روغن کتان هر یک

یک اوقیه پیه خرس یا پیه مرغ دو اوقیه صمغ ها بشراب حل کنند وپیه را با روغن ها بگدازند ودرهم
لبرشند وطلا کنند طلاء پوست ها که بر اطراف ناخن خیزد وسود دارد ص مصطگی سه درم نمک
دو درم مصطگی را در روغن بیامیزند ونمک حل کرده طلا کنند طلاء بجهت آبله ودمیده کسی که
از سوختگی بهم رسد ص بگیرند عدس مقشر وگل سرخ چندانکه خواهند وعدس را پخته با گل سرخ
وسرکه خوب بسایند وطلا کنند وخرقه کتان را بآب سرد تر کرده بیخ سرد ساخته بران افگنند
واگر سفیده مرغ بروغن گل طلا کنند نیز نافع بود طلاء احراق عسل بلادر ص اول شرط
زنند وحجامت کنند پس از ان مرهم خل طلاء نمایند طلاء دیگر که افراط در کثرت شعر
وانبات شعر هر گاه در انبات تاخیر کند خصوص مرا این طلا را ص بیضه گرفته سر آن سوراخ
کنند ورطوبت آنرا بکنند در آب بشویند تا صاف شود پس روغن چنبیلی در بیضه مذکور اندازند
ونصف بیضه پر شود پس در روغن مذکور فرفیون دو دانگ افیون یکدانگ جندبیدستر
یکدانگ مغز حب القطن یکدانگ ونصف مشک لادن از هر یک دانگ صمغ عربی
دو دانگ انداخته همه را جوش دهند تا باهم مخلوط شود پس سرد نموده استعمال نمایند می رویاند
سوی را طلاء که مضرت گزیدگی جانوران زهرناک باز دارد ص جندبیدستر سکبینج جلتیت
کرنب سرگین کبوتر مشک طراثشیع اجزا مساوی روغن زیت کهنه لبرشند وطلا نمایند
طلاء از مجربات صاحب کامل الصناعه برای برص ص کرنب محرق چهار درم فرفیون محرق سه درم
خربق اسود شیطرج هندی شقائق النعمان از هر یک درمی کوفته بیخته همراه سرکه طلا
نمایند طلاء دیگر از کتاب مذکور ص مغز بادام تلخ ترمس تخم ترب تخم جرجیر تخم کرنب
حرف زراوند طویل خربق اسود شیطرج هندی خطیا نافرفیون اجزاء برابر کوفته بیخته
در طبیخ عفص آمیخته طلا نمایند طلاء قوی الاثر در انبات شعر ص روغن بان اوقیه
زراریح مقطوع الراس والاجنحه سه درم سائیده در روغن بان اندازند وبردارند واز مشک
وعنبر خوشبو سازند وبر موضع مالش نمایند واز پارچه صاف کنند وباز اعاده کنند تا آبله بر آید

طلاء برای تبور که در وقت بلوغ بر روی بهم رسد و در هندی مهاسه گویند ص برگ
نیم بیخ سوسن پوست ترس بهم سائیده طلا کنند طلاء دافع داغ برص ص اشخار نارسیده
آب نرسیده مساوی باهم سائیده در جای که مکه برص طلا کنند وچون بپختگی گراید از جامه سطبر
خراشیده دور سازند و باز طلاء کنند همچنان خشک بجامه سطبر بخراشد که درین مرتبه آن جرم
دور شود و مرتبه چهارم باز طلا نمایند مثل داغ ظاهر خواهد شد بعد از ان آنرا بتیل کنجد چرب
میکرده باشند که در اندک فرصت برنگ اصلی باز می آید طلاء جهت برص ص پوست
چیته بیخ سرکنده مساوی بآب لیمو سائیده چون بر موضع برص مالند آبله بهم رسانیده منفجر
خواهد شد بعد از ان بالائش روغن نیم بمالند که در اندک فرصت برنگ اصلی باز می آید
طلاء برای کلف ص اشنان در آب خربوزه سه روز پرورده وخشک کرده کوفته بیخ
پوست عدس پوست بیخ قصب از هر یک ربع جزو همه را باریک کوفته در آب سرشته
بر روی طلا نمایند طلاء که رنگ سیاه گرداند ص خبث الحدید که مثل غبار سائیده بیخته
و با عدس سوخته سائیده آمیخته بر روی طلا کنند پس بحمام روند و اگر مهر روی انداز ند بسیار
مالش نمایند لون را سیاه کند مثل سیاهی که از گرمی آفتاب میشود و بدانند که مثل خبث الحدید
در این امر هیچ چیز نیست طلاء که موی لحیه و حاجب برویاند ص زبد البحر خاکستر قیصوم در
زیت کهنه خمیر نموده بر موضع مالش نمایند و شراب صرف بنوشند و تدبیر کنند از چیزها که گرم کنند
باعتدال که روی را زرد کند ص زیره کرمانی یک جزو زرد چوب ربع جزو کوفته بیخته با دقیق
جواری آمیخته بر روی ضماد کنند پس در آبی که در ان انجیر بخته باشند غسل نمایند رنگ زرد کند
مثل رنگ مرضی طلاء جید برای آثار ضربه و آثار سیاه ص لوز مقشر درم صدف محرق
حرف سفید از هر یک دو درم ماش مقشر نصف درم نخود سفید دو درم کرسنه درم ترس
درم زبد البحر درم استخوان نهایت بوسیده درم انزروت درم کوفته بیخته در ماء الشعیر و
شکر خمیر کرده بآب روح طلاء نمایند طلاء که رنگ را صاف کند و آثار ضربه برد ص

شاخ گوزن بجدی بسوزانند که سفید شود و کنند ر دقیق و ترس دقیق کرسنه دقیق باقلا اجزا
برابر اشق نوشادر بادام تلخ از هر یک سه جزو کتیرا صمغ عربی از هر یک یک جزو طبیخ که تفتیت
حصاة نماید ص دو قو قطر اساليون هر یک چهار درم پرسیاوشان هفت درم اسقولوقندریون
هشت درم خسک ده درم تخم قلت پانزده درم انجیر سفید هفت درم در چهار رطل آب بپزند
تا برطلی آید نیم رطل بعد از خروج حمام بیاشامند طبیخ که وجع گرده و عسر بول دور کند
ص حب کاکنج تخم خبازی هر یک دو درم زیره افسنتین اصل السوس تخم خربزه هر یک چهار درم
باد و قسط آب بپزند تا به نصف رسد دو اوقیه بنوشند طبیخ برای درد کلیه از مجربات یوحنا
است ص حلبه نانخواه تخم گندنا تخم کرفس تخم سداب مساوی در آب پخته بنوشند طبیخ
که وجع کلیه و مثانه را نافع باشد ص بادیان انیسون تخم خربوزه تخم خیارین خار خسک پرسیاوشان
تخم خبازی گل بنفشه تخم کشوث حب الفلت بقدر مناسب گرفته در عرق خیار شنبر بطرز
طبیخ ابلیغ نمایند هر گاه سوم حصه بماند شربت بزوری یا شربت آلو بالو هفت مثقال داخل
کرده بخورند طبیخ که حیض براند ص اسارون یکدرم سداب نیمدرم رازیانه دو درم لوبیا
سرخ پنجدرم عسل ده درم بجوشانند و صاف کنند و سه روز متوالی بخورند طبیخ که همین خاصیت
دارد و نافعست مردان را که منی ایشان محتبس شده باشد ص افسنتین درمنه ترکی ترمس
سداب رازیانه تخم کرفس از هر یک دو درم انجیر پنجعدد گلقند ده درم بجوشانند و صاف کنند
و سه روز متوالی بخورند و سه روز استراحت نمایند و باز همین عمل کنند تا ادرار تمام شود
طبیخ حیض براند ص لوبیای سرخ انیسون فوه از هر یک چهار درم سداب سه درم رطل
آب بجوشانند تا رطلی آید صاف کرده قدری شکر اضافه نمایند هر صباح چهل درم بنوشند
طبیخ دیگر حیض براند ص لوبیای سرخ سه درم فراسیون فوه از هر یک چهار درم فودنه درم
در پنج رطل آب جوشانیده تا بنیمه آید صاف کرده قدری ترنجبین اضافه نموده هر صباح سه درم بنوشند
طبیخ که جهت آوردن حیض مجربست و باعتدال سیل دارد ص حب القرطم

گاوزبان تخم خربوزه بادیان ها بسویه نیمکوب کرده بهم آمیزند و قدر هفت درم از مجموع در یک و نیم رطل آب شب تر کرده
صباح بجوشانند هر گاه نیم رطل بماند صاف کنند و بشکر شیرین کرده بنوشند طرد دکه اگر در جامه بکسترند دود
کنند حشرات بگریزند ص چوب انار و پوست بیخ آن و بیخ سوسن و بیخ سرو ریشه ها و سم گوزن و اظلاف جانوران
و مقل و سکبینج انگژه و برگ غار هر یک بقدر گرفته جمع در آب شحم حنظل نموده خشک کرده بکار برند
طرد دیگر ص پودینه و درمنه در جامه بگسترند حشرات از خانه بگریزند طرد دیگر ص شونیز
گوگرد شاخ گوزن بازرد همه را جمع کرده استعمال نمایند موجب طرد حشرات گردد طرد دیگر
ص میعه سائله شاخ گوزن شونیز هر یک یک وقیه پوست خایه شتر مرغ اسفیداج هر یکی دو
اوقیه بیامیزند و بسوزانند طرد دیگر ص برگ صنوبر بزر البنج پوست بیخ تفاح هر یک یک درم
پودینه دشتی و کوهی هر یکی دو درم موی بز سه درم فیقرا چهار درم با یکدیگر بیامیزند و با آتش
چوب زرد بسوزانند و آنچه بر زمین ریزد بباید گسترد و مسکن را لطبنج خشک و آب نوشادر
باشند و بر نجاسف بسوزند و بخنگشت در رخت خواب ریزند طرد ماران ص اظلاف
بغر شاخ گوزن گوگرد موی آدمی سکبینج زفت مقل مازو از هر یک قدر مناسب گرفته بسوزند

حرف العین المهمله عطوس عبارت است از سعوط که برآوردن عطسه استعمال
شود عطوس منقی نافع از برای صداع بلغمی ص جندبیدستر فرفیون کوفته بیخته با آب
چقندر یا آب مرزنجوش سرشته در بینی کنند عطوس نافع از برای صداع که از اخلاط بارده
غلیظه بلغمیه و سوداویه بهم رسد ص فلفل کندش جندبیدستر گرفته کوفته بیخته در بینی دمند
تا عطسه آورد و باد رصره کتان نازکی لبته دائم ببویند تا که عطسه آید عطوس که فالج و سکته و
لقوه و جمیع امراض بارده دماغی را سود دهد و تنقیه دماغ کند و اخراج مشیمه بحرکت عطاسی نماید
بشرطیکه چون عطسه آید دهن و بینی بند کنند تا همگی قوت بباطن منتشر شود ص کندش
شونیز فرفیون قرنفل فلفل جندبیدستر مشک زراوند مدحرج حب بلسان عاقرقرحا بوره ارمنی جمله برابر
کوفته بیخته در نی انداخته اندر بینی دمند عطوس که جمیع علل بارده دماغی را سود دهد ص

شحم حنظل فلفل اسطوخودوس جندبیدستر هر یک سه درم کندش هشت درم کوفته بیخته در بینی
دمند عطوس که سده گوش را که از اخلاط غلیظ بلغمی باشد بگشاید پس از تنقیه استعمال نمایند
ص کندر صبر حبة السوداء جمله با شحم باریک ساخته در بینی گذارند که عطسه آید عرق معمول
عم مرحوم برای امراض سوداوی و تقویت معده و دل و منع صعود ابخره ص اسطوخودوس
دوازده توله کشنیز خشک سه پاو پوست هلیله زرد یک آثار گل سرخ پنجتوله گاوزبان گیلانی
نیم پاو مویز منقی هلیله سیاه یک پاو آثار تا چهار شبانروز خیسانیده هفت آثار عرق کشند عرق
کیف و از منقول از بیاض عم مرحوم قوت بدل و دماغ دهد و خمار سازد و لبو بیارد و بخوبی و خوش
رنگی این عرقی نمیباشد ص قند سیاه یکمن جهانگیری پوست کیکر بیست سیر آب صافی قدری
کمتر باشد در خم کنند تا که لاهن برسد بهایه داده عرق یک آتشه بکشند بیست و پنج سیر یا سی و پنج سیر
یک آتشه هر قدر زرم خواهند کشید عرق دو آتشه خوب و بهتر خواهد شد و چون یک آتشه تیار شود
ادویه مذکوره سه شبانروز خیسانیده روز چهارم عرق دو آتشه هشت آثار بگیرند و اگر زرم خواهند تا چهار و
پانزده سیر بکشند قرنفل دو توله صندل سفید بگلاب سائیده ده توله عنبر لادن سه توله عود یکتوله زبان سفید یکسیر دارچینی
سه توله گاوزبان سه دام نیمکوب کرده تجیبانند و صندل دو توله مشک یکماشه عنبر لادن یکتوله
در پارچه بسته در سبوی که عرق در ان میچکد بیندازند و هر گاه دو آتشه تیار شود و موسم گلاب باشد
پنج سیر برگ گل که زردی و سبزی آن گرفته باشند بگیرند و در پارچه پاکیزه بسته در دیگ یا در
مرتبان چینی کنند و عرق دو آتشه گرم گرم بران ریزند و چون چند روز بران بگذرد و حدت
کم شود استعمال نمایند عرق چوب چینی که ضعیف را قوی گرداند و ناتوان را توانا سازد و قوت
باه چندان شود که حد ندارد و مالیخولیای مراقی را مفید بود منقول از قرابادین عم مغفور ص
چوب چینی هشت آثار اکبری دارچینی پانزده آثار الاچی خورد کباب چینی قرنفل جوزبوا بسباسه
سعد کوفی ساذج هندی عود غرقی بهمن سرخ بهمن سفید زرنباد بادرنجبویه خولنجان سنبل الطیب
اشنه گاوزبان صندل سفید سوده درونج عقربی خصیة الثعلب مصطگی بیخ بنفشه تخم ولایتی

شونیز کلونجی

از هر یک و سیر نبات سفید سه من مویز منقی هشت آثار عسل مصفی هشت سیر قند سیاه سه من
پوست کیکر یکمن گلاب یزدی سی شیشه عنبر اشهب دو توله مشک پنج توله زعفران نیم سیر
بدستور عرق کشند خواه یک آتشه یا دو آتشه و بعضی عوض پوست کیکر پوست کنار میکنند و
آن هم خوب میشود حکیم مسیح الزمان این عرق را برای نواب اعتماد الدوله تیار کرده بود عجیب و
غریب برآمده بود و نفعی کرد که از حیطهٔ تقریر و تحریر بیرون است **عرق** منقول از قرابادین
عم مرحوم حکیم کاظم علی خان همیشه همین عرق استعمال میکرد در تجربهٔ راقم نیز آمده است در طعم بسیار
لذیذ و خوش نشار و بی خمار و برای اقسام مالیخولیا فواید بسیار دارد ص پوست درخت
مغیلان شسته و پاک کرده ده آثار قند سیاه یکمن شاهجهانی آب چهار مشک در خم
انداخته در زمین دفن کنند که ورته آن سرگین اسپ قدری گذاشته باشد
چون لاهن برسد سی آثار عرق کشند یک آتشه و بسباسه جوز بوا دارچینی تنا شیرین هیل خورد
خس از هر یک یکتوله برادهٔ صندل دو توله گل سرخ پنج توله قرنفل نیم توله یکشبانروز درین عرق
بخیسانند روز دیگر بیست آثار عرق دو آتشه گرفته نصف آن اجزاء دیگر گرفته درین عرق
یک شبانروز بخیسانند روز دیگر سه آتشه دوازده آثار عرق بکشند و اگر سه ماشه عطر
یا گلاب در سبکه اندازند بهتر خواهد برآمد بعد از چند روز استعمال نمایند و
حکیم جعفر اکبرابادی همین قندی را بعد گذشتن چهل روز از کشیدن در خفقان و ضعف
قلب و مالیخولیا مراقی و نقاهت ها همراه گلاب نبات میداد و باین طریق بگیرند نبات چهار توله
و گلاب چهار توله در هم نمایند که نبات حل شود بعد ازان شراب را در کاسهٔ چینی کرده آتش
دهند تا که در گیرد پس نبات محلول را داخل نمایند و قاشق بزنند تا خاموش شود بعد از سرد
شدن بنوشند و بفاصلهٔ پنج گهری غذا بخورند **عرق** از تالیف راقم مقوی دل و
دماغ ص گل کنگی یکعدد گل سیوتی گل گاوزبان هر یکده توله گل نیلوفر کشنیز خشک هر یک
نیم پاو شب در آب تر نمایند و ده آثار عرق بکشند و برای محرور المزاج کافور قیصوری و

طباشیر هر یک بقدر مناسب بیفزایند تا این عرق همراه قرص کافور یا طباشیر استعمال کنند
عرق تنباکو از اختراع متاخرین است برای قولنج ریحی و فالج و لقوه و استرخاء و استسقا و
تحلیل ریاح معده و تفتیح سده های جگر و باسار یقا و تحلیل مواد فاسده رحم و سده های آن و هضم
طعام و آوردن اشتهار و دفع صداع بلغمی و اوجاع مفاصل بلغمی نافعست ص تنباکو زرد
و خشک یک چهار من تبریزی و اگر تر باشد سه چهار یکمن تبریزی نانخواه صعتر از هر یک پنج مثقال
دارچینی قرنفل اظفار الطیب جاشیا هر یکده مثقال همه را در چهار من تبریزی آب یک شبانروز بخیسانند
پس عرق بکشند و هر صبح و شام پنج مثقال آنرا بنوشند **عرق** جادوانی منقول از بیاض عم مرحوم
ص جوز بوا قرنفل قاقله کبار آمله سنبل گل و هاده از هر یک نیم پاو دارچینی یک پاو پوست
کیکر دو برابر ادویه قند چهل برابر ادویه ادویه را در خم اندازند چون لاهن رسد عرق بکشند و
بکار برند **عرق دیگر** منقول از بیاض مذکور برای خفقان و تقویت معده بسیار سفید بود
ص گل سرخ پاو آثار گل گاوزبان دو نیم دام قرنفل پاو آثار گاوزبان گیلانی پاو آثار مشک
دو ماشه ابریشم مقرض ده دام صندل سفید نیمدام پان صد عدد و گلاب یکسیر پاو بالا آب بقدر
حاجت بدستور متعارف عرق کشند **عرق عنبر** از مجموعه در تقویت دل و دماغ و اعضاء رئیسه
ببعدیل و جهت دفع غشی و اعادهٔ قوت سریع الاثر است چنانچه بعضی نشار از کثرت استفراغ
طمث و بعضی رجال از افراط جریان خون بواسیر بحالت تباه رسیده بودند بجرد آشامیدن
این عرق بحال آمدند و فوائد عجیبه و غریبه ازین عرق مشاهده نمودند ص مشک یکمثقال
عنبر اشهب مصطکی رومی هر یکده مثقال زرنباد عود غرقی کبابه اشنه سنبل الطیب بهمنین مثقال
مصری سازج هندی دارچینی زعفران قرنفل بوزیدان گل سرخ طباشیر سفید قاقله کبار و
قاقله صغار علف هندی پوست اترج ابریشم مقرض صندل سفید برگ ریحان تازه سعد کوفته
فرفه کشنیز خشک گل گاوزبان انیسون درونج عقربی پوست بیرون پسته هر یک پنج مثقال
آب سیب ولایتی تازه نیم سیر عالمگیری رب انار ترش یک سیر عرق گاوزبان عرق بید مشک

عرق بادرنجبویه هریک دو نیم سیر گلاب قسم اول پنج سیر دو آثار کوفتنی نیم کوفته همه را با عرق یکجا کرده
شب نگاهدارند و صباح آب سیب آب انار هم داخل کرده در دیگ انداخته عنبر و مشک بر پنجه
بسته عرق کشند قدر خوراک از هر یک فنجان قهوه خوری یا چهار فنجان و طبیب الحسب مزاج (پیالی ۱۲)
و حالت مریض بعضی تصرفات چنانچه جهت تقویت معده آب به یک سیر و جهت تسخین و تقویت آن
بهار نارنج پنج مثقال و جهت حبس کردن طبیعت گل بنجاب یا سنجد داخل کنند عرق اسود بارد و مفرح
گرم مزاجان است و تفریح تمام آورد و نشاط آرد و اصحاب مراق و مالیخولیای سوداوی محترق را
نافع است ص قند سیاه بیست و چهار من تبریزی پوست مغیلان سه من تبریزی در خم کرده آب
داخل نمایند آن مقدار که ثلث خم خالی ماند پس خم را در سرگین اسپ دفن کنند و بگذارند که جوش
خورد و از جوش فرو نشیند و برسد پس از آن را عرق کشند و آن عرق در ظرفی کرده صندل سوهان
بیست مثقال گل نیلوفر چهل مثقال گل گاوزبان یکصد و بیست مثقال تخم کاسنی نیمکوفته تخم خرفه
مقشر مغز تخم خیارین کوفته از هر یک دوصد و چهل مثقال مغز تخم کدو نیمکوفته دوصد مثقال پوست
هلیله کابلی کشنیز بید و بهار از هر یک سه صد مثقال پوست بلیله آمله منقی از هر یک یکصد مثقال تخم گا
یکصد و بیست مثقال گل سرخ چهار من تبریزی کشنیز خشک بیست مثقال همه را در عرق مذکور
یک شبانروز بخیسانند و عرق کشند و در وقت عرق کشیدن دو مثقال عنبر اشهب همه بر دهان
نیچه بندند عرق که از تالیف اطبای هند است نشاط آورد و مفرح و مقوی و محسن لون است
ص زردک یکمن قند سیاه نیم من گل دهاوه دو سیر دارچینی نیم سیر کباب چینی نیم سیر زردک را
پاک کرده استخوان آنرا دور کرده نرم بکوبند و باقی ادویه نیمکوفته با قند بآب در خم نمایند و باید که
خم کهنه و مستعمل باشد و در زیر توده خاک بیست و یک روز دفن کنند پس از آن برآورده به پالایند
و در شیشه نگاهدارند هر چند کهنه شود بهتر است شربت نیم پیاله یا یک پیاله عرق جزر تفریح و
نشاط آورد و مقوی باه است ص بگیرند جزر رسیده استخوان آن را دور کرده نه من تبریزی آنرا
در آب بجوشانند تا مضمحل شود پس در هم بمالند آنرا و شش من تبریزی قند سیاه داخل نموده در خم

و نیم پوست درخت مغیلان و یکصد مثقال پوست هلیله کابلی همه را در خم کرده در سرگین اسپ
دفن کنند و بگذارند تا برسد پس در آن صندل سفید غنچه گل سرخ دارچینی گل گاوزبان پوست
اترج از هر یک بیست و پنج مثقال داخل کرده عرق کشند و مرتبه دوم در ان عرق سعد کوفی ساذج
هندی چوب چینی از هر یک سی و هفت مثقال زنجبیل کندر از هر یک نوزده مثقال داخل کرده
عرق کشند و در این مرتبه دو مثقال نیم و عنبر اشهب و مشک خالص و زعفران از هر یک یک
مثقال بر دهان نیچه بندند عرق جزر ساده از تالیف راقم ص جزر رسیده استخوان دور کرده
و پوست خراشیده یک آثار گاوزبان گیلانی هفت درم گل گاوزبان پنج درم بهمن سفید و تودری
گلگون هر یک سه مثقال صندل سفید پنج مثقال بطریق متعارف عرق کشند و وقت حاجت
بقدر مناسب گلاب بیدمشک قدری نبات تخم فرنجمشک اضافه نموده بنوشند و نیز اگر گزر بکوبند
و آب صافی آن گرفته با گلاب و بیدمشک و تخم فرنجمشک و شربت انار بنوشند در تفریح و تقویت
دل و باه بغایت نافع است عرق پان جهت درد معده و دفع درد شکم و قولنج ریحی وغیره و اوجاع
که از باد باشد مجرب است منقول از بیاض عم مرحوم ص گل سرخ گاوزبان پودینه برگ تنبول
از هر یک پاؤ آثار نانخواه سعتر دارچینی قرنفل خولنجان زنجبیل الایچی خورد از هر یک نیم پاؤ گلاب
چهار شیشه بیدمشک دو شیشه آب باران دو شیشه شب ادویه را تر کرده صبح عرق هفت هشت
آثار باشد بکشند عرق پان از تالیف راقم جهت اعانت هضم و سرخی رنگ خساره و تقویت باه
ص پان یکصد و بیست درم دارچینی قسم اول سی درم بهمن سفید بیست درم دانه هیل جوز بوا
تودری گلگون هر یک دوازده درم آب باران بیست آثار ده آثار عرق کشند عرق
جهت تقویت معده و ریاح و زحیر مجرب است ص دارچینی چهار دام قرنفل نانخواه انیسون
بادیان از هر یک دو درم گل بابونه تخم کرفس از هر یک یکدام مشک چار ماشه زعفران شش ماشه
در چهار آثار آب ادویه را تر نمایند و صبح دو آثار عرق کشند عرق انبر باریس مقوی جگر و معده
و قامع صفرا و اشتهای طعام آورد ص زرشک منقی سه من تبریزی یک شبانروز در آب بخیسانند

بعمل در سه

ومقدار هفت ده مثقال قرنفل کوبیده داخل نمایند وقدری سرکه انگوری که زیاده بر ربع زرشک نباشد داخل کنند وبدستور عرق کشند واگر قدری خاک نخود داخل نمایند لذیذ خواهد شد عرق گوگرد که اهل صناعت مار العرس نامند مقوی معده وبرای جرب مفید ودر غایت حرارت ویبوست ومفرح اعضا وشدید النفوذ منضج وملطف وجالی وجهت مبرودین مرطوبین نافع ودر تحلیل وتلطیف فلزات قوی الاثر است ص قندیل شیشه دامن فراخ باین صورت که چراغدان محاذی لب او باشد معکوس نصب نمایند ودر زیر چراغدان ظرفی بگذارند که قطر او زیاده از قطر دهن قندیل باشد تا عرق که از لب قندیل چکد دران ظرف رود وآن ظرف باید که از چینی یا زجاج باشد وقندیل باید اندک منحرف بیاویزند تا از یکطرف آن عرق بچکد ودر چراغدان بجای پنبه گوگرد فارسی یا گوگرد شفاف گرده بلرفرو زند تا دود گوگرد در قندیل پیچیده مستحیل بعرق گردد وبباید که شعله بیرون قندیل نرسد وپیوسته گوگرد در چراغدان کنند که منطفی نگردد واز محافظت تمام باید نمود که از خارج هوا داخل قندیل نشود وقندیل را اصلا حرکت نباید داد وپایه چراغدان وظرف تحت او چیزی باید گذاشت که پایه او بعرق جمع گشته ملاقات نمایند مثل سنگ صلب وغیره وهرگاه قندیل شیشه بهم نرسد کاسه چینی را بتعبیه میتوان نمود واگر قندیل ضخامت نداشته باشد وتاب شعله نیارد وبیرون او را بگل حکمت باید گرفت وچون عرق مجتمع مخلوط بدود گردد هرگاه که خواهد رفع سیاهی او شود عرق مذکور را در قرع کوچکی موافق مقدار عرق که ثلث وربع او را مملو سازد باید کرد وانبیق را مستحکم نموده بآتش خاکستر وارب بار دیگر تقطیر نمایند واین از تصرفات صاحب تحفه است عرق گل سنبل مقوی ومبهی وشتهی است ص گل سنبل در سایه خشک کرده برابر آن گل سرخ وهمانقدر گل سندی ونیمه آن گل چنبیلی باهم مخلوط نموده مثل گلاب بچکانند عرق که مقوی باه است واشتها آورد ص مصطگی نیم توله عنبر اشهب زعفران دارچینی فلفل دراز قاقله کبار درونج عقربی از هر یک دو توله سنبل الطیب قرنفل از هر یک چهار توله بهمنین مریهی خولنجان هر یک شش توله گاوزبان

گیلانی شقاقل بادرنجبویه خارخسک خصیة الثعلب هر یک دوازده توله مویز منقی یک سیر زردک منقی چهار سیر باهمین قدر سیب گوشت گوسفند فربه ده سیر همه نیمکوب کرده در آب خیسانیده بعد از ساعتی بچکانند عرق جزر مقوی باه است ونشاط آورد ص شکر سرخ پانزده استار گذر پاک کرده سی استار جوشانیده در خمی که در گل گرفته باشد کنند وتا هفت روز بگذارند پس صندل سفید دارچینی گل سرخ گاوزبان سافج هندی کبابه چینی پوست اترج برگ تنبول سعد کوفی از هر یک ده توله پوست هلیله کابلی یک استار نیمکوفته داخل کنند ویکروز بگذارند وروز دیگر عرق کشند پس سعد کوفی دارچینی صندل سفید سافج هندی چوب چینی بهمن سرخ وسفید شقاقل از هر یک پانزده توله زنجبیل کندر از هر یک هفت توله نیمکوفته در ده استار شیر تازه وعرق اول یکروز وشب بخیسانند روز دیگر عرق کشند ودر وقت عرق کشیدن عنبر زعفران از هر شش توله مشک خالص سه ماشه در دهان نیچه بندند عرق چوب چینی ضعف باه را نهایت مفید باشد وتقویت حواس کند وتفریح قلب وتحسین لون نماید معده را قوت دهد وطعام را هضم کند وبجهت شگفتگی خاطر فائده مند است ص دارچینی گل سرخ از هر یک دو اوقیه سنبل الطیب سافج هندی قرنفل هیل بوا زرنباد بادرنجبویه گل گاوزبان ابریشم مقرض از هر یک اوقیه بهمن سرخ وسفید صندل سفید عود هندی اشنه از هر یک نیم اوقیه زعفران سه درم مصطگی دو درم مشک خالص نیم درم عنبر اشهب یکدرم چوب چینی اعلی غرقی یکصد و پنجاه مثقال سیب شیرین رسیده پنجاه عدد گلاب دو رطل نبات سفید دو اوقیه چوب چینی بدم بستة بخاری چون نخود ریزه ریزه کرده وسیب را پاره پاره کنند وادویه را انچه کوفتنی است نیمکوفته مجموع را یکشب در گلاب بخیسانند پس از انچه عرق کشند وزعفران ومصطگی ومشک وعنبر اشهب را در پارچه کتانی بسته در جای که عرق چکیده میشود بیندازند وبآتش ملایم عرق کشند وسر وبن آب را جدا نگاهدارند وهر روز بعد از هضم سه چهار پیاله قهوی خوری بدفعات بنوشند عرق چوب چینی نسخه حکیم معصوم شیرازی ص چوب چینی اعلی سیصد مثقال

تجربه کیا گیا

ریزه ریزه کرده در پنج من آب صاف طبخ نمایند تا سه من آب بماند پس بگیرند سنبل الطیب زرنباد
وج ترکی عود هندی گاوزبان گیلانی فرنجمشک قاقله لسان العصافیر اشنه ساذج هندی
خارخسک از هر یک پنج مثقال بادیان نانخواه دارچینی قرنفل جوزبوا البسباسه تخم گذر بهمن
سرخ بهمن سفید شقاقل از هر یک ده مثقال مصطگی دو درم مشک خالص نیم مثقال
عنبر اشهب یک مثقال نبات سفید مویز منقی از هر یک صد مثقال آنچه اجزا کوفتنی است
نیم کوفته مجموع را یک شب در میان مطبوخ چوب چینی بخیسانند پس بدستور گلاب عرق
کشند و زعفران و مصطگی و عنبر و مشک را در پارچه بسیار نازکی بسته در میان ظرفی که عرق
دران می چکد بیندازند و ازین عرق هر صباح دو پیاله نیم گرم بنوشند و سه چهار قدم راه بروند
تا که حرارت غریزی برافروخته شود و باید دانست که هنگام نوشیدن این عرق ها از ترشی
پرهیز نمایند بعون الله نفع بین میدهد عرق بجهت قوت باه و تقویت دل و دماغ و
تحسین لون مجربست حص کشمش تازه پانزده آثار قند سیاه یکمن آب زردک چهار من
آمله نیم سیر در خم اندازند هر گاه یکمن برسد یک آتشه بکشند و نیم آثار دارچینی یک شبانه روز
ترکرده شیر گاو دو نیم آثار فانیذ دو آثار انداخته ببیت و دو آثار دو آتشه بکشند بعد ازان کل دارچینی
نیم آثار نبات سه پاو انداخته سه شبانه روز نگاهدارند بعد از سه روز صاف کرده در شیشه پر کرده
بعد دو هفته خورده باشند این نسخه معمول عم مرحوم بود در تجربه راقم نیز آمده حکیم انگوری دارد
در کثرت نفع عرق مقوی باه و معده برادر نواب مجد الدوله بهادر بسیار نفع کرده بود
حص چهال کیکر پنج آثار قند سیاه یکمن گلاب یک شیشه تخم خربوزه بادرنجبویه گاوزبان
گل گاوزبان از هر یک پنج توله تخم شلغم وج ترکی بسفایج فستقی جدوار خطائی از هر یک سه توله
اذخر مکی بهمن سرخ و سفید شقاقل مصری شیطرج هندی زرنب ساذج هندی زرنباد درونج
عقربی انیسون از هر یک چهار توله ثعلب مصری دارچینی ابریشم خام خولنجان دانه هیل قاقله کبار
گل سرخ از هر یک پنج توله عنبر اشهب دو توله بطریق متعارف عرق کشند عرق

که بخوبی آن عرق هست شهوت را زیاده کند و طعام هضم نماید و خمار می آرد و خوش کیف
و مقوی قلب است حص قند سیاه یکمن جهانگیری پوست کیکر هشت سیر جهانگیری در خم
کنند چون برسد بهاته واده عرق کشند یک آتشه ببیت سیر تا سی سیر درین ادویه نیم کوفته
سه شبانه روز بخیسانند قرنفل سه ماشه عنبر لادن موتهه عود هندی صندل سفید هر واحد یکماشه
مشک یک ماشه گاوزبان گیلانی پاو آثار دارچینی سه دام مشک را در پارچه بسته در کوزه
کشند و عرق دو آتشه بکشند و اگر خواهند تند هشت سیر و اگر ملایم خواهند پانزده سیر بکشند
و سه پاو نبات انداخته نگاهدارند که حدت دور شود عرق دو آتشه که هرگز خمار نیارد و نفع
بسیار بخشد حص قند سیاه دو من شاهجهانی پوست کیکر شش سیر دارچینی یکدام سنبل الطیب
پنجدام اشنه شش دام صندل سفید نه دام قاقله کبار دوازده درم پیچ بنفشه ولایتی شش دام
عنبر لادن هر یک یکدام موتهه هشت دام هندی یکسیر قند سیاه بجهت بهاته دادن سه چهار سیر
اکری آب خالص بقدر حاجت اول یک آتشه بکشند بعد ازان ادویه ترکرده دو آتشه
عرق کیمیا تاثیر خواص این عرق از احصا بیرون است در تقویت باه و امساک بینی
نظیر ندارد و پیر صد ساله را تقویت جوانی باز آرد حص قند سیاه دو من مویز سیاه یکمن پوست
مغیلان نیم من هلیله بلیله آمله سنبل الطیب اشنه از هر یک پاو سیر تج تیرج بیخ ابلاب
ناکیسر خولنجان زرنب فوه بهنگره الایچی خورد و کلان قنا لهکهانه بیجبند هوبیر از هر کدام نیم پاو
گل دهاوه حس تگر از هر یک نیم سیر اندرجو کچور موتهه صندل سرخ صندل سفید موصلی سیاه
موصلی سفید تخم اونگن افیون خالص ترید کهیلا کهیلے از هر کدام پاو سیر اسگند نیم سیر
سنا ورد و سیر اشت برگ دو سیر بادیان پاو سیر این همه را جوکوب نموده همراه قند و مویز
و کشمش در خم اندازند نصف خم شیر گاو و نصف خم آب بران ریزند بعد ده روز از ده سیر قند
سیاه بهاته دهند و چون لاهن برسد عرق یک آتشه ملایم بکشند هرچند ملایم تر بهتر بعد ازان
ادویه که نوشته خواهد شد جوکوب نموده سه روز دران یک آتشه بخیسانند و دهن ظرف را

عرق کیمیای

مضبوط بندند تا شدی کم شود ادویه این است تخم اوتنگن بیج بند اندرجو خصیة الثعلب عود عنبر
لادن قرنفل دارچینی تخم گزر تخم شلغم تخم پیاز بلبلای کند تخم کونچ بهمن سرخ و سفید تودری سرخ
و زرد شقاقل مصری کشنیز خشک بیخ بنفشه مدن مست اشنه سنبل الطیب ناگیسر تج ترنج [illegible]
موچرس تالمکهانه لعبت بربری پوست بیخ سنبل صحبت انگیر سمندر سوکهی بیخ اونٹ کٹاره
گاوزبان بادرنجبویه کبابه درونج عقربی بهیون فرنجمشک از هر یک دو توله الایچی خورد بسباسه
جوز بوا بیخ لبلاب زرنباد موصلی سیاه و سفید صندل سفید بهوبهلی از هر یک چهار توله گل سرخ
پاو سیر چوب چینی پاو سیر پوست ترنج نیم پاو تخم کاسنی و گل دهاوه نیم پاو قسط شیرین شش توله
بوزیدان دو توله بعد سه روز نبات سه سیر و شانزده سیر شیر گاو داخل کرده عرق دو آتشه بکشند
و پوپلی زعفران پنجتوله مشک سه توله عنبر اشهب یکتوله در سبو اندازند و ده روز بگذارند تا [illegible]
گیرد بعده بقدر برداشت طبیعت بعد تحلیل طعام بکار برند عرق بهی و مقوی که بغایت خوب
است ص گل گوڑهل نیم پاو بسباسه قرنفل ثعلب مصری دارچینی از هر یک یکدام کشمش نیم پاو
نبات نیم پاو آب باران دو آثار دوا هارا جوکوب نموده در شیشه کرده سه چهار روز در آفتاب
نگاهدارند که خوب جوش خورد پس بکار برند این چند نسخه از بیاض عم مرحوم منقول شد عرق
کافور به تپ های حاره و دق سودمند است و از مخترعات متاخرین ص کشنیز خشک
گل گاوزبان صندل سفید و سرخ تخم کاسنی تخم خیارین تخم کاهو مغز تخم کدو مغز تخم خربوزه تخم
خرفه مقشر طباشیر سفید بنفشه هر یکده ماشه گل نیلوفر غنچه گل شاهتره بید مشک تازه باقلا تازه
هر یک یکتوله کافور قیصوری نیمکوفته هشت ماشه برگ کاهو کشنیز بید که عبارت این جا از ثمرهٔ
بید بری است که از ساق شاخهای او مثل خوشه میروید کدو جو مقشر تازه کاسنی تازه را زیانه
تازه سیب شیرین امرود هر یک نیم من با گلاب و عرق بید و عرق کاسنی عرق بید مشک
هر یک دو من آب مقدار ضرور علی الرسم عرق کشند عرق شیر بسیط بجهت حمی دق و حمی
سوداوی مفید بود و ترطیب بسیار نماید ص شیر پنج آثار بید مشک یک آثار عرق بید ساده

دو آثار عرق شاهتره یک آثار نبات سفید نیم پاو بطریق متعارف عرق کشند عرق شیر مرکب
معمول اکمل المدققین اشرف المحققین الد ماجد مرحوم جهت حمی دق و سوداوی نافع بود
و مطفی تشنگی حرارت و مرطب بدن است ص کدوی سبز برگ کاسنی برگ کاهو از هر یک چهار دام
کسیرو گل بید گل نیلوفر از هر یک نیم پاو گل سرخ دو توله کشنیز خشک چار توله صندل سفید و سرخ
دو توله تخم کاسنی یکتوله عنب الثعلب گاوزبان تخم خیارین مغز تخم کدو تخم کاهو هر یک دو توله گل
گاوزبان زهرمهره خطائی طباشیر سفید هر یک یکتوله خرفه سه توله گل کنول پنج توله گلاب دو آثار
بید مشک یک آثار عرق بید ساده چهار آثار عرق شاهتره یک آثار عرق عنب الثعلب یک آثار
شیر بز ده آثار آب باران بقدر حاجت بطریق متعارف عرق کشند و اگر ابرد خواهند پنج مثقال کافور
اضافه نمایند و در ظرفی که عرق میچکد بهین نمایند و درینوقت عرق شیر کافوری نامیده خواهد شد عرق
کافور از حکیم عبد الهادی نافع از برای سوء المزاج حار و حمی دق محرقه حاده ص گل نیلوفر یک اوقیه
شیر بز برگ کاهو کشنیز بید کاسنی تازه جو مقشر از هر یک نیم من صندل سفید سی مثقال کدو تازه
باقلا تازه از هر یک یک اوقیه گل سرخ دو من تخم خرفه مقشر هر یک نیم من طباشیر سفید کثیرا
از هر یک ده مثقال عرق بید مشک عرق نیلوفر عرق بید از هر یک یکمن گلاب دو من بدستور
متعارف عرق کشند و در وقت عرق کشیدن بیست مثقال کافور قیصوری اول سوده در ته طاسی
که عرق دران میچکد بپاشند تا عرق بران بچکد عرق مرکب تالیف راقم ص گل نیلوفر نیم پاو گل
گاوزبان گل سرخ مغز تخم کدو تخم کاهو از هر یکدو توله گل بید نیم پاو تخم کاسنی توله صندلین خرفه هر یک یکتوله
تخم خیارین دو توله طباشیر سفید توله کسیرو نیم پاو برگ کاهو سبز چهار دام کدوی سبز چهار دام گل کنول
دو توله کشنیز خشک دو توله خیار یکعدد انار شیرین دو عدد سیب شیرین دو عدد [illegible] یکعدد ناشپاتی یک عدد
در عرق بید و عرق عنب الثعلب عرق نیلوفر از هر یک چهار آثار بید مشک آثار آب باران
بقدر حاجت شب بخیسانند و صبح بطریق متعارف عرق کشند عرق تیزاب برص را بر دو [illegible]
زاید بخورد و پوست از موضع علت دور کند و پوست تازه برنگ بدن می رویاند ص [illegible]

دوازده جزو زاج زرد بیست و چهار جزو شوره چهل و چهار جزو تقطیر کنند و موضع برص را بسرگین گاو
خشک بمالند پس تیزاب طلا کنند عرق مجرب حکیم علی برص را سوخته جراحت کرده باصلاح
می آرد ص سحو قو نیا شوره زاج سیاه تقطیر کنند که تیزاب حار حاد بچکد و یا بر موضع برص بسایند
عرق بجهت برص مجرب است اگر سه چهار ماه استعمال شود بامر الله تعالی شفای تمام حاصل آید
ص زردچوبه حالم پوست درخت نیم قند سیاه هر واحد یکمن همه را در خم اندازند و در سرگین اسپ
دفن کنند بعد دو هفته برآورده عرق کشند و نیم پاو صبح و نیم پاو شام بخورند و از ترشی و لبنیات و بادی
پرهیز کنند و غذا کم نمک خورند عصاره آمله معمول عم مرحوم و این خاکسار بمقدار از جهت تقویت
بصر و ابتداء نزول و سوزش و رفتن آب از چشم بسیار نافع یافته و در ابتداء رمد استعمال نباید کرد
در اواخر رمد مفید می افتد ص بگیرند آمله تازه و در هاون سنگی یا چوبی بکوبند و در پارچه تنک انداخته
بیفشارند و در ظرفی با آتش نرم که مثل شعله شمع باشد بگذارند و بدسته نیم حرکت بدهند تا بقوام عسل
غلیظ آید بعد ازان در ظرف شیشه چینی یا جست نگاه دارند و عند الحاجت قدری ازان استعمال نمایند
عقد سیماب بدستور اطبا مجربین هند است از برای امساک منی ص بگیرند لسکهیرا و بکوبند
و ازان بوته سازند و بمقدار سه درم و نیم سیماب در وی اندازند و بوته مذکور را در بوته آهنی
نهند و در زیر بوته آتش چراغ کنند و بالای آن شیره دهاتوره سیاه که آنرا بعربی لبن جوز ماثل
اسود گویند بچکانند تا آن زمان که بسته شود چون بسته گردد نگاهدارند و در وقت مجامعت در دهان
اندازند مادام که در دهن باشد میگویند انزال نشود عقد سیماب بطور دیگر منقول از مجربین هند
ص چون غلیواج بیضه نهد بگیرند و سه نیم درم سیماب دران اندازند و سوراخ بموم سفید نیکو
مهر کنند و آن بیضه را در بیضه [illegible] دیگر بگذارند و در آشیانه غلیواج گذاشته نهند تا غلیواج بر بیضها
نشسته باشد و چون غلیواج بچگان بیرون آورد بیضه که دران سیماب انداخته بستانند میان
آن سیماب کتله شده باشد میگویند که از کتله در دهن گیرند مادام که در دهن باشد انزال منی نشود
مجرب است عقد سیماب بطوری که صاحب شفائی ذکر کرده ص زیبق پنج مثقال ابلد قدری

سرکه بدسته آبگینه یا آهن نیک صلایه کنند تا کشته شود و سه مثقال نمک هندی سوده داخل
نمایند و مغرفه آهنین را پر از سرکه سازند و این بار او را دران مغرفه ریزند و بر سر آتش نهند سه مثقال
روی سوخته صلایه کرده اندک اندک بخور آن بدهند و بدسته آبگینه یا آهن بهم میزنند تا منعقد
شود بعد ازان آنرا از پارچه پاک بپالایند و آنچه در کرباس بماند بستانند و چندان بآب بشویند
که تمام پاک شود و چرک ازان ببرد پس آنرا گلوله سازند میان آن سوراخ کنند و ریسمان در آن
بگذارند و در آب لیمو اندازند و یک شب بگذارند تا محکم شود مانند حجری و بعد ازان آنرا در روغن
تاتوره بجوشانند و وقت حاجت در دهن نگاهدارند و چون خواهند که انزال نشود از دهن بیرون
آرند عجه بالضم و بالفتح اسم عربی خاگینه است ص که شیخ بوعلی بجهت زیادتی باه و قوت مباشرت
ترتیب داده ص مغز سر گنجشک و مغز سر کبوتر پنجاه زرده تخم گنجشک بیست عدد زرده تخم ماکیان
ده عدد آب گوشت بره جوان که گوشت کوبیده پخته فشرده باشد پیاله آب پیاز سه اوقیه آب
گندنا پنج اوقیه نمک و توابل حاره بقدر روغن گوسفند پنجاه درم مجموع خاگینه ساخته بخورند و
بیاشامند بران شراب ریحانی قوی حاد یا بل شیرینی در بعضی نسخه ها عوض آب گوشت بره
آب گوشت خروس خصی جوان و عوض روغن گوسفند روغن گاو ذکر کرده اند اول اشهر است
عجه شنوگلی که در آفتاب بسیار مفید است ص پیاز ریزه کرده را با روغن گاو و آب گندنای سبز ندا
سرخ شود و تخم مرغ و تخم کبوتر از هر یک بیست عدد داخل کرده نیم برشت نمایند و بران نیم درم
خولنجان کوبیده و بقدر یک دانگ نمک سقنقور پاشیده بخورند عجه دیگر ص زرده تخم مرغ ده عدد و
زرده تخم کبوتر و زرده تخم گنجشک از هر یک بیست عدد آرد کتی مجموع را مخلوط کرده با روغن گاو
نیم برشت کرده نبات سفید بیست درم دارچینی سه درم سوده بران پاشند و بخورند و اگر مزاج سرد
باشد بعوض نبات عسل داخل کنند باب الغین المنقوطه غالیه بجهت تقویت قلب و دماغ نماید و خفقان را نفع بخشد
ص عنبر اشهب چهار ماشه عود هندی هفت ماشه صندل سفید سه درم مشک دو ماشه عنبر را
بگلاب گرم بگذازند و دیگر ادویه را سائیده دران بیامیزند و بسرشند غالیه که مقوی قلب

دماغ است ص عنبر اشهب دو درم مشک یکدرم بگلاب وآب سیب سحق نموده بکار برند
غالیه دیگر که در افعال قوی است از سابق عنبر اشهب عنبر بیخ بنفشه هر یک نیمدرم مشک حبه
عنبر اکسیر هر یک یکدرم رباد کهوله هر یک نیم ماشه بطریق متعارف بعمل آرند غرغره باید دانست که
استعمال غرغره مشروط بچند شرائط است یکی آنکه مریض قابل امراض ریه نه باشد دوم آنکه خلط مستفرغ
از جنس خلط انواع نبود سوم آنکه مریض را احتراز از چیزی ردی که نزول بطرف ریه میکند ممکن
باشد مثلا هرگاه که مریض احساس کند که چیزی بطرف ریه می آید آنرا دفع بر بزاق کند وهرگاه مریض
طفل باشد یا ضعیف که اورا قوت بر دفع نبود پس استعمال غرغره باو روا نیست چهارم آنکه دوا
غرغره را کیفیت حاده لذاعه نباشد که ضرر بریه رساند مگر آنکه حال راس اشد باشد اهتمام از ریه باشد مثلا
ماده که در سر است از ان خوف هلاک بود پس بسبب ردت وحدت آن غرغره مستعمل
در فالج ولقوه وثقل زبان که از رطوبت باشد منقول از بیاض عم مرحوم ص خردل زرنباد
دار فلفل زنجبیل شونیز سافج سونج عود هندی از هر یک سه ماشه وج ترکی عاقرقرحا صعتر گل بابونه
اسطوخودوس عود صلیب هر واحد شش ماشه قرنفل ده عدد جو کوب نموده چهار پهر خیسانیده
در یک و نیم سیر آب بجوشانند هرگاه نیم سیر بماند صاف نموده عسل سفید دو توله نوشادر بوره ارمنی
نمک هندی دران حل کرده غرغره نمایند غرغره جهت تقویت دماغ منقول از بیاض عم مرحوم ص
سونج و عاقرقرحا و قرنفل دار فلفل عود خام عود صلیب زرنباد سافج هندی زنجبیل بگلاب جوشانیده
باضافه اندکی سرکه عسل غرغره نمایند غرغره فالج ولقوه وصرع را نافع بود و سر دماغ را از اخلاط
غلیظ پاک کند ص ایارج فیقرا وج خردل زنجبیل عاقرقرحا سونج فودنه صعتر اصل السوس پوست
بیخ کبر کوفته بیخته بعسل آمیخته غرغره نمایند غرغره برای استرخاء لهات و رطوبت وسوی ص
عدس مقشر گلنار اکلیل الملک تمر هندی ورق حنا پوست هلیله زرد در آب جوشانیده صاف
نموده رب جوز آمیخته غرغره نمایند غرغره مستعمل در خواص حاره و منتهی وقتی که با نزله باشد
ص کشنیز خشک پوست خشخاش بابونه عنب الثعلب گلنار گل سرخ عروق سوس

صاف نموده مغز فلوس مالیده صاف نموده خشخاش مکی پاشیده غرغره نمایند وهمچنین اگر
در ابتدای مغز فلوس را در آب کشنیز سبز و در انتهاء در شیر گاو که جوشانیده سرشیر از وجدا نموده
باشند حل نموده غرغره نمایند بسیار نافع می آید غرغره برای ورم که بصلابت رسد ص انجیر
بستانی حلبه در آبی که فلوس خیار شنبر را جوشانیده باشند بجوشانند وصاف نموده اندکی
خمیر جید اضافه نموده غرغره نمایند غرغره برای ورم حلق وقتی که مائل بصلابت باشد ص
بزرکتان حلبه از هر یک پنجدرم انجیر زرد خشک عناب سپستان منقی دانه بیرون کرده از
هر یک بیست درم بودینه مرزنجوش سعتر از هر یکدو درم در دو رطل آب بجوشانند وقتی که
یکرطل بماند مغز فلوس ده درم مالیده صاف نموده وسه درم رب انار شیرین داخل نموده
غرغره نمایند غرغره منفجر ورم وسوی حلق وقتیکه جمع شود و رنگ او از سرخی بصفرت زند
بسبب استحاله خون طرف مده و بسبب نضج مسترخی شود ص بورق حلتیت زرق الخطاطیف
در شیر تازه بگذارند یا در ادهان حاره و غرغره نمایند غرغره دیگر منفجر اورام حلق وقتی که جمع
شده قیح افتد ص شیر انجیر وسفید تخم از هر یکده درم خمیر عجین پنج مثقال در آب گرم مالیده خیار شنبر
در شیر تازه حل کرده اضافه نموده غرغره نمایند غرغره که در منتهی خناق مستعمل است وقتیکه
ورم صلب باشد این غرغره تلیین ونضج نموده انفجار می نماید ص برگ بارتنگ تخم کرفس
اصل السوس مرصوص بیخ خطمی تخم مرو مرصوص عنب الثعلب گل بنفشه برگ کرنب
خبازی اکلیل الملک مرصوص در شیر تازه جوشانیده صاف نموده فلوس خیار شنبر مالیده
باز صاف نموده سکنجبین اضافه کرده زعفران نشاسته انداخته غرغره نمایند غرغره منفجر ورم
حلق ص شیر تازه شیر انجیر شیر حلبه آب نقوع عناب خمیر عجین جو دو یک غرغره نمایند اگر
انفجار نشود انزروت سفید یا خرء کلب اضافه نمایند غرغره که بعد انفجار ورم تنقیه ص
جده بودینه عنب الثعلب جوشانیده صاف نموده سرکه وگلاب اضافه نموده غرغره نمایند وغرغره
از آب گرم نمودن نیز تنقیه میکند خصوص هرگاه عسل با وآمیخته باشند غرغره که در آخر

خناق بلغمی سود مند بود ص قصب الذریره برگ سوسن برگ درخت خیار هر یکده درم جو الدو
سی درم در یک نیم من آب بپزند تا به نیمه آید بپالایند و صاف کرده بدان غرغره کنند غرغره که
بعد از پاک شدن ریم بکار آید ص کزمازج بیخ مهک هر یک جزو ایرسا نیم جزو در آب پخته غرغره
نمایند غرغره برای خناق حار منقول از بیاض عم مرحوم ص شیر بز سه اوقیه خمیر ترش سه درم
تخم مرو پنج درم در شیر مالیده غرغره نمایند غرغره دیگر ص آب عنب الثعلب آب کاهو آب کاسنی
آب کشنیز سبز آب بقلة الحمقاء از هر یک یک اوقیه رب توت ترش سه اوقیه غرغره نمایند غرغره
برای خناق بلغمی ص حلبه ده درم حب الرشاد پنجدرم در آب جوشانیده غرغره نمایند غرغره از تالیف
راقم هر گاه قریب ملازه مجری البسبب مرض آتشک یا بسبب نزول مواد حاره حاده کشاده شود با صلاح
آرد ص پوست خشخاش کشنیز گلنار هلیله سیاه حب الاس برگ مورد زرورد گل تاج خروس
برگ حنا از هر یک شش ماشه کزمازج مازو هر یک پنجماشه عدس مقشر یکتوله در آب برگ توت هفت
توله آب خالص نیم پاو جوشانیده صاف نموده حضض یکی گل ارمنی صندل سرخ اقاقیا از هر یک
سه ماشه سائیده بران پاشیده مکرر غرغره کنند غرغره منقول از خط استادی از برای
خناق و وجع گلو سوداوی ص برگ حنا گلنار فارسی زردچوبه اقاقیا برگ مورد کشنیز
کزمازج پوست بیخ گوندنی پوست بیخ چنبیلی برگ سیوتی از هر یک یکتوله بدستور مرتب نموده غرغره نمایند
بعد از ان کمند شسته دم الاخوین کهربا کشنیز خشک طراثیث فوفل سوده اقاقیا زرورد لحیه التیس
از هر یک یکماشه کوفته بیخته بپاشند و اگر بعضی ازین ادویه مناسبه کم نموده استعمال نمایند برای ضرر
مذکور که غرغره سابق منتفع میکند آن را نیز نفع خواهد نمود غرغره نافع بحت الصوت که از نزله باشد
ص پوست خشخاش عدس گل سرخ هر یکده و مثقال گلنار یکمثقال بزر البنج پنجدرم جوشانیده غرغره
نمایند غرغره نافع در دگلو و ابتدای خناق ص گلنار کوکنار عنب الثعلب گل سرخ کزمازج کشنیز
خشک صندلین هر یک دو درم عدس مسلم سه مثقال جوشانیده صاف نموده غرغره نمایند
غذاء دوائی ص نخود سیاه کلان را بگیرند و در آب جرجیر خیسانیده تا آنکه خوب سائیده شود

پس در سایه خشک کنند و کوبیده با روغن مغز حبة الخضراء و مثل آن فانید معجون کرده هر روز صبح بقدر
دوگانی ازان بخورند و شام بقدر فندق و بیاشامند بران قدحی شراب که عبارت از سه اوقیه
باشد پس تقویت میکند باه را و فربه میسازد بدن را غذاء دوائی که در امر باه بسیار مفید است
ص نخود سیاه را در آب خسک خیسانند و از غبار و فساد محافظت کنند و همچنین هر مرتبه که خشک
شود تا چند مرتبه پس او را خشک کرده آرد کنند و از ان آرد با شیر تازه دوشیده و فانید حسو ساخته
بخورند غذاء دوائی که از اعظم مرکبات باهیه است و نفع آن بصحت پیوست ص بگیرند مغز چلغوزه
لوز و نخود و هر یکی را علیحده بکوبند و با شیر و روغن گاو بجوشانند تا خوب آنها ازکل شود پس
داخل کنند آنها را در سه مثل آنها عسل صاف کرده و یک مثل آنها آب پیاز و ترنجبین صاف
کرده بقوام آورده بکار برند غذاء دوائی دیگر در تقویت باه بسیار مفید است ص خصیه بز
را قیمه کرده در پنج سیر شیر گاو بجوشانند تا بنصف رسد پس بگیرند کنجد سیاه و درین شیر تر کنند و آن مقدار
که کنجد تر شود و در سایه خشک کنند و هر روز شش درم ازین کنجد با سه درم نبات سفید تا یکماه
بخورند شهوت بیفزاید و منی زیاده کند غمزه بالضم مرکبی است که جلا میدهد وجه را و سفید و با سرخ
کند آن را غمزه که سفید و صاف میکند و را ص جو مقشر چهار جزو تخم خربوزه آرد باقلا آرد نخود و سبوس
گندم هر یک دو جزو ترمس یکجزو کوفته و بیخته شب طلا نمایند و صبح بشویند غمزه دیگر ص آرد باقلا
آرد جو آرد نخود از هر یک یکجزو عدس مقشر کتیرا نشاسته از هر یک نصف جزو بوره ارمنی دو جزو
زعفران قدری که رنگ کند شب طلا نمایند و صبح بآبی که دران قشور بطیخ و بنفشه و مانند آن
جوشانیده پخته باشند بشویند غسول در لغت هر آبی یا هر شی آبی است که غسل کرده شود با آن
و در طب سیاه ادویه است که غسل کرده شود بآن ابدان مرضی را غسول که در سبوسه
بکار آید ص آرد ترمس آرد باقلا کتیرا اگل خوردنی قیمولیا تمام بعصاره چقندر سرشته دو ساعت
بر سر نهند پس بشویند غسول دیگر جهت حزاز ص آرد نخود صد درم آرد حلبه چوره نان
نخاله آبگینه مسحوق خردل هر یک پانزده درم خطمی ده درم کوفته بیخته بسرکه انگوری و قدری

سے مراد پیالہ
سے تین اوقیہ
ہے

آب سر شسته بر سر بمالند و بشویند و در هر هفته یک مرتبه استعمال نمایند و دهان حلق و تهذیب دماغ
گل باقدری سرکهٔ انگوری نمایند غسول جید ص باقلا مقشر کرسنه ترمس تخم ترب تخم خربوزه
مقشر نخود دنشاسته بدستور غسول نمایند غسول نافع برای فالج و لقوه که شسته شود بآن بدن را
ص ملح نفطی بورق احمر نطرون فلفل جندبیدستر مساوی کوفته بیخته در روغن زیت یا زنبق
حل کرده بر بدن مسح کنند در حمام بعد غسل غسول که جهت منع بخار و ابتدای رمد حار و برای
حکه و دمعه حار مجرب است ص پوست بلیله زرد پوست بلیله آمله مساوی نیم کوفته شب در آب
تر کرده در هوای گذاشته علی الصباح این آب را در کف گرفته چند دفعه بر روی و بر چشم بزنند و
باز بهمین آب چشم بشویند حرف الفاء فرزجه که قرحه کهنه گوش را مفید است منقول از
بیاض عم مرحوم ص زهره گاو دو جزء عسل یک جزء بهم آمیزند و لته کهنه شسته فتیله ساخته بدان
آلایند و صبح و شام در گوش گذارند و نیز اگر لته بعسل تنها آلوده در گوش گذارند قرحه جدید و عتیق
را نافع است و اگر انزروت باریک سائیده بیفزایند در عمل خود اقوی خواهد بود فتیله برای
درد گوش و بیرون آمدن چرک منقول از بیاض مذکور ص فتیله از کاغذ سوخته بعسل و
زرده تخم مرغ آغشته انزروت و دم الاخوین و سفید آب قلعی صبر سقوطری سوده بران پاشیده
شب وقت خواب در گوش گذارند و بهمان دستور بخوابند فتیله برای چرک آمدن از گوش
و درد گوش ص روغن نیم و عسل باهم سرشته فتیله را بآن آغشته در گوش گذارند فتیله جهت رعاف
ص قلقطار اقاقیا موی خرگوش خاک کندر سرگین خر همه را بآب گندنا سرشته فتیله ساخته
در بینی دهند فتیله دیگر برای این مرض ص کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا پوست
انار شب یمانی هر یک دو درم کوفته بیخته بآب بادروج یا آب لسان الحمل یا آب بلح سرشته فتیله
بدان آلوده نهند فتیله دیگر برای قلع رعاف ص افیون دانگی گلنار گرد آسیا مازو هر یک
نیم درم کوفته و بیخته بعصارهٔ سرگین خر بسرشته و بخانه عنکبوت بگردانند بعد از آنکه بینی را
بسرکه شسته باشند در بینی گذارند فتیله که همین عمل کند ص مازو سوخته در سرکه دو درم زاج سیاه

چهار درم شب یمانی شش درم کافور دانگی کوفته و بیخته فتیله کتان بعصارهٔ سرگین خر آلوده
و در این دوا گردانیده در بینی نهند فتیله که گند بینی ببرد ص مر پوست انار ترش هر یک دو
درم قصب الذریره بذر البنج هر یک یکدرم و نیم زاج قرنفل هر یک یکدرم فتیله را بشراب
ترکنند ادویه کوفته بیخته بدان آلوده در بینی گذارند فتیله که ریش بینی را نفع دهد ص زاج سیاه
شب یمانی مازو مرتوبال مس سوخته هر یک پنج درم زراوند طویل شش درم کندر دو درم
درم حلبه کوفته در دو من آب بپزند و بپالایند و باز بجوشانند تا بقوام عسل آید و فتیله را بدان
آلوده در بینی نهند و مکرر همین کنند فرزجه بکسر فا و سکون را مهمله و فتح زاء معجمه دوائی است
که زن در فرج خود بر دارد جمع فرازج فرزجه که مضیق قبل است و گرم و خوشبو کند ازا ص مشک
عنبر عود هندی هر یکدو دانگ حلبه را بسایند و در شراب صاف بجوشانند و صاف کنند و بریشم
آلوده بخود بازگیرند مجرب است فرزجه که اخراج جنین و مشیمه کند و قاتل جنین و مدر حیض است
ص اشنان عرطنیثا قطران تخم حنظل قثاء الحمار خربق سیاه مویزج نوشادر زراوند مادریون
جاوشیر سکبینج مر صاف روغن بید انجیر زهره گاو بدستور استعمال کرده شود فرزجه مجرب حابس
قادری بجهت ادرار ص تراب صاف ابهل [illegible] ازیانه تخم مرو بالسویه بزهره گاو فرزجه سازند فرزجه
که قطع خون حیض نماید مجرب است ص صمغ عربی کافور هر یک یکدرم کوفته در نیم برشته
شیاف سازند فرزجه که در بنات بغایت سودمند است ص مرداسنگ زاج سفید گلنار گل مختوم
گل ارمنی سرمه بالسویه فرزجه سازند فرزجه مجرب منقول از رساله ص مازو شب یمانی سعد
قفاح اذخر دم الاخوین مر برگ سوسن آزاد سک مشک از هر یک نیمدرم قرنفل سنبل الطیب
پوست انار هر یک دو دانگ مشک نیم دانگ صمغ دانگی و نیم ادویه کوفته بیخته صمغ را در آب
حل نموده برابر کنار شیافه ساخته یکی صبح بدارند و شب بر آرند تقبیض عمل کنند که مافوق آن
متصور نباشد فرزجه که فرج را تنگ کند ص رامک اقاقیا سعد سنبل همه برابر سوده
پارچه را در آبی که پوست انار در آن جوشانیده باشند تر نموده و در ادویه سحوقه آلوده بر دارند

ومجرب دانند فرزجه که چون هفت ساله با آن فرزجه سازند ازاله بکارت آن بسهولت توان
نمود ص نمک اندرانی یکدرم در عسل و روغن گاو ممزوج نموده فرزجه سازند فرزجه که در قطع
خون حیض مجرب است ص مازو سوخته دم الاخوین برگ مورد گل ارمنی گل سرخ بالسویه
از حریر گذرانیده پوست انار ترش نیمکوب کرده طبخ نمایند تا مهرا شود و قدری ابریشم را بآب او
تر کرده بادویه سحوقه آغشته بردارند فرزجه جهت تحلیل اورام صلابه رحم ص موم پیه اردک
پیه مرغ مقل ازرق هریک سه درم تخم کتان خطمی هریک هژده درم با عسل بسرشند و بردارند
فرزجه که اورام رحم را نافع است ص انزروت کندر دم الاخوین حب الآس گل ارمنی
اقاقیا کوفته بیخته بآب لسان الحمل سرشته بر ابریشم پاره استعمال نمایند فرزجه دافع ورم رحم که
از آب کند بیده بود منقول از رساله ص بابرنگ کف دریا از هریک یکحصه بیروزه خشک
نمک لاهوری از هریک دو حصه جمله کوفته بیخته سه پوتلی بندند و یکی در زیر دهن رحم و دو
در اطراف آن گذارند و تا سه روز چنین کنند تنقیه رحم نموده وجع دور سازد مجرب است
فرزجه که حبس خون و تقویت رحم نماید از کتاب مذکور ص مومیای صمغ عربی گل ارمنی
هریک یکدرم دم الاخوین دو درم باریک نموده بدستور با ابریشم تازه که در مطبوخ انار تر کرده
باشند بردارند فرزجه جهت دفع رطوبت ص اجمود بابرنگ بهروزه خشک هریک
یکدرم تخم خطمی سوده نمک لاهوری هریک نیم درم شهد لفار کرده ادویه که دران سرشته شود شهد را گرم کنند
و ادویه را کوفته بیخته آمیزند و با پنبه کهنه بردارند دفع رطوبت بجذب کند و ضرر بان رحم را
دور سازد مجرب است فرزجه که منع کند ریم و صدید را که از موضع بعید رحم آید ص کندر
انزروت دم الاخوین مرشب یمانی پوست انار جوز السرو کوفته بیخته بآب عصی الراعی یا آب
لسان الحمل و مورد بسرشند و بردارند فرزجه جهت حکه رحم نافع ص سداب نعنع پوست
انار عدس مقشر در گلاب و قدری سرکه بپزند و بر ابریشم پاره بردارند و در حاوی کبیر گفته بپزند
بپزند و بردارند فرزجه منزل القاص ص مصطکی سائله زاج مساوی القدر سرخ یا دو سرخ

حمول سازند فرزجه که اخراج جنین میت و مشیمه کند ص زراوند مدحرج ابهل ترمس حرف
از هریک جزوی کوفته بزهره گاو سرشته فرزجه سازند فرزجه که منع آبستنی کند ص تخم خندقوقی
سرگین فیل خردل فلفل استخوان زعرور مساوی کوفته بیخته بمیعه سائله سرشته با ابریشم پاره بردارند سرگین
حامله نشود و اگر حامله باشد بیندازد و گفته اند که چون یک حب خروع بخورد یکسال حامله نشود و اگر دو بخورد
دو سال و علی هذا القیاس فرزجه معمول استاد جهت رفع عقم ص جوز بوا کزمازج بهنگری بریان
پوست انار از هریک ده مثقال کوفته بیخته سرشته شیاف ها سازند و بعد از طهر استعمال نمایند فرزجه
که همین کار کند ص مایه و سرگین خرگوش بعسل سرشته با ابریشم پاره بردارند سه شب و بعد از ان
مباشرت نمایند فرزجه که بچه مرده فرود آرد ص مرجان و خربق خرلق سفید مساوی کوفته بزهره گاو
سرشته استعمال نمایند فرزجه که منع حمل کند ص مازو حب الآس مساوی کوفته بآب گشنیز
سرشته فرزجه نمایند و پیش از مجامعت استعمال نمایند فرزجه که رحم را قوت دهد و فرج را خوشبو
کند ص بسباسه سنبل مرزنگوش قشار کندر سعد اذخر خیری گل سرخ پوست بیخ کبر ترمس مساوی
کوفته بیخته بروغن بان بسرشند و بر ابریشم پاره بردارند فرزجه که حکه رحم را که آن را ابنة النسا گویند
نافع بود ص سداب نعناع پوست انار شیر عدس مقشر در گلاب و قدری سرکه بپزند
و بر ابریشم پاره بردارند فرزجه که حیض ببندد ص گلنار کندر مازو سرمه اقاقیا شب یمانی
کوفته بآب لسان الحمل سرشته فرزجه سازند و اگر بر پشت و خانه طلا کنند نیز مناسب است
فرزجه دیگر ص کاغذ سوخته اقاقیا گلنار عصاره لحیة التیس گل سرخ مازو شب یمانی خرقه
کتان سوخته مساوی گرفته بسرکه سرشته استعمال نمایند فرزجه منقول از بیاض عم مرحوم
ص فلفل دراز سهاگه پنجال کبوتر کافور سائیده بعسل آمیخته بردارند و نزد مرد برود مطبوع شود
و اگر مرد بر قضیب طلا ساخته جماع نماید عورت مطبوع گردد فرزجه دیگر منقول از قانون که
فرج را تنگ کند ص عود هندی سعد کوفی راسن قرنفل رامک اقاقیا اجزاء مساوی
شک قلیلی مجموع را نرم سائیده پاره پشمی را به میوسن تر کرده ادویه را بآن پاشیده

استعمال نمایند فرزجه دیگر که فرج تنگ و گرم و خوشبو سازد ص زعفران سعد کوفی عود
قرنفل از هر یک یکدرم قفاح اذخر زرورد از هر یک پنجدرم مازوی سبز یکعدد عنبر اشهب و نیم دانگ
مشک خالص یکدانگ آمله منقی یکدرم کوفته بیخته بگلاب سرشته با پاره پشمی فرزجه نمایند
فرزجه که رطوبت فرج را باز دارد ص مازو سبز تخم حماض از هر یک دو درم جوز السرو جفت البلوط
بدبا از هر یک یکدرم کوفته بیخته جفت بلوط و گلنار را جوشانیده و صاف نموده خرقه کتانی را
بآن تر کرده ادویه را بر آن پاشید بخود بگیرد فرزجه که بجهت تنگ نمودن فرج سریع الاثر
ص عود هندی سعد کوفی رامک راسن اقاقیا قرنفل مازو سبز از یک یکجزو مشک ترکی
عنبر اشهب از هر یک ربع جزوی با شراب خالص یا آب برگ مورد سرشته استعمال نمایند
فرزجه که فرج را تنگ کند و نشف رطوبت آن کند و کسی را که دوشیزگی رفته این فرزجه
را بکار برد وقت مجامعت خیته وان مرغ یا قطعه از روده که بسیار رقیق باشد پر از خون
کبوتر در فرج زن پنهان کنند و چون مرد فارغ گردد از خون آلوده یابد گمان برد که دوشیزه بود
و نداند که تنبیه بوده است ص شب یمانی مازوی سبز سعد کوفی سنبل الطیب سک المسک
از هر یک یکدرم قرنفل نیمدرم مشک ترکی نیمدانگ بریسم شیاف ساخته استعمال نمایند
فرزجه جهت تنگ کردن فرج از حکیم علی و گفته که این فرزجه درین فعل عجیب است و بهتر
ازین دوای نیست ص رانتیج مازوی سبز یک جزو خبث الحدید آمله از هر یک ثلث جزو
مرشیشا پوست هلیله زرد پوست بلیله از هر یک خمس یکجزو مروارید ناسفته عنبر از هر یک
ادویه را نرم بکوبند و سحق کنند تا سحق مثل غبار گردد و اندکی آن را بعد از تطهیر قبل برگ
انثی که سزاوار است از تنگی فرج مشاهده خواهد کرد فرزجه سبب آن شود که زن منفور
مرد گردد و حتی آنکه نتواند دید او را تا چه رسد بمجامعت با او ص سفید آب ارزیز با سیر ان
دندان پلنگ محرق زهره خروس خشک کرده سرگین کبوتر اشنان سبز سوخته بگیرند
مجموع یا از هر واحد که خواسته باشند یکدانگ وقتی که آنرا کوفته بیخته برگیرد پس از دوساعت

مرد با او جماع کند چندان مغوض او گردد که اصلاح پذیر نباشد فرزجه برای عقر ص ورق بازی
انفحه ارنب از هر یک یکدام مغز بیخ کنجشک مثقال حماما فرودیانا سنبل قرنفل لسان العصافیر از هر یک
نصف مثقال زعفران نصف درم کوفته بیخته در گلقند سرشته بروغن بابونه و روغن چنبیلی تر کرده
ملایم ببرند تا منعقد شود و در آخر حیض استعمال نمایند قریب نقاء و بعد حمام استعمال کردن مغز کنجشک
بروغن چنبیلی و جماع نمودن بعد از آن مجرب است فرزجه برای بواسیر رحم ص مقل ازرق ام الاخوین
کنجد مقشر تخم مورد برابر کوفته فرزجه سازند فلونیا رومی معجونی است منسوب طرف افلن واو
حکیم رومی است که اول ترتیب نموده و این معجون مبارک است نزله های باز دارد و درد ساکن
گرداند و نفث الدم و اسهال مزمن سوی و قولنج و هیضه و سیلان طمث را نافع باشد ص فلفل سفید
دارفلفل بزر البنج از هر یک بیست مثقال افیون ده مثقال زعفران پنج مثقال تخم کرفس کوهی سنبل الطیب
از هر یک چهار مثقال تخم کرفس نبطی ساذج هندی سلیخه حب بلسان عاقرقرحا فربیون از هر یک
یک مثقال و در بعضی نسخه ها عوض تخم کرفس نبطی دوقو است کوفته بیخته بعسل معجون سازند و بعد از
شش ماه استعمال نمایند شربت دانگی تا نیم مثقال از جهت قولنج در طبیخ مثلث و از جهت درد گرده
در طبیخ جعده و از جهت درد معده در طبیخ افیون و از جهت سپرز با سکنجبین و از جهت درد مثانه در طبیخ انیسون
و از جهت باز داشتن خون در طبیخ سماق دهند فلونیا حکیم عماد الدین گفته که از برای امساک
منی بی نظیر است و تقویت باه کند و دل را قوت دهد و نشاط تمام بخشد و دیگر فواید بسیار از
برای آن ذکر کرده ص یاقوت رمانی مروارید ناسفته کهربای شمعی فادزهر حیوانی جدوار خطائی
موبیائی دارائی از هر یک دو درم درونج عقربی تشاقل صندل سفید از هر یک چهار درم زرنباد
طباشیر دارفلفل آمله منقی غنچه گل سرخ پوست بیرون پسته زراوند مدحرج حب الغار حب الزلم
شونیز عود هندی نانخواه انیسون بادیان قاقله صغار و کبار قرفه فطراساليون مرمکی جندبیدستر
سعد کوفی عاقرقرحا ساذج هندی مایه تیتر اعرابی قسط شیرین اسارون سنبل الطیب از هر یک
پنجدرم خشخاش سفید مصطگی خصیه الثعلب جوز بوا بسباسه ریوند چینی مغز چلغوزه مغز بادام شیرین

مغز نارجیل بزر البنج از هر یک دو درم فلفل سیاه بیست درم زنجبیل هفت درم پوست هلیله بهمن سفید
و سرخ ابریشم مقرض پوست اترج تخم پیاز تخم گندنا حب بلسان عود بلسان جنطیانا رومی ماهی دیانز
از هر یک سه درم عنبر اشهب و درم مشک خالص یکدرم کندر دو درم مغز تخم خربوزه سه درم
زعفران سی درم ورق طلا یکدرم ورق نقره دو درم افیون پنجاه درم نبات سفید یکصد درم
عسل مصفی سه وزن ادویه بدستور معجون سازند فلونیا مبهی و ممسک گ بسیار خوش کیف و پاکیزه
است ص فلفل گرد دو توله بزر البنج یکتوله فرفیون زنجبیل سنبل الطیب عاقرقرحا قرنفل از
هر یک یکتوله افیون مصری یک سیر اکبری زعفران ده درم خولنجان دارچینی عود بلسان از
هر یک دو توله دار فلفل یکتوله مغز بادام شیرین شش توله بادیان سه توله بهمن سفید دو توله بهمن سرخ سه توله
ثعلب چهار توله جوزبوا بسباسه از هر یک سه توله عسل کشمیری هفت سیر اکبری ورق طلا یکتوله
ورق نقره چهار توله مشک دو توله عنبر اشهب و توله قند سفید دو سیر نبات دو سیر و نیم موافق مشهور
مرتب سازند فلونیا مردافگن که حکیم دوای بجهت بادشاه جهانگیر ساخته بود چون شکر بسیار دار
مردافگن نام گذاشته اند نهایت مبهی ممسک است ص یاقوت رمانی یاقوت زرد یاقوت کبود لعل بدخشی
فیروزه عقیق یمنی بسد کهربا یشم سبز از هر یک و توله مروارید پنجتوله اسافج هندی گل سرخ گاوزبان
دارچینی طباشیر تخم خرفه زرنباد آمله منقی جندبیدستر مشک ورق طلا از هر یک دو توله سنبل الطیب
پوست بیرون پسته تخم کاسنی صندلین بهمنین جدوار خطائی مصطگی گل مختوم ورق نقره از هر یک
سه توله پوست ترنج یکنیم توله عنبر ده توله افیون مصری مصفی سه سیر و ده دام زعفران یک سیر
گلاب بید مشک ده شیشه نبات یک سیر عسل چهار سیر قند یک سیر مرتب سازند از شیخ
بو علی سینا که در قانون آورده و خاصه او آن است که زیاده کند باه را و بجهت امساک مفید
ص بگیرند فلفل زنجبیل و جوزبوا از هر یک پنج درم خبث الحدید مسحوق ده درم تخم جرجیر تخم
شلغم تخم انجره از هر یک چهار درم لسان العصافیر حب الزلم مغز حبة الخضرا از هر یک سه درم
کوفته در عصاره پسته درخم دوغ ده یک اندازند یعنی در ده جزو دوغ یکجزو ادویه اندازند و حرکت دهند

ومخلوط

ومخلوط کنند آن دوغ را انقباع خبز بالمناصفه داور انفتاح سازند بدستور قفاح خبز فلافیون منقول
از شرح حکیم علی جهت آکله لثه متعفنه و سقوط اسنان و لغیر آن نافع نوشته ص اقاقیا دوازده درم
بوره موصوفه ده درم شب یمانی زرنیخ سرخ هر یک هفت درم زرنیخ زرد شش درم کوفته بیخته بسرکه قرصها سازند فلونیا
درد معده و امعا را سود دارد و برودت آن دفع کند و باد بشکنند و خداوند فتق را مفید است
ص زعفران انجدان تخم سداب تخم کرفس زنجبیل حاشا مغز چلغوزه هر یک شش درم فلفل
هشت درم عسل دو وزن ادویه شربت یکمثقال فلونیا ممسک معده را قوت دهد و باه
زیاده کند و سرعت انزال را دفع کند ص پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی شیطرج هندی
تخم کرفس هیل قسط تلخ قرنفل بسباسه خولنجان نارمشک هر یک شش درم پوست هلیله آمله
مقشر نانخواه دار فلفل هر یک چهار درم تودریین قرفه سنبل جوزبوا زنجبیل فلفلمویه هر یک
هشت درم سعد دو درم مشک دو مثقال عنبر مثقال خبث الحدید مدبر همچند ادویه روغن گاو
چهل مثقال عسل صاف دو نیم چند همه بطریق معهود معجون کنند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
شربت دو درم به نبیذ مویز یا به شیر تازه گوسفند فلونیا به نسخه دیگر به نسیان و قولنج و مغص ریحی و
امراض زنان حامله که از رطوبت باشد سود دارد و بادهای غلیظ را بشکنند ص فرفیون عاقرقرحا
سنبل زعفران از هر یک هفت درم افیون بزر البنج از هر یک بیست درم کوفته بیخته بعسل سرشته
بعد از شش ماه استعمال نمایند فلونیا درد معده و جگر را که بسبب برد بود و حمیات بلغمی و تب
ربع و حمیات کهن را نافع است ص پودینه نهری پودینه کوهی فطراسالیون سیسالیوس
هر یک دوازده درم تخم کرفس بابونه حاشا هر یک چهار درم کاشم پانزده درم فلفل سیاه بیست
و چهار درم کوفته بیخته با عسل صاف بسرشند شربت یکدرم با انگبین فالوده برای اسهال دموی
ص نشاسته سه مثقال صمغ عربی شش مثقال بزر قطونا دو مثقال بارتنگ دو مثقال
بطور معلوم فالوده ساخته با شربت صندل بخورند حرف القاف قرص جهت صداع
و سرسام و تب نافع بود و خواب آورد و هذیان دفع کند و تشنگی بنشاند منقول از شفائی ص

ص مغز تخم خیارین مغز تخم کدو تخم کاهو هر یکده درم رب السوس نشاسته کتیرا افیون یک هر
سه درم کوفته بیخته بآب کاهو یا لعاب اسبغول سرشته هفت قرص سازند شربت یک عدد یا دو
عدد قرص مثلث چون بر پیشانی و صدغین طلا کنند صداع شقیقه و سهر را نافع است
ص مرکی افیون مصری بزر البنج کافور لادن زعفران پوست بیخ تفاح هر یک پنج درم
کندر انزروت آمله گل ارمنی هر یکدو درم کوفته بیخته بگلاب و آب کاهو سرشته اقراص پهلو
سازند و وقت حاجت در صداع گرم بآب لیمو یا بسرکه و آب کشنیز و آب کوکنار و مانند آن سائیده
طلا نمایند و در صداع بارد بآب حنا و آب نمک و مرزنجوش و امثال آن حل نمایند و این قرص
بر ورم گرم ضماد توان کرد مثلث از آن میسازند تا با قراص خوردنی ملتبس نشود و زود شناخته
شود قرص مثلث بنسخه حکیم علی ص زعفران بزر البنج هر یک نیم توله شیاف مامیثا جند بیدستر
پوست بیخ تفاح مرکی افیون زراوند از هر یک توله بدستور شیاف سازند قرص منوم بارد
منقول از شفائی ص تخم کاهو خشخاش باقلا مقشر تخم خرفه کاکنج از هر یک یکدرم افیون طسوج
کوفته بیخته بلعاب اسبغول اقراص سازند قرص منوم حار ص تخم شبت دو درم
زعفران مر بزر البنج میعه از هر یک دانگی افیون طسوج کوفته بیخته بلعاب اسبغول قرص سازند
قرص منوم بارد ص تخم خشخاش تخم کاهو راسن از هر یک چهار درم سنگ مغز بادام و مغز تخم خربوزه
مغز تخم کدو و خیارین از هر یک سه درم افیون بزر البنج سفید نشاسته کتیرا گل سرخ منزوع الاقماع طباشیر
تخم خرفه مقشر از هر یکدو درم کافور قیصوری صندل سفید کشنیز خشک هر یک یک مثقال کوفته بیخته بگلاب
سرشته اقراص سازند شربت از یکدرم تا یک مثقال و اگر دو درم سماق منقی و یکدرم زرورد
درین اقراص بیفزایند قوی تر خواهد بود قرص معمول والد ماجد جهت درد گوش ص گرو
فوفل چهالیه از هر یکدو درم زنجبیل یکدرم همه را سائیده در آب کشنیز سبز یا آب قراح سرشته
اقراص سازند و وقت حاجت اندکی در آب سائیده نیم گرم گرد گوش طلا نمایند قرص
نافع برای جمیع اوجاع گوش و جهت جمیع قروح آن منقول از بیاض عم مرحوم ص مرکی

مثقال کندر قنطوریون هر یک سه مثقال زعفران چهار مثقال عصاره خشخاش گلاب هر یکدو
مثقال بادام مقشر بیست عدد کوفته در خل سائیده اقراص سازند و وقت حاجت اگر وجع شدید
باشد با روغن گل و اگر ثقل باشد با خل قطور نمایند قرص که تنقیه گوش از وسخ کند و سده و دوی
را نافع باشد ص زاج ربع اوقیه صبر کندر هر واحد نصف اوقیه اقراص سازند و وقت حاجت
بسرکه و روغن گل حل کرده بچکانند قرص زعفران جهت بخر بلغمی که در سطح دهان و لثه باشد بعد
از تنقیه بدن از بلغم و مضمضه بمضوغات مناسبه بکار می آید ص زاج بیخ سوسن زعفران هر یک
جزوی گرفته کوفته بیخته بعسل بسرشند و قرص سازند و بسرکه یا آبی که در آن ابهل پخته باشند
حل کرده مضمضه کنند قرص که با کله ساعیه نافع است ص مازو مدبر کاغذ مصری سوخته آهک زنده
هر یک یکجزو و نیم شب یمانی یکجزو زعفران کندر برگ حنا هر یک نصف جزو و ربع جزو نمک سوخته
نوشادر قلقطار قلقدیس هر یک نصف جزو کوفته بیخته اقراص سازند و در سرکه حل کرده مضمضه
کنند و در دهن بدارند که اخلاط متعفنه دور شود قرصه برای لثه دامیه عفنه و آکله عجیب و مجرب است
منقول از بیاض عم مرحوم ص زرنیخ سرخ و زرد نوره شب یمانی مازو مساوی کوفته بیخته در سرکه
آمیخته و بسرکه آمیخته قرص سازند و وقت حاجت یکدانگ در لثه بمالند بچوب چه و یک ساعت
بگذارند و روغن گل در دهن بگیرند قرص که سرفه و التهاب جگر را مفید بود ص لک مغسول
پنج درم ریوند چینی یکدرم طباشیر مثقال تخم کاسنی بادیان تخم کشوث هر یکی یکدرم و نیم تخم خرفه
تخم خشخاش صمغ عربی رب السوس هر یکدو درم تخم خیارین مغز تخم کدو هر یک سه درم شربت
دو درم یا دو استار شربت خشخاش قرص خشخاش جهت ریش سینه و شش ص زعفران
پنج درم رب السوس نشاسته کتیرا از هر یکدو درم خشخاش سفید و سیاه از هر یک سه درم
گل سرخ صمغ عربی هر یک چار درم طباشیر سفید پنج درم بآب خالص اقراص سازند شربت
یک مثقال یا دو مثقال با شربت خشخاش قرص خشخاش جهت اسهال دموی و صفراوی
و سحج و بواسیر و رفع عفونت و تسکین حرارت و اوجاع امعاء مجرب است ص زعفران

نصف حبه کافور یکحبه دم الاخوین سه حبه مصطگی دو خرنوبه پوست خشخاش گل مختوم گل ارمنی
طباشیر صمغ عربی نشاسته هر یک ربع حبه یک شربت قرص بنفشه که جهت خشونت سینه
و سرفه و ذات الجنب و سل عجب است و اسهال صفرا کند ص بنفشه ده درم سقمونیا
مشوی یک مثقال رب السوس کتیرا نشاسته هر یک یکدرم کوفته بیخته بلعاب اسپغول
که با خود گلاب باشد اقراص سازند شربت یکمثقال قرص بنفشه تپ با سرفه را نافع بود
ص بنفشه مغز بادام مغز تخم کدو مغز تخم خیارین کتیرا از هر یک پنجدرم رب السوس گل ارمنی
نشاسته از هر یک سه درم یکمثقال سنبل یکدرم کوفته بیخته اقراص سازند قرص سرطان
سل و دق و نفث الدم را نافعست ص گل مختوم گل ارمنی گل سرخ نشاسته از هر یک
شش درم سرطان سوخته ده درم کتیرا طباشیر شادنج مغسول از هر یک پنجدرم رب السوس
سه درم کوفته بیخته بآب لسان الحمل اقراص سازند قرص سرطان بنسخه دیگر ص کتیرا
دو درم رب السوس سه درم گل ارمنی گل رومی گل سرخ نشاسته هر یک چهار درم شادنج
عدسی مغسول طباشیر هر یک پنجدرم کهربا دانه مویز هر یک ششدرم سرطان سوخته
سه درم کوفته بیخته بآب اقراص سازند شربت یکمثقال قرص سرطان که صاحب تحفه
مجرب نوشته ص زعفران یکدرم رب السوس خشخاش سفید خشخاش سیاه هر یک سه درم
کتیرا طباشیر شادنج عدسی مغسول هر یک پنجدرم طین ارمنی طین مختوم طین رومی نشاسته گل سرخ
هر یک شش درم سرطان محرق ده درم بآب لسان الحمل اقراص سازند قدر شربت دو درم
با شربت انار شیرین و بعضی بدل شادنج رشته الجبار می اندازند و صاحب تحفه بدل آن
شاخ گاو کوهی انداخته و نافع تر یافته قرص سرطان از تالیف راقم جهت سل و دق ص
سرطان محرق گل قبرسی خشخاش هفتدرم صمغ عربی مغز تخم خیار هر یکدو درم افیون کافور
قیصوری مصطگی غری السمک هر یک نیمدرم طباشیر سفید سنگجراحت هر یک یکدرم خرفه
مقشر کتیرا رب السوس مغز بهدانه هر یک یکدرم کوفته بیخته بآب قرص سازند قرص سرطان

کافوری جهت تپ محرق و تپ دق و سل مفید منقول از قرابادین والد ماجد ص صمغ عربی گل سرخ
طباشیر سفید شکر طبرزد هر یک چهار ماشه اصل السوس پنجماشه نشاسته خرفه هر یک هفت ماشه صندل
سرخ و سفید و زرد هر یک دو ماشه کتیرا چهار ماشه تخم کاهو سه ماشه رب السوس پنجماشه کافور ماشه
مغز تخم کدو مغز تخم خیارین تخم خرپوزه تخم خشخاش هر یک سه ماشه سرطان محرق توله کوفته بیخته بلعاب
اسپغول قرص سازند قرص طباشیر کافوری نافعست جهت سرفه و حمی دق و حمیات محرقه
و تشنگی نشاند ص کافور یکدرم طباشیر سفید مغز تخم خیارین مغز تخم خیار بادرنگ تخم کاسنی تخم کوک
تخم کاهو ورق گل سرخ صندل سفید هر یک چهار مثقال کوفته بیخته بلعاب اسپغول سرشته اقراص
سازند شربت یکمثقال قوت تا شش ماه باقی ماند قرص طباشیر افیونی اسهال مفرط را که با حرارت
بود نافع بود ص طباشیر گل سرخ تخم کاهو تخم خرفه تخم کاسنی سماق از هر یک یکدرم گلنار صندل افیون
از هر یک نیمدرم تخم حماض دو درم و نیم کافور دانگی بآب خالص قرص سازند شربت یکدرم قرص
طباشیر لولوی صغیر ص مروارید ناسفته طباشیر از هر یک دو درم خشخاش بریان کرده پنجدرم بگلاب
اقراص سازند قرص طباشیر ممسک تپهای محرقه صفراوی را نافع باشد و شکم بندد و خون
باز دارد و تشنگی ص گل سرخ پانزده درم صمغ عربی نشاسته تخم حماض گل ارمنی از هر یکده درم طباشیر
زرشک سماق از هر یک هفتدرم کوفته بیخته بگلاب سرشته اقراص سازند قرص طباشیر
سرطانی دق و سل را نافعست ص طباشیر سفید غنچه گل سرخ منزوع الاقماع از هر یک پنجدرم
ترنجبین منقی ده درم کتیرا صمغ عربی از هر یک یکدرم و نیم تخم خرفه مقشر مغز خیار بادرنگ مغز تخم
کدو شیرین از هر یک سه درم تخم کاهو تخم کاسنی از هر یک چهار درم صندل سفید سه درم
سرطان نهری رب السوس از هر یک یکدرم زعفران کافور قیصوری از هر یک نیمدرم کوفته
بیخته بلعاب اسپغول یا لعاب بهدانه سرشته اقراص سازند قرص طباشیر کافوری لولوئی
بجهت تپ دق و سل و خفقان حار و حمیات محرقه و وقتیکه با اسهال باشد نافع بود و نفث الدم
و قی الدم و اسهال دموی و کبدی و اسهال ذوبانی را نیز زائل میگرداند ص مروارید

ناسفته طباشیر سفید سرطان مشوی تخم خشخاش تخم کاهو تخم خرفه مقشر کتیرا از هر یک سه مثقال کهربای
شمعی رب السوس غنچه گل سرخ منزوع الاقماع از هر یکدو مثقال تخم خیارین پنجمثقال صمغ عربی لسد
محرق از هر یک یکمثقال کافور قیصوری یکدرم زعفران دو دانگ ابریشم مقرض دو دانگ کوفته
بیخته بآب بارتنگ سبز سرشته اقراص سازند **قرص طباشیر مسهل** نافع است از برای حمیات
صفراویه و تقویت معده کند و مسکن حرارت است ص طباشیر سفید یکدرم زرشک منقی یکدرم
و نیم سقمونیا مشوی غنچه گل سرخ منزوع الاقماع از هر یک یکدانگ کوفته بیخته بآب کاسنی تازه
سرشته اقراص سازند **قرص کافور** یرقان و تپ گرم را سود دارد ص زرشک منقی طباشیر
سفید گل سرخ از هر یک هفتدرم تخم کاهو تخم خرفه تخم کاسنی کتیرا از هر یک سه درم مغز تخم خربوزه و کدو
هر یک پنجدرم صندل سفید رب السوس از هر یک دو درم کافور یکدام بلعاب بزر قطونا سرشته
اقراص سازند شربت دو درم با سکنجبین **قرص کافور** از شیخ الرئیس برای سل و دق ص
کافور قیصوری سرطان محرق زعفران رب السوس از هر یک یکدرم تخم کاسنی تخم کاهو تخم خرفه
از هر یکدو درم مغز تخم کدو مغز تخم خیار از هر یکدو درم و ثلث درم آب کدو و الاصندل مقاصری
سه درم گل سرخ چهار درم کوفته بیخته بلعاب اسپغول اقراص سازند **قرص کافور** نافع سل و دق
ص کندر راتینج از هر یکدرم ریوند چینی دو دانگ گل مختوم گل سوه گل ساموس از هر یک
نیمدرم نشاسته کتیرا صمغ عربی خشخاش از هر یک یکدرم و نیم بزرالبنج سفید دو دانگ افیون
مصری کافور قیصوری زعفران از هر یک و انق لسد محرق یکدرم کوفته بیخته اقراص یک یکدرم
سازند و یک قرص با ماءالشعیر یا شربت آس یا رب به بخورند **قرص** روفس این قرص مختار
حکیم مذکور است و بسیار ستوده و طبری گفته که دیدم من جماعتی را که بر یافته اند بسبب این قرص
از نفث الدم ص فطراساليون یکدرم و نیم رب السوس وزد فاوسق گل سرخ نسرین خشک
هر یکدو درم کهربا عصارة لحية التيس کندر حضض صمغ عربی و فارسی نشاسته لسد هر یک سه درم
بذر القثا بذر البطيخ بذر القرع حلو مقشر هر یک پنجدرم کوفته بیخته بگلاب خمیر کرده قرص ها سازند **قرص**

برای نفث الدم از هر عضوی که باشد و صالح است برای بحج احتشار و قروح آن و برای
قیام دم و طبری نوشته که من مکرر تجربه نمودم ص حضض یکی گل سرخ منزوع الاقماع از
هر یکدو درم عصارة لحية التيس سه درم کندر چهار درم زعفران دو دانگ ریوند چینی نیمدرم
پوست انار شحم آن مازو سبز از هر یک یکدرم گل ارمنی گل ساموس گل مختوم از هر یک سه درم
نشاسته بریان قاقیلی سه درم و نیم کوفته بیخته اسپغول جوشانیده لعابش برآورده ادویه را
خمیر کرده قرص یکمثقال ببندند و در شربت آس حل کرده یکمثقال بخورند و اگر ممکن نباشد همراه آب
قرص برای نفث الدم حادث از رطوبت و استرخای عروق ص قشار کندر و کندر
بفسا از هر یک چهار درم لمون کرمانی مغلو دارشیشعان فودنج جبلی از هر یک پنجدرم مصطگی
زعفران از هر یک هفتدرم قلقدیس سنبل هندی جندبیدستر عصاره لحیة التیس اقاقیا
گل سرخ منزوع الاقماع از هر یک چهار درم کوفته بیخته با آبی که دران مازو سبز بی سوراخ جوشانیده
باشند اقراص یک یکمثقال ببندند شربت یک قرص **قرص** که انفتاح ماده ذات الریه کند
ص تخم خطمی تخم خبازی تخم خیار تخم خربوزه تخم کدو رب السوس فقاح اذخر اکلیل الملک بنفشه
از هر یک مساوی گرفته کوفته بلعاب بزرکتان قرص سازند و بآب انجیر بخورند **قرص** که جمود
دم صدر را اذابت کند و برآرد و سینه را ازان پاک کند دوائی چند است ص زراوند
اصل السوس فلفل نمک هر یک یکدرم حلبه آرد کرده انیسون گل سرخ هر یکدو درم مر سه درم
بآب خمیر کرده قرص سازند هر قدر قرص درمی و در سایه خشک کنند و هر روز بایک سکرجه
مطبوخ بیخ رازیانه و بیخ کرفس بخورند **قرص** تالیف میر عطاء الله صاحب تحفه برای سرفه
و ذات الجنب و حمی دق و تپهای محرقه و حرقت بول و تشنگی التهاب خلاص جهت حصبه و آبله
ص زعفران نیم مثقال صندل سفید یکمثقال کتیرا رب السوس نیلوفر هر یکدو مثقال گل سرخ
مغز تخم کدو شیرین مغز تخم بهدانه تخم خیارین تخم کشنیز هر یک یکمثقال طباشیر سفید نشاسته تخم
خرفه هر یک پنجمثقال گل بنفشه ترنجبین هر یکده مثقال کوفته بیخته با شیره جو اقراص سازند و از

یکمثقال تا دو مثقال بدهند قرص ریوند برای نفث الدم که از جگر باشد ص ریوند چینی دو مثقال
لک مغسول مثقال تخم کرفس نیمدرم صمغ عربی دو مثقال گل ارمنی دو درم انیسون درم
همه کوفته بیخته بآب لسان الحمل سرشته اقراص بوزن نیم مثقال سازند بشربت انجبار
یا شربت زرشک یا آب انار بدین اختیار نمایند قرص ریوند ورم و صلابت جگر و سپرز و تبهای
کهنه را نافع باشد ص ریوند چینی ششدرم فوه لک مغسول از هر یک سه درم تخم کرفس
انیسون عصاره غافث از هر یک یکدرم کوفته بیخته بآب خالص اقراص سازند قرص
ریوند جهت استسقا که با نفث الدم با اجابت طبع باشد از بقائی ص زعفران دانگی ریوند چینی
دو دانگ زرشک بیدانه لک مغسول فوه طباشیر صندل سفید تخم حماض هر یک یکمثقال
ورق گل سرخ کرد یا صلایه کرده هر واحد یکمثقال و نیم نشاسته صمغ عربی بریان هر یک دو مثقال
کوفته بیخته بآب قرصها سازند و هر روز یک و نیم مثقال با بعضی عرقها مناسب بدهند و اگر حالت
مریض و وقت مقتضی باشد در لبیب با دوغ کف داده استعمال نمایند قرص ریوند بنسخه حکیم
محمد باقر جهت استسقا مجرب ص مصطکی عصاره غافث سنبل الطیب و ماس لک شسته
عصاره افسنتین اسارون قفاح اذخر تخم شاهتره تخم کشوث تخم کاسنی ریوند چینی زعفران
طباشیر ترنجبین هر یکدو درم مغز تخم خیار تخم خرفه گل سرخ رب السوس هر یک سه درم زرشک بیدانه
پانزده درم بآب اقراص نمایند قرص شادنج از تحفه جهت سل و سرفه حاره و سیلان خون
از هر عضو باطنی مفید و دق و اسهال مراری و ذوبانی و تبهای دموی را نافع بود ص بزر البنج
افیون زعفران هر یک مثقال تخم خرفه کشنیز خشک خشخاش سفید نشاسته گل سرخ طباشیر گل ارمنی
هر یک پنجاشه سرطان سوخته دو مثقال کتیرا رب السوس صمغ عربی شادنج مغسول شاخ گاو
کوهی سوخته انجبار هر یک سه مثقال بالعاب اسبغول اقراص سازند شربت تا یک مثقال
قرص کحل خون آمدن بسرفه باز دارد ص لادن زعفران هر یک نیمدرم شاخ گوزن سوخته
اقاقیا هر یکی یکدرم پرسیاوشان یکدرم و نیم گلنار رازدهر یک دو درم سرمه اصفهانی شادنج

مغسول دم الاخوین هر یک سه درم بآب لسان الحمل سرشته اقراص سازند شربت دو درم
بآب باران که طباشیر و گل ارمنی در آن خیسانیده باشند و در بعضی نسخه سه درم کهربا هم داخل است
قرص کهربا که جهت نفث الدم که عقب سعال افتد نافعست و قی الدم را مفید بود ص
صمغ عربی گل ارمنی هر یک چهار درم کهربا بسد شادنج هر یک یکدرم و نیم رب السوس دم الاخوین
نشاسته هر یکدو درم اقراص سازند و سه درم از وی بگیرند و یکدانگ بزر البنج سفید سحوق
آمیخته بخورند قرص گلنار نافع برای نفث الدم و حابس دم بواسیر و غیر آن ص گلنار کهربا
بسد محرق کشنیز خشک طباشیر سفید گل سرخ سماق لسان الحمل عصاره لحیة التیس از هر یک ده درم
قرن ایل محرق مغسول هفتدرم شب یمانی سه درم اقاقیا هفتدرم افیون یکدرم کوفته بیخته
بآب اقراص سازند شربت از آن سه درم بآب لسان الحمل یا بآب باران خورانیده باشند قرص
آس نافع برای اسهال که همراه اسهال باشد ص حب الآس خشخاش سفید از هر یک یکدرم
پرسیاوشان سه درم صمغ عربی دو درم حب الغبیرا نشاسته از هر یکدو درم بلعاب اسبغول
قرص سازند خوراک سه درم بشراب حب الآس قرص کهربا نافع است برای نفث الدم
و سیلان دم خواه بواسیر بود خواه غیر آن ص کهربا بسد مروارید تخم خرفه مقشر از هر یک پنجدرم
شاخ گوزن سوخته پوست بیضه سوخته کتیرا صمغ عربی از هر یک سه درم کشنیز بریان تخم خشخاش
سیاه تخم خشخاش سفید از هر یک شش درم دوغ محرق بزر البنج سفید از هر یک دو درم کوفته بیخته
بآب لسان الحمل اقراص بندند بوزن یکمثقال خوراک یک قرص قرص مروارید دل و
دماغ را قوت دهد و خفقان گرم و یرقان را نافع باشد ص گل سرخ دو درم طباشیر مروارید
ناسفته بسد صندل سفید هر یک یکدرم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو هر یک پنجدرم تخم خرفه سه درم
زعفران نیمدرم کوفته بیخته بلعاب اسبغول سرشته اقراص سازند شربت یک مثقال
با سکنجبین قرص مشک دل و معده و جگر را بار در اقوت نماید و خفقان و غشی و اوجاع
معده که سبب برودت باشد سود دهد ص مصطکی قرنفل دارچینی عود سنبل سک دانگی

کوفته بیخته بشراب ریحانی سرشته اقراص سازند شربت یکمثقال و بعضی عنبر یکدانگ افزوده اند
قوی تر شود قرص عنبر ساده مقوی اعضای رئیسه و معده و مزیل خفقان و ناقهین را
سودمند بود ص عنبر اشهب تراشیده بیست و پنج توله یکسیر شاهجهانی نبات را بقوام
آورده عنبر حل کرده در طبق نقره بهین ساخته اقراص سازند و بعضی در یک مثقال عنبر
صد مثقال نبات داخل میکنند قرص عنبر نسخهٔ دیگر ص عنبر اشهب سه و نیم توله نبات
سفید نیم سیر اکبری گلاب تیر دی یک شمشه نبات را صاف نموده بقوام آورده عنبر را
دران حل نموده بتبر زنند و قطره قطره گلاب میداده باشند تا سفید گردد و بقوام قرص آید بعد
ازان در خوان نقره یا چینی هموار نموده اقراص سازند راقم گوید اگر عشر وزن عنبر طلای
محلول یا ورق طلا اضافه نمایند هر آئینه در افعال خود اقوی خواهد شد و در اعراض مطلق
بعدیل قرص زرشک کبیر ورم معده و جگر و تپهای و مرکب بلغمی و استسقا را نافع بود
ص عصارهٔ زرشک مغز تخم خیارین مغز تخم خربوزه از هر یک سه درم گل سرخ
ترنجبین از هر یک شش درم تخم کشوث رب السوس طباشیر تخم کاسنی مصطگی
سنبل الطیب عصارهٔ غافث فوه لک مغسول ریوند چینی از هر یک دو درم زعفران نیم درم
کوفته بیخته بآب ترنجبین سرشته اقراص سازند قرص زرشک صغیر ص زرشک منقی
پانزده درم تخم کاسنی خرفه تخم خیارین از هر یک یکدرم گل سرخ پنجدرم ریوند چینی سنبل
از هر یک یکدرم بلعاب بزر قطونا اقراص سازند قرص زرشک بارد ص زرشک
پنجدرم رب السوس یکدرم و نیم مغز تخم خیارین تخم خرفه کاسنی از هر یکدو درم بگلاب اقراص
سازند شربت دو مثقال قرص زرشک کافوری حمی غب و حرارت و کبد و معده را
نافعست و تشنگی بنشاند و التهاب ساکن گرداند ص زرشک منقی مغز تخم خیارین مغز تخم
کدو مغز تخم هندوانه مغز تخم خربوزه از هر یک سه مثقال طباشیر سفید ورق گل سرخ صندل سفید
از هر یک یکمثقال و نیم ریوند چینی نیم مثقال لک مغسول دو مثقال تخم کرفس کافور قیصوری

از هر یک نیم مثقال زعفران یکدانگ کوفته بیخته بآب کشوث اقراص سازند شربت یکمثقال قرص
غافث یرقان و درد جگر و سپرز و تپهای ربع و کهن را نافع باشد و سده بکشاید ص عصارهٔ غافث
بیست درم سنبل ده درم طباشیر سفید چهار درم کوفته بیخته بآب صاف سرشته اقراص سازند
قرص لک استسقاء لحمی را سود دارد و سده بکشاید ص لک مغسول ریوند چینی از هر یک
هفت درم اسارون زراوند جنطیانا سنبل مصطگی تخم کرفس انیسون نانخواه اذخر ابهل قسط مغز
بادام تلخ فوه افسنتین عصارهٔ غافث از هر یکدو درم فلفل زنجبیل از هر یک یکدرم کوفته بآب
صافی اقراص سازند شربت یکمثقال قرص کبر اوجاع طحال را نافع بود و سده بکشاید ص
پوست بیخ کبر اشق از هر یک چهار درم زراوند طویل دو درم فنجنکشت فلفل از هر یک شش درم
اشق را در سرکهٔ کهنه حل کنند و باقی ادویه را کوفته بیخته بآن سرشته اقراص سازند قرص ابهل
سپرز صلب را نرم کند ص ابهل چهار درم فلفل سفید اشق از هر یک دو درم اشق را در سرکه حل
کنند و باقی ادویه کوفته بیخته بآن سرشته اقراص سازند شربت دو درم با سکنجبین بزوری قرص
فوه طحال را نافع بود ص فوه دوازده درم ایرسا پوست بیخ کبر زراوند طویل از هر یکدو درم
کوفته بیخته با سکنجبین سرشته اقراص سازند و با طبیخ انیسون استعمال نمایند قرص سنبل ورم
صلب کبد و معده و جگر را نافع بود ص سنبل فقاح اذخر سلیخه ریوند چینی قصب الذریره از
هر یک سه درم زعفران مر انیسون قسط تلخ فلفل از هر یک یکدرم مقل مصطگی از هر یکدو درم
اشق نیمدرم اشق و مقل در دوشاب حل کنند و داروهای دیگر را کوفته بیخته بآن اقراص سازند
جهت درد معده با دوشاب و جهت درد کبد با سکنجبین قرص که استسقاء و فساد جگر و سپرز و
اسهال را نافع بود ص طباشیر گل سرخ گلنار زرشک سماق کزمازج تخم حماض تخم کاسنی
فلنجمشک تخم خرفه از هر یک یکدرم فقاح اذخر انیسون سنبل ریوند چینی لک پوست بیخ کبر افیون
از هر یک نیمدرم کافور دانگی کوفته بیخته اقراص سازند شربت دو درم قرص کوکب معدهٔ
ضعیف را قوت دهد و نگذارد که فضول بآن جمع شود و چون بر پیشانی طلا کنند صداع را نافع بود

ومنع نزلات بکنند و چون بارز دبان بیامیزند بر دندان کرم خورده نهند درد ساکن نماید و
چون بآب مرزنجوش در گوش چکانند و در بینی شانند و نفث الدم و سیلان خون از موضع که باشد
باز دارد و سرفه کهنه و تپهای دایره را نافع بود و چون بآب مرزنجوش دهند و چون بآب سداب
بیاشامند بجمیع زهرها و گزیدن جانوران مفید آید و اگر بشربت بنوشند اسهال دموی را
و قروح امعاء و مثانه را سودمند بود ص مرحند بید ستر سنبل سلیخه گل مختوم پوست بیخ
لفاح از هر یک چهار درم افیون زعفران قسط کوکب الارض و آنرا طلق نیز گویند از هر یک
پنجدرم انیسون دوقو سیسالیوس بزر البنج میعه سایله تخم کرفس از هر یک هشت درم صمغ باراد
شراب ریحانی حل کنند دارو ها را کوفته بیخته بآن سرشته اقراص سازند قرصی یکدرم در سایه
خشک کنند قرص گل درد معده و تپهای بلغمی را سود دارد ص ورق گل سرخ شش درم
رب السوس چهار درم سنبل الطیب و می طباشیر سفید و دو درم عصاره غافث چهار درم کوفته
بیخته بمیفختج سرشته اقراص سازند قرص گل که اقوای از نسخه اول است ص گل سرخ
ده درم اصل السوس عصاره غافث افسنتین هر یک چهار درم مصطگی سنبل اسارون
عود خام اذخر از هر یک یکدرم کوفته بیخته بگلاب اقراص سازند قرص ورد مسمی به بید الورد منفعت
از برای سده های کبد و طحال و معده و حمیات سوداوی و بلغمی ص گل سرخ منزوع الاقماع
هفت درم رب السوس پنجدرم فقاح اذخر سنبل الطیب سلیخه سودامرگی صافی زعفران
مصطگی رومی از هر یک دو درم مر زعفران را در سرکه انگوری حل سازند و بمالند و بپالایند
و باقی ادویه را کوفته بیخته بآن سرشته اقراص سازند و اگر خواسته باشند ادویه را باسه وزن مجموع
عسل مصفی سرشته معجون سازند قرص افسنتین بهت تخمه ص افسنتین رومی انیسون تخم کرفس هر یک دو درم
کوفته بآب صاف اقراص سازند قرص عود که قی و هیضه باز دارد ص عود خام چهار درم
کبابه مصطگی قرنفل سنبل الطیب هر یکدوازده درم کوفته بیخته اقراص سازند شربت دو درم
قرص عود بنوع دیگر معده را قوت دهد و طعام هضم کند و اشتها آورد ص قرنفل مصطگی

هر یک سه درم قاقله سنبل بسباسه از هر یکدو درم عود خام قرفه پوست ترنج از هر یک پنجدرم زعفران
زرنباد زنجبیل دار فلفل از هر یک یکدرم قند سفید بوزن ادویه کوبه بیخته اقراص سازند شربت دو درم
با آب به یا سیب قرص که قی بلغمی را و سوداوی را نافع بود و معده را قوت دهد ص پوست
بیرون پسته گل سرخ از هر یک چهار درم عود خام مصطگی از هر یک سه درم سک پنجدرم کوفته
بیخته بآب اقراص سازند شربت یکمثقال قرص که فواق امتلائی را نافع باشد ص قسط تلخ
صبر سقوطری اذخر تمام فودنه کوهی نعناع خشک سداب تخم کرفس کندر اسارون از هر یک
دو درم افیون دانگی و نیم گل سرخ پنجدرم کوفته بیخته بدوشاب خلث سرشته اقراص سازند قرص
مصطگی قی و فواق را نفع دارد ص عود مصطگی هر یکدو درم پوست بیرون پسته چهار درم گل سرخ
سک هر یک پنجدرم شربت دو درم قرص اقاقیا معده را قوت دهد استرخاء و تشنج او را نافع
آید و طبیعت به بندد ص اقاقیا سه درم صمغ عربی کتیرا هر یکدو درم گل سرخ گلنار هر یک چهار درم فشار
کندر عود هندی هر یک یکدرم سک جید زعفران هر یک پنجدرم بکوبند بحریر بپزند و بآب قرص
سازند شربت از یکدرم تا یکمثقال برب سیب یا رب به یا آب سرد بدهند قرص سماق مجرب
است جهت کسیکه طعام قی کند و شهوت غذا باز دارد ص سماق سه درم زرور طباشیر زیره
زیره بگلاب تر کرده و خشک نموده هر یکدو درم پوست پسته یکدرم مصطگی پنجدرم کوفته
بیخته بگلاب اقراص سازند شربت از یکدرم تا دو درم بشربت حصرم منعنع یا ورد مربی گلکر
قرص سک نسخه محمد ذکریا است معده و دل و جگر بارد را قوت دهد و اوجاع بارد معده را
زائل کند و غشی و خفقان بارد را نافع بود ص مصطگی قرنفل عود دارچینی سنبل جوز بوا کبابه
هیل پوست ترنج قاقله هر یک یکمثقال سک دانگی کوفته بیخته بشراب ریحانی اقراص سازند
قرص که بقروح معده نافعست ص گل قبرسی صمغ عربی هر یک پنجدرم دم الاخوین سه درم
کوفته بیخته بآب اقراص سازند و هر روز دو درم بآب خرفه بخورند قرص خردل درد سپرز
را از باد غیرد زائل کند ص حب الرشاد بیخ سیر اندر سرکه یا آب تر کنند یک شبانروز و بعده

برگ سداب خشک یک سیر در ان آمیزند و بکوبند و دیگر بدارند پس بکوبند و قرص لبن
بر شور بیگرم کنند تا بریان شود و بگذارند که بشور رسد بکوبند نرم و هر بامداد دو درم با سکنجبین بدهند
قرص کزمازج ترکیب جالینوس سپرز صلب را بگدازد ص کزمازج چهار مثقال فلفل سفید
سنبل اسارون اشق هر یکدو مثقال اشق را در سرکهٔ عنصل حل کرده ادویه دیگر کوفته بیخته
با ان لبرشند و اقراص کنند شربت یکمثقال با سکنجبین قرص فنجنکشت درد جگر و سختی و آماس
و درد سپرز را نافعست ص لک مغسول ریوند چینی طباشیر سفید هر یک یکدرم تخم کشوث
تخم فنجنکشت پوست بیخ کبر زراوند طویل کزمازج غافث قوه هر یکدو درم گل سرخ کاسنی هر یک
سه درم شربت دو درم یا سه درم با شربت کاسنی قرص سازند قرص جهت استسقای حار منقول از
مختار و مجرب است ص سنبل الطیب نیمدرم تخم خیار تخم خرفه تخم کشوث تخم کرفس مصطگی لک مغسول
ریوند هر یک یکدرم گل سرخ پنجدرم عصاره زرشک یا زرشک ده درم بقدر مثقال قرص سازند
تا چهل درم آب کاسنی و هشت درم عنب الثعلب ده درم سکنجبین پنجدرم مغز خیار شنبر استعمال
نمایند قرص هندی بجهت ذرب نافعست ص زنجبیل بلیلگی کشنیز خشک ال سفید کوفته
بیخته قرص سازند شربت یکدرم با ادویه مناسبه قرص دیگر نافع بذرب و اسهال ص مغز خ
انیسه کهنه مغز خسته جامن کهنه بلیلهٔ زرد بریان در روغن کنجد هرگاه شگافته شود برابر گرفته کوفته
آمیخته اقراص سازند شربت یکمثقال با آب سرد قرص اسهال دموی و افراط طمث و دم لازم
را نافع باشد ص زنج الجبار چهار درم گل سرخ صمغ عربی کهربا تخم خرفه از هر یک سه درم گلنار
نشاسته گل ارمنی لبد طباشیر سفید رب السوس از هر یکدو درم اقاقیا یکدرم همه کوفته بیخته
با آب مورد اقراص سازند قرص ایلاوس ص تخم کرفس انیسون دارچینی هر یک شش درم
مصطگی افسنتین هر یک چهار درم فلفل مرافیون جندبیدستر هر یکدو درم با آب خالص اقراص
سازند شربت یکمثقال قرص زحیر خون شکم و زحیر و نفث الدم را نافع بود ص گل مختوم
گل ارمنی قرط طباشیر طراثیث بلوط آرد کنار حب الآس از هر یکدو درم تخم حماض بری

صمغ عربی گلنار از هر یک چهار درم نشاسته گل سرخ از هر یک سه درم تخم کرفس مصطگی
سماق از هر یک یکدرم مازو زیرهٔ کرمانی مدبر بریان کرده از هر یک نیم مثقال کوفته بیخته کرده
بلعاب بزرقطونا اقراص سازند شربت یکدرم قرص زحیر برای اختلاف دم و زحیر و نفث دم
ص طین مختوم طین ارمنی قرط طباشیر طراثیث از هر یکدو درم تخم حماض بری صمغ عربی
گلنار از هر یک چهار درم نشاسته گل سرخ از هر یک سه درم تخم کرفس سماق مصطگی از هر یک
یکدرم بلوط آرد کنار حب الآس از هر یکدو درم عفص زیرهٔ کرمانی که در خل خمر یک شبانه روز
خیسانیده بعد ازان بریان نموده باشند از هر یک نصف مثقال کوفته بیخته بلعاب اسپغول
خمیر کرده اقراص سازند هر قرص یکدرم قوت این تا شش ماه باقی می ماند بعد ازین ضعیف
میشود قرص که نافعست افراط خون بواسیر را ص مرجان کهربا دودغ سوخته گل ارمنی
از هر یک دو درم هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک پنجدرم تخم گندنا سه درم مقل دو درم مقل را
در آب ترکنند تا سرشته حل کنند و دارو ها را کوفته بیخته بان سرشته قرص سازند شربت سه درم
تا ده درم با آب آهنگران قرص برای زحیر مجرب است هرگاه حرارت نباشد و ریاح و قراقر
بود استعمال باید کرد ص بزرالبنج ابیض تخم شبت تخم رازیانه از هر یک پنجدرم نانخواه ده درم
و نیم افیون سه درم تخم انیسون ده درم تخم کرفس ده درم اگر دو درم زعفران زیاده کرده شود
الیق است قرص زرنیخ که ریح فرزمین که ازان رفع شود با ماء العسل وقتی که فساد بسیار
باشد و با شیرهٔ برنج اگر بسیار نباشد بکار برند ص کاغذ سوخته اقاقیا هر یکدو مثقال زرنیخ
سرخ زرنیخ زرد هر یک سه مثقال آهک آب ندیده شش مثقال همه را بسایند و بآب برگ
بارتنگ سرشته اقراص سازند و از نیمدرم تا دو درم بکار برند قرص زعفران بسیح کبد
کرا و شکم را نرم کند صفرای سوخته را از تن فرود آید و اندوه دل را زائل کند و تشنگی بنشاند
ص زعفران صندل هر یکدو درم صمغ عربی شکر گل سرخ هر یک پنجدرم تربد سفید برابر شسته
بیست درم همه را کوفته بیخته با آب لبرشند و اقراص سازند و در سایه خشک نمایند دلو قیت

حاجت متوالی با آب نیمگرم بخورند قرص دیگر که اسهال دموی و صفراوی و نزف الدم
هر موضع باز دارد و سحج و سرفه رطوبی و بواسیر را بغایت مجرب است ص زعفران افیون
هر یک یکدرم مازو و تخم حماض دم الاخوین هر یک دو درم آرد کنار خرنوب نبطی گل ارمنی
انجبار تخم مورد هر یک سه درم طباشیر نشاسته صمغ عربی گلنار گل سرخ کثیرا شاخ گاو کوهی
سوخته هر یک پنجدرم با آب بارتنگ اقراص سازند شربت یکمثقال همراه ادویه موافقه
بمرض قرص از شفاء الاسقام برای اسهال صفراوی سحج و بواسیر و دفع عفونت مفید
و تسکین ورمیکه در معا باشد تر و خاید ص پوست خشخاش طین مختوم طین ارمنی طباشیر
صمغ عربی نشاسته از هر یک ربعدرم دم الاخوین سه سرخ مصطگی حب لوبیان کافور یک سرخ
زعفران نیم سرخ مجموع یک شربت است قرص دیگر جهت نزف الدم و اسهال ذوا
مجرب نوشته اند ص گل سرخ گل ارمنی طباشیر شاه بلوط تخم حماض مقشر صمغ بریان سرطان
سوخته برابر کوفته بیخته اقراص سازند با آب به قرص که جهت اسهال خون و نزف الدم
جمیع اعضا مجرب است ص زعفران افیون مصطگی نشاسته طباشیر لک منقی بزر البنج
هر یک یکدرم گلنار سک دوغ محرق هر یک سه درم جلغوزه تخم کشنیز بریان صمغ عربی بریان
گل ارمنی پوست تخم مرغ سوخته شاخ گاو کوهی سوخته تخم حماض بسد تخم خرفه کهربا هر یک پنجدرم
شربت یکمثقال با آب جهت نفث الدم و با شراب خشخاش جهت قروح امعا قرص
برای قروح امعاء و اختلاف دم و قیح سفید هرگاه حقنه کنند از آن همراه زرده بیضه
که بریان نموده باشند و آب بارتنگ ص اسفیداج الرصاص شش درم کاغذ سوخته
چهار درم صمغ عربی پنجدرم گلنار دو درم افیون مامیران از هر یک یکدرم عصاره لحیة
التیس سه درم اقاقیا خبز محرق دم الاخوین از هر یک یکدرم و نیم کوفته بیخته از آب لسان الحمل
و آب عصی الراعی خمیر کرده اقراص سازند و در سایه خشک نمایند و وقت حاجت در آب اخر
فارسی حل نموده حقنه نمایند قرص مرکی این قرص جلا دهنده است و مخرج بلغم د

و صفرا است و حیض را بگشاید و حرارت را کم کند و جرب اسود دارد ص لب پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله
منقی زنگ کابلی مقشر بعد از کوفتن و بیختن از هر یک یکجزو تربد سفید مجوف مضمغ تراشیده بروغن
بادام شیرین چرب نموده بوزن مجموع ادویه فانید و فانید را در پاتیله کرده با قدری آب
بجوشانند و چون بقوام آید از آتش برگرفته ادویه را بر آن بپاشند و مخلوط نمایند خلطی نیکو
پس اقراص سازند و هر قرص ده درم که با آبی جوشانیده باشند در آن کشنیز خشک از اول شب
تا صبح و اول صبح صافی نموده باشند پس بدرستی که تا ده مجلس یا بیست مجلس اجابت می کند غذا وقت
عصر ثرید یا نخود آب که با روغن زیتون مغسول ساخته باشند پس اگر احتیاج باخراج بلغم هم
باشد باید که اضافه کرده شود بر اجزای این قرص ربع جزو بلیله و شحم حنظل و در نسخه کوتوالی وزن
تربد دو درم و فانید شش استار و باقی از هر یک یکدرم است و گفته اند که شربت از این قرص دو
درم در هر ماهی سه بار قرص بزور از قرابادین قانون نافعست از برای اسهال طبیعت و
قرحه و قیام و از برای کسی که غذا در معده آن هضم نشود و از برای مغص شدید و زحیر و ریاح
بواسیر و آمدن خون از بواسیر و نزف طمث زنان پی در پی و بیوقت ص حب الآس تخم
رازیانه انیسون نانخواه تخم کرفس بزر البنج سفید دو قو از هر یک یک اوقیه افیون شش درم
کوفته بیخته بشراب ریحانی سرشته اقراص سازند هر قرصی بوزن نیم درم و بعد از
شش ماه استعمال نمایند شربت یکقرص یا آنچه مناسب باشد از مایعات قرص قاطع دم ص
بارتنگ طباشیر طین قبرسی و مختوم از هر یک یکدرم کندر سفید دو درم حضض یکدرم و نیم کهربا
دوغ محرق بسد لولو حجر الدم از هر یک دو درم عصاره لحیة التیس سه درم باریک سائیده در
حب الآس یا شربت ریباس یا شربت سفرجل یا در شربت سیب خمیر کرده اقراص سازند
و در سایه خشک کرده هر روز ده درم با شربت مذکوره تناول نمایند غذا رمانیه یا حصرمیه قرص
مقل صلابت کبد و معده را دور گرداند و ریاح بواسیر نافع بود و این نسخه تالیف محمد زکریا است
ص گل سرخ نزروع الاقماع ده درم سنبل الطیب دو درم زعفران یکدرم قسط تلخ یکدرم و نیم

مصطگی دو درم مغز بادام تلخ یکدرم و نیم مقل ازرق سه درم مقل را در آب حل نمایند و ادویه را کوفته بیخته بان آب
اقراص سازند هر قرص سه درم در صلابت کبد بآب کاسنی تازه یا آب کرفس یا بآب بادیانه و در صلابت معده بآب
بادرنجبویه و در بواسیر بآب گندنا قرص شب خون آمدن از هر عضو که باشد بازدارد ص
شب یمانی کحل اصفهانی از هر یک یکدرم کهربا مروارید ناسفته اقاقیا از هر یک سه درم دم الاخوین
صمغ عربی کتیرا از هر یک دو درم همه را سحق نموده قرص سازند شربت از نیم درم تا یکمثقال
قرص نافع برای زحیر بلغمی ص زیره بریان مدبر بازو سنبر مصطگی سماق تخم کرفس از هر یک
یکدرم جفت بلوط کنار حب الآس طباشیر سفید گل مختوم گل ارمنی طراثیث از هر یک دو درم
نشاسته گلنار صمغ عربی تخم حماض هر واحد چهار درم کوفته اقراص سازند بآب بارتنگ شربت
یکمثقال قرص ذیابیطس ص طباشیر پنج جزو تخم خرفه تخم کاهو از هر یک هفت جزو تخم
حماض گل سرخ کشنیز خشک گل ارمنی از هر یک سه جزو صندل سفید گلنار سماق از هر یک
دو جزو کافور نیم جزو بآب برگ خرفه اقراص سازند و یک قرص با آب انار بخورند قرص برای ریم قرحه ص تخم
خیار مغز تخم خیارزه مغز تخم خربوزه تخم خرفه از هر یک چهار درم گل سرخ طباشیر گل ارمنی صمغ عربی
نشاسته از هر یک سه درم شادنج مغسول دم الاخوین عصاره لحیة التیس شهدانج حب المحلب
خشخاش سفید و سیاه از هر یک سه درم بادام حب جلغوزه از هر یک دو درم تخم کرفس یکدرم
زعفران نصف درم کاکنج پانزده عدد کوفته بیخته بلعاب بهدانه اقراص سازند شربت دو درم
بماء البزور قرص طین که جهت بول و قروح مثانه نافع ص گل مختوم طباشیر کتیرا صمغ عربی
و فارسی تخم خرفه مغز تخم خیارین بالسویه کوفته بیخته بلعاب اسبغول بسرشند و با کشکاب
بدهند و در نسخه دیگر مغز تخم خربوزه هست ص جهت قروح کلیه و مثانه و تقطیر بول و بول الدم
لعابات مجرب است ص افیون تخم کرفس بزر البنج سفید شهدانج هر یک یکمثقال تخم رازیانه
دو مثقال زعفران تخم حماض بری مغز بادام تلخ مقشر هر یک سه مثقال تخم خار دوازده
مثقال کاکنج حبات بیست و پنج عدد کوفته بیخته بمیفختج سرشته اقراص سازند قرص کهربا که جهت

بول الدم کلوی نافعست ص تخم کرفس یکدرم افیون کندر هر یک دو درم و نیم کهربا صمغ گردگان هر یک
پنجدرم بوزن یکمثقال قرص سازند شربت یک قرص بانقیع سماق قرص لبوب قرحه کلیه
و مثانه را از ریم پاک کند ص بزر البنج سفید افیون هر یک دو درم تخم محلب پاک کرده نشاسته
تخم خطمی خیارین تخم کرفس تخم خرفه تخم بادیان دوقو هر یک سه درم و نیم مغز فندق مغز بادام
شیرین مغز بهدانه شیرین و تلخ هر یک چهار درم نخود مغز خیار مغز تخم کدو شیرین مغز تخم خربوزه
رب السوس تخم حماض مغز چلغوزه هر یک پنجدرم گل ارمنی ده درم کوفته بیخته بلعاب تخم
کتان سرشته اقراص سازند شربت با میفختج یا جلاب بدهند قرص ماسک البول ادرار بول
که از گرمی بود باز دارد و تشنگی بنشاند ص کزمازج لبان ذکر اقاقیا هر یک یکدرم پوست بلیله
بریان کرده بروغن گاو چرب کرده یکمثقال کشنیز خشک بریان کرده و بروغن یکدرم و نیم
گلنار گل ارمنی گل سرخ عدس هر یک دو درم تخم بلوط تخم مورد هر یک سه درم کوفته بیخته اقراص
سازند شربت دو درم بآب بهی قرص که در قروح مثانه مفید بود و مجرب است ص زعفران
هر یک پنجدرم تخم خیار مقشر تخم خیارزه مقشر مغز تخم هندوانه تخم خرفه تخم کتان تخم بادیان از هر یک درمی
خشخاش سفید سه درم مغز چلغوزه پنجدرم کتیرا صمغ عربی نشاسته بادام تلخ هر یک ده درم با میفختج اقراص
سازند قرص که جهت بول المده عجیب الاثر است ص انیسون سه درم تخم کرفس گل ارمنی
صمغ عربی کندر دم الاخوین هر یک دو درم مغز تخم خربوزه مغز تخم خیار مغز تخم کدو هر یک بیست درم اقراص
سازند شربت دو درم با یک اوقیه شربت خشخاش قرص کاکنج کلیه و مثانه و بول الدم را
نافع بود ص مغز تخم خیارین حب کاکنج مغز بادام مقشر رب السوس نشاسته صمغ عربی دم الاخوین
کتیرا کندر تخم کرفس هر یک ده درم افیون درمی بآب صافی اقراص سازند شربت از یکدرم
تا یکمثقال قرص شب جرب مثانه را نافع باشد ص شب یمانی دم الاخوین گلنار هر یک
سه درم کتیرا نشاسته درم صمغ عربی دو درم کوفته بیخته بآب خرفه قرص سازند و بشراب
حب الآس بنوشند قرص بزور جرب مثانه را نافع بود ص تخم خربوزه ده درم مغز تخم

خیار پنجدرم مغز تخم کدو خطمی مغز بادام شیرین کثیرا نشاسته رب السوس خشخاش سفید گل ارمنی
تخم کرفس از هر یک دو درم بزرالبنج دو درم کوفته اقراص سازند بشربت بنفشه بدهند قرص
ذیابیطس نسخه ثابت این قرص حب الآس تخم حماض مقشر از هر یک ده درم صمغ عربی کتیرا
از هر یک درم کوفته بیخته بلعاب بزرقطونا اقراص سازند شربت دو درم قرص لبوب
قرحه کلیه و مثانه را از ریم پاک گرداند ص مغز فندق مغز پسته مغز بادام شیرین مغز بهدانه مغز
تخم خربوزه مغز تخم خیارین مغز تخم کدو مغز تخم هندوانه تخم خشخاش سفید مغز حب المحلب نشاسته تخم خطمی
سفید تخم خبازی رب السوس گل ارمنی مغز جلغوزه دو قیراط زیانه تخم کرفس اجزا مساوی
بلعاب بزرکتان سرشته اقراص سازند و در سایه خشک کنند و هر روز یک قرص که یکمثقال
باشد با جلابی مناسب قرص کهربا تالیف ارینا سبوس نافع از برای قروح مثانه ص
عصارهٔ لحیة التیس مختوم لبسد کهربا شهمی نشاسته تخم خیار تخم خربوزه تخم خطمی سفید تخم کدو مقشر
تخم کرفس فطراسالیون اقراص کاکنج اجزا مساوی کوفته سرشته اقراص سازند و لوقت
حاجت دو درم سنگ از وی بکار برند قرص بجهت ذروق در مثانه ص دار سنگ سفید
قلمی شسته نشاسته بوره ارمنی مغسول سائیده اقراص سازند و در وقت حاجت بشیر
زنان حل کرده فرزوق نمایند قرص صنوبر تسهیل ولادت نماید و بچه زنده و مرده را بیرون آرد
ص مرجاوشیر سکبینج بیرزد هر یک یکدرم حلتیت نیمدرم جمله یک شربت است با آب سداب
یا طبیخ حلبه بدهند و تبخیر نیز همین عمل نماید و غذا نخود آب قرص مراد از طمث بقوه کند و تسهیل
ولادت نماید و اگر مداومت بآن کنند اسقاط اجنه کند ص حلتیت سکبینج جاوشیر برگ سداب
خشک برگ پودینه خشک مشکطرامشیع قردمانا قوه هر یک دو درم مر سه درم ترمس پنجدرم کوفته بیخته
اقراص سازند هر قرصی دو درم شربت یک قرص با طبیخ ابهل و اگر ترمس نباشد عوض آن
دارچینی کنند و اگر با آب سداب قرص سازند بهتر باشد قرص برای سوزاک ص قلمی
کننده ست سلاجیت آفتابی کتیرا گل ارمنی خشخاش سفید صمغ عربی مغز بهدانه تخم خیارین

خرفه مقشر مغز تخم تربوز مغز تخم کدو شیرین کوفته بیخته بلعاب اسپغول بقدر هفت ماشه اقراص
سازند و در سایه خشک نموده نگاهدارند بقدر یکماشه با شیر گاو ممزوج نموده بآب فرو برند
قرص که قطع خون حیض و خون بواسیر کند ص زیره سفید سنبل قرنفل مصطکی از هر یک
نیمدرم صندل کندر دم الاخوین صمغ عربی لک مغسول سندروس گل ارمنی نشاسته افیون از هر یک یکدرم
هلیله سیاه بلیله آمله خبث الحدید مازو کزمازج هر یک دو درم بزرالبنج سه درم کوفته بیخته اقراص سازند
شربت یکدرم و نیم زیاده هم توان داد بطبیخ کشنیز و سماق قرص از برای قروح عتیقه خبیثه
نداگر و مغفد(?) ص مس سوخته کندر شب یمانی از هر یک چهار درم بر دهای رقیق که در میان
انار ترش بیباشد زراوند قلقطار از هر یک هشتدرم و همه را نرم سحق نموده بشراب مثلث سرشته
اقراص ساخته در سایه خشک کرده بوقت حاجت سوده بکار برند قرص که چون هر روز
یکمثقال آنرا با ده درم شراب سفرجل بخورند برای غدد یوطالب بسیار مفید است ص گلنار
فارسی اقاقیا حب الآس گل ارمنی از هر یک یک درم صندل سفید نیمدرم صمغ عربی
کندر از هر یک دو درم کوفته بیخته با آب سیب سرشته اقراص سازند قرص صالح از برای قروح
عفنه اکاله قضیب ص قرطاس محرق سی درم آهک آب ندیده زرنیخ زرد از هر یک یک اوقیه
همه را نیکو صلایه کرده و با آب برگ اسپغول و سرکه سرشته اقراص سازند قرص اقوی از
قرص نیکو ص زرنیخ سرخ زرنیخ زرد از هر یک هفت جزو بوره حجاره آب ندیده بیست
جزو اقاقیا دوازده جزو مجموع نیکو صلایه کرده بسرکه کهنه و آب برگ سفیوس سرشته اقراص
سازند و در سایه خشک کرده بوقت حاجت بکار برند قرص از برای تقویت باه ص
مغز پسته مغز بادام زنجبیل بهمن سرخ بهمن سفید مغز نارجیل جزو اعظم از هر یک ده درم مثقال
دارفلفل خصیة الثعلب گل سرخ مصطکی سلیخه خولنجان از هر یک پنجدرم شونیز منقی جوزبوا
مغز تخم خیارین تخم کرفس از هر یک چهار درم قباسه صمغ عربی کتیرا دم الاخوین کندر
مغز تخم خربوزه رب السوس کاکنج از هر یک دو درم افیون دو درم نیم قند سفید یکصد و پنجاه مثقال

کوفته باب برشته اقراص سازند شربت از یکدرم تا یک مثقال با شیره تخم خرفه بنوشند سیلان
منی دفع شود و قوت باه بیفزاید قرص مجرب است جهت حمی دق که با اسهال بود ص مروارید
ناسفته زهر مهره سائیده کهربا سائیده از هر یک یکماشه طباشیر گل داغستانی صمغ عربی
گلنار فارسی تخم حماض بریان گل سرخ گل ارمنی اقاقیا پوست بیرون پسته حب الآس
دانه هیل از هر یک دو ماشه نشاسته تخم خشخاش تخم کاهو از هر یک سه ماشه خرفه مقشر بریان
صندل لین از هر یک چهار ماشه کوفته بیخته با شیره بارتنگ سبز اقراص سازند بقدر یکماشه
قرص صندل مشروب است جهت حمیات حاده و عطش شدید و گرمی جگر و معده و
خشکی زبان که از ارتفاع ابخره صفراوی باشد و صاحب شفاء الاسقام گفته که او مجرب و بالطبع
است تجربه سریع النفع یافتم ص مغز تخم خیار بادرنگ کافور کتیرا اسفید هر یک پنجدرم صندل
سفید زرد صندل سرخ رب السوس تخم خرفه هر یک دو درم گل سرخ طباشیر قند سفید هر یک
چهار درم کوفته بیخته بلعاب اسبغول که از آب انارین یا از گلاب بر آورده باشند سرشته اقراص
سازند هر قرصی درمی و در سایه خشک کنند شربت یکقرص با آب انارین یا آب سیب شیرین
و ترش و اگر تلیین مطلوب باشد با نقوع تمر هندی که ترنجبین یا شیرخشت دران محلول باشد
بخورند قرص مجرب بجهت حمیات مفتح سده کبد ص کافور نیم مثقال ریوند چینی یکدرم
کتیرا صمغ عربی رب السوس زعفران طباشیر تخم بادرنگ از هر یک دو درم بنفشه خشک نیلوفر
هر یک سه درم گل سرخ پنجدرم ترنجبین شکر از هر یک ده درم اقراص سازند قرص که در
تپهای مرکبه زمانی که نشت چشم و دردی و پای را تهیج شده باشد بکار آید منقول از منهاج
ص فقاح اذخر زعفران تخم بادیان تخم کرفس هر یک سه درم و نیم مغز بادام تلخ پودینه
خشک هر یک چهار درم انیسون لک مغسول هر یک پنجدرم ریوند خطائی گل سرخ
سنبل الطیب هر یک شش درم ایارج فیقرا هفت درم کوفته بیخته با آب عنب الثعلب اقراص
سازند هر قرصی دو درم و نیم هر صبح یک قرص با ماء الاصول بخورانند قرص جهت تقطیر البول

و تپهای کهنه مجرب است ص عصاره غافث تش درم طباشیر ده درم سنبل الطیب دو درم
گل سرخ پنجدرم با آب اقراص بندند قدر درمی شربت یکقرص قرص اسقیل که اجزای تریاق کبیر است
جهت سموم و جبر و کسر و ربو و عسر النفس نافع و جهت استسقا مجرب ص بگیرند پیاز عنصل کوچک
و در خمیر گرفته در تنور نهند تا پخته شود بگیرند بعد از آن که مغزوی بغایت نرم شده باشد و در هاون
بسایند و بوزن آن آرد کرسنه اضافه نمایند و قدری شراب بر سر آن کنند و نیک بسرشند و دست
را بروغن گل چرب کنند و اقراص سازند بعد از دو ماه استعمال کنند و قوت آن تا دو ماه باقی
است قرص جهت سعفه و قوبا و اورام بارده و صداع بلغمی بغایت نافعست ص زرد چوبه
مغز بادام تلخ هر یک جزوی مقل دو جزو مقل را در سرکه کهنه سه روز متوالی خیسانند و ادویه کوفته
بیخته داخل نمایند و بایکدیگر نیک صلایه کنند و اقراص سازند و وقت حاجت با آب کاسنی بستانی حل کنند
و طلا نمایند قرص کلف که هم به برش و نمله نافعست و بعد استفراغ بمطبوخ هلیله و افتیمون با ماء الجبن
سود دهد ص اشق مقل هر یک دو درم مازریون چهار درم خردل سفید ده درم مقل و اشق
را در آب حل کنند و ادویه کوفته بیخته بآن سرشته اقراص سازند و بوقت حاجت بسرکه سائیده
طلا کنند قرص که نتن عرق دور نماید ص کافور نیم جزو صندل سلیخه سک سنبل الطیب شب
سازج هندی مر گل سرخ هر یک جزوی توتیا مرداسنگ هر یک سه جزو کوفته بیخته بگلاب سرشته
اقراص سازند و در سایه خشک کنند و بسایند و بر بدن بپاشند قرص جید برای صبیان
ص صندل سلیخه سنبل الطیب شب سازج هندی مر گل سرخ هر یک جزوی توتیا مرداسنگ
سفید از هر یک سه جزو کافور نصف جزو با گلاب اقراص سازند و بعد خشک شدن استعمال نمایند
قرص برای درازی موی سر ص آمله یک آثار سکاکاهی نیم آثار صمغ دوازده درم شیرمیش
پنج آثار همه ادویه را کوفته در کراهی آهنی انداخته بر آتش بگذارند و دو آثار شیر داخل نمایند و بپزند
تا که شیر خشک شود و پس دو آثار شیر دیگر اندازند تا که شیر جذب شود و یک آثار شیر که باقی مانده است
آنرا داخل کرده بپزند و در کراهی از کفگیر آهنی در اثنای پختن میگردانیده باشند پس از آنکه شیر جذب

وقابل لستن اقراص گردد برابر یک فلوس اقراص بندند وخشک گردانند وقت حاجت قرص
را در آب تر نمایند وقتیکه قرص نرم شود باریک سائیده نیمگرم طلا نمایند قرادار و انتظام ترکیب ترکی
است بعد چیدن سبل استعمال میکنند ص نوساد مسحوقه هر یکدرم توتیا دوازده درم کوفته بیخته زرده تخم
مرغ لبریز شوند و در پوست تخم مرغ اندازند و بگل حکمت گیرند و در کوزه نو نهند و سر کوزه مجازی گرفته بیخته شود
وبعده صلایه باریک کرده استعمال نمایند قرادار و جهت سبل که وصف کرده آن ثابت و گفته
مجرب است ص پوست بلیله کابلی خوب بسایند که مثل غبار شود پس بیامیزند بموم سفید
مذاب بروغن گل ویگرم گرم در هاون ریخته قدری از ماحصرم مصفی پاشیده بسایند تا مجمع
شود پس بعمل آرند قیروطی جهت قروح الف ص مردار سنگ یکدرم سفیده قلعی موم
هر یکدو درم روغن گل یک وقیه مرتب سازند علی الرسم و با شحم مرغ بمالند قیروطی معمول
جهت قروح یابسه وخشک لثه ص مخ ساق البقر جزوی روغن بادام مربی بنفشه دو جزو
کثیر الکجز و بروغن چنبیلی قلیلے بتهو مرهم مرتب سازند قیروطی که شقاق لب اسفید است و
بشقاق دست وپا نیز نافع ص موم زرد زوفای سبز پیه مرغابی کثیر العاب بهدانه روغن
گل سرخ موم را در روغن وپیه گداخته زوفا وغیر آن داخل کرده در هاون بهم زنند تا یکسان
گردد بکار برند مجرب است قیروطی شقاق پارا اندمال وسبوسه سیر و قوبا منقشر را استیصال
نماید ص اب چقندر آب شلغم آب برگ کرنب لعاب گل خطمی آب گل بنفشه هر یک دو دام
موم سه دام روغن گل سه دام علی الرسم مرتب سازند قیروطی جهت ذات الجنب و ذات الصدر
مجرب است ص کتیرا کوفته موم سفید هر یک مثقال روغن بنفشه پنج مثقال قیروطی سازند
وگرم گرم استعمال نمایند واگر ماده سرد باشد بدل روغن بنفشه روغن نرگس یا روغن سوسن
یا روغن یاسمین کنند قیروطی جهت ذات الجنب که بعد تسکین وجع و برآمدن نفث
رطب جهت تحلیل وانضاج بکار آید ص بنفشه صندل سفید آرد جو خطمی سبوس گندم
اکلیل الملک کوفته بحریر بیخته در موم روغن که از روغن بنفشه ساخته باشند آمیخته ضماد کنند

واگر حاجت بتحلیل وانضاج زیاده باشد آرد باقلا آرد حلبه تخم کتان بقدر حاجت اضافه
کنند قیروطی نافع برای ضیق النفس حادث از ریح غلیظ و بلغم لزج ص دقیق کرسنه حلبه
هر یک پنجدرم شونیز اصل السوس از هر یک دو درم عاقرقرحا یکدرم نیم درم موم را در روغن
سوسن یا ناردین گداخته همه ادویه کوفته بیخته بپاشند آمیزند ومثل مرهم نهاده بر سینه معتاد نمایند قیروطی
نافع سعال حار ص موم سفید در روغن نیلوفر و روغن بنفشه بگدازند باب کشنیز سبز و آب
کاهو لسقیه نمایند واستعمال کنند قیروطی نافع برای ذات الجنب و شوصه ص گل بنفشه
اکلیل الملک بابونه بجوشانند در قدر مضاعف آب و روغن کنجد تا روغن باقی بماند صافی نموده بر سینه وجنب بمالند
قیروطی نافع برای ورم حار شانه مستعمل در آغاز علت منقول از بیاض حلوانجان ص
آب کاسنی تازه آب عنب الثعلب کاکنج آب حی العالم بروغن بنفشه وموم سفید با بستور تیار
نمایند قیروطی مفید از برای ورم خصیه ص مقل ازرق کنند بهر دو را حل کرده موم غیر
مستعمل نیز بیت گداخته همه را در هاون بدسته بمالند تا هموار شود و بر موضع ورم استعمال نمایند
قرص که قرحه گوش را نفع دهد و چرک پاک کند ص انزروت صبر بوره ارمنی زبد البحر دم الاخوین
کندر مر زنگار خبث الحدید کوفته بیخته بسرکه آمیخته در گوش چکانند بعد از آنکه چند نوبت ماء العسل
چکانیده باشند و ایضا فتیله لته بعسل آلایند و در ادویه مذکوره آلوده در گوش نهند قطور جهت درد
حار گوش ص افیون یکدرم شیاف ابیض سه درم روغن گل چار درم سرکه کهنه سه درم باهم ممزوج ساخته
در گوش چکانند قطور جهت وجع شدید که از حرارت بود نافعست ص کافور افیون
هر یک طسوجی در روغن خلاف یا شیر دختر حل کرده در بینی و گوش چکانند قطور که طنین
و دوی و وقر را نافعست ص کندر زعفران فرفیون جندبیدستر خربق سفید مر هر یک سه درم
نطرون بوره ارمنی هر یکدو درم کوفته بیخته در شراب حل کرده بچکانند قطور که طنین را نافع
است ص قرنفل نیم درم با شرنگی با آب مرزنجوش بسایند و بچکانند قطور جهت طرش
ص خربق سفید یکدرم جندبیدستر نیم درم دانگی کوفته بیخته با سرکه کهنه بچکانند قطور نافع

برای طرش وصمم ص جند بیدستر سه درم نطرون یکدرم و نیم خربق یکدرم و نیم قرص سازند
و در بعضی روغنها حل نموده قطور نمایند قطور مجرب برای درد ورم حار ص شیاف
ابیض کافوری در شیر دختران و سفیده تخم مرغ و لعاب بنگو مخلوط نموده بکار برند اگر برد شده
باشد منع ست لیکن در بعضی شدید امزجه حاره ادویه را به یخ پرورده در گوش استعمال نموده
شده و منافع مشاهده گردیده قطور که سنگ گرده و مثانه که در احلیل بند شده باشد
برآورد ص روغن خسک روغن ترب از هر یک دو درم روغن عقرب سه درم حجر الیهود
مغز تخم خربوزه مغز تخم کدو حب کاکنج از هر یک پنجدرم حب القسب دو درم آب خسک تازه
پانزده درم آب پرسیاوشان ده درم ادویه را کوفته بیخته با آبها بجوشانند و صاف کنند و باز در ظرف
جوش دهند تا بحدی که آبها بسوزد و روغن بماند حجر الیهود را نرم صلایه کرده در آن داخل نموده
در احلیل بچکانند قطور که نافعست از برای قروح مثانه ص انزروت دم الاخوین کندر سفیداب
نشاسته افیون شیافها سازند و در وقت حاجت بشیر دختران حل کرده قطور نمایند قطور
بجهت قروح مثانه و مجاری بول ص صمغ عربی نشاسته سوده بشیر دختران حل کرده در احلیل
چکانند قطور برای این مرض ص پوست خشخاش نشاسته رب السوس نرم سوده شیاف
سازند و در وقت حاجت بشیر دختران سوده در احلیل چکانند حرف الکاف
کحل القراطی جهت رفع بیاض بعدیل است و در اندک زمان قلع میکند ص شیشه سبز
محرق سنبل دو درم بوره ارمنی زبد البحر هر یک یکدرم بدستور مرتب سازند کحل برای
دفع نزول که شروع شده باشد و کهنه را نفع دهد و تقویت باصره نماید معمول جد امجد مرحوم
ص سنگ بصری گل چنبیلی تازه هر یکدو دام مغز گهونگچی دو نیم ماشه مرچ سیاه دو نیم عدد
قرنفل دو نیم عدد مامیران مغز تخم سرس سمندر پهین مروارید تخم کهرنی از هر یک دو نیم ماشه
لیمون کاغذی یازده عدد گلاب نیم آثار اول در لیمو که تخم برآورده باشند سنگ بصری
مغز گهونگچی کهرنی سرس انداخته بند کرده بالای دیگدان آویزان نمایند که دود باو رسد

در چهار پنج روز که لیمون خشک شود باز در لیمون دیگر پر کرده نگاه دارند باز کوفته باریک سائیده
در ظرف کانسی آب لیمون انداخته از دو چوب نیم کرو ریکی از آن فلوس جهد جسیا بنیده باشند
و در دو دم فلوس مس نصب کرده باشند بدفعات کهرل نمایند و مامیران کلی گل چنبیلی و دیگر
دوا که نگاهداشته اند داخل کنند تا که صد لیمون تمام شود بدان وقت مروارید سائیده باز
از گلاب همه را کهرل کنند باز خشک کرده مثل سرمه سائیده نگاه دارند وقت صباح یا شب
یک میل در چشم کشند و بعد چهار پنج روز چرک دندان در چشم کشیده باشند لشب و دوا آن روز
موقوف نمایند انشاء الله آهسته آهسته نزول دفع شود کحل منقول از بیاض جد مرحوم
جهت سیل و نزول و تقویت بصر و دیگر امراض چشم ص سرمه ده توله سنگ بصری دو توله
جسد کهنه یکتوله سمندر پهین دار بلد هر یک شش ماشه سوهن مکهی مروارید مرجان مشک کافور
قیصوری نیلاتهوتهه توتیای هارونی ناف سنگه شب یمانی برشته مرچ سیاه از هر یک سه ماشه
مامیران چینی شش ماشه چاکسو شیره گاو هر یک یکتوله پارچه غوری یکتوله چاکسو را در گوبر گاو
خیسانده وقتی که نیم پخته شود برآورده خشک کنند و همه ادویه را علیحده علیحده کوفته بیخته
در کهرل انداخته بیست و روز در گلاب سحق نمایند از صبح تا شام بعد از چهل پاس برآورده
چهل روز نگاهداشته استعمال نمایند معمول راقم روشنی چشم و رفع غبار و بقای دید و تقویت
بصر کحل سلاق ص جست پالی شش دام سرمه اصفهانی یکدام مامیران چینی مرچ سفید
دانه موتهه سفید از هر یک ماشه سنگ بصری پنجماشه گلاب نیم رطل گل خام چنبیلی شش ماشه
اول جست را در کرچه آهنی گداخته گل چنبیلی کشته از پارچه بافته بگذارند اگر چیزی بماند باز انرا
گشتند تا همه کشته در ربع رطل گلاب تر نموده دو روز نگاهدارند پس ادویه را مثل غبار بسایند
در جست انداخته کهرل نمایند و وقت حاجت گلاب باقی مانده را نیز داخل نمایند و سرمه خشک
گلاب داخل خواهند نمود و کهرل خواهند کرد و خوب خواهد شد و بدانند که گل چنبیلی از برای
کشش مذکور است سوای گل چنبیلی خام است کحل مجرب جد امجد برای رفع گل چشم

حب گل گنبد چهار صد گلی گل چنبیلی چهار صد گلی فلفل گرد چهار صد عدس شب یمانی بریان
دو دام پخته بسیار باریک نموده استعمال نمایند کحل منقول از بیاض عم مرحوم جهت
بیاض و دمعه و ظلمت البصر و خیالات و ابتدای نزول آب و مجفف رطوبات و تقویت
چشم حب [illegible] شش درم استخوان خرما سوخته یکدرم ساذج پنجدرم نشاسته دو درم صلایه نموده
در چشم کشند کحل جهت بیاض و نزول آب منقول از بیاض عم مغفور و مجرب هم اثمد نیز رسید
خالی از منفعت نیست حب صابون پنجدام خام نیلا تهو ته رال هر یک یکدرم صابون را
اندکار در ریزه ریزه باریک نموده در ظرف آهنی بر آتش گذارند و نیلا تهو ته را در هاون آهنی
سائیده وزن نموده در صابون اندازند تا که صابون و نیلا تهو ته مثل آب شوند بعد از ان
رال انداخته اندسته آهنی حل کنند و زیر آن آتش تیز نمایند تا که رنگ دوا سیاه شود بعد از
فرود آورده نگاهدارند وقت حاجت با تل و انه خشخاش گرفته در صدف قدری آب انداخته
دوا را خوب حل کنند و در چشم کشند بعد سه روز باز استعمال نمایند کحل برای سبل و ناخنه و
بیاض مجرب رسیده حب نحاس محرق شادنج مغسول هر یک پنجماشه اقلیمیای فضه و
زنگار صبر بوره ارمنی هر یک یکماشه فلفل گرد فلفل دراز زعفران هر یک نیمماشه کوفته
بیخته سرمه سا نمایند و در چشم کشند کحل که استاد مرحوم جهت سبل و القای رمد و دمعه و
بعد استعمال مینمود حب صدف سوخته چار ماشه توتیای کرمانی مغسول بیست ماشه
سفید شش ماشه کوفته بیخته سرمه سازند کحل نافع در دو بیخ که با قرحه و وجع باشد منقول از بیاض
عم مرحوم حب انزروت شیاف ماميثا افیون زعفران مساوی کوفته بیخته خوب سائیده
بکار برند کحل جهت دمعه حب توتیای مغسول ده درم لبد بلیله زرد صبر هر یک چهار
فلفل نیمدرم دار فلفل یکدرم کوفته بیخته استعمال نمایند کحل الجواهر بصر را قوت دهد و تیز گرداند
سرمه اصفهانی هفتدرم مارقشیشا پنجدرم اقلیمیای طلا دوازده درم مروارید ناسفته سه درم
زعفران نیمدرم ساذج هندی دو درم صلایه کرده در چشم کشند کحل جواهر دیگر حب سرمه

کحل الجواهر

اصفهانی توتیای هندی از هر یک دو درم مارقشیشا مرجان و هند فرنگ عقیق سرخ طلا و نقره
ماميران چینی فلفل سفید دار فلفل اقلیمیای نقره روی سوخته از هر یک چهار درم سرطان
نهری مروارید ناسفته ساذج هندی از هر یک شش درم یاقوت سرخ لاجورد سفته زعفران لولو یمانی
مس سوخته از هر یک دو درم صلایه کرده استعمال نمایند کحل بازو قوت بصر نماید و دمعه را باز
دارد و خفت جفن را سود دارد حب شادنج عدسی شادنج هندی از هر یک دو درم فلفل دو درم الاجوبن
از هر یک نیمدرم روی سوخته بازو هر یک یکدرم قاقله مشک از هر یک دانگی کافور یک طسوج
کوفته بیخته بدان اکتحال نمایند کحل که نزول آب را نافعست حب مره بز کوهی ده درم
حنظل یکمثقال فربیون نوشادر از هر یک نیم مثقال [illegible] نیمدرم کوفته بیخته با آب سلمزیانه یا آب سداب [illegible]
خشک کنند و دیگر بار صلایه کنند و در چشم کشند کحل نفسجی که قره برو باند حب استخوان خرما
سوخته نیمدرم دخان کندر چهار درم سنبل حب بلسان از هر یک سه درم لاجورد شسته ده درم
کوفته بیخته بر جفن کشند کحل که صحت چشم را نگاهدارد حب توتیا ده درم شیاف مامیثا سه درم صبر
سقوطری حضض مکی از هر یک یکدرم کافور دانگی کوفته بیخته با آب غوره یا آب سماق [illegible]
و در سایه خشک کنند و صبح و شام در چشم کشند کحل الجواهر که نظیر ندارد حب کافور قیصوری
هر یک دانگی شادنه اقاقیا حضض شیاف ماميثا سرطان بحری اقلیمیای فضه هر یک یکدرم توتیای
طباشیر دهنج هر یک یکمثقال لعل فیروزه مارقشیشا اسفیداج نشاسته هر یک دو درم مروارید ناسفته
بلیله زرد هر یک سه درم انزروت چهار درم آب غوره پنجدرم سرمه هشتدرم کحل الجواهر از مجربات
مرکبات شاهی حب مشک یکدانگ مارقشیشا اقلیمیای فیروزه زمرد دهنج حجر لاجورد مروارید
ناسفته لبد ساذج هندی توتیای کرمانی پنجدرم کحل اصفهانی ده درم علی الرسم مرتب سازند
کحل جهت احول مجرب و معمول جد امجد حب دخان سندروس با قدری مشک عنبر آمیخته
در چشم کشند و دخان باین روش باید گرد که سندروس بسایند و بر خرقه پراگنده نموده فتیله
سازند و در چراغ گذاشته روغن گل سرخ یا گنبد انداخته روشن نمایند و بالای طاس پاکیزه بجای

واشگون دارند تا دخان دران متعلق شود بعد ازان از پر مرغ یا کارد گرفته بکار برند و دخان
کنند جهت ابتدای نزول و سیلان رطوبات نیز مستعمل است و بتجربه آمده کحل جهت دمعه که
سبب آن ضعف عضلات باشد مجربست ص شادنج هندی اثمد ماميران چيني هليله زرد
هر یک یکدام خشک و دانگی بدستور مرتب سازند کحل جهت نزول منقول از مجموعه ص درخت بادیان
را که بار آورده هنوز تخم او پخته نشده باشد از بیخ برکنده و صافی نموده در سایه خشک کنند هرگاه
خوب خشک شود با بیخ و برگ و شاخ و بار کوفته در سنگ سماق بسایند و هر روز اکتحال نمایند
و در اثنای استعمال گلقند از برگ سعتر خشک یا تر ساخته بقدر تحمل تناول نمایند کحل اراساد
معروف بدواء الکاتب جهت حفظ چشم و نشف رطوبت و تقویت نظر سود دارد ص شیاف
ماميثا بزرالورد هر یک درمی سرمه اصفهانی عربی بآب باران دو درم هليله زرد نیم درم آب
غوره انگور یکدرم کافور دانگی بدستور مرتب سازند کحل معمول حکیم اکبر خان مرحوم جهت
درد چشم و بقایای رمد و سبل ص انزروت سفید بشیر خر پرورده بر چوب گز چسپانیده
باتش ملایم بریان نمایند پس بگیرند ازان شش ماشه و چاکسو در کیسه کرده بیاویزند در دیگ
که دران آب خر سرگین داخل کرده باشند و بجوشانند تا پوست چاکسو نرم شود پس آنرا بر آورده
متقشر نمایند و بگیرند از متقشر آن و سفیداب کاشغری مغسول و کف دریا از هر یک سه ماشه
رسوت چهار ماشه نبات سفید یکتوله همه را نرم صلایه نموده در چشم کشند کحل الجواهر نسخه دیگر
ص مروارید ناسفته مرجان قرفری اقلیمیای ذهبی اقلیمیای فضه پوست هليله زرد
و بهمه فرنگ اثمد اصفهانی عقیق سوخته از هر یکدو مثقال مرجان سفید ماميران چيني فیروزه
نیشاپوری لعل بدخشی دارفلفل صمغ عربی حضض مکی زعفران شادنج عدسی از هر یک یک مثقال
بدستور مرتب سازند کحل مبارک منسوب بحضرت امیر المومنین علی کرم الله وجهه و رضی
الله تعالی عنه ص کحل اصفهانی دو درم توتیای کرمانی ملح اندرانی هر یک یکدرم ماميران
چینی ربع مثقال کافور یک جو طریق ساختن انچنین است که نخود هليله زرد را ساخته دور

بکوبند و بآب شیرین نیم رطل بجوشانند تا ربع بماند صاف کرده در همان آب دوا را سحق کنند تا
مثل غبار شود از پارچه دارائی گذرانیده بکار برند کحل که با کثر امراض چشم بسیار نافعست
ص روسختج کافور ریاحی مشک خالص ماميران چيني کف دریا مرقشیشا توتیا اصفر سنگ بصری
مساوی گرفته کوفته بیخته اول در سنگ صلایه کنند یا در ظرف مسی که بی قلعی باشد خوب
بسایند که مثل غبار شود کحل که استعمال کرده میشود در ابتدای نزول پیش از قدح منقول
از مجربات طبری ص مارقشیشا ذهبی کلس که خاکستر شده باشد دخان کوزه نحاسی اقلیمیای
ذهب هر یک جزوی فلفل نصف جزو همه را سحق کرده تسقیه بخمیر عقیق داده خشک کرده بار دیگر
در آب رازیانه تسقیه داده خشک کرده باریک نموده از حریر گذرانیده بعمل آرند کحل جهت
خارش اجفان و آشوب چشم که از بوی بغل بهم میرسد از مجموعه ص زهره ماهی خشک کرده
یک دمڑی شوره قلمی پاو سیر هر دو را خوب صلایه کرده اکتحال کنند کحل از مجموعه جهت شب
کوری و سبل و غبار و رمد کهنه و بیاض ص مرچ یک ماشه در زهره هر قدری که تر شود پرورده
باز خشک کرده بعد ازان در آب لیموی تر کرده خشک کرده مغز تخم کهرنی سنگ بصری
که در آب لیمون چهار بار داغ کرده باشند غنچه جنبیلی که خام باشد هر یک نیمدام کوفته بیخته در سنگ
سماق مثل غبار بسایند کحل ملکایا معرب از تعلیانا است که بسریانی عبارت ملائکه باشد
و در کتب یونان مسطور است که بقراط در خواب باو ملهم شده محلل و ملطف و جالی
بود و جهت اواخر مرض صعبه و اقسام رمد نافع ص انزروت مربی بشیر الاغ نشاسته
شکر سفید هر یک پنجدرم مغز تخم بنج یکدرم کحل منقول از اکمل الصناعه نفع میکند ابتدای
نزول و ضعف بصر و سلاق را ص توتیای کرمانی مغسول توبال محرق لولو غیر مثقوب
لبد سافج هندی اقلیمیای فضه صبر سقوطری سرطان بحری محرق زعفران سنبل الطیب
از هر یکدو درم شادنج مغسول شش درم نوشادر فلفل ابیض دارفلفل هر یک نیم درم مشک
دانگی بدستور مرتب سازند کحل سافج از تالیف قدماست در رفع غشاوه و دمعه و حکه

واسترخای جفن واکثر امراض چشم منفعت عظیم دارد و گویند چون روز شنبه و چهارشنبه با
طلا در چشم کشند از کوری ایمن شوند ص سرمه اصفهانی مرقشیشای فضه هر یک چهار
اقلیمیای فضه لسبد هر یک دو درم سافج هندی یکدرم مروارید زعفران هر یک نیم درم مشک
چهار قیراط کحل بیاض را در سی روز زایل کند هر چند که صاحب علت مایوس باشد ص
زبد البحر بوره ارمنی سرگین سوسمار شکر سفید مسحوق نما بالسویه با یک رطل آبی که مامیران درو
هر یک ده درم را در ان جوشانیده باشند و تا بربع رسیده باشد بکر رو آفتاب سائیده پس
صاف کرده خشک نموده از بافته حریر بیخته استعمال نمایند کحل مقوی بصر و حافظ روح و نزول
آب و خیالات مفید و در جمیع آثار قوی تر از شیاف مرارات است و بجدت کم است ص
توتیای کرمانی مغسول بست درم با آب مرزنجوش خمیر کرده خشک کنند و بسایند و زنجبیل
و فلفل و دار فلفل و مامیران هر یکدو درم نوشادر یکدرم مجموع را کوبیده با آب ازیانه تر بسایند
و خشک کنند پس با توتیای مذکور از حریر بیرون کرده استعمال کنند و ترویق وی آنست که
آب مرزنجوش یکشب در ظرف آهنین گذارند تا در ته نشیند و صاف بالا ایستد کحل عزیزی
از تالیف یونس جهت حفظ صحت چشم و قلع دمعه و امراض که از رمد بهم رسد نافعست و در بیاض
حلل بنافع او شل بنافع باسلیقون کبیر است ص اقلیمیای ذهبی توبال نحاس توتیای
هندی قرنفل صبر برگ فرنجمشک هر یک یکدرم ملح هندی زبد البحر نوشادر هر یک یکدرم
و نیم مشک انگی کحل دیگر بجهت سبل و تاریکی چشم بسیار مفید است ص پوست تخم مرغ
شسته پاک کرده سوخته رتن جوت مرقشیشا هر یک یکماشه سنگ بصری دو ماشه زعفران
چهار ماشه مشک تبتی نیم ماشه بدستور مرتب سازند و بکار برند کحل جهت بیاض و سبل و تقویت
بصر و دیگر امراض نفعدارد ص مامیران یکماشه قرنفل یکماشه در نیم رطل شیر بجوشانند
و در سایه خشک نمایند پس بگیرند سنگ بصری سرمه سفید دودهی زرد چوب بیخ گلاب
از هر یک یکماشه مغز تخم کهنی کونپل انار و بکاین این همه را باریک سائیده در روغن بادام گاو

که نیم یا پاو باشد سه روز خمیر نمایند بعد ازان فتیله از پارچه سرخ کرده بروغن مذکور آلوده کرده چراغ
روشن نموده کاجل در چینی خام بگیرند بعد یک روز در چشم کشند و اگر گل نیم یا بکاین در پنبه بپیچیده
در روغن سیاه تر نموده در چراغ روشن نمایند و دخان آنرا در ظرف گلی آب نرسیده بگیرند
و در پارچه لبسته چهل روز در آب اندازند پس برآورده استعمال نمایند برای تقویت بصر و
روشنی چشم و دفع خارش بسیار مفید گهیره معمول اکمل المحققین سلام المتقین الله

گهیره

ابجد حاذق الملک محمد اکمل خان برای درد چشم و رمد و دمعه ص لیمو کاغذی یکرطل افیون
خالص پنج درم شب یمانی ربع رطل اول شب را در ظرف آهنی بریان کرده بعد ازان
افیون داخل کرده و آب لیمو قدری نیز داخل ساخته از دسته آهنی حل کنند تا مخلوط شود
و آب لیمو فانی گردد بعد ازان بهمین دستور آب لیمو داخل کرده باشند تا که بوجه نیک مخلوط
شود جهالبته نگاهدارند وقت حاجت با آب سائیده اندکی گرم کرده گرداگرد چشم طلا کنند
و در چشم بیندازند کماد که شقیقه و اوجاع شدیده و ریاح غلیظه را نافعست ص برگ مرزنجوش
بابونه هر یکده درم تمام قسط اکلیل الملک هر یک پنجدرم کوفته بیخته بلعاب حلبه سرشته تکمید
نمایند کماد نافع از برای صداع ریحی ص تخم شبت بابونه پودینه دشتی سداب بوره ارمنی
سبوس گندم همه را کوفته در پارچه لبسته گرم کرده بر سر کماد نمایند کماد نافع از برای سکته
ص قرنفل سنبل بسباسه جوزبوا وج ترکی سنبل الطیب عاقرقرحا نمک هندی ارده
جاورس گرفته در کیسه کرده گرم نموده بر سر کماد نمایند کماد که درد معده ریحی را سود دهد
ص نانخواه زیره رازیانه هر یکده مثقال گل سرخ پنجمثقال کوفته بیخته در خریطه کرباس انداخته
بیگرم کرده بر معده گذارند و تکمید معده احسن آنکه در فوق وی بر سر اشیف باشد بر فم معده
و وسط آن کماد که همین عمل کند ص نمک سوده سبوس گندم هر یکده درم نانخواه
پنجدرم در پارچه لبسته تکمید کنند کماد که جهت تحلیل ریاح احشا جوف و مراق و تقویت معده
نافعست و ابلاقی در مالیخولیای مراقی نوشته ص افسنتین شبت فودنج بری زیره سیاه

۱

انیسون تخم کرفس صعتر در آب بجوشانند و صاف کرده در مثانهٔ گاو انداخته در خلو معده تکمید
شکم نمایند کماد تالیف شاه ارزانی جهت تسکین درد معده و امعاء و جگر و کلیه و سپرز و جمیع
اعضاء نافعست سریع العمل و قولنج را بغایت مفید ص بابونه گل سرخ سنبل حلبه تخم کتان تخم
شبت سبوس گندم نمک اکلیل الملک جمله یا هرچه بهم رسد بجوشانند پس در مثانهٔ گاو انداخته
تکمید کنند و اگر اسفنج یا نمد بدین تر کرده بر عضو نهند قوی تر باشد کماد که تسکین اوجاع و تحلیل
نفخ و ریاح کند تجفیف عضو نماید ص نمک یک درم جاورس سبوس گندم همه را در
در کیسه کنند و گرم کرده بر اعضا نهند کماد تالیف احقر العباد جهت تحلیل ریاح معده و
وجع آن بغایت مفید ص ریگ که گاذران ازان پارچه میشویند زنجبیل نانخواه نمک سیاه
زیرهٔ سیاه افسنتین پودینهٔ خشک هر یک بقدر مناسب باهم آمیخته تکمید کنند کماد جهت
اوجاع کبد و سدد آن الغریب باشد ص فقاح اذخر پنجدرم سنبل ده درم مرزنجوش
بابونه اکلیل الملک هر یک پانزده درم کوفته با ده رطل آب بپزند تا بدو رطل آید با روغن
ناردین و روغن بابونه هر یک ده درم بیامیزند و تکمید نمایند کماد جهت ورم جگر که ثابت بود
ص برگ عنب الثعلب برگ کاسنی هر یک یک دسته در آب پخته و روغن شبت آمیخته
کماد کنند کماد وجع طحال را که سبب برودت و ریاح غلیظ و ورم صلب باشد مفید است
ص پوست بیخ کبر ثمرهٔ طرفا پودینه تخم فنجنکشت بورهٔ ارمنی سداب اشنه هر یک کفی
همه را در سرکه تند بجوشانند و صاف کرده پارچه نمد یا اسفنج بدان تر ساخته ناشتا کماد کنند کماد
دیگر ص ارزن حلبه تخم کرفس نانخواه در پارچه کرده نیم گرم بر ناف نهند وجع ساکن کند و
قولنج بگشاید کاکلانج معرب از لفظ هندی است که پلپلانه است بکسر هر دو با یعنی
مرکبی که دران پلپل داخل شوند و نزد بعضی بفتح هر دو تا و پل و در لغت بمعنی میوه است
استسقا و برودت معده و تپ های کهن و سرفهٔ بلغمی و ضیق النفس و قولنج و طحال و صرع
و ریق و اختناق رحم را سود دارد و بول بگشاید ص هلیله سیاه پوست هلیله آمله مقشر

از هر یک هشت درم فلفل دارفلفل زنجبیل فلفلموية نمک هندی سرخ نمک سیاه اندرانی نمک طبرزد
لسان العصافیر شیطرج هندی سعد خیربوا قرنفل قرنفل سعتر برنگ کابلی تعشر شونیز حب النیل زیره
کرمانی سانوج هندی تخم کرفس کشنیز خشک از هر یک پنجدرم تربد سفید صد و پنجاه درم فلوس
خیارشنبر ده درم مویز منقی نیم من شیر آمله مویز را در شش من آب بپزند تا دو من آید پالایند و
خیارشنبر در آب حل کنند و سه من فانیذ دران حل نمایند و نیم من روغن کنجد بآن بیامیزند و
بجوشانند تا بقوام آید داروهای دیگر را کوفته بآن بسرشند شربت پنجدرم با شیر شتر یا آب عنب الثعلب
کاکلانج بارد استسقاء حار را نافع بود ص مازریون مدبر غاریقون پوست هلیله زرد از هر یک
پنجدرم عصاره افسنتین سه درم بیخ سوسن گل سرخ تخم کاسنی مغز تخم خربوزه رب السوس از هر یک
دو درم ترنجبین فلوس خیارشنبر فانید طبرزد از هر یک پانزده درم صاف کرده بقوام آورده داروهای
دیگر را کوفته بآن بسرشند شربت دو درم تا چهار درم کاکلانج حار نافعست استسقای را
که بآن حرارت نباشد ص مازریون مدبر غاریقون پوست هلیله زرد سکبینج از هر یک پنجدرم
ایرسا سه درم ریوند چینی عصاره غافث سنبل انیسون از هر یک دو درم کوفته ببیخته معجون
سازند با عسل شربت سه درم یا چار درم کیموس استرخاء معده را مفید است ص جفت
بلوط قشور کندر شیح محرق مردار سنگ اقلیمیای فضه همه را باریک ساخته بر رفاده نهاده
بربندند حرف اللام لخلخه که منع عفونت کند و صداع را نافع بود ص صندل سفید
کشنیز گلاب سرکه همه را ممزوج نموده در ظرفی کنند و ببویند لخلخه برای صداع صفراوی
ص گل ارمنی سرکه آب کشنیز کافور صندل بطریق متعارف ببویند لخلخه نافع برای
صداع که حادث از ضعف دماغ بود ص عنبر اشهب بر روغن بنفشه گداخته آب سیب
شیرین گلاب آب فرنجمشک در شیشه سر گشاده نموده متصل در پیش بینی حرکت دهند لخلخه
معمول حلامی فنامی والد ماجد بجهت صداع حار و ابتدای سرسام نافع ص صندل پنج مثقال
گل نیلوفر یک درم گل ارمنی نیم درم در بید مشک پنج مثقال سائیده آب کدو آب خیارشنبر

کاسنی سبز آب کشنیز سبز گلاب از هر یک سه مثقال اضافه نموده در شیشه سر کشاده انداخته ببویند و
اگر حاجت شود قدری کافور نیز اضافه نمایند لخلخه دیگر نیز از والد ماجد برای امراض مذکوره
و مقوی دل ص عطر صندل گلاب سرکه انگوری روغن گل آب کشنیز سبز آب کاهو سبز
باهم مخلوط نموده لخلخه ببویند لخلخه جهت سرسام حار فلغمونی و حمره ص آب سیب شیرین
آب به شیرین آب برگ مورد گلاب عرق بید مشک آب طلع خرما صندل سفید سوده
گل ارمنی اندکی کافور قیصوری همه را یکجا کرده در شیشه سر کشاده از
ادویه دیگر نزدوا این را استعمال کنند لعوق بادام خشونت حلق و حنجره و سرفه را سود دارد ص
مغز تخم کدو مغز بادام هر یک پنجدرم صمغ عربی کتیرا نشاسته رب السوس یکدرم قند سفید بیستدرم روغن
بادام چرب کنند و بجلاب لبرشند و لعوق لبسازند و در بعضی نسخ مغز بهدانه هم پنجدرم است لعوق
حلبه نافعست بحوحة الصوت را ص تخم کتان ده درم حلبه مغز بادام مقشر هر کدام چهار درم کتیرا اصل السوس
محکوک مغز چلغوزه نشاسته صمغ عربی از هر یک دو درم کوفته بیخته بثلث معقود لبرشند لعوق مانع
برآمدن خون را از گلو باز دارد و جگر را بصلاح آرد و بواسیر را سود دارد ص تخم خرفه طباشیر
هر یکدو درم مغز تخم کدو مغز تخم خیار هر یک سه درم لعاب بزرقطونا لعاب تخم بارتنگ نبات
هر یک بیست درم برسم ترکیب کنند و یک کفچه بخورند لعوق دیگر جهت سرفه نزلی بعیدال
ص اصل السوس پنجدرم تخم خطمی بهدانه هر یک هفتدرم در دو بیست پنجاه درم آب شب ترکنند
صباح بجوشانند تا بنصف رسد و با صد و بیست درم قند سفید بقوام آرند و مغز بهدانه صمغ عربی
هر یک سه درم کتیرا چهار درم خشخاش سفید خشخاش سیاه هر یک پنجدرم نرم صلایه کرده بیامیزند
لعوق معتدل مجرب اقم جهت تسهیل اخراج بلغم و غلظ سواد حاره رقیقه ص مویز منقی
انجیر زرد باقلا تخم خشخاش اصل السوس مغز تخم کدو شیرین پرسیاوشان رازیانه زوفای خشک
مغز بادام مقشر حلبه پودینه ولایتی صمغ عربی تخم خطمی کتیرا تخم کتان بهدانه کوکنار هر یک نیم توله
جو کوب نموده در چهار رطل آب بجوشانند تا یک رطل بماند صاف نموده عسل سفید نیم رطل داخل

کرده بقوام آرند لعوق که اخلاط غلیظه دمه آرد و مجرب ست ص کندر چهار درم مصطکی دو درم
در سه اوقیه میفختج حل نمایند و بجوشانند تا بقوام آید لعق نمایند لعوق الصنوبر نسخه صاحب ذخیره
ص لوز صنوبر کبار مقشر ابرسا صمغ عربی کتیرا از هر یک بلخ و تخم کتان مقلو تمر هروی منزوع النوی
از هر یک هفت جزو کوفته بیخته بروغن گاو برابر ادویه و دو چند اجزا از عسل کف گرفته معجون سازند
شربت یک مثقال لعوق ابهل مجرب برای ربو بلغمی هر گاه استعمال کرده میشود و هفت روز
متوالی ص ابهل یک اوقیه کوفته بیخته در روغن گاو نیم اوقیه لت نموده بعسل کف گرفته خمیر ساخته
لعوق نمایند لعوق طباشیر نافع قروح ریه و سینه و حرارت و خشونت آن ص صمغ عربی
نشاسته تخم خشخاش سفید از هر یک هشتدرم طباشیر چهار درم مغز تخم کدو مغز تخم خیارین از هر یکده
درم تخم خبازی تخم خطمی از هر یک سه درم کوفته بیخته باریک نموده با عسل مصفی روغن بادام
شیرین معجون سازند و در ظرف چینی بردارند و بوقت حاجت لعق نمایند لعوق صبیان جهت
حرارت و سرفه و خشونت گلوی اطفال تیار دریاتیر الانع آمیخته بلیسانند ص صمغ عربی کتیرا اسفید
رب السوس قند سفید هر یک چهار درم مغز بهدانه ادویه کوفته بیخته بعسل لبرشند لعوق زوفا
ربو و سرفه کهنه را نافعست سینه و شش را از اخلاط غلیظه پاک کند ص زوفا یابس بیخ سوسن
آسمان گون هر یک هشتدرم در سه رطل آب بجوشانند تا برطلی آید صاف نموده با یک رطل عسل
بقوام آرند و صاحب اعراض نوشته که زوفای و بیخ سوسن را کوفته بیخته به سکنجبین یا انگبین
لبرشند و اگر بیخ سوسن حاضر نباشد شونیز عوض او کنند لعوق برای مسلول نافع
سعال یبسی را نیز سود دارد ص لعاب بهدانه لعاب اسپغول لعاب تخم خطمی آب انار شیرین
آب خیار آب کدو آب برگ خرفه آب نیشکر از هر یک بیست درم صمغ عربی کتیرا مغز بادام تخم
مغز شکر القشر تخم خشخاش از هر یک پنج استار شکر نیم آثار بدستور لعوق ساخته بعادت قدری
قدری لعق نمایند لعوق برای ابو سفید ص عسل و دقیق بزرگتان و روغن بادام لعوق
برای نوازل حاده ص خشخاش رطب مع پوست یکرطل در هشت رطل آب بجوشانند

تا که سوم حصه بماند صاف نموده با یک نیم آثار شکر بقوام آرند و بالای آن گلنار عفص و اقاقیا
و سماق و عصارهٔ لحیة التیس و خرنوب شامی از هر یک یکدرم افیون مصری داخل کرده متصل بوینا
لخلخه معمول والد ماجد حکیم علویخان مرحوم برای سرسام حار ص صندل سرخ صندل سفید
بگلاب سوده گل ارمنی شیاف مامیثا حضض مکی بوش و ربندی طباشیر سفید سوده آب
کاسنی تازه آب کشنیز سبز تازه آب سیب شیرین آب به شیرین آب ریحان تازه آب برگ
مورد گلاب عرق بید مشک طلع سرکه انگوری شیر دختران روغن گل روغن بنفشه روغن
نیلوفر داخل کرده در شیشه سر کشاده در پیش بینی علیل دایم حرکت دهند و او را بویانند روز اختلاط
علت بجای طباشیر فادانیا می کنند و روغن نیلوفر و آب مورد و آب طلع نمایند لخلخه
مقوی قلب و دماغ ص پوست سیب عود غرقی صندل سفید پوست قاقله صغار اشنه سنبل الطیب
بیخ بنفشه بسباسه ادویه را کوفته در عرق بهار و گلاب ترکرده در لخلخه دان نموده بر آتش
ملایم بگذارند تا ابخره بوساطت هوا بدماغ برسد لخلخه که خواب آورد ص تخم گل بیخ تفاح
از هر یک یکدام افیون دانگی کافور دو دانگ کوفته در ظرفی کنند و ببویند لطوخ برای
شقیقه و صداع نافعست ص مغز تخم کاهو هر یک یکدام بزر البنج کتیرا هر یک دو دانگ
افیون نیم دانگ بسرکه بسرشند و بر کاغذ سوزن زنند و بر شقیقه بندند لطوخ جهت شقیقه
معمول و مجربست ص کتیرا صمغ عربی تخم کاهو تخم خشخاش تخم کاسنی دم الاخوین حضض
زعفران کوفته بیخته در سفیدهٔ تخم مرغ سرشته کاغذ را بسوزن بزنند و بر وبمالند و نیمگرم کرده
بر شقیقه چسپانند لطوخ دیگر مجربات جهت درد شقیقه ص کوکنار گل سرخ کشنیز خشک از هر یک
چهار ماشه بابونه سه ماشه بیخ تفاح یکنیم ماشه بزر البنج سه ماشه افیون یکماشه بیخ بنفشه سه ماشه
صندل دو ماشه روغن گل نیم توله ادویه را شب در آب ترکرده صبح جوشانیده روغن گل
آمیخته باز بجوشانند تا که روغن بماند بعد از آن بر پارچه غلیظ مالیده بکار برند لطوخ جهت
درد شقیقه مجربست ص بزر البنج تخم کاهو شیاف مامیثا فوفل بکوفند بیخ تفاح از هر یک

یکماشه افیون نیم ماشه گل سرخ صندل انزروت از هر یک یکماشه در آب برگ مورد و کشنیز سبز
سائیده بر کاغذ سوزن زده چسپانند و بر شقیقه ببندند لطوخ که زکام مزمن را نافعست ص
لادن لوبان مصطکی کندر زفت رومی گل بابونه سنبل الطیب هر یک جزوی
موم سفید روغن نرگس یا روغن گل یا خیری هر یک چهار جزو موم را در روغن بگدازند و
دواها را کوفته بیخته با آن بسرشند و بر پارچه مالیده بر سر ببندند و سه روز ببندند لطوخ نزلهٔ حار
رقیق که از لعوقات و استعمال مغلظات ما نزنا ایستاده باشد از این لطوخ بسبب تقویت دماغ و تسکین
تغلیظ مواد بالا ایستد ص بگیرند تخم خشخاش با پوست و بکوبند و با ورق آس و روغن خلاف
بجوشانند و بعد حلق راس بلطخ نمایند و اگر با این لطوخ گل ارمنی و گل مختوم با آب بارتنگ
بر جبهه طلا نمایند اقوی خواهد بود لطوخ جهت دفع نزله مجرب ص قطعه کاغذی
موافق پیشانی از سوزن سوراخ نموده بر بالای آن کاغذ زعفران و افیون مالیده بر آتش
گرم نموده بر پیشانی بچسپانند و بالای خیری ببندند لطوخ نزله بند منقول از خط والد ماجد
ص صمغ عربی کتیرا اقاقیا نشاسته حضض مکی بزر البنج جدوار خطائی افیون زعفران مصطکی
بیخ تفاح در گلاب و آب کشنیز خشک و سفیدهٔ تخم مرغ سوده بر کاغذ که برابر روپیه باشد و اطراف
کرده بسوزن سوراخ نموده دوا بر آن طلا ساخته بر شقیقه بچسپانند لطوخ معمول
والد شریف ص تخم کاهو تخم خشخاش افیون زعفران بزر البنج دم الاخوین صمغ عربی کتیرا
گل سرخ انزروت اگر حاجت باشد کافور قیصوری نیز اضافه نمایند همه ادویه را کوفته بیخته
بسفیدهٔ تخم مرغ آمیخته بر کاغذی که از سوزن سوراخ کرده باشند سرشته بر شقیقه بچسپانند
لطوخ برای داء الثعلب ص فربیون تخم شبت روغن خار از هر یک دو مثقال کبریت
آتش ندیده خربق سفید و سیاه از هر دو کدام که موجود باشد هر یک یکمثقال ادویه را کوفته
و بیخته نه درم موم گداخته بروغن خار یا روغن بید انجیر یا بزیت مخلوط نموده استعمال نمایند و این
دوا اقوی الاثر است هرگاه داء الثعلب از سه طسوج باریک نموده بیامیزند و استعمال نمایند

لعوق سپستان برای نفث سواد سینه و سرفه و نزله از مجربات است صـ سپستان
قریب پنجاه دانه عناب بیست دانه اصل السوس یکتوله تخم خطمی سفید چهار ماشه پوست خشخاش
دو توله بهدانه سه ماشه تخم خبازی چهار ماشه در دو آثار آب بجوشانند و با نبات بقوام آرند و در
آخر قوام شیرهٔ جو مقشر شیره مغز بادام مقشر شیره تخم خشخاش یکتوله افزایند بعد از ان کتیرا صمغ عربی
رب السوس سوده هر یک سه ماشه اضافه نمایند و بقدر دو ماشه در دهن گرفته آب آن
فرو برند روزانه چار پنج دفعه وقت خواب چهار ماشه بخورند لعوق ابرای سل منقول از بیاض
عم مرحوم صـ مغز تخم کدو مغز تخم خیارین مغز بهدانه مغز نشاسته دانه تخم خشخاش از هر یک دو
سفید کتیرا مغز چلغوزه ایرسا زوفای خشک از هر یک دو مثقال کوفته بیخته با شربت زوفا
سرشته تناول نمایند شربت یکمثقال لعوق ناردان جهت تقویت معده و رفع
غثیان مجرب است گل سرخ آرد نخود پوست بیرون پسته انار دانه خشک از هر یک پانزده
مثقال سماق هفت مثقال نعنع تخم مورد هر یک سه مثقال جمله را در سه رطل آب بجوشانند تا یک
رطل بماند صاف کرده همراه آب لیمو و آب غوره و آب به و آب تمر هندی هر یک بیست و پنج مثقال سرکه
شصت و دو مثقال نبات دو صد مثقال بقوام آرند و اندک اندک بلیسند لعوق
غاریقون فساد شهوت را که از بلغم و صفرا بود نافع است صـ غاریقون سفید یکمثقال
راوند چینی یکدرم حشیش غافث نیم درم افسنتین یکدرم کوفته بیخته در پنجدرم شربت بیخ کاسنی
آمیخته لعوق سازند لعوق بصل بهی است و منی را زیاده کند صـ بگیرند پیاز سفید و
کوفته آب آنرا بگیرند و مقدار نیم رطل آنرا یکرطل عسل صاف کرده داخل نمایند و بپزند تا آب
پیاز بر رود و عسل بماند و در ظرف چینی یا زجاجی کرده وقت خواب دو ملعقه از ان بلیسند لعوق
دیگر منقول از قانون بجهت تقویت باه صـ خرما و حلبه مساوی بجوشانند و صاف کنند و
جوشانیده را در عسل مصفی مخلوط کرده بجوشانند تا بقوام آید شربت بقدر یک اوقیه
لعوق خشک در رسالت نفع است برای تقویت باه صـ بگیرند خشک و در آب

قدری که از سر آن بگذرد و بجوشانند تا منتفخ شود پس آنرا افشرده صاف کنند و دران مرتبه دیگر خشک
داخل کرده بجوشانند و صاف کنند پس مرتبه سوم خشک داخل کرده بجوشانند و فانیذ ازند دران زنجبیل بلـ
دار فلفل از هر کدام که باشد یکدرم و با عسل و فانیذ بقوام آورند لبوب مقوی باه و دماغ و اعصاب
نزله نیز مفید صـ مغز بادام مقشر یکرطل مغز پسته نیم رطل تخم خشخاش دو رطل سپیده سفید یکده رطل
همه را شیره گرفته در روغن گاو نیم رطل نبات سفید یکرطل قوام داده بطور حلوا بپزند چون مرتب
شود مشک تبتی سه ماشه زعفران شش ماشه بگلاب سوده بالای آن ریزند و در ظرف چینی پر
کرده مثل لوز بپزند و دو توله هر صبح بخورند لبوب کبیر گرده را گرم و قوی گرداند و منی بیفزاید و
نشاط آورد و باه را زیاده کند و دل و دماغ را قوت دهد و بدن را فربه کند و رنگ را نیکو گرداند
و در امر مجامعت نظیر ندارد صـ مغز پسته مغز بادام مغز فندق مغز حبة الخضرا مغز گردگان مغز چلغوزه
مغز حب الزلم مغز حب البطم ماهی روبیان خولنجان شقاقل بهمنین تودریین زنجبیل کنجد مقشر دارچینی
از هر یک پنجدرم سنبل الطیب سعد کوفی قرنفل کبابه حب القلقل تخم گندنا تخم شلغم تخم ترب تخم پیاز
سپست تخم هلیون لسان العصافیر وروبج عقربی زرنباد از هر یک سه درم جوز بوا بسباسه دو توله
دار فلفل از هر یکدو درم خصیة الثعلب نارجیل تازه مغز کنجد خشک خشخاش از هر یکده درم قضیب گاو
سوده سورنجان بوزیدان نعناع خشک از هر یک چهار درم ماهی شتر اعرابی زعفران مصطکی از
هر یک سه مثقال عود خام دو مثقال ورق طلا سی عدد ورق نقره پنجاه عدد عنبر اشهب یکمثقال
مشک نیم مثقال عسل سه وزن ادویه بطریق مشهور مرتب سازند لبوب صغیر منی زیاده کند و گلیه
و مثانه را قوت دهد صـ مغز بادام گردگان حبة الخضرا مغز چلغوزه مغز حب الزلم فندق پسته نارجیل
مغز حب القلقل خشخاش سفید تودری سرخ و زرد مقشر تخم جرجیر تخم پیاز تخم شلغم تخم اسپست بهمن سرخ
و سفید قرفه زنجبیل دار فلفل عاقرقرحا کبابه دارچینی شقاقل خولنجان تخم هلیون مساوی کوفته بیخته
با سه وزن ادویه عسل معجون سازند شربت دو درم لبوب منقول از ذخیره صـ مغز حبة الخضرا
مغز حب الخضرا حب الصنوبر کبار حب الصنوبر صغار مغز پسته مغز نارجیل تازه مغز گردگان تخم هلیون

از هر یک یکجزو شقاقل حب الزلم لسان العصافیر زنجبیل از هر یک نیم جزو مجموع را کوفته با عسل
مصفی سرشته معجون سازند شربت تا چهار مثقال و اگر مغز کنجشک یکجزو و نعنع خشک و دارفلفل از
هر یک ربع جزوی داخل کنند اقوی در افعال خواهد شد لبوب بارد منقول از ذخیره بجهت
نقصان باه که بسبب آن حرارت باشد ص مغز بادام شیرین مقشر تخم خشخاش سفید از هر یک
شش درم مغز تخم کدو پنجدرم مغز تخم خربوزه مغز تخم خیار مغز تخم بادرنگ تخم خرفه مقشر از هر یک سه درم گزر
دو درم تودری زرد و تودری گلگون تخم کدو تخم بلیون مغز چلغوزه از هر یک یکدرم زنجبیل خولنجان
شقاقل هر یک پنجدرم کوفته بیخته با ترنجبین یک من بقوام آورند شربت دو درم لبوب ابریشم
از اختراع بعضی متاخرین است تقویت گرده و باه کند و تولید منی بافراط نماید ص مغز بادام مغز
حبة الخضرا مغز حب الزلم مغز حب فلفل مشک بهمن سفید خشخاش دارچینی زنجبیل دارفلفل
کبابه قرفه ورق نقره تخم بلیون خولنجان هر یک نیم توله زعفران یک توله مغز فندق مغز چلغوزه
مغز پسته تودری سرخ و زرد هر یک توله و نیم نارجیل شقاقل هر یک چهار توله ابریشم مقرض پنج توله
ابریشم یا و سیر عالمگیری گلاب نیم سیر عسل سه چند همه لبوب جواهر که در تقویت باه اثر تمام دارد
ص عطر ولایتی که مشهور بر جرس است یکتوله تخم انجره تخم شلغم تخم پیاز سفیده عنبر اشهب خشخاش
انیسون ابریسا ورق طلا ورق نقره مروارید لعل بدخشی کهربای شمعی هر یکدو توله و چهار ماشه
مغز تخم خیارین بهمنین مغز تخم خربوزه هر یک سه توله کنجد مقشر خصیة الثعلب خولنجان زنجبیل تخم اسپست
سرو شقنقور مغز کنجشک نر خانگی خصیه خروس خشک کرده شقاقل هر یک سه توله و چهار ماشه نخود
کابلی چهار توله و چهار ماشه مغز بادام مقشر مغز چلغوزه مغز نارجیل از هر یک هفت توله آب ناشپاتی یک آثار و یکپاو عسل
سفید نبات چهار صد مثقال بدستور مرتب سازند لبوب از مجربات حکیم کمال الدین حسین شیرازی
که تریاقی است در ازدیاد باه ص جند بید ستر مثقال انیسون فلفل سلیخه حب النغار جاوشیر
مایه شتر اعرابی جلموجه داغ تودری زرد و گلگون لسان العصافیر شقاقل مصری بهمنین سمک
صبد مغز کنجشک ماهی روبیان تخم انجره تخم جرجیر تخم گزر تخم پیاز تخم گندنا تخم بلیون تخم شلغم تخم کاهو

تخم کلم تخم چغندر ریگ ماهی فرفیون جدوار بیخ بنفشه ساذج هندی هر یک چهار مثقال خصیة الثعلب
بیست مثقال مجموع کوفته بیخته مغز بادام مغز پسته مغز فندق مغز انجلک مغز نقل خواجه مغز نارجیل
مغز تخم کدو شهدانج تخم خشخاش سیاه و سفید مغز تخم بلادر مغز چلغوزه مغز تخم بهدانه مغز تخم خربوزه مغز
تخم کردکان مغز بادام تلخ مغز تخم شفتالو مجموع این لبوب را روغن بکشند و اجزا را کوفته بیخته بدان
چرب سازند و باسه چندان ادویه عسل کف گرفته بقوام آرند و هر صباح دو مثقال از آن با شیر
آنبو یا شتر اعرابی بخورند لبوب دیگر از مخترعات حکیم مذکور و مجرب است ص لعل بدخشی
یاقوت رمانی هر یک یکدرم و نیم طلاء محلول و نقره محلول دارفلفل عنبر اشهب سنبل الطیب ساذج
هندی هر یکدو درم کبابه زنجبیل سعد زرنب تخم بادرنجبویه زرنباد مصطگی تخم گندنا هست کهربا
بسد هر یک سه درم بهمن سرخ و سفید هر یک چهار درم قرنفل حب الزلم مغز چلغوزه خولنجان
قاقله تخم شلغم نارمشک فرنجمشک صندلین گاوزبان تخم خشخاش ورق گل سرخ بادرنجبویه
تخم بلیون قرفه اسارون درونج جوز بوا اشنه گل قرفه از هر یک پنجدرم شقنقور خصیة الثعلب
زعفران هر یک پانزده درم عسل سه چندان همه لبوب که از اسرار اطبا است تالیف
شمس الدین ابن هلال اردبیلی که بغایت مقوی باه و دل و دماغ است و مداومت کننده
او قبل از جماع و بعد از جماع ایمن است از عرق النسا و نقرس و نقصان منی و اعراض
عصبانی ص مشک انگی و نیم دارچینی قرنفل سنبل الطیب سارون بسباسه کبابه سعد قرفه
دارفلفل عود جوز بوا نارمشک عنبر اشهب زعفران هر یک یکمثقال زنجبیل بوزیدان سطریون
حب الزلم درونج جلبسیان حب البان فلفل سفید مغز تخم خربوزه مغز تخم کدو تخم پیاز تخم شلغم تخم رطبه خشخاش
سفید خسلمانه دوقو تخم تره تیزک تخم گندنا تخم بلیون خسک مربی هر یکدو درم شقاقل خولنجان ثعلب
مصری بهمنین تودریین لسان العصافیر سقنقور هر یک سه درم نارجیل حبة الخضرا مغز بادام پسته
مغز چلغوزه مغز نیبه دانه کنجد مقشر هر یک هفت درم با عسل ایسر شمند مجرب و آزموده اند شربت
از دو مثقال تا سه مثقال و صاحب تحفه نوشته که من جهت معتادین افیون زعفران شش مثقال

پنیر مایهٔ شتر اعرابی پنجمثقال افیون بزر البنج هر یکدو مثقال و بیخ سقنقور ماهی روبیان کرده ام
وقدر شربت از افیون دار او نیم مثقال تا یکمثقال جهت افیون خوار باب المیم
ماء اللحم غذای است مقوی دل و دماغ و مولد خون و رافع ضعف و سریع التغذیه والتقویه
خاصه که با او قدری شراب ممزوج باشد رئیس الجماعه میگوید که گوشت اگرچه غذا صرف است
لیکن آب او در معالجه ضعف قلب خلی تمام دارد و خوب ترین گوشت درین امر بره یکساله
است و در بعضی فرجه گوشت کبک و مرغ بهتر اینکه گوشت بزغاله و گوشت طیور جمع نباشد لیکن اکثر
الحذاق قد جمعوا بینهما فکانه سریعه منجب قبل العمل بهما وانچه از فراریج در قبه جدی سازند الطف
و قلیل الحرارت است ماء اللحم بسیط بگیرند گوشت فربه و سرخ از چربی جدا کرده ورق ورق
نمایند و در آب شیرین بپزند که با آب یکسان شود و آب غلیظ گردد پس
در قرع و انبیق عرق کشند راقم اکثر در ضعف و حمی دق یا بعضی ادویه مناسبه بر آورده استعمال
کرده بسیار منافع مشاهده نموده و دیگر طرق بر آوردن ماء اللحم بسیط مع فواید در علاج الامراض
مذکور است ماء اللحم مرکب منقول از خط افضل المحققین اکمل المدققین والد ماجد حاذق الملک
حکیم محمد اکمل خان برای ناقهین و ضعف قلب و مالیخولیا نافعست ص کبوتر نه عدد دراج نر
هر یک پانزده عدد مرغ سه عدد و گنجشک نر پنجاه عدد و زرشک پاؤ آثار آب سیب آب به آب
انار شیرین آب ناسپاتی هر یک یکسیر صندل سائیده چهار توله کشنیز خشک گل سرخ هر یک سه توله
برگ گاوزبان نه توله اسطوخودوس و نیم توله گل گاوزبان هشت توله بادرنجبویه شش توله
ابریشم خام چهار توله فرنجمشک بالنگو هر یک سه توله گل نیلوفر شش توله عود غرقی پوست ترنج
هر یک چهار توله گلاب یکسیر بید مشک دو سیر عرق گاوزبان و نیلوفر هر یک یکسیر مشک ماشه
عنبر زعفران نه ماشه طباشیر شش ماشه الایچی خورد سه ماشه قرنفل دارچینی هر یک یکتوله بدستور
متعارف تیار سازند و اگر مزاج حار باشد کافور بیفزایند ماء اللحم تالیف حکیم باقر موسوی که
همین منفعت دارد و تقویت قلب هم می نماید و خفقان بارد را نافعست ص گوشت بره

فربه دو من تبریز مرغ جوان هفت قطعه گلاب یکمن تبریز عرق بید مشک عرق گاوزبان از
هر یک نیم من تبریز دارچینی ده مثقال صندل هشت مثقال دانه هیل قرنفل عود مصطگی
رومی نارمشک از هر یک پنجمثقال عنبر اشهب یکمثقال و نیم بدستور مقرری عرق کشند و مشک
و عنبر به نیچه عرق کشی به بندند ماء اللحم تالیف راقم جهت مالیخولیا که از احتراق خون و صفرا بود
و حمی دق را نافع باشد ص گوشت بزغاله و پاچه بره جوان و گوشت میش شش ماهه هر یک
دو رطل پاک کرده ورق ورق کرده بعد از ان صندل سفید کشنیز خشک گل سرخ دانه هیل
طباشیر سفید از هر یک پنجمثقال دارچینی یکمثقال کوفته بیخته بران باشد در عرق گاوزبان عرق
نیلوفر و گلاب عرق بید مشک عرق بید ساده عرق کاسنی عرق صندل از هر یک یکسیر آب
فراح بقدر ضرورت عرق کشند بیست و نه آثار بعد از ان کدو تر رنده کرده برگ خرفه اسفاناخ گل
نیلوفر کاهو برگ بید با گل آن گل سرخ با قلا تر گاوزبان گیلانی گل گاوزبان از هر یک نیم
رطل تخم خشخاش نیم من سرخ نیم من سفید از هر یک دو توله تودری از هر یک یکتوله داخل کرده و آب با عرق ها
مناسبه بقدر احتیاج اضافه نموده بقدر هفت آثار عرق کشند و عنبر اشهب بقدر یکدرم در نیچه بندند
و اگر حاجت دانند کافور و طباشیر نیز مرتبه دوم بیفزایند ماء اللحم نسخه دیگر مقوی قلب و برای
ناقهین نافع بود ص حلوان شیر مست یکعدد چوچه مرغ دو عدد قرنفل یکدام دارچینی پنجتوله هیل
دو توله صندل سفید دو توله کشنیز خشک مقشر چهار توله مصطگی دو توله گل گاوزبان چهار توله
مشک ترکی سه ماشه عنبر اشهب سه ماشه عرق بید مشک دو شیشه گلاب هفت شیشه بدستور
مرتب سازند ماء اللحم تالیف والد ماجد در تقویت قلب و معده بارده و باه بسیار سودمند است
ص گوشت دراج نیم آثار گوشت تیتلی آثار گوشت آهو آثار گوشت مرغ نیم آثار گوشت گنجشک نر خانگی
پاؤ آثار گوشت کبوتر جنگلی نیم آثار گوشتها را پاک کرده ورق ورق نموده در عرقهای
مناسبه با آب مهرا بپزند بعد از ان قرنفل پوست بیرون پسته خولنجان بوزیدان جوز بوا بسباسه
گل سرخ طباشیر سفید گل گاوزبان بادرنجبویه از هر یک توله دارچینی الایچی خورد خار خسک

پوست ترنج کشنیز خشک مقشر صندل سفید گاوزبان گیلانی بہمنین شقاقل تودری سفید
گلگون از ہر یک دو تولہ عود غرقی نیم تولہ درونج عقربی یک تولہ زعفران نیم ماشہ لسان العصافیر
مصطگی دو تولہ مشک دو تولہ و دو ماشہ عنبر اشہب دو ماشہ تخم خرفہ تخم کنجشک یکتولہ تخم بلیون دو تولہ
خرفہ دو تولہ آملہ دو تولہ ہلیلہ کابلی دو تولہ بلیلہ کابلی دو تولہ آب سیب نیم آثار آب بہ نیم آثار گلاب دو آثار آب گزر سہ آثار
عرق بادرنجبویہ دو آثار آب بقدر کفایت داخل کردہ عرق کشند ماء اللحم مفید است از برای
نقصان باہ وقتیکہ سبب آن ضعف بدن وکمی غذا باشد ص چوب چینی غرقی اصلی
ہفتاد مثقال گل گاوزبان بادرنجبویہ سنبل الطیب از ہر یک پنجاہ مثقال قرنفل دارچینی
قاقلہ کبار جوزبوا بسباسہ بادیان فارسی بادیان خطائی بہمنین عشبہ مغربی صندل سرخ
صندل سفید مصطگی زعفران کبابہ چینی اشنہ غنچہ گل سرخ زرنباد شقاقل فرنجمشک تخم بلیون
عود ہندی از ہر یک دہ مثقال بوزیدان عنبر اشہب از ہر یک پنج مثقال مشک خالص
دو مثقال گوشت گوسفند گوشت مرغ گوشت کبوتر از استخوان جدا کردہ از ہر یک یکمن تبریزی
کنجشک نر پنجاہ قطعہ در عرق عنب الثعلب عرق مشک گلاب عرق گاوزبان عرق بہار
نارنج عرق بادرنجبویہ آب بقدر ضرورت عرق کشند و ادویہ را با این عرق خیسانیدہ باز عرق
کشند عنبر و مشک و مصطگی و زعفران را در پارچہ نازکی بستہ در جای کہ عرق میچکد بگذارند و ہر
صبح را دو سہ پیالہ قہوہ خوری از آن بنوشند ماء اللحم بنسخہ دیگر بجہت فواید مذکورہ ص گوشت
مرغ دو قطعہ گوشت کبک دو قطعہ گوشت برہ فربہ کہ از چربی جدا کردہ باشند یکمن تبریزی مجموع
ریزہ ریزہ کردہ دارچینی صعتر فارسی سلیخہ عود ہندی عود صلیب قرنفل مصطگی نانخواہ صندل سفید
صندل سرخ شقاقل خولنجان زرنباد جوزبوا بسباسہ سنبل الطیب سازج ہندی زنجبیل از
ہر یک دو مثقال کوفتہ بر گوشت ریختہ کردہ بپاشند و یک شب بدارند روز ثانی سہ من تبریزی
گلاب و یک من شیر بز عرق بید مشک با آتش ملایم عرق بکشند و عنبر اشہب دو دانگ
عرق کشیدن در جای کہ میچکد بگذارند ماء اللحم کہ بجہت یکی از امرای عظام ساختہ بودم

ماء اللحم

مقوی باہ و بغایت مسمن و علل ریاح و جہت سنگ گردہ و مثانہ و تقویت آن مفید و وجع مفاصل و
صاحب نزلہ و امراض باردہ نافع آید ص حلوان شیر مست سہ قطعہ کنجشک نر خانگی صد عدد بوہ
بیر صفراغون ہر یک پنجاہ عدد چوزہ مرغ سی عدد دراج بیست عدد گوشتہا از استخوان و ریشہ پاک
کردہ ورق ورق نمودہ در آب پختہ بند و مہر انمودہ ذرات آب بند و مہر انمایند بعد از ان بہمن سرخ و سفید تودری سرخ
و سفید شقاقل مصری ثعلب مصری سورنجان مصری گاوزبان گیلانی لسان العصافیر بادیان
خطائی چای خطائی قاقلہ کبار قاقلہ صغار عود غرقی تخم گزر تخم خربوزہ گل سرخ حبۃ الخضرا بادرنجبویہ تخم
خطمی سفید سپستان برشیاوشان حب السمنہ پودینہ خطیا ماہی روبیان خولنجان حب القطن
تخم خبازی ہر یک ربع رطل تخم بلیون مغاث بوزیدان قرفہ سلیخہ مصطگی عاقرقرحا تخم انجرہ اشنہ تخم سماق
ہندی صندل سرخ تخم ترب تخم شبت اسطوخودوس بیخ سوسن آسمان جونی زراوند مدحرج گل بابونہ
تخم بالنگو سماک صیدا تخم شربتی تخم ریحان برگ فرنجمشک زرنب اسارون کوکنار از ہر یک ثمن حصہ
رطل گل گاوزبان کبابہ چینی مایہ شتر اعرابی سنبل الطیب تخم جرجیر حب الفلفل بسلوچن بسفایج تخم
عقربی سیسالیوس عود صلیب صعتر فنطوریون دقیق شیطرج ہندی ریگ ماہی درونج عقربی
فراسیون بسباسہ جوزبوا از ہر یک شش مثقال دارچینی تندابرشیم از ہر یک نوزدہ مثقال خار خسک
مربی رب سیب شیرین رب انار شیرین از ہر یک دو رطل نبات شش رطل موسیائی کانی جند بیدستر
سعد کوفی جدوار نفس زعفران مشک خالص عنبر اشہب از ہر یک یکتولہ ریحان تازہ سہ دستہ
چوب چینی قسم اول انجیر زرد منقی کشمش ہر یک یک رطل نانخواہ زوفا خشک کرفس کوہی از ہر یک شش مثقال
عناب ولایتی صد دانہ بگیرند و سوای زعفران و مشک و عنبر آنچہ را از ادویہ کوفتنی است در گوشتہای
مذکور انداختہ یک شبانہ روز بگذارند و زعفران و مشک و عنبر را در پارچہ بستہ در سر نیچہ ببندند و روز دوم
گلاب و شیشہ بید مشک دو شیشہ عرق گاوزبان عرق خار خسک ہر یک سہ آثار آب گزر تازہ
آب نیشکر کہ ہمین زمان بر آوردہ باشند ہر یک بیست آثار اضافہ نمودہ اول بمقدار دوازدہ چہار دہ
آثار بر آرند و این را جدا دارند مرتبہ دوم بہمین مقدار بگیرند مقدار شربت از اول اوازدہ دوام تا ہشت

دام واز قسم دوم او سه دام و اگر گرمی نماید بعضی ادویه بارده مثل گلاب و بید مشک و امثال آن را بیفزایند
ماء الهندباء المروق جهت تپهای صفراوی و دموی مرکبه بسیار مفید است و تفتیح سدد خصوص سدهٔ جگر و تنقیه مسامات
از ماده عفنه نماید و هرگاه سکنجبین بزوری شربت دینار و حلتیت تخم خیارین و امثال آن اضافه
نمایند در تفتیح اقوی خواهد بود و در زمان همراه آب کاسنی مروق آب برگ عنب الثعلب مروق آب
بادیان سبز مروق با سکنجبین بزوری استعمال نمودن نافع ترین است و در روز مسهل سکنجبین موقوف
نمایند و عوض آن مغز فلوس و ترنجبین و شربت دینار و امثال آن بکار برند ص بگیرند برگ کاسنی سبز
و بپارچه مسح کنند تا از گرد و غبار پاک شود و غسل نمایند زیرا که بسبب غسل اجزاء لطیفه که بر و منبسط اند زایل
میگردند لهذا کاسنی مغسول تولید ریاح میکنند و ازین جهات است که در کلام خیر البشر نهی از غسل کاسنی
واقع شده است و بعد از مسح برگ کاسنی را بکوبند و آب او را افشرده از هفت توله همراه اشربه مناسبه
استعمال نمایند و هر روز یکان یکان توله اضافه نموده باشند تا بیک رطل برسد و در امزجه ضعیفه و صبیان
از سه چهار توله شروع نمایند تا برداشت مزاج بیفزایند و بهترین ترویق یعنی تسقیه آب کاسنی بر دو نوع
است یکی آنکه آب فشرده او شب بگذارند تا اجزاء رقیقه از اجزای غلیظه متمایز گردد پس رقیق آنرا
صاف نموده بنوشند و دوم آنکه آبی در ظرف قلعی ارسی یا نقره یا دیگ سنگی نموده بر آتش خفیف
گذارند و کف بردارند تا آنکه اجزای غلیظه متمایز شوند پس از آتش فرود آورده در کرباس دو ته انداخته
بپالایند و بکار برند و هرگاه حرارت قوی باشد غیر مطبوخ تنها یا با قرص کافور اولی است و الا مطبوخ
و مطبوخ او را گفته اند جهت ربع صفراوی از مجربات نوشته اند و کاسنی مضر بسرفه است مگر آنکه سرفه بسبب
ورم جگر باشد و مسکر اصلاح ضرر او میکنند و نیز سعالیه اصلاح میتوان کرد و کاسنی بستانی بهتر از صحرائی
است ماء الهندباء العالبس که عبارت از چکیده کاسنی است در حمیات مرکبه بلغمیه و در آن
زیاده باشد از آب برگ کاسنی نفع بسیار مشاهده نموده شده و در فصل خریف بنسبت ربیع نافع تر
می آید بگیرند چهار توله تخم کاسنی نیم کوب کرده در عرقیات مناسبه که بقدر نیم رطل باشند تا دو چهار ساعت تر
دارند بعد از آن در پارچه که چهار طرف آنرا بچهار چوب بسته باشند تخم کاسنی را بعرقیات داخل

نموده قطره بچکانند و همین نهج هفت مرتبه بعمل آرند پس صاف کرده باشربه و اقراص مناسبه بکار برند
و دادن چهل روز یا بیست یکروز مفوض برای طبیب است و از ابتدای شروع تا انتها مقدار
تخم کاسنی همین باشد و در امزجه و در صبیان از دو توله شروع نمایند ماء عنب الثعلب جهت
حمیات مرکبه که از ورم جگر و معده باشد و دیگر انواع حمیات مرکبه را بکمال نفع می نماید و طریق ساختن
و استعمال مثل ماء الهندباست و واجب است که عنب الثعلب سیاه نباشد که مورث جنون است
ماء القرع نافعست از برای تپ دق صفراوی و دموی و ترطیب مزاج و دفع تشنگی نماید و اخلاط
محترقه حاره را با صلاح آرد ص بگیرند کدوی تازه و شیرین و از سر کارد چند جا بشگافند پس در گل زرد
پاک یا آرد جو گرفته بر تابه یا آجری گذاشته در تنور که گرمی او فرو نشسته باشد یک شب در آن نگاه دارند تا
مشوی شود پس از تنور بیرون آورده گل یا خمیر دور نموده سر آنرا بریده بفشارند و آب که برآید
صافی نموده اول روز هفت توله بدهند و یکان توله بیفزایند تا یک رطل رسانند و اگر محتاج تبرید شدید
شوند ماء القرع برنج و برف سرد کرده دهند و از اقراص و اشربه هر چه طبیب مناسب داند همراه ماء القرع
استعمال نمایند و ضخامت غلاف بقدر یک انگشت باشد که در آتش معتدل با یکدیگر نیک پخته شود
و ماء القرع مستحیل بصفرا میشود پس در امزجه که خوف استحاله باشد با حموضات مناسبه استعمال نمایند
و جای که سرفه مانع حموضات بود سویق جو یا شراب نیلوفر بکار برند ماء الخیار به منافع کدو تصعت
است و او را از نسبت او زیاده و ماده حمی از جهت او را رفع میسازد و مستحیل بصفرا میگردد و طریق
گرفتن او و استعمال او مثل آب کدو است ماء الشاهترج جهت تپهای دموی با شربت
عناب و امثال آن و جهت حمیات سوداوی و جرب با سکنجبین افتیمونی و سفوف لاجورد و
جزآن و جهت تفتیح سدد و تصفیه خون با سکنجبین و شربت بزوری و غیر آن مفید است و هرگاه تلیین
منظور باشد ترنجبین و شیرخشت و فلوس خیار شنبر و امثال آن بکار برند ص شاهتره تازه بکوبند و آب
صاف او گرفته با قدری پوست هلیله زرد گذاشته روز دیگر صاف کرده بقدر سی مثقال
تا شصت و پنج مثقال بنوشند علل سپرز را دفع گرداند نیز اگر آب شاهتره بطریق کاسنی بر آتش

سکدہ سیاہ باعث جنون است

بریدہ

مروق نموده استعمال نمایند در تصفیهٔ خون عدیل ندارد و اگر آب شاهتره مروق با سفوف چوب چینی که در مبحث جرب خواهد آمد استعمال نمایند در رفع مادهٔ آتشک و جرب قرین منافع چوب چینی خواهد بود ماء البطیخ جهت حمی دق و تپهای گرم و حرارت جگر نافع بود و بعضی نوشته اند که مستحیل بصفرا مثل آب کدو ولیکن فقیر چندیجا در حمی دق که همراه وی حمی صفراوی بود آب کدو با شربتی که نافع باستحاله بسوی صفرا بودند استعمال کرده و آب کدو مستحیل بصفرا گشته و باعث ازدیاد حمی صفرا گردیده بعد از آنکه آب کدو را موقوف نموده آب تربوز عوض آن استعمال کرده باعث ازدیاد حمی عفونی نگردید و لطیفه بسبب حمی دق نموده و طریق استعمال و قدر شربت او مثل آب کدو است ماء الشعیر اجماع واقع شده است بر آنکه هیچ دوای کثیر المنافع مثل ماء الشعیر نیست و مشتمل بر ده خصال است یکی آنکه بارد است دوم منفّخ سوم مستفرغ مواد محترقه چهارم منقی معده پنجم سهل النفوذ در تمام بدن ششم مسکن عطش نهم هیجان اخلاط فاسده نمیکند دهم منفخ در معده نمیشود و مرخی معده و امعا و احشای بارد است و نضج می نماید و مصلح وی گلقند است ترکیب طبیخ وی آنست که سفید جید گندم را در ظرف سنگین یا نقره یا مس قلعی دار نموده آب صاف بران ریزند و بآتش ملایم بپزند بعد پخته شدن صاف نموده تنها یا همراه گلاب بیدمشک شربت انار و امثال آن هرچه طبیب مناسب داند استعمال نمایند و در مقدار آب حکما را اختلاف است نزد بعضی ده چند جو آب باید و نزد بعضی بیست چند و نزد یک دیگر چهار چند و بیک حصه جو نزد دیگر پانزده حصه و باید که تبدیل آب در اثنای پختن نمایند و اولی آنست که هفت آب تبدیل نمایند تا ماء الشعیر خوب و سفید پخته میشود و باعث اقبال طبیعت گردد و علامت جودت جو آنست که در هنگام پختن بسیار بالیده شوند و آب که دران جو پخته میشود سرخ گردد و خوبی جو علامت جودت است بر سبیل اکثری و صاحب ذخیره و دیگر استادان گفته اند که ماء الشعیر اگر خوب پخته نمیشود غذا را شاید و نه دوا را باید دانست که هرچه با ماء الشعیر در معده جمع شود طبع اندر هضم و تصرف کردن دران متحیر گردد و پس منفعت ماء الشعیر باطل گردد و بدترین چیزی کشکاب سکنجبین است بهر آنکه هموار قوام او باطل گرداند و آن را هضم نایافته از

معده بیرون آرد پس صواب آنست که چون خواهند کشکاب دهند قبل از وی بدو ساعت سکنجبین استعمال نمایند تا اخلاط را لطیف کند و مستعد رفع نماید بعد از آن ماء الشعیر دهند تا معده بسبب لقاء آن از انیک قبول و رود هضم گرداند و خلطی که سکنجبین آن را لطیف کرده باشد بورود ماء الشعیر مندفع گردد و رگها و مجاری پاک شود باشد که با ادرار بول و رفع مواد شود و اگر بعد از ماء الشعیر چون ساعت بگذرد شربت دیگر از سکنجبین بدهند تا هرچه ماء الشعیر آن را معتدل کرده باشد و نضج پذیرفته باشد زود دفع شود و اثر تری که از ماء الشعیر حاصل آمده باشد بعد رق سکنجبین بهمه تن رسد و در کلام بعضی از اطباء که واقع شده که ماء الشعیر مصلح سکنجبین است و شیخ میفرماید در حمی که هر دو را ممزوج نموده بدهند بظاهر متناقض باین طریق باید نمود که منع با ماء الشعیر قدر کثیر سکنجبین است و در صورت اصلاح اندکی از سکنجبین مستعمل خواهد گشت و دوم آنکه منع از خالص سکنجبین با ماء الشعیر است و در خارج اگر ممزوج نموده بدهند مضایقه ندارد و ازینجا است که با ماء الشعیر حسب حاجت چیزها آمیخته میدهند و ترتیب دادن ماء الشعیر چنان است که اندر ابتدای رقیق دهند اگر ماده حاده باشد حاجت به نگاه داشتن نباشد و نزدیک انتها کشکاب باز گیرند تا طبیعت مشغول بغذا نشود و آنجا که حاجت به نگاه داشتن قوت بود در انحطاط کشکاب غلیظ دهند و هرگاه مدتی طبع اجابت نکرده باشد و ثقل در امعاء باشد کشکاب نباید داد و کذا غذا زیرا که بسبب عدم یافتن طریق امتلای زیاده شود و باعث بلیات گردد در اینصورت اول حقنه کنند تا بلیتن طبع بگشاید و بعده غذا دهند کذا افاد الرئیس ماء الشعیر اللحم هرگاه تقویت و نگاهداشتن قوت منظور باشد بمریضی داده میشود و طریق پختن آنست که گوشت را لُهر ابپزند بعد از آن همراه جو بپزند پس صاف نموده بکار برند و طریق دوم آنست که هرگاه ماء الشعیر را خواهند که فرود آرند آب یخنی گوشت اضافه نمایند و طبیخ چند دهند تا ماء الشعیر بقوام مستوی آید پس صاف نموده بکار برند ماء الشعیر مخمص فالبغر شکم است بگیرند جو را و مقشر ساخته بریان نمایند بعده چنانچه رسم است بپزند و اگر خشخاش

آب گلوی سبز

ودیگر ادویهٔ نافعه مناسبه اضافه نمایند اصوب خواهد بود ماء الگلو معرب گلو است
در حمیات مرکبه مزمنه کثیر النفع ص بگیرند گلوی سبز از نیمدام تا یکدام و آنرا از کارد پارچه
پارچه نموده در ظرف گلی انداخته آب خالص بقدر ده دوازده برو ریزند و در زیر آسمان گذارند
صبح اندکی افشرده آب زلال آنرا با شیره مناسبه بکار برند و گاهی همراه قرص طباشیر و
قرص زرشک و امثال آن این آب زلال استعمال نمایند و نیز گلو را جوشانیده تنها یا با
ادویه مناسبه در حمیات و دیگر امراض استعمال می کنند و گاهی است گلو را در امراض کلیه
و مثانه و سوزاک با ادویه مناسبه استعمال کرده شده و بسیار مفید یافته دوائی که بارها تجربه آمده

ترکیب ساختن ست گلو

در رفع کردن از حمیات عدیل ندارد ص ست گلو و هموزن آن طباشیر سفید و هر دو را
سائیده سفوف ساخته یکماشه پیش آمدن لرزه بدهند انشاء الله تعالی در روز اول لرزه
زائل خواهد شد نهایت تا سه روز و گاهی هم نفع میرسانند و استاد در حمیات مرکبه که با لرزه و
بغیر لرزه می بودند ازین هر دو دوای مذکور قرص ساخته سائیده با قراص طباشیر کافوری
و امثال آن استعمال میکرد و بهترین طریق گرفتن ست گلو این ست که گلوی سبز و تازه را
بشویند و آب شیرین قدری برو بپاشند و افشرده آب غلیظ که براید و در ظرف گلی یا سفالی
یا چینی کرده دهن او بسته در جای محفوظ بدارند و بعد از دو روز آب را دور ساخته ست
که ته نشین شده باشد بگیرند و در سایه خشک کنند و طریق دیگر آنست که آن ظرف را در آفتاب
گذارند تا که خشک شود و طریق دیگر آنست که آن افشرده مذکور را بجوشانند تا غلیظ شود
و اول از همه بار و بعد از ان دوم و سوم جار است و صاحب قادری نوشته که اگرچه گلو تلخ
است لیکن نزد فقیر میل ببرودت دارد و مثل افیون و خشخاش انتهی و نزد راقم مرکب القوی
است زیرا که اکثر نفع این در حمیات مزمنه و مرکبه محسوس میشود و قول هندیان اعتبار را
نمی شاید زیرا که اکثر ادویه گرم را مثل کیا به و جز آن را سرد می نویسند فافهم و استقم ماء الجبن
بطریق اجمال طور استعمال آنرا اینجا مذکور کرده میشود ص پنجاه مثقال شیر بز جوان سرخ

رنگ و ازرق و اگر سرخ رنگ نباشد سیاه رنگ قلیل السواد بگیرند و صحیح البدن بی عیب که زیاده
از دو بچه نزائیده باشد و چهل روز از زائیدن گذشته باشد و پس از گرفتن شیر چند روز تعلیف از
عنب الثعلب سبز و شاهتره و جو و کاسنی و بقولات بارده باید کرد و همچنین در هنگام استعمال ماء الجبن
پرهیز از همین اشیا بود و آن شیر را در ظرف نقره یا سنگ یا مس قلعی دار کرده بر آتش ملایم جوش
دهند و در جوش سوم یا چهارم سکنجبین صادق الحموضت یا سرکه انگوری بقدر یکان توله یا آب لیمو
یا غوره و قدری نمک لاهوری اندازند که شیره بریده شود و بعضی گفته اند که اگر در سرکه افتیمون و هلیله
سیاه و نمک شب بخیسانند و صبح در شیر اندازند اولست پس ظرف را باز آتش فرود آورده از پارچه
سه ته بگذرانند و قدری نمک انداخته باز بکید و جوش داده صافی نموده شربت نیلوفر یا هر چه طبیب
مناسب داند اضافه نماید و در اثنای جوش لازم است که از چوب انجیر و اگر نباشد از چوب خرما
که پوست او را دور کرده سر شش چار پاره کرده باشند تحریک علی الاتصال نمایند و درین دو فایده
منظوری است یکی آنکه معین بر اسهال باشد دوم آنکه نور از شیر جدا شود و هر روز یک
دو دو دام بیفزایند تا ماء الجبن به یک و نیم رطل برسد و بحسب قوت و ضعف مریض کم و زیاد از آن
میتوان کرد و دادن ماء الجبن چهل روز یا بست و یک روز یا کم ازین مفوض برای طبیب است
و اگر حاجت باشد پیش از دادن ماء الجبن تنقیه نمایند و پس از هفت روز یا چهار روز بعد از گرفتن
مسهل ماء الجبن شروع کنند و سفوف لاجورد و شربت معمول حب افتیمون و سفوف
چوب گز خران که نسخ هر یک در جای های خود گذشته است همراه ماء الجبن شروع نمایند تنقیه
بود و اگر اتفاق تنقیه نیفتاد پس در اثنای خوردن ماء الجبن ششم و دهم و دوازدهم مغز فلوس
ترنجبین و شیر خشت در ماء الجبن مالیده صافی نموده بنوشند و بعد از ان سفوفها و حبها وغیره
که مذکور شد اگر حاجت باشد بکار برند و گاهی برای تلیین تنها شیر خشت یا ترنجبین استعمال کرده
میشود و اگر مزاج مقتضی باشد و تحلیل ریاح منظور باشد گلقند استعمال نمایند و در بعضی امزجه حار
با مسکه ماء الجبن برای تبرید و تسکین حرارت و هیجان اخلاط حاره استعمال نموده شد هرگاه از

از شربه وسفوفهای مذکور و حبوب و جز آن بمریض داده شده باخفیف تمر گردیده و فقط ماء الجبن همراه
شربت نیلوفر با خمیره مروارید و بامثال از آن ادویه مسکنه و مقویه مفید آمده و فوائد عظیمه مشاهده شد
واگر کسی را نزله و عوارض دیگر مانع بریدن شیر از اشیاء مذکوره باشد پس از جسته بزم مرتب سازند
وطریق این است که جسته را از نمک شسته و صاف نموده خشک کرده نگاهدارند و شیر را جوش
دهند و قدری ازین نفخه درمیان شیر اندازند و بگذارند که شیر منجمد شود بعدازان از کارد قطع
قطع کنند و نمک اندازند و در صافی دو ته کرده جای بیاویزند تا آب قدری بچکید بعدازان صبح
جوشانیده کف گرفته صاف نموده و از مغز حب القرطم نیز ماء الجبن میتوان ساخت ص بگیرند مغز
حب القرطم ده داوقیه نرم کوفته در دو رطل شیر مغلی بیندازند و بچوب زنجیری می جنبانند تا شیر بریده
شود پس فرود آرند و بگذارند که سرد شود پس در پارچه دو ته انداخته بیاویزند و آبی که بچکد
در ظرف چینی گیرند و بعدازان نمک قدری انداخته جوشانیده کف گرفته صاف نموده بخورند و
دیگر طریق مرتب کردن ماء الجبن از سنگدان مرغ و امثال آن در رساله علیحده مرقوم است و
باید که ماء الجبن را سه حصه کنند و یک حصه بخورند و راه روند بقدریکه نزدیک شود که عرق بیاید و
بعضی معین کرده اند که صد قدم بروند و بعضی چهل قدم و بعدازان دو حصه را هم بدین طور بخورند
و باید که نیمگرم بنوشند و در ماء الجبن رطوبت بسیار است و گرمی باعتدال و غذا باید که بعد از چهار
ساعت بخورند و از اغذیه شوربای قلیه یا خشکه باشد یا گوشت و یا یخنی پلاؤ و برنج را باید که
در آب سبوس گندم یا پاوه یا بان تر کنند و بعدازان بکار برند تا سده و لزوجت نیاورد و این در
اثنای ماء الجبن اگر بخورند بهتر بود و اجتناب از لبنیات و مغلظات و حلویات و حموضات
شدید و از بقولات لازم دانند و احتراز از جمیع حرکات متعبه و عوارض نفسانی واجب و در تفریح
مریض کوشند و بهترین ماء الجبن برای مالیخولیا از شیر بز است و اگر بهم نرسد از شیر گاو و ماء الجبن
شیر شتر بجهت سدد و استسقا مناسب است و بهترین وقت استعمال ماء الجبن زمان
معتدل در حرارت و برودت بود و متفق اند حکما که ماء الجبن نافعترین مسهلات است

و باوجود اسهال غذا به بدن میشود و در علل حاره سوداویه و التهاب جذام و داء الفیل و یرقان
و حرقت بول و ضعف کلیه و حصات آن و مثانه و قروح آن و دیگر قروح حدیثه و قدیمه بدن
و بثر او ظلمت بصر و شقیقه و انصباب مواد بسوی چشم و پلک و استسقا و حرارت کبد و نحافت
بدن و جرب و حکه و کلف مستعمل میشود و هرگاه در قروح مثانه مستعمل بود نمک دران داخل
سازند ماء العسل جهت فالج و لقوه و تقویت معده و باه نهایت مفید ص عسل یک جزو
آب صاف ده جزو بجوشانند بآتش نرم و کف بردارند چون دو حصه بماند از آتش فرود آرند و بکار
برند و بعضی در یکجزو عسل شش جزو آب می اندازند و چون نصف باقی می ماند بکار برند و بهی
است بنسبت اولی قلیل الحرارت است و اگر خواهند که ماء العسل را تقویت کنند دارچینی زنجبیل
مصطگی زعفران هیل جوزبوا بسباسه بقدر احتیاج داخل نمایند ماء الاصول که لقوه و صرع و
جمیع امراض بلغمی و سوداوی را سود دارد و سنگ گرده و مثانه را بریزاند و سده جگر بکشاید و استسقا و
اوجاع مفاصل را نافع ص پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانه هریکده درم پوست بیخ کبر
پنجدرم تخم کرفس انیسون رازیانه بیخ اذخر از هریک چهار درم اسارون حب بلسان اندهریکدو
درم خنطیانا سلیخه هریکد و نیم درم عود بلسان بوزیدان بزار اسفید هریک سه درم مویز منقی بیست درم
جمله را در دو من آب بپزند تا یکمن آید بپالایند شربت سی مثقال یا دو مثقال روغن بید انجیر و
پنجدرم روغن بادام تلخ ماء الاصول که در امراض بلغمی و تپهای بلغمی بعد از نضج ماده بجهت
اورام بهند ص بیخ کرفس بیخ رازیانه بیخ اذخر پرسیاوشان انیسون هریک کفی مصطگی رومی
تخم کرفس از هریکدو درم در یکمن آب بجوشانند تا به نصف رسد پس صاف نموده هر بامداد چهل درم
آنرا گرم کرده دو درم گلقند آفتابی دران حل ساخته مالیده بخورند ماء الاصول بجهت
نضج مواد بلغمیه غلیظه بکار آید ص بیخ کرفس بیخ رازیانه پوست بیخ کبر هریکده درم انیسون
تخم کرفس هریکدو درم غافث افسنتین شکاعی بادآورد هریک پنجدرم قنطوریون سه درم
در دو من آب بجوشانند تا به نصف رسد صافی نموده هر صبح سی درم ازان باده درم گلقند

بیاشامند واگر سہ درم مصطگی سودہ درین ماء الاصول داخل نمایند در افعال اقوی خواہد بود
ماء الاصول نافع برای ضیق النفس و بحوحۂ صوت کہ حادث از اخلاط غلیظہ و بلغم لزج
بود صفت آن پوست بیخ بادیان ہفت مثقال اصل السوس خراشیدہ نیمکوفتہ بیخ سوسن
آسمان گون فراسیون فنطوریون غلیظ از ہریک دو مثقال انیسون تخم کرفس تخم بادیان
از ہریک سہ مثقال مصطگی سنبل الطیب ساذج ہندی اسارون از ہریک یکمثقال و نیم انجیر
زرد و خشک و سپستان منزوع العجم از ہریک پانزدہ مثقال در چہار رطل آب باران بجوشانند
وقتی کہ یکرطل باقی ماند از آتش فرود آوردہ مالیدہ صاف نمودہ ہمہ را در سہ روز بالعوقات
مناسبہ بخورند ماء الاصول دیگر کہ سدہ جگر و سپرز را بکشاید و برودت جگر و سپرز را نافع بود
ص پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانہ ہریک ہفتدرم بیخ اذخر قفاح اذخر ہریک پنجدرم
سنبل مصطگی ہریک یکدرم و نیم قوہ لک مغسول عود بلسان ہریکدو درم غافث افسنتین
گل سرخ شکاعی باد آورد پوست بیخ کبر ہریک سہ درم انجیر زرد مویز منقی بیست درم در سہ
رطل آب بجوشانند تا بنیمہ آید صاف کردہ ہر روز چہل درم روغن بادام تلخ و یکدرم روغن
بادام شیرین بنوشند ماء الاصول کہ سدہ و جگر و وجع معدہ و عسر بول را مفید است و ہمراہ ادہان
و بدون ادہان استعمال میکنند ص پوست بیخ رازیانہ پوست بیخ کبر پوست بیخ کرفس انیسون
سنبل الطیب پرسیاوشان مصطگی مویز منقی بیخ اذخر تخم رازیانہ تخم کرفس انیسون ہریک
بقدر حاجت گرفتہ جوشانیدہ بکار برند ماء الاصول بجہت استسقاء طبلی منقول از معالجات
بقراطی ص مصطگی سنبل الطیب شنہ دار شیشعان عود الوج قشور سلیخہ ہریکدو درم انیسون
تخم رازیانہ زیرہ کرمانی زوفای خشک صعتر فارسی نانخواہ ہریک چہار درم گل سرخ پوست بیخ کبر
پوست بیخ رازیانہ پوست بیخ کرفس ہریک پنجدرم ناردین اقلیطی ہفتدرم اذخر قفاح اذخر
ہریکدہ درم مویز منقی بیستدرم چنانچہ رسم است بپزند صاف کردہ در شیشہ انداختہ شیشہ را
در آب سرد نگاہدارند تا مانع از غلیان گردد پس ہر روز بیست درم با دو درم معجون کلکلانج

یا دواء الکرکم استعمال نمایند و غذا بیمار را وزن کنند و سہ س معتاد بدہند و تا دہ روز ہمین قسم
بعمل آرند ماء الاصول جہت ذرب سددی مفید ص سنبل الطیب مصطگی اسارون ہیل
قاقلہ کبار ہریک یکمثقال عود بلسان سلیخہ ہریک یکدرم تخم کرفس رازیانہ انیسون زیرہ کرمانی دو قوہ
ہریک پنجدرم پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانہ بیخ اذخر ہریک پانزدہ درم مویز منقی بیست
درم ہمہ را در سہ رطل آب بپزند تا برطل و نیم آید ہر روز از ان چہار اوقیہ تا نیم مثقال ایارج فیقرا بیاشامند
مطبوخ بجہت قولنج بلغمی مفید ص مصطگی سنبل الطیب ہریکدو درم پرسیاوشان تخم خطمی ہریک
چہار درم تخم کرفس انیسون رازیانہ فنطوریون باریک ہریک پنجدرم پوست بیخ کرفس
پوست بیخ رازیانہ حلبہ خشک شبت ہریکدہ درم مویز منقی بیست درم انجیر سفید دہ عدد با چہار
رطل آب بپزند تا برطل باز آید پس چہار اوقیہ با یکمثقال ایارج مخمر بروغن بیدانجیر و عسل بدہند
ماء الاصول کہ در قلع کردن نقرس و وجع الورک عدیل ندارد ص پوست بیخ کرفس پوست
بیخ رازیانہ ہریکدہ درم پوست بیخ کبر پوست حنظل فنطوریون دقیق شیطرج ہندی نانخواہ
انیسون سورنجان بوزیدان ماہی زہرہ ہریک پنجدرم در سہ رطل آب بجوشانند تا بنصف
رسد صاف سازند شربت دو درم مع یکمثقال روغن بیدانجیر بنوشند و اگر علت قوی باشد
و دردی بود حتی کہ صاحبش را اشرف بر زبانکردہ باشد عوض بیدانجیر روغن کلکلانج کنند
فانہ عجیب و بسیمی بقیم الادہن ماء الاصول کہ در تپہای بلغمی بکار آید ص انیسون کرفس ہریکدو
درم فنطوریون دقیق سہ درم غافث افسنتین شکاعی باد آورد ہریک پنجدرم بیخ کرفس
بیخ رازیانہ بیخ کبر ہریکدہ درم در دو من آب بپزند تا بنصف آید ہر صبح سے درم
با ہفت درم گلقند بخورند و اگر سہ درم مصطگی درین ماء الاصول اضافہ نمایند نافعتر خواہد بود
ماء البزور نافع از برای امراض بلغمی خصوصاً دماغی و نضج مواد بنوبتی نماید ص پوست
بیخ کرفس پوست بیخ رازیانہ ہریکدہ درم بیخ اذخر ہفتدرم رازیانہ انیسون تخم کرفس نانخواہ
شونیز فنطوریون دقیق عاقر قرحا نیمکوفتہ زنجبیل نیمکوفتہ از ہریک سہ درم قسط تلخ زراوند

مدحرج نیمکوفته هر یک چهار درم قردمانا تخم سداب شیطرج هندی هر یک پنجدرم جند بیدستر
یکدرم مجموع را در سه من و نیم آب بجوشانند تا یک من آب بماند صاف نموده هر صبح چهار درم
انرا با چهار درم روغن خروع با روغن بادام تلخ نیمگرم بیاشامند مطبوخ بادها را اگنده کنند
و اخلاط غلیظه دفع نماید قولنج و استسقای لحمی و طبلی را نافع آید ص نانخواه زیره کرمانی کاشم
سعتر کرویا شونیز از هر یک کفی در سه رطل آب بجوشانند تا یک رطل آید صاف نموده هر صبح و شام
بیستدرم با سه درم روغن بید انجیر بنوشند جوز القی یکدرم با قدری نمک سائیده و بعسل سرشته
همراه مطبوخ مذکور آمیخته بقدر حاجت آب گرم و عسل افزوده بنوشند مطبوخ حرارت و ورم جگر و یرقان نافعست
ص بیخ کشوث برگ کاسنی برگ عنب الثعلب برگ کاکنج لبلاب رازیانه جمله یا هر چه بهم رسد بکوبند و بفشرند
و یک قدح بقند شیرین کرده بنوشند مطبوخ نافع ربو و ضیق النفس منقول از بیاض عم
مرحوم ص عناب بیست دانه سپستان سی دانه تین ابیض ده عدد زبیب خراسانی بیستدرم
تخم خطمی تخم خبازی از هر یک سه درم اصل السوس پنجدرم قنطوریون دقیق و غلیظ پوست
بیخ کبر حاشا فودنج جبلی شیح ارمنی برنجاسف از هر یک چهار درم پوست بیخ بادیان پوست کرفس
از هر یک پنجدرم زوفای یابس چهار درم بیخ سوسن آسمان جونی فراسیون زراوند مدحرج
از هر یک سه درم مصطگی سنبل الطیب از هر یک دو درم در پنج رطل آب بجوشانند وقتی که
یک و نیم رطل بماند صاف نمایند و هر روز چهار اوقیه با یک مثقال معجون قفی و یکدرم حب الصنوبر
بخورند و اگر قوی خواهند تریاق اربعه پنجدرم حل نموده بنوشند مقی که قی بفراغت آرد و [illegible]
ص شبت بستدرم در یک رطل آب جوشانند تا به نصف رسد و جوز القی یکدرم با قدری
نمک سائیده و بعسل سرشته همراه مطبوخ مذکور آمیخته و بقدر حاجت آب گرم و عسل افزوده
بنوشند مقی که قی بفراغت آرد و دوار که بسبب بخره معده باشد دفع نماید ص قبضه از
قضبان شبت در سه رطل آب جوش دهند تا یک رطل بماند پس صاف کنند و قدری نمک و
اندکی عسل در ان بیامیزند و در هم کنند و بنوشند مقی که محرور بدان قی کند ص برگ خیار

کوفته آب او بگیرند و شکر سرخ و سکنجبین آمیخته بنوشند مقی صفرا ص ماء الشعیر سی درم طبیخ آب برنج
بیست درم آبی که اصل خیار در ان پخته باشند و سکنجبین هر یکده درم مقی بلغم ص خردل سفید
یکدرم بوره پنجدرم کندش ملح هندی هر یک یکدرم جمله کوفته بیخته و بعسل آمیخته مع صد درم طبیخ
شبت و چهل درم سکنجبین عسلی بنوشند مقی سوداء ص ترب مقطع یکعدد نمک هندی پنجدرم
شبت خرفه جمله را در دو رطل آب بپزند تا که نصف بماند و سکنجبین عسلی آمیخته بنوشند مقی صفرا و
بلغم ص سکنجبین عسلی ده مثقال نمک دو مثقال آب ترب چهل مثقال بهم آمیخته بنوشند
مقی که رطوبت معده و مره سوداء و صفرا دفع کند ص تخم ترب تخم شبت تخم خربوزه اصل
السوس بیخ خربوزه هر یک سه مثقال بپزند و آب او با لنگر زد و سکنجبین بنوشند مقی که مواد مختلف
برآرد ص قطف با تخم او و تخم ترب هر یک پنجدرم شبت لوبیا سرخ برگ چغندر هر یکده درم
تخم خربوزه مقشر پانزده درم سورنجان سفید مرضوض کنگر زد هر یک یکمثقال نمک هندی
دو درم جمله را در چهار رطل آب بپزند تا که رطل بماند صاف کنند و نمک نان یکدرم و سکنجبین عنصلی
چهل درم اضافه کرده با آب نیمگرم بنوشند مقی معمول راقم ص آب برگ ترب آب شبت
نمک همه را مخلوط ساخته بنوشند مضمضه جهت درد دندان و تحرک آن ص چوب آس
بیخ کبر کاکنج جوز السرو گل سرخ براده دندان فیل شب یمانی برابر بگیرند و در سرکه پخته مضمضه
کنند مضمضه جهت اکله لثه و لب ص قرط اثیث مازو پوست انار گلنار کزمازج جوز السرو
و برگ سرو با آب سماق پخته صاف کرده مضمضه کنند و اگر این ادویه را کوفته بیخته بپاشند نیز
نافعست مضمضه که جهت منع خون بن دندان و تعفن و جوشش و رویانیدن گوشت انجا
و برای قلاع مجرب ص شکر خام یک یکمثقال بنفشه نوزده مثقال توتیای مغسول سی و
هشت مثقال را سائیده با سایر اجزا در سرکه هفتاد و پنج مثقال آمیخته در شیشه نگاه دارند جهت قطع
خون و دفع تعفن و رویانیدن گوشت با این سرکه مضمضه نمایند و برای قلاع و جوشش دهان
بدل سرکه آب کشنیز کنند مضمضه جهت درد دندان که بسبب حرارت شدید باشد و قلاع

مفرط الحرارت نیز نفع میکند ص آب کشنیز سبز آب بارتنگ سبز آب عنب الثعلب سبز لعاب
اسپغول آب برگ خرفه قدری بدستور بعمل آرند مضمضه که آخر قلاع حار و در قلاع بارد انتفاع
است ص انجبار زرد اکلیل الملک بزر کتان در آب جوشانیده صاف کرده قدری از زعفران
و صبر و روغن خیری داخل کرده تمضمض نمایند مضمضه جهت بخر ابخره کی معده که از ماده بلغم بود
و بعد از تنقیه کامل نفع بین می نماید ص عود خام مصطکی قرنفل بسباسه جوز بوا هر یکده درم همه
را نیکوفته در خرقه کتان بسته همراه شراب ریحانی و گلاب هر یک نیم رطل در ظرف تنک دهن
بجوشانند تا شراب و گلاب نصف بماند صاف و سرد کرده صبح و شام آن مضمضه کنند مضمضه
که لبطلان ذوق و فساد آنرا که از برودت بود بعد از نضج و تنقیه با یارج نافع ص خردل عاقرقرحا
مویزج در آب بجوشانند و بدان مضمضه کنند و اگر حرارت بود ریباس گل سرخ سماق
بجوشانند و در طبیخ وی سکنجبین یا ترنجبین یا مری آمیخته مضمضه نمایند مضمضه معمول قدوة المحققین
اکمل المدققین والد ماجد برای استحکام اسنان و وجع آن ص گلنار کزمازج اقاقیا جفت
بلوط فوفل چهالیه گل سرخ برگ مورد پوست انار جوز السرو دم الاخوین صندل سرخ سعد کوفی
از هر یک چهار ماشه در سه پاو آب جوشانیده صاف نموده مضمضه نمایند مضمضه جهت
قلاع روی ص سماق زرورد هر یک یکتوله اقاقیا مازو هر یک نیم توله جوشداده مضمضه
نمایند مضمضه برای لثه دامیه ص سماق سنبل الطیب از هر یک سه درم ملح زرورد
از هر یک یکمثقال برگ آس نیم مثقال جوشانیده مضمضه نمایند مضمضه نافع برای درد
دندان که از برودت و رطوبت خصوصاً از انصباب ماده نزله و ریاح بود ص عاقرقرحا
بزر البنج هر یک شش ماشه عدس یکتوله پوست خشخاش هفت ماشه جوشانیده مکرر مضمضه
نمایند مضمضه برای وجع اسنان که بهیچ دوا به نشود ص پوست درخت سرس چهار توله
برگ چنبیلی دو توله بای برنگ سه ماشه جوشانیده مضمضه نمایند مضمضه درد دندان را
که از نزله و باد و رطوبت بود و استرخای لثه را مفید است ص عنب الثعلب کوکنار اسبغ

فوه هر یک یکتوله و شش ماشه در آب بجوشانند که قوت ادویه بآب در آید صاف نموده مضمضه نمایند
مضمضه نافع برای استرخای لسان ص خردل زنجبیل فلفل عاقرقرحا نوشادر بورق شونیز
سعتر تلخ مساوی کوفته جوشانیده مضمضه کنند مضمضه برای ورم لسان و فم ص بنفشه
حلبه بزر کتان بزر مرو بهین یالبس اصل السوس از هر یک پنجدرم تخم وجاج و لبط از هر یکده درم
لب خیارشنبر بیست درم در سه رطل آب بجوشانند وقتیکه نصف بماند نیمگرم مضمضه نمایند
مضمضه برای وجع اکله منقول از خط والد شریف ص گلنار فارسی گل سرخ عدس مقشر
پوست انار شیرین پوست هلیله زرد عفص هلیله کابلی بلیله گل بستان افروز جفت بلوط
گاوزبان سماق بوزن مساوی در یکنیم رطل آب بجوشانند هرگاه یک ثلث بماند صاف
نموده مرجان سفید تنکار یکدرم کوفته بیخته اضافه نموده مضمضه نمایند مضمضه برای دفع درد دندان
ص چهال کیکر دو دام کوکنار دو عدد هر دو را جوکوب نموده در نیم آثار آب بجوشانند تا که نصف
بماند صاف نموده نیمگرم مضمضه نمایند مضمضه مجرب جهت درد دندان حار ص کشنیز خشک
مازو سبز پوست خشخاش گلنار عنب الثعلب بزر البنج حب الآس از هر یکدو درم افیون یکماشه
کافور نیم ماشه گلاب چهار دام جمله ادویه را سوای افیون و گلاب و کافور نیمکوفته در دو رطل
آب بجوشانند هرگاه که ربع بماند صاف نموده افیون و کافور در آب نیم گرم و گلاب انداخته حل سازند
و سرد کرده مضمضه نمایند مطبوخ افتیمون برای مالیخولیا که حادث از احتراق صفرا شده
باشد ص پوست هلیله زرد ده درم پوست هلیله کابلی پنج درم بسفایج فستقی نیمکوفته
سه درم افتیمون شش درم اسطوخودوس گل بنفشه از هر یک چهار درم اول بسفایج
و پوست هلیلها را در شش رطل آب بجوشانند تا بیک رطل و نیم برسد پس در ان اسطوخودوس
و بنفشه را داخل نمایند تا بیک رطل آید بعد از ان افتیمون را در صره بسته در ان اندازند و یک
جوش دیگر دهند و فرود آرند و صره را خوب بمالند تا شیره و قوتش بر آید پس بفشارند و صره را
دور کنند و مطبوخ را صاف نموده پس غاریقون دو ثلث درم صبر سقوطری یکدرم نمک سندی

نیمدرم خربق سیاه ربعدرم کوفته بیخته بجلاب شکر سرشته قبل از مطبوخ بسه ساعت آنرا فرو
برند و بعد از ان مطبوخ را بیاشامند مطبوخ تالیف محمد ذکریا نافع از برای اقسام مالیخولیا
ص هلیله سیاه بسفایج فستقی مرضوض پنجدرم سنا مکی هفتدرم تربد سفید تراشیده مدبر چهار درم
اسطوخودوس مویز طائفی دانه بیرون کرده هریکده درم مجموع را در سه رطل آب بجوشانند
تا به نصف برسد افتیمون را در کیسه کتانی کرده سر آن را بسته در آن اندازند و دو جوش دیگر
داده فرود آرند و سرد کرده کیسه را بمالند تا تاثیر و قوت افتیمون در مطبوخ برآید پس صاف نموده
سه ساعت قبل از مطبوخ اول ذکر شد فرو برند و بعد از سه ساعت مطبوخ بیاشامند مطبوخ
نافع برای وسواس و تفزع در نوم منقول از نابسیحی ص هلیله کابلی اسطوخودوس از
هریکده درم تربد سنا مکی از هریک چهار درم منقی دانه بیرون کرده پنجاه عدد کوفته بخیته در پنج رطل
آب بجوشانند وقتیکه یک رطل بماند انداخته شود دران خریطه افتیمون و یکساعت بگذارند و از
آتش فرود آورده صاف نمایند و گرفته میشود غاریقون درم صبر درم بلج هندی نیمدرم
خربق اسود دو دانق کوفته بیخته بگلاب خمیر کرده حب سازند و بخورند این حب قبل مطبوخ بعد ساعت
بعد از ان مطبوخ بیاشامند مطبوخ که اخراج علق نماید هرگاه بمعده رفته باشد ص شیح
قیصوم افسنتین شونیز ترمس قسط تلخ برنگ کابلی مقشر کبیل دارو هریکدو درم در سرکه ممزوج
باب بپزند و صاف نموده بخورند مطبوخ حلبه برای ربو و ضیق النفس که از سردی بهم رسیده باشد
بکار آید ص حلبه شسته مویز منقی از هریک پنج استار در یک کوزه آب باران بجوشانند و
صاف نموده بقدر چهلدرم هر صبح بنوشند مطبوخ جهت سرفه که ماده آن بارد غلیظه از جهت عسر النفس
باشد ص زراوند مدحرج مصطگی اسقیل هریک دو درم بیخ لفاح اذخر زوفای خشک
هریک سه درم پرسیاوشان اصل السوس بنفشه تخم خطمی خبازی قنطوریون غلیظ هریک
چهار درم زبیب طائفی منقی بیست درم انجیر سفید ده دانه عناب جرجانی بیست دانه
سپستان سی دانه همه را در چهار رطل آب باب نرم بجوشانند تا برطلی آید صاف نموده

هر روز چهلدرم با روغن بادام شیرین یکدرم بنوشند سه روز یا پنج روز هرگاه ماده نضج یابد بحبهای
مسهل بلغم اخراج کنند مطبوخ زوفا منقول از قرابادین کوتوالی نفع میکند بسعال و ضیق
و وجع صدر و جنب و خفقان و موافق امزجه حاره است ص تخم مرو تخم خیار مرضوض تخم خرپزه
مرضوض هریک پنجدرم پرسیاوشان هفتدرم اصل السوس محکوک مرضوض خطمی پوست
بیخ بادیان تخم خبازی زوفای یابس از هریک سه درم گل نیلوفر دو درم عناب بیست عدد
سپستان سی عدد انجیر زرد خشک ده عدد در سه رطل آب شیرین بجوشانند هرگاه پانزده استار
باقی ماند صاف نموده پنجاه درم یا پانزده درم جلاب یا خود از ترنجبین بخورند مطبوخ تین لابن
یاسویه نافع است بامراض صدر و جنب که حادث از بلغم و رطوبت و برودت بود و سعال
و ربو ذات الریه را نفع میرساند و رطوبت فاسده از معده و اعضای صدر و احشا پاک می نماید
ص انجیر زرد خشک بیست منقی از عجم فانیذ از هریک یکجزو تخم بادیان انیسون از هریک ربع
جزو در آب شیرین بجوشانند وقتی که ثلث بماند صاف نموده نصف رطل گرفته و اندکی روغن بادام
شیرین انداخته نیمگرم بنوشند مطبوخ افتیمون جعده کمافیطوس هریک سه درم پوست هلیله
زرد هفتدرم افسنتین ده درم چنانکه رسم است بپزند و صاف کرده صد درم ازین مطبوخ گرفته
اول یکدرم از حب ایارج خورده بعد دو ساعت بنوشند مطبوخ اکلیل الملک که در ورم بلغمی
معده از گذشتن هفت روز پس استعمال آب ازیانه و آب کرفس تازه هریکده اوقیه با دو درم بادام
بکار آید ص اکلیل الملک بیخ رازیانه هریکده درم در چهار رطل بغدادی آب بپزند تا ربع
بماند هر صبح چهار اوقیه با دو درم روغن بید انجیر و سه درم روغن بادام شیرین بنوشند مطبوخ
که در ورم بلغمی معده را نافع است ص تفاح اذخر مصطگی تخم کرفس هریکدو درم انیسون
سه درم پرسیاوشان پنجدرم رازیانه در چهار رطل بغدادی آب بپزند تا بربع بماند هر صبح چهلدرم
با دو درم روغن بید انجیر و سه درم روغن بادام شیرین بنوشند مطبوخ معده را قوت دهد و قی
باز دارد ص مصطگی نعناع هریک یکدرم در یک رطل آب جوش دهند تا به نیمه آید پس صاف کنند

وعود و مشک هریک یکدرم کوفته بیخته اضافه نمایند و بنوشند مطبوخ معمول و مجرب بجهت
سنگرهنی ص موتهه بیلگیری دهنیان نتر بالا سونتهه خس هریک پنجدرم در یک نیم پاو آب
جوشانیده صاف نموده عسل یکان توله اضافه کرده بخورند و در مزاج گرم ادویه گرم کم نمایند و در ضعیف البنیه
و صغیر السن و زن جمیع ادویه بکاهند و در اقویا بیفزایند مطبوخ برای وجع طحال اطارد منقول از بیاض
عم مرحوم ص پوست بیخ کبر کاسنی پوست بیخ کرفس تخم بادیان انیسون تخم فنجنکشت از
هریک سه درم اسقولوقندریون غافث گلاب شنته برسیاوشان برگ طرفا برگ ابهل حب
بلسان از هریک دو درم زبیب بیست درم سنبل الطیب مصطگی انیسون بیخ اذخر
در چهار رطل آب بجوشانند هرگاه دو صد درم باقی بماند مالیده صاف نموده چهل درم ترنجبین
دران حل کرده باز صاف نموده چهل درم ازان گرفته یکمثقال روغن بادام شیرین و یکدرم
روغن بادام تلخ داخل کرده بنوشند مطبوخ که ورم بلغمی سپرز را نافعست و سپیدی بول
که قدری سیاهی زند از علامات اوست ص هلیله سیاه هلیله زرد هریک هفتدرم شاهتره
هفتدرم کزمازج پوست بیخ کبر هریک سه درم تخم کاسنی یکدرم تخم کشوث یکدرم و نیم آلو د
تمر هندی بقدر حاجت بپزند پس بگیرند فیقرا یکمثقال و غاریقون یکدرم و حب بندند و
وقت سحر بخورند و بالای وی نزدیک طلوع آفتاب مطبوخ بنوشند مطبوخ که سده
جگر و سپرز و یرقان را نافعست ص غافث افسنتین سنبل اسارون مصطگی برشیاوشان
قرفه راوند عیدان بلسان هریک یکدرم ادویه را کوفته مطبوخ نمایند و اولی آنکه ریوند را
سر داره نمایند مطبوخ جهت برد جگر و استسقا و یرقان نافع و تلطیف اخلاط غلیظ کند و جگر
و معده را قوت دهد ص فوه مصطگی هریک یکمثقال پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کاسنی پوست
بیخ کرفس اذخر انیسون تخم کرفس سنبل الطیب تخم کشوث هریک بیست درم مویز منقی همه را نیمکوب
کرده چهارصد درم آب شیرین بپزند تا چهارم حصه بماند صاف کنند شربت پنجاه درم بادو
درم شکر سفید و دو درم روغن بادام این مطبوخ راجهت حصات دهند جحر الیهود یکدرم

مطبوخ که شده سعفر جگر بگشاید ص ریوند چینی دو درم افسنتین قفاح اذخر هریک هفت درم
حلبه ده درم مویز منقی چهل درم انجیر بیست عدد سداب تر یکدسته علی الرسم بپزند شربت چهار اوقیه
با روغن بادام مطبوخ در علاج ورم کبد بکار آید ص ریوند چینی نیم مثقال تخم کشوث انیسون
تخم کرفس رازیانه هریک سه درم غافث چهار درم افسنتین بسفایج هریک پنجدرم هلیله سیاه
هلیله کابلی هریکده درم مویز منقی بیست درم علی الرسم بپزند و صاف کنند و بیست درم فانید
و سی درم ترنجبین دران داخل نموده بنوشند مطبوخ که در ازاله اوجاع مفاصل قوی الاثر
است ص سورنجان بوزیدان هریک سه درم ماهی زهره تربد چهار درم فوه تخم کرفس انیسون
پوست حنظل هریک دو درم در یک رطل آب بجوشانند تا نصف رطل بماند صاف بمانند مطبوخ
خداوندی در زانو و پشت و همه پیوندها سودمند ص زنجبیل ماهی زهره هریک سه مثقال
بوزیدان ر و خاس شیطرج سورنجان بیخ اذخر هریک پنجدرم بیخ کرفس پوست بیخ بادیان
هریک هفتدرم مویز منقی حلبه هریکده درم همه را بپزند چنانچه رسم است شربت چهار اوقیه
با دو مثقال روغن بید انجیر مطبوخ اوجاع مفاصل را نافع است ص سورنجان رازیانه
پوست بیخ رازیانه تخم کرفس انیسون قنطوریون باریک دو درم پرسیاوشان گاوزبان
بادرنجبویه هریک سه درم گل سرخ هلیله زرد هریک چهار درم سنا مکی هفتدرم جوشانیده و
صاف نموده گلقند ده مثقال ترنجبین بیست مثقال دران حل کرده صباح بنوشند مطبوخ
قوی الاثر است برای استیصال ماده وجع درک عرق النساء ص مصطگی انیسون هریک دو
درم زنجبیل پنجدرم بیخ اذخر هریک سه درم فوه شیطرج سورنجان بوزیدان از هریک پنجدرم
بیخ کرفس رازیانه هریک هفتدرم حلبه مویز منقی هریکده درم همه را در چهار رطل آب بجوشانند
تا چهارم حصه بماند صاف نموده ثلث رطل هر روز با روغن خروع بقدر تحمل طبیعت بنوشند
مطبوخ که نافعست بحمی بلغمی و ربع ص بیخ اذخر چهار درم قنطوریون باریک شاهتره
هریک پنجدرم بادآورد شکاعی غافث هریک شش درم افتیمون هفتدرم مویز منقی بسته

هلیله کابلی خسته بیرون کرده ده درم جمله را در پنج رطل آب بپزند تا یک رطل بماند هر روز چهار اوقیه
ازین مطبوخ صاف کرده با یک اوقیه سکنجبین بیاشامند مطبوخ جهت بقایای شطر الغب
ص صبر مصطگی هر یک پنجدرم اصل السوس پنجدرم بیخ کرفس دو درم شکاعی غافث
هر یک سه درم کشنیز سه درم گل سرخ چهار درم ترنجبین بیست درم در سه رطل آب بپزند تا نیمه
آید صاف نموده هر روز نیم رطل بیاشامند مطبوخ که اصلاح تب مختلف الاوقات نماید ص مصطگی
یکدرم سنبل الطیب انیسون هر یکدو درم گل سرخ کشنیز خشک افسنتین هر یک پنجدرم تخم کشوث
بادآورد بیخ اذخر هر یک هفتدرم بیخ کرفس بیخ رازیانه هر یکدو درم هلیله زرد پانزده درم مویز
منقی سی درم در شش رطل آب بپزند تا بیک رطل آید صاف کنند و بمقدار دو ثلث از یک رطل
با گلقند عسلی سه تولہ یا سکنجبین بنوشند مطبوخ که در ربع صفراوی بجهت قی کردن بکار آید ص
سنا افتیمون هر یک چهار درم سر بنفشه تخم خربوزه نیمکوفته تخم ترب هر یک پنجدرم هلیله کابلی هلیله
زرد هر یک هفتدرم جوشانیده صاف کنند و بمقدار صد درم یا کمتر با سکنجبین بسیار بخورند مطبوخ
در ربع بلغمی استفراغ قوی کند ص بسفایج فستقی نیمکوفته برگ بادرنجبویه لسان الثور افسنتین یک
چهار درم آلو سیاه مویز خراسانی هر یک بیست عدد جمله در دو من آب بپزند تا نیم من آب
بماند صاف کنند و صد درم ازان یکدانگ خربق سیاه و نیم درم ملح نفطی و صبر و یک مثقال
غاریقون بنوشند مطبوخ نافع برای حمی بلغمی و درد کبد و درد معده و عسر بول ص بیخ کرفس
بادیان بیخ اذخر پرشیاوشان انیسون مصطگی مساوی گرفته بکار برند مطبوخ برای
تبهای کهنه و تپ لرزه مزمن ص خس صندل سرخ نرکچور گلوی هر یک یکدام گرفته سه حصه
نمایند و یک حصه در هشت سکوره آب بجوشانند هر گاه که یک سکوره بماند صاف نموده بخورانند
و اگر طفل باشد طبیب موافق حد س خود کم کند مطبوخ جهت ربع از مجربات است
ص کوکنار بقدر تحمل مزاج باده دانه فلفل کوبیده جوشانیده بنوشانند مطبوخ جهت ربع
نافعست ص پوست هلیله کابلی ده درم تخم کشوث تخم کاسنی هر یک سه درم آلو عناب

هر یک بیست عدد پوست بیخ رازیانه دو درم شاهتره هفتدرم بپزند چنانچه رسم است و
صاف کنند پس فلوس خیار شنبر و معجون ورد هر یک پانزده درم بیامیزند و صاف کرده
بنوشند مطبوخ برگ مور دورق گل سرخ صندل گلاب بجوشانند و جامه را ترکرده بدان
بپوشند مطبوخ بجهت چهاجن ص پوست نیم یکدرم تومڑی یکعدد هر دو را کوفته در چهار آثار
آب بجوشانند تا نصف بماند بعد ازان دست را بر بخار آن بدارند و نیمدرم کاہیل ہم داخل کرده
اند مطبوخ جهت جذام و خذر و امثال آن ص فوه پوست کز موتهه گلوی وچ سونٹهه
زرد چوب هر دو کٹائی تنبول کوٹهه باوبرنگ شیطرج مورهری دیودار اندر جو شیرین بهنگره
ترامین بان ملده ستاور مغز کرنج چوب کنیر تربهله چرایته پوست بکاین بیجه سار مغز الملتاس
بهوفرنگ باپچی صندل سفید چهال برنه برگ آروسه پت پاپڑا اسانتهه اتیس بیخ اندراین از
هر یک یکدرم در سه پاو آب بجوشانند تا چهار دام باقی ماند صاف کرده ناشتا بخورند و اگر مطبوخ
نکنند سفوف کرده بمقدار یکدام بخورند منقول از خرک مطبوخ که بارها در تجربه آمده آتشک اکل
کند و فساد خون را باصلاح آرد خصوصاً هر گاه بعد از تنقیه استعمال کرده شود ص پوست
درخت نیب پوست درخت کچنال بیخ حنظل بهلی ببول کٹائی خورد با برگ و بیخ و پوست
قند کهنه هر یک نیم پاو در سه آثار آب بجوشانند هر گاه چهار حصه بماند صاف کرده در شیشه نگاهدارند
و هفت حصه کنند هر روز بخورند و اگر حاجت باقی ماند باز مرتبه دوم مرتب کنند مطبوخ
دیگر برای تصفیه خون فاسد از مجربات است ص موتهه سه ماشه هلیله بلیله آمله از هر یک
چهار ماشه گلو چار ماشه گنگی بابرنگ وچوب وچ سونٹهه کوٹهه اندر جو بهنگره از هر یکدو ماشه هر دو کٹائی
چهار ماشه بیجی سار دو ماشه باپچی چرایته پوست بکاین صندل سفید از هر یک سه ماشه
اودیه را در نیم آثار آب بجوشانند هر گاه نش یا هفت دام بماند یک توله عسل و یکتوله نبات
داخل کرده بخورند این چهار مطبوخ از بیاض عم مرحوم نقل شدند مطبخا بمیم و طاء مهمله
و مثلثه و الف لعوقیست که جهت سرفه بی نفث نافعست ص ترنجبین مغز بادام نشاسته

بهدانه مویز منقی رب السوس بدستور لعوق سازند مطحنا برای سعال که از حرارت و یبوست
بود ص تخم خیارین مقشر پنجدرم مغز بادام شیرین مقشر شش درم تخم خطمی تخم خبازی از هر یک
چهار درم رب السوس فانیذ از هر یک سه درم و نیم صمغ عربی کتیرا نشاسته بهدانه مقشر از
هر یک چهار درم کوفته بیخته نگاهدارند پس اصل السوس سپستان منقی گرفته بجوشانند تا
غلیظ شود بعد از ان صاف نموده عسل اضافه کرده بآتش ملائم بپزند تا منعقد شود پس ادویه مذکوره
اندازند با حسوی که از نخاله سفید یا آرد باقلا و فانیذ و روغن بادام شیرین مرتب کرده باشند
بخورند و اگر گرمی در مزاج غالب بود همراه ماء الشعیر استعمال کنند عرق از تالیف راقم که تحلیل
ریاح و تقویت معده نماید ص مصطگی یکدرم کندر نیمدرم حب الغار نیم مثقال مشک ۳ انگی از هر جلغوزی
نیمدرم جمله جبر لیش بکوبند و در آب نعناع حبوب مفرطح سازند و زیر احراس نگاهدارند و اندک
اندک بپامیزند عرق که طبع را نرم کند و قولنج را نفع دهد ص خروس پیر را بدوانند که مانده شود
پس ذبح کنند و بمصالح خوش ساخته بنوشند و اگر بسفایج چهار مثقال باریک ساخته در اثنای
طبیخ بیندازند یا به طبیخ بپاشند اسهال خلط سودا نماید و همچنین اگر تخم معصفر کوفته در اثنای طبخ
بیفزایند در اسهال اقوی خواهد بود عرق که صاحب تشنج را دیگر روز نفع کند ص بگیرند
مرغ سیاه و او را بخفق کشته همچنین مسلم باندک آب در قدری حجری پوشیده تمام شب بآتش
ملایم بجوشانند و در این عرض مدت مهرا شده همه آب میشود و از همین آب تشنج بدهند
ملح اسهال اخلاط نماید و رطوبت از بدن دور گرداند و بلقوه و درد مفاصل و اوجاع طحال
و استرخای عضلها نافع آید و بصر را جلا دهد و شنوای تیز کند ص قرنفل حرف سقمونیا غاریقون
ساذج هندی انیسون تخم رازیانه فطراسالیون انجدان اسارون زوفا تخم کرفس زنجبیل
هر یک چهار درم فلفل دوازده درم ملح اندرانی شش اوقیه کوفته بیخته در ظرفی نگاهدارند
و بکار برند ملح که اسهال صفراوی باز دارد ص نمک اندرانی سائیده بریان نمایند و در
بریان کردن چند دفعه سرکه تند بر و بپاشند پس کوفته انار دانه بریان سوم حصه زرشک منقی

چهار حصه نمک کشنیز خشک بریان کرده سماق پاک کرده هر یک هشتم حصه همه را کوفته بپاشند
مطبوخ نافع برای ربو کائن از مواد غلیظه لزجه بلغمیه و سوداویه در قصبه ریه ص گاوزبان
گیلانی جعده ایرسا اصل السوس وفای خشک از هر یک ۳ مثقال انجیر زرد خشک ده عدد
همه را بجوشانند و هر روز خورده باشند تا که نضج در قاروره ظاهر شود مطبوخ نافع اسهال
صفراوی منقول از فلانسی ص بگیرند شیر گاو دو رطل مخلوط کنند بدان پنجدرم حب الآس
و ربع رطل دوغ ترش و پنج طاقه سداب هفت طاقه نعناع و ربع رطل دوغ ترش و ده
طاقه کرفس و ده عدد ورق ترنج تازه و شب بگذارند تا منجمد شود و صباح بجوشانند و مسکه از او
بگیرند و نیم رطل صاف کرده باد انگی مشک ۳ نیمدرم گل ارمنی نیمدرم کعک بپاشند مسوح که در تقویت قضیب
و انثیین نهایت موثر است ص پیاز عنصل پیاز نرگس از هر یک نیم اوقیه و ربیت و هشت
مثقال زیت در آب بجوشانند تا مهرا شود و آب سوخته شود و روغن بماند پس صاف
کرده زهره کنجشک تخم انجره عاقرقرحا خردل سعخ از هر یک یکمثقال عنبر اشهب نیم مثقال
اضافه نموده مکرر بر قضیب و حانه و انثیین ضماد کنند و اگر مومیای و زفت رومی و زهره مرغ
و مانند آن اضافه کنند باعث زیادتی قوت آن میشود و چون سورنجان و عرق پکی بآن مخلوط
کنند نهایت مقوی باشد و از مجربات است مسوح که نهایت مفید است و از مجربات است
ص قسط تلخ بوزیدان راسن از هر یک یکمثقال گل نرگس دو مثقال جوشانیده صاف نموده
روغن زیتون داخل کرده باز بجوشانند تا آب برود و روغن بماند پس پیه شیر یکدرم زفت
رومی مومیائی حلتیت از هر یک نیم دانگ را ان حل کرده شبها بمالند مسوح که قضیب را
بزرگ گرداند ص زهره گرگ دو دانگ مشک ترکی نیمدرم بروغن نرگس مخلوط کرده
بمالند مربی زنجبیل گرم و خشک است بول براند و باه زیاده کند و تپهای بلغمی را سود
دهد ص زنجبیل بی ریشه را زیر دیگ کنند و بیست روز هر روز آب بران ریزند و بعد
از ان بر آرند و بشویند و با آب و عسل بجوشانند تا بقوام آید مربی پوست بیرون پسته

جهت تقویت معده و جگر و دماغ و امراض مزمنه بغایت نافعست ص پوست بیرون
پسته سبز بگیرند و بدستور مربی اترج بپزند مربی پوست ترنج دل و معده را قوت دهد
فرح آورد ص پوست ترنج را و ریگ ریگ کنند و آب بجوشانند تا نیم پخته شود
آورده بفشارند عسل صاف بر سر آن کنند و باتش نرم بجوشانند تا بقوام آید و اگر قند خواهند
همین دستور است و دیگر مربیات مفید هر باب در علاج الامراض مذکور است مرهم
گویند اختراع بقراط است و تصریح نموده است که قوت مراهم در تنها باقی می ماند و آنچه صمغ
بسیار داشته باشد قوت آن تا بیست سال باقیست و بعضی اعتقاد آنست که هر چه با
روغن زیتون ساخته شود قوتش ساقط نمیگردد و آنچه در شحوم ترتیب یابد قوتش تا یک سال
می ماند و شرط آنست که ادویه شش جزو و روغن پنج جزو و موم نصف روغن بیاید لیکن
این شرط در اکثر نسخهای قدما هم یافته نمیشود پس معلوم شد که این شرط علی سبیل
اولویت است نه علی سبیل الوجوب مرهم مخصوص جراحات است و ضماد اعم از مرهم
جهت مبرودین روغن زیتون و در غیر آن روغن زیتون نارس که زیت الانفاق است
و در اسور یابسه روغن کنجد کنند و موم را اول با روغن و شحوم بگدازند و از سر آتش
بزیر آورده و ادویه صمغیه را در وحل کنند پس ادویه مسحوقه را مخلوط سازند و طریق حل
عنبر و مصطگی و علک البطم و موسیائی و سکبینج و امثال آن چنان است که ظرفی را پر آب
کنند و بر آتش گذارند تا آب بجوشد آید و در ظرفی کوچک از روغن مخصوص پر نموده در میان
آب ظرف اول سه پایه بگذارند تا روغن آب شود پس عنبر و امثال آن را در روغن
بریزند تا حل شود و بعد از آن سایر ادویه را مخلوط سازند مرهم که در رض گوش بعد از
فصد و تنقیه بکار آید ص بارزد نصف جزو صمغ البطم زفت هر یک یک جزو قیروطی از شحم
بط درست کرده بر سر آتش باشد که این ادویه بیامیزند مرهم هوجوه یعنی شنگار جهت
فرحه گوش و سیلان مده و تسکین وجع منقول از بقائی ص انزروت از هر یک یک درم هوجوه

در بیان قوت مراهم
دوم مراہم بس دلسوان حصہ ہونا احیاء
مزاج مراہم
خشک کرنے والی مراہم روغن کنجد
یا پکش طریق حل کرنے کا عنبر وغیرہ

و درم موم سفید روغن کنجد ده درم مرهم ساخته بکاغذ خطائی فتیله کرده در گوش نهند مرهم خل
جهت جراحت اندرون گوش ص سرکه هفت درم عسل هشت درم باهم بجوشانند تا بقوام آید پس
دو درم زنگار سوده بران افشانند و مرهم سازند و فتیله کرده در گوش نهند مرهم مجرب و مخترع
حکیم علی در قروح بطئه اندمال که در بینی باشد ص گل بنفشه مثقال در آب طبخ نمایند و بعد از آن
مالند و مالیدن تنگ که آب لعاب گردد پس صاف نمایند و یک مثقال بهدانه و یک مثقال
مثقال موم سفید ممزوج ساخته مثل مرهم سازند مرهمی گوشت برویاند و جراحت خشک کند
حرارت بنشاند ص سفیداب ارزیز موم سفید از هر یک دو درم روغن گل دو درم بطریق
معروف مرهم سازند مرهمی از بیاض عم مرحوم ص موم سفید یک مثقال را در روغن گل
یک مثقال گداخته سفیداب مرداسنگ از هر یک نرم کوفته مخلوط ساخته مرهم سازند و اگر
حاجت شدید باشد سفیده تخم مرغ بعد فرود آوردن از آتش و سرد شدن و قدر دو ماشه کافور
بیفزایند و در انیوقت ناسیده میشود مرهم سفیداب کافوری مرهم منقول از بیاض عم مغفور
جهت قروح مجرب ص سعد مازو زعفران پیه ماکیان روغن بدستور
مرتب سازند مرهم برای خشک ریشه و سفال ص اکلیل الملک
گل خیرو هر یک یک توله نرم کوفته در آب بجوشانند پس صاف نموده در روغن
کدو روغن بادام مغز قلم گاو هر کدام سه درم زرده تخم مرغ یک عدد
اضافه نمایند وقت فرود آوردن یک درم و نیم مرداسنگ سائیده داخل نمایند
مرهم جهت شقاق و خشکی لب ص چربی مرغ بروغن گل گداخته کتیره سفید اسفیداج
نشاسته مازو نرم کوفته بهم آمیخته بر لب گذارند و موضع شقاق از هوا نگاه دارند مرهم
جهت بواسیر شفقت بکار آید ص خبث الحدید مرداسنگ سفیداج زعفران شب
یمانی با روغن مرهم سازند مرهم نافع باوجاع عنیفه و طحال و معده و صلابتی که عارض
شود و باینها از حرارت ص زعفران دو درم قردمانا فلفل قسط سلیخه عاقرقرحا اشق

مرهم سرکه
مرهم خبث الحدید برای بواسیر

مصطکی مرمکی میعہ سائلہ زراوند مدحرج زراوند طویل سعد اکلیل الملک لادن قرنفل ہریک
چہار درہم ایرسا روغن بلسان پیہ بط پیہ گاو صمغ درخت بادام تلخ ہریک پنجدرم موم روغن کہ از
ناردین ساختہ باشند بسرشند و بکار برند و اقسام صلابات برطرف سازد مرہم برای شقاق
مقعد و ورم گرم ص موم سفید ضمادروغنی بدستور مرہم سازند مرہم کہ شقاق مقعد و ورم گرم را
مفید بود ص موم سفید دو نیم درم روغن دہ درم مردار سنگ نشاستہ از ہر یکدو درم افیون
درم کافور نیمدرم ہمہ را نرم نمودہ و روغن اگرم ساختہ موم در وگداختہ بعد از ان ادویہ مسحوقہ
آمیختہ با سفیدہ تخم مرغ سازند مرہم ہرگاہ شقاق مقعد ورم نباشد بکار آید ص موم روغن
کنجد پیہ بط مغز ساق گاو و گوہان مقل بگیرند مقل را بلعاب تخم کتان حل سازند و باقی گداختہ
مخلوط نمایند مرہم برای شقاق مقعد ص اول قیروطی بروغن گل و مغز ساق بقر و قدری
مقل سازند وقت فرود آوردن مردار سنگ سائیدہ و سفیدہ مغسول و اندک خاکستر حلزون
انداختہ فرود آیند و در ہاون یا در ظرفی انداختہ کفچہ زنند تا زمانی صباح او قدری قدری و عرق
انداز ند تا قوام درست و برابر شود مرہم کہ برآمدن مقعد و وجع آنرا مفید است ص عنب الثعلب
عدس مقشر ہریک سہ مثقال گل سرخ دو مثقال کوفتہ بیختہ بآب کشنیز تازہ بیختہ زردہ تخم
مرغ و روغن گل داخل نمودہ مرہم سازند منقول از بیاض عم مرحوم مرہم بجہت بواسیر مقعد
ص آب کند نابست درم مقل ازرق دہ درم مغز قلم گاو روغن زرد آلو ہر یک یک اوقیہ
مقل را بآب گند نا حل نمودہ داخل کردہ بجوشانند کہ آب جذب شود پس مغز ساق گاو
نرم کردہ و قدری موم سفید داخل کردہ مرہم سازند مرہم کہ بجہت نواسیر نافع آید و اندمال
جراحت قدیمہ نماید ص مردار سنگ گلنار زردچوبہ خون سیاوشان شب یمانی ہر سہ
سائیدہ اگر سرخ باشد بہتر شاخ گوزن سوختہ موم سفید ہر یک یکتولہ روغن زیت چہار
تولہ بدستور مرہم سازند مرہم شادنج بواسیر و شقاق مقعد را نافع بود ص شادنج مغسول
گل ارمنی عصارہ لحیۃ التیس ہر یک سہ درم افیون نیم مثقال و چہار حبہ سفیدآب دو درم

مرہم بواسیر مقعد

مرہم نواسیر

زعفران یکدرم روغن بنفشہ بادام گلنار ہر یک دہ درم موم سفید پنجدرم موم را در روغن
بگدازند و دارو ہا را کوفتہ بیختہ ممزوج نمایند و بادہ درم شیر دختران در ہاون نیک بمالند تا بہم
آمیختہ شود مرہم کہ بواسیر را نافع باشد ص میعہ سائلہ یکدرم مقل دو درم روغن مغز زرد
آلو دہ درم مقل و میعہ را در روغن بگدازند و مرہم سازند مرہم جہت بواسیر عظیم النفع است
ص پیہ بط پیہ مرغ از ہر یک پنجدرم مغز ساق گاو پنجاہ درم روغن مغز زرد آلو تلخ مغز شفتالو
روغن گل از ہر یک دہ درم میعہ سائلہ دو مثقال مقل بیستدرم آب گندنا بقدر حاجت موم سفید پنجدرم
مقل را در آب گند نا حل کنند و روغن را با موم بگدازند با میعہ و مقل در ہاون محلول ساختہ اعمال
نمایند مرہم کہ بار ہا در ورم رحم و صلابت آن تجربہ درآمدہ ص موم روغن گل مغز ساق
گاو چربی گردہ بز از ہر یک یکتولہ زردی بیضہ مرغ یکعدد زعفران بابونہ کندر از ہر یک سہ ماشہ
ہر سہ ادویہ را سائیدہ با ادویہ سابق بعد از انکہ ہمہ را بر آتش گذاشتہ یک جا کردہ
باشند آمیختہ مرہم سازند مرہم برای عذیوط ص روغن آبی روغن حنا و کہربا اقاقیا سوختہ
خشک برگ حنا نرم کوبیدہ از مجموع مرہم ساختہ دایم بر عضل مقعد استعمال کنند مرہم
این مرہم نجوی دیگر بگیرند یکعدد بہ شیرین و میان آنرا خالی کردہ کہربا اقاقیا سوسن خشک
برگ حنا کوفتہ درمیان او پر کردہ بگل بگیرند و در زیر خاکستر گرم بختہ نمایند پس بر آرند و گل جدا
کردہ بہ را بکوبند تا چون مرہم شود و ہمیشہ بر مقعد استعمال نمایند مرہم کہ جراحت قضیب اسود
دارد ص بست درم توتیا صلایہ کردہ با بیست درم موم در پنجاہ درم روغن گل انداختہ مرہم
سازند مرہم تالیف والد حلوئیخان حکیم مذکور نوشتہ کہ بجہت قرحہ قضیب بی نظیر است ص
رال سفیدآب قلعی دم الاخوین مردار سنگ توتیای کرمانی سرنج توتیای ہندی گلنار فارسی
فلفل از ہر یکجزوی موم دو جزو روغن گاو پانزدہ وزن موم توتیای ہندی را در سفال
آب ندیدہ بریان کردہ با باقی ادویہ کوفتہ بیختہ موم را بروغن گداختہ ادویہ بآن مخلوط کردہ
مرہم سازند و پارچہ کتانی نازکی را باندازہ زخم مقراض کردہ مرہم را بران بمالند چنانکہ تارہای

مرہم بواسیر

مرہم بواسیر عظیم النفع

مرہم مجرب برای ورم و صلابت رحم

کتان نمایان باشد بر روی زخم بگذارند و هر روز یکمرتبه زخم را با آب برگ حنا یا آب چوب چینی بشویند و از
نو مرهم را بروی پارچه که از روز گذشته کوچکتر مقراض کرده باشند مالیده بچسپانند تا آنکه زخم رفع گردد مرهم
نافع جهت قروح خصیتین و خنازیر و سرطان ص مرداسنگ قنه از هر یک پنجدرم لبان
اشق از هر یکده درم علک البطم شش درم صمغ عربی ده استار زنجفر شش درم زیت بمقدار که
کفایت کند بدستور مرهم سازند مرهم از برای قروح رطب مفتح اعضای تناسل و قنیکه بتخفیف محتاج
قوی باشد ص توتیای کرمانی صبر سقوطری انزروت سفید کندر شادنج مغسول پوست درخت
غرب سوخته شب یمانی زاج سفید محرق مازو گلنار اقاقیا اجزا مساوی زنگار نیم جزو اقماع
دو جزو مجموع را با روغن گل مرهم سازند مرهم همین منفعت دارد ص خبث الحدید
بسرکه سوده دم الاخوین کاغذ مصری سوخته شب یمانی سوخته اجزا مساوی کوفته بروغن
گل سرشته مرهم سازند و اگر بوده باشد قرحه عمیق کندر دقاق کندر و صبر اجزا مساوی داخل
کنند مرهم که در روز قروح قضیب ابا اصلاح آرد ص قنه توتیای کرمانی مازو سبز از هر یکدو
درم زاج محرق انزروت سفید دم الاخوین از هر یک یکدرم کوفته بیخته موم سفید بروغن گل گداخته
ادویه را بآن ممزوج کرده مرهم سازند مرهم از مجربات حکما بجهت جراحات قضیب و خصیه
ص انزروت سفید مردارسنگ سفیداب قلعی از هر یکدو مثقال کوفته بیخته موم سفید یکمثقال
و نیم بروغن بنفشه بادام گداخته ادویه را بآن ممزوج کرده سفیده تخم مرغ یکعدد داخل کرده
در هاون بدسته بمالند تا خوب مخلوط شود و استعمال نمایند مرهم دیگر بجهت قرحه و خصیه و حوالی
آن ص تیواج پوست هلیله زرد شیح محرق توتیای کرمانی شب یمانی از هر یک یکمثقال مردارسنگ
دو مثقال مازوی سبز سورنجان یکعدد صبر سقوطری طلق محلول مرجان قرفری مرجان سفید از هر یک نیم مثقال
شیرخشت خراسانی یکمثقال افیون نیم مثقال زعفران دو دانگ صابون قی قدری موم زرد غیر مستعمل
روغن گل سنج روغن شیح ضعان ادویه را نیکو سحق نموده موم و صابون را بروغن ها گداخته
ادویه را بآن مخلوط کرده در هاون بدسته بمالند تا هموار شود و بر روی پارچه کتان شسته

سنگ بصری

مالیده بر موضع زخم بگذارند مرهم که چیزی که دسومات ندارد و بآب درست بشوید و استعمال
آب در حین استعمال این مرهم ضرر ندارد و بجمیع اقسام قروح و خروج نفع تمام دارد حتی ناصور
را باصلاح آرد ص مقل سیماب هر واحد یکدرم حضض هندی دو درم مقل حضض
در صلایه بآب حل کرده که خوب مضمحل شود باز سیماب داخل کرده بسایند که خوب باریک و
یکذات شود پس استعمال نمایند مرهم چوب چینی از مجربات صاحب قادری است او
نوشته که در شبانه روز رفع دانها و زخم آتشک میکند و از اسرار است ص کز و چوب چینی
نیمدرم شنگرف ده درم توتیای هندی شسته بیست درم یازده تخم مرغ که زیر خاکستر پخته
باشند و بقدر سرشته استعمال نمایند و اگر چوب چینی نباشد سیماب را بکه پاس بگذرانند تا
سیماب در آن ناپدید شود پس که پاس را بسوزانند و خاکستر او نیم مثقال کنند مرهم بعد از آنکه
پوست از سوختگی آتش افتاده باشد بکار آید ص آهک آب نادیده بگیرند و هفت بار بشویند
و خشک کنند دو چهار اوقیه موم صاف وسی اوقیه روغن گل علی الرسم مرهم سازند مرهم
اشق در تحلیل صلابات و سلعه نافعست ص خردل کف دریا زراوند طویل کبریت اصفر
مقل اشق هر یکجزو زیت کهنه دوازده جزو ادویه را بنهایت باریک بسایند که مثل
غبار گردد و مقل و اشق را در زیت حل کنند و دو جزو موم زرد گداخته اضافه نمایند و ادویه
را بران ریزند و بمالند تا مرهم شود و چون خواهند که استعمال کنند یک جزو روغن گل و یک
جزو از این مرهم و یکجزو زیت باهم مخلوط کرده و اجتناب از سردات و مرطبات و التزام گرم
و تشنگی بیمار را لازم است و گاهی ادویه این مرهم باریک سائیده غیر از زیت و موم در سرکه
حل میکنند و می بندند همین عمل میکنند بلکه قوی تر میگردد و لیکن گاهی جراحت قلیلی می نماید
و اگر دبیلی عظیم عسر النضج باشد با کفک پخته شود دو توله این مرهم و ده توله گل خطمی برگ آن
سائیده بنهایت خوب پخته باشند که مثل خمیر شود و در آخر قدری گلاب بروی در آن ریخته
باشند ضم کنند و در هم مالیده گرم برو بندند و در سرعت نضج کار یک ماه در سه روز میکند مرهم

که جهت زخم بندوق و مانند آن و برای ناصور و هر گونه جراحت عسر البرء و قروح خبیثه سوداویه
که بهیچ دوا به نشود سود دارد و صاحب قادری گوید که حق آنست که این مرهم عدیل ندارد
و با وجود این بمرهم دیگر حاجت نمی افتد ص شب یمانی نیله تهوتهه هر یک یکتوله و سه ماشه
کات سرخ پاپڑیا رال روغن کنجد آب چاه شیرین تازه از هر یک پختوله نخست آب در روغن
را یکجا کرده در ظرف کانسی که مستعمل نموده است بدست کف مال کنند تا مثل دوغ شود
پس دوا‌های دیگر که هر یک را جدا کوفته باریک بیخته موازنه نموده باشند دران آمیزند و یکبار آن
دیگر بلکه دو یا سه بکف دست می مالند تا جمله یکذات شود و بقوام می آید پس در ظرف چینی
یا نقره نگاه دارند و وقت حاجت استعمال نمایند و نمک در خرقه کرده نکمید حوالی قرحه و جراحت
نموده باشند که معین عمل مرهم است مرهم که آنرا مرهم اربعه هم گویند سلعه را نرم سازد و تحلیل
برد و نافع بود تقروح و خروج اورام بارده ص راتینج پیه گاو زفت مساوی در مرهم سرشته
دبق اضافه نمایند و استعمال کنند و در بعضی نسخ بجای دبق قند سلیخه بنظر آمده و در بعضی
نسخ بجای پیه گاو موم دیده شده مرهم اندمال قروح کند و صالح است بمواضع عصبانیه
بی جراحت ص مرکی راتینج علک الانباط هر یک اوقیه زفت هشت اوقیه یکرطل موم و
زفت را و زیت بگذارند و دیگر ادویه کوفته بیخته با آن بیامیزند و در هاون بسایند تا مستوی
گردد مرهم جهت برص مجرب ست و بهق را فور ازائل کند ص نحاس محرق زرنیخ زرد
شیطرج اکلت راوند مساوی باریک ساخته در بول صبیان آمیخته هر روز در آفتاب گذارند
و حرکت همی دهند و اگر عوض بول سرکه تند کنند نیز رواست و وقت استعمال موضع را ببول
صبیان یا سرکه انگوری بشویند و بمالند مرهم جاذب پیکان و خاران کند و جراحت و ناسور را
ببرد و قروح حاره را فراهم آورد ص راتینج ربع رطل موم علک البطم هر یک ثلث رطل
زیت یکرطل همه را بر آتش نرم بگذارند و بوره ارمنی ده اوقیه باریک ساخته و صاف
سازند و نیک درهم کنند و بکار برند مرهم جو دار از مخترعات حلی است و منافع این مرهم

منافع روغن دیودار است که در روغنها مسطور شد ص جدوار غاریقون مثقال قنه نیم اوقیه ند د
چوب دیودار اصل السوس برگ حنا و دو سقف خانه کسی که بخود بریان کنند هر یک اوقیه پوست
درخت مغیلان برگ درخت نیب هوچوبه هر یکده اوقیه چوبها و بیماد پوستها را کوفته خوب
در کهرل سحق کنند پس با دواهای دیگر سوای قنه یکجا کرده در دو نیم من آب با تش ملایم بجوشانند
تا ثلث آب بماند ثفل را خوب فشرده دور کنند و روغن کنجد بیست اوقیه داخل کرده باز با تش
ملایم بجوشانند که آب قریب بجذب شدن رسد و اندک بماند پس اندکی ازین روغن گرم گرفته
دران بگذارند او قنه گداخته را با دو اوقیه موم زرد مضاف روغن او ختم بجوشانند تا آب بالکل
خشک شود و مثل مرهم گردد مرهم نسخه شفائی اندمال جراحت و قروح عفنه کند و گوشت فاسد
بخورد ص مردارسنگ صلایه نموده باده درم موم سفید در بیست درم روغن گل حل کنند و
قدری قدری سرکه اضافه کرده مرهم سازند مرهم جهت اورام حاره مجرب است ص خولان
یعنی حضض هندی یکدرم موم سفید دو درم روغن گل روغن بنفشه هر یک چهار درم حضض
بسیار باریک ساخته با روغنها که موم بران مذاب باشد بسرشند مرهم خمیر خراج پخته را بشگافد
و از شگافتن با آله مستغنی کند ص بوره ارمنی و دبق متقشر هر واحد یکدرم صابون دو درم خمیر مایه
سه درم آهک آب ندیده پنجدرم جاوشیر سرگین کبوتر و مرغ هر یکده درم بروغن زیت بسرشند مرهم
داخلیون لفظ سریانی بمعنی لعابی است بقراط تالیف وی کرده پس ازان هر یکی تصرف
دران نمود متفاوت در بعضی اجزا و اوزان ازین راه و اصل دران زیت و مردارسنگ و
لعابها است و بالجمله مرهمی است نافع بانضاج اورام و تسکین خراج او جاع حاره و اورام گرم
نماید و تحلیل خنازیر و صلابات و سلعه و تعقد عصب ریاح و تخمه کند ص روغن زیت کهنه
سی تا چهلدرم مردارسنگ بیستدرم تخم خطمی تخم مرو اسبغول حلبه تخم کتان پنجدرم تا هفتدرم تخمها
را شب در آب تر کنند و صباح لعاب غلیظ ازان بگیرند و مردارسنگ باریک ساخته در روغن
انداخته بر آتش نرم بگذارند و بچیزی حرکت دهند تا روغن با مردارسنگ بسته شود پس ازان که روغن

سیاه داخل کرده ظرف را از آتش فرود آرند و لعاب بعد از ان انداز ند و بجوشانند تا غلیظ گردد پس فرو گیرند و برهم زنند تا آنرا امتنانی حاصل آید مرهم طبرے

که طبرے در معالجات بقراطی وصف آن نموده گفته قد عالجت اوستاذے آیا تا ً یصر من سلعه صلبة ظهرت تحت ماليض ركبته وفنزع من مسلما بالحديد فالزمته

هذا المرهم بعد مرهم الاسبرنج فزالت السلعة بالواحدة ولم يكن لها عوده ص لو

اسبغول تخم حلبه لعاب تخم کتان مردارسنگ خام هر یکصد درم روغن زیت اخضر یک رطل

صغیر همه را یکجا کرده بآتش نرم بجوشانند پس ازین ادویه بیامیزند طین زفت که عبارت از اجزای

ارضیه است که وقت اذابه برفت منتقل میشود پنجدرم یا زفت نصف وزن آن خاکستر چوب

انگور پنجدرم آرد ترمس ملح سه درم زنگار یک درم و نیم برهم زنند تا چون مرهم شود بکار برند مرهم

نسخه دیگر از حکمای هند بهت انبات لحم و دفع گوشت فاسد و برای جراحات مزمنه عسر البرء

قروح آتشک و ناصور نافعست ص کافور قیصوری رال کاته هر یک چهار مثقال کوفته بیخته با روغن

گاو تازه مساوی مجموعه باشند در ظرف آهنی گداخته اول رال را ریخته دو سه جوش دهند پس کاته را

بدستور پس کافور بریزند و دیگر دو جوش دهند و قروح قدیمه را تا سه روز با قدری فوفل سوخته استعمال

کنند بعد از ان تنها بکار برند مرهم که مسمی بمرهم سلیخه و مرهم عیسی و اجزاء این نسخه دوازده عدد

است که حوارین جهت عیسی علی نبینا علیهما السلام ترکیب کرده اند و برای تحلیل اورام صلبه

و خنازیر و طواعین و سرطانات و تنقیه جراحات از گوشت فاسد و اوساخ و جهت رویانیدن

گوشت تازه و رفع شقاق و آثار حکه و جرب و سعفه و نواصیر و بواسیر سود دارد ص جاوشیر زنگار

مرصافی هر یکدو درم کندر زراوند طویل هر یک سه درم مقل ازرق مردارسنگ چهارده درم

و نیم اشق هفتدرم موم سفید راتینج از هر یک چهار درم انچه سائیدنی است بسایند و مقل را

در سرکه حل نمایند و غیر آن را در زیت آب مذاب سازند و ادویه را بدان بسرشند پس اگر

هنگام سرما بود زیت یک نیم رطل بگیرند و در زمان گرما یک رطل و بدانند که در بعضی نسخه ها مرتک مطبوخ

است و در بعضی عوض راتینج علک البطم مسطور است و بدل مرتک سکبینج یکدرم و دیگر سه اجزا

بحال عدد او وزن اما مرهم بجهت پاک کردن چرک و گوشت مردار و پر کردن زخم عمیق و صلاح

اقسام و التیام جمیع قروح مفید است ص اجمود که دوائی هند است سنگ بصری کات

سفید قنبیل توتیای سبز نیله تهوتهه مردارسنگ هر یک پنجماشه موم زرد دو دام روغن چهار دام حالیکه

متفرق مرهم سازند و بآب خالص پنج شش بار بشویند مرهم جهت جراحات مزمنه بغایت مجرب

و ثانی اثنین مرهم رال است و باعتدال اقرب ص انزروت کاغذ کبود سوخته پوست درخت

کاج روتاس کات هندی هر یکدو درم مردارسنگ مغسول سه مثقال سفیده ارزیز مغسول پنجدرم

موم سفید پنجمثقال کافور قیصوری ده درم روغن گل بیست درم مرهم سازند مرهم که سرطان

متقرح و غیر متقرح را سود دارد ص سفیداب توتیای مغسول هر دو برابر با آب خرفه یا عنب الثعلب

یا کدو یا خیار یا لعاب اسبغول هر کدام که حاضر باشد سحق کنند و قدری روغن گل آمیخته بر نهند و اگر

سفیداب را تحت بروغن سحق کنند پس با آبها مسطوره هند نیز رواست مرهم که سرطان

متقرح را نافع بود ص بگیرند هاون دو دسته از آب و بهیند از ند و در ان گل ارمنی مختوم و بسایند

که ممزوج بسرکه با شیر بانجه تا سیاه شود و اگر بادی روغن گل و آب حی العالم هم باشند نافع بود مرهم معروف

بقیروطی سرطان ص موم روغن از موم و روغن بنفشه و از آتش فرود آورده لعاب بهیدانه

و قدری بیه گرده بز و زوفای تر و قدری صبر سقوطری داخل ساخته آب تراشه کدو و آب عنب

خبازی تشرب کرده مختلط نمایند بعد از انکه فصد و استفراغ کرده باشند مرهم سرطان و خنازیر

را نافع بود دو درم راتینج گرداند ص مردارسنگ پنجدرم علک مرنج هر یک هشتدرم کندر

بازرد اشق موم هر یکده درم روغن زیت بقدر حاجت مرهم سناکله را نافع بود معمول

عم مرحوم است ص مازو مردارسنگ زرد چوب از هر یک یکجز و گلنار برگ مورد بار تنگ

سبز از هر یکد و جزو با موم و روغن گل مرهم سازند مرهم در جمیع انواع سعفه مجربست

ص کافور ریاحی شش سرخ زرد چوب گل سرخ اقاقیا مغسول هر یک یکدرم گلنار کاغذ سوخته هر یکدو درم

سفیداب سه درم موم زرد هفت درم روغن گل هشت درم مرهم جهت خروج و قروح آتشک و دفع
خارش منقول از بقائی ص سیماب گوگرد توتیای سبز مردار سنگ فوفل سفید سوخته
کات هندی هر یک یکدرم روغن گاو ده درم مرهم که دمامیل و سایر جراحات متعفن را
پاک کند ص انزروت و عسل هر دو را برابر باهم بسایند و بکار برند و بعضی نخست عسل
تنها می جوشانند تا که غلیظ گردد بعد ازان انزروت سحق کرده می آمیزند و این مرهم جهت تنقیه
بر جراحت و سخه و امتصاص قیح بتمامه مجربست مرهم قروح عفنه را نافعست ص
سرکه عسل هر دو جدا یکدرم باشد باهم بجوشانند و بقوام آرند پس زنگار یکدرم انزروت دو
درم سوده دران افشانند و مرهم سازند مرهم بجهت هر زخم و ریش از جمله عجائبات است
ص اول پنبه کهنه را در ظرفی بسوزانند و خاکستر نمایند و خاکستر مذکور ریزه ریزه کنند و بقدر ششتر
بهلولی بگیرند و نصف موم و برابر آن نخ خراسانی و بوزن نخ بهلولی روغن گاو و دو درم نیله توتیه
طریق ساختن اینست که روغن را در ظرفی گرم کنند و موم را در و اندازند چنانکه گداخته
شود بعد ازان خاکستر پنبه در روغن اندازند و نخ سائیده سرمه سا نموده بیندازند و نیله توتیه بالا
انگشت دارند و بریان نمایند لیکن احتیاط کنند که سوخته نشود و سائیده نیز در و اندازند بعد
ازان بیک چوبی همه ادویه را حل نموده فرود آرند و نگاهدارند و بوقت حاجت بکار برند
بسیار مجربست مرهم برای بواسیر هر گاه درد شدت نماید بگیرند برگ کرنب با آب مرو طبیخ
دهند تا مهرا شود و دران اندازند در روغن گل و مخ ابیض و قلیل آن اضافه نموده خوب
دلک نمایند تا خوب مخلوط شود و بکار برند مرهم برای یبوست و داد مجربست ص
حلک البطم مقل زراوند مدحرج از هر یک سه ماشه روغن گل چربی نیز موم از هر یک یکتوله مرهم
و نیل را به نیز اندود دین فی الکند باده را بیرون آرد و دیگر روز کار میکند ص زفت رومی زنگار
ابیض مرد اجواین بزر کتان حلبه راتینج بازرد جاوشیر مقل توتیای زنجبیل ریوند چینی خیسو بنز
شیر انجیر شیر اکهه ادویه کوفته بیخته در شیرها سحق نموده موم را گداز نموده مرهم سازند مرهم

برای پر کردن زخم و دمبل و جز آن ص روغن کنجد چهار دام موم کافوری دو دام سنگ بصری
دو دانگ مردار سنگ دو دانگ سیندور یکدانگ روغن را بر آتش خوب گرم نموده سیندور
در و اندازند و بسوزانند که سیاه شود بعد ازان موم اندازند بعده ادویه را انداخته فرود آرند
مرهم که رفع آتشک کند ص زنگار سیماب از هر یک یکتوله مرسفید دو توله روغن گاو دیم
بدستور مرهم سازند مرهم برای پر نمودن زخم نظیر ندارد و تحلیل اورام و صلابات نماید
ص روغن گل نیم پاو سیندور سه درم کافور سه ماشه اول شلجم را پارچه پارچه نموده در روغن
خوب بریان کرده دور نمایند و از آتش فرود آورده سیندور را از چوب نیب حل نمایند
بعد ازانکه خوب حل شود کافور هم حل نمایند و در بعضی نسخه کافور نیست مرهم برای خوردن
گوشت زاید مکرر تجربه رسیده ص حب السلاطین چهار جزو زنگار دو جزو هر دو را خوب
سائیده بر موضع چسپانند و بالای آن یکی از مراهم دیگر گذارند مرهم دیگر جهت تحلیل اورام
و صلابات و اقسام استسقاء و صلابات تحت جلد و اخراج نافعست و مجرب ص سر قنای
سرگین کبوتر استه خرما شلیم اجزا مساوی زفت رومی مثل مجموعه ادویه مذکوره زفت را به پیه
مرغابی گداخته ادویه را کوفته بیخته بآن سرشته مرهم سازند مرهم که برای بر آمدن مقعد نافع آید
و وجع را زائل گرداند و درین باب مجربست ص عنب الثعلب سه ماشه گل سرخ عدس
مقشر از هر یک دو ماشه بکوبند و بآب کشنیز تر بیخته و زرده تخم مرغ و روغن گل داخل نموده مرهم
ساخته بمقعد گذارند مرهم برای چهاجن و آثار مواد سوداویه و یبوست آن مجرب عم مرحوم
راقم ص گل بنفشه ریشه خطمی هو چوه از هر یک یکتوله روغن چنبیلی دو توله روغن یک توله
چربی گرده بز موم سفید آرد جو ساق گاو از هر یک یکتوله هر سه ادویه را در آب شب تر نمایند
لعاب آنرا بگیرند و بدستور مرهم تیار نمایند مرهم هر نوع دمبل را پخته سازد و چرک برآورده بزودی
کند ص تیل کنجد سفید ده دام سفیده یکدام اول سفیده را خوب باریک صلایه کنند و در
روغن کنجد انداخته و ظرف آهنی بالای آتش گذارند و آتش را نرم برافروزند و به چوب درخت

مرهم تحلیل صلابات تحت جلد

مرهم چهاجن

مرهم سیاه

درخت نیم بجنبانند تا وقتیکه بقوام آید علامت قوام آنست که چون یک قطره ازان لبسر چوب گرفته
در آب اندازند در حال بسته شود و چون سر بشم گردد بعد ازان از روی آتش فرود آرند و چون
خشک شود بره‌ی پارچه مالیده بر دنبل نهند اثر تمام بخشند و زود به کند مرهم از میر گیلانی ص
روغن گاو خالص ده درم سیند ور مردار سنگ از هر یک یکتوله نیله تهوتهه کف دریا تولچه را ل
تولچه اول موم را در روغن در ظرف انداخته بر آتش گذارند که منحل شود بعد ازان این اجزا را کوفته
اضافه نمایند و خوب حل کنند و آن ظرف را در طاقی که آب سرد انداخته باشند گذارند که خشک شود
مرهم ناسور باسوختهای و غیره ضربهای اص زر چوب مردار سنگ از هر یک ده درم نرم سائیده و با چهار
مثقال روغن گل و بیست درم موم و آب خالص بمقدار که ادویه را به پوشاند با آتش نرم چندان
بجوشانند که مثل مرهم شود مرهم جهت تشنج جراحات آزموده است و جهت پاک کردن چرک
و رفع ریم و درم جراحت آزموده است ص آرد گندم را با قدری روغن گل و اگر نباشد روغن
طعام و زرده تخم مرغ و چندان روغن مخلوط کرده استعمال نمایند مرهم از مجربات والد حکیم مومن
در سایر قروح سوداوی و اورام بارده نیز مفید است ص سنبل الطیب حماما قرومانا دار فلفل
کبابه سلیخه قسط تلخ عاقرقرحا مصطگی مرصاف حب بلسان اشق صبر زرد روغن زیتون یک
رطل و قیه زعفران نصف او قیه علک البطم موم هر یک سی مثقال روغن ناردین شل جمیع
مرهم برای شقاق دست و پا و خشکی آن مجرب ص گل خطمی گل بنفشه نیم توله خسکدانه دو توله
مغز تخم کدو دو توله بیه گرده بز چهار توله موم سفید توله هوچوه سه ماشه گل خطمی و هوچوه و گل بنفشه
را شب در آب تر کرده لعاب آن بگیرند و خسکدانه و مغز تخم کدو را شیره بر آرند و موم و بیه را در روغن
گداخته با ادویه مذکوره بدستور مرتب سازند معجون از مجربات شیخ داود مسهل اقسام صفرا
و جهت صداع و شقیقه و امراض چشم و حکه و جرب بیعدیل و جهت سرعت انزال و باه مجربست و بارد است
در اول و تر در دوم ص گل بنفشه سنائی رب السوس هر واحد پانزده درم
خار القوابی و درونج بهمن ابیض بهمن غیر محرق هر یک چهار درم هلیله زرد و هلیله سیاه

جنبی سنبل الطیب هر یک شش درق گل تخم کاسنی تخم جترج از هر یکده درم صبر سقمونیا
از هر یک بیست درم صبر و سقمونیا را حل کنند در یک رطل از آب سیب و آب به و آب
انار و گلاب بعد ازان بگیرند سه وزن همه شکر سفید و بر آتش ملایم گذاشته حرکت دهند
و از آبهای مذکوره تسقیه میکرده باشند تا قریب انعقاد شود پس دواها دیگر کوفته بیخته داخل
کرده معجون سازند شربت ازین یکمثقال در گرما دو مثقال در سرما و در ملک هند بمثقال
مطلقا و قوت این تا هفت سال می ماند معجون برای امراض معده و سلسل البول نافعست
ص خبث الحدید ... در سرکه انگوری هفت روز بگذارد و هشت عدد و هلیله زرد و هلیله کابلی
سقشر هلیله سیاه پوست هلیله از هر یک چهار توله شونیز دو توله مصطگی زعفران از هر یک
دوازده ماشه جوز شامی نارجیل قرنفل زنجبیل دارچینی از هر یک یازده ماشه عسل سفید سه
وزن ادویه معجون مسهل برفق و جهت اقسام صداع مفید ص گل سرخ بادرنجبویه
گاوزبان گل بنفشه انجیر زرد منقی اصل السوس عناب سپستان در سه پاو آب بخیسانند
صبح بجوشانند چون ... درم بماند صافی نموده قند سفید نیم رطل در ان حل نموده بقوام آرند
و آخر قوام کشمش مسحوق با تخم نیم رطل اضافه نموده بقوام معجون سازند معجون نافعست
حکیم علی اسهال برفق و رفع مواد و حمیات و امراض دماغی و مفاصل می کند و از
هر قسم ماده که غالب بود دفع نماید ص سنائی رطل و نیم افتیمون بسفایج فستقی تربد سفید گل بنفشه
از هر یک نیم رطل زنجبیل هفت مثقال ادویه را بسایند و با پنج رطل خمیره بنفشه و یک رطل گلقند و نیم رطل
عسل خمیره کنند شربت از دو مثقال تا ده مثقال در آب حل کرده ملایم نمایند باهسته تا بجوش آید
پس از پارچه باریک صاف نموده بنوشند معجون قولنج رالغایت نافعست در اخراج مواد سوداوی نماید
ص رب السوس محموده نشاسته بسفایج فستقی گل سرخ هر یک پنج مثقال هلیله سیاه پوست هلیله کابلی
در روغن بادام چرب کرده تخم کافته هر یک بست مثقال سنائی گل بنفشه هر یک سی مثقال عسل و قند
همه عسل انگبین تا یکبار دران سنا و گل سرخ و بنفشه و هلیله سیاه هر یکده درم هلیله کابلی بیست مثقال جوشانیده

سقمونیا

باشد بقوام آرند وادویه کوفته بیخته دران لیس شند شربت پنج مثقال معجون شیخ داؤد گوید
که از جالینوس است منفعت بسیار دارد واخلاط لزجه ومحرقه وخفقان وصداع را زایل کند وقوت
آن یکسال باقی وقدر شربت از یکمثقال تا چهار مثقال ص زنجبیل مصطگی عود جوزبوا دارچینی هر
یکدرم سقمونیا چهار درم ونیم سنبل هشت درم تربد نه درم شربت سیب نود مثقال معجون توری اگر دردرا
پنجدرم اضافه نمایند پس بعینه معجون توری خواهد شد معجون مشهور اکبر است جهت صداع مزمن نافع بود
ورعشه وفالج وصرع ودوار واوجاع ودیگر امراض مزمنه را زایل گرداند وچون برقضیب طلا کنند نعوظ آرد وبا تب
بادیان تبهای کهنه را مفید آید وبآب بارتنگ نفث الدم را دور کند ص سلیخه اذخر هر یک
یک اوقیه جند بیدستر فطراسالیون هر یک پانزده مثقال تخم کرفس وقوسیاالیوس یکمثقال
قسط دارچینی اقراص افرقومیه سائله اسارون از هر یک شش مثقال فلفل سفید دوازده مثقال سنبل
هفت مثقال حماما زعفران دارفلفل از هر یک چهار مثقال انیسون و مثقال عسل صاف
سه وزن ادویه معجون سازند وبعد از شش ماه استعمال شربت از یکدرم تا یکمثقال نسخه افرقومیعا
کاد را دریمانتر گویند ودرین معجون داخل است حماما دارشیشعان قسط قصب الذریره قرنفل فلفل
ابیض نانخواه از هر یک سه مثقال فوه یکمثقال سنبل الطیب ساذج هندی هر یک هشت مثقال
مروا زیبی مصطگی زعفران هر یک شش مثقال کوفته بیخته بشراب صاف اقراص سازند قرصی
بقدر یکمثقال و در سایه خشک کنند معجون نجاح نافع اصحاب سودا است ونجاح بمعنی رستگاری می‌آید
از اعراض است ص هلیله سیاه وهلیله آمله هر یک یکدرم بسفایج افتیمون اسطوخودوس بدسفید خراشیده هر یک
پنجدرم کوفته بیخته بعسل لیس شند شربت پنجدرم واگر خواهند در اسهال قوی تر شود در هر شربت نیم مثقال
غاریقون و م سفید نیم حجر ارمنی نرم ساخته ممزوج نمایند معجون که سودا تفریح نافع بود از حکیم علی
ص خربق سک هر یک یکدرم قرنفل دو درم بادرنجبویه فرنجمشک پوست ترنج هر یک
سه درم جرمل شاهسفرم خربق سیاه گاوزبان هر یک پنجدرم اسطوخودوس ده درم افتیمون
پانزده درم هلیله سیاه بیست درم با عسل معجون سازند معجون که در مالیخولیا که از احتراق

نسخه افرقومیعا
وسکومص قرص
معاهی کتمین

نفس سودا باشد سود دارد واز مجربات است ص بیخ ابیض دو ثلث درم جنطیانا و دارشیشعان
گاوزبان ورق فرنجمشک هر یکدامی ونیم جرمل شونیز کندش هفت روز در سرکه خیسانیده و
خشک کرده هر یکدو درم شاهتره حب لغار ورق شکاعی اصل لفاح اسطوخودوس حشیش
غافث فوه سیعه سائله فطراسالیون تخم کرفس انیسون رازیانه افسنتین قرنفل قشور سلیخه مصطگی
هر یک سه درم زراوند مدحرج وطویل زرنباد غاریقون بهمن سفید از هر یک چهار درم هلیله
سیاه هلیله کابلی بیخ سوسن آسمان گونی سقمونیا وزبیب هر یک پنجدرم افسنتین افتیمون اقلیل سفید
شسوی هر یک هفت درم کوفته بیخته با سکنجبین که از سرکه عنصل ساخته باشند معجون سازند شربت
بقدر حاجت معجون که تنقیه سودا وبلغم از دماغ وتمام بدن کند ونافع است از برای مالیخولیا وجنون
ص افتیمون افریطی بسفایج فستقی پوست تراشیده سنائی غاریقون تربد سفید مدبر از هر یک
پنجدرم گاوزبان گیلانی اسطوخودوس از هر یک سه درم هلیله کابلی مقشر بادرنجبویه فرنجمشک
حجر ارمنی لاجورد از هر یکدو درم خربق سیاه یکدرم کوفته بیخته بعسل سفید مصفی سه وزن مجموع
ادویه معجون سازند معجون نافع برای مالیخولیای مراقی از مجربات محمد حسین ص آمله منقی بادرنجبویه
چای خطائی پوست هلیله کابلی طباشیر سفید از هر یک ده مثقال زعفران جوزبوا
ساذج هندی قرنفل بسباسه دانه هیل عود قماری از هر یکدو مثقال پوست زرنج پوست
بیرون پسته از هر یک سه مثقال قند سفید از هر یک نود مثقال گلاب هفتاد مثقال آب زرشک
پنجاه مثقال آب لیمو شصت مثقال آب سیب شیرین آب سیب ترش آب انار شیرین هر یک
هفتاد مثقال بقانون مقرر معجون سازند معجون از سید اسمعیل جرجانی برای مالیخولیای مراقی
ص بادرنجبویه پوست زرد اترج قرنفل مصطگی جوزبوا قاقله نارمشک بهمنین زرنباد درونج
عقربی تخم باقی فرنجمشک از هر یکدو درم ونیم مشک تبتی یکدانگ ونیم کوفته بیخته نگاهدارند پس بگیرند
پوست هلیله کابلی پنجاه درم آمله منقی هفتاد وپنجدرم در دو من آب بپزند تا بنیمه آید پس بپالایند
وبپالایند ونیم من عسل صافی داخل نموده بقوام آرند وادویه را با این معجون سازند معجون

محمد زکریا در هفته که نوبت صرع زائل کند و فالج ولقوه را به برص افتیمون اسطوخودوس بسفایج
قسمی اقرقرحا مساوی با سکنجبین عنصلی یا با آب سیب معجون سازند معجون برای اصحاب
صرع سفید ص هلیله کابلی هلیله زرد آمله اسطوخودوس هریکدو درم عود صلیب پنجدرم عاقرقرحا
سه درم زبیب منزوع العجم یک رطل معجون سازند هردو نسخه منقول از بیاض عم مرحوم معجون
برای صرع نیز منقول از بیاض مذکور ص هلیله کلان تربد سفید زنجبیل مصطگی عود صلیب از
هریک ست مثقال اسطوخودوس یکمثقال هلیله سیاه آمله هریک شش مثقال دارچینی چهار مثقال روغن
بادام شیرین پنجمثقال عسل سه وزن ادویه بعد از چهل روز استعمال نمایند شربت یک مثقال
معجون نسیان را نافع بود ص کندر وج سعد از هریکده درم زنجبیل فلفل از هریک پنجدرم
عسل دو چند تا سه چند شربت یکمثقال معجون برای نسیان وتقویت دماغ و دل مجرب
ص دارچینی قسم اول بهمنین سنبل الطیب حب بلسان عود صلیب مصطگی زعفران کندر
بیخ سوسن عقربی سعد وج اسطوخودوس کبابه چینی اسارون از هر واحد دو ماشه هلیله کابلی
مغز نارجیل هریک چهار ماشه ابریشم مقرض بیست ماشه مویز دانه بیرون کرده پانزده دانه مغز
فندق سه ماشه دار فلفل زنجبیل فلفل سفید از هریک یکماشه با نبات چهار دام و عسل نیم پاو کف گرفته قوام سازند
معجون یونس حافظه را قوت دهد و نسیان را نافع بود ص سلیخه وج زراوند زعفران دارچینی مصطگی
هریک شش مثقال تخم سداب فلفل سفید هریک هشت مثقال صبر شصت مثقال عسل دو چند
تا سه چند معجون لقوه و فالج و رعشه و بواسیر و بهق و برص را نافع بود و معده را قوت دهد و اشتها
آورد و بلغم دفع کند و قوت بیفزاید و رنگ را نیکو و سرخ گرداند و حرارت غریزی را
برافروزد و پیران را بغایت مفید بود ص سیر پاک کرده یک نیم من در یک من
شیر گاو بپزند تا مهرا شود و سه چهار یک عسل و سی درم روغن گاو بر سر آن
ریزند با یکدیگر ممزوج نموده از آتش فرود گیرند و این دارو ها را کوفته بیخته بآن
بسرشند قرنفل بسباسه جوزبوا فلفل مصطگی قاقله کبار و صغار دارچینی

حرارت غریزی را

زنجبیل هریک دو درم نخود خام زعفران هریک پنجدرم شربت مقابل گردکان معجون نایب
علونجان برای امراض سوداوی و بلغمی و او نوشته که تریاق جمیع سموم است و اگر در زمستان
چهل روز مداومت نمایند برای اکثر امراض مفید بود ص گل گاوزبان برگ بادرنجبویه
از هریک بیست و پنجمثقال بسفایج فستقی هلیله سیاه پوست هلیله کابلی عنب الثعلب از هریکده
مثقال و نیم مجموع را در دوازده رطل آب شیرین بجوشانند تا چهار رطل بماند صاف نموده پس
بگیرند شیر تازه پاک کرده یک رطل و در آن مطبوخ داخل کرده بآتش ملایم بپزند تا مهرا شود پس دو رطل
شیر گاو تازه در آن داخل کرده بجوشانند آن مقدار که وزن شیر برود پس یک رطل روغن گاو
خالص داخل نموده بجوشانند تا روغن را جذب کند پس عسل مصفی دو رطل داخل کرده
بآتش ملایم بقوام آرند زنجبیل و فلفل سیاه و سفید و دار فلفل سلیخه کبابه چینی خولنجان
بهمنین شقاقل گل بابونه مرزنجوش از هریک پنجمثقال عنبر اشهب زعفران هریک یکمثقال
کوفته بیخته بآن سرشته بدستور معجون سازند و در ظرف چینی کرده در جو نگاهدارند بعد از چهل روز
بکار برند شربت یکمثقال معجون نسخه میزان الطبایع از برای جمیع امراض سوداوی و بلغمی
و صداعی و ضعف دماغ و ضعف گرده و قلب و تمام بدن و وسواس فاسده و مالیخولیا و جنون
و نسیان و سل و زحیر و جراحات و نقرس و سرفه قدیم و بهق و برص و درد معده و طحال و یرقان
و اوجاع مفاصل و ذات الجنب و داء الفیل و حمی ربع و تقویت باه و بواسیر و تاریکی چشم و سنگ
گرده و مثانه مفید ص جنطیانا رومی قردمانا فرمشک تخم فرنجمشک حب الغار زراوند طویل انیسون
جند بیدستر حب بلسان اسارون سلیخه مصطگی هریکدو درم زعفران جوزبوا قرنفل چینی
قاقله کبار اشنه سنبل الطیب دارچینی هریک سه درم بادرنجبویه صبر سقوطری ده درم
تربد سفید مجوف خراشیده بروغن بادام شیرین چرب نموده بیست و پنجدرم عود
هندی خام دوازده درم لک مغسول ورد احمر منزوع الاقماع از هریک پنجدرم
سعد کوفی حب المحلب از هریک چهار درم هلیله سیاه آمله منقی پوست هلیله هریک شش درم تخم جرجیر

تخم پیاز تخم گندنا از هریک دو درم زرنب تیطرج هندی املج اسقیل مشوی از هریک سه درم مجموع
را کوفته بیخته بروغن بادام تلخ چرب نموده با سه وزن مجموع ادویه عسل مصفی بدستور سفرجل معجون
سازند و در ظرف چینی یا زجاجی کرده شش ماه در جو گذرانیده و بعد ازان استعمال نمایند و هرچند کهنه
شود بهتر گردد شربت از دو درم تا هفت درم و ازین معجون چهل و پنج جزو است و وزن
مجموع ادویه یکصد و پنجاه درم و نیم است و مزاجش گرم در اواخر درجه دوم و خشک در اوایل
درجه سوم و مشهور میان اطبا شربت ازین معجون از دو درم تا پنجدرم است و در اختیارات
بدیعی بجای تخم فرنجمشک فنجنکشت است معجون جهت تقویت دماغ و حدر تالیف والد ماجد
ص عود الصلیب سه ماشه دارچینی سه ماشه مصطکی بوزیدان هریکدو ماشه سورنجان سکری
چهار ماشه شقاقل خولنجان بهمنین گاوزبان گیلانی ورق بادرنجبویه سنبل الطیب اشنه
هریکدو ماشه عود غرقی ماشه هلیله کابلی چهار ماشه قسط شیرین دانه هیل برگ فرنجمشک سعدکوفی
هریکدو ماشه قرنفل زعفران زرنباد از هریک نیم ماشه ثعلب سه ماشه تخم خشخاش چهار ماشه
دارفلفل درونج عقربی لسان العصافیر لفاح اسارون اسطوخودوس ساذج هندی سلیخه از
هریک دو درم مشک نیم درم عسل خالص سه وزن ادویه کوفته بیخته بطریق متعارف معجون
سازند معجون که مسمی بمبدل المزاج تالیف تحفه جهت قطع عادت افیون بغایت مجرب
است و در رفع استرخا و فالج و امراض بارده و درد مفاصل و عرق النسا و سلسل بول
بغایت نافعست ص اذراقی که کچله نامند شش مثقال در شیر خیسانیده پوست او را جدا
کرده بسوهان ریزه نموده بعد ازان نرم صلایه نمایند گل گاوزبان چهار مثقال بیل زرنباد
شقاقل صندل آمله هلیله سیاه از هریک دو مثقال عود هندی یکمثقال اسطوخودوس
مغز چلغوزه کتیرا انارجیل از هریک سه مثقال عسل سفید سه وزن ادویه شربت تا دو مثقال
مداومت نمایند معجون ازجالینوس صاحب تحفه نوشته که از اسرار است و بتجربه رسیده
ص عاقرقرحا مثقال صلایه نمایند و از منخل باریک بگذارند بعد ازان در هاون با سرکه

دو مثقال بسایند و در عسل بسرشند شربت دو درم تا بیست درم آب گرم معجون سیسالیوس برای
جمیع امراض بلغمی مفید بود ص تخم سیسالیوس راوند مدحرج از هریک چهار درم حب الغار فادزهر از هریکدو درم
جنطیانا بسد ستر چهار درم قرص اسقیل پنجدرم کوفته بیخته بعسل کف گرفته معجون سازند شربت دو درم با سکنجبین
معجون وج ترکی ابتدای نزول آب را نافع بود ص وج حلتیت زنجبیل الزیانه مساوی بعسل سرشته
معجون با یارج فیقرا یکجزو نیز اضافه نمایند معجون جهت سرفه که بسبب آن رطوبت باشد نافعست
ص مغز چلغوزه سه درم مغز پسته پنجدرم مغز بادام مقشر بزرگ هریکده درم قند سفید سی درم معجون
سازند شربت مثقال کردگان معجون سرفه و درد سینه و درد معده و جگر را نافع بود و بول براند و
صاف کند ص مویز منقی باشمش بیست و پنجدرم زعفران سنبل سلیخه دارچینی دارشیشعان هریک
پنجدرم قصب الذریره فقاح اذخر علک البطم سقل هریکدو درم و نیم مر چار درم انچه حلکردنی است در شراب
حل کنند و انچه کوفتنی است بکوبند و بیزند و جمله را با عسل بسرشند شربت یکدرم بشراب زوفای
در درد سینه و سرفه با آب گرم در درد جگر و معده و این نسخه سمرقندی نوشته مویز بیست و چهار درم
زعفران سلیخه سنبل دارچینی قصب الذریره فقاح اذخر علک الانباط هریکدو درم و نیم مر چهار درم
عسل قدر حاجت معجون تالیف مؤلف جامع الصناعه آواز صاف کند سعال مزمن و ضیق النفس
و ربو و درد معده و قولنج و درد سینه را نافع و گفته که بکرر بتجربه رسیده است ص مر مکی میعه سائله کتیرا صمغ عربی
از هریک پنجدرم کندر مغز بادام تلخ زراوند مدحرج زعفران پرسیاوشان ایرسا فراسیون از هریک سه
درم زوفا خشک چلغوزه از هریک پنجدرم مویز منقی دو درم اجزا را کوفته و بیخته مصنوع را در سه
اوقیه طبیخ زوفا حل کرده در عسل و نبات معجون سازند شربت دو درم بآب گرم معجون که
سعفه را انفع باستعمال بخشند ص زعفران مرمکی روغن بلسان میعه سائله افیون همه را مساوی با
عسل سفید سه چند معجون سازند معجون منسوب طرف ارسطوماجس حکیم دوای عجیب و نافعست
برای نفث الدم و سعال و قرحه ریه و مده مجتمعه در صدر و خرق عضلات و جنب و قذف طعام
و سهیفه و ذرب و قروح امعا و علل مثانه و اختناق رحم و حمیات نائبه وقتی بخورند قبل از وقت

وهزال و ادویه قتاله ولسع هوام و ذوات سموم ص دارچینی قسط جند بید ستر افیون فلفل دارفلفل
میعه سائله از هر یک یک وقیه جسل انگرفته کوفته بیخته قند را در عسل بجوشانند تا گداخته شود پس سایر
ادویه انداخته معجون سازند و در ظرف پاکیزه نگاهدارند مقدار باقلا یا بار العسل و سه قطره روغن
داخل کرده بخورند معجون مسمی معجون الراو معجون کرسنه و معجون زوفای تالیف محمد ذکریا نافع
بود از برای ضیق النفس سعال بلغمی ص زراوند مدحرج فردمانا دقیق کرسنه فلفل تخم حرف
سفید مغز بادام مقشر تخم الجزر از هر یک پنجدرم پرسیاوشان رب السوس زوفای خشک از
هر یکده درم صمغ عربی سه درم کوفته بیخته با سه چندان عسل کف گرفته معجون سازند معجون
مقوی خفقان و غشی و منشط و مقوی معده و جمیع اعضا ص عنبر اشهب مشک خالص مروارید
ناسفته یاقوت زمرد و هر یک یکمثقال ورق طلا سه مثقال عسل هشت مثقال آب سیب
شیرین آب انار شیرین نبات هر یک ربع رطل گلاب عرق بید مشک عرق گاوزبان هر یک
یکرطل بدستور معجون سازند و اگر عوض ورق طلا ورق نقره کنند معجون نقره خوانند معجون
از مجربات والد ماجد بخفقان حار نافع و مانع ابخره از معده و مراق و رحم ص صندل سفید در آب
شیرین سائیده سی درم آب تمر هندی آب انار دامی که بغایت ترش بیاشد و از طرف کوه
می آید هر یک نصف رطل شکر سفید سه رطل شکر را بقوام آورند بعد از ان صندل سفید از صافی
گذرانیده بپیدا زند که قوام قریب آید پس انار آب تمر هندی داخل کنند و بقوام آرند و وقت فرود
آوردن طباشیر چهار درم عود زعفران درم سائیده اضافه نمایند و در ظرف نقره یا شیشه نگاهدارند شربت
دو درم تا چهار درم معجون دیگر ص طلا یکدرم و نیم عنبر اشهب یکدرم و نیم مشک تبتی دو دانگ
نبات بیست درم عسل سفید مصفی هفت درم آب سیب شیرین چهار درم گلاب سی و پنجدرم
بدستور مرتب سازند معجون از حکیم الملک اردستانی که بجهت عالمگیر بادشاه ترتیب داده بود
ص یاقوت رمانی لعل بدخشی مروارید ناسفته از هر یک چهار درم و نیم مشک تبتی خالص
عنبر اشهب هر یکدو مثقال و نیم زعفران دو مثقال ورق طلا محلول نیم مثقال شربت فواکه

معجون زوفا

شیرین آب انار شیرین آب به شیرین آب سیب شیرین از هر یک چهار رطل عسل مصفی بیست
مثقال نبات سفید دو رطل عرق مشک دو رطل عرق گاوزبان گلاب از هر یکده رطل
بدستور مرتب سازند معجون افسنتین جهت درد معده و وجع الفواد که از سوداء باشد نافع
ص افسنتین هفت درم انیسون تخم کرفس هر یک پنج درم سلیخه دو درم افیون جند بید ستر هر یک
دو درم عسل و چند همه بطریق متعارف معجون سازند معجون جهت تقویت معده و استرخا و تشنج
وی نافعست و دل را قوت دهد و قبض شکم نماید ص پوست سنگدان خروس طباشیر هر یکدو
مثقال گل سرخ سه درم نعنع خشک پوست بیرون پسته پوست ترنج پوست هلیله زرد هر یک
یکمثقال بهمنین صندلین کشنیز خشک بریان حب الاس صعتر هر یکدو درم کوفته بیخته بشربت
فواکه معجون سازند شربت دو مثقال معجون که معده و جگر را قوی گرداند و بلغم ببرد و اشتها آرد و
بدهضمی دفع نماید و بوی دهان خوش کند و سیلاب لعاب بن باز دارد و سده بگشاید و کرم شکم
بکشد و بادها بشکند و گرده را قوت دهد و ریگ گرده و مثانه پاک کند و باه بیفزاید و بقراط گوید که اگر
در سال یک هفته هر روز سه درم بخورد ازین معجون مرادی که از شهوت طلب کند بر آید ص
نانخواه تخم گندنا زنجبیل هر یک ده درم زعفران بسفایج هر یک یکدرم بیخ کرفس پنجدرم کوفته بیخته
با عسل لبرشته کنند شربت سه درم معجون نافعست جهت کسی که بسبب رد معده طعام را قی کند
ص بیخ اذخر سعد از هر یک یکدرم نانخواه افسنتین فلفل کندر هر یک پنجدرم زنجبیل سلیخه بودینه
هر یک بعدرم مصطگی عود خام هر یک ثلث درم قرنفل سک هر یکدانگی مویز باد انه دو چند
نخست دانه از مویز بر آرند و بآب بسایند پس بهمین آب انه مویز گوشت بسایند و بجوشانند تا غلیظ
شود بعده ادویه کوبیده بدان لبرشته کنند شربت بقدر بادام معجون جهت بادها که در معده
خالی جمع آید و ایذا دهد ص زرنباد درونج هر یکدو درم مروارید بعده ابریشم لیسابسه قرنفل
زعفران جند بید ستر از هر یک یک و نیم درم سنبل هر یک نیم درم افسنتین نیم درم کوفته بیخته بعسل
لبرشته کنند شربت یکمثقال معجون طباشیر حرارت و رطوبت معده را نافعست و معده را قو

دہد و اشتہا آرد و تشنگی بنشاند و ضرر آب فاسدہ دفع کند ص طباشیر سفید گل سرخ ہر یکدہ درم
سماق منقی از حب و دو درم گلنار قاقلہ کبار ہر یک یکدرم مصطگی نیمدرم شربت سہ درم بآب سیب
یا بہ معجون جہت وجع فواد و تقلیب نفس کہ از برد باشد نافعست بسیار قوی معدہ است ص
گل سرخ فلفل زنجبیل زراوند طویل دارچینی اسارون ہر یکجزو جزو مصطگی زرنباد پودینہ انیسون
ہر یک بجزو جند بیدستر وزن جمیع وزن عسل وزن شیرہ گلقند بسرشند شربت دو مثقال معجون جہت
شہوت طین و دیگر چیز ہا نافعست ص ایارج فیقرا دوازدہ درم ہلیلہ بلیلہ آملہ ملح نفطی کوفتہ
بیختہ بعسل بسرشند شربت از سہ درم تا چہار درم معجون بجہت تقویت معدہ و باہ و اشتہا
و قوت مجامعت بسیار مجرب است ص جوز بوا بسباسہ لسان العصافیر بیخ اذخر زنجبیل
دارچینی مصطگی زعفران عود ہر یک سہ مثقال قاقلہ کبار ہر یک مثقال اشنہ دو نیم مثقال قند
و گلاب ہر یک دہ مثقال قند را در گلاب حل کردہ عسل بقدر کفایت اضافہ نمودہ بقوام
آوردہ ادویہ مسحوق بدان بسرشند شربت یکمثقال معجون درد معدہ و جگر و سپرز راسود دارد
و ہر دو بادہا را بشکند ص سلیخہ نانخواہ حماما رازیانہ انیسون سیسالیوس جند بیدستر شبت زراوند
طویل مصطگی اسارون کرویا کوفتہ با عسل معجون سازند معجون اسطمخیقون تباہی مزاج
درد معدہ را سود دارد ص قسط حماما سنبل سلیخہ مصطگی از ہر یک دوازدہ درم زراوند طویل
فلفل سیاہ فلفل سفید تخم کرفس شبت انیسون نانخواہ زیرہ کرمانی دو قو فطراسالیون کاشم رومی
و افسنتین انجدان فو دنہ نعناع خشک از ہر یک چہار درم کوفتہ بیختہ بعسل سرشتہ معجون سازند
معجون کہ اورام معدہ و جگر را سود دارد ص نانخواہ ریوند چینی زنجبیل راسن اشترخار ہر یک
جزوی تخم کرفس رازیانہ ہر یک نیم جزو کوفتہ بیختہ بعسل معجون سازند معجون کہ درد معدہ و جگر
و سپرز را نافع و بادہا را بشکند ص سلیخہ حماما سنبل نانخواہ تخم کرفس انیسون سیسالیوس جند بیدستر
تخم شبت زراوند طویل مصطگی اسارون کرویا مساوی کوفتہ بیختہ بعسل معجون سازند معجون
معدہ را پاک کند و قی بلغمی و سوداوی آبار دارد و دوار را نیز نافع باشد ص اجزاء آن ہلیلہ سیاہ

نام وہی معجون ملوکی راست

دہ مثقال

اسکا بدل ہموزن اسارون یا عود بالونگ یا وج تذکی

بدل ہموزن قرنفل اسارون

بلیلہ آملہ ہلیلہ کابلی اسطوخودوس از ہر یک سہ درم افتیمون چہار درم نمک ہندی سی درم ایارہ
فیقرا دہ درم غاریقون چہار درم کوفتہ بیختہ بسکنجبین سادہ بسرشند شربت سہ درم تا یکدرم معجون
کہ شہوت رویہ و صداع را سود دارد ص دو قو ریوند چینی حب بلسان اذخر انیسون افیون
سلیخہ زعفران دارچینی اسارون فطراسالیون کمافیطوس ہر یک سہ مثقال مغز چلغوزہ سی
مثقال نعناع خشک نیم مثقال کوفتہ بیختہ با عسل معجون سازند معجون نانخواہ این معجون را
محمد زکریا ستودہ است میگوید عجب دارم از کسی کہ این معجون بکار برد و او را با طبیب حاجت
بود دماغ و معدہ را قوت دہد و گونہ را نیکو گرداند و طعام بگوارد و بوی دہن خوش کند و بن دندان
سخت گرداند و آب رفتن از دہن باز دارد و کرم شکم بکشد و بادہای مخالف بشکند و گردہ را
قوت دہد و مثانہ پاک کند و قضیب سخت نماید ص تخم کرفس نانخواہ تخم شبت تخم جزر تخم گندنا
از ہر یکدہ درم حلک ومی قرنفل قرفہ جاوز قرحا اسارون بسباسہ از ہر یک یکدرم عود نیمدرم
مشک نیمدانگ زعفران نیم مثقال جملہ را کوفتہ با صد درم مویز منقی با صد درم شکر در دیگ
سنگین بآب بجوشانند تا بقوام آید ادویہ ہا در و بسرشند شربت شبانگاہ و بامداد یکمثقال معجون
نسخہ دیگر معدہ پاک کند و اشتہای طعام آورد و باہ را قوت دہد ص سعتر نانخواہ زوفا نعنع
خشک شونیز زیرہ کرمانی از ہر یک پنج مثقال وج بسباسہ رازیانہ زنجبیل جوز بوا کرفس از ہر یکسہ
مثقال حاشا دو مثقال کوفتہ بیختہ با ہمچندان عسل معجون سازند معجون درد جگر و معدہ
و اورام رحم را نافعست ص ریوند شہد انج وج بیخ انجدان بیخ کرفس رازیانہ انیسون نانخواہ
مساوی بعسل بسرشند و بعضی بدل شہد انج راسن میگویند شربت مثقال با ماء العسل
معجون منقول از منہاج برای امراض جگر و معدہ ص لک مغسول ریوند چینی عصارہ
قثاء الحمار تخم حنظل ہر یک پنجدرم عصارہ افسنتین غاریقون ہر یک ہفتدرم کاسنی تخم کشوث
ہر یکدہ درم عصارۂ زرشک پانزدہ درم عصارہ گل خشوق خشک بیست درم کوفتہ بحلاب
بسرشند شربت از پنجدرم تا ہفتدرم بآب کاسنی معجون ورم جگر را نافع بود ص گل سرخ چہار درم

۲۷½ تولہ ہوتا ہے

بیخ سوسن ہفتدرم ریوند چینی لک مغسول از ہر یک یکمثقال و نیم سلیخه زعفران ہر یک سه درم
مر نیم مثقال زعفران را در سرکه حل کنند و دواہا را کوفته بیخته بدان مخلوط سازند و بعسل بسرشند
معجون صلابات سپرز و جگر و درد معده و مثانه را نافع باشد و سده بکشاید ص خیطیا نا رد
فلفل از ہر یکی ده درم قسط سادج سنبل ریوند چینی از ہر یک ہفت مثقال کوفته با سه وزن او
عسل بسرشند شربت دو درم بآب سداب معجون قولنج صعب را در یک ساعت بکشاید ص خربوا
فرفیون سادج ہندی دار فلفل فلفل زنجبیل برنگ کابلی قرنفل آمله مقشر از ہر یکمثقال تخم کرفس سنبل
زعفران مصطگی از ہر یک نیم مثقال تربد سفید سقمونیا از ہر دو کوفته بیخته با سه چندان عسل بسرشند
شربت ده درم معجون قولنج را بکشاید و بلغم را دفع نماید و درد پشت بنشاند ص سقمونیا ده درم
قاقله کبار و صغار زنجبیل دارچینی قرنفل فلفل از ہر یک پنجدرم شکر سرخ تربد سفید از ہر یک صد
مثقال عسل بقدر احتیاج بدستور مرتب سازند شربت دو درم معجون زحیر و اسهال کہنه را سود
دارد ص افیون جندبیدستر میعه بزر البنج زعفران اسارون مر تخم کرفس انیسون سنبل سلیخه گل ارمنی
مساوی کوفته با عسل معجون سازند شربت یکدرم بآب مورد یا آب به معجون قولنج را بکشاید
در یکساعت ص زنجبیل زیره کرمانی سداب مروه خولنجان از ہر یکی ده درم سقمونیا ہفتدرم عسل صد درم
معجون که اسهال کہنه و زحیر را که با حرارت بود سود دارد ص جندبیدستر اسارون میعه سائله
بزر البنج کندر کوفته بیخته با عسل بسرشند شربت دو درم معجون سکبینج قولنج بکشاید ص سکبینج
تخم کرفس جندبیدستر از ہر یک جزوی سقمونیا نیم جزو سقمونیا را در روغن بادام بسایند و
سکبینج را در عسل حل کرده بہم آمیزند و داروہای دیگر را کوفته بآن بسرشند معجون باد بواسیر
و بادی که در روده بود بشکند و آماس مقعد را که خون از و آید سود دارد ص ہلیله کابلی آمله
مقشر بلیله تخم سپندان تخم گندنا تخم شاہسفرم ہر یک پنجدرم مقل ده درم مقل را در آب حل
نمایند و داروہا را در آن بسرشند شربت دو درم معجون اختلاف اسهال بلغمی و زحیر را
نافع بود ص افیون جندبیدستر میعه سائله بزر البنج زعفران مر اسارون تخم کرفس سنبل

گل ارمنی گلنار مساوی با سه وزن ادویه عسل بسرشند نیمدرم با رب به یا آب سماق یا آب مورد
معجون تالیف حکیم عبد الحمید که جہت اقسام اسهال خصوصا اسهال بواسیر مفید ص
انیس نشاسته حب الآس مویز خطائی کشنیز برشته تخم انجبار طراثیث رال صمغ بیل سعد
زیره سبز از ہر یک یکتوله کہربا طین ارمنی ہر یک شش ماشه طباشیر دو توله زیره را در سرکه
خیسانیده و برشته با دو برابر حب الآس معجون کنند خوراک نیم توله با یک توله با شربت انجبار
معجون که طبع را نرم کند و بواسیر را فائده دہد ص مقل ده مثقال کتیرا پنج مثقال انجیر با
مویز دانه بیرون کرده بیست مثقال شربت سه مثقال غذا گوشت مرغ و زرده بیضه مرغ
معجون منقول از تذکره جہت اسهال جمیع اخلاط و ماده محترقه و مواد جذام و حمیات محرقه
و مزیل عطش راقم بکرات تہیه ساخته بود برای دفع مواد محترقه از مزاج خالی از نفع نیافته ص رازیانه صندل
تخم خبازی ہر یک چہار مثقال گل سرخ ده مثقال ہلیله زرد تخم کشوث افتیمون بنفشه ہر یک
پانزده مثقال عناب سپستان مویز منقی ہر یک سی مثقال آلو بخارا تمر ہندی ہر یک نیم رطل
جمله را در آب کوفته بیخته صاف نموده و با سی مثقال ترنجبین و یک وزن ادویه شکر بقوام آرند طباشیر
و کتیرا و صمغ عربی و سقمونیا نشاسته ہر یک پنج مثقال اضافه کنند و اگر خواہند اسهال قوی تر
شود ہفت مثقال سقمونیا شربت از مثقال تا ہفت مثقال معجون
که قولنج بکشاید و ایلاوس را که سببش انسداد و انتقال در امعاء و قاق باشد سود
دارد ص مصطگی قرنفل زنجبیل فلفل دار فلفل جوز بوا اجزا مساوی کوفته بیخته سقمونیا
بوزن کل شکر تاب بقوام آورده بسرشند شربت از یکدرم تا دو مثقال معجون تالیف حکیم علی
گیلانی رفع مواد بلغمی کند ص بگیرند تربد سفید مصمغ مجوف مدبر یک رطل زنجبیل یک اوقیه فلفل
سه درم مصطگی یک اوقیه تربد را خراشیده بروغن بادام شیرین چرب کنند و با باقی
ادویه کوفته بیخته با دو وزن عسل مصفی خام معجون سازند شربت از دو درم تا پنجدرم
با گرم حل کرده بنوشند و اگر بجوشانند نیز جایز است معجون به نسخه سید اسمعیل غفر الله [illegible]

بواسیر نماید ص خبث الحدید بدبر بوست هلیله زرد پوست هلیله سیاه آمله سنقی کزمازج از هر یک
پانزده درم اذخر سعد کوفی زنجبیل فلفل کندر از هر یک دو درم کوفته بیخته بعسل آمله مربی سه
وزن ادویه معجون سازند شربت یک نخود بزرگ معجون عقارب برای حصاة گرده و مثانه
از ابن سرافیون ص عقارب سوخته سه درم و نصف خبطیانا روسے چهار درم
و نصف زنجبیل یکدرم فلفل سفید فلفل سیاه از هر یک دو درم و نصف بیخ کاکنج نیمدرم و
نصف جند بیدستر چهار درم کوفته بیخته با سه چندان عسل کف گرفته معجون سازند و بعد از
شش ماه استعمال نمایند شربت دانگی با آب کرفس معجون ید الله در تفتیت حصات نهایت
مجرب است ص خم ن یز چهار ساله باشد زجاج محرق رماد عقرب رماد بیخ کرنب رماد از
حجر اسفنج پوست تخم مرغ که بچه بیرون آورده باشد حجر الیهود صمغ جوز وج فطراسالیون و قو
صمغ آلو شکاطر اشیع تخم خطمی فلفل از هر یک یکمثقال جمله را با دو وزن ادویه عسل بسرشند و از
یکمثقال تا سه مثقال با آب طبیخ خسک و نخود سیاه که هفت ماشه باشد در یک رطل آب بجوشانند
تا ثلث بماند صاف نموده بخورند و مسمی ید الله لجلالته و باید که بزر اول نگون پشت فی بیح کنند و خون
اول و آخر او را بریزند و خون درمیان آن را در ظرفی نگاهدارند تا منجمد شود و پس از آن بکارد قطع قطع کرده بر
در آفتاب خشک نمایند و منخل از پارچه پوشیده دارند تا از غبار محفوظ باشد معجون
که بول در فراش باز دارد ص مر و کندر اقاقیا اقشیا ف ما میثا هر یکدو درم شب یمانی بریان
سه درم تخم خطمی هفتدرم راسن تخم کتان هلیله کابلی بریان هر یک دو درم کوفته بیخته با شهد
آمیزند شربت سه درم معجون حجر الیهود سنگ گرده و مثانه بریزاند ص مغز تخم کدو مغز
تخم خیارین مغز تخم خربوزه حب کاکنج هر یک پنجدرم حجر الیهود پنجاه درم صلایه کرده بعسل بسرشته
معجون سازند شربت سه درم تا دو درم معجون حجر الیهود دیگر ص حجر الیهود پنجاه درم کاکنج اسارون
فودنا مغز تخم خربوزه تخم خیار تخم کرفس مغز حب القرطم دوقو مغز تخم خیارین انیسون مغز تخم
تربوز مغز تخم کدو مغز تخم خیار از هر یک پنجدرم کوفته با سه وزن ادویه عسل مصفی بسرشند شربت

دو درم تا سه درم معجون کاکنج قرحه مثانه و گرده و بول الدم را نافع بود ص بزر البنج تخم کرفس رازیانه
هر یک هفتدرم مغز تخم خربوزه تخم حماض انیسون مغز چلغوزه بریان کرده مغز بادام تلخ بریان فندق
از هر یک سه درم زعفران دو درم و نیم کاکنج بیست و پنجعدد کتیرا چهار درم کوفته بیخته بمیفختج ببرشند شربت
یکدرم باخند قیون یا با ماء العسل یا شراب خشخاش معجون ابن ماسویه و او گوید که معجون سنگ مثانه
را منفعت نیک دارد ص اسارون حب الغار سلیخه اسپند حب بلسان عود بلسان همه را نرم
بکوبند و بحریر بیخته و آب بادیان سرشته معجون سازند و سه درم از وی بکار برند معجون جهت
فراش شخصی قریب پنجاه نوبت بول میکرد و بعد او مت این ترکیب مرض او برطرف شد
ص فلفل دو ماشه کندر قسط شیرین سعد کوفی بلوط از هر یک پنجماشه زنجبیل سه ماشه دار فلفل
پنجماشه عسل سه وزن ادویه معجون از علویجان مرحوم سلسل و فراش و سیلان منی و ودی
و مذی که یاس از علاج آمده باشد مجرب نوشته ص کهربای شمعی یکمثقال و چهار دانگ هلیله سیاه
هلیله کابلی که این هر دو را در روغن گاو بریان کرده باشند کات هندی سفید از هر یکدو مثقال حب بلوط (?)
قشار کندر از هر یک نیم مثقال شهدانج حب الآس از هر یک چهار مثقال خصیة الثعلب کوفته
در گلاب بپزند تا سطبر شود ادویه را با آن سرشته هر روز دو درم از آن تناول نمایند بعد از ین خبر آن
صندل ده درم تخم بالنگو دو درم درهم کرده بنوشند معجون برای تغلیظ منی ص گوند کتیرا ستہ
خصیة الثعلب از هر یک نیم توله کتیرا طباشیر دارچینی دانه هیل از هر یک چهار ماشه مغز بادام مقشر
دو توله نارجیل یکتوله علک البطم سه ماشه مغز چلغوزه یکتوله مصطگی دو ماشه نبات سه وزن ادویه
معجون که نجیب الدین خان را از تقویت باه اثر بسیاری بخشیده بود ص دارچینی قسط شیرین
زعفران زنجبیل فلفل سفید کنجد مقشر زعفران زنجبیل از هر یک یکدرم خسک سافوج هندی اسارون
کرویا قرنفل قاقله از هر یکدو درم تخم ترب تخم شلغم از هر یک چهار درم مروارید ناسفته کهربا از هر یک
شش ماشه مغز بادام مغز پسته مغز چلغوزه از هر یک یکدرم ثعلب مصری گل سرخ بهمنین از هر یک
یکتوله عود غرقی شش ماشه مشک سه ماشه مصطگی چهار ماشه نبات سفید یک وزن ادویه عسل دو وزن

مجرب است

شربت از دو درم تا چهار درم معجون که در تقویت مکرر بتجربه آمده ص صفت آن عاقرقرحا خولنجان
مغز بادام مغز بادام مغز چلغوزه اسگند از هر یک سه توله فلفل دراز مصطگی تخم ہلیون از هر یک
یکنیم توله کنجد مقشر چهار توله اشک تبی سمندر سوکه هر یک نیم توله جوز بوا ثعلب مصری زنجبیل از یک
دو توله زعفران شقاقل بهمنین تودریین لبساسه تخم کونچه تخم زردک تخم انجره از هر یک یکتوله قند سفید
پنجاه توله عسل کفگرفته یکصد و پنجاه توله شربت اول چند روز یکمثقال بعد از ان از شش ماشه تا نه ماشه
معجون بجهت سرعت انزال از مجربات است ص ہلیله کابلی بریان یکجزو بهمن سفید نصف
جزو راسن خشک قرنفل یکجزو آمله مربی معجون سازند و نگاهدارند و بخورند معجون پیپل پاک که برای
تقویت باه و اعاده شهوت نافعست ص شهد دو دام روغن گاو چهار دام پیپل دراز هشت دام
نبات سفید شانزده دام شیر گاو تازه سی و دو دام پیپل دراز را کوفته بیخته با شیر و روغن و نبات
بجوشانند در کراهی آهنی با تش ملائم که تمام شیر در خورد بعد از ان ناگیسر تج تیج الاَ ئچی
از هر یک چهار ماشه همه را سوده انداخته و بعد از سرد شدن شهد انداخته معجون سازند یا حب
به بندند بقدر چهار ماشه و از یک حب تا دو حب در چله زمستان خورده باشند معجون جهت
تقویت باه از بقائی ص مشک یکمثقال عنبر اشهب زعفران لسان العصافیر هر یکدو مثقال
نعناع نارجیل تخم پیاز مغز چلغوزه تخم ہلیون خشک مربی لبساسه مغز پنبه دانه انجره هر یکسه مثقال
مغز پسته تودری سرخ و سفید هر یک چهار مثقال قرفه مغز تخم خیار قضیب گاو بهمنین تخم خشخاش
حبة الخضرا از هر یک پنجمثقال شیر پایه شتر اعرابی ده مثقال خصیة الثعلب هشت مثقال دماغ
گنجشک نر چهل عدد و قند سفید سه برابر معجون جهت سلسل البول و تقطیر آن مجرب است
ص مرسداب حرف یکدرم کندر حب الاس جوز بوا لبساسه قرنفل ہلیله سیاه هر یکدو درم
سعد شونیز هر یک سه درم انجیر خشک پنجدرم طباشیر پانزده درم کوفته بیخته بعسل بسرشند
شربت از سه مثقال تا پنج مثقال معجون تالیف جلال الدین جهت سرعت انزال نعات
سفید و در امساک منی بنظیر و قضیب را محکم کند و نعوظ آورد و لذت جماع دهد از مجربات است

عنبر اشهب یکمثقال زعفران کبابه بزرالبنج سفید سنبل الطیب عود خام قرفه دارچینی مصطگی و واله
هر یکدو مثقال لسان العصافیر جوز بوا هر یک سه مثقال پایه شتر اعرابی خصیة الثعلب هر یک چهار
مثقال پوست خشخاش دماغ گنجشک نر که وقت هیجان گرفته باشند پنجمثقال نبات سفید ده مثقال
حب النیل چهار صد عدد دواها را کوفته بیخته با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند و روغن پسته
و روغن بادام قدری داخل نمایند و بوقت حاجت از یکمثقال تا دو مثقال بخورند و غذا قلیا
دو پیازه و کباب معجون سقط قوی منقول از رساله نشاط و انبساط ص ابهل ترس فوه
مشکطرامشیع مرقفاح اذخر از هر یک یکمثقال حلتیت جاوشیر عصاره افسنتین دارچینی از هر یک
مثقال سداب بستانی را در آب جوشانید مصاف نموده با عسل ممزوج نموده بقوام آرند
و معجون سازند خوراک از دو درم تا سه درم که با آبی در ان پرسیاوشان و پودینه جوشانیده
باشند و از خرما شیرین نموده بدهند معجون که جهت تقطیر بول و سرعت انزال منی نفعدارد
ص آرد کنار فوفل خصیة الثعلب قرنفل سنبل مصطگی نانخواه هر یکدو درم با نیم من عسل
بسرشند شربت دو درم معجون منسوب بصدر الملة والدین عطار البدر تبریز است جهت
تقطیر بول و سرعت انزال را نافع است و در اختیارات بدیعی نوشته که او در سرعت انزال
نظیر ندارد و غذا باید که کباب باشد ص مصطگی کندر جفت بلوط بزرالقنب بالسویه کوفته بیخته
با دو چندان عسل بسرشند و باید که جفت بلوط و شهدانج نیم کوفته بریزند و لبان مصطگی باهم
آمیخته شربت دو مثقال و در نسخه عوض بزرالقنب انه سوید است معجون که در اعاده
باه مبرودان بنظیر و در تقویت دل و دماغ و جمیع اعضای انسان بیعدیل است ص
پادزهر حیوانی عنبر اشهب ورق نقره مشک خالص هر یک یکدرم سافج هندی سورنجان
زرنباد تودریین زعفران یاقوت از هر یکدو مثقال افرفیون خطائی زرنب قرنفل کبابه چینی زنجبیل
فلفل قاقله کبار قاقله صغار درونج عقربی گل گاوزبان گل نیلوفر تخم کرفس انیسون
سعد کوفی خولنجان اسارون سنبل الطیب لسان العصافیر صندل سرخ زراوند مدحرج

ابریشم مقرض بوزیدان پوست ترنج گل مختوم قضیب گاو اسطوخودوس هریک سه مثقال
حجر لاجورد مغسول مومیائی کانی از هریک چهار مثقال دارچینی قرص افعی طباشیر سفید
مغز تخم خربوزه تخم شبت مایه شتر اعرابی عود جوز بوا بسباسه آمله منقی مغز گردگان مقشر مغز حبه دانه
مغز فندق لعل فیروزه مروارید ناسفته مرجان گل سرخ پوست هلیله زرد پوست هلیله سیاه
کشنیز خشک هریک پنجمثقال خصیة الثعلب پانزده مثقال مصطگی شش مثقال مغز کنجشک نر
چهل عدد بقدر کفایت معجون که صاحب قادری نوشته در تقویت باه نظیر ندارد ص عاقرقرحا
قرنفل زنجبیل هریک یک وقیه زردهٔ تخم مرغ پخته بیست عدد عسل صد و بیست درم بقوام
معجون سازند شربت سه درم معجون مختصر الاجزا در تقویت باه و تولید منی مجرب است
ص زنجبیل شقاقل بوزیدان ثعلب مصری هریک چهار درم حلتیت خوشبو شش مثقال
روغن نارجیل چرب کرده با قند و عسل هریک سی مثقال لبرشند شربت دو مثقال غذا
قلیه زردک و بیضه نیمبرشت معجون چوب چینی از تالیف والد ماجد جهت تقویت باه و تغلیظ
منی بیعدیل است ص مروارید سائیده زعفران هریک نیم مثقال مشک تبتی عنبر اشهب
دارچینی مایه شتر اعرابی بوزیدان کبابه چینی هریک نیمدرم خولنجان قسط شیرین سعد کوفی هر
نیم مثقال صندل سفید سه پاو مثقال چوب چینی دوازده مثقال ریوند چینی سنبل الطیب مصطگی
بیسل اساورن گل مختوم سمک صیدا از هریک سه حصه مثقال صندل سرخ نیم مثقال ماهی روبیان
درونج عقربی زرنباد تخم کندر تخم شلغم تودری تخم کونج بهمنین خسک پرورده از هر یکمثقال
آمله مقشر سه مثقال جوز بوا نشاسته شقاقل گل گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ اشنه تخم خشخاش
مغز تخم خربوزه مغز تخم خیارین تخم کاسنی خرفه مقشر از هریکدو مثقال مغز فندق مغز گردگان مغز
چلغوزه هر واحد یکمثقال ثعلب مصری سه پاو مثقال مغز نارجیل مغز حبة الخضرا مغز حب الظلم
از هریک پاو بالا یکمثقال تخم بلیون ولایتی مغز تخم کدو لسان العصافیر هر واحد یکمثقال پودینه
خشک دو مثقال عسل کشمیری دو وزن ادویه قند سفید یک وزن ادویه

و گلاب دوازده دام بطریق مشهور معجون سازند شربت از شش ماشه تا نه ماشه از حموضات
پرهیز نمایند معجون منقول از بیاض عم مرحوم ص مغز پسته مغز فندق مغز تخم خربوزه مغز
حب الخضرا مغز گردگان کش خرما مغز حب الظلم از هریک سه ماشه خرما سلیمانی شش ماشه مغز
کنجشک هفت عدد مغز کبوتر جنگلی پنج عدد مغز حب السمنه مغز انجلک هریکسه ماشه مغز نارجیل مویز منقی هریک
یکدرم خشخاش سفید مغز حب فلفل تخم کندر تخم شلغم تخم ترب تخم اسپست تخم پیاز تخم بلیون تخم کونج
تخم انجره تخم جرجیره مصطگی ثعلب مصری شقاقل مصری بوزیدان لسان العصافیر سورنجان
خولنجان از هریک سه مثقال عود غرقی پودینه دارفلفل زنجبیل دالچینی جوز بوا بسباسه زرنباد
درونج از هریکدو ماشه قضیب گاو سوسمار نموده مثقال ابریشم خام مقرض چهار مثقال بهمنین
تودرین هریک شش ماشه مایه شتر اعرابی دارچینی هریک سه ماشه قرنفل دو ماشه سنبل کبابه چینی
هریک یکنیم ماشه چوب چینی اعلی دو توله زعفران دو ماشه مشک عنبر ماهی روبیان چهار ماشه
خسک پرورده سه قسط بحری قرفه هریک دو ماشه مغاث بغدادی سه ماشه زراوند مدحرج عاقرقرحا
هریکدو ماشه عسل سفید دو وزن ادویه نبات سفید یک وزن ادویه بطریق متعارف معجون
سازند معجون که در احتباس طمث و بول سودمند بود منفعت عظیم در این باب دارد
ص رازیانه انیسون هریکده درم مشکطرامشیع ریوند چینی اسارون حماماحیل جعده هریک
سه درم مجموع را کوفته بیخته با شهد چندان عسل کف گرفته لبرشند هر بامداد مقدار یکمثقال بخورند
معجون بجهت زنان حامله که عادت باسقاط داشته باشند مفید هرگاه شروع ماه سوم
شود هر روز یکمثقال بخورند اعانت بر حمل هم می نماید ص نشارهٔ عاج شاخ گوزن سوخته
گلنار ابریشم مقرض هریک یکماشه مروارید مرجان البسد الشب سفید گل سرخ گل سبز کشنیز خشک
عود هندی مصطگی زرنباد کبابه چینی هریکدو ماشه کوفته بیخته بگزنگبین سی ماشه و شیرهٔ آمله سرشته
معجون سازند کافور قیصوری اگر مانع نباشد بقدر حاجت آمیزند معجون از حکیم حلوخان
مرحوم در خواص او نوشته برای زنی که همیشه اطفال او پیش از وقت ساقط میشدند اگر طفلی

احیاناً در وقت متولد شده زیاده بر دو سال زنده نمی ماند بمرض ام الصبیان فوت
میکرد معجون را تالیف نموده در ایام حمل پیش از آنکه بماه ششم رسد مدت حمل او چهل و یکروز
خورانیدم بعون الله تعالی آن فرزند متولد شد و در تولد نیز آفتی باو نرسیده و نوشته که بسیاری
از جا بانواع مختلف استعمال نمودم سودمند یافتم ص مروارید کهربای شمعی بسد محرق مغسول
صندل سفید صندل سرخ طباشیر عفص اخضر درونج عقربی عود الصلیب از هر یکدو مثقال
و نیم مغز تخم هندوانه تخم خرفه مقشر از هر یک پنجمثقال ورق طلا ورق نقره از هر یک بیست عدد ابریشم
مقرض بیخ انجبار شامی گل ارمنی از هر یکدو نیم مثقال عنبر اشهب دو دانگ شراب غوره
هفتاد و پنج مثقال نبات سفید یکصد و پنجاه مثقال عسل مصفی پنجاه مثقال بدستور مرتب
سازند شربت یکمثقال معجون رفتن آب از فرج زن منع نماید و درین باب مجربست ص
مو چرس سپیاری طباشیر نشاسته گل مختوم مازو گل سرخ حب الآس هلیله بلیله آمله از هر یک
شش ماشه موصلی سیاه و سفید یکتوله پوست انار نه ماشه آب انار ترش دو دام نبات و عسل
سه چندان ادویه آمیخته بطریق معجون سازند شربت علے الصباح یک توله از حموضات
و ادویه منفخه پرهیزند معجون مجمل است و از اهل تجربه منقول ص زهره بز کوهی و اگر کوهی
نباشد اهلی که در کمال جوانی و مستی رسیده باشد بسد مغسول بهمنین خولنجان خردل از هر یک
ماشه درونج عقربی مصری هر یکده ماشه با عسل کفگرفته لبرشند و سه روز هر روز ازان یکماشه
تا بقدر تحمل مزاج و قوت بخورند معجون معروف بمعجون سنبهل در تقویت باه و تولید منی
و سیاه داشتن موی و بحال داشتن جوانی از مجربات اهل هند است ص درخت سنبهل
جوان تازه بکاوند و بیخ او که از میان برمی آید مانند گزر باریک بریده و در میان خشک
نموده سفوف کرده از جامه گذرانیده بهم وزن آن شکر تری با نبات معجون سازند و
مقدار هر صبح استعمال نمایند و تا ده درم برسانند و از ترشی پرهیز کنند معجون فلاسفه آنرا
مادة الحیواة گویند هاضمه را قوت دهد و اشتها آورد و بلغم را دفع کند و سلسل البول و درد

و درد گرده و اوجاع مفاصل را نافع بود و منی بیفزاید و باه برانگیزد و دندان را سخت
گرداند و دل را قوت دهد و نشاط آورد و رنگ را نیکو گرداند و بوی دهن خوش کند و پیران را موافق بود
واضع این ترکیب اندروماخس قدیم است که باستصواب حکمای آنوقت مرتب ساخته ازینجا
منسوب بفلاسفه شده و درین نسخه اختلاف بسیار است موافق شیخ بوعلی و سید اسمعیل مرقوم نمود شربت
از دو مثقال تا چهار مثقال و قوتش تا چهار سال باقی است ص زنجبیل فلفل دارچینی آمله مقشر هلیله
شیطرج هندی زراوند مدحرج خصیة الثعلب مغز چلغوزه بابونه نارجیل از هر یک ده درم تخم بابونه مویز
منقی سی درم عسل مصفی دو وزن با سه وزن ادویه بطریق معجون سازند و شیخ الرئیس خبث الحدید
اضافه درین نسخه بجهت زرداب نموده راقم این معجون با خبث الحدید جهت تقویت اعضای تناسل
و رفع تقطیر بول مفید یافته معجون مادة الحیواة جدواری و هاضم و بلغم را دفع کند و نسیان و سلسل
البول را و درد گرده و درد پشت و اوجاع مفاصل را نافع بود و منی بیفزاید ص فلفل دراز فلفل گرد دارچینی
از هر یک دو مثقال و نیم آمله هفت مثقال و نیم پوست هلیله دوازده مثقال و شیطرج هندی زراوند مدحرج
خصیة الثعلب مغز چلغوزه عرق بابونه مغز نارجیل گل بابونه از هر یک دوازده مثقال و نیم جدوار
خطائی عود الصلیب از هر یک پنجمثقال مروارید ناسفته هفت مثقال و نیم بهمن سرخ پنجمثقال و نیم
عسل سفید چهارصد مثقال مویز منقی شش و هفت مثقال بدستور معجون سازند معجون ترکیب
جالینوس است هشت نفع دارد قضیب سخت کند و اوعیه منی بگشاید و شهوت زیاده کند
و اعصاب را قوت دهد و در خون تغیر عظیم پیدا می کند و نعوظ بسیار آرد و دوستی مرد در دل زن
پیدا کند ص مروارید بسد از هر یک یکمثقال بهمن از هر یک سه درم کاکنج بیخ لبلاب از هر یک
درمی قفاح اذخر سعد کت بارنج سلیخه دارچینی اسارون مصطگی از هر یک نیم مثقال صمغ عربی
از هر یک نیم درم کوفته بیخته با همچندان عسل لبرشند و در وقت نزدیک مجامعت یکمثقال با گلاب
بنوشند معجون ماسک البول ادرار بول را نافع و سیلان را باز دارد و خاصة مردم پیر را ص
اقاقیا گلنار هر یک سه درم صندلین عدس قصب الذریره تخم حماض صمغ عربی طباشیر سفید

هر یکدو درم کندر یکدرم تخم مورد دو مثقال کوفته بگلاب بسرشند شربت پنجدرم غذا بره بریان معجون که حیض بکشاید و زادن سهل کند و بچه مرده بفگند ص مر دارچینی هر یک دو درم برگ سداب پودینه کوهی قردمانا مشکطرامشیع فوه جلتیت سکبینج جاوشیر هر یک سه درم ابهل ده درم بانگبین مصفی بسرشند شربت سه درم همراه مطبوخ مناسب معجون از حکیم محمد جعفر اکبرآبادی در تقویت قلب و باه بغایت نافعست ص دارچینی سه درم قرنفل یکدرم زنجبیل سه درم جوزبوا درم بسباسه بادیه شتر اعرابی از هر یک نیم درم ابریشم مقرض یکدرم دارفلفل نیمدرم سورنجان خولنجان از هر یک یکدرم عاقرقرحا نیمدرم عود هندی نارمشک از هر یک یکدرم زعفران دو درم جدوار نفش سه درم سک نیمدرم عنبر ربعدرم مغز چلغوزه ده درم روغن نارجیل ده درم ترنجبین نبات از هر یک هزده درم عسل سی و شش درم ترنجبین را در نیم آثار شیر گاو بجوشانند و صاف کرده با نبات و عسل بقوام آرند اجزا را باریک سائیده معجون سازند شربت دو درم صبح دو درم شام معجون نیز از تالیف حکیم مذکور جهت تقویت باه ص خصیة الثعلب وازده درم مغز پنبه دانه حب الصنوبر کنجد مقشر تخم بارجو برکش خرما از هر یکده درم مغز کنجشک نر که وقت هیجان گرفته باشند بیست عدد بادیه شتر اعرابی دو مثقال ترنجبین سفید سه برابر ادویه عسل کف گرفته برابر ادویه ترنجبین را بشیر گاو تازه بجوشانند و با عسل بقوام آرند و بقدر مزاج از دو مثقال تا چهار مثقال بکار برند معجون از ارشاد تذکره جهت قطع اخلاط بارده و فضلات بلغمیه جهت ادرار بول نمودن حیض نافع و رنگ خساره و بشره را نیکو گرداند و گفته اند که جهت برص مجرب است تا سه روز متصل بخورند پس بخبرو ز قطع کنند و سه روز باز عود نمایند و وقت ابتدای استعمال معجون سازند که قمر در نقصان باشد ص هلیله کابلی بلیله آمله افتیمون از هر یک پنجمثقال قرفه دارفلفل از هر یک چهار مثقال جوزبوا عاقرقرحا شیطرج از هر یکدو مثقال بعسل بسرشند معجون برای دفع سرعت انزال و ضعف گرده و مثانه و نفخ ان تجربه رسیده ص جوزبوا دو جزو آمله اذخر خسک هلیله بسباسه قرفه خولنجان حب بلسان از هر یک سه جزو تخم مورد زعفران از هر یک جزو دارچینی زنجبیل از هر یک سه جزو کوفته

بیخته در سه چند عسل معجون سازند و صبح یک ماشه بخورند و اگر خواهند وقت خفتن نیز یک ماشه بخورند معجون که بهندی بهتیه گویند ص بهتیه یکعدد جوزبوا قرنفل بسباسه از هر یکدو دانگ زنجبیل زیره سفید و سیاه از هر یک یکدام نارجیل چهار دام مغز بادام مغز پسته کشمش از هر یک نیم پاو ورق نقره شش ماشه نبات یکسیر پاو بالا عسل یکرطل روغن گاو نیم پاو بطریق مشهور معجون سازند معجون از حکیم مصری جهت تقویت باه ص زرده تخم مرغ چهل عدد تخم زردک تخم ترب تخم شلغم شقاقل خصیة الثعلب دارفلفل از هر یکدو توله فلفلمویه سه توله بسباسه جوزبوا از هر یک دو توله مصطگی توله مغز کنجشک پنجاه عدد قرنفل چهار توله زنجبیل شش توله عاقرقرحا یکتوله سنبل الطیب دو توله اول اجزا را کوفته از پارچه گذرانیده بعد از ان زرده تخم مرغ اندک بریان کنند و با اجزا بمالند و مثل همه اجزا قند بقوام آورند اجزا را در و انداخته معجون سازند و اگر خواهند جهاز این معجون مثل چار مغز سازند صبح یکعدد تناول نمایند معجون جرس بر تقویت دل و دماغ و قوت باه بینظیر است و دیگر منافع بسیار دارد ص مروارید دو توله مرجان کهربا یشب سبز شقاقل ابریشم لباشیر مصطگی هیل آمله منقی کشنیز خشک درونج عقرب پوست اترج گاوزبان گل گاوزبان خشک هربی زراوند مدحرج بیخ بابونه مشک عنبر از هر یک دو توله دارچینی قرنفل بهمنین بسباسه از هر یک چهار توله صندل سفید سه توله زعفران توله مغز چلغوزه مغز بادام از هر یک پنجتوله بادیه شتر اعرابی نه توله گل سرخ ده توله روغن قنب ده دام ورق طلا ورق نقره عطر جهانگیری یعنی جرس از هر یک یکتوله عرق بید مشک بقدر حاجت نبات یکسیر اکبری بدستور مرتب سازند شربت از نیم توله یا یکتوله معجون برای سرعت انزال و ضعف باه که بسبب رطوبت باشد مجربست ص آمله سنگاره صمغ پلاس کملا کهیلے ماتین الجبهلی ببول تودریان تج خارخسک نکهمکنی و دوهی جوزبوا موچرس گیر و قاقلین همه ادویه را مساوی گرفته با سه چندان عسل و نبات و قدری شیر که غلیظ شده پخته باشد و در هندی کهوا گویند معجون سازند و این نسخ از بیاض عم مرحوم منقول شدند معجون مقوی و ممسک ص دارچینی مصطگی جوزبوا سنبل عود از هر یک دو مثقال مشک خالص حمه دانگ حب المشل

معجون جرس

عطر جهانگیری

سفید چهار صد عدد بزرالبنج سفید دو مثقال کبابه دو مثقال پوست خشخاش پنج مثقال عنبر اشهب
مثقال مایه شتر اعرابی چهار مثقال زعفران دو مثقال بلوط پنج مثقال نبات سی من عسل فرزان
ادویه حب النیل را در روغن بادام یکشبانه روز تر کرده نگاهدارند بعد همه ادویه کوفته بیخته در عسل
و نبات قوام نموده معجون سازند شربت یکمثقال صبح غذا کباب معجون برای قوت باه بینظیر است
ص زرده سفیده مرغ یکعدد روغن زرد بقدر یک بیضه آب پیاز سرخ نیز همان قدر که در
پوست یک بیضه گنجد شهد خالص همان قدر آب زردک نیز همان قدر پنج جزو را آمیخته با آتش
نیم گرم کرده بخورند تا چهل روز باین روش عمل نمایند و از جغرات و دوغ و سرکه و جمیع ترشیها پرهیز
کنند و غذا از مقویات باشد معجون سپیاری پاک منقول از بیاض عم مرحوم مقوی باه و
ممسک آب رفتن از فرج زن باز دارد و اعانت بر حمل کند و تقویت کمر نماید ص چهالی نیم طل
فوه نیم پاو در ده آثار شیر گاو بجوشانند هرگاه مهرا شود مثل کهوه همه را خوب سائیده نگاهدارند و
دگوند برشته پاو آثار آرد مونگ نیم پاو نشاسته برشته پاو آثار مغز بادام برشته نیم آثار علحده نگاهدارند
و قند سفید سه آثار و روغن زرد یک آثار را قوام نمایند و نشاسته و آرد مونگ را در ان بریان
کنند پس مغز بادام مسلم و گوند مسلم بیامیزند و بعد ازین ادویه خارخسک یکرطل ثعلب مصری
دارچینی قرنفل الاچی خورد از هر یک چهار دام جوز دو توله لباسه توله گوند پاو آثار گل پسته
گل سپاری بلیک ام نارجیل پاو آثار چهال کچنال چهال کیکر چهال سنگاهو از هر یک شش اشته
کوفته بیخته همراه کهوه بیامیزند و زعفران چهار توله مشک شش ماشه سائیده بیفزایند و دو دام
صبح و دو دام شام خورده باشد معجون گهیکوار از تالیف راقم جهت تقویت باه و امراض بارده
مثل درد مفاصل و جز آن مفید است ص مغز گهیکوار تیز گاو شکر سفید از هر یک آثار پاو و بالا
مغز بادام خشک یکنیم ماشه و زعفران دو ماشه مغز پسته خرما از هر یک پنجدام گهیکوار را قطعه
قطعه کرده پوست سبز دور نموده مغز آنرا دست افشرده در شیر انداخته بر آتش ملائم بپزند و کفچه
زنند که مغز گهیکوار همه مخلوط شیر شود و بعد از ان شکر اضافه نمایند پس از ان مغزیات بیامیزند

و وقت فرود آوردن مشک و زعفران بگلاب سوده افزایند و در ظرف چینی نگاهدارند شربت
از سه ماشه تا یکتوله معجون در تقویت باه نفع عظیم دارد آثار غریبه و افعال عجیبه ظاهر میشود و دفع قوت
میکنند و بکرر تجربه رسیده ص بهمنین شقاقل قرفه بوزیدان لباسه کباب چینی خولنجان لسان العصافیر
قاقله کبار و صغار سنبل الطیب زنجبیل قرنفل ساذج هندی عنبر اشهب مروارید ناسفته از هر یک سه
درم خصیة الثعلب ده درم شقنقور قضیب گاو سوهان کرده از هر یک پنج درم عود خام بلیون
زعفران از هر یک چهار درم سعد زنجبیل لبد کهربا از هر یک دو درم مشک یکدرم و نصف یاقوت
زرد یکدرم و طلا محلول از هر یک یکدرم و نصف زاید الفکر مدقوق سی مثقال روغن بادام شیرین
ده مثقال در نبات و عسل مصفی بطریق متعارف معجون سازند شربت از یکدرم تا دو درم
معجون بزور در امر باه فعل عجیب دارد ص تخم گندر تخم شلغم تخم پیاز تخم گندنا تخم بلیون مغز چلغوزه
مغز حب الفلفل مغز حب الزلم بوزیدان وج شیرین تودریین لسان العصافیر بهمنین از فلفل
حلتیت قرفه از هر یک جزو کوفته بیخته عسل و نبات سه وزن ادویه معجون سازند شربت سه
درم با شیر گاو پیش معجون نعوظ شدید می نماید و نفع می نماید برای آنکه از ازاله بکارت عاجز باشد
ص دارچینی خصیة الثعلب شقاقل جوز بوا مصطگی لسان العصافیر زعفران دار فلفل بوزیدان
گل سرخ بهمنین تخم بلیون تخم گندنا از هر یک دو مثقال مشک انگ عنبر اشهب یکدرم مغز حب التعلق
سه درم زاید الفکر بیست و پنج مثقال عسل سه وزن ادویه را بطریق متعارف معجون سازند
معجون منقول از قرابادین قانون زیاده میکند باه را و صالح است از برای بادشاهان ص
بگیرند شقنقور یک اوقیه و نیم تخم شلغم تخم اسپست تخم گندنا تخم شلغم بری تخم پیاز سفید تخم انجیر جرجیر از هر یک
یکدرم فلفل از هر یک پنجدرم پیاز عسل مشوی چهار درم مغز چلغوزه دو اوقیه و نیم اوقیه
عاقرقرحا مغز گنجشک نر که در خانه آشیانه میکنند لسان العصافیر شش درم مجموع را کوفته بیخته
بروغن گاو برابر مجموع ادویه چرب کرده بعسل مصفی دو وزن ادویه سرشته معجون سازند
شربت از ان نیم درم با شراب شیرین بعد از تحلیل غذا استعمال نمایند معجون انجبت

بھنگ

مجامعت

قوت مجامعت و تقویت پشت و باه نهایت مفید و طعام هضم کند ص عاقرقرحا شش درم
فلفل هفت درم زعفران سه درم قاقله کبار ده درم مصطگی قرفه از هر یک هفت درم مشک ترکی
نیم درم عنبر اشهب یکدرم جوزبوا سه عدد جز و اعظم سی درم روغن بادام شیرین ده درم قند سفید
یکصد درم بدستور معجون سازند بقدر حاجت بخورند معجون که در تقویت باه بی‌نظیر است از تالیف
والد ماجد ص مغز بادام فندق مغز چلغوزه مغز خربوزه مغز حب الزلم مغز حبة الخضرا کش خربا مغز
پسته مغز نارجیل مغز حب القلقل مغز انجلک مغز اخروت مغز کنجشک بهمنین شقاقل مصری
صندل سفید خصیة الثعلب تودریین لسان العصافیر از هر واحد یکدرم مغز تخم خیارین تخم خرفه
هر یک نه ماشه مغز تخم کدو تخم خشخاش هر یک شش ماشه ابریشم مقرض دارچینی دانه هیل هر یک
سه ماشه خسک مربی گاوزبان گیلانی تخم هلیون از هر یک چهار ماشه مایه شتر اعرابی تخم زردک
تخم بالنگو تخم جرجیر تخم بادرنجبویه تخم فرنجمشک تخم شلغم تخم کونچ صمغ عربی تخم انجره مصطگی از هر یک
یکدرم خولنجان بوزیدان پودینه خشک زنجبیل زعفران هر یک سه ماشه عنبر اشهب ده ماشه
عسل سفید دو وزن ادویه قند سفید یک وزن ادویه بطریق متعارف معجون سازند معجون
از حکیم محمد شیرازی جهت تقویت باه و فربهی بدن و تقویت معده و دل و دماغ و جگر و گرده و
مثانه و باقی اعضا بسیار مفید است و نشاط آورد و سرور افزاید و بوی دهان خوش کند و
نفع این ترکیب بسیار است ص چوب اعلی پنجاه مثقال و در نسخه دیگر صد مثقال مروارید
ناسفته دو مثقال ریوند چینی افتیمون سنبل الطیب از هر یک سه مثقال هیل بوا مصطگی رومی
عود قماری مایه شتر اعرابی اسارون از هر یک سه درم زعفران مشک تبتی عنبر اشهب بوزیدان
سورنجان از هر یک دو درم تباشیر آمله دارچینی قرنفل جوزبوا بسباسه زنجبیل فلفل از هر یک دو مثقال
کباب چینی خولنجان قسط شیرین سعد کوفی از هر یک دو درم سمکه صیدا ماهی روبیان درونج
زرنباد کندر تخم شلغم تخم ترب بهمنین تودریین تخم اسپست خسک مربی از هر یک سه مثقال
شقاقل دو مثقال ورق نقره سدس وزن مجموع ادویه دوا را کوفته بیخته نگاهدارند

گل گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ اشنه از هر یک ده مثقال جوشانیده صافی نموده نگاهدارند دیگر خشخاش
سفید مغز تخم خربوزه مغز خیارین تخم کاسنی تخم خرفه مقشر از هر یک ده مثقال نرم کوبیده در آب شیر کشیده
با آب به شیرین و گلاب از هر یک یکصد قند سفید عسل مصفی بالمناصفه سه وزن ادویه بقوام آورند
پس مغز بادام شیرین مقشر مغز فندق مغز چلغوزه مغز گردگان از هر یک ده مثقال کوبیده داخل
کرده پس ادویه اول را بآن بسرشند و در نسخه دیگر این معجون گل مختوم صندلین از هر یک سه مثقال
آمله منقی دوازده مثقال خصیة الثعلب نه مثقال داخل است حکیم مومن در تحفة المومنین گفته که جز
ورق نقره را از برای آنکه مضر است داخل نکردم و بیست مثقال چوب چینی را جوشانیده آب آنرا
با عسل بقوام آورده ادویه را بآن سرشتم نهایت در فعل قوی‌تر مشاهده نمودم معجون مقوی

این معجون مجرب است

باه و ممسک که بتجربه فقیر درآمده ص تیج بل بجهند گجراتی سمندر سوکهه تخم اونتنگن عاقرقرحا تالمکهانا
گوکهرو تخم کونچ موچرس گوند ڈهاک صمغ عربی ثعلب مصری از هر یک یکدام موصلی سفید دکهنی دو
دام دارچینی صورتی قرنفل جوتری از هر یک هفت ماشه جوزبوا یکدام زعفران چهار ماشه حب بلسان
نیم دام مصطگی نیم دام عسل کشمیری یک رطل بطریق متعارف معجون سازند معجون مبهی از شیخ داود
عجیب الفعل است در برانگیختن باه و نعوظ و تقویت حرارت غریزی و فربه کردن بدن و تولید
خون صالح و اصلاح و رفع اذی جماع و ضعفی که از کثرت جماع حادث شود دور نماید ص اجزای
آن نخود سفید با پوست که در آب تره تیزک تازه سه بار خیسانیده و هر مرتبه خشک کرده باشند
و خسک خشک مسحوق را که در سه مثل آن خسک تازه پاشند از هر یک سه اوقیه ترنجبین خراسانی
ده درم دارچینی خولنجان هر یک شش درم عسل یک و نیم رطل آب سفید پیاز نیم رطل همه را بقوام
آورند با آتش ملایم پس بعد سائیدن داخل کنند تخم ترب تخم گزر بری شقاقل تخم انجره از هر یک
اوقیه عاقرقرحا زنجبیل از هر یک نیم اوقیه بر هم زنند تا مخلوط شود پس بگیرند هشت قیراط بادزهر حیوانی
و پنج درم زعفران شش قیراط مشک ترکی را در یک اوقیه گلاب حل کرده بآن تنقیه کنند و در ظرف
چینی نگاهدارند شربت از دو درم است و هرگاه قوی‌تر خواهند مغز گردگان مغز حب صنوبر

حب نارجیل مغز حب الخضرا تخم شلغم بهمنین تخم اسبست تخم کتان از هر یک اوقیه قسط شیرین
انیسون قرنفل فلفل ماهی شقنقور واگر نباشد بدل آن مایه شتر اعرابی یا ماهی روبیان از هر یک
سه مثقال زرده تخم مرغ مغز کنجشک نر از هر یک بیست عدد اضافه نمایند قدر شربت تا دو درم
معجون که حکیم علویخان در باه و امساک مجرب نوشته ص مروارید ناسفته کهربا از هر یک یکتوله
بهمنین شقاقل زنجبیل خولنجان تخم انجره تخم شلغم تخم گندنا تخم خشخاش از هر یکدو توله مغز پسته مغز نارجیل
مغز چلغوزه کنجد مقشر مغز حب السمنه مغز حب الخضرا ماهی رودبیان هر یک چهار توله مایه شتر اعرابی
ماشه ورق طلا دو ماشه ورق نقره عنبر اشهب مشک خالص از هر یک سه ماشه مغز تخم خربوزه
مغز تخم خیارین از هر یک پنجتوله مغز سر کنجشک نر خانگی هفت توله ناگیسر شش ماشه بزر البنج در سرکه خشک
کرده زعفران بیخ لفاح بیخ موتهه در شیر خیسانیده خشک کرده از هر یک چهار ماشه بیخ موتهه را با آرد نخود
کرده توله بشیر خمیر کرده در سایه خشک کرده باشند کوفته مجموعه ادویه را بمسکه گاو ده توله چرب کرده
قند سفید عسل از هر یک صد توله شربت فواکه شیرین شربت لیمون از هر یک بیست توله بقوام
آورده ادویه را بدستور با آن سرشته اقراص یا معجون سازند معجون دیگر قضیب بسیار سخت
گرداند و باه بیفزاید ص سپند سوختنی بسباسه جوزبوا قرنفل دارچینی از هر یک پنجدرم کنجد سیاه مقشر
هفت درم جمله را یکجا کرده کوفته بیخته با عسل معجون سازند شربت مقدار سه درم معجون که سیلان
منی و ودی و مذی و سیلان رطوبت رحم که مزمن باشند در نهایت نفعست ص مروارید کهربا محرق کرده زاج
گل پسته گل سپاری شهدانج بسباسه عود صلیب خولنجان طباشیر شسته جفت بلوط صمغ عربی
ثمر درخت مغیلان بهمن سرخ و سفید شقاقل گلنار پوست بیخ مغیلان صمغ سپاری کشنیز خشک
صمغ درخت سنبهل خصیة الثعلب مغز فندق مغز چلغوزه مغز حبة الخضرا تخم خشخاش تخم خرفه از هر یکدو
مثقال مصطگی حلک ابطم ورق طلا ورق نقره از هر یک نیممثقال پوست هلیله کابلی غنچه گل
گل سرخ هلیله سیاه در روغن گاو بریان کرده از هر یکدو مثقال عنبر اشهب نیم مثقال سوهن منقی
بیست مثقال نبات سفید سی مثقال آب سیب شیرین آب انار شیرین آب امرود از هر یک

چهل مثقال شربت فواکه شیرین شربت کتل گلاب از هر یک بیست مثقال بدستور مرتب سازند
معجون خبث الحدید مفید از برای سرعت انزال از مجربات حکیم الملک رودستانی ص
بهمن سرخ و سفید از هر یک پنجمثقال خولنجان جفت بلوط عاقرقرحا از هر یک دو درم حب الآس
پنج مثقال شاهدانه کندر مایه شتر اعرابی از هر یک سی درم افیون جوزبوا اقاقیا ثعلب مصری تخم
شبت سعد کوفی از هر یک پنجمثقال تخم ترب ده درم خبث الحدید مدبر در سرکه خشک کرده پنجمثقال
مجموع را کوفته بیخته بعسل کفگرفته دو وزن سرشته معجون سازند شربت دو درم و از عقب
آن پیاله شیر تازه بنوشند پس بدرستی که سخت میکند ذکر را معجون کندر همین خاصیت دارد
و تقطیر بول دفع نماید ص حلک ومی کندر بلوط گلنار شونیز کشنیز خشک از هر یک ده درم زیره
کرمانی مدبر نانخواه از هر یک پنجدرم پوست هلیله زرد هلیله سیاه آمله منقی از هر یک سه درم مصفی
سه وزن ادویه بقوام آرند و در نسخه دیگر ده درم گل نیلوفر است و نسخه صاحب اختیارات علک
ندارد و کرویا پنجدرم داخل است شربت دو مثقال است بامداد و شبانگاه غذا گوشت
و دیگر مقویات معجون مقوی باه ممسک از تالیف راقم و چند مرتبه تجربه در آورده و بدل
افیون است این معجون که آن بتوان کرد ص مروارید سائیده یاقوت رمانی مرجان قرمزی کهربا شمعی
زمرد سبز عقیق زرد لعل بدخشی یشب سبز لاجورد مغسول از هر یکدو مثقال گاوزبان گیلانی گل گاوزبان
هر یک یکمثقال ابریشم مقرض بهمن سفید سرخ تودری سرخ و سفید شقاقل مصری مصطگی قرنفل
دارچینی دو توله زعفران مشک عنبر اشهب یک مثقال ورق نقره ورق طلا هر یک دو درم
چوب چینی قسم اول بیست و پنجمثقال صندلین خار خسک عربی تخم خشخاش تخم لیمون مغز پسته
هر یکدو مثقال عسل مصفی یک وزن ادویه روغن چرس از یک آثار قوام از شربت هفت توله
تا یک داخل نمایند و طریق برآوردن روغن چرس اینست بگیرند چرس و در شیر گاو که مثل بست
آن باشد حل کنند و یک شبانه روز بگذارند بعد از آن بجوشانند نیک و ماست بندند پس مسکه
آن را بر آورده صاف بر آتش ملائم نموده داخل کنند و اگر خواهند که بوی چرس برطرف شود

بدل افیون

طریق برآوردن روغن چرس

هنگام صاف کردن بر آتش برگ تنبول قرنفل جوز بوا و اظفار الطیب قرنفل سائیده در مسکه
بلیند از ند اگر دو سه مرتبه این تصفیه بعمل خواهند آورد بو نخواهد ماند معجون که مفاصل و قولنج
راسود دارد ص سورنجان ده درم سناکی پنجدرم اسارون زنجبیل زیره کرمانی دارفلفل هر یکدو
درم کوفته باعسل معجون سازند شربت دو مثقال با آب گرم معجون درد پشت و دردها را
نافع بود و قوت دهد و معده را پاک کند و موی را دیر سفید نماید و لبسود را نافع باشد و سرعت
انزال را سود دارد ص گل سرخ سعد کوفی عاقرقرحا قرنفل سنبل مصطگی زرنباد زعفران
قاقلین جوز بوا مساوی قند و عسل بالمناصفه بقدر احتیاج در گلاب و قند را بگدازند با عسل
بقوام آورند و دارو ها کوفته بان بسرشند معجون که نقرس بلغمی را نافعست ص پوست
هلیله زرد سورنجان عاقرقرحا از هر یک پنجدرم فلفل سفید یکدرم و نیم زیره کرمانی هفت درم
راسن چهار درم زنجبیل دو درم افیون نیم مثقال کوفته بیخته بسرشند شربت دو مثقال معجون
دیگر مجرب برای نقرس ص سورنجان شش مثقال پوست بیخ کبر دارفلفل حنا کمون کرمانی
از هر یکمثقال ملح نفطی نوشادر زبد البحر سائله هر یک نصف درم تربد ده مثقال خردل
زنجبیل از هر یک دو درم و نیم عسل سه وزن معجون سازند معجون که در اکثر امراض
بارده و اوجاع مفاصل و درد اعضا خصوص که بسبب آتشک بود نافعست ص چوب چینی
سی مثقال قرنفل جوز بوا بسباسه گل سرخ زعفران زرنباد خولنجان سعد کوفی هر یک یکمثقال
دارچینی قاقله سیاه مصطگی سورنجان بوزیدان سناکی لسان العصافیر هر یک نیم مثقال زنجبیل
دارفلفل عاقرقرحا جدوار خطائی هر یکدو مثقال عسل دو چند ادویه معجون سازند قدر شربت
در امزجه ضعیفه یک مثقال و در امزجه متوسطه دو مثقال و در امزجه قویه سه مثقال و این
معجون ملاحظه پرهیز کمتر دارد معجون در شان او کندی گفته که جهت نقرس باد و جع معده
مجربست ص در اول امر تسکین و در آخر تحلیل ماده آن میکند ملح نفطی نوشادر زبد البحر
میعه یابسه هر یک یکدانگ و نیم فلفل دارفلفل زنجبیل حنا زیره کرمان ورق کرم هر یک یکدرم

سورنجان مصری دوازده درم عسل سه چند ادویه شربت پنجدرم با آب گرم معجون جهت
اوجاع مفاصل نهایت مجرب و ممدوح است ص اسارون زنجبیل زیره کرمانی دارفلفل
هر یکدو درم سناکی پنجدرم سورنجان ده درم بعسل بسرشند معجون اوجاع مفاصل و نقرس و
عرق النساء بلغمی و صفراوی نافع است ص سورنجان شش درم بوزیدان ماهیزهج
بیخ کبر زیره شیطرج هر یکدو درم هلیله زرد هفت درم تخم کرفس رازیانه فلفل سفید صعتر نمک
هندی برگ حنا زبد البحر هر یک یک و نیم درم گل سرخ کنجد زنجبیل سقمونیا هر یک سه درم تربد
سفید پانزده درم عسل یکصد و پنجاه درم روغن بادام دو استار شربت استار با آب گرم و زیاده
تنقیه مطلوب باشد و جهت دوام سه درم معجون تالیف حکیم هاشم طهرانی نافع برای اوجاع
مفاصل و تقویت باه و مبردین بالغ النفع است حکیم مذکور نوشته که در تقویت باه و سایر قوی
تجربه کرده ام ص دارچینی سورنجان شقاقل مصری ثعلب لسان العصافیر عود هندی مصطگی
زعفران از هر یک یکمثقال دار هیل قاقله کبار خولنجان قرنفل کباب چینی مشک تبتی بوزیدان
زنجبیل سنبل الطیب زرنباد اسارون سادج هندی دارفلفل عنبر اشهب جدوار خطائی
از هر یکدو مثقال مغز حب القلقل مغز انجلک مغز بادام از هر یک پنج مثقال مغز چلغوزه نارجیل
از هر یکده مثقال چوب چینی اعلی یکصد و پنجاه مثقال چوب چینی و رق کرده یک شبانه روز بجوشانند
پس با چهار من شاه آب در دیگ بزرگ سر آن محکم نموده بتدریج باتش ملایم بجوشانند تا ربع بماند
پس صافی نموده با عسل سفید از یکصد و پنجاه مثقال و ترنجبین که از خار خاشاک پاک
نموده باشد یکصد و پنجاه مثقال داخل کرده بجوشانند و کف آنرا بر گیرند و باز صافی نموده
بقوام آورند و ادویه بدستور مقرر آن بسرشند و معجون سازند که هر یک از اجزای خشک را
سوای مشک و عنبر و زعفران و مغزها علیحده کوفته بیخته بوزن آورند و داخل هم سازند
و مغزها نیز جدا جدا خوب نرم نمایند و ترنجبین را قدری آب چینی حل کرده صاف سازند
و با عسل و آب چینی بقوام آورند انگاه عنبر داخل نموده پس زعفران را نرم کوفته بیخته

وباگلاب بغایت نرم نموده داخل نمایند وبعد ازان در آخر سائر اجزا وبعد از تمامی مشک را
باقدری نبات سائیده اضافه کرده خوب بر هم زنند بایکدیگر مخلوط وممزوج شود وبردارند و
در حقه چینی نمایند اما باید که حقه پر باشد وجای نفس کشیدن بماند شربت از دو مثقال تا چهار
مثقال معجون از مجربات عماد الدین محمود چون روز نوبت قبل از تپ بدو ساعت بمقدار
نخود یا نیم مثقال تناول نمایند البته در سه نوبت قطع کند سمی ست بجب لونوص جند بیدستر
حلتیت دارچینی قرنفل شونیز مرصاف میعه سایله هریک سه درم افیون سداب فلفل
هریکدرم عسل برابر جمیع معجون لنا سمناه باکثر البدن ینفع من القروح الخبیثة والامراض
البلغمیة سیما للمشایخ واوجاع الظهر والمفاصل والعظام العارضیة من المرض المعروف
الذی یقال له بالفارسیة آتشک ۱۰۰۰ ۳۰۲ وذلک اجود من الخشب الصینی المشهور لذالک
المرض واسرع نفعا ولا یغاوله شئی آخر لعلاجه ولا یحتاج الی الحمیة سوا المحموضات بل ینبغی ان
تنعم صاحبه بالمشومات والکرویاج والقلایا وانواع الاطعمة المتخذة من الدسوم واللحوم جیدة
فاعرف ذالک بالرموز ومن فهم فذالک الملغوز فقد ملک الکنوز ص یوخذ من الدوا الذی
یوخذ من الاکثر بلاد الهند وحروف زبره بالعربی ثمانیة وعدد وعم وبنیاتها اثنی عشر حرفا
وعددها فبلیزه خمسة منها من الاحاد وواحد من العشرات واحد من المیات وواحد ظاهر
فاولها ان ضرب فی ربعه او فی ثانیته حصل من منطه مجذور فی نصفه ویفهم من سطح ضبر فی
نصفه عدد ایام مسیر الشمس فی بروج ارید من سایر البروج فی السیر وثانیها یخبر عن عدد ترق
الاولی البدیهی الانتاج وثالثها ثمن اولها ورابعها یحصل من ضرب الکواکب المتحیرة فی
العدد التام وخامسها لا یحتاج الی ذکرها وسادسها خمس خامسها وسابعها کثالثها وثامنها علم
منه عدد اقسام العلم وینفع من هذا الدواء الجید وزنا سعنیا فی الماء سبعة ایام ویجدد الماء فی
کل یوم وفی الیوم الثامن یخرج منه ویقشر ویدس فی خمیر الحنطة سبعة ایام ثم یخرج منه و
یغسل ویوضع فی خریطة رقیقة ویعلق فی القدر ویصب فیه خمسة امثاله لبن البقر ویقلی

حتی یجذب اللبن کله ثم یخرج منه ویغسل بماء حار وبیرد بالمبرد ثم یوخذ بوزن نصف هذا الدواء من الادویه
المذکورة فی الذیل ویدق وینخل الکل ویعجن بالعسل المصفی بثلاثة امثال الادویه والشربة فی الابتدا
غدوة علی الریق ومثله وقت النوم الی درهم ونصف آن احتمل المزاج ومن دام اربعین یوما فاز
بعید الشباب هذه ادویه الذیل فلفل اسود وابیض دارچینی جوز بوا البسباسه مصطکی عود بلسان سعد
هندی زنجبیل قسط نفل عود قماری آمله سنبل قاقله نانخواه رازیانه زعفران
صندل سفید دارفلفل من کل واحد مساو باقی الوزن حالا اینجا تفصیل این
مجمل وتسهیل این مشکل می نماید تا تشنگان بادیه استفاده سیراب شوند وپای بکل ز رنگان
کوچه طلب بمقصود ورسند باید دانست که ازین تعبیر حب الغراب که در هندی عبارت
از کچله است بر می آید وچون حروف را ترقیم نمایند اول حرف که در نوشتن ابدان راز بر گویند و
حروف باقیه را بینه مثلا هرگاه ب ترقیم کردیم نوشتیم با یا که در باست آن را بتبه پس حروف حب الغراب
را اگر باین طور بنویسند حروف زبر هشت خواهد بود وعدد آن یکهزار و دو صد و چهل و چار که ان
عدد رد غم است وظاهر گشت ازین حکم بینات اول آن حروف که حاست وعدد او هشت
بود اگر ضرب کرده شود در ربع او که دو است یا در حرف دوم که آن باست حاصل میشود از
مسطح آن که شانزده است مجذور ضرب نصف آن عدد که چار است در نصف آن عدد چون
عدد را در نصف آن ضرب کنند حاصل ضرب را مربع گویند وچون در غیر آن ضرب نمایند
حاصل ضرب را مسطح گویند ومجذور نیز حاصل ضرب را مطلقا گویند وفهمیده میشود از مسطح ضرب
آن عدد که هشت است در نصف آن عدد که چار بود عدد ایام سیر شمس در برجی که زیاده از همه
بروج در وی میماند یعنی حاصل ضرب سی و دو بود وسیر آفتاب درین برج نیز سی و دو ست و
ثانی ازان حروف باست عدد او دو بود وشرط شکل اول دو است یکی ایجاب صغری
ودوم کلیة کبری وسوم آن الف است وعدد آن یک است حصه هشتم هشت است رابعه
آن لام بود وعدد آن سی است وچون کواکب متحیره را که پنج اند در عدد تام که شش ست

ضرب کنند سی حاصل میشود و عدد تام آنرا گویند که چون کسوره موجوده آنرا جمع کنند مساوی عدد
باشد مثل شش که یک کسر آن نصف و دوم ثلث و سوم سدس است چون این کسور را جمع کرده
شود شش خواهد برآمد و پنجم آن محتاج ذکر نیست یعنی هزار است و ششم که راست عدد این دو صد است
حصه پنجم خامس بود و هفتم آن که الف است مثل ثالث آن که زیر الف بود و هشتم که با است و
عدد آن دو است از و اقسام علم دریافته میشود منقول و معقول یا بدیهی و نظری یا علمی و عملی
فافهم معجون منقول از خط مولانای عماد الدین مرحوم خاصیت این معجون زیاده از آن نوع است اند
که در تحریر آید مداومت این معجون امراض صعبه مثل بهق و قولنج و فالج و لقوه و تاریکی چشم و کری
گوش ببرد و زنی که یکبار زائیده و بار دیگر نزاید مداومت نماید بار آورد ص قرنفل دارچینی
یک یکدرم سافج هندی جوزبوا هلیله کابلی از هر یک یک فلفل دو دار فلفل چهار زنجبیل هشت
هلیله زرد شانزده بلیله سی و دو آمله بیست و چهار نانخواه یکصد و بیست زیره سیاه دو صد پنجاه و شش
سیاه دانه پانصد و هفتاد و دو لبر که تر کنند وا دویه را کوفته بیخته قند برابر ادویه بقوام آرند در میان مطبوخ
فرو ریزند و ادویه با و بیامیزند و غلوله سازند مثل عناب و هر روز یک فرو برند و مداومت نمایند
معجون برای آنکه مری بجلدی آمده باشد ص هلیله سیاه ده درم بلیله پنجدرم فلفل دو درم
نصف زنجبیل گل سرخ وج از هر یک یکدرم و نصف کندر طباشیر سفید از هر یک پنجدرم صندل
سفید تخم کاسنی از هر یک سه درم کوفته بیخته بعسل مزبی ابرشند مرتب سازند شربت سه درم
سفیدی مو را دور کند و سیاهی نگاهدارد معجون که طبری در معالجه برص ذکر کرده و گفته
که اگر انحلال طبیعت خواهد سه مثقال بایارج و خربق بقدر حاجت متقوی ساخته بکار برند و
اگر خواهند که مثل معاجین مسخنه چندی بخورند هر روز نیم مثقال ناشتا تناول نمایند ص جند بیدستر
بیخ قثاء الحمار دو قوفطراسالیون شیطرج از هر یک پنجدرم زراوند مدحرج تخم کرفس هر یک ده درم
و جاوشیر هر یک بیست درم چیزهای خیسانیدنی را در آب کرنب نبطی خیسانیده و حل کرده باقی دواها
کوفته بیخته بعسل کف گرفته معجون سازند معجون که جذام و امراض سوداوی بهتر از معجون

نجاح و مخترع سید احمد آبادی است ص بنفشه پنجدرم قرنفل هفتدرم بادیان انیسون گاوزبان
هلیله سیاه هلیله کابلی بلیله زرد قاقله هیل مشکطرامشیع هر یک نه درم بسفایج ستاکی دوازده درم
تربد مجوف خراشیده سیزده درم ورق گل فودنج هر یک پانزده درم آب آمله تازه چهار آثار عالمگیری
همه را کوفته بیخته با آب آمله تازه بغیر شیرینی معجون سازند قدر خوراک هفت ماشه تا یکتوله معجون که
بعد از استفراغ خداوند مالیخولیا را نفع بخشد ص بادرنجبویه پوست ترنج قرنفل مصطکی جوزبوا
قرفه قاقله بادرشنک بهمن سفید و سرخ درونج عقربی زرنباد زعفران تخم بادروج فرنجمشک یکدرم
مشک یک دانگ هلیله کابلی شصت درم آمله شلشه آمله و هلیله را در مقدار چهار رطل آب بپزند
تا نصف آید بپالایند و با دو رطل عسل صاف بقوام آورند و ادویه بآن ابرشند شربت دو درم
با شربت گاوزبان معجون نافعست توحش و مواد سوداویه را ص گل سرخ چهار درم نیلوفر
گاوزبان کشنیز بادرنجبویه تودری گلگلون تمر دری سفید بسفایج هر یک دو درم حجر ارمنی مغسول
حجر لاجورد مغسول تخم کشوث تخم کاسنی مغز تخم خربوزه یاقوت لعل زمرد درونج عقربی
هیل زرنباد هر یک یکمثقال بسد مروارید مرجان کهربا عنبر از هر کدام دو درم هلیله سیاه پنجدرم
آمله منقی پانزده درم افتیمون چهار درم قرنفل سنبل سافج هندی بسباسه زعفران از هر یک یکدرم کافور
دو ثلث درم مشک ثلث درم با نبات مقوم و عرق گاوزبان یا رب سیب معجون سازند شربت
یکمثقال معجون در نهایت نفع میکند از برای ضعف و خفقان و وسواس و مالیخولیا که حادث
از سودای محترق و از صفرا و دم بود و میرزا علی نقی موسوی قلمی نموده که مکرر ساخته شد و به تجربه
در آمده ص یاقوت سرخ مروارید ناسفته کهربا شمعی بسد صندل سفید کشنیز از هر یک دو درم طباشیر
بهمن سفید ورق گل سرخ گاوزبان از هر یک چهار درم بهمن سرخ ورق طلا ورق پوست
از هر یک یکدرم تخم خرفه مقشر هشت درم زرشک منقی دوازده درم گل ارمنی مغسول
یکدرم و نیم عنبر اشهب یکمثقال ابریشم مقرض یکدرم شربت اترج قند سفید بقدر حاجت بدستور
مقرر ترکیب سازند معجون ضعف دل را قوت دهد و نشاط تمام آورد ص مروارید ناسفته

تخم بادرنجبویه پوست زرد اترج پوست بیرون پسته صندل سرخ و سفید گل سرخ تخم فرنجمشک از
هر یکسه درم لسبد یکدرم و نیم کهربا شمعی یشب سبز قرنفل کباب چینی بهمن سرخ دارچینی ساذج هندی
از هر یک یکدرم لعل بدخشی عود قماری خام از هر یک یکمثقال یاقوت رمانی یاقوت زرد از
هر یک یکمثقال بهمنین کشنیز مقشر گل ارمنی مغسول طباشیر سفید از هر یکدو درم عنبر اشهب نیم مثقال
کافور قیصوری از هر یک نیمدرم درونج ورق نقره از هر یک نیم مثقال گاوزبان آمله منقی از هر یک
پنجدرم عصاره زرشک ده درم زعفران یکدانگ مشک تبتی یکدانگ و نیم شراب اترج نیم
من شراب سیب صفهانی چهل مثقال شراب به اصفهانی بیست مثقال بدستور مقرر مرتب
سازند شربت دو درم مرزا محمد رضا ولد سلمان غفر الله لهما قلمی نموده که مکرر تجربه شده و اکثر از
جهت نواب اشرف اقدس ارفع همایون ساخته ام در افرجه حاره قوت باه میکند و در
تفریح بی‌نظیر است معجون عجیب التالیف و شریف الترکیب در غایت نفع است منقول از
قلانسی ص خسک حجر ارمنی مغسول یاقوت رمانی سنبل سلیخه خیربوا قاقله هر یک یکدرم درونج
عقربی اسطوخودوس تمام هر یکدو درم عنبر اشهب دو مثقال کندر دو درم و نیم زعفران زرنباد
عود هر یک سه درم ساذج دارچینی هر یک چهار درم تخم بادرنجبویه پنجدرم کهربا قشور آمله هر یک
ششدرم بادرنجبویه هفتدرم لسان الثور مرجان هر یکده درم مروارید بیست درم با عسل
معجون سازند معجون که مالیخولیا را با صلاح آورد و دماغ و دیگر اعضای رئیسه معده را قوت
دهد و بغایت نافعست وصف این زیاده از حد و بسیار بوده اما باین قدر اقتصار کرده ص
عقیق ورق طلا حجر الیشب ساذج هندی زرنباد درونج مشک هر یک یکدرم و نیم صندل
سرخ گل مختوم بادرنجبویه بهمن سفید هر یکدو درم حجر لاجورد لعل کهربا نیلوفر زرشک کشنیز خشک
تخم گل عود پوست ترنج گاوزبان بهمن سرخ زراوند تخم کاسنی ابریشم سوخته کافور هر یک سه درم
مروارید ناسفته طباشیر گل سرخ هر یک ششدرم خیر آمله پوست هلیله شربت به هر یک پنج درم
گلاب شکر طبرزد شربت سیب انار شیرین یکسی ششدرم هلیله را جوشانیده آب او بگیرند

و آب ها و شربت ها و شکر بهم آمیخته قوام دهند و ادویه باریک ساخته ببرشسند شربت از یکمثقال
تا دو مثقال معجون که منع بخارات میکند از صاحب تحفه است ص گل سرخ ده مثقال زرنب
فوفل هر یک سی مثقال صندل سفید طباشیر گل ارمنی بادرنجبویه پوست بیرون پسته اترج از هر یک دو مثقال
کشنیز خشک تخم خرفه گل گاوزبان هر یک پنجمثقال شربت سیب شیرین یکصد مثقال چنانچه رسم است
معجون سازند و طلاء محلول و نقره محلول زهر مهره یک مثقال آمله مقشر پنج مثقال معجون
مجربست برای اقسام مالیخولیا و منافع بسیار دارد ص یاقوت رمانی مروارید ناسفته کهربای شمعی
زهر مهره خطائی ابریشم مقرض ورق نقره از هر یکدو مثقال لعل بدخشی ورق طلاء محلل از هر یک
یکمثقال لاجورد مغسول حجر ارمنی مغسول زعفران عنبر اشهب مشک تبتی از هر یک یکمثقال
و نیم گل گاوزبان پوست ترنج گاوزبان از هر یک چهار مثقال فرنجمشک بادرنجبویه بهمنین درونج
عقربی طباشیر سفید عود هندی صندل سفید خیربوا قاقله کبابه گل نیلوفر افتیمون ورق افتیمون
غنچه گل سرخ از هر یک سه مثقال آمله منقی پوست هلیله کابلی زرشک منقی از هر یکده مثقال
تخم خشخاش کشنیز خشک مغز تخم خرفه از هر یک پنجمثقال قرنفل مصطگی نارمشک زرنب تخم فرنجمشک
تخم بادروج تخم بادرنجبویه از هر یکدو مثقال و نیم شراب سیب شراب انار شیرین شربت به آب
لیمو گلاب عرق بیدمشک عرق گاوزبان عرق بهار نارنج از هر یک سی مثقال نبات سفید
فانید سنجری از هر یک یکصد مثقال عسل سفید بیست مثقال بدستور مرتب سازند معجون از تالیف حکیم
علویخان که جهت مالیخولیای مراقی و سائر اقسام مالیخولیا هر گاه ماده محرق از صفرا و خون باشد
و از سودای طبعی و قتی که حرارت غالب باشد بسیار مجربست ص زعفران مروارید
ناسفته کهربا شمعی هر یک چهار دانگ کافور قیصوری دو دانگ لاجورد مغسول زهر مهره خطائی
صندل سفید خیربوا گل سرخ گل گاوزبان بادرنجبویه پوست هلیله کابلی اسطوخودوس از
هر یک یکمثقال مغز تخم کدو شیرین پنج مثقال خرفه مقشر پانزده مثقال زرشک منقی دو
مثقال النعناع خشک ابریشم مقرض گل نیلوفر گل بنفشه از هر یکدو مثقال جواهر را با آب لیمو

منع بخارات

علویخان

واب اترج بر سنگ سماق صلایه نموده وباقی ادویه را کوفته بیخته بجز بریزند شراب سیب
شیرین شراب فواکه از هر یک بیست و پنج مثقال و از عسل ده مثقال و از قند سفید بقدر
حاجت وهمه را بگلاب عرق بید مشک عرق گاوزبان حل کرده بجوشانند وکف آن بگیرند و
صافی نموده تا در دو دران نمایند پس در دیگ نقره کرده بجوشانند تا به قوام عسل غلیظ برسید
پس حل کنند و دران نیم مثقال عنبر اشهب پس داخل کنند دران ورق طلا محلول ورق
نقره مخلوط از هر یک چهار دانگ از آتش فرود آورده جواهر سائیده بران پاشیده بسواء
فراگرفته از چوب صندل برهم زنند پس ادویه کوفته بیخته را بران بپاشند وهمسواء بر چیزی
قوی تا مستولی گردد پس در ظرف چینی نگاهدارند شربت دو درم باشربه مقویه قلب ومعده
وکبد ومانند شراب ریان منعنع شربت تفاح وسفرجل فواکه وصندل با گلاب عرق گاوزبان
عرق بید مشک تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه بادروج هر چه مناسب باشد بخورند **معجون**
از حکیم الملک ص صندل سفید سائیده بگلاب ده توله طباشیر ابریشم مقرض هر یک
یکتوله کشنیز دو توله بهمن سفید یک توله مروارید ناسفته نیم مغز تخم کاهو قاقله صغار عنبر هر یک
نیمتوله مشک سه ماشه کافور نیم ماشه گل گاوزبان گل سرخ از هر یک دو توله مغز تخم خیارین پنجتوله
ورق نقره سه توله نبات سه وزن عسل سفید یک وزن بدستور مرتب سازند **معجون**

این معجون مفرح است

از حکیم گیلانی مایل به برودت حکیم علی گفته که مفرح تام انفع است از جمیع مفرحات و در
امراض مختلفه بکار برده ام ونافع یافته ام حتی که با سهال وامراض رحم نیز مفید آمده مجربات بلا تخلف
است ص یاقوت رمانی لعل شفاف از هر یک یکمثقال مروارید ناسفته لسد قرمزی کهربا
گاوزبان گیلانی مصطگی دارچینی قلمی ابریشم زرشک تخم خرفه فرنجمشک طباشیر سفید مغز تخم خیار
گاوزبان از هر یک دو درم صندل سفید عود هندی درونج عقربی گل سرخ از هر یک سه درم
عنبر اشهب قاقله کبار ورق نقره ورق طلا کافور طین مختوم یا بدل آن طین مغاستانی تخم کشنیز لاجورد
گل ارمنی سنبل الطیب بادرنجبویه زرشک از هر یک یکدرم بادرنجبویه یکمثقال مشک نیم مثقال

شربت حماض صد درم بقوام عسل آورده ادویه علی الرسم بسرشند خوراک یکمثقال **معجون** تالیف
حکیم گیلانی حکیم گفته که این تالیف بینظیر است در تقویت دل که مزاجش گرم باشد ومقوی دل و
اعضاء رئیسه ص یاقوت رمانی لعل بدخشی یشب کافوری هر یک سه مثقال مروارید ناسفته بادرنجبویه
گاوزبان تخم فرنجمشک زعفران آمله مقشر تخم خرفه مقشر تخم کاهو بهمنین از هر یک پنج مثقال گل ارمنی
کزمازج تخم سورد گل بنفشه گلنار فارسی از هر یک یکمثقال صندلین از هر یک پنج مثقال زرشک سه
مثقال ورق نقره سه مثقال ورق طلا عنبر اشهب مشک از هر یک یکمثقال کافور قیصوری نیم مثقال طباشیر
سفید هفت مثقال تخم کاسنی دو مثقال شربت انار شیرین شربت سیب شربت حماض از هر یک چهل مثقال عرق
کاسنی بیست مثقال نبات سفید هفتاد مثقال عسل صنوبر پنجاه و دو درم بدستور مرتب سازند **معجون**
تالیف حکیم گیلانی گفته که با جمیع مفرحات اکتفا باین مفرح میکنم ودر امراض مختلفه میدهم وگاهی
از هر یک قدری ممزوج کرده میدهم ونافع می آید واز جمله منافع این ممزوج آنست که اگر اسهالات
را نافع می آید در امراض رحم بغایت موثر است ص مروارید ناسفته زعفران گاوزبان مصطگی
بسد دارچینی ابریشم مقرض پوست زرد اترج کهربای شمعی بهمن سفید زرنباد اشنه مغز تخم کدو شیرین
اظفار الطیب زرشک اشقی تخم خرفه مقشر فرنجمشک طباشیر سفید مغز تخم خیار تخم کاهو مقشر از هر یک
درم صندل سفید بگلاب سوده عود غرقی درونج عقربی گل سرخ هر یک سه درم عنبر اشهب قاقله
کبار ورق نقره ورق طلا کافور قیصوری گل مختوم کشنیز خشک لاجورد مغسول گل ارمنی قرنفل
سنبل الطیب بادرنجبویه زرشک از هر یک یکدرم لعل بدخشی یاقوت رمانی تخم بادرنجبویه از هر یک یکمثقال اذخر مکی
نیم مثقال شربت حماض یکصد درم بدستور مرتب سازند شربت یکمثقال **مفرح** از تالیف حکیم علی
گیلانی ص یاقوت رمانی یاقوت زرد یشب کافوری کهربای شمعی کباب چینی زرشک درونج
عقربی زرنباد صندل سفید و سرخ کشنیز خشک مقشر عنبر اشهب پادزهر حیوانی از هر یک سه مثقال بادرنجبویه
یکمثقال گاوزبان پوست زرد اترج طباشیر سفید ابریشم خام مقرض از هر یک شش مثقال بهمن سفید
وسرخ سنبل الطیب قرفه قاقله کبار وصغار گل ارمنی گل مختوم زعفران جدوار خطائی ورق طلا

ورق نقره از هر یک یکمثقال زنجبیل خراشیده زرشک منقی ساذج هندی سعد کوفی مثقال فلفل مصری
گل مصری از هر یک چهار مثقال مشک تبتی دو مثقال آب شیرین گلاب آب انار شیرین عرق
گاوزبان صندل نبات سفید از هر یک پنجاه مثقال عسل مصفی دو وزن ادویه بدستور مرتب سازند
معجون تالیف حکیم علی گفته که چون اهل زمان خصوصاً اهل هندوستان فریفته بنگ اند از ان
ترکیب اعجب الشان تالیف نمودم بسیار فرحان میشدند و منتفع میگردیدند ص بنگ خوب
سرکه نر سیاه باشد و نه سرخ پنج آثار که اول بنگ را تا ده هفته در روغن بادام شیرین نگاهدارند
بعد از ان که بنگ ابو واده باشد بسایند سنبل الطیب ساذج هندی زنجبیل از هر یک سه استار
فلفل مصطگی زعفران از هر یک ده استار کوفته بیخته نیک بسایند تا چون غبار شود با سه وزن او
عسل معجون سازند و اگر یک استار عود دو استار عنبر ربع استار ورق طلا نیم استار اضافه
نمایند بهتر است و تفریح بسیار آرد مفرح مقوی قلب و اعضای رئیسه و یبوست مزاج
زائل کند ص ابریشم مقرض خام سه تولا صندل سفید یک نیم تولا کشنیز خشک گل سرخ گاوزبان
از هر واحد سه تولا زرشک منقی تولا بادرنجبویه گل نیلوفر هر یکدو تولا بهمن سفید یکتولا تخم کدو تخم بالنگو از هر یکدو تولا
تخم خیار تولا بسباسه خرفه از هر یک سه تولا زعفران قاقله صغار از هر یک یکتولا تخم خشخاش دو تولا
تخم کاهو کاسنی از هر یک یکتولا کافور عنبر اشهب ورق نقره دو تولا شیر آمله الشیر خیسانیده و بیخته
نیم رطل شربت سیب ترش یکرطل آب انار ترش یا شیرین دو رطل آب انار میخوش شربت
فواکه یکرطل نبات قند سفید زرشک هر یک سه رطل گلاب و شیشه عرق بیک مشک
یک شیشه علی الرسم معجون سازند مفرح نافع خفقان و مقوی قلب نشط و افسرانیده
حرارت غریزی و ضعف معده و خیالات و سوء ظن را نافع بود و تریاق سموم مشروبه و منافع
جلیله بسیار دارد ص صندل سفید عود هندی هر یک سه مثقال ورق زر عنبر اشهب
خالص هر واحد یکمثقال زعفران دو مثقال ورق نقره یاقوت رمانی قیصوری از هر یک
یکمثقال گاوزبان بسد دارچینی هر یک دو مثقال کشنیز خشک لاجورد هر یک یکمثقال ابریشم خام

معجون بنگ

هر یک بهمن سفید زرنباد سنبل الطیب نارمشک طباشیر پوست زرشک گل مختوم قاقله کبار مصطگی
پوست ترنج اشنه مغز تخم کدو چوب کدو گل رومی از هر یکدو مثقال درونج عقربی غنچه گل سرخ تخم
خرفه مغز تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه از هر یک سه مثقال قرفه یک مثقال جمله را جدا جدا کوفته بیخته در هم
آمیخته تا دو لبت درم شراب حماض مصری لبرشند و در آوند پاکیزه کنند شربت دو دو دانگ تا نیم
مثقال مفرح خفقان و ضعف دل که از سردی بود زائل کند ص بادرنجبویه سه درم زرنباد درونج
عقربی گاوزبان هر یک شش درم کوفته بیخته با شربت سیب و عسل کفگرفته لبرشند مفرح
دلکشا بارد ص ورق طلا و ورق نقره هر یک نیم درم پوست بیرون پسته یکدرم طباشیر
بهمنین گل سرخ بسد کهربا مروارید ناسفته هر یک یکمثقال صندل سفید کشنیز خشک یکدو درم تخم خرفه
هشت درم زرشک بهدانه ده درم آب ترنج چهل مثقال قند سفید یک رطل آب تمر بدستور مرتب سازند
مفرح منقول از یحیی ص لسان الثور کهربا مروارید تخم کشنیز بهمن سفید گل سرخ پوست اترج
ابریشم تخم خرفه هر یکده درم با عسل هلیله معجون سازند شربت یکمثقال مفرح خفقان حار
را نافع و دل را قوت دهد ص مروارید ناسفته بسد سوخته طباشیر گاوزبان گل ارمنی هر یکدو
درم مشک نیم درم قند سفید سی درم معجون سازند مفرح که محروران را بغایت نافعست و
بهتر از دوا المسک بارد و یاقوتی است و برای خفقان و تپ دق وجهت ناقهین و بخار
سوداوی سوخته بغایت موثر و شیخ الرئیس این دوا را دوای قلبی مرقوم نموده ص تخم کاهو تخم کشنیز
تخم خربوزه مغز تخم کدو مغز تخم خرفه هر یک سه مثقال مروارید بسد سوخته کهربا سرطان نهری سوخته
ابریشم مقرض صندل سرخ کافور هر یک یکمثقال صندل سفید طباشیر هر یکدو مثقال گل سرخ
نیم مثقال عود هندی درونج زرنباد بهمن سفید یکمثقال زعفران نیم مثقال گاوزبان سه و نیم
دانگی عنبر دو دانگ آب سیب و آب انار و به بالسویه سه یاد و چند همه اجزا با هم جمله لبرشند مفرح
کبیر از تالیف شیخ الرئیس قوت یا النافر مشهور است و دستور العمل و با قوتها و دی گفته
در این را بلوک و امرا دادم منافع بسیار بظهور آمده خاصه در خفقان و ضعف دل و سوا

ولوحش واکثر امراض مزمنه که بهیچ تدبیر انتفاع نیافت باین دوا منتفع شده واندر علل
دماغ معده وجگر وسپرز وقولنج واوجاع مفاصل وحمیات عتیقه نفع کثیر ازوی مشهور شده
ص ریزهای یاقوت که سرخ باشد یکمثقال حجر الیشب عقیق هر یک یکدرم ورق طلا دو دانگ
غاریقون فلفل زنجبیل قرنفل مرزنجوش هر یک یکدرم ونیم مثقال ویک نیمدانگ حجر ارمنی حجر
لاجورد ملح نفطی زرنباد عاج درونج بهمن گاوزبان هر یک مثقال ویکدانگ ناردین قلیطی
حماما وج سافج هندی دارچینی صعتر حاشا زوفا کمون سه ربع از مثقال مشکطرامشیع فطراساليون
حجر الیهود دهیون تخم کرفس مرکند زعفران فلفل سفید هر یک نیم مثقال ونیمدانگ بدانند که
جواهر را بسیار صلایه کنند وزر ونقره رانیز در جواهر انداخته باشراب صلایه بلیغ نمایند ودیگر ادویه را
باریک ساخته جمله را در عسل هلیله یعنی که هلیله را در آن مربی کرده باشند لبرشند هذا خلاصه ذکر
فی القانون مفرح مائل بگرمی معده ودل وجگر را قوت دهد وخفقان وغشی وتوحش را زائل
کند ونشاط وفرح آورد وشکم به بندد ص ابریشم خام پنجاه درم در آبی که طلا تاب ونقره تاب نموده
باشند بعد یک شبانه روز بجوشانند وبمالند وصاف کنند پس بگیرند گاوزبان گیلانی فرنجمشک
ورق گل سرخ سنبل الطیب اشنه هر یک دو درم مجموع را در گلاب خیسانیده بجوشانند وبمالند
وصاف نموده داخل ابریشم کنند وباقند سفید دوچند مجموعه بقوام آورند ومروارید ناسفته
وکهربا حجر الیشب از هر یک دو درم صندل سه درم در گلاب سوده وطباشیر دو مثقال سائیده
مع یکدرم عنبر اشهب ونیمدرم مشک داخل نموده خوب باهم آمیخته در ظرف شیشه بردارند
خوراک دو مثقال با گلاب بید مشک مفرح که نهایت مجرب وبارها بتجربه رسیده ص مروارید
ناسفته کهربای شمعی هر یک یکمثقال گل گاوزبان طباشیر گل سرخ صندل سفید مغز تخم کدو
شیرین تخم خرفه مقشر هر یکدو مثقال عنبر اشهب ورق طلا محلول ورق نقره محلول از
هر یک دو دانگ آب سیب شیرین رب به هر یک بیست مثقال نبات سفید یکصد وبیست
گلاب یزدی بیست وپنجمثقال بید مشک کشمیری بیست وپنجمثقال بطریق معمول معجون

سازند خوراک از یکدرم تا یکمثقال مفرح از حکیم محمد رضا دافع خفقان ونافع ضعف دل ومعده
ودماغ ص سعد زرورد قرنفل سنبل الطیب مصطگی اسارون زرنب زعفران از هر یک سه
مثقال بسباسه فاقله کبار وصغار جوزبوا از هر یک یک ونیم مثقال عود خام چهار ونیم مثقال
عسل مصفی هفتاد مثقال علی الرسم لبرشند خوراک نیم مثقال با عرق گاوزبان از شربت سیب
مفرح از حکیم علی مقوی اعضاء رئیسه وشریفه ومصفی لون ودافع مالیخولیا بسیار وحافظ [illegible]
سو بهمه حال بهتر از نوشدارو وافضل از و نوشته ص بادرنجبویه قشور اترج قمور اترج قرنفل
قرفه زعفران مصطگی جوزبوا فاقله کبار نارمشک سک بهمنین زرنباد بادروج درونج عقربی
فرنجمشک از هر یک پنجدرم مشک نیمدرم با عسل مربی آمله وعسل هلیله لبرشند مفرح منقول
از قرابادین معصومی ص ورق گل سرخ طباشیر سفید گاوزبان از هر یک دو درم مغز تخم خیار
خرفه مقشر از هر یک چهار درم زرشک بیدانه کهربا مرجان از هر یک یکدرم مشک دو دانگ
قند سفید دو وزن ادویه چنانچه رسم است معجون سازند خوراک از یکدرم تا یکمثقال مفرح
از حکیم مهدی اردستانی ص تخم خشخاش تخم کاهو تخم خربوزه مقشر مغز تخم کدوی شیرین مغز تخم خیار
زرشک بیدانه از هر یک یکمثقال تخم حماض فلفل سفید وسرخ وکشنیز خشک از هر یکدو
مثقال طباشیر تخم کاسنی از هر یک یکمثقال و دو دانگ کوفته بیخته با شربت سیب شیرین بقدر
معجون ساخته لبرشند شربت یکمثقال مفرح که میرزا محمد رضا موسوی قلمی نموده که یکبار
از برای خود ساخته واز برای اعزه نیز کمال تقویت دارد ص مروارید ناسفته گل گاوزبان
از هر یک پنجمثقال کهربای شمعی یشب سبز آمله منقی خصیة الثعلب از هر یک چهار مثقال
یاقوت سرخ عنبر اشهب بهمنین صندل سرخ وسفید کشنیز خشک مقشر گل سرخ گل مختوم تخم فرنجمشک
طباشیر سفید تخم خرفه از هر یک سه مثقال درونج عقربی ورق طلا کبابه چینی تودرین زرد
وسرخ از هر یک یکمثقال ونیم ورق نقره پوست هلیله کابلی عود قماری خام زعفران مصطگی
رومی از هر یک دو مثقال درونج عقربی یکمثقال ونیم زرنباد دارچینی از هر یک یکمثقال

تخم بادرنجبویه سافج هندی پوست بیرون پسته پوست اترج از هر یکدو مثقال و نیم عصاره
زرشک ده مثقال ادویه کوفته بیخته آب سیب پنجاه مثقال آب به شصت مثقال آب
اترج سی مثقال رب سیب پانزده مثقال نبات سفید بقدر حاجت آبها و نبات را
بقوام آورده ادویه را بآن بسرشند و اگر خواهند مفرح را نوشدارو لولوی نمایند آمله بیست و
پنج مثقال داخل کنند مفرح تالیف حکیم نظام الدین علی جهت ضعف جگر و سوء القنیه و
ضعف معده و ضیق النفس از لقای است صـ زعفران دو مثقال مروارید یاقوت لعل
بدخشی کهربا مرجان ابریشم زرشک بیدانه انار دانه بریان زوفا از هر یک یکمثقال گاوزبان
نفنع بادرنجبویه رب السوس نارمشک پوست بیرون پسته پوست ترنج سافج هندی عود خام
فلنجمشک حب بلسان تخم کاشم سعد عود بلسان مصطگی صندلین طباشیر طین مختوم آمله کوبیده
انیسون دارچینی لک منقی افسنتین اسطوخودوس تخم کرفس گل سرخ زرنباد تخم کشوث درونج
عقربی بهمنین خصیة الثعلب سنبل الطیب قصب الذریره کماقیطوس قسط تلخ عصارهٔ غافث
قفاح اذخر بادرین افتیمون مرزنجوش حاشا مشکطرامشیع ورق نقره عنبر اشهب مشک
خالص هر یک نیم مثقال باسه چند قند سفید بسرشند شربت یکمثقال غذا آب نخود معجون
از مخترعات متاخرین ست در تهییج باه مجرب و در تفریح قلب و تقویت معده بی نظیر صـ مشک
خالص یکمثقال ورق طلا و ورق نقره یاقوت رمانی لعل بدخشی مروارید ناسفته کهربا هر یکدو
مثقال عنبر اشهب گل ارمنی هر یک سه مثقال بهمن هر دو درونج عقربی بادرنجبویه گاوزبان
گل سرخ صندلین طباشیر کبابه قرنفل زرنب دارچینی ورق شاهسفرم تودرین مرزنجوش
سبز سادج لبستان افروز عود خام سعد کوفی سنبل الطیب زعفران مصطگی رومی حب الاس
هر یک پنجمثقال خشخاش سفید هر یکده مثقال شربت فواکه جزو اعظم هر یک نصف اوقیه
عسل بقوام سه چند ادویه بطریق متعارف معجون سازند معجون تالیف حلوی خان بجهت
تقویت باه بی نظیر و دفع سرعت انزال کند و نشاط آورد و تفریح تمام بخشد صـ بیخ

پنجمثقال بیخ تفاح بزر البنج شوکران از هر یکدو مثقال نیمکوفته از شیر گاو تازه سه ربع یکمن تبریز
داخل کرده خوب بجوشانند تا قوت دواها باز آید پس شیر را ماست کرده و را تمام بگیرند و اگر خواسته باشند
که در آوردن تفریح و نشاط اقوی باشد پانزده مثقال ورق القنب با ادویه مذکوره در شیر داخل
کنند پس آن مسکه را نگاهدارند جوز بوا پنج عدد سوراخ کرده پنج دانگ افیون را فتیله کرده در
هر جوز یک فتیله از آن که بوزن یکدانگ باشد بگذارند و جوزها را بخمیر گرفته در روغن گاو تازه
بریان نمایند آنکه خمیر قریب بسیاهی رسد پس خمیر را از جوزها دور کنند و هر پنج جوز را با افیون که
در سوراخ آنها گذاشته اند دارچینی شقاقل خسک مربی بهمن سرخ و سفید قرنفل کبابه چینی بسباسه
سورنجان لسان العصافیر زعفران حب الفلفل خشخاش سفید از هر یک یکمثقال زنجبیل
درونج عقربی از هر یک نیم مثقال مایهٔ شتر اعرابی چهار دانگ خصیة الثعلب سه مثقال مغز تخم خیار
تخم خربوزه از هر یک پنجمثقال مغز بادام شیرین مغز فندق مغز نارجیل مغز چلغوزه مغز حب الخضرا
مغز حب السمنه مغز انجلک مغز گردگان از هر یکدو مثقال نخود سفید که در آب و شیر سه مرتبه تر کرده
باشند و خشک نموده باشند و بریان ساخته پنجمثقال مجموعه را کوفته بیخته بمسکه مذکور چرب نموده
عسل مصفی نبات سفید بالمناصفه سه وزن ادویه بقوام آورده ادویه را بسرشند و نیم مثقال
مشک خالص پنجاه عدد ورق طلا و ورق نقره داخل کنند و در ظرف چینی یا زجاجی نگاهدارند
و قوت این مفرح تا شش ماه باقی است و بعد از آن قوتش باطل میگردد و بعد از خوردن این
پیاله شیر گاو تازه که در آن پنجمثقال عسل انجبین عربی حل کرده باشند بنوشند مقدار شربت از یکدرم تا یکمثقال
و اگر ورق القنب داخل کرده باشند این مقدار کمتر خورند معجون که قوت باه زیاده میکند و
نعوظ می آورد و منی بیفزاید و گرده و مثانه پاک سازد و دل و جگر را قوت دهد و دافع ضرر جماع و
کدورت حواس است و ذهن را صاف نماید و لذتی عجیب در مباشرت پیدا کند صـ شقاقل
خولنجان خصیة الثعلب بهمن سرخ و سفید وج ترکی تودری زرد و گلگون لسان العصافیر تخم
هلیون خشک مربی از هر یک سه درم حب لبان حب بلسان فلفل سفید تخم جرجیر تخم خیارین

تخم خربوزه تخم جرجیر تخم شلغم تخم اسپست خشخاش سفید بزر خسکدانه تخم تره تیزک دارچینی از هر یکدو درم قرنفل
سنبل کبابه اسارون بسباسه سعد کوفی دار فلفل قرفة الطیب جوزبوا نارمشک عود خام عنبر اشهب
زعفران مشک خالص زنجبیل بوزیدان قسط شیرین مغز حب الزلم از هر یک یکدرم سره شقاقل چهار درم
مغز نارجیل مغز بادام مغز فندق مغز پسته مغز چلغوزه کنجد مقشر مغز حب القطن از هر یک پنجدرم عسل مصفی
سه وزن ادویه بدستور معجون سازند باب النون نطول بالفتح ابوالفرج میگوید که نطول
در غشی غلیظ استعمال میکنند بخلاف سکوب بعضی دیگر گویند که در نطول ریختن اندک اندک آب
از فاصله بعید و بلا تدریج با قوای ادویه بوجه احسن نفوذ کند و اختیار یافوخ در اطلیه و نطول نیز
از آنست که این جای نرم است و اکثر در روز در اینجا هستند و بواسطه این که تاثیر دوا زیاده
خواهد شد نطول نافع جهت صداع حار و تشنج یابس و جنون و سرسام ص بنفشه تخم کدو
کوفته تخم کتان تخم خشخاش و نیلوفر تخم خطمی تخم کاهو گل سرخ برگ بید جو نیمکوفته در آب بپخته تطبیل
نمایند نطول که نافع صداع بارد است ص سوسن بابونه اکلیل الملک بادرنجبویه سادج
هندی کشک جو قرنفل نیلوفر هندی هر یک جزوی در پنج آثار آب بپخته نطول نمایند
نطول که صداع سوداوی را سود دارد گل بنفشه نیلوفر اکلیل الملک بابونه سوسن کشک
جو سادج هندی قرنفل جوشانیده سر به بخار آن بدارند و تطبیل نمایند نطول نافع از برای
صداع خماری ص گلاب قدری سرکه انگوری در آب سرد داخل کرده بر سر نطول نمایند
نطول از ابن الیاس نافع از برای سرسام سوداوی ص بنفشه بابونه شاهسفرم
شبلت گل نرگس در آب شیرین بپزند پس داخل نمایند دران روغن کنجد یا روغن بادام
شیرین و شیر دختران نیمگرم بر سر نطول نمایند و چند مرتبه تکرار این عمل کنند نطول برای
سرسام حار ص بگیرند مغز سر بزغاله و لعوان حنا شب بر سر و پیشانی صاحب سرسام حار
ضماد نمایند پس آنرا دور کرده تخم کاهو بابونه پوست بیخ لفاح بزرقطونا پوست خشخاش سفید
اکلیل الملک بنفشه جراده کدو برگ خطمی گل نیلوفر اشق مقشر جو مقشر نیمکوفته صافی نموده

شیر گاو شیر دختران شیر بز از هر یک نیم سیر شیر خر یک اوقیه اضافه نموده در آفتاب گرده نیمگرم بر سر
نطول کنند پس روغن کدو و روغن بنفشه و بادام شیر دختران در هم مخلوط کرده بر پیشانی او
بمالند و سر او را درین دوا غرق دارند نطول نافع برای لیثرغس ص بابونه اکلیل الملک
نمام مرزنجوش شبت ریحان قیصوم پودینه در آب بپخته تطبیل نمایند نطول نافع برای مالیخولیای
مراقی هرگاه که در مراق ریاح بارده و نافخ باشد ص افسنتین رومی شبت پودینه بری ریزه کرده با
انیسون تخم کرفس صعتر فارسی بابونه برگ نمام اکلیل الملک برگ ترنج در آب بجوشانند و در وقت
خلاء معده از طعام نطول نمایند و پر کنند این مطبوخ را در مثانه گاوی و کماد کنند گرم گرم بر معده
وقت خلو معده و گاهی زیاده کرده میشود درین مطبوخ کندر دارچینی زرنباد و جز آن نطول
اصحاب مالیخولیا را این نطول کردن بمقدار که ممکن باشد بسیار نافع باشد منقول از ذخیره
ص گل بنفشه گل نیلوفر خطمی برگ بید کاهو تازه عنب الثعلب تراشه کدو شاهسفرم برگ کدو
گل سرخ بابونه اجزا مساوی در آب بپخته بر سر نطول نمایند نطول ورم ثدی که از بستن شیر
بهم رسیده باشند تحلیل نمایند ص بابونه شبت نمام حلبه قیصوم جندبیدستر با آب بپخته بر سینه و
پستان ریزند و اگر ضرورت باشد دیگر ادویه مناسبه بیفزایند نطول که سنگ گرده و مثانه
را پاره پاره کند و بیرون آرد ص اکلیل الملک بابونه گل سرخ خشک هر یکده درم پوست
خربوزه خشک پرسیاوشان تخم قلت نیمکوفته هر یک هفت درم بنفشه سه درم دو قو برگ نیلوفر
هر یکده و مثقال در ده من آب بجوشانند تا به نیم آید نطول کنند و دران نشینند و چون بر ران
آیند دو سه قطره روغن در احلیل چکانند نطول که سده بینی بگشاید ص لادن چوب گز
بجوشانند و سر به بخار آن فرود آرند و یا سبوس گندم در سرکه جوشانیده سر به بخار آن دارند
نطول سنگ گرده و مثانه و وجع انهار ازائل کند از اختراع والد ماجد ص بید انجیر
پرسیاوشان خارخسک نیمکوفته گل بابونه بنفشه اکلیل الملک گل خطمی تخم کرفس حب القلت
حلبه عنب الثعلب مرزنجوش پوست بیخ رازیانه کاکنج برنجاسف برگ سداب گل سرخ

اینسون تخم کشوث بزرکتان از هر یک ۳ توله پوست خربوزه سبوس گندم هر یک چهار درم
تخم بلیون نمود در بیست آثار آب بجوشانند هر گاه نصف بماند نطول نمایند و دران نشستن نطول
که بجهت ورم بار و قضیب انثیین هر گاه ماده غلیظ باشد بکار آید ص نعناع مرزنجوش عنب الثعلب
در آب بپزند و آب را آهسته آهسته نطول نمایند و دردان با قدری زهره گاو و عسل سحق کنند که مثل
مرهم شود بکار برند نفوخ معمول و مجرب برای صداع بارد و نزول و دیگر امراض مزمنه چشم
ص گندم سفید را در شیر اکه بخیسانند که شیر دو انگشت بالای آن باشد پس در سایه خشک نمایند
قدری نفوخ کنند نفوخ منقول از خط وحید الدهر فرید العصر والد ماجد برای صداع بارد و شقیقه
سفید ص تنباکو سورتی نیم پاو جوز بوا دو توله قرنفل سه عدد زنجبیل سه ماشه الایچی خورد چهار
عدد زعفران چهار ماشه دارچینی سه ماشه فلفل و کهنی دو ماشه نمک لاهوری سه ماشه صندل
سفید سه ماشه کوفته بیخته مثل سرمه نمایند و نصف ادویه بگلاب ممزوج نموده بعد ازان همه
ادویه یکجا کرده در ظرف شیشه نگاهدارند و صبح و شام بقدر یک ماشه استعمال نمایند نفوخ که صداع
را نافعست ص شحم حنظل قثاء الحمار نوشادر شونیز کندش فلفل اسطوخودوس سائیده بقدر
حاجت در بینی دمند نفوخ که سکته را سود دهد و عطسه آرد ص جند بیدستر فلفل کندش
سداب جمله برابر کوفته بیخته اندر بینی دمند و همه تن بروغن ناردین که در وی فرفیون
حل نموده باشند چرب نمایند نفوخ که مفلوج را سود دهد و عطسه آرد ص کندش فلفل
عاقرقرحا زنجبیل بوره ارمنی نوشادر نطرون صبر دارچینی مشک جند خربق سفید مرزنجوش
جمله برابر کوفته و بیخته در بینی دمند و اگر باب مرزنجوش بچکانند نیز رواست نفوخ که ریش بینی
کهنه را سود دهد ص مازو سوخته یکدرم شب یمانی از هر یک دو درم زرنیخ سرخ چهار درم کوفته
بیخته قدری در بینی دمند بعد از آنکه بینی را خوب شسته و پاک کرده باشند نفوخ که گوشت
فزودنی از بینی ببرد ص پوست انار ترش چهار درم قلقدیس سه درم زرنیخ زرد خربق سیاه
قلقطار هر یکده درم کوفته بیخته بکار برند نفوخ که رعاف شدید را بند کند ص شب یمانی

قلقطار سوخته قلقدیس زاج شاخ گاو و گاهی دوغ سوخته مغسول مازو سنبل سطفی در خل خمر کافور
کاغذ سوخته باریک ساخته در بینی دمند نفوخ که گند بینی ببرد ص سک اج قرنفل مسک دو
کوفته بیخته در نی انداخته در بینی دمند نفوخ که حبس رعاف کند ص قرطاس سوخته صدف
هر یک یکجزو قلقطار نیم جزو بسیار باریک ساخته در بینی دمند نفوخ جهت رعاف منقول
از بیاض عم مرحوم ص مازو نیم سوخته کشتیز غبار آسیا کندر خون سیاوشان صبر شب یمانی نرم
کوفته در بینی دمند ران و خصیتین بربندند نفوخ که سقوط لهات را نافعست ص زاک
نوشادر هر دو را سحق کرده در انبوبه نموده بدمند که بلهات برسد نفوخ که علق متعلق حلق را
ساقط کند ص شونیز خردل کوفته بیخته در حلق بدمند نفوخ که شحم دم که از حلق بهم رسد قطع
کند ص گلنار نشاسته دم الاخوین سائیده بدمند نفوخ برای سقوط لهات ص مازو
سبز گل سرخ گلنار عدس سماق ثمره طرفا پودینه شکر طبرزد از هر یک یکجزو عاقرقرحا قاقله کبار
طباشیر از هر یک نصف جزو زعفران ربع جزو کوفته بیخته نفوخ در حلق نمایند نفوخ بجهت
اندمال جراحت بعد انفجار ورم و تنقیه آن بکار برند ص شادنج مغسول گل ارمنی مازو محرق
سرطان محرق نشاسته گلنار زرور دلبد محرق فرنج محرق شب یمانی قرطاس محرق کوفته بیخته در حلق
دمند نقوع صبر صداع حار را نافع بود ص آب کاسنی هشتاد مثقال صبر سقوطری چهار
دانگ دران حل کنند و سه روز در آفتاب نهند و شب در جای گرم روز سوم بپالایند و
بنوشند نقوع که صداع سوداوی را نافع بود ص افسنتین ده درم اسارون پنجدرم قنطوریون
مصطکی از هر یک سه درم صبر سقوطری شش درم ادویه نیمکوفته در سه رطل آب بجوشانند و سه روز
در آفتاب نهند و در چارم صاف کنند شربت چهل درم با یکدرم روغن بادام شیرین نقوع
نافع برای صداع مزمن از نابیسی ص بیخ کرفس بیخ بادیان بیخ اذخر از هر یکده درم
فودنه جبلی زراوند مدحرج سکاعی بادآورد افتیمون از هر یک پنجدرم هلیله کابلی هفت درم
سنبل سائیده نانخواه قصب الذریره از هر یکدو درم غاریقون اسطوخودوس از هر یکده درم

منقی دانه بیرون کرده سی عدد کوفته بیخته در هفت رطل آب بجوشانند وقتیکه یک رطل بماند
صاف نموده ایارج فیقرا بیست درم انداخته در ظرف شیشه گذاشته در آفتاب بدارند سه روز
تا ده روز شربت ده درم با سه درم روغن بید انجیر نقوع زرشک حرارت جگر بنشاند
و معده و جگر را قوت دهد ص زرشک منقی یک رطل تخم کشوث تخم کاسنی هر یک یک کف ریوند
سه درم آنچه کوفتنی است نیمکوب کرده جمله را در ظرفی نهند و آب بقدری ریزند که دو انگشت
مضموم بالا بایستد و در آفتاب گذارند و دیگر با سه روز و در سرما چهار روز و بقدر حاجت بکار
برند نقوع معمول اکمل المتقدمین افضل المتأخرین الماجد بجهت سده ماساریقا و یرقان که با حرارت باشد
ص آب عنب الثعلب سبز آب کاسنی آب شاهتره سبز گلاب همه آب ها یا هر چه بهم رسد مروق
نموده با شربت دینار استعمال نمایند و روز مسهل در این آب مغز فلوس خیار شنبر ترنجبین خشت
اضافه نموده بکار برند نقوع که یرقان اسود را سود مند بود ص طباشیر پنجدرم گل سرخ
ده درم زبیب پنج استار همه را در آب گرم بخیسانند یک شبانروز پس هر روز چهار اوقیه علی الصباح
تا یک هفته بخورند نقوع هلیله از مجربات اطبای هند برای قروح کلیه ص پوست هلیله زرد پوست
بلیله آمله منقی کشنیز خشک از یابه هر یک پنجدرم برنج کابلی مقشر دو درم و نیم مجموع را نیمکوفته
در پیاله آب صافی گرم بخیسانند تمام شب در زیر هوا و صبح صاف کرده بنوشند و باید که پنج روز
متوالی باین نقوع مداومت کنند و اگر مرض بسیار قوی باشد هفت روز بعون الله شفا
حاصل آید نقوع که حیض فرود آرد ص هزار اسفید اهل هر یک یکدرم و نیم دو قو مشکطرامشیع
هر یک دو درم انیسون تخم رازیانه هر یک سه درم سنبل الطیب افتیمون هر یک چهار درم تخم خربوزه نیمکوفته
هفت درم همه ادویه را کوفته در شیشه کنند و یک و نیم من آب بر آن ریزند و سه روز در آفتاب نهند شب در خانه گرم
پس هر بامداد چهار اوقیه با یکدرم روغن بادام شیرین بنوشند و اگر بجوشانند تا نیم من باز آید
صواب باشد نقوع تمر هندی بیفزاید و باه را قوت دهد و سمن بدن بود و غذا بسیار دهد
و بدن را گرم کند و بهتر از آن آن است که از رطب سازند ص بگیرند دو من رطب تمر

به بیست من آب داخل کنند و بجوشانند تا نصف رسد بعد از آن در خمی که در گل گرفته باشند ریزند
و قدری مشک خالص و جوزبوا و قرنفل قرفه دارچینی زنجبیل ساذج هندی برگ نارنج قاقله
زعفران نیمکوفته در آن ریزند و دو روز بر هم زنند و بعد از آن بگذارند تا ده و اگر پانزده روز باشد
و صاف کنند و در خم چینی نگاه دارند و اگر خواسته باشند بعد از ده روز پیش از صاف کردن عرق بکشند
درین صورت در سکر اقوی خواهد بود و در تقویت باه اضعف ناطف فارسی حلوای سعتری
ناطف مسهل ص بگیرند ترنجبین گداخته بقوام آورده نیم من سقمونیا مشوی یک مثقال در
پاتیله با آتش ملایم ناطف کنند و سفیده بیضه مرغ را افگنند چنانچه رسم است شربت مقدار یک
اوقیه اگر شیرین خواهند ترنجبین بگلاب و آب گذارند و اگر ترش خواهند بآب غوره حرف
الواو وجور نافع در حال صرع ص حلتیت جند بیدستر سکنجبین عنصلی سائیده وجور نمایند
وجور که چون در دهن مصروع ریزند بهوش آرد ص رازیانه انیسون زیره کرمانی جوشانیده
صافی نموده گلقند در آن حل کرده وجور سازند این دو نسخه از قرابادین عم مرحوم ست وجور
هندی جهت سرفه بلغمی از مجموعه ص اتیس تج هر یک چهار ماشه بهارنگی کاکراسینگی موتهه
پیپا بانسه بلیل مغز واکه هر یک نیم تولا کوفته بیخته بعسل آمیخته از دو سرخ تا دو ماشه بقدر سن
و توانائی طفل با شیر دایه یا آب گرم بدهند وجور که جمیع اقسام سرفه خصوص سرفه اطفال را
مجرب ست ص پوکهر مول کاکراسینگی پیپل پوست بیخ جوانسه کوفته و بیخته با شهد آمیخته بقدر قوت
و سن بدهند وجور که جهت صرع اطفال نافعست ص صعتر چند ریزه کرمانی مساوی کوفته
بیخته سه جو از آن در شیر حل کرده در گلوی طفل ریزند وجور از زاقم جهت اکثر اقسام غشی
ص مشک یا عنبر قدری با گلاب یا بید مشک سائیده در غشی که بعد هیضه بسبب صعود
ابخره بطرف دل و دماغ بهم رسد استعمال نمایند قائم مقام تریاق فاروق خواهد بود باب الیاء
یاقوتی باید دانست که استعداد حصات گلوی و مثانوی را از حجریات احتراز اولی است
و اگر بواسطه ضعیفی احتیاج افتد مغز تخم خیارین و حجر الیهود و امثال آن داخل یاقوتی نمایند

ودر فیروزه ودهنه فرنگی بعضی نوشته اند که سمیت است اگرچه این قول قریب بصواب نیست لیکن
از چیز مشتبه احتراز اولی است وبعضی ادویه مصلحه منع تاثیر میکنند مثل کتیرا که مصلح بسد است در
اصرار کرده ودر وی لزوجتی هست بظاهر ودر الملتصق میشود ومانع تاثیر میگردد پس آنها را داخل
نه نمایند واز مثل پیاز وگندنا وخردل نیز احتراز کنند وباید دانست که شیخ ودیگر اساتذه مقدار یاقوت
کم در یاقوتی ها داخل کرده اند ومبالغه در سحق آن فرموده اند واین از برای آنست که مزاج یاقوت
دیر بر مزاج محکم اثر مزاج سائر جواهرات است پس اگر سحق بسیار خواهند یافت مقدار کم خواهد
بود وطبیعت اقبال بیشتر خواهد نمود وبآسانی منهضم خواهد گردید از اینجا است که سحق یاقوت برای
استقیا در حجر وبجهت آنقیار در گلاب میکنند ودیگر یواقیت در رویافت مزاج کسر از یاقوت احمر
اند پس در این صورت اعلی آنست که یاقوت همراه دیگر جواهر صلایه کرده نشود واگر برای
سهولت صلایه ریزه های یاقوت را در کفچه آهن سرخ کرده در گلاب یا آب اندازند تا مفتت شود
اولی است وبعضی نوشته اند که ترکیب یاقوتی ترکیب جدید است واین خلاف واقع است
زیرا که کتابیکه ارسطو برای اسکندر نوشته است در آن یاقوتی آورده وحکیم علاء الدین نیز آن را نوشته است وچون مقصود از
ترکیب یاقوتی تقویت دل اماره روح است ادویه مغلظه ومضعفه روح داخل نباید کرد ومخدرات قاطبه مغلظه ومضعف
اند وآنچه از شیخ منقول که افیون در مفرح یاقوتی آورده است مقصود شیخ حفظ قوت دوا است
وباوجود آن جندبیدستر که مصلح اوست نیز داخل کرده است وبزر البنج نیاورده باوجود آنکه
کم ترکیب از قدما خواهد بود که در او افیون باشد وبزر البنج نباشد وباید که یاقوتی از روغن و
لبوب حاری باشد تا از تعفن که منافی غرض است دور باشد مگر خواهند که زود استعمال
نمایند یا قوام ببندند گیرند یاقوتی معمول اکمل المحققین مع افضل المدققین علامی فهامی الله
ماجد مرحوم برای جمیع اقسام مالیخولیا بی نظیر است ونیز در بعضی امزجه تقویت باه بمرتبه میکند که شرح
آن نتوان داد ص یاقوت مروارید کهربا بسد لاجورد طباشیر سادج هندی از هر یک توله
گل سرخ گاوزبان گیلانی بهمن سرخ وسفید تودریین کشنیز خشک صندلین از هر واحد

چهار

چهار توله دو ال عود هندی هر یک نیم توله دانه الاچی خورد وکلان از هر یک سه توله دارچینی
ابریشم مقرض هر یکی دو توله سنبل الطیب نیم توله پوست ترنج سه توله عنبر اشهب پنجماشه مشک
خالص زعفران تخم فرنجمشک روغن عقربی بوزیدان مصطگی هلیله زرد آمله از هر یک شش ماشه
قرنفل عنب الثعلب ورق نقره هر یک توله نبات عسل از هر واحد سه رطل آب سیب آب
هر یک یکمن رطل گلاب بید مشک هر یکی دو رطل ورق طلا شش ماشه بطریق متعارف معجون
سازند یاقوتی شیخ الرئیس نافع از برای جنون ووسواس وجمیع امراض سوداوی و
مقوی دماغ وقلب است ص یاقوت رمانی گل گاوزبان تخم کاسنی اشنه خالص کافور
قیصوری از هر یک یکمثقال مروارید بزرگ کهربای شمعی از هر یک یکمثقال ونیم ابریشم مقرض مرجان
محرق از هر یک یکمثقال ودو دانگ زبیب مکلس نیم مثقال تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه اسطوخودوس
از هر یک سه مثقال بهمن سفید عود خام حجر ارمنی لاجورد مغسول دارچینی زعفران هیل بوا قاقله
کبار جدوار خطائی از هر یک یکمثقال افتیمون دو مثقال ونیم درونج عقربی سنبل الطیب
ترنجبین عنبر اشهب از هر یکی درم مغز تخم خیار گل سرخ از هر یک چهار مثقال گلاب یکصد مثقال
شراب حماض شراب سیب شراب انار شیرین از هر یک سی مثقال عسل بقدر حاجت مرکب سازند
ودر ظرف چینی یا طلا یا نقره نگاه دارند وبعد از چهل روز که از ساختن آن گذشته باشد استعمال
نمایند شربت یکدرم تا یکمثقال با عرق گاوزبان وتخم بادروج وگلاب یاقوتی معمول جد امجد
که اخراج فضلات محترقه ودفع مالیخولیای مراقی ورطوبات کدره سوداوی از نواحی دماغ ودل
کند وتقویت اعضاء رئیسه وانفاس حرارت غریزی وتقویت باه وازاله توحش دل کند
ص یاقوت رمانی لعل شفاف از هر یک دو ونیم مثقال بسد محرق مروارید ناسفته کهربا گاوزبان
گیلانی مصطگی رومی تخم خرفه تخم فرنجمشک تخم خیار تخم کاهو مغز تخم کدو از هر یک سه ونیم مثقال
صندل سفید تخم کاسنی هر یک پنجمثقال لاجورد مغسول تخم بادرنجبویه قرفه طباشیر مارمشک
قاقله سنبل الطیب سادج از هر یک یک ونیم وربع یکمثقال ریوند چینی دو مثقال ورق طلا

ورق نقرہ عنبر اشہب مشک ہر یک یکمثقال وربع آن شربت بہ یک سیر آب انار نیم آثار
عرق بید مشک وگلاب یک شیشہ نبات سفید یکسیر عسل مصفی پنج سیر بدستور معجون سازند
یاقوتی قوی التفریح کہ بامراض سوداوی ومالیخولیا نفع تمام دارد ودل وجگر را قوت دہد
ص مشک نیمدرم مروارید ناسفتہ مرجان کہربا فرنجمشک گاوزبان درونج لعل یاقوت
عقیق یمنی ورق طلا ورق نقرہ عنبر اشہب زعفران کافور از ہر یک یکدرم صندلین طباشیر
زرنباد بادرنجبویہ قرنفل ساذج عود قماری ابریشم مقرض پوست ترنج ہر یک دہ درم قند
سفید عسل ہر یک پنجاہ درم چنانچہ رسم است معجون سازند یاقوتی کہ بسیار قوی است
وبنابر شدت تفریح روحانی گویند کہ جہت مالیخولیا وامراض سوداوی نفع تمام دارد و
دل وجگر را قوت دہد ص مروارید ناسفتہ مرجان کہربا فرنجمشک ہر یک یکدرم صندلین
طباشیر سفید زرنباد بادرنجبویہ قرنفل ساذج عود ابریشم مقرض پوست ترنج ہر یکدو درم
گاوزبان درونج عقربی لعل یاقوت عقیق یمنی ورق طلا ورق نقرہ عنبر اشہب زعفران
کافور ہر یک یکدرم مشک نیمدرم قند سفید وعسل ہر یک پنجاہ درم علی الرسم مرتب سازند
یاقوتی بارد بنسخہ حکیم علوی خان ص یاقوت رمانی مروارید ناسفتہ کہربا شمعی ورق نقرہ
از ہر یک سہ ماشہ لعل بدخشی زمرد سبز عنبر اشہب از ہر یک چہار ماشہ طباشیر سفید صندل سفید
کشنیز خشک مقشر ہر یک یکتولہ آملہ منقی دو تولہ ورق طلا سہ ماشہ نبات سفید نیم آثار
آب انار شیرین پاؤ آثار عسل مصفی پنجتولہ بدستور مرتب سازند یاقوتی از حکیم محمد رضا صاحب
یاقوت رمانی یکمثقال مروارید ناسفتہ کہربا شمعی بسد گل ارمنی طباشیر سفید گل گاوزبان از
ہر یکدو مثقال ورق نقرہ نیم مثقال تخم خرفہ پنجمثقال شربت فواکہ پنج برابر ادویہ قند برابر مجموع +
بطریق مقرر مرتب سازند یاقوتی حار از قلانسی این مفرح عجیب التالیف وشریف
التركیب ست ص یاقوت رمانی یکدرم مروارید ناسفتہ ہشت درم کہربا شمعی شش درم
گاوزبان گیلانی دہ درم بادرنجبویہ ہفت درم ساذج ہندی چہار درم تخم بادرنجبویہ

خشک مقشر صندل سفید از ہر یک پنجمثقال طباشیر سفید دو مثقال ونیم عنبر اشہب ابریشم مقرض ورق
نقرہ از ہر یک یک مثقال ویک دانگ ونیم ورق طلا یک مثقال نبات سفید یکصد
وپنجاہ مثقال شربت سیب شیرین عسل مصفی از ہر یک بیست مثقال عرق بید مشک
از ہر یک پنجاہ مثقال بدستور مرتب سازند فقط

خاتمۃ الطبع از خامۂ بلاغت ختامہ جالینوس زمان بوعلی دوران جناب حکیم سید صادق علی صاحب

ثنای بیحد وحمد لاتعد مران ہو الصمد الاحد را زیبد کہ بر لوح جمادات از اغصان نبات قلم نباتات
متلون الاوضاع مختلف الطبائع آفریدہ وجملہ حیوانات خصوصاً حضرات انسان را
ازان نفع جلیلہ بخشیدہ ومستعلجان ملکونات را بہ نوشدار وی روح افزا معالج حقیقی
رسالت ونبض شناسی حکیم حاذق نبوت محمد مصطفی سپردہ تہمید میگویدکہ درین جزو
زمان نسخہ سراسر منافع برای کل امراض جسمانی دافعہ مسمی بعجالۂ نافعہ اکسیر ادویہ ازین
در تاثیر حکم تریاق کبیر پر از منفعت کثیر دارد تالیف انیف حکیم کامل طبیب مکمل
محمد اشرف خان خلف الصدق حاذق الملک محمد اکمل خان مرحوم بامر جلیل القدر
مشہور نزدیک ودور صاحب ہمت ذیشعور جناب مستغنی الالقاب منشی نولکشور
زاد احتشامہم در مطبع فیض منبع علاج بخش مریضان مستمند وعلیلان حاجتمند
گردید وباہتمام اہالی مطبع در ماہ شوال سنہ ۱۲۹۰ ہجری مطابق ماہ دسمبر سنہ ۱۸۷۳ء بطبع خوش
چنان بمداوای خرد آگاہ رسیدہ کہ خریداران ہوشمند صحت طلب بصد تمنای
دل از اطراف وجوانب آواز طبعش شنیدہ دست بہ بیع دادہ شافی مطلق مقبول
گرداناد بمنتہ وکمال کرمہ +

تمت

پنجدرم گل سرخ زرنباد سه درم سنبل سلیخه خیربوا قاقله از هر یک یکدرم پوست آمله شش درم حجر ارمنی مغسول
یا بدل آن حجر لاجورد یک درم کندر دو درم تمام زعفران سه درم مشک یکدرم درونج عقربی
دو درم عنبر اشهب و مثقال اسطوخودوس دو درم دارچینی چهار درم عسل سفید سه وزن مجموع
ادویه شربت یکدرم یاقوتی بارد موافق مزاج حار است و بهتر از دواء المسک بارد جهت
خفقان گرم و ناقهین و تبدیل مزاج و تقویت اعضاء رئیسه و صاف کردن خون و روح
کدورت نافع صص مغز تخم کدو شیرین تخم کاهو مقشر تخم تربوز مغز تخم خیارین از هر یک دو مثقال
و نیم تخم خرفه مقشر چهار درم مروارید ناسفته صندل سفید سنبل الطیب طباشیر سفید فوفل
صندل سرخ از هر یک و مثقال بسد کهربا سرطان محرق از هر یکدو مثقال و یکدانگ زمرد
سبز پنجدانگ ابریشم مقرض بهمن سرخ و سفید گل گاوزبان غنچه گل سرخ شقاقل دانه هیل از چینی
از هر یک و مثقال و نیم آمله منقی پنج مثقال زعفران عنبر اشهب ورق طلا و مشک از هر یک چهار دانگ
ورق نقره دو مثقال نبات سفید پنجاه مثقال آب سیب شیرین آب امرود آب شیرین شربت
فواکه شیرین گلاب عسل سفید عرق صندل از هر یک هشت مثقال بدستور مرتب سازند
راقم هم با اندک تغیر این را مرتب نموده بود نهایت مفید یافته یاقوتی حار منقول از میزان الطبائع
صص یاقوت رمانی دو درم مروارید ناسفته قرنفل زنجبیل فوفل سنبل الطیب ازفلفل خربوا
جوزبوا قاقله کبار دارچینی شیطرج هندی سادج هندی لسان العصافیر درونج بادرنجبویه
گاوزبان مصطگی خولنجان فرنجمشک صندل زراوند مدحرج سلیخه گل سرخ از هر یک دو
درم بسباسه پوست اترج درم زعفران پوست هلیله از هر یک یکدرم بهمن سرخ مشک خالص
عنبر اشهب از هر یک نیم دانگ عسل دو وزن همه که صد و چهار درم و هشت دانگ
ست معجون سازند شربت یک مثقال حمله سی و دو جزو یاقوتی بارد مقوی
ل و جمیع اعضای رئیسه صص یاقوت رمانی مروارید ناسفته کهربای شمعی از هر یک
ب مثقال و چهار دانگ مغز تخم کدو تخم خرفه مقشر گل گاوزبان گل سرخ کشنیز

